



نامه های دکتر مصدق

به کوشش: محمد ترکمان

نامه‌های دکتر مصدق

گردآورنده: محمد ترکمان

نشر

نشر هزاران

تهران - صندوق پستی ۱۵۸۷۵/۳۱۵۶

نامه‌های دکتر مصدق

محمد ترکمان

حروفچینی: آزمون؛ لیتوگرافی: تقویم؛ چاپ: آرمان؛ صحافی: هنر

چاپ اول: ۱۳۷۴؛ تیراژ: ۵۰۰۰ جلد

کلیه حقوق این اثر محفوظ و مخصوص ناشر است.

شابک: ۹۶۴-۹۰۰۳۷-۳-۸ ISBN: 964-90037-3-8

تقديم به:

مبلغان و شهيدان خط استقلال، آزادي، فرهنگ، تعادل، تساهل، انصاف و مدنيت



۱۳۳۰/۵/۹

شماره ۱۲۱۱۶

اداره کل باستان شناسی

یک جلد قرآن نفیس در زمان حیات اعلی حضرت نقید شهید ملک عبدالله پادشاه
رضوان جایگاه کشورهاشی اردن باینجانب هدیه شده است - اینجانب هم
برای بقای نام آن مغفور میرزا محمد مهدی از خود منسوب دادم که این یادگار
باید اردر گنجینه مخصوص قرآن جایگزین شده در منظر من قرار گیرد - دستور
فرمایدان کلام اله را در محلی مناسب با تعیین مشخصات جای دهند که کاملاً
مؤید است با مصالح مختلفان جلق شود بطوری ناجز و بی عیبت است -

نخست وزیر - دکتر محمد مصدق

۱۳۳۰/۵/۹
۸۲۷۷/۱۴۶
خوابگاه دکتر محمد مصدق نخست وزیر محترم ایران

نامه شماره ۱۲۹۹۶-۵۹۵۹۵ که بضمیمه قرآن اهدائی اعلی حضرت
مجلس علمیه آستان قدس رضوی در تهران، گمان کنایه است فرموده بودند و در منزل
و موجب کمال آستان و باینکه در وقتیکه مسلمانان باینکه در وقتیکه مسلمانان
قرآن نفیس مزبور به جهت حفظ و در محل مناسب در گنجینه قرآن قرار داد و مشخصات آن نیز تعیین
و ذکر کرده اند که بهر مورد اکتفا به اطلاع معتمدان واقع شود - سازمان عنایت مخصوص کمال آستان

دکتر محمد مصدق

دکتر محمد مصدق

دارد

نامه رهبر نهضت ملی ایران به اداره کل باستان شناسی راجع به اهداء یک جلد قرآن نفیس هدیه ملک
عبدالله پادشاه اردن به مشارالیه، جهت حفظ در «گنجینه مخصوص قرآن» اداره مذکور همراه با جواب وزیر
فرهنگ در ذیل نامه دکتر مصدق

فهرست مطالب

۲۵	 مقدمه
۳۳	 نامه دکتر مصدق به سالارالسلطان
۳۴	 ترجمه نامه دکتر مصدق به وثوق الدوله
۳۴	 نامه دکتر مصدق به روزنامه ایران
۳۵	 نامه دکتر مصدق به وزارت داخله
۳۶	 نامه دکتر مصدق به دکتر محمود افشار
۳۷	 ترجمه تلگراف دکتر مصدق از نوشتاتل در جواب تلگراف مشیرالدوله
۳۷	 نامه دکتر مصدق به برادرش
۳۹	 تلگراف دکتر مصدق به مشیرالدوله
۳۹	 تلگراف دکتر مصدق به سردار منصور سپهدار اعظم
۴۰	 تلگراف دکتر مصدق به رئیس الوزراء توسط متین الدوله
۴۱	 تلگراف دکتر مصدق به رئیس الوزراء
۴۲	 تلگراف دکتر مصدق در جواب دستخط تلگرافی احمدشاه
۴۲	 تلگراف دکتر مصدق به احمدشاه
۴۳	 نامه دکتر مصدق به صولةالدوله قشقائی
۴۴	 تلگراف دکتر مصدق به احمدشاه پس از مخالفت با دولت کودتا
۴۴	 نامه دکتر مصدق به صولةالدوله قشقائی
۴۵	 نامه دکتر مصدق به صولةالدوله قشقائی
۴۵	 جواب دکتر مصدق به نامه رئیس مجلس شورای ملی

۴۶	نامه دکتر مصدق به قوام السلطنه [رئیس‌الوزراء]
۴۶	کشف تلگراف رمز دکتر مصدق به وزارت داخله
۴۷	سواد تلگراف دکتر مصدق به رئیس‌الوزراء
۴۷	نامه دکتر مصدق به ریاست وزراء
۴۸	تلگراف دکتر مصدق به مشیرالدوله
۴۹	تلگراف دکتر مصدق به قوام السلطنه
۵۰	تلگراف دکتر مصدق به قوام السلطنه
۵۱	نامه دکتر مصدق به سپهبد امان‌الله جهانبانی
۵۱	تلگراف دکتر مصدق به قوام السلطنه
۵۲	نامه دکتر مصدق به یکی از وزراء
۵۲	تکذیب‌نامه دکتر مصدق و استفتاء از حجة الاسلام سیداسدالله خارقانی
۵۴	نامه دکتر مصدق به رئیس‌الوزراء
۵۴	نامه دکتر مصدق به وزیر داخله
۵۴	یادداشت دکتر مصدق به ریاست اداره اول وزارت امور خارجه
۵۵	نامه دکتر مصدق به ریاست مجلس شورای ملی
۵۵	نامه دکتر مصدق به رئیس مجلس شورای ملی
۵۵	نامه دکتر مصدق به ریاست مجلس شورای ملی
۵۶	نامه دکتر مصدق به رئیس مجلس شورای ملی
۵۶	نامه دکتر مصدق به کمیسیون عدلیه
۵۶	نامه دکتر مصدق به کمیسیون عدلیه
۵۷	نامه دکتر مصدق به رئیس مجلس شورای ملی
۵۷	نامه دکتر مصدق به ریاست موقتی مجلس شورای ملی
۵۸	نامه دکتر مصدق و جمعی از نمایندگان (منفردین) به رئیس مجلس
۵۸	نوشته دکتر مصدق خطاب به رئیس مجلس شورای ملی
۵۸	گزارش انتخاب هیئت رئیسه کمیسیون امور خارجه ...
۵۹	نامه دکتر مصدق به رئیس مجلس شورای ملی
۵۹	پاسخ دکتر مصدق به حاج آقا نورالله اصفهانی
۶۰	تلگراف دکتر مصدق به حاج آقا نورالله اصفهانی
۶۰	نامه دکتر مصدق به دبیرالممالک طوسی
۶۰	نامه دکتر مصدق در جواب به نامه تیمورتاش وزیر دربار
۶۱	جواب دکتر مصدق به تیمورتاش به وزیر دربار

۶۱	نامه دکتر مصدق به وزارت معارف
۶۲	نامه دکتر مصدق به دکتر میلیسپو رئیس کل دارائی
۶۴	نامه دکتر مصدق به ریاست مجلس شورای ملی
۶۵	نامه آقای دکتر مصدق به شاه
۶۶	نامه دکتر مصدق به روزنامه اقدام
۶۸	جواب دکتر مصدق به دومین نامه دکتر میلیسپو
۷۱	نامه دکتر مصدق به روزنامه اطلاعات
۷۲	نامه دکتر مصدق به سفیر اتحاد جماهیر شوروی در تهران
۷۵	نامه دکتر مصدق به نخست وزیر
۷۵	نامه دکتر مصدق به حسین مکی
۷۵	نامه دکتر مصدق و چند تن از نمایندگان اقلیت (دوره چهاردهم)
۷۶	نامه دکتر مصدق و رضا حکمت از سوی نمایندگان
۷۶	نامه دکتر مصدق و چند تن از نمایندگان اقلیت به ریاست مجلس شورای ملی
۷۷	نامه دکتر مصدق به حکیمی نخست وزیر
۷۸	نامه دکتر مصدق به نخست وزیر
۷۸	مراسله دکتر مصدق و جمعی از نمایندگان مجلس به حکیمی نخست وزیر
۷۹	نامه دکتر مصدق به حکیمی
۷۹	نامه دکتر مصدق به روزنامه اطلاعات
۸۰	نامه دکتر مصدق در پاسخ ایراد روزنامه اطلاعات
۸۲	نامه دکتر مصدق به اتاق بازرگانی تهران
۸۵	نامه دکتر مصدق به ریاست مجلس شورای ملی
۸۵	نامه دکتر مصدق در جواب نامه اتاق بازرگانی تهران
۹۰	نامه دکتر مصدق به قوام السلطنه
۹۳	نامه سرگشاده دکتر مصدق به قوام السلطنه
۹۴	پاسخ دکتر مصدق به اظهارات تدین در روزنامه اطلاعات
۱۰۰	نامه دکتر مصدق به روزنامه مظفر
۱۰۰	نامه دکتر مصدق به دادسرای تهران
۱۰۱	نامه دکتر مصدق به ناصر نجمی
۱۰۲	نامه دکتر مصدق به حسین مکی
۱۰۳	نامه دکتر مصدق در جواب به نامه سلطان‌العلمای زنجان
۱۰۳	نامه دکتر مصدق به نمایندگان دوره پانزدهم توسط حسین مکی

- نامه دکتر مصدق به حسین مکی ۱۰۴
- نامه دکتر مصدق به حسین مکی ۱۰۴
- یادداشت دکتر مصدق به اداره روزنامه شاهد ۱۰۵
- نامه دکتر مصدق به انجمن مرکزی ۱۰۵
- نامه دکتر مصدق درباره انتخابات مجلس سنا ۱۰۶
- یادداشت ارسالی دکتر مصدق به روزنامه اطلاعات ۱۰۸
- نامه دکتر مصدق به انجمن نظارت انتخابات تهران ۱۰۹
- نامه دکتر مصدق به هژیر ۱۱۲
- تکذیب دکتر مصدق در خصوص داوطلبی آیت‌الله غروی برای نمایندگی از بهبهان ۱۱۲
- نامه دکتر مصدق به دکتر محمود مصدق ۱۱۳
- نامه دکتر مصدق به فرماندار نظامی تهران ۱۱۴
- نامه دکتر مصدق به دکتر محمود مصدق ۱۱۴
- نامه دکتر مصدق به رئیس اداره کل شهربانی ۱۱۵
- نامه دکتر مصدق به جبهه ملی ایران ۱۱۵
- نامه دکتر مصدق در جواب نامه منشی جبهه ملی ۱۱۷
- نامه دکتر مصدق درباره مصاحبه مطبوعاتی ۱۱۸
- نامه دکتر مصدق به انجمن نظارت انتخابات ۱۱۹
- تکذیب نامه دکتر مصدق ۱۱۹
- نامه دکتر مصدق به انجمن نظارت مرکزی انتخابات تهران ۱۱۹
- نامه دکتر مصدق به انجمن نظارت مرکزی ۱۲۱
- نامه دکتر مصدق به وزیر دادگستری ۱۲۱
- نامه دکتر مصدق به انجمن مرکزی انتخابات دوره شانزدهم ۱۲۲
- نامه دکتر مصدق به نخست وزیر ۱۲۴
- نامه دکتر مصدق در جواب نامه دکتر قاسم غنی ۱۲۵
- نامه دکتر مصدق به وزیر دارائی درباره قانون املاک خالصه ۱۲۵
- نامه دکتر مصدق به یک خواننده روزنامه باختر امروز ۱۲۷
- نامه دکتر مصدق به حسین مکی ۱۲۸
- نامه دکتر مصدق به حسین مکی ۱۲۸
- نامه دکتر مصدق به حسین مکی ۱۲۸
- نامه دکتر مصدق به روزنامه ستاره ۱۲۸
- نامه دکتر مصدق به حسین مکی ۱۲۹

۱۲۹	نامه دکتر مصدق در جواب نامه دکتر سعید فاطمی
۱۳۰	نامه دکتر مصدق به مهندس حسینی
۱۳۰	نامه دکتر مصدق در اطراف قرارداد الحاقی نفت
۱۳۵	نامه دکتر مصدق در اطراف قرارداد داری و قرارداد الحاقی نفت
۱۴۱	نامه دکتر مصدق به مهندس حسینی
۱۴۱	نامه دکتر مصدق به حسین مکی
۱۴۱	نامه دکتر مصدق به حسین مکی
۱۴۱	نامه دکتر مصدق به حسین مکی
۱۴۲	یادداشت دکتر مصدق خطاب به حسین مکی
۱۴۲	نامه دکتر مصدق به سیروس حسین خبیری
۱۴۲	نامه دکتر مصدق به حسین مکی
۱۴۳	نامه دکتر مصدق به حسین مکی
۱۴۳	نامه دکتر مصدق به حسین مکی
۱۴۳	نامه دکتر مصدق به حسین مکی
۱۴۳	نامه دکتر مصدق به حسین مکی
۱۴۴	نامه دکتر مصدق به حسین مکی
۱۴۴	نامه دکتر مصدق به حسین مکی
۱۴۴	نامه دکتر مصدق به مهندس حسینی
۱۴۵	جواب دکتر مصدق به تلگراف مردم شیراز
۱۴۵	نامه دکتر مصدق به حسین مکی
۱۴۵	نامه دکتر مصدق به حسین مکی
۱۴۵	نامه دکتر مصدق به حسین مکی
۱۴۶	نامه دکتر مصدق به حسین مکی
۱۴۶	نامه دکتر مصدق به حسین مکی
۱۴۶	نامه دکتر مصدق به حسین مکی
۱۴۶	یادداشت دکتر مصدق به حسین مکی
۱۴۷	نامه دکتر مصدق به مردم قزوین
۱۴۷	نامه دکتر مصدق به حسین مکی
۱۴۷	نامه دکتر مصدق به حسین مکی
۱۴۸	یادداشت دکتر مصدق به حسین مکی
۱۴۸	نامه دکتر مصدق به دکتر سعید فاطمی

- نامه دکتر مصدق به ریاست مجلس شورای ملی ۱۴۹
- سؤال دکتر مصدق از کفیل وزارت دارائی ۱۴۹
- سؤال دکتر مصدق از نخست‌وزیر ۱۴۹
- جواب دکتر مصدق به نامه دکتر قاسم غنی ۱۵۰
- پیشنهاد دکتر مصدق به کمیسیون مخصوص نفت ۱۵۱
- نامه دکتر مصدق به مهندس حبیبی ۱۵۱
- نامه دکتر مصدق درباره لایحه نشر اسکناس ۱۵۲
- نامه دکتر مصدق به مهندس حبیبی ۱۶۰
- تلگراف دکتر مصدق و آیه‌الله کاشانی به نمایندگان کارگران نفت جنوب ۱۶۱
- نوشته دکتر مصدق روی پاکت محتوی وصیت‌نامه سپرده‌شده به مجلس ۱۶۱
- جواب دکتر مصدق به نامه خانم افتخارالملوک بیات ۱۶۱
- نامه دکتر مصدق به دکتر امیرعلائی ۱۶۲
- جواب دکتر مصدق به تلگراف اهالی رشت ۱۶۲
- مکتوب دکتر مصدق در جواب مرقومه آیت‌الله آقا میرزا سید حسن چهارسوقی ۱۶۲
- تلگراف دکتر مصدق در جواب تلگراف کارگران اعتصابی بندر شاهپور ۱۶۳
- نامه دکتر مصدق خطاب به سناتور خواجه نوری ۱۶۳
- جواب دکتر مصدق به تلگراف اعتصابیون ۱۶۴
- یادداشت دکتر مصدق در جلسه ۲۴۱ دوره شانزدهم مجلس شورای ملی ۱۶۴
- در نامه دکتر مصدق به ریاست دفتر مخصوص شاهنشاهی ۱۶۵
- نامه دکتر مصدق به شهربانی کل کشور ۱۶۵
- نامه دکتر مصدق به موریسون وزیر امور خارجه انگلستان ۱۶۵
- پاسخ دکتر مصدق به تلگراف دکتر سید احمد ابطحی ۱۶۶
- جواب دکتر مصدق به نامه دکتر سعید فاطمی ۱۶۷
- بخشنامه دکتر مصدق به وزارت‌خانه‌ها، ادارات مستقل، بانکها ۱۶۷
- نامه دکتر مصدق به دکتر امیرعلائی ۱۶۷
- نامه دکتر مصدق در جواب پیام آقای ترومن رئیس‌جمهور امریکا ۱۶۸
- تلگراف تشکرآمیز نخست‌وزیر به نماینده فوق‌العاده دولت در خوزستان ۱۷۱
- تلگراف دکتر مصدق به هیئت اعزامی به خوزستان ۱۷۱
- پاسخ دکتر مصدق به دو بانوی ایرانی ۱۷۲
- پاسخ دکتر مصدق به تلگراف اتحادیه جوانان حسینی ۱۷۲
- پاسخ دکتر مصدق به تلگراف اتحادیه رانندگان خراسان ۱۷۲

- نامه دکتر مصدق به آقای شپرد سفیرکبیر دولت پادشاهی انگلستان ۱۷۳
- تلگراف دکتر مصدق پس از دریافت تلگراف انجمن فارغ‌التحصیلان دانشسرایعالی ۱۷۳
- جواب دکتر مصدق به آیت‌الله حاج میرزا خلیل کمره‌ای ۱۷۳
- نامه دکتر مصدق به ترومن ۱۷۴
- نامه دکتر مصدق به دیوان بیگی ۱۷۶
- نامه تشکر دکتر مصدق به آیت‌الله چهارسوقی ۱۷۶
- نامه دکتر مصدق به مجلس شورای ملی ۱۷۶
- نامه دکتر مصدق به سرلشکر بقائی ۱۸۰
- جواب دکتر مصدق به نامه کارگران چاپخانه مصطفوی ۱۸۰
- تلگراف دکتر مصدق به حسین مکی ۱۸۱
- پاسخ دکتر مصدق به ریاست هیئت مدیره سندیکای ساختمانی شیراز ۱۸۱
- نامه دکتر مصدق درباره سرلشکر بقایی به وزارت جنگ ۱۸۲
- نامه دکتر مصدق در جواب سفیرکبیر امریکا در تهران ۱۸۲
- تلگراف دکتر مصدق در جواب حسین مکی ۱۸۲
- نامه دکتر مصدق در جواب نامه آیت‌الله چهارسوقی ۱۸۳
- نامه دکتر مصدق به رئیس مجلس شورای ملی ۱۸۳
- نامه دکتر مصدق به وزیر دارائی ۱۸۴
- نامه دکتر مصدق به حسین مکی ۱۸۴
- تلگراف جناب دکتر مصدق به نخست وزیر مصر ۱۸۵
- نامه دکتر مصدق به وزارت دارایی ۱۸۵
- تلگراف دکتر مصدق به علمای اصفهان ۱۸۶
- تلگراف دکتر مصدق به رشت درباره خرابی راهها ۱۸۶
- تلگراف دکتر مصدق به متحصنین آذربایجان ۱۸۷
- جواب دکتر مصدق به تلگراف حجج اسلام اصفهان ۱۸۷
- جواب دکتر مصدق به اهالی اصفهان ۱۸۸
- نامه دکتر مصدق به حکمت رئیس مجلس شورای ملی ۱۸۸
- نامه دکتر مصدق به ریاست مجلس سنا ۱۸۹
- رونوشت نامه دکتر مصدق به وزارت جنگ جهت آیه‌الله چهارسوقی ۱۸۹
- نامه دکتر مصدق در جواب نامه آیه‌الله چهارسوقی ۱۹۰
- نامه دکتر مصدق در جواب پیام وزیر دربار ۱۹۰
- نامه دکتر مصدق به مهندس حسینی ۱۹۱

- نامه دکتر مصدق در جواب نامه آقای غنی‌زاده ۱۹۱
- نامه دکتر مصدق به حسین مکی ۱۹۲
- نامه دکتر مصدق به ناصرقلی اردلان ۱۹۲
- نامه دکتر مصدق به اعضای هیئت مدیره موقت ۱۹۳
- نامه دکتر مصدق در جواب تلگراف ابوالقاسم امینی ۱۹۳
- جواب دکتر مصدق به نامه آقای ادیب برومند ۱۹۳
- پاسخ دکتر مصدق به تلگراف شهردار تهران ۱۹۴
- پاسخ تلگرافی دکتر مصدق به تلگراف آیت‌الله کاشانی ۱۹۴
- تلگراف دکتر مصدق از واشنگتن به آقای باقر کاظمی ۱۹۴
- تلگراف دکتر مصدق به کفیل نخست وزیری ۱۹۴
- تقدیرنامه دکتر مصدق خطاب به آقای نورالدین کیا ۱۹۵
- نامه دکتر مصدق در جواب مرقومه آیت‌الله چهارسوقی ۱۹۵
- متن نامه دکتر مصدق به رئیس‌جمهور امریکا قبل از ترک آن کشور ۱۹۵
- تلگراف دکتر مصدق به آیت‌الله چهارسوقی ۱۹۹
- تلگراف تشکر دکتر مصدق به ابوالقاسم امینی ۲۰۰
- نامه دکتر مصدق به غلامحسین رحیمیان ۲۰۰
- نامه دکتر مصدق به جمعیت اتحاد اسلام ۲۰۰
- تلگراف دکتر مصدق به حجة الاسلام سید محمدعلی انگجی ۲۰۱
- تلگراف دکتر مصدق در جواب تلگراف اهالی اصفهان ۲۰۱
- تلگراف دکتر مصدق به مهندس روحانی ۲۰۱
- نامه دکتر مصدق به شمس‌الدین عالمی ۲۰۱
- جواب دکتر مصدق به نامه استاد دهخدا ۲۰۲
- تلگراف دکتر مصدق به دکتر محیی ۲۰۲
- جواب دکتر مصدق به استعفانامه دکتر سیدحسین فاطمی از معاونت نخست‌وزیر ۲۰۲
- تقدیرنامه دکتر مصدق خطاب به دکتر فلاّح ۲۰۳
- مکتوب دکتر مصدق به آیت‌الله حاج شیخ علی مدرس تهرانی ۲۰۳
- نامه دکتر مصدق به وارن رئیس اصل چهار در ایران ۲۰۴
- جواب دکتر مصدق به تلگراف حجة الاسلام انگجی ۲۰۴
- تلگراف آقای دکتر مصدق به آقای حاجی غفار راجع به خرید اوراق قرضه ملی ۲۰۴
- تلگراف دکتر مصدق به جبهه ملی آذربایجان ۲۰۵
- تلگراف دکتر مصدق به جمعیت وحدت ملی ۲۰۵

۲۰۵	بخشنامه دکتر مصدق به استانداران و فرمانداران
۲۰۵	نامه دکتر مصدق به غضنفر علیخان سفیرکبیر پاکستان
۲۰۶	پاسخ دکتر مصدق به تلگراف آقای احمد نجد سمعی
۲۰۶	نامه دکتر مصدق به رئیس مجلس شورای ملی
۲۰۷	مکتوب دکتر مصدق به آیت‌الله حاج شیخ علی مدرس تهرانی
۲۰۷	جواب دکتر مصدق به تلگراف همدردی نحاس پاشا پس از...
۲۰۸	نامه دکتر مصدق به اللهیار صالح
۲۰۸	نامه دکتر مصدق به مهندس حسینی
۲۰۸	نامه دکتر مصدق به مهندس حسینی
۲۰۹	تلگراف دکتر مصدق به اصفهان
۲۰۹	نامه دکتر مصدق به شعبه دوم مجلس شورای ملی
۲۱۱	تلگراف دکتر مصدق در جواب تبریک عید مبعث
۲۱۱	نامه دکتر مصدق به مهندس حسینی
۲۱۱	پاسخ دکتر مصدق به تلگراف پشتیبانی پزشکان و کارمندان بهداری استان دهم
۲۱۲	پاسخ دکتر مصدق به تلگراف انجمن زرتشتیان یزد
۲۱۲	نامه دکتر مصدق به جمعیت اتحاد اسلام
۲۱۲	تلگراف دکتر مصدق به آیت‌الله چهارسوقی
۲۱۳	پاسخ دکتر مصدق به تلگراف حضرات آقایان...
۲۱۳	نامه دکتر مصدق به مجلس شورای ملی
۲۱۳	جواب دکتر مصدق به تلگراف آیت‌الله سید محمد تقی خوانساری
۲۱۴	تلگراف دکتر مصدق به آیت‌الله چهارسوقی
۲۱۴	نامه تشکر و قدردانی دکتر مصدق از سر تیپ کمال توسط سپهبد یزدان پناه
۲۱۴	جواب دکتر مصدق به نامه مدیر نشریه اتحاد ملی
۲۱۵	پاسخ دکتر مصدق به یک تلگراف توسط ابراهیم نبیل سمعی
۲۱۵	نامه دکتر مصدق در جواب نامه نوری السعید
۲۱۵	تلگراف دکتر مصدق به آیت‌الله چهارسوقی
۲۱۶	نامه دکتر مصدق در جواب مرقومه آیت‌الله کاشانی
۲۱۶	جواب دکتر مصدق به مکتوب آیت‌الله چهارسوقی
۲۱۶	جواب دکتر مصدق به نامه آیت‌الله کاشانی
۲۱۷	جواب دکتر مصدق به حسین ضرابی
۲۱۷	نامه دکتر مصدق در پاسخ توتونکاران گیلان

- ۲۱۷..... تلگراف دکتر مصدق به رئیس هیئت نمایندگی ایران...
- ۲۱۸..... نامه دکتر مصدق به یک جوان آبادانی.....
- ۲۱۸..... نامه دکتر مصدق به مجلس راجع به لایحه امنیت ملی.....
- ۲۲۰..... یادداشت دکتر مصدق به وزارت کشور.....
- ۲۲۰..... یادداشت دکتر مصدق به وزارت کشور.....
- ۲۲۱..... نامه دکتر مصدق به نویسنده کتاب شهدای.....
- ۲۲۱..... نامه دکتر مصدق به دکتر امیرعلایی.....
- ۲۲۲..... نامه دکتر مصدق به وزارت خانه‌های دادگستری و کشور و شهربانی.....
- ۲۲۲..... مکتوب دکتر مصدق به آیت‌الله بروجردی.....
- ۲۲۲..... مضمون تلگراف دکتر مصدق به مراجع قم.....
- ۲۲۳..... نامه دکتر مصدق به مجلس شورای ملی.....
- ۲۲۳..... مضمون نامه دکتر مصدق به وزارت دادگستری.....
- ۲۲۳..... پاسخ دکتر مصدق به تلگراف همدردی عدنان مندرس.....
- ۲۲۴..... پاسخ دکتر مصدق به پیام همدردی امین‌الحسینی مفتی فلسطین.....
- ۲۲۴..... پاسخ دکتر مصدق به رئیس انجمن پاکستانی دوستداران ایران.....
- ۲۲۴..... پاسخ دکتر مصدق به نامه آقای خلعتبری.....
- ۲۲۴..... نامه دکتر مصدق در جواب نامه ریاست مجلس شورای ملی.....
- ۲۲۵..... نامه دکتر مصدق در پاسخ نامه ریاست مجلس شورای ملی.....
- ۲۲۶..... تلگراف دکتر مصدق به مرحوم استاد شریعتی و دیگر رهبران مبارزات.....
- ۲۲۶..... نامه دکتر مصدق در جواب مرقومه ریاست مجلس شورای ملی.....
- ۲۲۷..... پاسخ دکتر مصدق به تیمسار دولو.....
- ۲۲۷..... نامه دکتر مصدق به مهندس رضوی نایب رئیس مجلس شورای ملی.....
- ۲۲۸..... تسلیت نامه دکتر مصدق به خانواده شهید سرتیپ افشارطوس.....
- ۲۲۸..... نامه دکتر مصدق در جواب نامه ریاست مجلس شورای ملی.....
- ۲۲۹..... نامه دکتر مصدق به دکتر بوکمان.....
- ۲۲۹..... نامه دکتر مصدق به ریاست مجلس شورای ملی.....
- ۲۳۰..... نامه دکتر مصدق به استاد بهمنیار.....
- ۲۳۰..... پاسخ دکتر مصدق به نامه مدیر سازمان اسلامی.....
- ۲۳۱..... نامه دکتر مصدق به انجمن فرهنگ ایران.....
- ۲۳۱..... نمونه کارت دعوت دکتر مصدق از نمایندگان.....
- ۲۳۱..... نامه دکتر مصدق به وارن.....

۲۳۲	نامه دکتر مصدق به دکتر امیر علانی ..
۲۳۲	پاسخ دکتر مصدق به جمعیت وحدت ملی (تبریز)
۲۳۳	متن نامه مصدق به ژنرال آیزنهاور ..
۲۳۴	نامه دکتر مصدق به وزارت کشور ..
۲۳۵	نامه دکتر مصدق به وزارت دفاع ملی ..
۲۳۶	پاسخ دکتر مصدق به تلگراف جمعیت مرکزی اصلاح طلبان فارس ..
۲۳۶	تلگراف دکتر مصدق در پاسخ تلگراف صنف قهوه‌چی ..
۲۳۶	رونوشت تلگراف نخست‌وزیر در پاسخ تلگراف سندیکا ..
۲۳۷	نامه دکتر مصدق به مهندس حسینی ..
۲۳۷	نامه دکتر مصدق به دکتر سیف پورفاطمی ..
۲۳۷	تلگراف دکتر مصدق به دکتر سیف پورفاطمی ..
۲۳۸	جواب دکتر مصدق به آیت‌الله کلباسی ..
۲۳۸	نامه دکتر مصدق به وزارت کشور ..
۲۳۹	پاسخ دکتر مصدق به نامه خلعتبری ..
۲۳۹	نامه دکتر مصدق به استانداری استان هفتم ..
۲۴۰	نامه دکتر مصدق به وزارت دربار ..
۲۴۰	جواب دکتر مصدق به دستخط شاه در شب کودتای ۲۵ مرداد ۳۲ ..
۲۴۰	نامه دکتر مصدق به ستاد ارتش ..
۲۴۱	نامه دکتر مصدق به وزارت کشور ..
۲۴۱	جواب دکتر مصدق به تلگراف محمدرضا آشتیانی‌زاده ..
۲۴۲	نامه منسوب به دکتر مصدق در جواب نامه منسوب به آیه‌الله کاشانی ..
۲۴۲	نامه دکتر مصدق به هیئت وزیران دولت کودتا ..
۲۴۳	نامه دکتر مصدق به دادگاه نظامی ..
۲۴۳	نامه دکتر مصدق به دادگاه تجدیدنظر نظامی ..
۲۴۴	نامه دکتر مصدق به سرلشکر جوادى ..
۲۴۵	یادداشت دکتر مصدق پس از دریافت نامه دادگاه تجدیدنظر ..
۲۴۵	نامه دکتر مصدق به سرلشکر هدایت ..
۲۴۷	نامه دکتر مصدق به سرلشکر جوادى ..
۲۴۸	وکالت‌نامه دکتر مصدق جهت معرفی آقایان حسن صدر، بهرام مجدزاده و... ..
۲۴۸	یادداشت دکتر مصدق از زندان لشکر دو زرهی درباره فرجام‌خواهی... ..
۲۴۹	جواب دکتر مصدق به اظهارنامه جعفر وجدانی ..

۲۴۹	نامه دکتر مصدق به دیوان عالی کشور
۲۵۰	نامه دکتر مصدق به دیوان عالی کشور
۲۵۱	جواب دکتر مصدق به نامه علی هیئت رئیس دیوان عالی کشور
۲۵۳	نامه دکتر مصدق به ریاست دیوان عالی کشور
۲۵۶	نامه دکتر مصدق به علی هیئت ریاست دیوان عالی کشور
۲۶۱	نامه دکتر مصدق به علی هیئت ریاست دیوان عالی کشور
۲۶۲	اعلام جرم دکتر مصدق خطاب به علی هیئت رئیس دیوان عالی کشور
۲۶۵	نامه دکتر مصدق به اخوی وزیر دادگستری
۲۶۶	نامه دکتر مصدق به گلشائیان وزیر دادگستری
۲۶۹	نامه دکتر مصدق به رضا تجدد سرپرست دیوان عالی کشور
۲۶۹	نامه دکتر مصدق به دیوان عالی کشور
۲۷۰	نامه دکتر مصدق به دیوان عالی کشور
۲۷۰	نامه دکتر مصدق به سرلشکر آزموده دادستان ارتش
۲۷۰	نامه دکتر مصدق به سرلشکر آزموده دادستان ارتش
۲۷۲	جواب دکتر مصدق به نامه سرلشکر آزموده دادستان ارتش
۲۷۴	نامه دکتر مصدق به شیخ باقر نهاوندی
۲۷۴	کارت تبریک دکتر مصدق به مهندس جهانگیر حق‌شناس
۲۷۴	جواب دکتر مصدق به نامه مهندس جهانگیر حق‌شناس
۲۷۵	نامه دکتر مصدق به آقای علی مراد فراشبندی
۲۷۵	دستخط دکتر مصدق به مهندس احمد مصدق
۲۷۵	یادداشت دکتر مصدق
۲۷۶	نامه دکتر مصدق به دکتر محمود مصدق
۲۷۶	نامه دکتر مصدق به ابوالحسن دیبا
۲۷۸	نامه دکتر مصدق به مهندس احمد مصدق
۲۷۸	نامه دکتر مصدق به مهندس احمد مصدق
۲۸۰	جواب دکتر مصدق به تبریک نوروزی آقای داریوش فروهر
۲۸۰	نامه دکتر مصدق به خانم قدسی مظفری
۲۸۰	نامه دکتر مصدق به آقای کیومرث راستین
۲۸۱	نامه دکتر مصدق به خانم قدسی مظفری
۲۸۱	نامه تشکر دکتر مصدق به خانم قدسی مظفری
۲۸۱	نامه دکتر مصدق به مهندس احمد مصدق

۲۸۱	نامه دکتر مصدق به مهندس احمد مصدق
۲۸۲	جواب دکتر مصدق به نامه مهندس جهانگیر حق‌شناس
۲۸۲	نامه دکتر مصدق به خانم قدسی مظفری
۲۸۲	نامه دکتر مصدق به دکتر محمود مصدق
۲۸۳	نامه دکتر مصدق به خانم قدسی مظفری
۲۸۳	نامه دکتر مصدق به مهندس احمد مصدق
۲۸۳	نامه دکتر مصدق به خانم قدسی مظفری
۲۸۴	نامه دکتر مصدق به مهندس احمد مصدق
۲۸۴	نامه دکتر مصدق به مهندس احمد مصدق
۲۸۴	نامه دکتر مصدق به مهندس احمد مصدق
۲۸۵	نامه دکتر مصدق به مهندس احمد مصدق
۲۸۵	قسمتی از یک نامه خصوصی دکتر مصدق
۲۸۶	نامه دکتر مصدق به آقای حسن عنایت
۲۸۶	جواب دکتر مصدق به نامه خواهر شهید دکتر فاطمی
۲۸۶	نامه دکتر مصدق به خواهر شهید دکتر فاطمی
۲۸۷	جواب دکتر مصدق به نامه مهندس جهانگیر حق‌شناس
۲۸۷	پاسخ دکتر مصدق به دکتر سعید فاطمی
۲۸۷	پاسخ دکتر مصدق به تبریک دکتر سعید فاطمی
۲۸۸	پاسخ دکتر مصدق به تبریک دکتر ابراهیم یزدی
۲۸۸	نامه دکتر مصدق به مهندس احمد مصدق
۲۸۸	پاسخ دکتر مصدق به نامه مهندس مهدی بازرگان
۲۸۹	قسمتی از یک نامه خصوصی دکتر مصدق
۲۸۹	نامه دکتر مصدق به حسن صدر
۲۹۰	پاسخ دکتر مصدق به مرقومه دکتر سعید فاطمی
۲۹۰	نامه دکتر مصدق به خلیل ملکی
۲۹۱	نامه دکتر مصدق به جامعه سوسیالیست‌ها
۲۹۱	جواب دکتر مصدق به نامه اللهیار صالح
۲۹۱	نامه دکتر مصدق به دکتر علی شریعتمداری
۲۹۲	نامه دکتر مصدق به
۲۹۲	نامه دکتر مصدق به مهندس کاوه فرمانفرمائیان
۲۹۲	جواب دکتر مصدق به نامه آقای حسین راضی

- نامه دکتر مصدق در جواب مرقومه محمدرحیم عطایی ۲۹۳
- نامه دکتر مصدق به دکتر سعید فاطمی ۲۹۳
- نامه دکتر مصدق در جواب نامه دکتر ابراهیم یزدی ۲۹۳
- نامه دکتر مصدق در جواب مرقومه خانم پروانه فروهر ۲۹۴
- جواب دکتر مصدق به مرقومه آقای داریوش فروهر ۲۹۴
- نامه دکتر مصدق در جواب به نامه حسن صدر ۲۹۵
- جواب دکتر مصدق به نامه مهندس جهانگیر حق‌شناس ۲۹۵
- نامه دکتر مصدق در جواب نامه کنفدراسیون دانشجویان ایرانی در خارج از کشور ۲۹۵
- نامه دکتر مصدق به مظفر فیروز در جواب کارت تبریک او ۲۹۶
- نامه دکتر مصدق به آقای حسین راضی ۲۹۶
- نامه دکتر مصدق به جامعه سوسیالیست‌های ایرانی در اروپا ۲۹۷
- نامه تشکر دکتر مصدق به جبهه ملی ایرانیان مقیم انگلستان ۲۹۷
- نامه دکتر مصدق در جواب نامه مهندس جهانگیر حق‌شناس ۲۹۸
- نامه دکتر مصدق به خسرو قشقایی ۲۹۸
- نامه دکتر مصدق به شیخ مصطفی رهنما ۲۹۹
- نامه دکتر مصدق در جواب نامه شورای جبهه ملی ایران مقیم امریکا ۲۹۹
- نامه دکتر مصدق در جواب نامه اللهیار صالح ۳۰۰
- نامه دکتر مصدق در جواب پیام کنگره جبهه ملی ایران در اروپا ۳۰۰
- نامه دکتر مصدق در جواب نامه محمود تفضلی ۳۰۱
- نامه دکتر مصدق به مدیر روزنامه باختر امروز در خارج از کشور ۳۰۱
- نامه دکتر مصدق در جواب به نویسنده رساله نسل جوان و جبهه ملی ۳۰۳
- نامه دکتر مصدق در جواب پیام فدراسیون دانشجویان ایرانی ۳۰۴
- نامه دکتر مصدق در جواب مرقومه آقای ادیب برومند ۳۰۴
- دستخط دکتر مصدق به ۳۰۵
- پیام دکتر مصدق به کنگره جبهه ملی ایران ۳۰۵
- جواب دکتر مصدق به مرقومه دکتر سعید فاطمی ۳۰۶
- نامه دکتر مصدق در جواب مرقومه دکتر سعید فاطمی ۳۰۷
- نامه دکتر مصدق در جواب به نامه خانم پروانه فروهر ۳۰۷
- نامه دکتر مصدق در جواب نامه آقای سید علی فدکی ۳۰۸
- نامه دکتر مصدق در جواب نامه دکتر ابراهیم یزدی ۳۰۸
- جواب دکتر مصدق به نامه خانم پروانه فروهر ۳۰۸

- نامه دکتر مصدق در جواب تیریک آقای داریوش فروهر ۳۰۹
- پاسخ دکتر مصدق به نامه اکثریت دانشجویان در کنگره نمایندگان ۳۰۹
- نامه دکتر مصدق در جواب سپهبد امیراحمدی ۳۰۹
- نامه دکتر مصدق در جواب مرقومه نمایندگان کارگران دخانیات، کشتارگاه و... ۳۱۰
- جواب دکتر مصدق به پیام دومین کنگره کنفدراسیون محصلین و دانشجویان ایرانی ۳۱۱
- نامه دکتر مصدق در جواب نامه دکتر امیرعلائی ۳۱۱
- نامه دکتر مصدق در جواب نامه... ۳۱۲
- نامه دکتر مصدق در جواب... ۳۱۲
- نامه دکتر مصدق در پاسخ نامه سازمان دانشجویان جبهه ملی ۳۱۳
- نامه دکتر مصدق به دکتر محمود مصدق ۳۱۴
- نامه دکتر مصدق به مسئولین سازمان محلات سابق جبهه ملی ایران ۳۱۴
- دستخط دکتر مصدق به ۳۱۵
- نامه دکتر مصدق در جواب مرقومه ۳۱۵
- نامه دکتر مصدق در جواب نامه کمیته سازمان دانشجویان جبهه ملی ایران ۳۱۶
- جواب دکتر مصدق به نامه خانم پروانه فروهر ۳۱۶
- نامه دکتر مصدق در جواب... ۳۱۷
- نامه دکتر مصدق به هیأت اجرایی سازمانهای اروپائی جبهه ملی ایران ۳۱۷
- نامه دکتر مصدق در جواب مرقومه آقای ادیب برومند ۳۱۹
- نامه دکتر مصدق در جواب نامه آقای داریوش فروهر ۳۱۹
- نامه دکتر مصدق در جواب نامه کمیته سازمان دانشجویان جبهه ملی ایران ۳۲۰
- نامه دکتر مصدق در جواب به نامه مظفر فیروز ۳۲۳
- نامه دکتر مصدق به یکی از رهبران جبهه ملی ۳۲۳
- نامه دکتر مصدق در جواب نامه اعضاء هیأت اجرایی و... ۳۲۴
- نامه دکتر مصدق به مهندس حسینی ۳۲۷
- نامه دکتر مصدق به سازمان دانشجویان جبهه ملی ایران ۳۲۷
- نامه دکتر مصدق در جواب نامه هیأت اجرایی سازمانهای اروپائی ۳۲۷
- نامه دکتر مصدق در جواب نامه سازمان دانشجویان جبهه ملی ایران ۳۲۸
- نامه دکتر مصدق در جواب به... ۳۲۸
- نامه دکتر مصدق به دکتر علی شریعتمداری ۳۲۹
- نامه دکتر مصدق در جواب نامه شورای مرکزی جبهه ملی ایران ۳۲۹
- نامه دکتر مصدق به اللهیار صالح ۳۳۱

- نامد دکتر مصدق به سازمان دانشجویان جبهه ملی ایران ۲۳۲
- دستخط دکتر مصدق خطاب به کارگران ایران ۲۳۲
- نامد دکتر مصدق به مهندس احمد مصدق ۲۳۳
- نامد دکتر مصدق به مهندس احمد مصدق ۲۳۳
- نامه دکتر مصدق در جواب نامه هیأت اجرائی سازمانهای... ۲۳۴
- نامد دکتر مصدق به آقایان محمدتقی عینکچی و اخوان ۲۳۵
- نامه دکتر مصدق در جواب نامه دکتر سید علی شایگان ۲۳۵
- نامد دکتر مصدق به حسنعلی منصور ۲۳۷
- نامه دکتر مصدق در جواب مرقومه آقای شیخ مصطفی رهنما ۲۳۸
- تسلیت نامه دکتر مصدق به خانم افتخارالملوک بیات ۲۳۸
- نامد دکتر مصدق به دکتر غلامحسین صدیقی ۲۳۸
- نامه دکتر مصدق در جواب نامه هیأت اجرائی سازمانهای اروپائی ۲۳۹
- جواب دکتر مصدق به نامه مهندس جهانگیر حق شناس ۲۴۰
- نامد دکتر مصدق در جواب نامه... .. ۲۴۱
- نامد دکتر مصدق در جواب نامه خانم پروانه فروهر ۲۴۱
- نامد دکتر مصدق به سازمان دانشجویان جبهه ملی ایران ۲۴۱
- نامه دکتر مصدق در جواب نامه رهبران جامعه سوسیالیست‌های نهضت ملی ۲۴۲
- نامه دکتر مصدق به ابوالحسن دیبا ۲۴۲
- نامه تسلیت دکتر مصدق به خانم قدسی مظفری ۲۴۳
- نامد دکتر مصدق در جواب نامه هیأت اجرایی... ۲۴۳
- جواب دکتر مصدق به نامه مهندس جهانگیر حق شناس ۲۴۴
- نامد دکتر مصدق به دکتر غلامحسین صدیقی ۲۴۴
- نامد دکتر مصدق در جواب به نامه تسلیت... ۲۴۵
- جواب دکتر مصدق به تسلیت رسا ۲۴۵
- نامد دکتر مصدق در جواب مرقومه آقای ادیب برومند ۲۴۵
- نامد دکتر مصدق در جواب نامه ۲۶ ژوئیه ۱۹۶۵ ۲۴۶
- یادداشت دکتر مصدق پس از دریافت خبر فوت نحاس پاشا ۲۴۷
- سواد جواب دکتر مصدق به تسلیت خانم مریم فیروز ۲۴۷
- نامد دکتر مصدق به حسن عنایت ۲۴۸
- نامد دکتر مصدق به مهندس عبدالعلی بازرگان ۲۴۸
- نامد دکتر مصدق به سید مهدی فرخ ۲۴۹

۲۴۹	نامه دکتر مصدق در جواب مرقومه آقای ادیب برومند
۲۵۰	نامه دکتر مصدق در جواب نامه دکتر سعید فاطمی
۲۵۰	جواب دکتر مصدق به کارت تبریک ارسالی آقای شیخ مصطفی رهنما
۲۵۰	نامه دکتر مصدق به مهندس احمد مصدق
۲۵۱	نامه دکتر مصدق در جواب نامه آقای ایرج افشار
۲۵۱	نامه دکتر مصدق به مهندس احمد مصدق
۲۵۲	نامه دکتر مصدق در جواب نامه مهندس جهانگیر حق شناس
۲۵۲	نامه دکتر مصدق در جواب مرقومه دکتر سعید فاطمی
۲۵۳	جواب دکتر مصدق به نامه تبریک
۲۵۳	نامه دکتر مصدق به دکتر غلامحسین صدیقی
۲۵۳	نامه دکتر مصدق به مهندس احمد مصدق
۲۵۴	نامه دکتر مصدق به مهندس احمد مصدق
۲۵۴	نامه دکتر مصدق به مهندس احمد مصدق
۲۵۵	نامه دکتر مصدق به خانم پروانه فروهر
۲۵۵	نامه دکتر مصدق به مهندس حبیبی
۲۵۵	نامه دکتر مصدق در جواب نامه تبریک بانو مهین فیروز
۲۵۶	نامه دکتر مصدق در جواب نامه آقای داریوش فروهر
۲۵۶	پاسخ نامه ۲۱ آذر آقای داریوش فروهر توسط دکتر مصدق
۲۵۶	جواب دکتر مصدق به رسا
۲۵۷	نامه دکتر مصدق در جواب مرقومه خانم پروانه فروهر
۲۵۷	نامه دکتر مصدق در جواب مرقومه آقای ادیب برومند
۲۵۷	نامه دکتر مصدق به کمیته مرکزی جامعه سوسیالیست‌های ایرانی در اروپا
۲۵۸	نامه دکتر مصدق در جواب مرقومه مهندس حبیبی
۲۵۸	نامه دکتر مصدق به آقای ایرج افشار

نامه‌های بدون تاریخ

۲۵۹	نامه دکتر مصدق به وزارت داخله
۲۵۹	جواب دکتر مصدق به انتشارات ترجمان‌الدوله، فهم‌الدوله
۲۶۰	نامه دکتر مصدق به عبدالحسین فرمانفرما
۲۶۱	تکذیب‌نامه دکتر مصدق
۲۶۱	یادداشت دکتر مصدق به حسین مکی

۳۶۱	 نامه دکتر مصدق به حسین مکی
۳۶۲	 نامه دکتر مصدق به حسین مکی
۳۶۲	 نامه دکتر مصدق به حسین مکی
۳۶۲	 نامه دکتر مصدق به مهندس حبیبی
۳۶۳	 نامه دکتر مصدق به مهندس حبیبی
۳۶۳	 نامه دکتر مصدق رئیس کمیسیون مختلط همکاری مجلسین
۳۶۳	 نامه دکتر مصدق به آقای تاج
۳۶۴	 پیشنهاد جمعی از نمایندگان و دکتر مصدق به کمیسیون بودجه
۳۶۴	 نامه دکتر مصدق به حسین مکی
۳۶۵	 نامه دکتر مصدق به خانم قدسی مظفری
۳۶۵	 نامه دکتر مصدق به مهندس احمد مصدق
۳۶۵	 دستخط دکتر مصدق به مهندس احمد مصدق
۳۶۵	 نامه دکتر مصدق به مهندس احمد مصدق
۳۶۶	 نامه دکتر مصدق به مهندس احمد مصدق
۳۶۷	 نامه دکتر مصدق به مهندس احمد مصدق
۳۶۷	 نامه دکتر مصدق به مهندس احمد مصدق
۳۶۷	 نامه دکتر مصدق به مهندس احمد مصدق
۳۶۸	 نامه دکتر مصدق به مهندس احمد مصدق
۳۶۸	 نامه دکتر مصدق به مهندس احمد مصدق
۳۶۹	 نامه دکتر مصدق به مهندس احمد مصدق
۳۶۹	 نامه دکتر مصدق به مهندس احمد مصدق
۳۷۰	 نامه دکتر مصدق به مهندس احمد مصدق
۳۷۰	 نامه دکتر مصدق به مهندس احمد مصدق
۳۷۱	 نامه دکتر مصدق به مهندس احمد مصدق
۳۷۱	 نامه دکتر مصدق به مهندس احمد مصدق
۳۷۲	 نامه دکتر مصدق به مهندس احمد مصدق
۳۷۲	 نامه دکتر مصدق به مهندس احمد مصدق
۳۷۳	 نامه دکتر مصدق به مهندس احمد مصدق
۳۷۳	 وکالت نامه دکتر مصدق به آقای نصرت الله امینی
۳۷۳	 نامه دکتر مصدق به مهندس احمد مصدق
۳۷۳	 نامه دکتر مصدق به مهندس احمد مصدق

۳۷۴	نامه دکتر مصدق به مهندس احمد مصدق
۳۷۴	نامه دکتر مصدق به مهندس احمد مصدق
۳۷۵	نامه دکتر مصدق به مهندس احمد مصدق
۳۷۵	تلگراف دکتر مصدق
۳۷۵	نوشته دکتر مصدق درباره درخواست ملاقات خبرنگار هندی
۳۷۶	جواب دکتر مصدق به مرقومه خانم پروانه اسکندری (فروهر)
۳۷۶	یادداشت دکتر مصدق راجع به شهید سید حسین فاطمی
۳۷۶	وصیت‌نامه دکتر محمد مصدق
۳۷۹	فهرست موضوعی نامه‌ها
۳۹۵	منابع و مأخذ
۴۱۳	اسناد
۴۱۹	تصاویر
۴۲۵	فهرست اعلام

سائلی را گفت آن پیر کهن
چند از مردان حق گویی سخن
گفت خوش آید زبان را بر دوام
تا بگوید حرف ایشان را مدام
گر نسیم زیشان از ایشان گفته‌ام
خوشدلتم کاین قصه از جان گفته‌ام
گر ندارم از شکر جز نام بهر
این بسی بهتر که اندر کام زهر^۱

مقدمه

در این مجموعه تعداد ۵۵۳ نامه و دستخط از دکتر محمد مصدق رهبر نهضت ملی ایران و یکی از مفاخر شرق و دنیای اسلام تقدیم علاقمندان می‌گردد. آغازین مکتوب تاریخ ۲۰ جمادی‌الثانی ۱۳۲۷. ه‍.ق (= تیر ۱۲۸۸ ه‍.ش) را بر پیشانی دارد و فرجامین مراسله در اسفندماه ۱۳۴۵ ش، چند روز قبل از درگذشت آن مرد بزرگ تحریر شده است.

طیف وسیعی از افراد و جمعیت‌ها مخاطب این نامه‌ها می‌باشند که از جمله از: دوستان؛ اعضای خانواده؛ دولتمردان داخلی و خارجی؛ عالمان دینی، مطبوعات؛ همراهان و مبارزان؛ مخالفان نهضت ملی و عوامل حکومت‌های منبعث از کودتای انگلیسی-امریکایی و ارتجاعی ۲۸ مرداد ۳۲ و ... می‌توان نام برد. در تعبیر سنت تاریخی و ادب ایران زمین اکثر این نامه‌ها ذیل عناوین: اخوانیات؛ دیوانیات و سلطانیات شناخته می‌شده است.

مضمون مشترک و اندیشه و تفکری که در این مکتوبات - همچون سایر آثار آن بزرگ، چشم را می‌نوازد؛ روان را به وجد می‌آورد؛ سالک طریق استقلال و آزادی را عبرت می‌آموزد؛ آگاهی می‌بخشد؛ دلیری و حریت می‌افزاید و در سالک از بیعت با او غیرت و شهامت و یقین و افتخار

می‌آفریند عبارت است از: تعالی روحی و اخلاقی؛ آگاهی و خردمندی؛ میهن دوستی و فرهنگ پروری؛ عرق ملی و دینی؛ حرکت در خط صلاح و فلاح و تعادل؛ نگاه به درون؛ تقدم مصالح ملی و اجتماعی بر منافع فردی و گروهی؛ نقد خردمندانه خود و گذشته و جانبداری از: استقلال و آزادی؛ حاکمیت قانون؛ نهادهای مدنی؛ تفکیک قوا؛ تجمع و تحزب؛ دفاع از میهن تاریخی و جغرافیایی؛ زبانی و فرهنگی؛ دینی و عقیدتی و در چشم اندازی وسیع تر همبستگی با انسانیت مظلوم در پهنه گیتی و مبارزه با: رذائل اخلاقی و تدنی روحی و جهالت؛ تحمیق و فریب مردمان؛ خشونت؛ نگاه به بیرون؛ تضعیف مبانی ذهنی و عینی استقلال کشور و به بیانی دیگر این مجموعه نیست مگر کارنامه روشن و تابناک و مستمر و بردوام یک عمر حق طلبی و اصول گرایی؛ استعمار ستیزی و استبداد سوزی در احوال مختلف؛ در محکومیت و حاکمیت؛ در مجلس شورای ملی در مقام وکالت شهروندان و در زندان در مقام زندانی سیاسی؛ در وزارت و در نخست وزیری؛ در بیدادگاههای استعمار ساخته و در تبعید قلعه احمدآباد، در طول شصت سال، از عنفوان جوانی در اروپا تا پسین روزهای حیات مادی در بیمارستان مادر پرهیزکار و فرهیخته و با ایمانش مرحومه خانم نجم السلطنه، مسمی به «نجمیه».

دکتر مصدق خلف الصدق رهروان خط اصلاح طلبی در تاریخ دو سده اخیر میهن است. خطی که بر دیباچه دفتر آن نام بزرگانی چون میرزا ابوالقاسم قایم مقام فراهانی و میرزا تقی خان امیرکبیر شهیدان گرانقدر راه استقلال و ترقی و پیشرفت ملت ایران می‌درخشد. دکتر مصدق سلف صالح پویندگان آن طریق و سالکان آن راه پرفراز و نشیب تا امروز و روزهای آینده بوده و خواهد بود.

از میان منادیان و دعوت کنندگان به ترقی و تعالی و بهروزی در دوسده اخیر آنچه خط اصلاح طلبی را از دیگر خطوط - با عنایت به طیف گسترده و بعضاً متخالف آنان و بدون توجه به انگیزه‌ها و داوری در صحت و سقم دعوی آنان - متمایز ساخته است، از جمله شاخصه‌هایی است به شرح زیر که وجه اتم و اکمل آن در چهره دکتر مصدق متبلور می‌باشد:

۱- شناخت عمیق از جامعه ایرانی

خط اصلاح بر خلاف خطوط دیگر که منادیان آن چون: شاهزاده جلال الدین میرزا؛ میرزاملکم خان؛ میرزا فتحعلی آخوندزاده؛ میرزا آقاخان کرمانی؛ تقی‌زاده؛ حیدرعمواوغلی؛ سلیمان میرزا اسکندری؛ شیخ ابراهیم زنجانی؛ سلطان زاده؛ دکتر تقی ارانی و ... و متابعین آنان قدم در کجراه و بی راهه گذاردند و با تجزیه نیروها و ایجاد درگیری‌های غیر اصولی و طرح شعارهای نا صحیح یا نابهنگام، خود در عمل تبدیل به موانعی در راه توسعه و آزادی و استقلال میهن و مردم آن گردیدند، به دلیل شناخت عمیق پیشینه تاریخی و فرهنگی مردم ایران و آگاهی از مرتبه فرهنگی کشور و مردم آن در دوران معاصر، و شناخت نهادهای موجود و عملکرد آن و

همچنین آشنایی با اقشار و طبقات تشکیل دهنده جامعه از چپ روی و راست روی پرهیز داشته و از ذهنی گرایی مصونیت یافته و از ایجاد تنش‌های ناصواب و قطبی کردن‌های کاذب اجزاء تشکیل دهنده ملت استنکاف ورزیده و بردوام و مستمر بر محور شعارهای اصولی استقلال و آزادی، در اندیشه و فکر فراهم آوردن فراگیرترین جبهه ممکن از نیروها در برابر دشمنان خارجی و داخلی استقلال و آزادی مردم ایران بوده است.

۲- شناخت دقیق از نقش تاریخی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی عالمان دینی

خط اصلاح طلب از نقش عالمان دینی صالح و میهن دوست نیز غفلت نورزیده و با عنایت به ضرورت بسیج ملی نیروها و توجه به توان قابل توجه آنان خصوص در دو سده گذشته کوشیده است تا از این قشر - که برخی از آنان همچون شهید مدرس خود جایگاه والایی در خط اصلاح طلبی دارند - حداکثر استفاده را در راه استقلال و آزادی ملت ایران نصیب ملت و کشور بسازد. پشتیبانی عالمان استقلال طلب و آزادی خواه که علی‌رغم توطئه‌های سیاست خارجی، دربار و عوامل آن و عناصر فریب خورده، هیچ‌گاه از نهضت ملی ایران و رهبر فرزانه آن دکتر محمد مصدق قطع نگردید، خود نشانگر توفیق رهبر نهضت در این امر سترگ است.

۳- شناخت غرب و دورویة تمدن آن

خط اصلاح و نمایندگان آن با دورویة تمدن غربی آشنا بوده و افزون بر اعتقاد راسخ به مبارزه با رویة سلطه‌گری و افزون خواهی آلوده به تجاوز سرمایه‌داری غرب، معتقد به بهره‌گیری از دست‌آوردهای عظیم آن تمدن در پهنه عمل و اندیشه؛ صنعت و سیاست؛ مناسبات اجتماعی و تأسیسات مدنی در چارچوب خصوصیات ملی و دینی مردم ایران و مرتبه کنونی فرهنگ مردم کشور بوده و می‌باشد. خط اصلاح به پذیرش مطلق یا نفی مطلق غرب باور نداشته و به دلیل پایگاه عمیق فرهنگی و دانش و آگاهی خود نه مجذوب و مرعوب آن گشته و نه در چاه ویل تعصب و مخالفت غیر منطقی با دست‌آوردهای مثبت آن فروغلیده است. افزون بر آن چه گفته آمد، بهره‌بری مورد توجه خط اصلاح از تمدن غرب نه براساس نیازهای غرب و توقعات آن، بلکه بر اساس نیازهای واقعی کشور بنیان نهاده شده است.

۴- شناخت عمیق سیاست خارجی حاکم بر ایران در دوسده اخیر و ابزارهای آن

از ممیزات و ویژگی‌های خط اصلاح و نمایندگان برجسته آن، شناخت عمیق و دقیق از سیاست خارجی حاکم بر ایران و ابزارهای آن از جمله عوامل بومی آن را، در دوسده اخیر باید برشمرد. چشمان بینا و اندیشه‌های استوار و پرمایة نمایندگان برجسته خط اصلاح در گردو غبار برخاسته از طوفان دخالت قدرتهای خارجی در منطقه و از تعارض منافع آنان با یکدیگر، دچار

انحراف و بدبینی و بدفهمی نگردید و به حق سیاست خارجی مسلط بر منطقه و کشور و ابزار آن را تشخیص داده و با آن به مصاف پرداخت. بی جهت نیست که سه تن از برجسته‌ترین نمایندگان این خط: قائم مقام و امیرکبیر و مصدق با توطئه چینی و دسایس همان سیاست مقتول و محبوس و تبعید گردیدند.

۵- شناخت محورهای اساسی و ابزار مبارزه با سلطه خارجی

یکی دیگر از هنرهای نمایندگان برجسته خط اصلاح، تنظیم برنامه مبارزه بر محور دفاع از استقلال در ابعاد گوناگون و آزادی بر مبنای «نگاه به درون» است.

برای هر خط استقلال طلب و آزادی خواه که منبع قدرت خود را در داخل و نه در خارج از کشور می‌بیند و می‌جوید گریزی از بسیج تمام نیروها بر محور مشترکات آنان و پرهیز از طرح دامن زدن به افتراقات نیست. نمایندگان برجسته خط مورد بحث از همین منظر، در مبارزات خود از طرح مطالب ناصواب و انحرافی و تفرقه افکنانه و نابهنگام دوری جسته و با عنایت به نیروهای بالقوه و بالفعل به نبرد با موانع استقلال و آزادی مردم ایران پرداخته است و کوشیده است حتی‌الامکان از پشتیبانی همه عناصر و افسار استقلال طلب و ترقی خواه برخوردار گردد.

۶- شناخت و قیام به عمل صالح زمان

خط اصلاح در جهاد خود دچار ظاهر بینی و شکل‌گرایی نشده و نیروی خود و ملت را در طریق مبارزه با ظواهر نظام سلطه طلب جهانی نابود نساخته است، بلکه با تشخیص عمل صالح هر زمان به اصلاح بنیادین اندیشیده است. به عنوان نمونه همچون دکتر مصدق، در پایان دهه بیست و آغاز دهه سی با خلع ید از انگلستان غاصب به «بریدن دست دزد» و «اجرای یکی از قوانین قرآن»^۱ قیام نموده است.

۷- توفیق و توانایی تألیف جانبداری از: وطن تاریخی و جغرافیایی؛ وطن زبانی و فرهنگی؛

وطن دینی و عقیدتی و وطن انسانی با یکدیگر

خط اصلاح طلب بیمن فراست و خردمندی و هوشیاری و جهان بینی خود نه تنها دچار یکسو نگری نگردیده و مشمول خیالبافی‌ها و اعتقادهای جزمی و تنگ نظرانه ملی، فرهنگی و دینی نشده است و در وادی هولناک تقابل وطن‌های مذکور در فوق فرو نغلطیده است، بلکه با توفیقی که در تألیف آن علایق بدست آورده، راهی نو و تعالی بخش و هدیه‌ای گرانبها در عصر ما به جامعه ملی و فرهنگی و اسلامی و انسانی تقدیم داشته است.

۱. تعبیرهای داخل « » از برادر ارجمند و دلورز آقای مهدی غنی است.

توجه و جانبداری دکتر مصدق از: استقلال ایران؛ زبان فارسی و فرهنگ ایرانی؛ مبارزات استقلال‌طلبانه و آزادی‌خواهانه مردم مصر، شبه‌قاره هند، الجزایر، فلسطین، مسلمانان سایر نقاط جهان و مردم تحت سلطهٔ افریقا نشان‌دهندهٔ توفیق او در این تألیف است.

۸- جمع بندی از گذشته و نقد آن

هیچ حرکت موفق‌تری در تاریخ بدون جمع بندی از گذشته و نقد آن و همچنین نقد خود به صفت فردی و گروهی، در عمل و اندیشه، بگونه‌ای بردوام و مستمر، امکان دستیابی به افقهای گسترده‌تر را در پیش روی نخواهد داشت. مجموعه‌ای که در اختیار دارید این ویژگی خط اصلاح طلب را نیز می‌نمایاند و راز حیات خط مذکور را علیرغم موانع بی‌شمار هویدا می‌سازد و همچنین نشان می‌دهد چگونه کوشش می‌شده است، حتی از تبعیدگاه، با اتخاذاً مشی‌های نو و بکار بستن ابزارهای نوین و رهنمودهای صحیح موانع نظری و عملی جانبداران استقلال و آزادی از پیش پا برداشته شود و دستیابی به اهداف ملی تسهیل گردد. دلبستگان و پویندگان این خط نیز در صورت علاقه‌مندی به استمرار این طریق لاجرم بر چنین بستری باید گام بگذارند.

۹- اهداف، اصول‌گرایی، اخلاق، سرچشمه‌های اندیشه و عمل و تقوای مالی

خط اصلاح طلب؛ استقلال کشور، آزادی و پیشرفت و ترقی و توسعه کشور و همچنین تعالی فرهنگی و اخلاقی مردم آن را هدف خود شناخته و در تحقق بخشیدن به اهداف مذکور بردوام کوشیده است. از توجه به اصول غفلت نورزیده و از اعمال منافی آن احتراز جسته است و رعایت موازین اخلاقی را در عرصه عمل اجتماعی بر خود فرض دانسته و نمونه‌ای از وحدت در گفتار و کردار، در صحنه زندگانی و مبارزه از خود به یادگار گذاشته است. مصدق هنگامی که اظهار می‌دارد: «در تمامی دورهٔ زندگی مصلحت ایران را با هیچ چیز نتوانستم عوض کنم و هیچ عاملی نتوانسته است مرا از صراط مستقیم منحرف کند»، سخنی به گزاف نگفته است و کارنامه حیات پربار و شرافتمندانه‌اش مُصدّق کلام و بیان او است.

میهن دوستی او بلاشرط و حقیقی و دایمی و از سرآگاهی و شناخت است نه مشروط و مجازی و فصلی و احساسی. در رهنمود و وصیتی که به نوهٔ خود دکتر محمود مصدق نموده است، چه زیبا وجوه فوق را بتصویر کشیده است: «... اگر بخواهی در ایران زندگی کنی هرچند وقت یک بار باید دیدنی از اهل وطن بکنی و به روحیه این مردم آشنا شوی و تحصیلاتی که کرده‌ای به نفع مردم به کاربری ... غیر از این نه دنیا داری و نه آخرت، چون که در سوئیس هم بیگانه‌ای» (از نامه مورخ دهم فروردین ۱۳۳۹). در ذیل نیز به ذکر دو نمونه از اصولی بودن او بسنده می‌کنیم.

الف: در دولت قوام السلطنه به تاریخ ۱۳۲۵، وقتی نخست وزیر وقت، عده‌ای از جمله

سیدضیاءالدین طباطبایی را بدون رعایت موازین قانونی بازداشت کرد، دکتر مصدق علیرغم اختلاف مثنی و سیاست با سید ضیاء، در چارچوب دفاع از قانون و آزادی و اصول به مخالفت با دستگیری او پرداخته و نشان داد که در همه احوال و در همه جا و برای همه خواستار اجرای قانون و رعایت آزادی و دموکراسی است و تنها آن جا که حقوق او و دوستان و یارانش مورد تعرض قرار می‌گیرد بر نمی‌آشوبد، بلکه از حقوق قانونی دشمنان خود نیز دفاع می‌کند.

ب: در دوران نخست وزیری، بیش از دو بار طی اطلاعیه‌ای از نیروهای انتظامی و محاکم دادگستری خواست: «روزنامه‌ها را به مناسبت درج مطالب و حمله به شخص من تحت تعقیب قرار ندهید»، و بدینگونه نمونه‌ای از دفاع از آزادی مطبوعات قبل از رسیدن به قدرت و پس از استقرار در منصب نخست وزیری و برخورداری از حمایت اقشار آگاه و با فضیلت و مجذوبین نهضت ملی، از خود در خاطر شهروندان و حافظه تاریخ به یادگار گذاشت.

دکتر مصدق همیشه به ملازمه میان پایبندی به اصول اخلاقی و استقلال و رشد و توسعه جوامع و آزادی مردم نظر داشته و بارها در شکایت از اوضاع اسفبار میهن و دلایل آن، به تنزل سطح اخلاقی مردم نسبت به گذشته اشاره و تصریح دارد.

خط اصلاح طلب در زمینه نظری و عملی از جمله وامدار معلمان تفکر مبتنی بر: «برهان، قرآن و عرفان» است. انوار ساطع از منشور چنین آموزه‌ای را، همانگونه که تفصیل اجمالی را که در فوق گذشت، می‌توان در لابلای این مجموعه جستجو کرد.

عدم ذکر طهارت و تقوای مالی دکتر مصدق و وزرای همفکر او - که پس از کودتای استعماری - ارتجاعی ۲۸ مرداد ۳۲ برغم جستجو و کوشش دستگاه کودتا متهم به دیناری تصرف و سوءاستفاده در بیت‌المال نشدند و از خود اسوه‌ای از پاکی و تقوای مالی در تاریخ به ثبت رساندند - کفران نعمت و ناسپاسی در برابر ارزشهای متعالی و والای انسانی است. تقوای مالی نیز یکی دیگر از مشخصه‌های خط «اصلاح طلب» است.

از اطالۀ کلام احتراز جسته و علاقه‌مندان آشنایی بیشتر با مشخصه‌های خط «اصلاح طلب» را از جمله به مطالعه و تأمل در این مجموعه فرامی‌خوانیم.

چند تذکر:

الف - برای تسهیل کار علاقه‌مندان و پژوهشگران، افزون بر فهرست عناوین و اعلام، فهرستی موضوعی نیز استخراج و ضمیمه می‌باشد که با مراجعه به آن می‌توان از موضوعات و مباحث مطروحه در نامه‌ها آگاهی‌های افزونتری یافت.

ب - تدوین این مجموعه هرگز قرین توفیق نمی‌گشت اگر همدلی و همیاری و کمکهای بی‌شایه عزیزان و سرورانی که از سر لطف و خدمت به فرهنگ این مرزوبوم، اسناد و مدارک خود را در اختیار نگارنده قرار دادند شامل احوالم نمی‌گشت. از فرد فرد آنان سپاسگزار و توفیق و سلامتی

آنان را آرزو دارم. در بخش منابع؛ مأخذ هر سند ذکر و در صورت دریافت از سروران فرهیخته، به نام آنان تصریح رفته است. از آقای سرهنگ کیومرث راستین که بزرگوارانه و باسعه صدر مجموعه اسناد خود را در اختیار راقم قراردادند و فراوان مصدق اوقات شریف ایشان شدم و همچنین از آقای دکتر محمود مصدق تشکر مخصوص دارم. از آقای حسین شاه حسینی که بدرخواست راقم ساعاتی از اوقات شریف خود را در اختیار این بنده قراردادند و برای ملاقات نگارنده و آقای سعید زنجانی، جهت تکمیل این مجموعه با مکتوبات مرحوم دکتر مصدق به مرحوم آیه الله سید رضا زنجانی از هیچ کوششی فروگذار نفرمودند، کمال سپاس و تشکر را دارم. برای آقای سعید زنجانی که پس از مدتها انتظار و چندین بار رفت و آمد و قولهای فراوان، در نهایت حتی عکس یکی از مکتوبات دکتر مصدق به مرحوم والد خود را در اختیار گردآورنده قرار ندادند، آرزوی سلامت و توفیق در چاپ اسناد مذکور - که نه میراث شخصی بلکه میراث ملی است - را دارم.

از هموطنان عزیز که نامه یا نامه‌هایی از رهبر نهضت ملی ایران در اختیار دارند، خواهشمندم در صورت تمایل عکسی از آن‌ها را در اختیار نگارنده قرار دهند تا در جلد دوم مورد استفاده قرار گیرد.

لازم به ذکر است نامه مورخ نیمه اول ۱۳۴۳ دکتر مصدق به مصطفی شجاعیان درباره اثر او: «جهاد امروز تری برای تحرک» به دست نیامد. متن کامل نامه دکتر مصدق به فرزندش دکتر غلامحسین مصدق مورخ دی ۱۳۴۰ چون علی‌رغم جستجوی فراوان یافت نشد، به صورت موجود در مقدمه «خاطرات و تألمات» به قلم دکتر مصدق، در ذیل درج می‌گردد.^۱ جواب دکتر مصدق به تسلیت آقای ایرج افشار در فوت همسرش (مندرج در مجله راهنما کتاب آبان - اسفند ۱۳۵۷، سال ۲۱ ش ۸-۱۲)، نیز از قلم افتاده است. امیدوارم با یاری هموطنان این نواقص و کاستی‌های دیگر در جلد دوم جبران شود.

از دوست عزیز آقای محمود رضایی مدیر محترم نشر هزاران که زحمت انجام چاپ این مجموعه را عهده‌دار شدند و در تصحیح و مقابله بخشی از این کتاب راقم را یاری رساندند تشکر و از اینکه بدفعات مجبور به تکمیل مجموعه و تحمل زیانهای ناشی از تغییر و تبدیلهای تأخیر در دریافت «مقدمه» گردیدند عذرخواهم.

از سرکار خانم عاصمه فندرسکی و سرکار خانم مریم سلیمی که متحمل زحمت استنساخ قسمتی از اسناد این مجموعه شدند و همچنین از سرکار خانم آریتا لقایی و سرکار خانم زهرا طلایی برای استخراج قسمتی از اعلام، سپاسگزارم و آرزوی توفیق آنان را دارم.

۱. دی ۱۳۴۰؛ فرزند عزیزم، دکتر غلامحسین مصدق، «... یک واحد از یادداشت‌های خود را [= خاطرات] به شرح ذیل به شما می‌سپارم که در یکی از بانکهای سونیس بگذارید تا چنانچه نسخه دیگر آن که جزو نوشته‌هایم است بواسطه غارت یا حریق خانه در احمدآباد از بین برود و مواعی هم برای طبع نباشد... طبع برسانید...».

در پایان بر راقم فرض است از همه کسانی که قبل از این بنده در راه گردآوری آثار رهبر نهضت ملی ایران کوشیده‌اند و حاصل زحمات‌های آنان در این مجموعه مورد استفاده قرار گرفته است، خصوصاً از دست اندرکاران «انتشارات مصدق» که در این راه جزو پیشگامان بوده‌اند و گام‌های گرانبغایی در این طریق برداشته‌اند تشکر و امتنان خود را ابراز دارد.

۱۹ آبان ۷۴ سالروز شهادت دکتر سید حسین فاطمی

محمد ترکمان

نامه دکتر مصدق به سالارالسلطان

پاریس ۲۹ جمادی الثانی ۱۳۲۷

تصدقت شوم [۱] خیرالکلام قلّ ودلّ، اگر این بنده بخواهم بیشتر از چند دقیقه اوقات مبارک بندگان حضرت مستطاب عالی را صرف عرایض خود نمایم یقین است در حق دیگران ظلم شده این است که به اختصار کوشیده عرض می‌کنم مژده نیابت سلطنت بندگان حضرت مستطاب اجل اشرف اعظم اقدس معظم روحافده و اضمحلال استبداد و استقرار بساط عدل و داد ما ایرانیان را بین ملل متمدنه دنیا نه چنان مفتخر و سربلند نموده که شرح آن را بتوانم به عرض برسانم. خدا گواه است از خوشحالی دو روز است که خواب ندارم و اوقات خود را به دعای وجود مسعود مقدسشان صرف نموده و از حضرت قادر متعال درخواست دارم که ما ایرانیان بر خلاف گذشته به طفیل آن موجود مبارک چندی هم شیرین‌کام باشیم و مخصوصاً استدعا دارم در موقعی که مقتضی دانند مراتب غلامی و چاکری فدوی را به عرض برسانند [۰] مسلم است جناب دبیرالوزاره اگر عرضی راجع به فدوی در بعضی مواقع داشته باشند [۲] حضرت مستطاب عالی با عالم مراجع چندین ساله از بذل مراجع کامله دریغ نفرموده و بنده را از الطاف خود محروم نخواهید فرمود. خدمات و فرمایشات را در چند وقت اقامت در پاریس با کمال افتخار حاضرم [۰]

بنده حقیقی (مصدق السلطنه)

[رقم روی پاکت :]

تهران

خدمت باشرافت و جلالت بندگان حضرت مستطاب اجل امجد اکرم افخم عالی آقای سالارالسلطان روحی فداه مشرف شود.

[رقم مهر ظهر پاکت] مصدق السلطنه ۲۹ جمادی الثانی ۱۳۲۷

۲

ترجمه نامه دکتر مصدق به وثوق‌الدوله

حضور مبارک حضرت مستطاب اجل اکرم عالی آقای وثوق‌الدوله وزیر مالیه دام اقباله العالی از قرار اخبار روزنامه‌ها همچو معلوم می‌شود که حضرت مستطابعالی بعد از استعفای از وزارت عدلیه به وزارت جلیله منتخب شده‌اند و این مطلب زیاده از حد اسباب خوشنودی چاکر گردیده‌است. بواسطه اطلاعاتی که حضرت مستطابعالی از قدیم به امور مالیه دارند و این موقع را مفتنم شمرده تریکات صمیمانه خود را به حضور مبارک عرضه می‌دارد در ضمن یادآور خاطر مبارک می‌گردد در زمانی که ریاست کمیسیون مالیه در پارلمان قدیم با حضرت مستطاب اجل بود رقعہ [ای] در باب عایدی و قیمت قارپوزآباد به وزارت مالیه مرقوم فرموده بودند و تا کنون به هیچ وجه اثری نبخشیده‌است. این بنده همیشه منتظر مراحم حضرت مستطاب اجل عالی بوده و خواهد بود. خصوصاً امروز که در این وزارت‌خانه اقتدار کامل دارند. پس از حضور مبارک متمنی است که در باب این کار هرطور که رای مبارک اقتضا نماید اقدامی فرمائید که اسباب آسودگی خاطر چاکر گردد.

اخلاص شعار مصدق شاگرد مدرسه علمی حقوق در لیژ.

[رقم مهر در ظہر نامه]

ورود به کابینه وزارت مالیه

به تاریخ ۱۱ شهر ذی‌حجه ۱۳۲۷

نمره ۵۰۳۱

۳

نامه دکتر مصدق به روزنامه ایران

اداره محترم جریده فریده ایران

در جواب سؤال آقای اسمعیل آقای تهرانی مندرج در شماره (۴۵) جریده رعد اشعار می‌دارد: اینکه سؤال نموده‌است بر طبق کدام تصویب‌نامه هیئت دولت حکم توقیف حراج جواهری که ونی سف به قاچاق وارد نموده صادر گردیده است خاطر نشان می‌نماید که توقیف یک حراج مطلبی نیست که محتاج به تصویب‌نامه هیئت محترم وزراء عظام باشد و با اینکه وزارت جلیله امور خارجه تقاضا فرموده بودند که از وزارت مالیه حکمی در توقیف حراج صادر شود به ملاحظه اینکه مسیو هسنس رئیس اداره گمرکات تصور می‌نموده که صاحبان جواهر بالاخره مقصودشان این است که هشت هزار تومان را که از آنها تقاضا شده نرسانیده و حقوق دولت را پایمال نمایند و مسئولیت حراج اشیا را به عهده خود گرفت از صدور حکم توقیف حراج صرف‌نظر نموده و به موجب حکم نمرة ۳۳۶۴۹ ایشان را مخیر نمود که به مسئولیت خود هر

اقدامی که مقتضی است در نفع دولت بنمایند بعد از این مقدمه مقارن ساعتی که شروع حراج می‌شد ونی سف و هوو و دویل صاحبان جواهر به منزل شخصی بنده آمده اظهار نمودند که حواله توسط وزارت امور خارجه از این بابت به قفقاز داده‌اند در این صورت لازم است که جواهراتی که مدعی بودند ۲۵ هزار تومان ارزش دارد حراج نشده تا وجه از قفقاز برسد بنده هم نظر به اینکه شاید حواله مزبوره لاوصول باشد قبول ننموده بعد آنها با کمال عجز و الحاح تقاضا نمودند که [از] قفقاز بخواهند و اگر نرسید بعد از چهار روز حراج شود. بنده باز نظر به اینکه مسیو هنسنس مسئولیت این کار را شخصاً به عهده گرفته به هیچ وجه حکمی صادر ننموده فقط اظهار آنها را در روی کاغذ بدون مارک به خط فرانسه نوشته توسط خودشان به عنوان مسیو هنسنس ارسال نمود که ستاره ایران راجع به اینکه بنده به مسیو هنسنس نوشته‌ام که حراج را توقیف نمایند و نیز مراسله را به نماینده‌ای که حراج در تحت نظر او می‌شود بدهند قویاً تکذیب می‌نماید.

مصدق السلطنه

۴

نامه دکتر مصدق به وزارت داخله

به تاریخ ۲۹ برج دلو ۱۳۳۶

نشان شیر و خورشید و تاج

وزارت مالیه

اداره کابینه

دایره ...

نمره ۳۷۲۴۳

وزارت جلیله داخله

سابقاً رئیس گمرک انزلی راپورت داده بود که نظامیان روس موقع مراجعت مقادیر کثیره توتون و غیره با خودشان به روسیه حمل و از تأدیه حقوق گمرکی استنکاف می‌نمایند. مراتب از وزارت مالیه به وزارت خارجه اشعار و تقاضا که با مقامات مربوطه در رفع این ترتیبات مذاکره و قرار لازم بدهند. از آن وزارت خانه هم اقدامات به عمل آمده ولی منتج نتیجه نشده است اخیراً از رئیس گمرک در این باب راپورتی رسیده است که جالب توجه و سواد آن را عیناً ایفاد می‌دارد. متمنی است به جمله اخیر آن دقیقاً توجه فرموده به نائب‌الحکومه انزلی و رئیس نظمیة آنجا حکم مؤکدی صادر فرمایید که بر خلاف منافع دولت اقدامی نکرده و با گمرک انزلی در اجراء قوانین مقررۀ گمرکی آنچه لازمه مساعدت است به عمل آورند. از وزارت خارجه هم به کارگزار انزلی تعلیمات لازمه داده خواهد شد.

از طرف وزیر [:] مصدق

[رقم مهر] وزارت مالیه

[در حاشیه]

اداره شمال

۹ جمادی الاولی

نامه دکتر مصدق به دکتر محمود افشار

اوشی [سوئیس] ۲۳ دسامبر ۱۹۱۹ دوم [دی ماه ۱۲۹۸]

هموطن عزیزم آقای افشار،

به ملاحظه صرف جای در خدمت جنابعالی قدری از اوقات مخلص که باید صرف خواب شود و به مطالعه مذاکراتی که شده بود مشغول گردید. تصور نمی‌کنم که ایراد سرکار به [Délégation هیئت نمایندگی] ایران در خصوص Préliminaires [مقدمات] وارد باشد. با اینکه در این ایام اخلاصمند قدری تارک هستم معذک یک مقدمه را عرض می‌کنم که از نتیجه آن مطلب فوق بر جنابعالی مدلل گردد.

قاعده اعمال حقوقیه Actes Juridiques بر دو قسمند: اعمال مقدماتی و اعمال نهایی. در حقوق جزایی این مطلب خوب ثابت می‌شود. فرض کنیم زید می‌خواهد عمرو را مسموم سازد. یک عملیات مقدماتی و یک عملیات نهایی را باید مرتکب گردد: عملیات مقدماتی خریداری دوی سم و غیره و غیره و عملیات نهایی خوراندن سم. عملیات اولیه را که به فرانسه Actes Préparatoires گویند فی حد ذاته مورد مجازات نیست. فرض کنیم زید دوا را خریده تمام عملیات را تا به جایی که موقع خوراندن سم رسید مرتکب شده بعد پشیمان گردید. بعد از این [Desistement انصراف] ایرادی بر او وارد نیست. پس چیست که او را مسئول می‌دارد؟ اعمال نهایی است که به فرانسه Acte Final و به فارسی هم ما «علت غائی» می‌گوییم. بعد از آن که علت غائی وارد شد، اعمال مقدماتی هم مورد مجازات است. به عبارت اخیری اعمال نهایی بدون اعمال مقدماتی ممکن است و اعمال مقدماتی وقتی مؤثر و مورد مجازات است که علت غائی وارد شده باشد.

بنا بر مقدمات فوق Conference des Préliminaires de Paris [کنفرانس مقدماتی پاریس] تا یک درجه صحیح است (توضیح تا یک درجه را بعد عرض می‌کنم) زیرا از دول معظمه (از پنج دولت) هریک دو نماینده کنفرانس را تشکیل دادند که در آنجا مقدمات صلح را حاضر نمایند. البته این مقدمات بدون یک علت غائی Acte Final مؤثر نمی‌بود. Acte Final هم در روزی که نمایندگان تمام دول متخاصم در [Versailles ورسای] حاضر شده عهدنامه را امضا کردند واقع گردید. پس بنابراین درخواست نمایندگان ایران به کنفرانس صلح تقدیم نشده بلکه به Conference des Préliminaires de Paris داده شده است.

اما اینکه عرض شد تا یک درجه صحیح است این است که Acte Final باید به طوری که صفت Final آن را ممتاز می‌نماید غائی باشد و مؤثر. بعد از این مرحله دیگر مراحل برای پیمودن در پیش نباشد. به این مرحله که رسیدند دیگر مستغنی از مراحل مقدماتی باشند (خدی

الغایات و اترک المبادی) ولی ما می‌بینیم که بعد از این مرحله مراحل یا مرحله دیگر هست. نظر به اینکه در هر مملکتی دو مجلس باید این مقدمات را تصدیق نمایند یا یک مجلس و تا این تصدیق نشود این عملیات مقدماتی هیچ‌یک مؤثر نیست.

از نقطه نظر پراتیک و مشهور امروزه مؤلفین به‌طوری که D. Bonfils [بن فیس] می‌گوید امضاء معاهده توسط نمایندگان سیاسی علت غائی است یعنی می‌گویند صلح به سبب فلان کنفرانس برقرار و کنفرانس قبل از چنین کنفرانسی (مثلاً همین کنفرانس ده‌نفری پاریس که زمینه صلح را تهیه کردند) Préliminaires صلح را تهیه می‌نمایند.

ولی از نقطه نظر اثر و نتیجه به‌طوری که دیشب عرض کردم علت غائی در Ratification [تصویب] مجلس یا مجلسین می‌باشد. تا او نباشد تمام عملیات مقدماتی بی‌نتیجه است. در این صورت کنفرانسی هم که از نمایندگان عهدنامه را امضا نموده‌اند در حقیقت ولو اینکه مشهود این‌طور نیست. در حکم کنفرانسی است که مقدمات صلح را تهیه می‌نماید. [Brochure بروشور] پاریس را که عرض شد می‌فرستم در اینجا نبود. اگر در نوشتاتل باشد با تز، بندگی خواهد شد. دیگر عرضی ندارد.

۶

ترجمه تلگراف دکتر مصدق از نوشتاتل در جواب تلگراف مشیرالدوله

۱۴ مه ۱۹۲۰ از نوشتاتل

جناب رئیس الوزراء تهران

انتخاب توسط عالی‌جناب مرا بیشتر مسرور می‌سازد. خودم حرکت می‌کنم، راه قفقاز مسدود است، توسط اولین کشتی عزیمت می‌کنم، در صورت داشتن ماشین از راه بغداد بزودی خواهم رسید.

۷

نامه دکتر مصدق به برادرش

رم دوم ژوئیه ۱۹۲۰

قربان برادر عزیزم [!] شرح حال بنده عرض نکردنی است [۰]. ملاحظه فرمائید که از زمان حرکت از باطوم به تفلیس، احمد و اشرف هر دو در ترن تب کردند احمد مبتلا به نوبه بعد از سه روز تب او قطع شد ولی تب اشرف محرقه بود که تیفوئید می‌گویند همان مرضی که خانم اختر الملوک دو سال قبل مبتلا شدند حال ملاحظه فرمایید که در تفلیس بواسطه نبودن مکان صحیح و پیدانشدن دوا و هوای گرم و نبودن طبیب خوب و بی‌کسی بر بنده شب و روز چه گذشته [۰].

یک ماه مشغول پرستاری و شب و روز مرگ خود را از خداوند درخواست می‌نمود دیگر چون عمر به پایان نرسیده دعای شده به اجابت مقرون نگردید [.] اما در باب مسافرت حتی در باطوم مطلب درست معلوم نبود می‌گفتند که آقای ساعدالوزاره و بعضی از اعضای میسیون سیدضیاءالدین که در تفلیس نبودند با آقای سردار فاخر در موقعی که جنگ بین دولت گرجستان و آذربایجان وقوع داشت به طرف بادکوبه رفته‌اند من هم به ملاحظه اینکه شاید بتوانیم برویم از باطوم حرکت کردم و در آنجا به مرض محرقه اشرف مبتلا شد آقای ساعدالوزاره و سایرین ۱۹ روزه خود را به بادکوبه رسانیده‌اند به واسطه انقلاب و دعوای بین بالشویکها و اهالی گنجه ۹ روز در سرحد گرجستان و آذربایجان در یک دخمه منزل کردند بالاخره گنجه بکلی منهدم و ۱۱ هزار نفر مقتول و دعوای تمام شد حرکت کردم بعد از ورود به بادکوبه هم آقایانی که می‌بایست ایران بروند قریب ۲۵ روز در بادکوبه منتظر اجازه رفتن ایران شدند. به عمله و اشخاص غیرمعروف کسی کار ندارد ولی اشخاص معروف یا باید خیلی تأمل نمایند یا اینکه اصلاً نمی‌توانند بروند مثلاً سلیم خان خواجه و مسیو هارد در بادکوبه حبس هستند که قونسول نتوانست آنها را خلاص کند آنهایی که رفتند معلوم نیست چگونه به انزلی رسیدند و بعد انزلی می‌توانند وارد شوند یا نه بالاخره اگر انزلی وارد شدند از پل منجیل دیگران می‌گذارند تهران بروند یا باید مراجعت نمایند [.]

خلاصه اشکالات بادکوبه یک طرف خرابی پل رود کورا که در موقع جنگ خراب شده و معلوم نیست چه وقت ساخته خواهد شد و باید مسافرتین مسافت زیادی از راه را پیاده بروند و با حال اشرف خیلی منافات داشت و نیز حمله که احتمال داشت باطوم دچار شود و در این صورت روابط تفلیس با تمام دنیا مقطوع می‌شود بنده را وادار کرد که دیگر نمانده همانقدر که اشرف توانست حرکت کند به باطوم آمده خود را در این روز به رم برساند [.] دو روز دیگر هم اگر خدا بخواهد نوشتاتل خواهیم بود. اما از آقای وکیل‌الملک عرض کنم که ایشان به چه زحمتی گرفتار شده‌اند اولاً خودشان در باطوم نبودند که آقا جان در تفلیس مرحوم شد دیگر با آن حال و زحمتی که برای بنده بود یک روز تمام بر حسب وظیفه در منزل ایشان حاضر شده و تاقیرستان تشییع جنازه نموده فردای آن روز آقای وکیل‌الملک از باطوم وارد شدند [.]

عیال آقای وکیل‌الملک به مرض سل در استخوان مبتلا و خیلی حالش بد است پریروز هم در حال احتضار بود که آقای وکیل‌الملک در تفلیس ماندند که کار او تمام شود خانم را بردارند و به باطوم بروند هوای آنجا هم مسلماً خیلی بد است ولی دیگر چاره ندارند [.] این‌ها شرح وقایع این مدت است که از عرض راه مکتوبات مفصل نوشته چون می‌شود نرسیده باشد بطور خلاصه در آنجا تجدید می‌شود [.]

دو روز دیگر بنده اشرف و احمد را از نوشتاتل می‌رسانم [.] حال اشرف حالا بد نیست ولی مسلماً در این گرما نمی‌شود مسافرت کرد خودم از این جهت افسرده شدم و حقیقتاً حیران و

سرگردان هستم که به چه وسیله می‌توان خود را به ایران رسانید و فکری برای زندگی آتیه کرد [۰]. به نظر شما چه می‌رسد چه باید کرد خیلی مایلیم که شما را ملاقات کرده قراری در باب زندگی بعد با هم بدهیم. آمدن پاریس برای من خیلی آسان است اگر صلاح می‌دانید خودم پاریس خواهم آمد [۰]. چون اگر امروز فکر زندگی بعد نباشیم حال آتیه مملکت ما معلوم نیست و یک وقت در آنجا برای یک دینار معطل خواهم بود کما اینکه الآن بنده دیناری ندارم اگر شد از مسیو برنو قرض می‌کنم تا پول از ایران برسد والا از شما تلگرافاً خواهم خواست [۰].

هرچه زودتر نظریات خود را به آدرس مسیو برنو بنویسید و بفرستید که اگر باید به طرف پاریس حرکت کنم زودتر آمده تبادل افکار بشود. دیگر بیش از این عرضی نمی‌کنم و شما را از حال خود آزرده نمی‌نمایم [۰]. پاکت‌های جوف را خواهشمندم بطور سفارشی به آدرس حضرت آقای نظام‌السلطنه ارسال فرمائید [۰]. زیاده قربانت [امضاء] مصدق

[مجدداً] خواهش دارم مرقوم دارید از هموطنان کی‌ها در پاریس هستند [۰]. مقصود این است که اطمینان از وصول داشته باشید.

۸

تلگراف دکتر مصدق به مشیرالدوله

... اداره پلیس جنوب که از قرار مذکور سه هزار نفر است کتباً و شفاهاً با ایالت رجوعاتی داشته و دارند و در مواقع رسمی و اعیاد هم حاضر می‌شدند. مستدعی است تکلیف معین فرمائید که روابط آنها از چه قرار باید باشد.

[نمره] ۲۶۳۰ / ۱۹ میزان [۱۲۹۹]

۹

تلگراف دکتر مصدق به سردار منصور سپه‌دار اعظم

توسط جناب متین‌الدوله [۰]؛

مقام منبع‌بندگان حضرت اشرف اعظم آقای رئیس‌الوزراء دامت عظمته

اوضاع کنونی فارس طوری است که امروز ما باید از هر وزارت‌خانه مأموری که فرستاده می‌شود مطلع و صحیح‌العمل و متدین باشد. در کابینه قبلی قرار بود یک نفر رئیس قشون که حقیقتاً بیش از حقوقی که دولت می‌دهد انتظار نداشته باشد از وزارت جلیله جنگ با موافقت نظر بنده بفرستند تاکنون اقدامی نشده، بیم آن است که این چند نفر سرباز بدون تفنگ و فشنگ هم مطلقاً ضایع و بی‌مصرف گردند. برای معاونت اداره مالیه هم چند نفر را نسبتاً بهتر از بعضی

اعضاء مرکزی می‌باشند به آن وزارت جلیله عرض نموده است که هریک از آنها را که مقتضی است هرچه زودتر روانه نمایند [۴] از این بابت نتیجه بدست نیامده [۰]. بنده در اینجا یک فرد واحد و هرگاه در این مسایل جزئی هم اقدام سریعی نشود چگونه می‌تواند مسئولیتی را که در پیشگاه اولیاء دولت متعهد است ایفاء نماید [۰]. چون مقرر فرمودند که هر گونه مستدعیاتی است از بندگان حضرت اشرف عالی درخواست کند این است که در این دو استدعای مختصر [۰]، خاطر مبارک را جلب و امیدوار است به زودی نتیجه مطلوبه را بدست آرد [۰]. خدا گواه است بنده هیچ مقصود و منظوری ندارم غیر از خدمت و باز استدعا می‌نماید که توجه مخصوص در مأمورین این ایالت بفرمائید زیرا که مأمور بی‌اطلاع و بدسابقه بهتر است که فرستاده نشود [۰].

نمره ۲۰۵۲ [۴] ۲۳ قوس [۴]
[رقم مهر] تلگرافخانه مبارکه تهران [۰].
مصدق السلطنه

۱۰

تلگراف دکتر مصدق به رئیس‌الوزراء توسط متین‌الدوله

نشان شیر و خورشید و تاج
نمره کتاب اداره تلگرافی دولت علیه ایران
از شیراز نمره قبض ۱۸۱۹ عدد کلمات تاریخ اصل توضیحات تاریخ وصول اسم گیرنده
به ط نمره تلگراف ۴۸ ۱۵ دولتی/۱۹۴ ۱۶ دلو
سنه ۱۳۰

توسط جناب متین‌الدوله [۰] مقام منبع بندگان حضرت اشرف اعظم ریاست وزرای عظام دامت عظمت از آنچه معلوم است بواسطه عدم تصویب حقوق، قشون جنوب در آخر مارس که ده روز از عید می‌گذرد منحل خواهد بود و بواسطه نبودن قوه دولتی در فارس یک جمعیت سه هزار و پانصد نفر که بیکار شدند اوضاع این مملکت را بهم خواهند زد تا این خبر منتشر نشده و سبب ناامنی نگردیده است به وسیله سریعی از وقایع غیرمنتظره باید جلوگیری نمود هرگاه حضرت اشرف از این مطلب مطلع و دستوری می‌فرمایند مستدعی است بدون تأخیر نظریات مبارک را تلگراف فرمایند که بنده به موقع اجرا گذارده از حالا اقداماتی که برای جلوگیری از اغتشاش لازم است شروع شود و اگر در این خصوص تاکنون نظراتی نشده به بنده اجازه فرمایند بدون اینکه برای دولت دیناری خرج تولید شود از تاریخ وصول تلگراف مبارک آنچه را که برای حفظ امنیت صلاح می‌داند بنماید تا بعد مشکلات تولید نگردد هرچه زودتر جواب صادر شود اقدامات بنده مفیدتر خواهد بود. نمره ۳۷-۱۴ دلو ۱۲۹۹

مصدق
[رقم مهر] تلگرافخانه مبارکه تهران
[در حاشیه صفحه اول تلگراف]

نمره ۱۳۴۱
۱۸ دلو/۹۹

تلگراف دکتر مصدق به رئیس الوزراء

نمره کتاب ۵۴۹ اداره تلگرافی دولت علیه ایران نشان شیر و خورشید و تاج
از شیراز نمره قبض ۱۸۳۲ عدد کلمات تاریخ اصل توضیحات تاریخ وصول اسم گیرنده سنه ۱۳۰
به ط نمره تلگراف ۵۶ ۵۲۲ ۱۶ دولتی ۱۷ دلو ؟

توسط جناب آقای متین‌الدوله [.] مقام منیع بندگان حضرت اشرف اعظم ریاست وزراء عظام دامت عظمتهم نمرات ۱۳۱۲ و ۱۳۱۸ و ۱۳۲۴ زیارت [.] در جواب به عرض می‌رساند [.] بنده هیچ وقت از حضرت اشرف گله‌مند نبوده در تلگرافات خود هم غیر از تشکر و استدعای تکرار مساعدت عرض دیگری ننموده [و] بعد از وصول نمره ۱۳۲۴ که مرقوم شد سفارت انگلیس از انتخاب آصف‌الملک و غضنفرالسلطنه ناراضی و اعتراض دارند بلافاصله به کازرون تلگراف نمود که از آنجا حرکت ننماید تا مراتب به عرض رسید هر قسم دستور فرمایند اقدام شود [.] الان تلگراف آصف‌الملک از کازرون رسید که غضنفرالسلطنه با عده همراهان حکومت قبل از وصول تلگراف رفته‌اند [.] در ثانی تلگراف نمودم اگر ممکن است آصف‌الملک در کازرون بماند چنانچه قبل از وصول تلگراف بنده آصف‌الملک هم به ملاحظه همراهانی که رفته بودند حرکت کرده باشد احضارشان سهل است [.] در این باب استدعا دارم هرچه زودتر تکلیف را معلوم فرمایند [.] سالار نصرت حاکم سابق مالیات آنجا را حاضر نشد بیش از ۲۳ هزار تومان تقبل کنند آن هم با دادن یک قوه که از عهده دولت خارج بود [.] آصف‌الملک تمام مالیات جزء جمعی را تعهد نموده است به اضافه غضنفرالسلطنه و نورمحمدخان هم ۲۱ هزار و ۹۰۰ تومان پول که تاکنون مردم می‌بردند تعهد نمودند به دولت بپردازند [.] این عملیات با صرفه دولت موافق بود حال هر قسم صلاح مملکت را بدانند امر فرمایند بموقع اجرا گذارد و اینکه مرقوم فرموده‌اند بنده مظهر نفوذ و قدرت دولت هستم و در این صورت نباید در وصول مالیات دولت خودداری شود [!] خجالت دارم عرض کنم قدرت بنده در این نقطه یک عده مختصر سرباز بدون تفنگ و فشنگ است با این حال چه در وصول مالیات و چه در کسر خرج آنچه توانسته نموده‌است ولی متأسفانه اقدامات بنده در کسر مخارج چون از اواخر سال شروع شد مالیه را کاملاً از یک صد و ۴۰ هزار تومان که سال قبل کمک رسیده مستغنی نمی‌نماید [.] در موضوع تفاوت عمل ابواب جمعی آقای قوام‌الملک هم ایشان مطالبی اظهار نموده‌اند که با پست ارسال و از نظر مبارک می‌گذرد تا به مواد معروضه ایشان جوابی داده نشود نمی‌توانم با مردم سختی نمایم بالفرض هم که بخواهم این قوه در بنده فاقد است [.] دولت با رعایای خود هر معامله [ای] که بفرمایند مختارند و این هم که مرقوم شده قنصل انگلیس را دخالت داده و مساعد نموده‌است که به سفارت تلگراف نماید بکلی تکذیب می‌نمایم هیچ شاهدهی در امور

بہتر از ہمین اعتذاری کہ در باب تعیین آصف‌الملک می‌نمایند ندارم [.] بنده هیچ اشتیاقی برای این خدمت نداشتم بہ حکم تقدیر پیش آمد و ناچار برای خدمت خود را حاضر نمود تا این تاریخ ہم از وظیفہ دولتخواہی و وطن پرستی قصور نشدہ تا وقت نگذشتہ ناچارم عرض کنم [:] برای ناراحتی زندگی [،] خانوادہ بنده چہار روز است از تہران حرکت کردہ اند ہرگاہ خاطر حضرت اشرف از خدماتم ناراضی است فوراً تلگراف فرمایند تا آنها را در ہرجا کہ ہستند متوقف نمایم.

مصدق

نمرہ ۳۸ ۱۶ دلو ۱۲۹۹

رقم مهر [تلگرافخانہ مبارکہ تہران]

[در حاشیہ صفحہ اول تلگراف] $\frac{\text{نمرہ ۱۳۴۱}}{۱۸ \text{ دلو } ۹۹}$

۱۲

تلگراف دکتر مصدق در جواب دستخط تلگرافی احمدشاه مبنی بر انتصاب سید ضیاءالدین طباطبائی بہ ریاست وزراء

ششم حوت ۱۲۹۹

از شیراز بہ تہران

دستخط جہان مطاع تلگرافی بوسیلہ تلگرافخانہ مرکزی زیارت شد. در مقام دولتخواہی آنچه می‌داند بہ عرض خاکپای مبارک می‌رساند کہ این تلگراف اگر در فارس انتشار یابد باعث بسی اغتشاش و انقلاب خواہد شد و اصلاح آن مشکل خواہد بود، چاکر نخواست در دولتخواہی موجب این انقلاب شود و تا کنون آن را مکتوم داشتہ، ہرگاہ تلگراف مزبور بر حسب امر ملوکانہ و انتشارش لازم است امر جہان مطاع مبارک صادر شود کہ تلگرافخانہ انتشار دہد.

والی فارس دکتر محمد مصدق

۱۳

تلگراف دکتر مصدق بہ احمدشاه

نظر بآثار پیش آمدهای محتمل الوقوع و کسالت مزاجی کہ بغتاً عارض شدہ و چاکر را از تحمل زحمت فوق العادہ و مقاومت ممنوع می‌نماید تا ورود آقای قوام‌الملک از ابوابجمعی خودشان بہر زحمتی باشد حوزہی ایالتی را مراقبت می‌نماید و بعد از ورود ایشان امر امر مبارک خواہد بود. ۱۶ حوت ۱۲۹۹

دکتر محمد مصدق

نامه دکتر مصدق به صولة الدولة قشقائی

(روی کاغذ ابالت فارس)

۲۳ برج حوت پیچی ثیل ۱۲۹۹

فدایت شوم، مراسله شریفه عز وصول داده از سلامت مزاج محترم بینهایت خوشوقت گردیده و از اینکه امور آن صفحات در نهایت نظم و امنیت است امتنان خود را عرض می‌نماید و از خداوند خواهان است که این امنیت با این مقدماتی که پیش آمده از فارس مرتفع نگردد.

البته جناب آقای میرزا عبدالله خان وقایع این چند روز را عرض کرده‌اند. خلاصه آن این است که از بدو تشکیل این کابینه که مخبر روتر اعضاء آن و اشخاصی که با آنها موافقت دارند یا غیان قلمداد کرده این جانب مطلقاً با مرکز مخابره تلگرافی و مکاتبه ننموده اعمال این هیئت و نیات آن را برخلاف مصالح مملکت می‌دانم و تاکنون هم چند تلگراف از پاره اشخاص که فعلاً معرفی آنها را لازم نمی‌دانند رسیده برای اینکه این جانب تلگراف تبریکی به آقاسید ضیاء الدین که خود را امروز به جای رئیس الوزراء رئیس دولت می‌نامد مخابره نماید مطلقاً خودداری کرده‌ام. این مطالب را فقط لازم دانست که برای اطلاع جناب مستطاب عالی زحمت بدهم. مقصود این نیست که جناب مستطاب عالی هم همان مشی این جانب را اتخاذ فرمائید. البته هرکس برای حفظ مملکت و وطن خود دلائلی دارد که اقدامات خود را باید روی دلائل خود قائم نماید.

فقط یک تلگرافی به خاکپای مبارک همایونی بلافاصله بعد از وصول تلگراف ملوکانه راجع به ریاست وزراء آقای سید ضیاء الدین عرض نموده و خطرات این مطلب را برای حالت کنونی تشریح کرده و بعد یک تلگراف تهدیدی از طرف آقای سید ضیاء الدین رسید که آن تلگراف را بلا جواب گذارده و باز عریضه تلگرافی به خاکپای مبارک عرض نمود که هر دو تلگراف از مقام ملوکانه بلا جواب مانده‌است.

دیگر از اوضاع مرکز اخبار صحیحی نمی‌رسد و مخابرات تلگرافی در مطالب سیاسی مطلقاً ممنوع است و برای اینکه اگر بعد مطالبی روی دهد از رأی و عقیده جنابعالی محروم نباشیم و بساط امنیتی که امروز هست فوق العاده متزلزل و در اطراف شهر شروع به ناامنی شده‌است لازم است هرچه زودتر جناب مستطاب عالی خود را به فیروزآباد یا نقطه دیگری که به شهر نزدیکتر باشد برسانید.

در باب انتخابات هم امیدوارم ان شاء الله بزودی خاتمه یابد و مطابق قانون یک نفر وکیل انتخاب شود که بتواند به این مملکت در آتیه خدمت نماید.

چون قاصد در شرف حرکت است جواب مطالب جناب اجل آقای ایلخانی دام اقباله را توسط قاصد دیگر خواهم فرستاد. زیاده سلامتی وجود محترم را طالبم.

مصدق

۱۵

تلگراف دکتر مصدق به احمدشاه پس از مخالفت با دولت کودتا

اطلاعات	تاریخ اصل ۳ [حمل]	نشانی شیروخورشید و تاج	عدد کلمات ۵۴	نمره ۸۰۰ ۲۲
---------	----------------------	------------------------	-----------------	----------------

خاکپای جواهرآسای اعلیحضرت اقدس شهریاری ارواحنا فدا! دستخط تلگرافی راجع به احضار چاکر یک ساعت از ظهر گذشته دوم حمل زیارت شده تهیه خود را دیده هرچه زودتر حرکت خواهم نمود. سواد دستخط تلگرافی را هم برای آقای قوامالملک که در فسا هستند می فرستد.

چاکر مصدق السلطنه

[رقم مهر]

ورود به کابینه ریاست وزراء

تاریخ ۱۸ حمل ۱۳۰۰

نمره ۸۴۸

۱۶

نامه دکتر مصدق به صولةالدوله قشقائی

شیراز ۱۶ حمل ۱۳۰۰ شمسی

فدایت شوم، چند ساعتی بیش نمانده است که از شیراز حرکت نمایم. خداگواه است از این پیشآمدی که دست داد و در این مختصر توقف روابطی که بین اخلاصمند و آقایان محترم هموطنان عزیزم حاصل شد فوق العاده متأثرم می دارد که بواسطه قضایای وارده نتوانست خدمت خود را در این نقطه از وطن عزیز ادامه دهد، باری:

قضا دگر نشود گر هزار ناله و آه به شکر یا به شکایت درآید از دهنی

فرشته ای که وکیل است بر خزانه باد چه غم خورد که بمیرد چراغ پیره زنی

البته واضح است که سیاست فارس تابع سیاست ایران و سیاست ایران مطیع سیاست یک جماعتی از اهل دنیاست. ولی سیاست ارادتمند مطیع وجدان خودم است.

حقیقه اگر ممکن بود که تن به قضا بدهم برای خدمت با کمال افتخار حاضر می شدم. ولی افسوس که پیش بینیهای بنده مانع شد از اینکه خود را مطیع احکام مرکز نمایم. این بود که استعفا داده و پس از قبول برحسب امر ملوکانه خود را عازم حرکت نموده می خواست که بواسطه عدم اطمینان از وضعیات و رفتار مرکز نسبت به شخص خود خانواده را در شیراز گذارده خود چندی در بوشهر و نقطه دیگری بماند تا سیاست مرکزی کاملاً روشن گردد. بعد به طرف تهران حرکت کند. افسوس که خانواده حاضر نشد که تنها در شیراز بماند و حرکت دادن آنها هم به طرف نقطه

دیگری غیر از تهران از استطاعت مخلص خارج بود. این است که فردای ۱۷ حمل همگی به طرف تهران حرکت و به خواست و رضای الهی شاکر و خوشوقت خواهیم بود. دیگر به این مختصر با حضرت تعالی وداع می‌کنم و چون تا مدتی نمی‌خواهم با این قسمت از مملکت مکاتبه کنم بطور غیرمستقیم از مجاری حالات و سلامت وجود محترم استفسار خواهم نمود و از خداوند بقای جنابعالی را خواهانم. زیاده تصدیع نمی‌دهم.

مصدق

۱۷

نامه دکتر مصدق به صولةالدوله قشقائی

۲۱ شوال ۱۳۴۱

فدایت شوم امیدوارم ان شاءالله تعالی وجود محترم را کسالت و ملالی نباشد. هرچند که مستقیماً چندی است از اخبار حضرت تعالی بی‌اطلاعم ولی بطور غیرمستقیم همچو نیست که در این باب لاقید بوده و کسب اطلاع نکرده باشم و همینقدر که از سلامت وجود عالی مطلع شده و اینکه امور از این جهت مطابق دلخواه و انتظار دوستان است کمال خوشوقتی و امتنان را داشته و خواهانم که ان شاءالله همیشه به همینطور بگذرد.

حالت مخلص هم بحمدالله بد نیست و عمری بدون نتیجه در این مملکت می‌گذرد. واقعاً در این وقت که هموطنان عزیزم بواسطه مرخصی عازم تهران هستند لازم می‌دانم که این مختصر را عرض و خاطر جنابعالی را از حسن رفتار و حسن سلوک آنها در مدت اقامت در تهران مستحضر نمایم.

از روی حقیقت هیچ‌یک از دستجاتی که از خارج به مرکز آمدند مثل این اشخاص رفتار نکردند و سلوک آنها طوری خواطر را جلب نموده که هیچ انتظار نداشتند از اشخاصی که تاکنون به مرکز نیامده این حسن رفتار جاری گردد. در این صورت استحقاق هر قسم توجهی از طرف حضرت عالی دارند و امیدوارم که آنها را مورد الطاف خود قرار داده و طوری تقدیر فرمایید باعث تشویق سایرین گردد.

همواره بشارت سلامت حضرت عالی را انتظار دارم.

مصدق

۱۸

جواب دکتر مصدق به نامه رئیس مجلس شورای ملی

تهران ۱۲ اسد ۱۳۰۰

قربانت شوم [۱] حضرت آقای پرنس ارفع‌الدوله در تاریخ دهم ژوئن شرحی به بنده مرقوم و ضمناً تقاضا فرموده‌اند که به عرض مبارک برسانم که مجمع اتفاق ملل ۱۳۳۷۶ فرانک سوئیس

بابت سال قبل و ۱۲۵۰۰۰ فرانک هم بابت هذه السنه از سهم دولت ایران طلب دارد که غالباً مدیریت کل درصدد مطالبه برآمده و حضرت معظم‌له هم هر قدر تلگراف به تهران نموده‌اند تا زمان ارسال مرقومه ایشان منتج به نتیجه نشده‌است و مخصوصاً استدعا نموده‌اند که حضرت اشرف بندگان آقای مشیرالدوله و حضرت اشرف عالی در صورت امکان توجهی فرمایند که بیش از این در انتظار خارجه حضرت معظم‌له خجل و شرمنده نباشند این است که خاطر مبارک را از استدعای ایشان مستحضر می‌دارد که اگر پیشرفت داشته باشد بذل مرحمتی فرمایند دیگر موقوف به رأی و اراده عالیّه هست [۰].

[رقم امضاء] مصدق

۱۹

نامه دکتر مصدق به قوام السلطنه [رئیس‌الوزراء]

به تاریخ ۳۰ برج میزان ۱۳۴۰
ضمیمه

نشان شیر و خورشید و تاج
وزارت مالیه
اداره ...
دائرة ...
نمره ...

خصوصی است

قربانت شوم [!؛] جناب مستطاب آقای حاج ظهیرالاسلام شرحی راجع به پانصد تومان طلب خودشان از حضرت اشرف والا شاهزاده امیراعظم حکمران استرآباد که به نیابت ترک دعوی آب منزلشان دارند به بنده مرقوم داشته‌اند خواهشمندم تلگرافی از طرف بندگان حضرت اشرف اعظم آقای رئیس‌الوزراء دامت شوکت به حضرت والا شاهزاده امیراعظم صادر فرمائید که طلب مزبور را زودتر تلگرافاً برات نمایند بدیهی است بذل این لطف اسباب مزید امتنان بنده هم خواهد بود.

[در ذیل نامه آمده‌است] تلگراف صادره با جوابش به آقای مصدق السلطنه داده شده‌است

دکتر محمد مصدق

۲۰

کشف تلگراف رمز دکتر مصدق به وزارت داخله

نشان شیر و خورشید و تاج
وزارت داخله
سواد استخراج تلگراف آذربایجان
مورخه ۱۸ شعبان ۲۰
نمره

مقام منیع وزارت جلیله داخله

نمره (۵۳) عز وصول داد. به راپورتهای حکومت سابق اردبیل مراجعه فرمایند مطلب معین

است. حضرات در آستارا و اردبیل تشکیلاتی دارند. در اردبیل سابقاً کشف و مؤسسين که از اتباع روس بودند از قرار راپرت حکومت محل به روسیه تبعید ولی کمیته آستارا مجلس سری و این مؤسسات هم از همان محرم نام آقایی است که غالباً در آستارای روس و مأمورین این طرف دسترسی ندارند مع هذا تعلیمات اکیده به حکومت اردبیل داده شد که جداً مراقب شده از توسعه نفوذ حضرات ... سرحدی جلوگیری نماید. ۲۶ حمل نمره ۱۳۹
[در حاشیه] اداره شمال به وزارت خارجه اطلاع می‌دهد ۱/۲۷
مصدق السلطنه

۲۱

سواد تلگراف دکتر مصدق به رئیس الوزراء

نشان شیر و خورشید و تاج
ریاست وزراء
ورقه تلگرافی
نمره
سواد تلگراف سری
مقام منبع ریاست جلیله وزراء عظام دامت شوکته
راپورتی که از اداره راه‌آهن تبریز رسیده خلاصه آن برای استحضار خاطر مبارک عرض می‌شود.

خط آهن ماکو در اثنای جنگ عمومی در سال ۱۹۱۵ میلادی شروع و در سال ۱۹۱۷ خاتمه یافته. دولت تساری روسیه بدون تحصیل امتیاز و یا اجازه از دولت علیه با قوه نظامی راه مزبور را ساخته و قیمت اراضی هم که خط آهن از آنجا عبور کرده به مالکین آنها تاکنون پرداخت نشده. دولت تساری روسیه برای مالکیت راه آهن ماکو هیچ عنوان و دلیل موجهی نداشته حالا دولت ساویت روسیه برای پاره [ای] ملاحظات نظامی و اقتصادی با عناوین مختلفه و بدون داشتن مدرک مشروع در صدد تصرف آن می‌باشد.

نور نمره ۲۳۵۶
سواد مطابق اصل است.
مصدق السلطنه

۲۲

نامه دکتر مصدق به ریاست وزراء

نشان شیر و خورشید و تاج
ریاست وزراء
سواد استخراج تلگراف تبریز
مورخه ۱۰ جوزا ۳۰۱
نمره ۳۲۵

مقام منبع ریاست جلیله وزراء عظام دامت عظمته
راپرت تلگرافی میاندوآب و راپرت دیگری هم که از سردار ناصر حاکم مراغه واصل شد برای

استحضار خاطر مبارک عیناً درج می‌شود.

راپرت نهم جوزا[:]

الآن که دو ساعت به ظهر مانده است نصرالله خان سرهنگ با پنج نفر وارد قره‌ورن و از قراری که می‌گویند جزء پنج نفر همراه که دارد تمام عده‌اش محو و تلف شده‌اند. اگر یک قوه کافی از تبریز و یا شرفخانه بوسیله کشتی به دانالو نرسد باید اولیای معظم دولت خرابی این ولایت را مد نظر گرفته بکلی صرفنظر بکنند. علاج فوری و فوری لازم است. در قوای میاندوآب روح جنگی باقی نمانده بطوری مرعوب شده‌اند که بتوان [نتوان] از این قوا امید استقامت و خدمت کرد. سیم صاین قلعه را هم خراب کرده‌اند.

فدوی کرم‌علی

بعد عنوان، سرهنگ نصرالله خان دو ساعت به ظهر مانده با پنج نفر وارد، راپرت را البته خودش خواهد رسانید. از قراری که می‌گویند اکراد تمام کنار رودخانه را گرفته امشب یا فردا شب باین طرف و طرف صاین قلعه حمله خواهند آورد وحشت اهالی این صفحه از دیروز فوق‌العاده، تمام اهالی تا شش فرسخی فرار، از قوه ولایات هم کاری ساخته نمی‌شود. هر کس عیال خود را برداشته می‌رود. با این وضع اگر به این طرف رودخانه تخطی کنند مراغه هم در تهدید و باید برای اینجا فکر کرد. از هشت رود ابداً سواری نیامد. صولت‌الدوله هم امروز کاغذش رسیده از فدوی توپ و تفنگ تقاضا می‌کند. حالیه باید هرچه در تبریز سواری باشد بفوریت تمام را روانه و از شرفخانه هم در صورت تقاضا ممکن است بوسیله کشتی عده‌ای فوری برسانند. یک ساعت به ظهر ۹ جوزا نمره ۵۷ - فدوی اسکندر

فرمانده کل را هم از راپرتهای فوق مطلع نمودم ۹ جوزا نمره ۳۸۷
مصدق السلطنه
سراد مطابق با اصل است

۲۳

تلگراف دکتر مصدق به مشیرالدوله

نشان شیر و خورشید و تاج

اداره تلگرافی دولت علیه ایران

از تبریز	نمره قبض ...	عدد کلمات	تاریخ اصل	توضیحات	تاریخ وصول	اسم گیرنده
به تهران	نمره تلگراف ...	...	...	...	شب ۱۲ جوزا	اسمعیل

توسط حضرت آقای متین‌الدوله مقام منیع ریاست جلیله وزراء عظام دامت عظمت

بنده عقیده دارم که در این عرض خود به شهادت ضمیر منیر مبارک از اقامه هرگونه ادله و براهین بی‌نیاز از ۲۵ برج دلو مأموریت آذربایجان که بعهد این بنده محول گردیده با آن شوق و شغفی که به خدمت این قسمت از وطن عزیز خود داشت و مسلم نموده بود که در زیر سایه قدردانی اولیاء دولت وظیفه که انجام آن را مقدس می‌داند بتواند در این موقع مهم توجهات

دولت جلیله را نسبت به خود جلب نماید، چنانچه از ساعت تقبل این خدمت همه را در پی انجام وظیفه بوده و از مرکز بدون درنگ حرکت و بدبختانه در راه مبتلای کسالت معذالک با همان حال طی مسافت نموده پس از ورود تبریز بطور کلی بستری هر چهار روز کمی خوب و باز افتادم با این که این کسالت مزمن بالمره ناتوانم نموده باز دقیقه‌ای غفلت نکرده مشغول بودم و البته خاطر مبارک از سابقه و لاحق و آذربایجان کاملاً مسبوق است که چه اندازه خرابی در کارها موجود و بنده با میل مفرطی که در تهیه وسایل آسایش این آب و خاک دارم از هیچ مشکلی قصور ننموده با وسایل ناقصی که بوده بدون هیچ غفلت موفقیت حاصل نموده متأسفانه در این چند روز اخیر بالمره از حال رسیدگی به کار افتادم برای تشخیص مرض از وجوه اطباء مجلس شده بالاخره مرض را برونشیت تشخیص دادند و بالاتفاق مقرر داشته‌اند نه تنها به کار رسیدگی نکنم بلکه تکلم هم ننمایم. در این صورت تصدیق خواهید فرمود که آذربایجان با این اهمیت موقع هیچ ممکن نیست به طبیعت واگذار شود و اندک تسامح و غفلت مسئولیت شدیدی را برای زمام‌دار وقت ایجاد خواهد کرد و چون به انجام وظیفه نهایت درجه اهمیت را داده و وجداناً نمی‌توانم در موقع عجز یک مقامی را لغو و آلت معطله گذارم با اعتراف به ناتوانی که از عدم مساعدت طبیعت حاصل شده از آن مقام منیع استدعای معافی از این مأموریت می‌نماید.

مصدق السلطنه

۱۱ جوزا نمرة ۳۸۸۱

محل مهر تلگرافخانه تهران

۲۴

تلگراف دکتر مصدق به رئیس‌الوزراء (قوام‌السلطنه)

نشان شیر و خورشید و تاج
اداره تلگرافی دولت علیه ایران
نمره کتاب
از تبریز
به ط
نمره قبض ۳۱۸۱
نمره تلگراف ۳۱۶
عدد کلمات ۲۹۳
تاریخ اصل ۲۳
توضیحات دولتی
تاریخ وصول شب ۲۴ جوزا
اسم گیرنده ؟
سنه ۱۳۰۱

توسط جناب آقای متین‌الدوله مقام منیع ریاست جلیله وزراء عظام دامت عظمته

مژده زمامداری حضرت اشرف مثل این بود که روحی به بدن علیل و بی‌روح بنده دمید. نمی‌دانم به مملکت یا به حضرت اشرف کدام یک تبریک عرض کنم. خاطر مبارک از مسافرت بنده بهتر از هر کس مسبوق است که هر گاه از توقف تهران منزجر نبودم و وسایلی هم برای مسافرت خارج فراهم بود امکان نداشت که قدم از قدم بردارم. در یک چنین موقعی که دولت وقت به بنده تکلیف خدمت این ایالت را فرموده و وعده همه قسم همراهی و مساعدت داد چون و چرا ننموده بی‌تامل با سرعت هرچه تمامتر خود را به حوزه مأموریت رسانیده با کمال جدیت به انجام وظایف اشتغال نمود.

مع‌التأسف عدم مساعدت طبیعت از یک طرف و عدم توجه و مساعدت اولیای مرکزی از

طرف دیگر بنده را واداشت که تاکنون دو دفعه بتوسط وزارت جلیله جنگ و دو دفعه هم مستقیماً از مقام منیع ریاست جلیله وزراء عظام معافیت خود را استدعا نماید. بالاخره در جواب آخرین تلگراف بنده مطلب موکول به تشکیل کابینه گردید، همین قدر عرض می‌کنم که تا امروز خوب یا بد به شهادت آنهایی که دیده‌اند از بنده بانداشتن وسایل آنچه برآمده خودداری نشده و در هر حال که بوده‌ام سالم یا ناخوش ذره در انجام وظیفه غفلت ننموده‌ام و چون با نبودن وسیله و عدم مساعدت طبیعت از بنده خدمتی ساخته نیست آرزو مند بودم که شخص حضرت اشرف قبول زمامداری فرمایند تا با مرحمت و التفاتی که همیشه درباره بنده داشته‌اند معافیت بنده را از این خدمت به فوریت تصویب فرمائید که چندی به راحتی و آسایش خیال استعلاج نمایم.

مصدق السلطنه

۲۳ جوزا نمره ۴۴۸۴

محل مهر تلگرافخانه تهران

۲۵

تلگراف دکتر مصدق به قوام السلطنه

نشان شیر و خورشید و تاج
اداره تلگرافی دولت علیه ایران
نمره کتاب ۲۴۵
از تبریز
نمره قبض ۳۳۱۶
عده کلمات تاریخ اصل توضیحات تاریخ وصول اسم گیرنده
به ط نمره تلگراف ۳۶۵ ۴۱۰ ۲۸ دولتی فوری ۲۸ جوزا ؟

توسط حضرت آقای عمید السلطنه مقام منیع ریاست جلیله وزراء عظام دامت عظمته دستخط نمره ۲۷۹۸ زیارت و از حسن ظنی که درباره بنده همیشه داشته و حال هم اظهار فرموده‌اند بی نهایت متشکرم ولی معلوم می‌شود که از حالت مزاجی بنده حضرت اشرف تاکنون کاملاً استحضار حاصل نفرموده‌اند. بنده از هفتم حمل الی حال بستری و بالاخره هر دوائی در مرض بنده غیر مؤثر و پس از یاس کامل فعلاً ده روز است که از خونی که از حلق خارج می‌شود شخصاً بواسطه گذاردن یخ در سر و در گردن جلوگیری نموده فعلاً هم نتیجه قطعی معلوم نیست. کسالت‌های دیگر هم که بنده را عصبانی و اسباب آنها را فقدان وسایل انجام وظایف می‌دانم بوده و حال هم هست که اگر زندگی بنده بترتیبی که هست باقی بماند باعث اتلاف بنده خواهد بود. بنده بصورت حاضره نه فقط صلاح شخص خود را بلکه خداگواه است صلاح دولت را هم نمی‌دانم لذا عرض می‌کنم یا اجازه فرمایند بنده به هر شکل باشد خود را تا نقطه که اتومبیل نمی‌رود رسانیده و از آنجا با سرعت تمامتر شرفیاب شده معایب کار را عرض نموده و با یک امیدواری کاملی مراجعت نمایم. در غیاب خود اشخاصی را هم تعیین می‌نمایم که تا هر درجه که ممکن باشد کارها به خوشی بگذرد. تصور نفرمایند که در این عرض مقصود فرار از کار است به مشرف و انسانیت قسم که از این عرض هیچ مقصودی غیر از خیر مملکت ندارم. ضمناً چند روزی هم به واسطه آسایش خیال و تغییر آب و هوا ممکن است حالت بنده بهتر گردد، چنانچه این شق را

تصویب نمی‌فرمایند و تصور می‌فرمایند که فقط بودن بنده در آذربایجان مفید است بنده را تا زمانیکه قوه و پول نیست از مسئولیت امنیت خلاص فرمایند. هر وقت قوه برای آذربایجان غیر از قوائی که در فرونت‌ها برای جنگ هستند در تحت اختیار بنده تعیین شد و وجهی هم برای اداره مالیه رسید البته بنده هم می‌توانم در امنیت آذربایجان اقدام نمایم. این هم البته در صورتی است که حال مزاجی بنده مساعد باشد، چنانچه این دو شق را قبول نفرمایند صراحتاً عرض می‌کنم که از توقف بنده غیر از تلف شدن برای خود و برای دولت تصور دیگری نخواهد بود. چون اوضاع حاضره حائز کمال اهمیت است نتوانست تا تشکیل کابینه تامل نموده مستدعی است هر چه زودتر تصمیم مبارک را ابلاغ فرمایند.

مصدق السلطنه

۲۸ جوزا نمره ۴۷۶

محل مهر تلگرافخانه تهران

۲۶

نامه دکتر مصدق به سپهبد امان‌الله جهانبانی

تبریز ۲۰ سرطان ۱۳۰۱

فدایت شوم [؟] بعد از استعلام از سلامت و صحت وجود محترم خاطر عالی را مستحضر می‌دارد که روز ۲۵ سرطان مخلص به طرف تهران حرکت خواهند نمود [.] از راه میانجی لااقل یکصد نفر سوار لازم است ولی از راه هشت‌رود بیست نفر کافی است چنانچه تصدیق می‌فرمائید که از راه هشت‌رود برود بیست نفر تعیین فرمایید و اگر مقتضی است از میانجی مسافرت کند یکصد نفر لازم است [.] در صورتی که بواسطه وضعیت و احتیاج بقوه ممکن نباشد عرضی ندارم ممکن است خود مخلص بیست نفر سوار عشایری تهیه کرده از راه هشت‌رود برود [.] در هر حال طریق مسافرت را به نظریات حضرت والا محول می‌دارد که هریک را صلاح دانند مرقوم دارند که اگر راه میانجی صلاح باشد زودتر درشگه یا کالسکه تهیه شود.

۲۷

تلگراف دکتر مصدق به قوام‌السلطنه

نشان شیر و خورشید

ریاست وزراء

ورقه تلگرافی

مقام منبع ریاست جلیله وزراء عظام دامت عظمته

از اینکه استعفای بنده مورد قبول یافت بی‌نهایت متشکر و بطوری که در نمره قبل به عرض رسید ۲۴ سرطان حرکت می‌نماید. آقای مؤسس خان پیشکار مالیه هم چندی است بواسطه

کسالت مزاجی خانواده خود تحت نمره ۲۵۱۲ تحصیل مرخصی نموده و به ملاحظه اینکه در راهها امنیت نبود حرکت ممکن نشد و باز مجبور شدند که در تبریز بمانند. اینک چون یک عده قوای نظامی تا میانجی همراه است برای ایشان وسیله است که خانواده خود را زودتر به مرکز برسانند چنانچه به انتظار اجازه ثانوی می ماندند موقع از دست می رفت این است که استدعا می نماید به وزارت جلیله مالیّه مقرر فرمایند مرخصی سابق ایشان را تصویب فرمایند.

۲۱ سرطان نمره ۵۷۷
مصدق السلطنه

در حاشیه:

نمره ۵۵۲

۲۲ سرطان ۳۰/۱

استخراج تلگراف تبریز

حضرت آقای وزیر مالیّه هم ملاحظه خواهند فرمود ۴/۲۲

۲۸

نامه دکتر مصدق به یکی از وزراء

ششم حوت ۱۳۰۱

قربانت گردم [!؛] اگرچه در هیچ مورد خصوصاً در مقام اشخاصی مثل حضرت عالی بنده معتقد به توصیه نیستم ولی هرگاه در یک مورد توجه و تذکر لازم باشد تصور می کنم نباید فروگذار نمود و آن مورد جناب اجل آقای آقامیرزا حسن خان است که با سوابقی که در آن وزارت جلیله دارند و خود حضرت عالی هم درباره ایشان اخیراً وعده فرموده اید البته مقتضی است که هرچه زودتر از بذل لطف و مساعدت درباره جناب معزّی الیه دریغ نفرموده و بنده را از توجهاتی که می فرمائید قرین امتنان و تشکر بفرمایند چون یقین دارم که تا هر درجه ممکن شود مساعدت خواهید فرمود این است که در مقام تصدیع برآمده و انتظار دارم که مراحم خود را درباره ایشان مبذول فرمائید [!؛] زیاده عرضی ندارم.

[امضاء] مصدق

۲۹

تکذیب نامه دکتر مصدق و استفتاء از حجة الاسلام سیداسدالله خارقانی

روزنامه اقدام در شماره (۱۲۳) مورخه ۱۰ ثور صفحه سیم ستون دوم شاید به تحریک بدخواهانی که از دولت خواهی من صدمه دیده اند پاره مفتریات غرض آمیز بر علیه این جانب انتشار داده که فوق العاده موجب تأثر من شده است مخصوصاً از تنقید کتابی که تالیف نموده ام

بیشتر روحاً متألم هستم.

در سنه ۱۳۳۲ هجری که برای اخذ دیپلم خود بتألیف کتابی ناچار بودم با کمک فکری و معاضدت بعضی از آقایان حجج اسلام ادام‌الله بقائهم کتابی بعنوان وصیت و مدارک حقوق اسلامی بزبان فرانسه تألیف کرده‌ام و مزایای قوانین شریعت غرای احمدی را مطابق مذهب جعفری صلوة علیه بسایر ادیان با فلسفه عالی در اروپا انتشار داده‌ام.

من بتصور اینکه مدیر روزنامه اقدام شاید در نتیجه عدم اطلاع بحقیقت امر و القآت دشمنان این جانب مبادرت بیک چنین اقامی نموده عین تألیف مزبور را نزد مشارالیه فرستادم که باشتباه خود معترف گردیده در صدد تکذیب برآید تا بحال از طرف مشارالیه با وجود وعده [ای] که داده بود اداء وظیه نشده چون سکوت خود را در این امر بیش از این جایز نمی‌دانم باستظهار مظلومیت و حقانیتی که در خود مشاهده می‌کنم لازم دیدم که تعقیف قضیه را از مجاری قانونی درخواست نمایم این است که راجع بتمام مواد مندرجه در جریده اقدام عرضحال جزائی به پارکه بدایت تقدیم کرده‌ام و عجالاً برای احتراز از کشمکشهای قلمی که جز خلط مبحث و مغالطه و غرض‌رانی نتیجه دیگر ندارد بطور اجمال تمام مواد مندرجه در جریده مزبوره را قویاً تکذیب می‌کنم تا در محکمه صالحه حقانیت این جانب مکشوف و مغرضین تسلیم مجازات گردیده و ثابت شود که بشرافت هرکس نمی‌شود شبیخون زد.

در پایان مقال اضافه می‌کنم که چون اخلاقاً معتقد بریاکاری نیستم تاکنون بانشار ترجمه کتاب خود مبادرت ننموده لیکن حالا که مغرضین زحمات مرا می‌خواهند بعکس جلوه‌گر کنند بعون‌الله تعالی عنقریب ترجمه آن را بفارسی طبع و نشر و مغرضین را به آیه کریمه (ولا تلبسوا الحق بالباطل و یکتّموا الحق و انتم تعلمون) متوجه می‌نمایم. مصدق‌السلطنه

خدمت ذیشرافت حضرت حجة الاسلام والمسلمین

آقای آقاسیداسدالله خارقانی ادام‌الله بقائه

بعرض عالی می‌رساند در ده سال قبل که در اروپا بنده به تألیف کتاب وصیت و مدارک حقوق اسلامی مشغول بودم البته در نظر مبارک هست که بعضی از مشکلات بنده را با مکاتبه خود حضرت حجة الاسلام عالی حل فرموده‌اند و بعد از اتمام و طبع هم یک نسخه از آن را خدمت ذیشرافت تقدیم داشتم که از همان ایام آن را ملاحظه و در دو سه مجلس از مندرجات آن صحبت می‌فرمودید. چون در این ایام جریده اقدام با عدم بصیرت و اطلاع از مندرجات آن و فقط از قرار معروف آن را در یکی از شماره‌های خود تنقید نموده برای رفع اشتباه از افکار و اذهان عمومی استدعا دارم معلومات و اطلاعات خود را نسبت بمندرجات آن مرقوم فرمایید تا بعد از ترجمه و طبع قارئین خودشان قضاوت نمایند. امیدوارم از این مرحمت بنده را قرین تشکر فرمایند. [محل امضاء] مصدق‌السلطنه

۳۰

نامه دکتر مصدق به رئیس الوزراء

۸ اسد ۱۳۰۲

قربانت گردم [۴]

بعد از تجدید مراسم ارادت خاطر محترم را زحمت می‌دهد در باب مطلبی که فرمودید بنده بداره مربوطه مراجعه کرده اینک صورت بودجه اعضاء سفارت برلن را لفاً ایفاد می‌دارد. با ملاحظه این صورت هرطور می‌فرمایند اطاعت خواهد شد. بنده همیشه بانجام فرمایشات عالی علاقه‌مند بوده خالصترین ادعیه خود را برای عزت و سلامت آن وجود محترم تقدیم می‌دارم. [امضاء] مصدق

۳۱

نامه دکتر مصدق به وزیر داخله

بتاریخ ۲۹ برج میزان سنه ۱۳۰۲

نشان شیر و خورشید و تاج

وزارت امور خارجه

اداره

دایره

قربانت شوم

حکومت قزوین آقارضا رعیت بنده را بدون علت معلومی حبس کرده است هرگاه حکومت مزبور مطیع آن وزارت جلیله است تلگرافی کتباً یا رمزاً صادر فرموده علت را تحقیق فرمائید و الا بنده ناچارم که بوزارت جلیله جنگ از حکومت قزوین شکایت نمایم. چنانچه تلگراف صادر می‌شود امروز قبل از ظهر مرحمت فرمائید که مخایره شود. عرضی ندارم. [امضاء] مصدق

۳۲

یادداشت دکتر مصدق به ریاست اداره اول وزارت امور خارجه

ریاست محترم اداره اول

در هیئت محترم صبح ۱۶ شنبه قرائت شد مقرر فرمودند تلگراف شود که این مراسله را بفرستند جنابعالی هم مراجعه به سابقه نمایند اگر با سابقه ارسال این مراسله اشکالی ندارد این تلگراف را ... فی التاریخ [رقم امضاء] مصدق

[در حاشیه]

هشت فقره راپورت کاربردازی بغداد از سابقه که در کابینه بود برای اطلاع اداره محترم اول ضمیمه شد. بعضی تلگرافات نیز هست که ممکن است مراجعه فرمایند [۰]. زرین نقش.

۳۳

نامه دکتر مصدق به ریاست مجلس شورای ملی

۱۴ جوزای ۱۳۰۳

مقام منیع ریاست جلیله مجلس شورای ملی
قرائت صورت مجلس مفصل مجلس مقدس شورای ملی از ۱۰ جدی ۱۳۰۰ تا ۴ دلو همان
سنه برای بنده ضرورت دارد اگر با مقررات مجلس شورای ملی مخالف نیست استدعا دارم اجازه
آن را صادر فرمایند. [امضاء] مصدق السلطنه

در حاشیه
۳۳۷۷
۱۵ جوزا

۳۴

نامه دکتر مصدق به رئیس مجلس شورای ملی

۴ عقرب ۱۳۰۳

مقام محترم ریاست مجلس شورای ملی شیدالله ارکانه
مرقومه محترمه زیارت شد. غیبت بنده از کمیسیون بواسطه کسالت بوده که باین لحاظ از
مجلس مقدس شورای ملی تا آخر برج میزان درخواست مرخصی نمود. اینک که بهبودی حاصل
شده از سه شنبه آتی در کمیسیون نظامنامه داخلی شرف حضور خواهدداشت و هرگاه کسالت
مزاجی اجازه نداد که مرتباً در جلسات حاضر شود معافیت خود را درخواست می‌نماید که
بواسطه غیبت بنده در انعقاد جلسات تأخیر و تعطیلی رخ ندهد. [امضاء] مصدق

۳۵

نامه دکتر مصدق به ریاست مجلس شورای ملی

۲۶ اردیبهشت ۱۳۰۴

مقام محترم ریاست مجلس شورای ملی شیدالله ارکانه
چون موقع کمیسیون عدلیه در روز شنبه و دوشنبه مصادف با موقع کمیسیون فوائد عامه و
چند نفر از آقایان محترم اعضاء کمیسیون عدلیه در کمیسیون فوائد عامه هم عضویت دارند
مستدعی است مقرر فرمایند کمیسیونی از رؤساء محترم کمیسیونهای مجلس شورای ملی

تشکیل شده وقتی را تعیین فرمایند که مصادف نباشد. [امضاء] مصدق
[در حاشیه]
برای روز سه شنبه خبر کنند.

۳۶

نامه دکتر مصدق به رئیس مجلس شورای ملی

۲۶ اردیبهشت ۱۳۰۴

مقام منیع ریاست مجلس شورای ملی شیدالله ارکانه
برای کمیسیون عدلیه یک نفر منشی لازم است که در ساعات مقرر کمیسیون حاضر باشد.
مستدعی است امر و مقرر فرمایند که منشی مزبور در جلسات کمیسیون حضور بهم رساند.
[امضاء] مصدق

[در حاشیه]

در صورتیکه اجازه و تصویب فرمایند ممکن است میرزا محمد آقای تاج (بالفعل که مواقع انعقاد کمیسیون عدلیه و بردجه مختلف است) در مواقع انعقاد جلسه کمیسیون عدلیه حاضر باشد. ۴/۲/۳۰ [امضاء ؟]

۳۷

نامه دکتر مصدق به کمیسیون عدلیه

۱۸ خرداد ۱۳۰۴

کمیسیون محترم عدلیه

با نهایت اشتیاقی که برای شرفیابی امروز داشت بواسطه فوت یکی از منسوبان از این سعادت محروم گردید و مخصوصاً لازم می‌دانست که شفاهاً علت عدم حضور در جلسات را بواسطه ضعف مزاج و عدم تحمل گرما بعرض برساند دیگر موقوف برای کمیسیون محترم خواهد بود. [امضاء] مصدق

۳۸

نامه دکتر مصدق به کمیسیون عدلیه

۲۳ خرداد ۱۳۰۴

کمیسیون محترم عدلیه

چون تصرف یک مقامی بلاعوض بعقیده این بنده مشروع نیست و تا هوا قدری اعتدال پیدا نکند بواسطه ضعف مزاج بحضور در کمیسیون محترم مفتخر نخواهد شد با نهایت تأسف از

ریاست استعفاء و هرگاه بواسطه کمی اعضاء لازم است که بجای این بنده دیگری انتخاب شود با کمال تأثر و تأسف استعفای خود را از عضویت نیز تقدیم می‌نماید و الا در صورتی که مخالف قانون نباشد مستدعی است این بنده را تا زمانی که بتواند بحضور در کمیسیون مفتخر گردد جزو غائبین با اجازه ثبت فرمایند.

[در حاشیه]

کمیسیون استعفای از ریاست آقای مصدق را پذیرفته و تصویب شد که ایشان را غایب با اجازه ثبت نمایند.

۳۹

نامه دکتر مصدق به رئیس مجلس شورای ملی

نشان شیر و خورشید و ناج

مجلس شورای ملی
خبر از کمیسیون عدلیه به مقام ریاست مجلس شورای ملی

نمره ...

تاریخ ۲۳ خردادماه ۱۳۰۴

مقام محترم ریاست مجلس شورای ملی

محترماً تصدیق می‌دهد پس از شور اول سه باب از قانون تجارت در قسمت ورشکستگی پیشنهادی دولت که مشتمل بر ۱۴۸ ماده بود مطابق رأی مجلس شورای ملی طبع و توزیع گردیده و دوازده روز مدت معین شد برای جلب نشر آقایان نمایندگان و پس از انقضای مدت مزبور در تاریخ ۲۳ اردیبهشت هذمه‌السنه شور ثانی شروع و با توجه بنظریه آقایان نمایندگان و اصلاحاتی که در شور ثانی بعمل آمده مطابق اختیاراتی که در ۱۰ عقرب ۱۳۰۳ از طرف مجلس شورای ملی بکمیسیون عدلیه داده شده بود این قسمت از لایحه مزبور که مشتمل بر ۳ باب و یکصد و چهل و پنج ماده بود تصویب و بامضاء اعضاء محترم کمیسیون عدلیه رسیده صورت قانونی را حائز و بضمیمه این راپورت بآن مقام محترم تقدیم می‌گردد که برای اجراء بوزارت عدلیه ابلاغ شود.

[امضاء] مصدق

۴۰

نامه دکتر مصدق به ریاست موقتی مجلس شورای ملی

نمره ۹

۱۳ مرداد ۱۳۰۵

مقام منبع ریاست موقتی مجلس شورای ملی شیدالله ارکانه

ورقه جوف را حکومت جلیله تهران برای این جانب فرستاده‌اند هرگاه ورقه فرموده را بعنوان اعتبارنامه که در ماده ۴۹ قانون انتخاب مطرح است قبول می‌فرمایند بنده خود را مکلف می‌داند

در شعبات حضور بهم رسانده والا به بنده تکلیف وقتی وارد است که نمایندگی این جانب لااقل در شعبه مربوطه تصویب شود.
امضاء - دکتر محمد مصدق
۱۵ مرداد / ۱۳۰۵

در جلسه هیئت رئیسه قرائت گردید مقرر شد که به ایشان نوشته شود که برای حضور ایشان در شعبه مانعی به نظر نمی‌رسد بنا بر این در اوقات مقرر در شعبه مربوطه می‌توانند حضور بهم رسانند. [امضاء]

۴۱

نامه دکتر مصدق و جمعی از نمایندگان (منفردین) به رئیس مجلس

هو

بتاریخ نه شهریور ۱۳۰۵

مقام منبع ریاست محترم مجلس مقدس دامت شوکته
نظر به حسن اعتمادی که نسبت به شخص آقای مستوفی داشته در این موقع که تمایل مجلس را خواسته‌اند ما امضاکنندگان ذیل منفردین مجلس اعتماد خودمان را بشخص آقای آقامیرزا حسن خان مستوفی اظهار می‌نمائیم.
[امضاءها:] دکتر محمد مصدق، اقل محمد تقی طا، حیدرقلی حشمت، فیروزآبادی، میرممتاز، محمدابراهیم اهری، صادق خواجه‌نوری، حائری‌زاده، محمد معظمی، مدرس، حسن ملک، م. بهار، معتمدالتولیه و ...

۴۲

نوشته دکتر مصدق خطاب به رئیس مجلس شورای ملی

نشان شیر و خورشید و تاج
مجلس شورای ملی

شهریور ۱۳۰۵

مقام منبع ریاست جلیله مجلس شورای ملی شیدالله ارکانه
رای بنده در باب تمایل مجلس تابع اکثریت است.
[امضاء] دکتر محمد مصدق

۴۳

گزارش انتخاب هیئت رئیسه کمیسیون امور خارجه به رئیس مجلس شورای ملی به امضای دکتر مصدق

[۱۳۰] ۶/۲/۱۰

مقام منبع ریاست مجلس شورای ملی
کمیسیون امور خارجه با حضور آقایان:
تقی‌زاده، فرشی، امیراسعد بختیاری، امیر تیمور، معتمد وثوق، ثقة‌الاسلامی، دیوان‌بیگی، اعتبار،

دکتر مصدق و کی‌استوان بریاست سنی آقای فرشی تشکیل گردیده و انتخاب هیئت رئیسه بشرح ذیل بعمل آمد:

به اکثریت آراء انتخاب شدند	{	آقای دکتر مصدق - رئیس
		آقای اسعد بختیاری - نایب رئیس
		آقای تقی‌زاده - مخبر
		وکی‌استوان - منشی

امضای رئیس: دکتر محمد مصدق

۴۴

نامه دکتر مصدق به رئیس مجلس شورای ملی

۳۰ مهرماه ۱۳۰۶

مقام منبع ریاست جلیله مجلس شورای ملی
تلگرافی از حجج اسلام اصفهان از قم توسط این‌جانب رسیده که تقدیم می‌نماید و استدعا دارد که جوابی که مقتضی است زودتر صادر گردد.

[امضاء] دکتر محمد مصدق

[در حاشیه]

کپی این تلگراف قبلاً رسیده و جواب داده شده ضمیمه دوسیه مربوط می‌شود. دوم آبان ۱۳۰۶ طوسی

۴۵

پاسخ دکتر مصدق به حاج آقا نورالله اصفهانی

۳۰ مهرماه ۱۳۰۶

بشرف عرض عالی می‌رساند:

تلگرافی که بامضای حضرت حجة الاسلام عالی و حضرات آقایان حجج الاسلام ادام‌الله اضلالهم بعنوان مجلس شورای ملی رسیده بود بنده می‌خواستم در مجلس قرائت کنم بعد از مشاوره با مقام ریاست صلاح ندانستند که درین باب مذاکراتی شود با بعضی آقایان دیگر هم که کپی داشتند مذاکره شد آنها هم تقریباً موافق بودند و علت هم این است که اگر مجلس را برای استماع این اظهارات موثر تصور کنید چون در مجلس همچو تلگرافی خوب تلقی نمیشد بجای حسن اثر سوء اثر حاصل میشد چنانچه حرفهای مجلس موثر نباشد چرا اقدامی بشود که اشخاص دیگر خوب تلقی نکنند بالاخره چون این ادله چندان ضعیف نیست بنده هم اینطور صلاح دانستم که طبق نظریه مقام ریاست خدمتشان تقدیم کنم و قول بگیرم که در ظرف این

چند روز هر اقدامی مقتضی است بفرمایند و هر جوابی که صلاح است صادر فرمایند و حضرات آقایانی هم که کپیہ داشتند مشغول اقدامات هستند و البته نتیجه را بعرض خواهند رسانید.

در خاتمه مراسم ارادت و بندگی خود را حضور محترم حضرات آقایان حجج اسلام ادام‌الله بقائهم تجدید و تقدیم و از خداوند سلامت آن ذوات محترم را خواهانم.
دکتر محمد مصدق

۴۶

تلگراف دکتر مصدق به حاج آقا نورالله اصفهانی

خدمت ذی‌شرافت حضرت آیه‌الله آقای حاج آقا نورالله ادام‌الله تعالی
با تقدیم عرض بندگی و تجدید مراسم ارادت مترصدم که تحت توجهات عالیہ مذاکرات در نفع مملکت و جامعه مقدسه روحانیت خاتمه یابد، فرمایشات را با کمال افتخار مترصدم.
۱۸ آذر ۱۳۰۶ - دکتر محمد مصدق

۴۷

نامه دکتر مصدق به دبیرالممالک طوسی

۲۸ آذرماه ۱۳۰۶

فدایت شوم، اهالی باغمیشه تبریز شرحی توسط این‌جانب حضور آقایان محترمین مجلس شورای ملی نوشته‌اند، چون نمی‌دانم که تاکنون این قبیل مکاتبات چگونه با آقایان محترمین رسیده‌است خدمت حضرت‌تعالی تقدیم می‌کنم که هرطور معمول است بفرمایند.
[امضاء] دکتر محمد مصدق

۴۸

نامه دکتر مصدق در جواب نامه تیمورتاش وزیر دربار

۲۵ اردی‌بهشت ۱۳۰۷

قربانت شوم [؟] خط‌دست مبارک شرف وصول داده و به قول شاعر [؟]
صیاد پی صید دویدن عجب نیست صید از پی صیاد دویدن مزه دارد
در حقیقت نیکی فطرت و پاکی طینت حضرت اشرف عالی مستلزم این اندازه توجه به عرایض خیرخواهانه و بی‌غرضانه بنده می‌باشد و خدا را به شهادت می‌طلبم که فقط نظریاتم

خیرخواهانه است و بس.

امروز در مجلس با آقایان مذاکراتی شد و همه را به فرمایشات و اوامر بندگان اعلیحضرت اقدس شهریارى ارواحنا فداء امیدوار نمودم و از الطاف حضرت اشرف عالمی هم صمیمانه متشکر هستم.

قرار شد هر کس مسموعات خود را که اطمینان کامل داشته باشد نوشته فردا بدهند که تقدیم کند ولی آنچه که مسلم است تبعید حاج محمدعلی... است که دیگر هیچ کس منکر نمی‌شود. فقط برای عدم مداخله در انتخابات تبعید گردیده است.

احضار فوری او به جامعه ثابت می‌کند که انتخابات بکلی آزاد است. هرگاه مقرر فرمایند از طرف اداره جلیله نظمیه مشارالیه را که تاکنون شاید از شاهرود نگذشته باشد احضار نمایند به نظر بنده یک دلیل قطعی آزادی است.

اگر باعث تصدیع خاطر مبارک نباشد استدعا دارم چند دقیقه اجازه فرمایند که در دولتسرا شرفیاب شده و صورت‌ها را تقدیم و یک عرایض دیگری هم که حضرت اشرف اقدس والا شاهزاده وزیر مالیه اطلاع دارند عرض کند. این شرفیابی هم فقط از جهت ادای وظیفه می‌باشد. در خاتمه سلامت وجود مبارک را خواهانم.

دکتر محمد مصدق

[در حاشیه]

صورت را بنده فردا بعد از ظهر تقدیم می‌کنم ولی هیچ منافات ندارد که اگر ممکن باشد صبح قبل از تشریف فرمائی به دربار چند دقیقه شرفیاب شوم.

۴۹

جواب دکتر مصدق به تیمورتاش وزیر دربار

۲۵ اردیبهشت ۱۳۰۷

قربانت شوم [!]: با کمال افتخار پنجشنبه ساعت هشت و نیم مشرف خواهم شد.

دکتر محمد مصدق

۵۰

نامه دکتر مصدق به وزارت معارف

آقایان محترم اهالی سولقان در باب تأسیس یک باب مدرسه در محل مزبور شرحی به این جانب نوشته‌اند که برای اطلاع و استحضار اولیاء آن وزارت جلیله تقدیم می‌شود چون این جانب در جلسه علنی مجلس شورای ملی اظهار نموده که از بابت ماهی یکصد تومان اضافه

حقوق نمایندگی تا آخر دوره ششم چیزی دریافت نخواهد نمود و کتباً هم شرحی به اداره مباشرت مجلس نوشته است و نظر به اینکه کمک یک مبلغ معینی برای تأسیس مدرسه بدون اینکه مداومت داشته باشد برای اهالی مفید نخواهد بود هرگاه آن وزارت جلیله قبول فرمایند اضافه حقوق خود را از تاریخ ۲۸ اسفند ۱۳۰۵ تا آخر دوره ششم که اگر حیات باشد متجاوز از یکهزار و پانصد تومان می شود برای تأسیس این مدرسه به اختیار آن وزارت جلیله میگذارد که هر طور مقتضی بدانند اقدام فرمایند.

دکتر محمد مصدق

۵۱

نامه دکتر مصدق به دکتر میلیسپو رئیس کل دارائی

۱۹ مرداد ۱۳۲۳

نامه شماره ۶۰۷۵ مورخ ۱۵ مرداد ۱۳۲۳ شما شرف وصول یافت، قبلاً لازم است که این سوء تفاهم از اذهان عامه مرتفع شود که از امریکا میسیونری در ایران نیست و دولت یک مستشار و عده‌ای مستخدم از آن مملکت برای خدمات مالی استخدام نموده و چنانچه یکی از آنها در انجام وظایف غفلت و یا کاری برخلاف وظیفه نمود باید مورد اعتراض واقع شود و الا انتظارات دولت و ملت از آنها عملی نشده و از استخدام آنان نتیجه‌ای که مطلوب است عاید نمی شود. اعتراض به متخلف برای این نیست که مستخدمین امریکایی بروند بلکه از این نظر است که دیگران درس عبرت بگیرند و رفتارشان طوری باشد که تا مدتی بمانند - و اما راجع به موضوع مراسله بواسطه کمی حافظه ممکن است این جانب از بیانات شما چیزی در مجلس نگفته باشم ولی چیزی به آنها اضافه ننموده‌ام - لازم بود آنچه برخلاف واقع به شما نسبت داده شده بفرمایید تا عامه مطلع شوند که بیانات شما دارای چه اثر بوده و حذف آنها از چه نظر است و اینکه مرقوم فرمودید داوطلبانه به شما قول دادم موضوعاتی که در مجلس اظهار می‌کنم قبلاً به خودتان اطلاع دهم تا اگر توضیحات لازمه داده نشد در مجلس طرح نمایم مورد تکذیب است، ۵ شنبه ۱۵ تیر قبل از انعقاد جلسه مجلس شورای ملی آقای سرتیپ‌زاده به من گفتند که برای روز شنبه ۱۷ تیرماه از شما دعوت می‌کنم که با آقای دکتر میلیسپو ملاقات کنید - از نظر اینکه می‌خواستم در آن جلسه مذاکراتی راجع به عملیات شما بکنم دعوت ایشان را رد نمودم که با نهایت آزادی هر چه لازم است بگویم، چون ایشان گفتند که به آقای دکتر قول داده‌ام خواهش مرا رد نکنید پس از اظهارات خود در مجلس در همان جلسه به ایشان نوشتم که چون آنچه لازم بود گفتم دیگر مانعی نمی‌بینم که روز شنبه در نقطه ثالثی با آقای دکتر ملاقات کنم بنابراین چه مرا و امی داشت که داوطلب بشوم و از خود سلب اختیار کنم و به شما قول بدهم که هر چه در مجلس می‌خواهم

بگویم یا از مطالبی که باید به کسی نگفت و غفلتاً در مجلس اظهار کرد قبلاً به شما اظهار کنم. اینها جزئیات است و نباید در این باب به قدری بحث کرد که کلیات از بین برود. البته تصدیق می‌فرمایید چیزی که مرا به ملاقات شما سوق داد همان اجرای قانون اساسی بود که تصور می‌کردم نظریات من شما را قانع کند، پس از اینکه با من موافقت ننمودید و هیچ دلیل عقل‌پسندی هم در اثبات نظریه خود اقامه نکردید دیگر جا نداشت که من با شما تماس پیدا کنم و چنانچه خاطرتان باشد در آخر جلسه بدون هیچ قید و شرط از شما جدا شدم.

راجع به قانون ۱۳ اردی‌بهشت از جناب آقای نخست وزیر سؤال نمودم و منتظرم که جواب مرا در مجلس بدهند و برای اینکه وقت مجلس تضییع نشود و دیگر در فروغ از شما انتقاد نکنم موافقم که تا ۲۵ مرداد جواب مطالب ذیل را لطف کنید. امیدوارم که جواب شما جامعه را قانع کند و من دیگر در این باب اظهاری نکنم.

۱ - علت این که ۴۰ هزار تن از سهمیه ایران در ۱۹۴۳ وارد نشد چیست؟

۲ - وارد نشدن ۱۳ هزار تن از سهمیه ششماهه اول ۱۹۴۴ به چه علت است - ممکن است باز وارد کرد یا موقع از دست رفته است؟

۳ - از وارد شدن این سهمیه‌ها چه مبلغ به عواید گمرکی ضرر متوجه می‌شود؟

۴ - در صورتی که در ۱۳۲۲ طبق ترازنامه از نتیجه معاملات فلزات متجاوز از ۱۵ میلیون ریال به بانک ملی نفع رسیده، تبصره ماده واحده لایحه شماره ۳۲۱۳ دولت که از این قرار است: «تا زمانی که طلایی که به موجب این قانون در خارجه خریداری شده کلاً یا جزئاً در خارجه می‌باشد آنچه طلا برای بانک ملی ایران از خارجه وارد می‌شود بابت طلای مزبور محسوب خواهد شد» و بانک را از یک عایدات هنگفتی محروم داشته‌اید از چه نظر است؟

۵ - با اینکه به تجربه رسیده که از ورود آرد به شهر تهران نمی‌توان جلوگیری کرد و ندادن جواز موجب قاچاق و فساد اخلاق است اعلانی که اخیراً برای وارد شدن غله به شهر منتشر شد نسخ فرموده‌اید.

۶ - از تعهدات مازاد سال ۱۳۲۲ [۱] در هر محل چه مقدار وصول شده و چه مقدار به خبازهای آن محل و چه مقدار به متفقین رسیده است؟ - صورت ریز کلیه مازادی که در کشور وصول و به خبازهای شهرستانها و سیلو شهر تهران و متفقین داده شده ضرورت دارد.

۷ - اطلاعات شما راجع به ادعای دولت انگلیس از بابت مخارجی که در آن جنگ نموده است چیست؟

۸ - در صورتی که سایر دول بدون اجازه کمیته خاورمیانه می‌توانند به وسیله «کلی پست» از آمریکا کالا وارد کنند و ورود کالا به وسیله «کلی پست» برای ایران چرا محتاج به اجازه است؟!... آقای دکتر! من هیچ وقت نمی‌خواهم که شما از کار کنار بروید زیرا که برای کار شما از خارج و داخل داوطلبی ندارم - از شما اگر این جامعه متضرر شود هیچ متوجه من نمی‌شود زیرا در

آوردن شما مؤثر نبوده‌ام ولی اگر شما بروید چون در رفتن شما مؤثرم ممکن است ضرری که بعد به جامعه می‌رسد متوجه من هم بشود. گرچه انشاء این مراسله از من ولی اخبار از عقیده ملت است. اگر یکی از مستخدمین که امروز به واسطه بالا رفتن قیمت اشیاء حقوقش مساوی با اجاره خانه نیست به قدر احتیاج خود خسارت رساند و جداناً مسئول نیست زیرا که در مخمصه «اکل میته» جایز است ولی از شما که حقوق بسیار دارید اگر ضرری برسد قابل عفو نیست. به راستی قسم اگر از مطالب سؤال شده یکی راست باشد خسارتی که از آن به ملت رسیده از آنچه از بدو مشروطیت از تمام مستخدمین رسیده متجاوز است. مطالب من بسیار مهم است و جواب صحیح شما را سربلند می‌کند و الا شما را از بین می‌برد، با جواب صحیح مخالفین تسلیم می‌شوند و الا موافقین قادر نیستند که دفاع کنند، هیچ کس نمی‌تواند بگوید با این همه خسارت باز باید شما در کار بمانید و این مراسله در تاریخ زندگی شما بسیار مؤثر است.

چون مرقوم فرمودید رونوشتی از مراسله خودتان به جراید می‌فرستید که منتشر شود این جانب هم جواب خود را منتشر می‌کنم تا عامه از آنچه بین ما می‌گذرد مطلع شوند.

۵۲

نامه دکتر مصدق به ریاست مجلس شورای ملی

ریاست مجلس شورای ملی

پنج شنبه ۱۱ آبان ماه که بعضی از آقایان نمایندگان محترم برای قائم مقام نخست وزیر به این جانب اظهار حسن ظن نمودند از نظر اهمیت موقع و اینکه با وضعیت امروز خدمت به مملکت برای هرکس واجب عینی است این جانب امتناع ننموده و قبول کار را مقید به این نمودم که از مجلس قانونی بگذرد که این جانب برای استعفای سه ماه قبله مشمول ماده ۲ قانون سال ۱۳۰۶ نشوم و چون مقامی را که اشغال می‌کنم بدون اخذ حقوق و غیر موظف است لذا محتاج نیست که اصل ۳۲ قانون اساسی تفسیر شود و بر فرض لزوم این جانب راضی نمی‌شدم که برای شخص خود اصلی از اصول قانون اساسی تفسیر شود و از اینکه خواستم در طرح جدید اسمی از مراجعت این جانب به مجلس پس از کناره‌جوئی از کار برده شود فقط از این نظر بوده که در موقع استفاده اصل مزبور را طور دیگر تفسیر نکنند و راه ورود این جانب را به مجلس مسدود ننمایند [۱].

البته تصدیق می‌فرمایند که موکلین من صاحب این نظر نبوده‌اند که برای مدت کوتاه کار قبول کنم و موقعی که دفاع از وطن فریضه من و هریک از نمایندگان است کرسی خود را خالی بگذارم.

صاف و بی‌پرده عرض می‌کنم که عدم امتناع برای این بود که بآن کسیکه همیشه فدائی وطن

بوده است نسبت محافظه کاری و خالی کردن شانه از کار ندهند و در مواقعی که در مجلس با لوایح دولت مخالفت می‌کنم امتناع مرا پیراهن عثمان نمایند و بگویند چرا کار که تکلیف شد از قبول آن خودداری نمودم.

چون بعضی از آقایان محترم با قانون خاصی که نظر این جانب تامین شود موافق نیستند و وضعیت مهم مملکت هم ایجاب می‌کند هرچه از مجلس می‌گذرد بدون مباحثه و مورد توجه اکثریت قریب به اتفاق باشد و این جانب هم تا نظری که صرفاً در نفع مملکت تشخیص داده شده تامین نشود هیچ کاری قبول نمی‌کند و بیش از این هم اقتضا ندارد که کار کشور بلا تصدی بماند با عرض تشکر از حسن ظنی که نسبت به این جانب از طرف عموم آقایان نمایندگان محترم اظهار شده از مقام ریاست مجلس درخواست می‌نمایم که این نامه در جلسه خصوصی قرائت شود و مجلس شورای ملی تمایل خود را به کسی اظهار فرماید که خدمت نخست‌وزیری را بدون هیچ قید و شرطی قبول نماید.

۲۲ آبان ۱۳۲۳ - دکتر محمد مصدق

۵۳

نامه آقای دکتر مصدق به شاه

۲۳ آبان ماه ۱۳۲۳

پیشگاه اعلیحضرت همایون شاهنشاهی

در جلسه خصوصی بعضی از نمایندگان مجلس که راجع به امور جاریه و استعفای نخست‌وزیر و تعیین قائم مقام او مذاکره بود جمعی نسبت به فدوی اظهار حسن ظن نمودند این بنده هم با تجربیات تلخی که از دوره چهارم تقنینه دارد هیچ‌گاه نمی‌خواست از مجلس شورای ملی قبول خدمت کند و سه چیز سبب شده باز فدوی را به آزمایش مجبور کرد.

۱ - اوضاع خراب مملکت که امروز قبول خدمت برای هرکس واجب عینی است.

۲ - تکذیب سیاست منفی که من غیر حق از دیرزمانی بفدوی نسبت داده‌اند و همه میدانند که تا دوره پنجم تقنینه این بنده همیشه دارای سیاست مثبت بوده و چون اوضاع با نظریاتم موافقت نداشت از آن زمان رویه منفی اتخاذ نموده‌است.

۳ - امتنان از قبول کار سبب شد که تا آخر دوره چهاردهم تقنینه نتواند با لوایح دولت مخالفت کند زیرا که در جواب می‌گفتند بهتر بود که کار قبول کند و لوایح را با نظریات خود تنظیم نماید. این بود که حاضر شد برای مدت خیلی این ماموریت را بدون اخذ حقوق قبول کند تا برای بازگشت به مجلس مانعی نباشد.

عده زیادی از نمایندگان با نظریات فدوی موافقت نمودند به شرط اینکه مدت تصدی کار

محدود نشود و هر وقت که مقتضیات ادامه کار را اجازه نداد فدوی استعفا نمایم این بنده هم موافقت نمود به شرط اینکه آقایان نمایندگان وعده دهند که با نظریات فدوی برای پیشرفت امور مملکت مساعدت نمایند و لوایحی که به مجلس پیشنهاد می‌شود با همان حسن ظنی که از ابتدا اظهار می‌کنند تصویب نمایند.

عده دیگر با تصویب قانون خاصی به این عنوان که باید اصل ۳۲ قانون اساسی تفسیر شود موافقت ننموده‌اند در صورتی که اصل مزبور که از این قرار است؛ «چنانچه یکی از وکلا در ادارات دولتی موظف مستخدم شود از عضویت مجلس منفصل می‌شود و مجدداً عضویت او در مجلس موقوف به استعفای از شغل دولتی و انتخاب از طرف ملت خواهد بود.» اگر شامل مقام نخست‌وزیری بشود چون فدوی آنرا موظف قبول نمی‌کند مشمول اصل مزبور نخواهد بود.

چنانچه اکثریت مجلس هم با تعبیر اصل ۳۲ موافقت کند این بنده رضا نمی‌دهد زیرا هستند کسانی که بهتر از فدوی در این مقام به کشور خدمت کنند و چه لزوم دارد که اصلی از اصول قانون اساسی از نظر شخص معینی تفسیر شود بنا بر آنچه به عرض پیشگاه شاهنشاهی رسید و بنا بر اینکه موکلین فدوی صاحب این نظر نبوده‌اند که برای مدت کوتاهی کار قبول کنند و موقعی که دفاع از وطن فریضه این بنده و هریک از نمایندگان است کرسی خود را بلا تصدی گذارد. این است که قبول خدمت موکل به تشخیص این موضوع از طرف مجلس خواهد شد که آیا بازگشت فدوی به مجلس که غیر موظفاً مقام نخست‌وزیری را قبول می‌نماید پس از پایان تصدی مانعی خواهد داشت یا خیر.

البته در صورتی که طبق تشخیص و رأی مجلس مانعی نداشته باشد با کمال افتخار در این موقع خطیر برای انجام خدمت‌گزاری حاضر خواهد بود و الا از پیشگاه اعلیحضرت همایون شاهنشاهی درخواست می‌نماید که فدوی را معاف فرمایند.

دکتر محمد مصدق

۵۴

نامه دکتر مصدق به روزنامه اقدام بضمیمه طرح مقدماتی او در دفاع از حقوق مطبوعات

آقای مدیر محترم روزنامه اقدام

راجع به توقیفهائی که از طرف دولت و یا فرمانداری نظامی در مورد روزنامه‌ها مدتی است به عمل می‌آید کراماً از طرف بعضی از آقایان مدیران جراید به این جانب مراجعاتی شده و تقاضا نموده‌اند طرحی تهیه و تقدیم مجلس کنم، تا اینکه نواقص قوانین مطبوعاتی مرتفع و

مرجع رسیدگی معلوم شود و مطبوعات که رکن مشروطه‌اند از تزلزل فعلی درآیند و چنانچه برخلاف مقررات چیزهایی نشر دهند مسئولین در مراجع صلاحیت‌دار دعوت به محاکمه بشوند. برای این کار لازم بود که در قوانین مطبوعاتی مطالعاتی شود و طرحی که مقصود مراجعه‌کنندگان را تأمین کند تنظیم گردد. چون مذکور شد که اخیراً در وزارت دادگستری با جلب نظر نمایندگان مطبوعات طرح مقدماتی این کار تهیه شده این جانب ترجیح دادم که آن را زمینه مطالعه خود قرار دهم و با مراجعه به قوانین بعضی از ممالک اصلاحاتی به سلیقه خود در آن بنمایم، اکنون که طرح مقدماتی این جانب تهیه شده نسخه‌ای از آن را ارسال و تقاضا می‌نمایم که از نظر جلب افکار عمومی موضوع را مورد بحث و مطالعه قرار دهند و هر نظریه که اتخاذ می‌کنند در ظرف یک هفته برای این جانب ارسال فرمایند تا چنانچه باز اصلاحی لازم داشت به عمل آید و به صورت طرح قانونی تقدیم مجلس شود.

دکتر محمد مصدق

اینک طرح مقدماتی اینجانب:

ماده اول. جرائم مطبوعاتی جرائمی است که به وسیله مطبوعات اعم از استمراری و اتفاقی مرتکب شوند و اشخاص ذیل مسئولین جرائم مطبوعاتی شناخته می‌شوند:

۱. مدیر روزنامه و یا نویسنده منفرداً و یا مشترکاً حسب‌المورد در مطبوعات مرتب‌الانتشار.
۲. نویسنده چنانچه معلوم و یا قانوناً مسئولیتی متوجه او نشود ناشر و در صورتی که ناشر معلوم و یا مسئولیتی متوجه او نشود طبع‌کننده در مطبوعات اتفاقی.

ماده دوم. به جرائم مطبوعاتی اعم از جنحه و جنایت دادگاه جنایی را بحضور هیئت منصفه و خارج از نوبت رسیدگی خواهد کرد.

ماده سوم. دادسرای شهرستان هر محل جرائم مطبوعاتی را تعقیب و پس از تنظیم کیفرخواست پرونده را برای رسیدگی توسط دادستان استان به دادگاه جنایی ارسال خواهد داشت.

ماده چهارم. توقیف و ضبط نشریه‌های استمراری و اتفاقی در موارد ذیل:

۱. آنجا که مضربه اساس مذهب اسلام باشد.
۲. آنجا که حتک احترام از مقام سلطنت شده باشد.
۳. آنجا که نقشه و طرح حرکت قشون یا دیگر اسرار نظامی مکشوف شده باشد.
۴. آنجا که موجب هیجان کلی و اختلال آسایش عمومی باشد.
۵. آنجا که دعوت به مقاومت در مقابل قوای رسمیۀ مملکت باشد.
۶. آنجا که اشاعۀ صور قبیحه بر ضد عصمت و عفت عمومی باشد.

به امر دادستان استان به عمل خواهد آمد. و دادستان نامبرده در ظرف ۲۴ ساعت باید به دادگاه جنایی اعلام کند. دادگاه جنایی مکلف است در جلسه اداری و به قید فوریت و خارج از نوبت به موضوع رسیدگی و قرار فسخ یا استواری صادر نماید. و این قرار قابل فرجام نیست. در

صورت فسخ، دادگاه مستقیم نظر خود را اجرا و نشریه مطبوعاتی توقیف یا ضبط شده آزاد می‌شود و در صورت استواری نشریه مطبوعاتی به حال توقیف می‌ماند تا پس از جریان محاکمه تکلیف آن در حکم محکمه جنایی معلوم شود.

ماده پنجم. احکام و قرار داد جنایی در مورد جرائم مطبوعاتی قبال فرجام است و دیوان کشور خارج از نوبت رسیدگی خواهد کرد.

ماده ششم. این قانون از تاریخ تصویب اجرا می‌شود و قوانین دیگری که مخالف این قانون باشند در آن قسمتی که مخالف است ملغی است.

۵۵

جواب دکتر مصدق به دومین نامه دکتر میلیسپو

۱۱ دی ۱۳۲۳

اداره روزنامه داد!

در هیجدهم مرداد ماه ۱۳۲۳ این جانب از آقای دکتر میلیسپو رئیس کل دارایی ۸ سوال نمودم که به هیچ یک جواب نداده‌اند و فقط به یکی از اعتراضاتی که در جلسه ۲۸ آذرماه مجلس شورای ملی به ایشان نموده‌ام - جوابی ناقص در شماره ۳۳۸ آن جریده شریفه داده و بعد به عنوان اعتراض متقابل مطالبی به من نسبت داده‌اند که از تمام آنها بی‌خبرم و لازم می‌دانم نظریات خود را به معرض افکار عامه گذارم و قضاوت آن را به عهده خوانندگان آن روزنامه محول نمایم. راجع به دو میلیون لیره که این جانب گفته‌ام آقای دکتر از بابت ادعای دولت انگلیس پرداخته‌اند شرح قضیه این است که در اوایل دوره ششم تقنینیه بین بعضی از نمایندگان مجلس مذاکره می‌شد که مرحوم فروغی با موافقت رئیس کل مالیه آن را تصدیق نموده‌است؛ لذا موقعی که برنامه کابینه مرحوم «مستوفی‌الممالک» در مجلس مطرح شد این جانب نسبت به دو نفر از وزرای عضو کابینه یعنی آقای حسن وثوق (وثوق‌الدوله) و آقای محمدعلی فروغی (ذکاءالملک) مخالفت نمودم و آنچه آن روز گفته‌ام امروز تکرار می‌کنم و از صورت مذاکرات آن روز مجلس به نظر خوانندگان می‌رسانم بدین قرار:

دوم - مکاتبه‌ای است که فروغی با سفارت انگلیس نموده و در آن قریب ۲۰ کرویر تومان دعاوی آن دولت را نسبت به ایران تصدیق کرده است - حقیقتاً چقدر معامله خوبی است که بعضی برای اختناق و فروش ایران پول بگیرند و آقای فروغی اصل را با فرع تصدیق نماید (عراقی - این کاغذ پنجره است) اگر در سایر ممالک وزیران با هیچ سفارتی مکاتبه نمی‌کنند و به هیچ سفارتی سند کتبی نمی‌دهند مگر اینکه بعد از تصویب مجلس باشد؛ متأسفانه در این مملکت فروغی و امثالش اول ممضی این قبیل نوشتجات می‌شوند تا بعد مجلس تصویب

نماید به عبارت اخیری اول ریش دولت را به دست می‌دهند تا بعد ریش ملت هم دست آید...
الی آخر»

مخالفت من با مرحوم فروغی در دو موضوع بود: یکی راجع به مراسله‌ای بود که شهرت داشت سفارت شوروی نوشته و دیگری مراسله سفارت انگلیس است که راجع به مراسله‌ی اولی مرحوم مستوفی‌الممالک طبق مذاکرات جلسه ۳۱ شهریور ۱۳۰۵ این‌طور فرموده‌اند «چون در ضمن بیانات پریروز آقای دکتر مصدق اشاره به یک مراسله‌ای فرمودند که آقای فروغی به سفارت شوروی نوشته‌اند که آن مراسله یک لطمه‌ای وارد می‌آورد و قضایای کاپیتولاسیون را تجدید می‌کند بنده این اطلاعاتی که ایشان دارند به هیچ وجه ندارم و هیچ همچو چیزی گمان نمی‌کنم باشد و امروز کاپیتولاسیون به هیچ وجه مابین ایران و روسیه برقرار نیست و اتباع روسیه را هم در عدلیه محاکمه می‌کنند و بنده به هیچ وجه اطلاعی ندارم که کاپیتولاسیون مابین ایران و روسیه برقرار باشد و عملاً هم امروز کاپیتولاسیون مابین ایران و روسیه برقرار نیست» و بعد در جواب سؤال مرحوم «خطیبی» نماینده‌ی گروس که اظهار نمود «اشارات آقای دکتر مصدق دو جمله بود یک جمله دیگرش را نفرمودید؟» مرحوم مستوفی اظهار فرمودند: «در آن قسمتش اطلاع ندارم ممکن است تحقیقات بکنم و جواب عرض کنم» که از این بابت آن مرحوم بعد اظهار نفرمودند و خود مرحوم فروغی هم که از مسافرت اروپا مراجعت نمود پس از مذاکرات مفصل با این‌جانب حاضر نشد که در مجلس گفته‌های مرا تکذیب کند و لطمه‌ای که به حیثیات او وارد شده بود جبران نماید و با اینکه گفته می‌شد که دولت انگلیس به حقی که برای خود قائل بوده رسیده است، این‌جانب نخواستم بدون مدرک به آقای دکتر میلیسپو نسبتی بدهم و در ضمن پرسش‌های ۱۸ مرداد خود از ایشان فقط این‌طور سؤال کردم: «اطلاعات شما راجع به ادعای دولت انگلیس از بابت مخارجی که در آن جنگ نموده‌است چیست؟» و این سؤال عام بود یعنی شامل هرگونه عملی است که به این ادعا مربوط شود. از تصدیق و تادیبه مدعا به و تهاتر، که متأسفانه رئیس کل دارایی به هیچ یک از سوالات هشت‌گانه این‌جانب که تمام در مصالح مملکت و از نظر تبرئه خود ایشان شده بود جواب ندادند و نخواستند خود را تبرئه کنند و فقط به اعتراض من که در مجلس راجع به پرداخت دو میلیون لیره نموده جواب ناقص دادند که در آن روزنامه درج شده‌است.

چون پرونده این قبیل امور در محلی گذارده نمی‌شود که مثل من کسی به آن دسترسی پیدا کند و بر فرض اینکه ایشان وجهی تادیبه ننموده باشند عدم پرداخت وجه دلیل عدم تصدیق این ادعا نمی‌شود، اگر آقای دکتر میلیسپو هیچ‌گونه دخالتی در این موضوع ننموده‌اند و به کلی از آن بی‌خبرند خوبست بالصراحه تکذیب کنند و استخوانی لای زخم نگذارند و اطلاعات خود را منتشر نمایند و این‌جانب تصور نمی‌کنم آقای دکتر بخواهند مطلب را روشن کنند و اما راجع به اعتراض متقابل که آقای دکتر خواسته‌اند بفهمانند که ادعای یک نفر انگلیسی و یک نفر روسی با

نظر و نفوذ این جانب پرداخته شده است مجبورم آنچه را نوشته‌اند تکرار کنم و جواب قسمتهای مربوطه را بدهم، می‌نویسند: «تنها ادعای دولت انگلیس را که در نظر دارم در مدت توقف سابق خود در ایران پرداخته‌ام ادعایی است که از طرف سفارت انگلیس راجع به یک نفر انگلیسی و یک نفر روسی ارسال گردید و مربوط به امتیازی برای کشتی‌رانی در دریاچه رضائیه بود - ادعای مزبور در زمانی که جناب آقای دکتر مصدق وزیر امور خارجه بودند به وزارت امور خارجه ارائه گردید - معزی‌الیه با آنان موافقت فرمود و مصرأً تقاضا داشتند که این جانب نیز با آن فوراً موافقت نمایم.

ادعای مزبور با وجود تأکیدات جناب آقای دکتر مصدق مورد بررسی کامل قرار داده و در تقدیم آن به مجلس شورای ملی اصرار ورزیدم تا اینکه مجلس نیز تأدیه آن را اجازه داد. رئیس کل دارایی»

آقای دکتر نوشته‌اند: «ادعایی است که از طرف سفارت انگلیس راجع به یک نفر انگلیسی و یک نفر روسی ارسال گردید» در صورتی که این ادعا مورد توجه هر دو سفارت بوده و ممکن است که به آقای دکتر فقط ادعای سفارت انگلیس ارسال شده‌است - ایشان مدعی هستند که ادعای مزبور زمانی که این جانب وزیر خارجه بوده‌ام به وزارت خارجه ارائه شده در صورتی که این جانب در سال ۱۳۰۲ فقط چند ماه در کابینه مرحوم مشیرالدوله عهده‌دار پست وزارت خارجه بیشتر نبوده و به شهادت پرونده‌ها موضوع بحث مدتی قبل از تصدی این جانب مورد تقاضا بوده‌است - آقای دکتر مدعی هستند که «موضوع با موافقت و اصرار این جانب مورد مطالعه و موافقت فوری ایشان واقع شده‌است» من از ایشان خواهانم که کوچکترین مدرکی در این باب ارائه کنند - در صورتی که این جانب مطابق یادداشتی که در ۱۴ میزان ۱۳۰۲ به اداره مربوطه داده‌ام مخصوصاً تصریح کرده‌ام که آقای مستشار کل مالیه بر طبق مذاکراتی که در جلسه ۱۳ میزان هیئت دولت در حضور آقای رئیس‌الوزراء و آقای وزیر مالیه (فروغی) به عمل آورده‌اند لازم دانسته‌اند از کار دعاوی «بوداگیانس» و «استیفوس» مطلع گردند و در یادداشت خود این‌طور دستور داده‌ام «لازم است ترجمه بعضی از نوشتجات را که عامل و مؤثر ضد دعاوی آنهاست تهیه کرده برای آقای مستشار کل مالیه بفرستید» که طی همین دستور در ۲۴ میزان از طرف اداره مربوطه شرحی به آقای دکتر نوشته و نوشتجات برای ایشان فرستاده شده‌است - البته خوانندگان محترم از این دستور این‌طور استنباط نخواهند نمود که این جانب مصرأً تقاضا نموده‌ام که آقای دکتر با آن موافقت نمایند - ایشان باز تکرار فرموده‌اند که ادعای مزبور را با وجود تأکیدات این جانب مورد بررسی قرار داده و در تقدیم آن به مجلس شورای ملی اصرار ورزیده‌اند، در صورتی که چند ماه بعد از تصدی این جانب یعنی در ۱۴ حمل ۱۳۰۳ مرحوم فروغی که قائم مقام من بوده‌اند در قسمت اخیر مراسله‌ای که یکی از نمایندگان خارجه نوشته مرقوم می‌فرمایند «دولت متبوعه دوستدار برای اینکه به کلی به دعاوی «مسیو بوداگیانس» و «مسیو استیفوس»

شریک او خاتمه داده شود تصمیم نموده مبلغی از بابت قیمت اموال و کشتی‌هایی که مشارالیهما در دریاچه ارومیه داشته‌اند و مخارجی که می‌گویند برای نگهداری آنها و ساختن ایستگاه و غیره‌ها در دریاچه مزبور نموده‌اند بپردازد» و البته خوانندگان از قسمت اخیر مراسله این‌طور نتیجه خواهند گرفت که مرحوم فروغی پس از اینکه چند ماه وزیر خارجه بوده تازه در ۱۴ حمل می‌نویسد «دولت تصمیم نموده مبلغی از بابت مطالبات آنها بپردازد» که تصمیم دولت شش ماه بعد یعنی در جلسه ۱۳ میزان ۱۳۰۳ مجلس شورای ملی به صورت قانون در آمده و ماده واحده پیشنهادی دولت بدین طریق تصویب شده است:

«مجلس شورای ملی به وزارت مالیه اجازه می‌دهد که کشتی‌ها و کاروانسرا و مایملک دیگر «بوداگیانس» و «استیفوس» را در دریاچه ارومیه به مبلغ ۳۲۰ هزار تومان خریداری نماید. تبصره - دعاوی موجوده بین ورثه «امامقلی میرزا» و «بوداگیانس» را دولت در ضمن این معامله خاتمه می‌دهد».

بنا بر آنچه گذشت معلوم نیست این‌جانب در قطع و فصل دعاوی یک نفر انگلیسی و یک نفر روسی چه اعمال نفوذی نموده‌ام که آقای دکتر میلیسپو تحت تأثیر واقع شده‌اند.

۱۱ دیماه ۱۳۲۳ - دکتر محمد مصدق

۵۶

نامه دکتر مصدق به روزنامه اطلاعات

اخیراً آقای دکتر مصدق طرحی راجع به قانون مطبوعات تهیه و برای مطالعه ارباب جراید به روزنامه‌ها فرستاده بودند که متأسفانه به واسطه کثرت مطالب ما موفق به درج آن نشدیم لکن این طرح در تمام جراید طبع و مورد بحث واقع شد و اغلب نظریات خود را نسبت به این موضوع ابراز داشتند و عقاید مختلفی در پیرامون آن اظهار گردید. امروز نامه زیر را آقای دکتر مصدق در تعقیب طرح مزبور به اداره فرستاده و تقاضای درج آنرا کرده‌اند که عیناً طبع می‌گردد:

اداره روزنامه اطلاعات

به مناسبت مقالاتی که در بعضی از روزنامه‌ها در اطراف طرح مقدماتی این‌جانب راجع به قانون مطبوعات منتشر شده و از حدود انتقاد و بحث نظری تجاوز نموده‌اند تقاضا می‌نمایم مراتب ذیل را در آن جریده شریفه درج فرمایند:

این‌جانب طرح مقدماتی خود را برحسب تقاضای عده‌ای از آقایان مدیران محترم جراید تهیه نموده و چنانکه در مقدمه آن متذکر شده‌ام چیزی که موجب شد این مواد را اختیار کنم این بود که گفتند مواد مزبور در وزارت دادگستری با جلب نظر نمایندگان مطبوعات تنظیم و مقبول آنان واقع شده است و این‌جانب بدون اینکه در اساس آن تغییراتی دهم در بعضی از فروع تصرفاتی نموده و باز لازم دانستم که قبل از تقدیم به مجلس نظر اشخاص ذی‌نفع یعنی آقایان مدیران جرائد را جلب کنم.

علت اینکه برای قبول این زحمت حاضر شدم این بود که امیدوار بودم با گذشتن آن در مجلس کار مطبوعات به جریان قوانین عادی و دادگاههای عمومی خواهد افتاد و زمینه الغای حکومت نظامی فراهم می‌شود و از این راه خدمتی به اصول آزادی خواهد شد. اکنون مشاهده می‌شود که بعضی از روزنامه‌ها با آن موافقت ندارند و برای گذراندن چنین قانونی لازم بود که ارباب جرئت در مقابل مخاطراتی که هستی آنان را تهدید می‌کند اختلافات را کنار بگذارند و با یک روح صمیمیت نظریات خود را اظهار نمایند این است که با کمال تأسف از گناهی که در قبول این خدمت ملی مرتکب شده‌ام استغفار می‌کنم و از روزنامه‌هایی که بی‌غرضانه اظهار نظر نموده‌اند تشکر و خواهش می‌نمایم که دیگر زحمت مطالعه آن را بخود ندهند زیرا که از این طرح منصرف هستم و البته ارباب مطبوعات صلاح خود را بهتر می‌دانند.

دکتر محمد مصدق

۵۷

نامه دکتر مصدق به سفیر اتحاد جماهیر شوروی در تهران

۲۲ اسفند ۱۳۲۳

جناب آقای ماکسیموف سفیرکبیر دولت اتحاد جماهیر شوروی

پیغام جنابعالی توسط یکی از هموطنان به این جانب رسید و با اینکه تاکنون درک زیارت جنابعالی را ننموده‌ام از لحاظ سمتی که در ایران دارید و احترام دولت متبوع شما اجازه می‌خواهم که بعد از عرض معذرت از تأخیر عرض جواب که علت آن کسالت و پیش آمدهای ایام اخیر بوده‌است کتباً توضیحاتی عرض کنم تا در نقل قول تحریفی نشود و عرایض این جانب بدون تغییر به آن جانب برسد.

راجع به نفت شمال ایران که ابتکار پارلمانی این جانب موجب بدبینی و دلتنگی مأمورین اتحاد جماهیر شوروی گردید و حتی رادیوی مسکو اسناداتی به این جانب داد که استحقاق آن را ندارم، لازم است عرض کنم که به دلایل تاریخی و تجربیات تلخی که از امتیازات داریم موکلین من اصولاً با هرگونه امتیازی که راجع به منابع ثروت مملکت به داوطلبان غیرایرانی در قلمروی ایران داده شود خوش‌بین نیستند و در جلسه ۱۹ مرداد ۱۳۲۳ که به‌طور ناگهان دولت برای سؤال بعضی از نمایندگان راجع به مذاکرات امتیاز نفت با شرکت‌های امریکایی به مجلس آمد و یکی از اعضای فراکسیون حزب توده چنین اظهار نمود: «بنده و رفقایم با دادن امتیازات به دولت‌های خارجی به‌طور کلی مخالفیم همان‌طور که ملت ایران توانست راه‌آهن خود را احداث کند یقین دارم که با کمک مردم و سرمایه داخلی ما می‌توانیم تمام منابع ثروت این مملکت را استخراج کنیم». چون این بیان مطابق فکر من بود لازم دانستم در این باب مطالعات عمیق کنم و از روی

مدارک نظریات خود را مستدلاً در مجلس بیان نمایم بنابراین مشغول تهیه لایحه‌ای شدم برای اینکه هر وقت پیشنهاد امتیاز شرکت‌های امریکایی در مجلس مطرح شود از آن استفاده نمایم. خوشبختانه ورود جناب آقای کافتارادزه به تهران سبب شد که داوطلبان امریکایی از پیشنهاد خود صرف‌نظر کنند و فرصتی به دست نیامد که نظریات خود را در موضوع معادن نفت ایران در مقام مخالفت با شرکت‌های امریکایی بیان نمایم وقتی که مباحثه بین جناب ایشان و کابینه ساعد علنی شد بسیار متأسف شدم از اینکه به دوستی ایران و شوروی که برای ایرانیان عوضی ندارد خللی برسد و از محبوبیتی که اتحاد جماهیر شوروی بر اثر رویه قابل ستایش ارتش سرخ تحصیل کرده‌است بکاهد و چون معتقدم که اتحاد جماهیر شوروی حق بزرگی بر ما دارد و ما را از مخاطره حیاتی نجات داده‌است میل نداشتم ترتیبی پیش آید که از امتیاز شوروی در مجلس عنوانی بشود و این جانب از نظر مخالفت نظریاتی اظهار نمایم، این بود که برای جلوگیری از چنین حادثه‌ای در جلسه هفتم آبان ۱۳۲۳ مجلس شورای ملی نطق خود را ایراد نمودم و برای اینکه راهی برای مذاکره باز شود طرحی اتخاذ و خاطرنشان نمودم که مخازن نفتی ما بدون اینکه امتیازی داده شود مورد استفاده صنایع شوروی واقع گردد.

این جانب به این ترتیب تکلیف نمایندگی خود را ادا کردم و از این حیث وجدانم آرام بود و از قبول مقام نخست‌وزیری که در آن موقع با اکثریت قریب به اتفاق به من تکلیف کردند امتناع نمودم و برای عدم قبول دلایلی داشتم که همان وقت اعلام نمودم اما قبول بفرمایید رعایت دوستی ایران و شوروی و ملاحظه اینکه مبدا با عقاید صریحی که نسبت به مسئله نفت اظهار کرده‌بودم روابط بین دو کشور را دچار بحران کند در تصمیم من بی‌اثر نبوده‌است - در عین حال از وقتی که کابینه وقت ساقط شد در این اندیشه بودم که کمک مؤثری در حل مسأله امتیاز اختلاف کنم و اطلاع داشتم که می‌خواهند قانونی از مجلس بگذرانند که هرگونه مذاکره در موضوع نفت ایران تا مدتی بعد از خاتمه جنگ موقوف و ممنوع باشد و تشخیص من این بود که مبتکرین این فکر می‌خواهند باب مذاکره را مسدود کنند؛ در قبال این زمینه به نظرم رسید از یکی از نمایندگان مجلس که با محافل شوروی ارتباط داشت نظریات نمایندگان دولت شوروی را استفسار کنم که اگر برای معامله انحصاری خرید نفت حاضر باشند موقع مذاکرات در برنامه دولت پیشنهاد کنم و دولت آن را جزو برنامه خود نماید و وقتی که پس از مراجعه به مقامات شوروی اطمینان داد که شما فقط طالب محصول نفت ایران هستید و کیفیت تحصیل آن برای شما فرق نمی‌کند هنگام شور در برنامه کابینه بیات در جلسه هفتم آذرماه ۱۳۲۳ مجلس شورای ملی در ضمن نطق خود طرحی که در مجلس قابل قبول باشد و بتوان مقصود مرا که مبتنی بر افکار عمومی ایران است و نظریات شما، هر دو را تأمین کند تهیه نمودم که منابع معدنی نفت به دست ایرانی استخراج شود و از این رو ماده اول طرح من اعطای امتیاز را به هریک از دول و یا شرکت‌های خارجی منع می‌کند و بر طبق ماده دوم دولت می‌تواند با هر دولتی که طالب

انحصار خرید نفت باشد و طرز استخراج آن داخل مذاکره شود و با اطلاع مجلس شورای ملی قراردادی که مقتضی باشد منعقد نماید و بسیار خوشوقت بودم که کار بفرنجی که مملکت را دچار تشنج کرده بود به این ترتیب تمام و به دوستی ایران و شوروی خدمتی توانستم بکنم ولی وقتی که دانستم مأمورین دولت شوروی اهمیت طرح مرا درک نکرده‌اند و از آن نتوانستند استفاده کنند و بلکه تظاهراتی در اطراف آن نمودند که قهراً به مقام معنوی اتحاد شوروی در ایران و بلکه در تمام شرق ممکن است لطمه بزنند و موجب مسرت سایر دول بشود بسیار متأسف شدم.

جناب آقای سفیر! امیدوارم که نفرمایید من به مقام و موفقیت دولت شما بیش از خودتان علاقمندم. علاقه من به موفقیت دولت شما از نظر مصالح ایران است و چنانکه در مجلس علناً اظهار داشتم گذشته شما ثابت کرده است که هر وقت دولت شوروی از صحنه سیاست ایران غایب شده روزگار ایران تباه شده است! تصدیق بفرمایید که قلوب ملت ایران از معادن نفت گران‌تر و کانی است که در آن می‌توانید استخراج محبت نمایید.

اگر رویه پسندیده‌ای که بعد از اشغال ایران ارتش و مأمورین شما اتخاذ نموده‌اند تعقیب و قلوب مردم را بیش از پیش مسخر کنید و فریب القائات سخن‌چینان را نخورید بین دولتمندان و همکاری و حسن تفاهمی ایجاد خواهند نمود که بازار کسانی که از سوء تفاهم می‌خواهند استفاده کنند از رواج می‌افتد شما که برای حق و عدالت شمشیر از نیام کشیده‌اید و در ایران خود را طرفدار حق نشان داده‌اید صلاح نیست که غیر از این رویه دیگری اتخاذ فرمایید و مطمئن باشید که با تعقیب این رویه جامعه را شیفته خود خواهید کرد.

جناب آقای سفیر!... من که به شما این عرایض را می‌کنم لازم نمی‌دانم که از کاریر سیاسی خود چیزی عرض کنم همین قدر می‌توانم اظهار کنم که در تمام دوره زندگی مصلحت ایران را با هر چیز نتوانستم عوض کنم و هیچ عاملی نتوانسته است مرا از صراط مستقیم منحرف کند از هر چیز صرف‌نظر کردم که با بیدادگری مبارزه کنم حبس و تبعید شده و حتی مواجهه با مرگ گردیده‌ام و تمام این مشقات به عقاید راسخ من نتوانسته است خللی وارد کند. من ایران را دوست می‌دارم همان طوری که شما خاک اتحاد شوروی را دوست دارید - باور بفرمایید که آنچه تاکنون در مجلس گفته‌ام و هر قدمی که برداشته‌ام هیچ محرکی جز ایمان و علاقه‌ای که به کشور خود دارم نداشته‌ام - عقاید سیاسی خود را مخصوصاً در قسمت سیاست خارجی ایران در مجلس علناً بیان کرده‌ام و تکرار آن را در این جا زائد می‌دانم و فقط می‌خواهم به شما اطمینان بدهم که آنچه در زمینه عقاید خود گفته‌ام ندای ایمان و صدای قلب من است و هرکس که بخواهد در رویه من تأثیر کند فقط با یک عملی که به معتقدات من نزدیک باشد می‌تواند مرا شیفته خود سازد.

و اما راجع به معرفی شخصی که این جانب را از موافقت شما با فرمول نفت مطمئن ساخت و یکی از اعضای فراکسیون توده است چون به او قول داده‌ام که نام او را نزد ثالثی افشاء نکنم از

معرفی او به کسی که حامل پیغام بود خودداری کردم لیکن از خود شما نمی‌توانم پنهان کنم چون طرف قضیه هستید و او به نام شما توضیحاتی به من داده‌است بنابراین اگر یکی از کارکنان سفارت که آشنا به زبان فارسی یا فرانسه باشد به من مراجعه کند او را معرفی خواهم کرد. در خاتمه تمنا دارم که آن جناب احترامات فائقه‌ مرا قبول فرماید.

امضاء دکتر محمد مصدق

۵۸

نامه دکتر مصدق به نخست وزیر

۲۴/۱/۲۸

جناب آقای نخست وزیر

شرحی از طرف هزار نفر کارمندان ادارات دولتی اصفهان بامضای آقای شیرنشان باین جانب رسیده که عین آن را برای استحضار خاطر محترم ارسال و توجهات جنابعالی را به اصلاح وضعیت آنها جلب می‌نمایم.

[امضاء] دکتر محمد مصدق

[در حاشیه]

[رقم مهر ورود به نخست‌وزیری]

نمره ۲۲۱۷ مورخه ۲۴/۲/۲

۵۹

نامه دکتر مصدق به حسین مکی

۲۴ اردیبهشت ماه ۱۳۲۴

جناب آقای حسین مکی

تیمسار محترم آقای سرتیپ ضرابی رئیس اداره کل شهربانی وعده فرمودند که پرونده این جانب را در خود شهربانی به اختیار جنابعالی بگذارند که از هریک از برگ‌ها که لازم باشد استفاده فرمایید [.]

[رقم امضاء] دکتر محمد مصدق

۶۰

نامه دکتر مصدق و چند تن از نمایندگان اقلیت (دوره چهاردهم)

اداره روزنامه اطلاعات

چون در بعضی از جراید، مخالفین دولت را کمتر از آنچه هست قلمداد نموده‌اند. لزوماً به

استحضار عامه می‌رسانیم که در جلسه ۲۹ خردادماه ۱۳۲۴ مجلس شورای ملی عده حاضر در مرکز مطابق تشخیص اداره تقنینیه ۱۱۴ نفر بوده و موقعی که نمایندگان اقلیت از جلسه خارج شدند نمایندگانی که در جلسه ماندند فقط ۵۸ نفر بوده که ممکن است بعضی از آنها هم با دولت موافق نبوده‌اند و نه ۶۸ نفر که بعضی از جراید انتشار داده‌اند.

از طرف نمایندگان اقلیت: دکتر مصدق، رضا حکمت، محمدرضا تهرانیچی، مهندس فریور.

۶۱

نامه دکتر مصدق و رضا حکمت از سوی نمایندگان اقلیت دوره چهاردهم به رئیس مجلس

ریاست مجلس شورای ملی!

خرداد ۱۳۲۴

نامه شماره ۶۱۱۰ مورخ ۳۲۴/۳/۲۷ جناب آقای صدر توسط آقای طوسی به نمایندگان اقلیت ابلاغ شد، لزوماً به استحضار عالی می‌رسانیم: وظیفه حتمی هر نخست‌وزیر این است که پس از معرفی وزراء به پیشگاه اعلیحضرت همایون شاهنشاهی بلافاصله و قبل از شروع به کار در مجلس شورای ملی حاضر شده کابینه را معرفی و نظریات مجلس را نسبت به دولت خود استنباط نماید.

معلوم نیست تا کنون از چه نظر جناب ایشان در انجام این وظیفه مهم خودداری نموده‌اند!! نمایندگان اقلیت از مقام ریاست مجلس درخواست می‌کنند که به جناب آقای صدر اعلام فرمایند دولت خود را هر چه زودتر بیاورند. بدیهی است که اگر مشاهده فرمودند وضع مجلس با دولت ایشان مساعد است و اکثریت قابل توجهی هست که بتواند پشتیبان دولت و گذراندن لوایح ایشان باشد می‌مانند و الاً وظیفه هر شخص وطن‌پرست این است که در این قبیل موارد به ضرر کشور راضی نشود و برای جلوگیری از اتلاف وقت و بحران از کار کناره نماید و نیز به جناب ایشان ابلاغ فرمایید که از اتخاذ تصمیماتی که شایسته دولت معرفی نشده می‌باشد خودداری فرمایند.

از طرف نمایندگان اقلیت: دکتر محمد مصدق - رضا حکمت

۶۲

نامه دکتر مصدق و چند تن از نمایندگان اقلیت به ریاست مجلس شورای ملی

به تاریخ بیستم تیرماه ۱۳۲۴

ریاست محترم مجلس شورای ملی!

پیرو مذاکرات مکرری که در طی این مدت به عمل آمده نظر به اینکه اقلیت معتقد است که

جناب آقای صدر قادر به حل معضلات موجوده و حفظ مصالح حیاتی کشور نیستند برای جلوگیری از اتلاف وقت و رفع اختلاف در این موقع خطیر نمایندگان اقلیت حاضر خواهند بود در جلسه علنی مجلس شرکت نمایند مشروط بر اینکه ریاست محترم مجلس به هر نحو مقتضی می‌داند اطمینان حاصل نموده و به نمایندگان اقلیت نیز اطمینان دهند که پس از طرح برنامه آقای صدر بلافاصله برکنار شوند انتظار داریم این حسن نیست نمایندگان اقلیت که برای رفع بلا تکلیفی ابراز می‌شود و کاملاً بر وفق مصالح کشور و خیر عامه است مورد توجه نمایندگان اکثریت واقع و بدین وسیله موجبات توافق بیشتری برای انجام امور کشور فراهم گردد.

امضاء: دکتر مصدق - امیر نصرت اسکندری - حکمت - فریور - تهرانچی

۶۳

نامه دکتر مصدق به حکیمی نخست‌وزیر

جناب آقای نخست‌وزیر!

اخیراً هیئت وزیران تصویب نامه‌ای دایر بالغای انحصار خرید و فروش پارچه‌های نخی صادر نموده که بنظر این جانب محتاج باصلاح است و چون ناچارم که برای استراحت چند روز از شهر خارج شوم نظریات خود را بدین وسیله باطلاع جنابعالی می‌رسانم تا اگر مقتضی دانند اصلاحی که لازم است در آن بعمل آورند.

قبل از جنگ احتیاج سالیانه اهالی ایران پارچه‌های نخی در حدود یکصد و بیست میلیون متر بوده و در موقع جنگ سهمیه وارداتی که از طرف کمیته خاورمیانه برای ایران تعیین گردیده در حدود ۳۰ میلیون متر بوده است که اگر آن را با ۱۰ میلیون متر محصول داخلی بطور تساوی بین ۱۰ میلیون نفر حداقل جمعیت ایران تقسیم کنیم بهر نفر چهار متر در سال بیشتر نمی‌رسد و چنانچه میزان قماش که در آتیه وارد کشور خواهد شد با میزان مورد احتیاج اهالی کشور برابری می‌کرد جای نگرانی باقی نمی‌ماند و واردکنندگان نمی‌توانستند استفاد هنگفتی بنمایند ولی متأسفانه بر طبق مذاکراتی که نمایندگان کمیته تدارکات خاورمیانه در موقع برچیدگی نمایندگی در ایران نموده‌اند قماش که بایران وارد خواهد شد تا مدتی بواسطه احتیاج اروپای شرقی بیش از ۳۰ میلیون متر در سال نخواهد بود. بنابراین با هرگونه بی‌نظمی و اختلال که در امور پخش دولتی موجود بود لااقل نصف از قماش وارده با قیمت ارزان بین اهالی مستحق کشور توزیع می‌شد و قسمت دیگر آن در بازار آزاد داد و ستد می‌گردید. ولی اکنون که خرید و فروش قماش را دولت بدون هیچ شرطی آزاد و جیره بندی آن را ملغی نموده است آن مقدار قماش هم که بقیمت ارزان به مردم داده می‌شد واردکنندگان که عده آنها خیلی محدود و غالباً هم بازرگانان خارجی هستند بقیمت گرانی بمردم فروخته و استفاده معتنا بهی خواهند نمود زیرا هر متر پارچه

با در نظر گرفتن ۴۵٪ حق انحصار مصوب هیئت وزیران و مختصر عوارض گمرکی بین دوازده تا چهارده ریال وارد کشور می‌شود و چنانچه واردکنندگان بتوانند با قیمت فعلی بازار آزاد با قماش که بقیمت مزبور وارد می‌کند بفروشد بیش از یک میلیارد و نیم ریال بمردم خسارت وارد خواهد شد.

بنابراین مقتضی است در مفاد تصویب‌نامه صادر تجدید نظر نموده و ترتیبی فرمایند که واردکنندگان و فروشندگان قماش تابع مقرراتی باشند که نتوانند این کالا را که از احتیاجات اولیه و ضروری این کشور است بیش از نرخ که دولت بر اساس قیمت تمام شده و سود عادلانه تعیین می‌کند بفروش برسانند و از این راه خساراتی متوجه اهالی کشور نگردد.

۶۴

نامه دکتر مصدق به نخست وزیر

۲۴/۱۰/۱۰

تهران

نخست وزیری

نامه شماره $\frac{۱۸۰}{۲۴/۱۰/۶}$ جمعیت قیام روستا راجع به قانون تبدیل دیپلمه‌های کشاورزی از قراردادی برسمی را برای استحضار و صدور پاسخ مقتضی ارسال می‌دارم.
[رقم امضاء] دکتر محمد مصدق

[در حاشیه]

[رقم مهر]

ورود بدفتر ریاست وزراء

شماره ۱۸۱۵۱

تاریخ ۲۴/۱/۱۵

۶۵

مراسله دکتر مصدق و جمعی از نمایندگان مجلس به حکیمی نخست وزیر

۱۶ دی‌ماه ۱۳۲۴

جناب آقای حکیمی نخست وزیر!

عطف به شایعات منتشره در این چند روزه اخیر بدین وسیله امضاء کنندگان زیر صریحاً اعلام می‌داریم که دولت حق اخذ هیچ‌گونه تصمیم که جزئاً یا کلاً مستقیماً یا غیرمستقیم دخالت یک یا چند دولت خارجی را در امور داخلی ایران تصریحاً یا تلویحاً ایجاب نماید، ندارد و هرگونه موافقتی در این امور بدون تصویب مجلس شورای ملی خالی از اعتبار و خارج از

وظایف و اختیارات دولت است.

امضاءکنندگان: تیموری - دکتر فلسفی - صادقی - فرمان‌فرمایان - ذکائی -
مهندس فریور - رحیمیان - صدرقاضی - حبیب‌الله‌دری - فرمند -
تهرانچی - شهاب فردوسی - تیمورتاش - پروین گنابادی - فداکار -
گرگانی - دکتر محمد مصدق

۶۶

نامه دکتر مصدق به حکیمی

صبح جمعه ۲۱ دی ماه ۱۳۲۴
برای درج در روزنامه محترم اطلاعات ارسال می‌شود
جناب آقای حکیمی نخست وزیر

روزنامه اطلاعات در شماره ۱۵۹۵۳ ر ۱۸ دی ماه ۲۴ خبر ذیل را منتشر کرده است.
«رادیو لندن (امروز قبل از ظهر) سفارت کبرای ایران در لندن به مستر استه‌تینیوس رئیس
کمیته مخصوص تنظیم برنامه سازمان ملل متفق اطلاع داده که موضوع ایران در فهرست کارهای
جلسه سازمان مزبور وارد نشده است ولی کوشش‌هایی مبذول خواهد شد که کمیسیون بررسی
موضوع ایران هرچه زودتر تشکیل شود.»
این جانب نتوانستم درک کنم که آقای تقی‌زاده از چه نظر موضوع ایران را جزو فهرست
کارهای جلسه سازمان ننموده‌اند زیرا اگر دولت نتواند قضیه آذربایجان را به‌طور مستقیم حل کند
تنها امیدی که برای ما هست همان طرح در سازمان ملل متفق است.
لذا درخواست می‌کنم آن جناب فوراً به آقای تقی‌زاده تلگراف فرمایند دری را که بسته‌اند باز
کنند و از خر شیطان پائین بیایند.

دکتر محمد مصدق

۶۷

نامه دکتر مصدق به روزنامه اطلاعات

۲۴/۱۰/۲۳

اداره روزنامه اطلاعات

در شماره ۵۹۵۴ نوزدهم دی ماه ۱۳۲۴ آن روزنامه محترم جزو اخبار مجلس راجع به اعلام
جرم این جانب بر علیه جناب آقای بدر وزیر سابق دارائی چنین درج شده:
«سپس خطاب به نمایندگان اعضاء کمیسیون عرایض اظهار داشتند خوب است آقایان
متوجه این مطالب شده و در رای خود تجدید نظر بکنند و مثل آقای امینی در اول جوانی نامی

به زشتی برای خود تهیه نکنند»

در صورتیکه روزنامه رسمی شماره ۲۶۷ بیانات این جانب را به شرح ذیل منتشر نموده است: «بنده خواهش می‌کنم که آقایان اعضاء کمیسیون عرایض و مرخصی این عرایض را متوجه شوند و اگر این راپورت را هنوز که نداده‌اند می‌خواهند بدهند درش تجدید نظر بکنند و مثل یک آقای امینی کسی برای خودش در اول عمر نامی به زشتی باقی نگذارد» چون از این مذاکرات مقصود این جانب توهین نبوده و بلکه خواسته‌ام جناب آقای امینی نماینده محترم را به مواد قانون مجازات عمومی که در مجلس قرائت شد جلب کنم خواهشمندم در تصحیح آنچه که برخلاف واقع منتشر شده، اقدام فرمایید که موجب تشکر خواهد بود.

دکتر محمد مصدق

۶۸

نامه دکتر مصدق در پاسخ ایراد روزنامه اطلاعات

اداره روزنامه اطلاعات!

چون در شماره ۵۹۵۸ مورخ ۲۴ دی ماه آن روزنامه محترم تحت عنوان «تغییر دولت» چنین اظهار شده است: «یکی از مخالفین دولت اکنون شخص آقای دکتر مصدق می‌باشند که ما همواره به نظر احترام به افکار و آراء شخص ایشان نظر داشته‌ایم ایشان در یک مورد دولت آقای حکیمی را مورد اعتراض قرار دادند که در قضیه آذربایجان چرا این مسئله را جنبه بین‌المللی دادند و اخیراً اعتراض نمودند که چرا دولت قضیه ایران را به سازمان ملل متفق مراجعه نکرده است در این مورد فرض کنید دولت خواسته باشد از نظر آقای دکتر مصدق پیروی کرده باشد چگونه جمع بین این دو نظر نماید؟!»

جواباً لازم می‌دانم نظریات خود را تکرار کنم و سوء تفاهمی که ممکن است از مندرجات بعضی جراید دست دهد رفع نمایم.

در جلسه ۱۹ دی‌ماه مجلس شورای ملی نظریاتم این بود: «بین دولت راجع به طرز اداره نمودن قسمتی از مملکت با یک عده از اهالی آنجا اختلاف حاصل شده است. قبلاً باید با اهالی، دولت داخل مذاکره شده شاید اختلاف را بتوان با خود آنها حل کرد و چنانچه به این طریق نتیجه نداد با دولت اتحاد جماهیر شوروی مذاکره کنیم که مانع مرتفع و اختلاف حل شود. بنابراین صلاح نیست که دولت انگلیس و امریکا به نام سه دولت با ما داخل مذاکره شوند و در سایر نقاط ایران هم که هیچ وقت اختلافی نداشتیم ایجاد اختلاف کنند، ما باید این اوراق را رد کنیم و به هیچ وجه حاضر نشویم که در آن مذاکره نماییم»

بنا بر آنچه عرض شده این جانب اعتراض نمودم که دولت راه بین‌المللی غلطی را انتخاب

نموده‌است و چون بعد از بیانات ۱۹ دی‌ماه در مجلس خبر ذیل را نقل از رادیو لندن در روزنامه اطلاعات خواندم:

«سفارت کبرای ایران در لندن به مستر استه‌تی‌نینوس رئیس کمیته مخصوص تنظیم برنامه سازمان ملل متفق اطلاع داده که موضوع ایران در فهرست کارهای جلسه سازمان مزبور وارد نشده‌است ولی کوشش‌هایی مبذول خواهد شد که کمیسیون بررسی به موضوع ایران، هرچه زودتر تشکیل شود»

این بود که بلافاصله به آقای نخست‌وزیر نوشتم که «این جانب نتوانستم درک کنم که آقای تقی‌زاده از چه نظر موضوع ایران را جزو فهرست کارهای جلسه سازمان ننموده‌اند زیرا اگر دولت نتواند قضیه آذربایجان را به‌طور مستقیم حل کند تنها امیدی که برای ما هست همان طرح در سازمان ملل متفق است»

این جانب تصور می‌کنم که سفارت کبرای ایران این اقدام را از این نظر نمود، که در سازمان بروی ما بسته شود تا ناچار شویم با نقشه شومی که برای محور استقلال ما ترسیم شده بود موافقت کنیم و من یقین دارم که اگر وقت نگذشته باشد و آیین‌نامه داخلی سازمان اجازه دهد این در بروی ما باز می‌شود - هیچ‌کس نمی‌تواند انکار کند که بین مذاکراتی که با دو دولت می‌شد و مراجعه به سازمان ملل متفق فرق بسیار نیست زیرا سازمان مزبور نمی‌خواهد با ما قراردادی منعقد کند و قراردادی که از قرارداد وثوق‌الدوله بدتر منعقد نماید.

این جانب عقیده ندارم که قبل از مذاکره با اهالی محل و یا با دولت شوروی به این سازمان مراجعه کنیم و ماده ۳۳ منشور ملل متفق می‌گوید:

«طرفین هر اختلاف که دوام آن ممکن است باعث تهدید نگاهداری صلح و امنیت بین‌المللی گردد باید قبل از هر چیز حل آن را از مجرای مذاکرات - بازپرسی - میانجیگری - آشتی - داوری - تصفیه قضایی - مراجعه به مؤسسات یا قراردادهای محلی و یا به وسایل مسالمت‌آمیز دیگری به انتخاب خود جستجو نماید.»

ملاحظه می‌کنیم که ماده مزبور در درجه اول مذاکرات را در نظر گرفته است و چون راه مذاکرات این دولت مسدود است از این جهت بکرات از جناب آقای حکیمی نخست‌وزیر درخواست نموده‌ام از کارکناره‌جویی کنند تا دولتی روی کار آید که بتواند رفع اختلاف نماید و باز صریحاً عرض می‌کنم، گره‌ای که ممکن است با دست باز نمود نباید آن را با دندان کور کرد، و تا از طریق مذاکرات مأیوس نشویم مراجعه به سازمان ملل متفق را برخلاف صلاح مملکت می‌دانم و آن دولتی هم که می‌تواند وارد مذاکرات شود این دولت نیست و آقای نخست‌وزیر هرچه زودتر کناره‌جویی کنند بهتر است و صلاح نیست که بیش از این در بقای خود اصرار نمایند.

دکتر محمد مصدق

نامه دکتر مصدق به اتاق بازرگانی تهران

۲۷ دی ماه ۱۳۲۴

چون انتشار بعضی از مقالات راجع به نظریات این‌جانب در امور اقتصادی آن روزنامه محترم ممکن است در افکار عامه ایجاد سوء تفاهم کند رونوشت نامه‌ای که به اتاق بازرگانی تهران نوشته‌ام برای درج در آن روزنامه محترم ارسال می‌نمایم.

دکتر محمد مصدق

۲۷ دی ماه ۱۳۲۴

اتاق بازرگانی تهران

با استحضار از مفاد نامه شماره ۲۱۵ مورخ ۲۵ دی ماه ۲۴ تصدیق می‌دهد این‌جانب در ضمنی انتقاد از رویه اقتصادی دولت در مجلس شورای ملی به هیچ وجه قصد تهمت یا اهانت نسبت به اعضاء محترم اتاق بازرگانی تهران نداشته و مطلبی که مخالف با حقیقت جریان امر باشد اظهار نکرده‌ام. اما این نکته که پاره [ای] از تصمیمات اقتصادی دولت در نتیجه مذاکره با اتاق بازرگانی و با توجه به نظریات و پیشنهادهای آن اتاق اتخاذ شده است قابل تردید نیست و این موضوع در اغلب روزنامه‌ها و در مجله اتاق بازرگانی تهران هم نوشته شده است و بعلاوه در ضمن بعضی از تصویب‌نامه‌های اخیر وظایفی بعهدہ اتاق بازرگانی تهران محول شده است که البته با اطلاع و موافقت قبلی آن اتاق بوده است.

اگر در مورد شکرهای موجود در گمرک‌خانه‌ها به‌طوریکه اظهار داشته‌اید اعضاء اتاق بازرگانی تهران شخصا ذی‌نفع نباشند ولی در مورد آزادی ورود قماش که جناب آقای هژیر وزیر دارائی در بدو تشکیل این دولت تصویب‌نامه آن را به شماره ۱۵۸۴۶ از هیئت وزیران گذرانیدند و مورد اعتراض این‌جانب واقع شد، مخصوصاً در موضوع قماشهایی که سفارش آنها مطابق قراردادهای رسمی برای فروش به دولت بوده ولی طبق تصویب‌نامه مزبور برخلاف اصل عدم شمول مقررات بماسبق معامله آنها به بازرگانان واگذار شده است شکی نیست که بعضی از اعضاء محترم اتاق بازرگانان تهران از قبیل آقای عبدالحسین نیک‌پور در معامله ۳۷۶۶۷ یارد آقای محمدرضا خرازی ۸۵۱۲۷ یارد آقای مهدی لاری ۳۱۴۳۲ یارد آقای عباس اخوان ۱۲۲۱۰۰ یارد شخصاً ذینفع و طرف معامله و مذاکره با دولت بوده‌اند.

این قماش‌ها به‌طوری که اطلاع دارید از محل سهمیه محدود واردات قماش از امریکا با پرداخت دلار به نرخ رسمی ۳۲/۵۰ ریال از حساب ارزی دولت خریداری شده و به بهای سیف هر یارد به‌طور متوسط در حدود ۲۰ سنت به نرخ دلار ۳۲/۵۰ معادل ۶/۵۰ ریال تحویل خرمشهر گردیده و از طرف دولت در قبال دریافت سود فرضی صددرصد که در واقع همان

تفاوت بین نرخ رسمی و نرخ آزاد دلار می‌باشد و نه سود حقیقی به بازرگانان واگذار شده و میلیونها تومان بدولت خسارت رسیده‌است زیرا بهای هر یارد قماش امریکایی پس از پرداخت ۶/۵۰ ریال بابت سود فرضی (یا تفاوت نرخ دلار) به دولت و تقریباً ۶ ریال بابت حقوق و عوارض گمرکی و انحصاری و ۱ ریال بابت مخارج حمل داخلی و متفرقه روی هم رفته ۲۰ ریال برای بازرگانان تمام می‌شود، در صورتی که نرخ عمده‌فروشی این قماش‌ها در بازار تهران کمتر از یاردی ۴ ریال نیست و بالتجیه بازرگانان ذی‌نفع در هر یارد قماش مورد احتیاج عموم اهالی است ۲۰ ریال سود واقعی می‌برد و دولت ۶/۵۰ ریال سود فرضی.

اما در باب شکرهای متعلق بی‌بازرگانان که مقدار آن را در حدود ۱۰۳۷ تن قلمداد نموده و توضیحاتی در باب طرز خرید و حمل و بهای تمام شده و تثبیت نرخ فروش و نام واردکنندگان آنها داده‌اند توجه آن اتاق را به مراتب ذیل معطوف می‌دارد:

۱- ورود قند و شکر به کشور بموجب قانون انحصار دولتی قند و شکر و کبریت مصوب ۱۳۱۰/۱۲/۱۹ و بر طبق سهمیه‌های اقتصادی که از سال ۱۳۱۱ تا کنون باستناد قانون انحصار بازرگانی خارجی مصوب ۱۳۱۱/۴/۱۹ منتشر شده است در انحصار عملی دولت می‌باشد بنا بر این اشخاصی که بدون تحصیل اجازه قبلی از دولت اقدام بخريد و حمل شکر از خارجه کرده‌اند تجارت غیرمجاز نموده و دولت می‌تواند به استناد ماده ۱۱ قانون انحصار تجارت خارجی شکرهای آنها را ضبط یا اقلاً به نرخ رسمی معاملات دولتی خریداری و توزیع نماید و مجوز قانونی برای تحویل این شکرها به بازرگانان در قبال دریافت سود بازرگانی از قرار هر کیلو ده ریال ضعیف به نظر می‌رسد.

مبلغ مورد مطالبه دولت در این مورد (برخلاف مورد معامله قماش) چون دولت هیچ گونه دخالتی در امر معامله کالا نداشته‌است حقاً نمی‌تواند عنوان سود بازرگانی داشته باشد، بلکه یک نوع مالیات یا اضافه حقوق ورودی است که بدون اجازه مجلس شورای ملی به واردات کشور تحمیل می‌شود.

۲- شکرهای مورد بحث خارج از سهمیه دولت نیست و عنوان مبادلات مرزی هم ندارد، زیرا بنگاه یوک‌سی‌سی با آنکه متصدی حمل و فروش آن نبوده است معادل آن از سهمیه شکر دولت کسر کرده است.

اما واردات موضوع مبادلات مرزی یا معاملات محلی مرز نشینان مطابق مقررات اقتصادی کشور (ماده ۹ قانون اصلاح قانون انحصار بازرگانی خارجی و ماده ۱۰۰ آیین‌نامه صدور و ورود کالا) اجناسی است که ساکنین قراء مرزی در مقابل فروش مازاد محصول محل تا میزان هزار ریال در هر مورد برای رفع احتیاجات خود وارد می‌کنند، اینگونه اجناس اعم از انحصاری و غیرانحصاری از قید تشریفات پروانه ورود بازرگانی و اجازه وزارت دارایی و اجرای مقررات ارزی و غیره معاف است و به محض ورود به مرز با پرداخت حقوق و عوارض گمرکی مرخص

می‌شود. شکرهای مورد بحث توسط بازرگانانی که نامه‌ها و تلگراف‌های آنها به اطاق بازرگانی تهران رسیده‌است وارد شده و خرید کالا هم طبق اسناد معامله با پرداخت ارز صورت گرفته است نه به وسیله مبادله یا با محصول منطقه مرزی از قبیل سیب زمینی و لوبیا.

این شکرها را بازرگانان نه مرزنشینان برخلاف مقررات حمل و توزیع شکر توسط متفقین از موجودی‌های بنادر عربستان و عمان و سواحل شرقی افریقا خریده و اهالی بنادر مزبور را بوسیله استرضای خاطر مشایخ محل از سهمیه خودشان محروم نموده و به وسیله کشتی‌های بادی به ایران حمل کرده‌اند و به این جهت متفقین بابت سهمیه محمولات ایران محسوب داشته‌اند.

۳- توضیحاتی که در باب بهای خرید این شکرها داده‌اید مورد تصدیق این جانب می‌باشد و مطابق تحقیقاتی که شخصاً در این باب نموده‌ام این شکرها با اینکه پس از ورود به ایران بابت سهمیه دولت محسوب شده است مع هذا از قرار هر کیلو از ۱۶ تا ۲۸ ریال سیف بنادر ایران طبق اسناد معامله و حمل خریداری شده است و حال آنکه بهای خرید شکر موضوع سهمیه دولت هر کیلو ۴ ریال است، بنابراین بازرگانان در نتیجه این معاملاتی که برخلاف مقررات داخلی و بین‌المللی نموده‌اند به زیان کشور اقدام کرده و بدون افزایش مقدار واردات مبلغ بیشتری ارز از کشور خارج کرده و به موازنه ارزی کشور لطمه زده‌اند.

۴- اولین شکری که بموجب تصمیم اخیر دولت از گمرک خارج شده است ۹۳۳ کیسه شکر سفید متعلق به شرکت تضامنی برادران کازرونی تیمسار به وزن بیش از ۸۰ تن و به ارزش ۱۶۴۰۰۰۰ ریال بوده‌است بهای سیف شکر مزبور مطابق اسنادی که به گمرک ارائه و به موجب آن درآمد شش درصد بهای واردات پرداخته شده است از قرار هر کیلو بیست ریال می‌باشد مطابق این حساب هر کیلو شکر پس از پرداخت ۱۰ ریال سود بازرگانی و ۴/۵۰ ریال بابت حقوق و عوارض گمرکی و انحصاری و مالیات راه روی هم رفته در حدود ۳۴/۵۰ ریال برای واردکننده تمام شده است، در صورتی که بهای عمده‌فروشی شکر سفید مطابق نرخ رسمی اتاق بازرگانی و شهرداری تهران هر کیلو ۵۰ ریال می‌باشد و بالنتیجه سود شرکت نامبرده از همین یک فقره کالا که مورد احتیاج و مصرف عامه مردم می‌باشد بالغ بر ۱۲۴۰۰۰۰۰ ریال می‌گردد یعنی متجاوز از ۷۰ درصد.

از میزان سود این یک فقره کالا که به‌طور نمونه ذکر شد اهمیت موضوع و علت فشار صاحبان شکر به مقامات مربوطه و سرّ دفاع حامیان آنها کاملاً کشف می‌شود و از روی این نمونه می‌توانید سود سایر واردکنندگان شکر را هم که اسامی آنها را در ضمن نامه خود ذکر فرموده‌اید «از قبیل آقا سیدصادق نسبت به ۲۶۰ تن و آقای حاجی حنیا سعدی نسبت به ۱۹۲/۵ تن و آقای علی اکبر لاری نسبت به ۷۳/۵ تن و آقایان احمد گله‌داری - مشیر دیوانی - اتفاقیه - قریشی - فریدونی - ارفعی - جلالی - بلوکی - میررضی - محمد دانشمند - سعدی - شکبیا

- مهرچی - رفسنجانی - نسبت به ۴۳۷/۵ تن قیاس نماید.

۵- این جانب اصولاً با الغای انحصارهای دولتی و با آزادی عمل بازرگانان در مورد ورود و فروش کالاهایی که از حیث میزان تولید و شرایط توزیع و حمل تحت نظارت دولت‌ها و شمول تضییقات و محدودیت‌ها نباشد از قبیل کاغذ و دارو کاملاً موافق و پیش‌قدم بوده و هستم، زیرا در مورد این‌گونه اجناس وجود رقابت آزاد عامل مؤثر برای اعاده اوضاع به حال عادی و استقرار موازنه بین عرضه و تقاضا و بالنتیجه تعدیل قیمت‌ها و تقلیل هزینه زندگی می‌باشد و مجالی برای سوءاستفاده و احتکار و گرانفروشی باقی نمی‌گذارد، ولی نسبت به قند و شکر و قماش نظر به وضع فعلی تولید و معامله و توزیع این کالاها در سایر کشورها و عدم کفایت میزان واردات مجاز آنها به ایران برای رفع حوائج کشور فعلاً عقیده به آزادی عمل بازرگانان ندارم و تصمیمات اخیر دولت را مخالف با مصالح عمومی کشور و رفاه حال جامعه می‌دانم.

در خاتمه از بازرگانان خیرخواه و مال‌اندیش و واقف به مقتضیات وقت انتظار دارم نسبت به نظریات و اظهارات این جانب عادلانه قضاوت نموده و با توجه بلزوم مبارزه با مفاسد اجتماعی و ترجیح مصالح عمومی بر منافع شخصی با رویه اقتصادی این جانب موافقت فرمایند تا باتفاق همدیگر انشاءالله بتوانیم قسمتی از مفاسد اقتصادی و اجتماعی کشور را که منشأ اشکالات سیاسی است مرتفع سازیم و وظیفه ملی و فریضه دینی خود را انجام دهیم.

دکتر محمد مصدق

۷۰

نامه دکتر مصدق به ریاست مجلس شورای ملی

اول بهمن ۱۳۲۴

کمیسیون دادگستری در جلسه اخیر خود آقای سهیلی را برای خریداری اثاثیه وزارت خارجه طبق ماده ۱۵۲ قانون کیفر عمومی مجرم شناخته و رأی به تعقیب مشارالیه داده چون آقای بدر وزیر دارایی وقت طبق پرونده، فروشنده اثاثیه بوده و با تبانی و مواضع قبلی که با آقای سهیلی به عمل آمده اثاثیه را به ضرر دولت به آقای سهیلی فروخته آقای بدر هم شریک جرم شناخته می‌شود لذا طبق ماده مزبور نسبت به آقای بدر اعلام جرم می‌نمایم.

دکتر مصدق

۷۱

نامه دکتر مصدق در جواب نامه اتاق بازرگانی تهران

اداره روزنامه اطلاعات

۹ بهمن ماه ۱۳۲۴

یک نسخه از جوابی که این جانب به اتاق بازرگانی تهران نوشته‌ام برای درج در آن روزنامه محترم

دکتر محمد مصدق

ارسال می‌شود.

۸ بهمن ۱۳۲۴

اتاق بازرگانی تهران!

در جواب نامه مورخ ۲۴/۱۱/۴ زحمت عرض می‌دهد منظور از اظهارات این جانب در مجلس شورای ملی که دنباله آن به مکاتبه با آن اتاق و توضیحات آقای شادمان در روزنامه اطلاعات کشیده شده است، اساساً انتقاد از رویه اقتصادی دولت و اقدامات جناب آقای هژیر وزیر دارایی وقت بوده است نه اعتراض به بازرگانان در این صورت معلوم نیست به چه جهت اتاق بازرگانی تهران به عنوان رفع اهانت موهوم از خود در مقام دفاع از وزیر سابق دارایی برآمده و ضمناً مطالبی را که مربوط باصل موضوع انتقاد این جانب نیست به طور مستقیم و غیرمستقیم در روزنامه‌ها منتشر می‌کند - این جانب برای جلوگیری از خلط مبحث و رفع هرگونه ابهام و اشتباه مجدداً موضوع انتقاد خود را با تفکیک رئوس مطالب به شرح ذیل اظهار و تقاضا می‌کنم اگر برای رد آنها اتاق بازرگانی تهران یا دیگران دلیل کافی دارند اظهار فرمایند مشروط بر اینکه از موضوع خارج نشده و پیرامون مطالب غیراقتصادی نگردند:

اول - قماش و قند و شکر از کالاهائی است که در حال حاضر نظر به اوضاع اقتصادی دنیا موجبات ورود آزاد آنها به کشور فراهم نیست و از حیث میزان تولید و شرایط فروش و صدور و حمل تحت نظارت دولت‌ها و مشمول تضيیقات و تحدیدات بین‌المللی می‌باشد.

دویم - سهمیه‌هایی که برای ورود این اجناس به ایران تشخیص داده شده است باضافه میزان تولید داخلی آنها در حدود نصف میزان مصرف داخلی در سالهای عادی است و کفاف حوائج عمومی کشور را نمی‌دهد (طبق مندرجات آمار گمرکی سال ۱۳۲۳ و شماره ۴ مجله اتاق تجارت تهران و اظهار آقای هژیر در مجلس میزان عادی مصرف سالیانه قماش ۱۲۰ میلیون متر - سهمیه واردات ۲۰ میلیون متر محصول داخلی در حدود ۱۰ میلیون متر میزان عادی مصرف سالیانه قند و شکر ۱۲۰ هزار تن سهمیه واردات ۵۲ هزار تن محصول داخلی ۲۳ هزار تن می‌باشد).

سیم - اگر سهمیه‌های محدود این اجناس و اخبار ورود و فروش آن به بازرگانان (آن هم چند نفر بازرگان تهران که وسایل مخصوص این کارها را دارند) واگذار شود نظر بعدم موازنه بین عرضه و تقاضا و فقد رقابت آزاد ممکن نیست واردکنندگان به سود بازرگانی معمولی اکتفا نموده و کالا را به بهای معتدلی در دسترس مصرف‌کنندگان بگذارند.

چهارم - تا موقع اعاده اوضاع اقتصادی به حال عادی و امکان استقرار موازنه بین عرضه و تقاضا دولت مکلف است برای جلوگیری از سوءاستفاده بازرگانان امر ورود و فروش این اجناس را در تحت نظارت خود نگاه دارد و دستگاه اقتصادی خود را برای انجام این منظور مرتب نماید به وسیله جلب مساعدت معتمدین محل و یا به وسیله تشکیل شرکت‌های مخصوص و وسایل

دیگر اقدام به توزیع عادلانه کالا بین اهالی کشور بنماید. اگر سابقاً عمل جیره‌بندی خوب اداره نمی‌شد و مقداری از قماش‌های دولت در بازار به فروش می‌رسید باز هم بهتر از وضع فعلی بود که همه افراد کشور از خرید قماش به نرخ جیره‌بندی محروم شده و تمام واردات قماش در بازار به نفع واردکنندگان و به ضرر جامعه به فروش می‌رسد.

پنجم - فساد دستگاه اقتصادی دولت و سوءاستفاده بعضی از مأمورین جیره‌بندی و توزیع مجوز این نیست که دولت از انجام وظایف خود در قبال جامعه خودداری نموده و فاسد را به افسد تبدیل کند. دستگاه مالی دولت هم مخصوصاً در قسمت مالیات بر درآمد خالی از فساد و علت نیست بلکه شهرت سوءاستفاده مأمورین آن اداره از مأمورین توزیع و جیره‌بندی بیشتر است، پس دولت باید مالیات بر درآمد را هم ملغی نموده و خاطر آقایان بازرگانان را به کلی آسوده سازد. وانگهی اگر برای دولت وسایل توزیع عادلانه کالا در تمام کشور به نحو کامل فراهم نیست بازرگانان هم به طریق اولی چنین وسایلی در اختیار خود نداشته و جز نفع شخصی منظور دیگری ندارند.

ششم - در صورتی که وزارت دارایی واقعاً قادر به اصلاح امر پخش و جیره‌بندی قماش نبود و ناگزیر بود از رعایت مصالح اقتصادی کشور و رفاه حال جامعه صرف‌نظر کند باز هم از لحاظ منافع مالی دولت مقتضی بود قماش‌های موضوع سهمیه ایران را که کشورهای مبدا به قیمت‌های نازلی می‌فروشدند به حساب دولت خریده مانند قماش‌های موجودی فعلی خود به ترتیب مزایده عمومی بفروشد تا لااقل تفاوت فاحش بین بهای خرید و بهای فروش عائد خزانه دولت گردد، به این وسیله زیان پرداخت حقوق کارمندان اداره پخش و جیره‌بندی که در هر حال به عهده دولت باقی است جبران شود. در این صورت مانعی نخواهد داشت که به بازرگانان هم اجازه ورود قماش خارج از سهمیه دولت داده شود تا به طوری که ادعا می‌کنند کم بود قماش مورد احتیاج دولت را از اکناف و زوایای بازارهای دنیا به قصد استفاده بازرگانان تهیه و به کشور وارد کنند و به نرخ آزاد بدون دخالت دولت بفروشند نه اینکه چند نفر بازرگان بدون مشارکت سایر بازرگانان و به ضرر عامه مصرف‌کنندگان از ورود و فروش قماش موضوع سهمیه دولت استفاده سرشار نمایند.

هفتم - بر فرض لزوم الغاء انحصار قماش و تفویض سهمیه قماش در آتی به بازرگانان باز هم عطف این تصمیم به ماسبق مجوزی نداشته و ماده ۳ و ۵ تصویب‌نامه شماره ۱۵۶۶ که به موجب آن معامله قماش‌های موضوع قراردادهای سابق دولت هم در قبال پرداخت تفاوت نرخ دلار به عنوان حق واگذاری به بازرگانان واگذار شده است به کلی بی‌مورد بوده و گویا به همین جهت متن کامل تصویب‌نامه مزبور برخلاف معمول در روزنامه رسمی کشور و سایر روزنامه‌ها منتشر نشده و فقط مفاد ماده اول و دوم آن برای انتشار به روزنامه‌ها داده شده است.

اما اینکه یادآوری نموده‌اید که اتاقهای بازرگانی مکلفند در پیشرفت اقدامات اقتصادی بسا

دولت توحید مساعی نموده و دولت هم باید برای اتخاذ تصمیمات اقتصادی نظر اتاقهای بازرگانی را استعلام نماید.

البته این همکاری و تبادل نظر در امور کلی و مسائل عمومی لازم است ولی در مورد معاملاتی که اعضاء اتاق بازرگانی و بستگان آنها شخصاً ذی‌نفع و طرف معامله هستند مقتضی نیست که دولت بر طبق نظریات آنها تصمیمی اتخاذ کند و تصمیم خود را شامل تعهدات گذشته آنها هم بنماید.

بعلاوه بموجب تبصره ۳ ماده واحده قانون مصوب ۱۸ دی‌ماه ۱۳۲۳ دولت مکلف است هرچه زودتر شورای عالی اقتصادی را که طرح آن در سابق ریخته شده با اصلاحاتی که لازم بداند تشکیل دهد، نقشه اقتصادی عملی متناسب با احتیاجات فوری کشور تنظیم و به مجلس شورای ملی تقدیم نماید ولی متأسفانه دولت به این تکلیف قانونی خود عمل نکرده و به صرف مشورت اتاق بازرگانی تهران اکتفا نموده است.

تصمیمات اقتصادی دولت‌های قبل از شهریور ۱۳۲۰ هم که مورد انتقاد آن اتاق از لحاظ انحطاط اقتصادیات کشور و عدم رعایت مصلحت عامه می‌باشد برخلاف آنچه اظهار داشته‌اید بدون اطلاع و مشورت اتاقهای بازرگانی وقت و بعضی از اعضاء اتاقهای بازرگانی فعلی تهران نبوده بلکه بعضی از اعضاء اتاق بازرگانی تهران علاوه بر راهنمایی دولت شخصاً عامل اجرای این تصمیمات بوده و بعضی دیگر از سهمیه‌های محدود بعضی از اقلام واردات از قبیل شیشه‌آلات و چینی‌آلات استفاده کامل و انحصار بضرر مصرف‌کنندگان نموده و برخی دیگر کارخانه‌های مختلفه با استفاده از فعالیتهای گمرکی و تصدیق صدور و با تسهیلات ارزی وارد کرده و محصولات همان کارخانه‌ها را در نتیجه منع یا تحدید ورود محصولات مشابه خارجی به قیمت‌های گزاف فروخته و مقدمات فقر عمومی و مفساد اقتصادی و اجتماعی فعلی را که منشاء اشکالات سیاسی است از همان موقع فراهم نموده‌اند.

راجع به سکوت این جانب نسبت به مداخله بازرگانان خارجی در اقتصادیات کشور اگر منظور آن اتاق قراردادهایی است که سازمان اقتصادی با بازرگانان خارجی برای ورود کالاهای انحصاری به منظور فروش به دولت منعقد نموده است به طوری که اطلاع دارید این قراردادها از طریق مناقصه عمومی منعقد گردیده و بعضی اوقات مناقصه به نام بازرگانان خارجی اصابت نموده و عمل دولت قابل اعتراض نبوده است به هر حال این موضوع ارتباطی با الغاء انحصار قماش ندارد.

موضوع لزوم تشویق فعالیت‌های شخصی و بکار انداختن سرمایه‌های راكد بازرگانان البته مورد تصدیق این جانب می‌باشد ولی آیا تصور نمی‌فرمایید از لحاظ رفاه جامعه و ترقی کشور اگر این فعالیت‌ها و سرمایه‌های بازرگانان در امور مربوط به تولید کالا و اصلاحات کشاورزی و ازدیاد محصولات داخلی و تهیه کار برای بیکاران و افزایش و بهبود صادرات به کار افتد بهتر از

خرید قماش از سهمیه دولت و فروش با سود گزاف به مصرف‌کنندگان بی‌بضاعت خواهد بود؟ محاسبه بهای سیف قماش امریکایی را که این جانب از قرار یاردی ۲۰ سنت بنرخ دلار ۳۲/۵۰ ریال برابر ۶/۵۰ ریال نموده و مورد تکذیب آن اتاق واقع شده است عیناً از مجله رسمی اتاق بازرگانی تهران (شماره ۱۴ مورخ آذر ۲۴ صفحه ۳۸) نقل شده است و به‌علاوه آقای دکتر نصر نماینده اقتصادی دولت در امریکا هم قماش موضوع سهمیه سال ۱۹۴۴ دولت را به نرخ متوسط یاردی ۶/۵۰ ریال تحویل خرمشهر خریده است نرخ دلار آزاد هم در تاریخ صدور تصویب‌نامه شماره ۱۵۸۶۶ که ملاک محاسبه حق واگذاری است به‌طوری که در شماره ۷۸۷۲ مورخ ۲۴/۸/۲۲ روزنامه ایران تعیین گردیده ۵۹ ریال بوده است نه ۵۴ ریال - و سودی را هم که برای دولت از بابت حقوق و عوارض گمرکی و انحصار قلمداد فرموده‌اند در هر حال عاید دولت می‌گردد اعم از اینکه دولت خود قماش وارد کند و به نرخ جیره‌بندی توزیع نماید یا بازرگانان وارد کرده و به نرخ آزاد به فروش برسانند.

اما نرخ فروش قماشهای امریکایی که ادعا نموده‌اید متری ۲۵ ریال بیشتر نیست و واردکنندگان مورد نظر حاضرند به همین نرخ به این جانب بفروشند البته می‌دانید این جانب نماینده مجلس شورای ملی هستم و شما هم موکلین سابق من بوده‌اید و اکنون به واسطه عقایدی که اظهار نموده‌ام از عقیده سابق خود به این جانب عدول فرموده‌اید این جانب نه تنها در کار خرید و فروش کالا دخالت نمی‌کنم و وسایلی هم برای این کار ندارم بلکه به واسطه مسئولیت سنگینی که از قبول نمایندگی تا ۲۱ اسفند دارم از رسیدگی به امور شخصی خود هم خودداری می‌نمایم ولی هرگاه این اشخاص حاضرند تمام قماش‌های خود را متری ۲۵ ریال بفروشند چه مانع است که بجای پیشنهاد فروش به این جانب مراتب را در روزنامه‌ها اعلان و محل فروش را تعیین نمایند و اتاق بازرگانی تهران طبق اختیارات خود ترتیبی عرضه بدهد که قماشها در حدود این قیمت به دست مصرف‌کنندگان برسد. ولی آنچه تا کنون در بازار عرضه شده است کمتر از نرخی که این جانب حساب کرده بودم و مورد تردید آن اتاق واقع شده است نبوده بلکه گران‌تر هم به فروش رسیده است - برای اثبات این مدعا نمونه سه رقم قماش امریکایی را که روز جمعه پنجم بهمن ماه در بازار خیابان رفاهی از فروشنده موسوم به رادیو به قرار متری ۴۰ و ۴۵ و ۶۰ ریال خریداری شده تلوا ارسال می‌شود حداقل نرخ قماش امریکایی موجودی دولت هم که در مزایده به فروش می‌رسد ۳۴ ریال است و انگهی چنانچه واردکنندگان قماش به سود مختصر صدی ۵ اکتفا می‌کردند می‌توانستند طبق اختیاری که به موجب ماده سیم تصویب‌نامه شماره ۱۵۸۶۶ به آنها داده شده است قراردادهای رسمی خود را باطل ننموده و با دولت معامله کنند و حال آنکه هیچ‌یک از واردکنندگان قماش از این اختیار استفاده‌ای نکرده‌اند. از آنچه عرض شد تصدیق خواهند فرمود که در استفاده سرشار بازرگانان مشمول تصویب‌نامه مورد انتقاد این جانب هیچ‌گونه تردیدی باقی نمی‌ماند و خسارت دولت و ضرر

جامعه هم از اجرای آن قابل تردید نیست و بند ۳ و ۵ آن یکطرفی است، یعنی اشخاص و مؤسساتی که سفارش دولت را در خصوص قماش نخی قبول کرده‌اند در صورتی که مایل باشند می‌توانند در مقابل تأدیه صددرصد قیمت سیف اجناس وارد شده را از گمرک مرخص و در داخله کشور معامله کنند ولی اگر قماش غیرامریکایی (قماش انگلیسی و یا هندی) صرف نکند دولت نمی‌تواند واردکنندگان به معامله را ملزم نماید - از معاملات قماش بازرگانان استفاده می‌کنند ولی حقوق کارمندان قماش را دولت باید از بودجه دارایی تأدیه نماید و انفصال آنها هم مورد ندارد اظهارات آن اتاق و مدافعات آقای شادمان معاون اقتصادی آقای هژیر در روزنامه اطلاعات نمی‌تواند حقایق را از انظار مستور داشته یا معکوس جلوه دهد و جامعه هم در تشخیص کسانی که در فکر مصالح عمومی یا منافع شخصی هستند عادلانه قضاوت می‌کند و فریب مدعیان خدمتگذاری خود را نمی‌خورد.

دکتر محمد مصدق

۷۲

نامه دکتر مصدق به قوام السلطنه

مستقیم - خصوصی است

آبان ماه ۱۳۲۵

جناب اشرف آقای قوام نخست وزیر

پس از مراجعت از نیمه راه مسافرت اروپا از اوایل اردیبهشت این جانب در احمدآباد ساوجبلاغ سکونت اختیار کرده و در حال انزوا گرفتار مریض داری بودم و بالاخره خود نیز دچار کسالت شده و ناچار بتهران آمده و مدتی است تحت معالجه می‌باشم و اگر با چنین حالی در مقام تصدیع برآمده‌ام هیچ محرکی غیر از ادای وظیفه اجتماعی ندارم و انتظار دارم که عرایض این جانب را خیرخواهانه تلقی فرموده و در آن امعان نظر مخصوص بفرمایند.

متعاقب صدور فرمان انتخابات غلیان فوق‌العاده‌ای در افکار عمومی پدیدار گردیده و مراجعاتی از طبقات مختلفه باین جانب شده و اظهار نگرانی کرده‌اند، مردم می‌گویند هنگامی که دولت در بعضی حوزه‌ها عملاً بازرسی ندارد و در سایر حوزه‌ها هم خود دولت بعنوان حزب دخالت کند انتخابات آزاد نخواهد بود و چنین انتخاباتی با وضعیت کنونی ایران بسیار خطرناک است و مجلسی که با این طرز تشکیل شود مظهر افکار عمومی ایران نیست و در مقابل پیگانگان برای دولت تکیه‌گاه نخواهد بود. زیرا مامورین بیگانه بهتر از هر کس ناظر باوضاع و از منشاء انتخاب نمایندگان آگاهند و چنین مجلسی را از قوه مجریه جدا نمی‌کنند و توقع دارند که دولت مجلس را برای پیشرفت مقاصد سیاسی آنها مطیع و متقاد کند و چنانچه مجلس نسبت بتوقعات یکطرف مقاومتی نشان داد و یا برویه او اعتراض نمود آن را اثر تحریک طرف مقابل دانند و عصبانی شوند و جنبه تعرض‌آمیز اتخاذ کنند که زندگی را بر هر ایرانی حرام کند. در صورتی که

ملت ایران خواهان دوستی با همسایگان است و اگر بگذارند نمایندگان حقیقی خود را انتخاب کند از راه صفا و شرافت می‌تواند سیاست همسایگان را فراهم نماید و انتظار ما از اولیاء امور آن است که مرتکب سهو و خطا نشوند و ما را دچار سرنوشت شوم و فاجعه جبران‌ناپذیر نکنند. هیچ‌کس منکر مضار ادامه فترت و مخالف لزوم تشکیل مجلس نیست، بشرط اینکه مجلس محصول آراء طبیعی مردم و مبین تمایلات ملت ایران باشد و چون با اوضاع و احوال کنونی چنین مجلسی بوجود نخواهد آمد باید در اجرای قانون انتخابات تأخیر شود تا مقتضیات انتخابات آزاد فراهم گردد. این است نظریات مردمی که با این جانب داخل مذاکره شده‌اند.

اما بعقیده خود این جانب آنچه تا کنون بر ما آمده از نبودن مجلس است چنانچه در تأخیر انتخابات نتوانم با مردم هم‌عقیده شوم از اظهار عقیده و عرض این نکته ناگزیرم و دولت اعم از اینکه مانند دوره دیکتاتوری اسامی داوطلبان وکالت را بفرمانداران تلگراف کند و یا اینکه مانند دوره ۱۴ تقنینیه عده‌ای را با تزویر و حيله در حوزة‌های انتخابیه تحمیل و یا نامزدهای خود را تحت عنوان تشکل حزب تقویت کند نتیجه یکی است و آن این است که قاطبه مردم از حق انتخاب کردن، حقی که قانون اساسی برای تعیین مقدراتشان بآنها داده‌است محروم می‌شوند.

خدا را گواه می‌گیرم که از این تذکرات نظر و غرضی نسبت بهیچ دسته و حزب معینی ندارم. البته در مملکت مشروطه باید احزاب عرض اندام کنند و انتخابات را بدست گیرند بشرط اینکه متکی به نیروی ملی و معنوی باشند و پیشرفت خود را منحصرأ بوسیله تبلیغات معمول در کشورهای متمدنی جایز دانسته و آزادی را در حدود مقررات قوانین برای تمام افراد و احزاب بشناسند نه اینکه بعضی وسایل مردم را مرعوب و میدان عمل را انحصار بخود نمایند.

وقتی که در موقع انتخابات، دولت اقدام به تشکیل حزبی کند مردم چنین تصور می‌کنند که ممکن است دولت بنفع طرفداران خود از قدرت دولتی استفاده کند و اگر این تصور صورت عمل پیدا کند بدعتی برای آینده خواهد شد که دیگران هم مبادرت به تشکیل حزب کنند و ملت ایران در ادوار آینده از حق آزادی انتخابات محروم شود. بنابراین راجع به تشکیل حزب دموکرات جنابعالی باید سعی بفرمائید که کسی نتواند چنین تصویری را بکند و هرگاه در عمل دیده شود که جنابعالی بمنظور مصالح کشور اقدام به تشکیل حزب فرموده‌اید و قصد آن نیست که بر خلاف افکار عمومی بنفع اعضاء حزب دموکرات حق آزاد بودن مردم در انتخاب نماینده سلب گردد مسلماً نتایج نیکویی نصیب جنابعالی خواهد شد که در تقویت حزب دموکرات در آینده تأثیر خوبی خواهد داشت.

ممکن است گفته شود که در ممالک راقیه نیز دولت‌ها متکی باحزابند مثل اینکه در انگلستان دولت از حزب معینی تشکیل می‌شود و انتخابات را هم همان دولت اداره می‌کند. بعقیده این جانب مقایسه کشور ایران با ممالک انگلوساکسون قیاس مع الفارق است. زیرا در آن ممالک بر اثر دوام مشروطیت قوانین جزء عادات جاریه شده و درباره همه یکسان اجرا می‌شود، چنانکه

اغلب پیش آمده که در زمان حکومت یک حزب انتخابات بنفع حزب مخالف آن تمام شده، ولی در این کشور سالها وقت لازم است تا قوانین مانند دیگر کشورها مورد احترام واقع شده و آمر و مأمور بتوانند سمت رهبری حزب و سیاست دولت را که در شخص واحد جمع شود از هم تفکیک نمایند.

در انگلستان هر حزبی در انتخابات فاتح شد خالق دولت است و در آنجا سابقه ندارد که حزب مخلوق دولت باشد.

البته تصدیق می‌فرمایند که این دفعه اوضاع قابل مقایسه با زمان سابق نیست و کشور هیچ گاه با چنین خطری که استقلال و تمامیت ما را تهدید می‌کند مواجه نشده است و کوچک‌ترین بی‌احتیاطی ممکن است ما را از این پرتگاه برای همیشه ساقط و نابود کند.

آقای نخست‌وزیر! نظیر بحرانی که امروز گریبان‌گیر ما شده برای سایر ملل هم پیش آمده و می‌آید و برای نجات ملل کوچک از چنین بدبختی هیچ نیروئی مؤثرتر از نیروی معنوی نیست. ملل کوچک در این موارد هیچ نیروئی بالاتر از اتفاق و اتحاد مخصوصاً اتفاق بین ملت و دولت و اهتمام اولیای دولت باحتراز از هر عملی که ممکن است در ملت ایجاد نفاق و دویت بکند ندارند. بزرگترین حربه‌ای که امروز ما را در مقابل تجاوزات و مداخلات می‌تواند حفظ کند تکیه بقانون اساسی کشور و افکار عمومی است. این انتخابات بترتیبی که در نظر گرفته شده این حربه را سست می‌کند و آن را برعلیه مصالح کشور بکار خواهد بست و افکار عمومی را دچار تشتت و تفرقه می‌کند و منجر بکشمکشهای خونین و اختلال امنیت و حتی خدای نخواسته بتجزیه کشور خواهد شد.

بعقیده این جانب صلاح مملکت در این است که نمایندگان مجلس با خود مردم سروکار پیدا کنند و فرمان وکالت را از دست مردم بگیرند و بالتیجه در مجلس شورای ملی مأمور مردم باشند و در صلاح و صرفه جامعه ایرانی عمل کنند و صلاح شخص جناب اشرف هم در این است.

بنابراین اگر ۱۲۰ نفر از طبقات شش‌گانه و مورد اعتماد جامعه بطوریکه در ماده ۱۴ قانون انتخابات مصرّح است یعنی از علماء - اعیان - ملاکین - تجار - اصناف و زارعین دعوت شوند و آنها هیئتی که کمتر از ۶ و بیشتر از ۱۲ نفر نباشند از بین خود انتخاب کنند و انتخابات در تمام مملکت تحت نظر هیئت مزبور عملی شود، آن جناب با نهایت بیطرفی از عهده انجام وظایف نخست‌وزیری و رهبری حزب هر دو برمی‌آیند و نتیجه انتخابات هم هرچه بشود مورد اعتراض نخواهد بود، زیرا ملت مقدرات خود را هرطور که بخواهد تعیین می‌کند و منظور از اصرار این جانب در آزادی انتخابات برای تمام افراد و احزاب و دستجات نه این است که حب یا بغضی نسبت بحزب معینی در میان باشد بلکه از این جهت است که مردم آزادانه می‌توانند هرکه را که مورد اعتماد آنهاست انتخاب نمایند. بدیهی است آن عده از نامزدهای حزب دموکرات که مورد

اعتماد و علاقه این مردم باشند با رویه صحیح و غیرقابل اعتراض به مجلس خواهندرفت و فقط نماینده حزب دموکرات شناخته نخواهند شد بلکه نماینده عموم مردم بشمار خواهند آمد و مسلماً حزب دموکرات باتکاء چنان وکلائی که بنوبه خود از اتکاء افکار عمومی برخوردارند بهتر می‌تواند برای حفظ مصالح کشور در مجلس مبارزه کند و اگر غیر از این باشد ممکن است بین مردم و حزب دموکرات جدائی پیدا شود که از لحاظ مصالح کشور آن را نیز باید مورد توجه و دقت قرار داد.

در خاتمه عرض می‌کنم که این نامه را مدتی است تهیه نموده ولی در ارسال آن تأمل داشتم تا اینکه وجدان اجازه نداد بیش از این مسکوت بگذارم و اکنون آن را تقدیم می‌نمایم.
[امضاء] دکتر محمد مصدق

۷۳

نامه سرگشاده دکتر مصدق به قوام السلطنه

پنجم دی‌ماه ۱۳۲۵

جناب اشرف آقای قوام نخست وزیر

در دوره استبداد سلاطین طبقات روحانیون و رجال احترام مینمودند برای اینکه مرکز اتکاء دولت باشند و آنها بخوبی درک کرده بودند که شخصاً قوه ندارند و هر قدر جامعه و رجال را بزرگ کنند بر قدرت و بزرگی خود می‌افزایند.

این سیاست تا بدو مشروطیت برقرار بود چنانکه از اواخر عهد ناصری و مظفری خود آنجناب بخاطر ندارند که فردی از این طبقات بحکم دولت تبعید و یا زندانی شوند و تنها موردیکه بخاطر همگی است تبعید مرحوم سعدالدوله به یزد مصادف با اول مشروطیت بود و وقتی که وارد تهران شد ملت او را ابوالمله لقب داد و فقط در دوره مشروطیت این رسم از میان رفت و هرکس خواست در صلاح مملکت حرفی بزند چون حکومت ملی نارس بود دولتهای متکی ب سیاست خارجی او را زندانی و یا تبعید نمودند.

از جمله خود آنجناب که بعد از چند سال تبعید وقتی که از اروپا وارد تهران شدید بنده جرأت نکردم نامه تبریک خود را از طریق عادی بفرستم و آن را محرمانه بوسیله خانواده خود بخانواده آنجناب رسانده و جواب هم بهمین ترتیب به بنده رسید و باز پس از چند سال که بنده از مسافرت برلن مراجعت نموده و سوءظن دولت نسبت به آنجناب کمتر شده و در باغچه محقری در تجریش از این جانب عیادت فرمودید مدتی از وقت بذکر بدی اوضاع و آه و ناله گذشت و چون سکناى بنده غالب تحت نظر بود منتظر بودم که از این ملاقات نتیجه سوئی عایدم شود و خدای خواست که نگشت.

این مقدمه برای این بود که عرض کنم از بدو زمامداری جناب اشرف عده‌ای از رجال بدون ذکر علت تبعید و یا توقیف شده‌اند و چنانچه بعضی از آنها احیاناً مورد تردید جامعه بود عدم ذکر علت سبب شده‌است که مظلومیت آنها بر جامعه معلوم شود.

و اما راجع به جناب آقای سیدضیاءالدین طباطبائی که قریب نه ماه است بامر آن جناب توقیف و اکنون از قرار مذکور می‌خواهند ایشان را تبعید کنند هرچند این جانب نظریات خود را در مجلس شورای ملی نسبت بایشان در پاره‌ای از مسائل اظهار نموده‌ام^{***} ولی اکنون از نظر حفظ اصول و احترام به قانون مقتضی است که بتوقیف غیرقانونی و یا تصمیم به تبعید ایشان و تمام اشخاصیکه بدون ذکر علت تبعید و یا زندانی شده‌اند خاتمه داده شود، الملک یبقی بالعدل. یقین دارم که رهبر حزب دموکرات ایران که خودشان گرفتار این روزها شده راضی نخواهند شد که این اشخاص و عائله آنها ناله نموده و بحکومت دموکراسی لعنت کنند.

دکتر محمد مصدق

۷۴

پاسخ دکتر مصدق به اظهارات تدین در روزنامه اطلاعات^{***}

اداره روزنامه محترم اطلاعات :

آقای تدین در یکی از جلسات دادگاه نسبت به این جانب اظهاراتی نموده که به تفصیل در روزنامه اطلاعات شماره ۶۳۵۷ ششم خرداد مندرج است. از آنجایی که هر متهم سهی می‌کند خود را بهر وسیله تبرئه کند این جانب مایل نبودم که به اظهارات ایشان جوابی داده شود ولی چون خبرنگار روزنامه مظفر در شماره ششم خرداد آن روزنامه در یک قسمتی از اظهارات آقای تدین که مربوط به سیاست این جانب است، نظریاتی اظهار نموده و دفاع قسمتی را که مربوط به معامله ملک است بواسطه بی‌اطلاعی از موضوع بعهد خود این جانب گذارده که اگر دفاع نکنم ممکن است افکار عامه نسبت به این جانب مشوب شود لذا قبلاً از احساسات آن خبرنگار محترم نسبت به خود تشکر و شرح معامله املاک خرقان را که در دو سال اخیر دو مرتبه در بعضی از جراید منتشر شده باز تکرار می‌کنم و بعد توضیحاتی هم نسبت به سایر اظهارات آقای تدین می‌دهم و قضاوت آنرا بعهد جامعه محول می‌نمایم.

در سال ۱۲۹۸ شمسی شش‌دانگ قریه کامشکان و چند قریه دیگر واقع در خرقان قزوین را به

^{***} منظور نطق تاریخی دکتر مصدق در مجلس چهاردهم در مخالفت با اعتبارنامه سیدضیاءالدین طباطبائی از عوامل کودتای سیاه انگلیسی سوم اسفند ۱۲۹۹ است.

^{***} این نامه از طرف آقای دکتر مصدق روز شنبه ۱۶ خرداد به اداره رسید و این دو روزه متأسفانه بواسطه کثرت مطالب، چاپ آن به تأخیر افتاد.

مبلغ ۲۸ هزار تومان از مرحوم شعاع‌الدین میرزا قهرمانی خریده و تا سال ۱۳۱۳ که اعلان ثبت املاک مزبور داده نشده بود کوچکترین اختلافی بین زارعین آن املاک و این جانب نبود و همه ساله صاحبان باغات به نام و نشان در حدود یکصد تومان از بابت جریانه می‌پرداختند ولی اعلان ثبت من که در ۲۸ آذر ۱۳۱۳ در روزنامهٔ بازپرس قزوین منتشر شد صاحبان باغات به ثبت اعتراض نمودند و مدعی مالکیت عرصهٔ خانه‌ها و باغات شدند که این قبیل اعتراضات در اغلب حوزه‌های ثبتی وجود داشت و در محاکم طرح می‌شد بعد از اعلان ثبت در ظرف چند ماه یعنی از بیست و هفتم اسفند ۱۳۱۳ تا هفتم مرداد ۱۳۱۴ چند نفر از معترضین به نام نورعلی - چراغعلی - علی آقاییک - امامقلی - علی کرم و سبزه‌علی نوشتجاتی ارائه نمودند که دلالت داشت مالک سابق زمین باغات و خانه‌ها را به آنها بخشیده و یا فروخته‌است که همین نوشتجات دلیل بود که عرصه سایر خانه‌ها و باغات ملک مالک است. لذا این جانب به ادارهٔ ثبت قزوین نوشتم که عرصهٔ خانه‌ها و باغات را به اسم خود آن چند نفر ثبت کند.

پس اظهاراتی که آقای تدین در دادگاه بشرح ذیل نموده: «شاهزاده‌ای بود به نام روح‌الله میرزا مالک کامشکان در خرقان قزوین، این شاهزاده قبل از آنکه ده را به مصدق بفروشد مقداری از اراضی برعایا می‌فروشد سند هم به امضای ملای محل است اسناد را می‌آورند و دکتر هم قبول می‌کند موعد ثبت می‌رسد تمام اینها را به نام خودش ثبت می‌دهد و استثنایی نمی‌کند مورد اعتراض هم می‌گذرد و بنام ایشان ثبت می‌شود و بعد هم ایشان می‌فروشند در چند ماه پیش نوشته بود که حق اعتراض اینها ساقط شده آیا این حرف قابل قبول است؟ الی آخر...» بر خلاف واقع، جعل و عاری از حقیقت است. زیرا تاریخ اعلان ثبت اینجانب قبل از اعتراض رعایا و تصدیقی است که به حقانیت این چند نفر نموده‌ام. من شش‌دانگ قریه کامشکان را خریده و چون گفتند دو شعیر آنجا وقف است ۹۴ شعیر به ثبت داده‌ام و در موقع معامله هم ملک به اسم من ثبت شده بود و معترضین به اعتراض خود باقی بودند و چون این جانب نخواستم مالک ملکی باشم و با ساکنین آن دعوا و مشاجره نمایم طبق سؤال وضعیاتی که دفتر اسناد رسمی شماره ۲۵ تهران از اداره ثبت نمود کلیهٔ املاک را به قید اینکه آنچه مالکم در ۲۵ بهمن ۱۳۱۵ به موجب سند شماره (۷۱۳۴) و (۷۱۳۵) همان دفتر فروخته‌ام و در اسناد مربوط به این معامله همین معنا قید و معامله با تصریح به دعاوی رعایا نسبت به عرصه باغات واقع شده‌است.

من از آنهایی که اظهارات آقای تدین را شنیده و یا در روزنامه‌ها خوانده‌اند سؤال می‌کنم که یک فروشنده که به حق خود قانع بوده و نخواهد به حقوق دیگران تجاوز کند غیر از آنچه من کرده‌ام چه می‌توانسته‌است بکند؟

چنانچه آقای تدین اظهاراتی که نسبت به این معامله نموده توانست ثابت کند گذشته از اینکه سایر اظهارات مجعول ایشان را نسبت به خود تصدیق می‌کنم مبلغ بیست هزار ریال هم به ایشان تأدیه می‌نمایم و حاضرم این وجه را قبل از ثبوت ودیعه‌گذارم و الا همه بدانند که آنچه در دادگاه

گفته بر خلاف حقیقت و همه از قبیل نسبت‌هایی است که به من داده است. یکی دیگر از اظهارات آقای تدین این است که شایسته نبود دکتر حقوق از بغل خود قرآن در بیاورد و بگوید من مسلمانم و برای اثبات اسلامیت اشهد خود را بگویم.

در ۱۴ مهرماه ۱۳۰۴ که جناب آقای مؤتمن‌الملک پیرنیا به ریاست مجلس شورای ملی انتخاب شد و قبول ننمود، به مقتضای سیاست مرحوم مستوفی‌الممالک به ریاست مجلس شورای ملی و آقای تدین به نیابت ریاست انتخاب شدند.

انتخاب مستوفی‌الممالک از این نظر بود که ایشان اگر قبول هم می‌نمودند هیچ وقت حاضر نمی‌شدند که جلسات مجلس را اداره کنند و قهراً آقای تدین جلسه نهم آبانماه را اداره و مقدمات دوره دیکتاتوری را فراهم می‌کرد. من که با وقایع نهم آبانماه مخالف بودم برای پیشرفت نظریه خود چه می‌توانستم بکنم؟ از یک طرف اکثریت قریب به اتفاق نمایندگان ماده واحده را امضاء کرده و از طرف دیگر مثل تدین کسی که خود را متخصص و عامل مؤثر خلع سلطنت می‌دانست جلسه را اداره می‌کرد که هر قدر مرحوم مدرّس اعتراض نمود و گفت آقای مستوفی‌الممالک استعفا داده و قبل از هر کار باید رئیس انتخاب شود مورد توجه واقع نشد. پس من از دو کار یکی را می‌توانستم بکنم. یا اینکه فقط عقیده خود را اظهار کنم و از مجلس خارج شوم، و دیگر اینکه طوری اقدام کنم که مؤثر شود و به مقصود برسم. من شق دوم را به اول ترجیح داده و نمایندگان را به خدا و بعد به کلام خدا که قسم یاد کرده بودند «به اساس سلطنت و حقوق ملت خیانت نمایند» توجه دادم، ولی متأسفانه برای چند روز نیابت ریاست و وعده‌های دیگر قرآن را زیر پا گذاشته و بر خلاف مصالح مملکت عمل نمودند.

در اوایل دوره ششم تقنینیه در اول هر جلسه قرار بود عده‌ای از نمایندگان قسم یاد کنند و در اول شهریور ۱۳۰۵ که جلسه هفتم بود چون نه می‌توانستم قسم بخورم و نه دلایل آن را در مجلس علنی اظهار کنم فرضاً هم که محرمانه به آقای تدین می‌گفتم ساعتی نمی‌گذشت که شاه مطلع می‌شد لذا این طور صلاح دانستم که شمایل ببرم و بگویم:

«این است پادشاه اسلام که در دست اوست بیرق ایران» که همه لال شوند و نتوانند بگویند بیرق ایران دست شاه است و بادمجان دورقابچین‌ها بفهمند که اگر به من اصرار کنند برای قسم، به شاه برمی‌خورم و مورد عذاب واقع می‌شوند. من به این ترتیب از قسم فرار کردم و چند روز بعد از این واقعه مرحوم مستوفی‌الممالک رئیس‌الوزراء وقت از قول شاه نقل نمود که دکتر مصدق در مجلس شمایل برده و عنقریب کار مجلس به سقاخانه هم می‌رسد جواب من این بود: در سال ۱۳۰۲ روزی اعلیحضرت (آنوقت وزیر جنگ) مرا که وزیر خارجه بودم در هیئت وزراء مخاطب قرار داده و فرمودند عده‌ای از نظامیان که مأمور بروجرد بودند بین راه به شاه عبدالعظیم رفته و در آنجا متحصن شده‌اند تکلیف چیست؟ من عرض کردم که بست حرمت شرعی ندارد عدم اجرای قانون و عدالت است که امامزاده و مسجد و بعضی از نقاط دیگر را به

اعتبار ساکنین آن‌ها بست قرار می‌دهند.

من به احمد شاه قسم یاد کرده‌ام و از او نسبت به مملکت خلافی ندیده‌ام و این را هم می‌دانم که یکی از جهات خلع او از سلطنت عدم موافقت با قرارداد بوده وقتی که وکیل نتواند به‌طور آزاد عقیده خود را اظهار کند آیا راه دیگری بود که اعتذار خود را تلویحاً برسانم؟ مرحوم مستوفی‌الممالک تصدیق نمودند و من تقاضا کردم اگر بتوانند به شاه عرض کنند.

در دوره اول تفتینه نماینده شدن آسان بود چون که در آن وقت وکالت درخت بارآوری نشده بود که عده زیادی داوطلب باشند.

انتخابات صنفی بود چند نفر که جمع می‌شدند هر کس را که می‌خواستند انتخاب می‌نمودند با اینکه اعتبارنامه نمایندگان کمتر از سی سال در مجلس تصویب شده بود به محض اینکه معلوم شد که از نظر شرط سن می‌خواهند با من مخالفت کنند من به کلی منصرف و با احدی از نمایندگان داخل مذاکره و راضی نشدم که خود را بهر طریق و هر وسیله‌ای بود وارد مجلس نمایم و بخود اینطور گفتم: حالا که سن من کم است برایم محال است که معلومات بیشتری پیدا کنم و به مملکت بهتر خدمت نمایم این بود که سالها از وطن دور و با اینکه بکرات ناخوش بودم بدرجه دکترای حقوق رسیدم، هم‌چنانکه خود آقای تدین هم در کبر سن دکتر ادبیات شدند و من نمی‌دانستم از اینکه به مجلس نرفتم و بر معلومات خود افزودم چه ایرادی بمن وارد است.

دو ماه بعد از کودتا از خاک فارس به چهارمحال بختیاری رفتم و در آنجا بودم تا اینکه مؤسس کودتا از ایران رفت و دولت قوام‌السلطنه تشکیل شد و بدون مراجعه به من، برای پست وزارت مالیه به شاه معرفی شدم.

تلگراف آقای قوام‌السلطنه که در چهارمحال رسید، به تهران آمدم و چون پیشنهاد ایشان صمیمانه نبود از قبول کار امتناع نمودم. زیرا آرمیتاژ اسمیت مستشار انگلیسی طبق قرارداد در آن وزارتخانه بود و من که با قرارداد مخالف بودم چه‌طور ممکن بود با ایشان همکاری نمایم؟

آرمیتاژ اسمیت یکی از شخصیتها و اشخاصی بود که من کمتر کسی را مثل ایشان دیده بودم ولی حفظ اصول و پرنسیپ مقدم به دوستی و رضایت اشخاص است.

چون آقای قوام‌السلطنه مایوس شدند که من وزارت مالیه را قبول کنم روزی به هیئت وزراء دعوت نمودند و با حضور وزیر جنگ و سایر وزراء اظهار نمودند که وزارت جنگ محتاج پول و خزانه دولت تهی است چنانچه کار بدین منوال بگذرد رشته انتظامات گسیخته می‌شود نظر دولت این است که اوراقی به نام اسناد خزانه چاپ و از مردم استقراضی شود، و چون مردم به شما اعتماد دارند اسناد خزانه را شما و آرمیتاژ اسمیت امضاء کنید تا به اطمینان شما دو نفر به

دولت قرض بدهند و امنیت عمومی مختل نشود.

من دریافتم که این پیشنهاد هم در سنخ همان پیشنهاد وزارت است. لذا بدون موافقت، از جلسه خارج شدم. مدتی گذشت و (آرمیتاژ اسمیت) رفت، البته او نرفت که مالیه در دست ایرانی باشد. بلکه مقصود این بود که یک ایرانی وارد کار شود و نگذارند اداره کند و بعد معلوم شود ایرانی نمی‌تواند کار کند مستشاری از دول دیگر بیاید.

با این حال وقتی که گروهی از طبقات مختلفه با من داخل مذاکره شدند و اصرار نمودند برای اینکه بعدها نگویند به واسطه امتناع من از قبول کار، مستشار آمد وارد کار شدم و آنچه را که در قدرت یک ایرانی بود کردم و ماده واحده پیشنهادی من این بود که مدت سه ماه تشکیلات وزارت مالیه را به معرض آزمایش قرار دهم و بعد لایحه تشکیلات جدید را پیشنهاد مجلس نمایم - دو ماه و پنج روز بیشتر نگذشت همین که سران اکثریت دیدند که در مدت قلیل سوابق هر یک از کارمندان وزارتی معلوم شده و اشخاصی که سوابق روشنی نداشتند در محاکمات جدید التاسیس محاکمه می‌شوند و عنقریب بودجه تعدیل و لایحه تشکیلات جدید در شرف پانویس است از حضور در جلسات مجلس طفره زدند و مرا در مقابل اعتراضات غیرموجه اقلیت بدون مدافع گذاشتند تا اینکه دولت سقوط کرد.

خلاصه اینکه اکثریت قریب به اتفاق نمایندگان با اصلاحات موافق نشدند و وقتی که مرحوم مشیرالدوله رئیس‌الوزراء برای ادامه اصلاحات مرا به همان سمت در جلسه خصوصی نمایندگان معرفی نمود، فریاد وانفسا طوری بلند شد که پیشنهادکننده را از نظر خود منصرف کرد. مرحوم مشیرالدوله می‌خواست که من پست دیگری قبول کنم چون خواهان اصلاحات بودم نه کار، از قبول هر پست دیگر خودداری کردم.

آقای تدین از اینکه مرا مغرض خطاب نموده‌اید گله‌مندم از روزی که من با شما آشنا شده و تا روزی که پرونده شما را مجلس به دیوان کشور ارجاع نمود با شما سابقه بدی نداشتم و کوچکترین سوء تفاهمی بین ما نبود البته در کار شما بی‌نظر نبودم زیرا صلاح مملکت را در این می‌دانستم که دیوان کشور به اتهاماتی که به شما نسبت داده‌اند رسیدگی و قضاوت کند.

از اینکه به من نسبت منفی داده‌اید متأسفم. به عقیده من هیئت حاکمه را به سه دسته می‌توان تقسیم کرد: منفی - مثبت و خادم صدیق.

منفی - آن کسی است که جرأت و جسارتش برای کار کم و طالب حسن شهرت هم می‌باشد از اوضاع طوری انتقاد می‌کند که به هیچکس برنخورد و از قبول هرکاری که در عمل کوچکترین لطمه به حیثیات ظاهری او وارد کند خودداری می‌کند.

خلاصه این که هیچ ناسزایی را برای خدمت به مملکت قبول نکند و چون قدر متیقن این است که منفی‌یاف دزد و خیانتکار نیست و کسی از او متضرر نمی‌شود مردم همه با او موافق و از رویه او همگی تحسین می‌کنند.

مثبت کسی است که در هیئت حاکمه بسیار مؤثر و از قبول هر کاری چه خوب و چه بد برای تأمین مصالح و نظریات خود مضایقه نکند این دسته اشخاص چون نظریات شخصی دارند همه با هم متفق و صنف خود را حفظ می‌کنند و برای پیشرفت مقصود با هر نیک و بدی می‌سازند و چون معتقد به اصول نیستند هیچ وقت مواجه با مشکلات نمی‌شوند.

خادم صدیق - بین این دو دسته کسانی هستند که از نظر مصالح عمومی خود را مواجه با هر مشکلی می‌کنند و از هیچ ناسزا و بدی حتی ضرب و شتم و مرگ باک ندارند که این دسته را باید خادمان صدیق گفت. حال بسته به تشخیص جامعه است که با ملاحظه به سوابق اشخاص هرکس که با یکی از این سه دسته تطبیق می‌کند در محل خود بشناسند.

آقای تدین! من هیچ وقت دنبال کار نرفته‌ام زیرا هرکس که داوطلب باشد محتاج به مساعدت است و کمتر کسی است که از نظر مصالح مملکت با داوطلب مساعدت کند. به من هر وقت کاری تکلیف شده اگر از روی صمیمیت بوده از قبول آن خودداری ننموده‌ام. مدت ۱۴ ماه اوقاتی که مالیه مملکت پول و دولت قدرت نداشت معاون وزارت مالیه بودم. در آن زمان که هیچ‌کس در این مملکت اسم محاکمه نشنیده بود عده‌ای از رؤسای آن وزارتخانه را محاکمه و محکوم کردم. بر حسب تصادف در شمال و جنوب مملکت والی شدم و اهالی شهادت می‌دهند که تا چه اندازه در خیر آنها کوشیده‌ام.

و باز بر حسب تصادف وزیر مالیه و وزیر خارجه شدم همه می‌دانند که برای اصلاح وزارت مالیه و تعدیل بودجه به تمام طبقاتی که از حقوقشان کسر می‌شد مبارزه کرده و چقدر از متضررین و مخالفین اصلاحات بد و ناسزا شنیده‌ام.

من در وکالت پنجم و ششم تقنینیه در بعضی از نطق‌های خود خطر کشته شدن را حس کرده‌ام. من در تمام دوره ۱۴ با هر سیاستی که می‌خواست به حقوق این مملکت تجاوز کند مخالفت کرده و موفق هم شده‌ام.

آقای تدین! در دوره ۱۴ نهایت جدیت را نمودم که از فترت جلوگیری شود ولی موفق نشدم و فترت سبب شد که کار سوء استفاده و دخالت در انتخابات به جایی برسد که چندی قبل که شما را در یک مجلس ترحیم دیدم شرمند شوم ولی از اینکه اکثریت دادگاه شما را تبرئه نمود و به یک تیر دو نشان زد بسی متأثرم. از یک طرف خلافتکاری تشویق گردید که هرکس بتواند عناصری را موافق میل و احتیاج خود نماینده ملت کند و حق حاکمیت ملت را پایمال نماید و نیز هر غارت و چپاولی که بخواهد از دارایی مملکت و مردم بکند و از بازخواست پروا نکند و از طرف دیگر مردم از این دموکراسی و آزادی مأیوس شوند که زمینه برای ایجاد دیکتاتوری تهیه و فراهم شود در عین حال جای خوشوقتی است که عناصری بودند ولو اینکه در که حق و عدالت و مصالح اجتماعی را بر همه کس و همه چیز ترجیح دهند.

دکتر محمد مصدق

۷۵

نامه دکتر مصدق به روزنامه مظفر

اداره روزنامه محترم مظفر

در شماره ۹۶ چهارم دیماه روزنامه محترم ایران ما آگهی بدون امضائی راجع به نظریات این جانب در تعقیب جناب آقای قوام السلطنه و وعده توضیحات بیشتری در شماره هفتم مجله ترقی ملاحظه شد. حقیقت امر این است:

آقای احتشامی مخبر روزنامه اطلاعات و مجله ترقی با تلفن برای عیادت وقت خواستند و دستور دکتر معالج را هم که منع از حرف زدن و بدیوار نصب شده دیدند چنانچه از طرف این جانب مطالبی در جرائد منتشر کنند جعل محض و قویاً تکذیب می‌نمایم، خواهشمندم این نامه را در اولین شماره آن روزنامه محترم درج فرمائید که موجب تشکر است.

دکتر محمد مصدق

۷۶

نامه دکتر مصدق به دادسرای تهران

۱۳۲۶/۱۲/۲۹

دادسرای شهرستان تهران - شماره ۱۵۱۲۴ مورخ ۲۶/۱۲/۲۷

موقعی که دادسرا قیومیت ژینت فرزند صغیر مرحوم محمد مسعود را به این جانب تکلیف نمود، طبق اظهار مطلعین و دوستان نزدیک آن مرحوم ورثه‌اش منحصر به دختری چهارساله بنام ژینت است که آن مرحوم در کودکستان ایتالیائی گذارده و ماهیانه او را پرداخته است و ضمن مطالعه پرونده نصب قیم که آقای واصف دادیار دادسرای تهران برای ملاحظه سوابق و اوراق مربوطه ارائه نمودند. عین نامه اداره کل ثبت احوال حاوی رونوشت نامه دفتر ثبت احوال تهران و دو نسخه اظهارنامه پوران دیده شد که اظهارات مطلعین را به دلائل زیر تائید می‌کند:

اولاً - پوران در سال ۱۳۱۴ متولد شده و طبق اظهارنامه سال ۱۳۲۰ شناسنامه نداشته و با الزام قانونی پدر در گرفتن شناسنامه برای فرزند هیچ دلیلی مشاهده نشد که چرا مدت شش سال بدون شناسنامه بوده است.

ثانیاً - با اینکه مرحوم مسعود در آن وقت در ایران بوده چرا اظهارنامه را امضاء ننموده و مادر امضاء کرده است.

ثالثاً - در اظهارنامه که رونوشت آن ملاحظه شد مصرح است که پدر پوران مسعود قمی

است، در صورتیکه مدیر روزنامه مرد امروز که در بهمن‌ماه گذشته به قتل رسید و پوران خانم ادعای وراثت او را می‌کند (محمد مسعود) می‌باشد. چون طبق مندرجات روزنامه اطلاعات شماره روز قبل و تحقیقاتی که از صحت این خبر بعمل آمده معلوم شد که دادگاه شهرستان تهران آقای ساسان خواجه نصیری را به قیمومت پوران مسعود قمی نصب نموده و اداره ثبت احوال هم شناسنامه جدیدی با تصریح پدر (محمد مسعود) صادر گردید به قیم داده است و بدون هیچ‌گونه تحقیق از مطلعین و دفاع این جانب از حقوق ژینت صغیره نصف ماترک مرحوم مسعود را تفکیک کرده‌اند.

تصدیق می‌فرمائید که با این طرز کار در ادارات دولتی این جانب نمی‌توانم مسئولیتی را قبول کرده به آخر برسانم و بناچار بدین وسیله از قیمومت ژینت فرزند مسلم مرحوم مسعود موضوع نامه شماره ۸۲۰۴۱ - ۲۶/۱۲/۱۷ دادرای تهران استعفا می‌دهم. البته آقای واصف گزارش داده اند که پس از وصول نامه فوق الذکر بدون فوت وقت به تحویل اموال مقتول در خانه مسکونی و اداره روزنامه مبادرت شده و چون حفظ اثاث البیت در خانه‌ای که خارج از آبادی است بسیار مشکل و خانه هم می‌بایست به صلاح صغیره اجاره داده شود و حمل اموال و حفاظت آن‌ها هم در محل دیگر مستلزم خروج و تفریط بود آگهی حراج اثاث البیت با اطلاع دادرای داده شده و این جانب مسئول که قیمت کلیه اشیائی که به معرض حراج گذارده شده و موجود است با اطلاع و استحضار دادرای به قیم جدید تحویل دهم.

دکتر محمد مصدق

۷۷

نامه دکتر مصدق به ناصر نجمی

۱۷ آبان ماه ۱۳۲۷

قربانت شوم [؛] موقعی که عزم رفتن ده دارم کتاب مرحمتی رسید و از اهداء آن به خودم که هیچ‌گونه شایسته و لیاقت آن را ندارم متشکرم. آن را با خود می‌برم و از مطالعه آن مستفیض خواهم شد و از خدای متعال مسئلت می‌نمایم که شما جوانان حساس و وطن‌پرست را به خدمت میهن کامیاب و موفق بدارد [.] درد بسیار است و طیب نیست [،] باشد که از بین شما کسی بتواند کشتی بلادیده ما را به ساحل نجات رساند [.] بیش از این مصدّع نمی‌شوم و بقیه تشکرات قلبی و صمیمی خود را موکول به مراجعت به شهر و زمان تشریف محول می‌نمایم و در خاتمه سلامت وجود محترم را خواهانم [.]

ارادتمند - دکتر محمد مصدق

نامه دکتر مصدق به حسین مکی

۱۰ بهمن ماه ۱۳۲۷

جناب آقای مکی نماینده محترم مجلس شورای ملی

گرچه بعد از تحصن در دربار و شکست ملت ایران در انتخابات دوره پانزدهم اینجانب سکوت اختیار کرده و کوچکترین دخالتی در امور سیاسی نداشته و حتی از حضور در اجتماعات هم خودداری کرده‌ام ولی در مورد استیضاح جناب آقای اسکندری که یک قضیه حیاتی است نمی‌توانم مرقومه جنابعالی را بلاجواب گذاشته و از اظهار عقیده خودداری نمایم. زیرا سکوت سبب می‌شود که مردم تصور کنند اینجانب هواخواه سیاست یک طرفی می‌باشم، در صورتی که ایرانی به دنیا آمده و ایرانی از دنیا می‌روم و به هیچ یک از سیاستها بستگی ندارم. یکی از مزایای دموکراسی آن است که مردم بتوانند به‌طور آزاد اظهار عقیده کنند. متأسفانه هریک از طبقات و صنوف مختلفه کشور را به جهاتی دعوت به سکوت می‌نمایند. از قبیل اینکه دانشجویان فقط درس بخوانند و کشاورزان مشغول زراعت باشند، وکیل در مجلس حرف نزنند و جار و جنجال ننمایند و احزاب سیاسی هم فقط افراد خود را وارد ادارات کنند و گاهی هم برای [اینکه] مردم اغفال شوند و نگویند احزابی در مملکت نیست، در یکی از موضوعاتی که در دانشکده‌ها درس می‌دهند و در روزنامه‌ها می‌نویسند سخنرانی نمایند و صحنه سیاست ایران را برای آن دسته از مردمی که خادم اجنبی هستند قرق نموده تا آنها بتوانند از عهده انجام وظایف خود برآیند.

من از خود شما می‌پرسم اگر در مجلس مذاکراتی که به جار و جنجال تعبیر می‌شود نشده بود جناب آقای تقی‌زاده حاضر می‌شدند خیانت عظیمی را که در دوره دیکتاتوری به میهن عزیز ما شده بود فاش نمایند؟ ایشان از ابتدای این دوره هزارها کلام حرف در مجلس زدند ولی نخواستند یک کلام راجع به بیانات من در مجلس ۱۴ اظهار نمایند، چرا؟ برای اینکه دکتر مصدق مرده بود و دستش از میز خطابه به مجلس کوتاه است، البته با مرده کسی بهتر از این رفتار نمی‌کند. کما اینکه ملت ایران را هم بواسطه روش نامطلوبی که اتخاذ کرده ملت زنده نمی‌دانند. سکوت در چنین موقعی در حکم این است که اثاث خانه‌ای را ببرند و صاحب آن منتظر عسس باشد [!] اگر ما عسس داشتیم چرا اوضاع ما به این صورت درمی‌آمد؟

آقایانی که در مجلس شورای ملی اقلیت متشکست دارید، سکوت نکنید که بر خلاف مصالح ایران است و هیچ فرقی بین این سکوت و رایی که مجلس برای تمديد داد نمی‌باشد، پس از سکوت:

گر تضرع کنید و گر فریاد دزد زر باز پس نخواهد داد

به دولت رأی منفی بدهید و ثابت کنید که شما نماینده افکار ملت ایرانید. برای اینکه جناب آقای ساعد نخست‌وزیر ناخوشند و باعث خون حق و یا ناحقی نشوید اگر بعضی نمایندگان که دعوت به سکوت می‌کنند سوء نیت ندارند با آنها موافقت کنید که دولت در مجلس علنی بیانات صادقانه جناب آقای تقی‌زاده را تصدیق کنند و جناب آقای اسکندری هم استیضاح خود را مسترد نمایند تا دولت بتواند راه حلی در مصالح ایران به دست آورده و پس از اظهار در جلسه خصوصی و موافقت نمایندگان تصمیمی که لازم است اتخاذ نمایند.

دکتر محمد مصدق

۷۹

نامه دکتر مصدق در جواب به نامه سلطان‌العلمای زنجان

۲۵ بهمن ماه ۱۳۲۷

به عرض عالی می‌رساند[:] مرقومه محترمه شرف وصول داد و موجب بسی امتنان و تشکر گردید خواهانم که هرکجا تشریف دارید همیشه سلامت و خوش باشید. از تشریف‌فرمایی به زنجان هیچ اطلاعی نداشتم و مخصوصاً می‌خواستم روزی در محل اقامت در شهر تهران تشریف حاصل کنم. از اینکه موقع حرکت سعادت زیارت دست نداد بسیار متأسفم و جبران مافات را خواهانم. البته باز تهران تشریف خواهید آورد و چشم دوستان به زیارت خود روشن خواهید فرمود.

استفسار از حال ارادتمند فرموده‌اند، غالباً دچار کسالت هستم و از اینکه عمر به بطلالت می‌گذرد متأثرم. دیگر بیش از این مصدع اوقات محترم نمی‌شوم و در خاتمه ارادت دیرینه خود را تجدید می‌نمایم و مژده اخبار صحت و سلامت وجود عالی را همیشه انتظار دارم.

[امضاء] دکتر محمد مصدق

[رقم ظهر پاکت]

زنجان

خدمت ذی‌شرافت آقای سلطان‌العلماء ادام الله بقاءه مشرف گردد.

دکتر محمد مصدق

تهران

۸۰

نامه دکتر مصدق به نمایندگان دوره پانزدهم توسط حسین مکی

صبح پنجشنبه ۳۰ تیرماه ۱۳۲۸

آقایان نمایندگان دوره پانزدهم

شما که به استناد قانون این جانب قرارداد «قوام - سادچیکف» را رد کردید حق این بود که در

موقع شور قرارداد «ساعد - گس» مرا بعنوان یک عضو مشاور در کمیسیونها دعوت می‌کردید تا نظریات خود را اظهار و ثابت کنم که ضرر قرارداد داری از نظر مدت برای این ملت هزار درجه کمتر است. این کار را نتوانستید بکنید گله هم ندارم در صورتی که باید بگذرد اگر می‌توانید درباره ماده واحده توضیح دهید که شش شیلینگ حق الامتیاز لیره طلاست که به نرخ روز لیره کاغذی پرداخته می‌شود یا کلاه کاغذی است. چون از مضمون نامه آقای هژیر وزیر مالیه وقت و وزیر دربار فعلی به کمپانی که جزو اسرار اداری است اطلاع ندارم و فعل و انفعالهائی هم تا ۱۹۳۶ بین وزارت مالیه و کمپانی شد که قرارداد الحاقیه در این باب سکوت کرده است، بدا به حال شما اگر از درج این توضیح هم خودداری کنید.

دکتر محمد مصدق

۸۱

نامه دکتر مصدق به حسین مکی

قربانت گردم [.] نامه را تقدیم می‌کنم خوب است قبل از اینکه نمایندگان از نیات حضرت عالی عصبانی شده باشند و بخواهند تلافی آن را بر این نامه درآورند نامه را در اول نطق خودتان قرائت فرمائید و اسمی هم از بنده نبرید فقط بفرمائید تشکری از آقایان نمایندگان توسط من شده که اگر اجازه می‌فرمائید چون خیلی مختصر است بخوانم البته اجازه خواهند داد اگر نامه قرائت شد در آخر نطق با تلفن به بنده خواهید فرمود، چنانچه لازم هم نیست آن را بعد به بنده لطف خواهید فرمود [.]

۸۲

نامه دکتر مصدق به حسین مکی

شنبه اول مرداد ۱۳۲۸

جناب آقای حسین مکی نماینده محترم

تشکرات بی‌پایان مرا به آقایان نمایندگان که موقع خواندن نامه من در مجلس احساسات خود را ابراز کرده‌اند تقدیم کنید امیدوارم که سایر آقایان نمایندگان نیز به آنها تاسی کنند و قرارداد باطل دوره دیکتاتوری را با تصویب لایحه دولت ساعد برای خنثی بعضی چیزها تنفیذ نمایند [.] بزرگترین مظالم آن دوره به ملت ایران همین قرارداد است که آقای تقی‌زاده امضاءکننده بر بطلان آن اعتراف نمود و چون این قرارداد قادر نیست با افکاری که امروز دنیا دارد ۴۴ سال دیگر ملت ایران را از حق خود محروم کند این است که کمپانی داوطلب قرارداد جدید شده و می‌خواهد بوسیله چند ملیون لیره از مجلس پانزدهم امضاء بگیرد [.] کجا هستند فرزندان دلاور و غیور ایران که ببینند در این روزهای تاریخی آنهایی که همیشه در روزنامه‌ها از ملت دفاع

می‌کردند در نتیجه وقایع اخیر و حبس و محکومیت قلم را شکسته‌اند و در مجلس هم فقط چند نفر با این قرارداد منحوس مبارزه می‌کنند. نام شما ای نمایندگان مدافع وطن در تاریخ ایران جاودان است.

فدائی بازنشسته - دکتر محمد مصدق

۸۳

یادداشت دکتر مصدق به اداره روزنامه شاهد بضمیمه نامه به مدیر روزنامه طلوع

اداره روزنامه محترم شاهد

رونوشت نامه‌ای که به آقای مدیر محترم روزنامه طلوع نوشته‌ام ارسال می‌شود که اگر مقتضی بدانند در آن جریده شریفه درج شود.
جناب آقای مدیر محترم روزنامه طلوع!

شرحی که راجع به بیانات این جانب در جلسه مصاحبه مطبوعاتی ۴ شنبه ۲۳ شهریورماه زیر عنوان «شاه نوعی یعنی چه» در آن جریده شماره ۴۲ درج فرموده‌اید ملاحظه و موجب کمال تأسف گردید که نویسنده بیان ساده این جانب را شاید از روی عدم توجه، سوء تعبیر کرده است. حاجت به توضیح نیست که قوانین اساسی برای نسلهای متوالی و دوران ممتد و مدید، نوشته می‌شود و منظور این جانب از شاه نوعی این بوده که قانون‌گذارانی که می‌خواهند به شاه این مملکت اختیار بستن مجلس را بدهند نباید فقط حسن‌نیت و پاک‌دلی پادشاه زمان خود را ملاک و مأخذ استحقاق چنین اختیارات وسیعی قرار دهند، بلکه باید فکر کنند که این اختیار در ایامی که پادشاه عصر، فاقد فضیلت اخلاقی باشد مبادا زیان و محدودیتی متوجه آزادی و مشروطیت کند.

در بیانات این جانب اگر دقت شود جمله‌های دیگر یافت می‌شود که نشان می‌دهد مصاحبه این جانب نسبت به مقام سلطنت از حدود ادب خارج نبوده و در این امر، جز انجام وظیفه ملی و اجتماعی، منظور و محرکی وجود نداشته است.

۸۴

نامه دکتر مصدق به انجمن مرکزی^۳

ریاست محترم انجمن نظارت انتخابات دوره شانزدهم [!] مرقومه جوابیه شماره ۲۳ مورخ

^۳ ساعت ۵ بعدازظهر دیروز [۱۵ مهر ۱۳۲۸] نامه زیر از طرف جناب آقای دکتر مصدق السلطنه در پاسخ انجمن نظارت انتخابات تهران ارسال شده است.

۲۴ جاری آن ریاست محترم واصل گردید، هیئت متحصنین نمی‌خواهند بیش از این در طرز اجرای قانون انتخابات و اعمال نفوذی که از طرف بعضی از ادارات دولتی و بنگاه‌هایی که تحت نفوذ دولت هستند نسبت به انتخابات این دوره شده است قلم‌فرسایی کنند.

حقایق چیزی نیست که بتوان آنرا کتمان نمود و ملت ایران باهوش‌تر از این است که حق را از باطل تمیز ندهد. بنابراین هیئت متحصنین قضاوت در موضوع را به عهده اشخاصی محول می‌کنند که غیر از خیر مملکت و صلاح مردم نظری ندارند.

از طرف هیئت متحصنین دکتر محمد مصدق

۸۵

نامه دکتر مصدق درباره انتخابات مجلس سنا

[رونوشت به مدیر روزنامه اطلاعات]

اجازه می‌خواهم قبلاً گله دوستانه‌ای از جنابعالی بکنم و بعد نظریات خود را در خصوص سؤال روزنامه اطلاعات که در شماره ۷۰۴۶ مورخ دهم مهرماه فرموده‌اید عرض نمایم. گله‌مندی نامه‌ای که روزهای آخر دوره ۱۵ تقنینه در خصوص لایحه نفت که در مجلس مطرح بود به جناب آقای ساعد نخست‌وزیر نوشتم و تقاضای درج آن را نمودم در روزنامه اطلاعات درج نشد، بیش از این عرض ندارم و داخل در جواب سؤال می‌شوم و برای این که خوانندگان محترم از مراجعه به شماره فوق مستغنی شوند متن سؤال را در این جا نقل می‌نمایم:

«موضوعی که مورد اختلاف نظر بود این بود که آیا افرادی که به سناتوری شهرستانها انتخاب شده و می‌شوند و در صورت ۷۵ نفری هستند آیا می‌توانند در دادن رأی به سناتورهای تهران شرکت کنند یا نه؟ طبق تحقیقاتی که از طرف این اداره شده و با مقامات مسئول تماس گرفته شده و با مراجعه به مراجع قضایی و مطالعه قانون و آیین‌نامه انتخابات چنین مستفاد شده است که شرکت اشخاصی که به سناتوری از شهرستانها انتخاب شده‌اند در حوزه مرکزی مانعی ندارد و می‌توانند رأی بدهند الی آخر».

از تنظیم ماده ۱۶ قانون انتخابات سنا مقصود دولت این بود که مأمورین نوشتن آراء در هر ورقه‌ای اسم ۷۵ نفر را بنویسند تا نتیجه این بشود غیر از اشخاصی که دولت در نظر داشت کسی انتخاب نشود و چون نوشتن اسم ۷۵ نفر در اوراق سهل نبود و نویسندگان عده‌ای را کمتر از این نوشتند نتیجه مطلوبه حاصل نشد و اشخاص دیگری برخلاف نظر دولت جزو منتخبین درجه اول انتخاب شدند و اکنون دولت نگران است و بیم دارد که بعضی از منتخبین ۷۵ نفری بخواهند حیثیاتی که در یک عمر تحصیل کرده حفظ کنند و شخصیت خود را برای اشخاص مورد توجه دولت از دست ندهند، این است که دولت می‌خواهد فقدان آراء این عده از منتخبین درجه اول را بدعوت اشخاصی که در تهران انتخاب شده و در ولایات هم در انتخابات درجه ۲ سناتور

شده‌اند جبران نمایند. ای کاش روزنامه اطلاعات می‌گفت چه اشخاصی قانون انتخابات را این‌طور تفسیر می‌کنند که سناتورهای ولایات در انتخابات درجه ۲ تهران هم می‌توانند شرکت کنند و هم‌چنین نام آن کسانی را که معتقدند این عده سناتورها حق دارند در ولایات و تهران هر دو رأی بدهند فاش می‌نمود تا مردم بدانند که در رأس بعضی از مراجع قضائی یا اداری ما چه اشخاص متملق و مغرض واقع شده‌اند.

مطلعین به قوانین بین‌المللی می‌دانند که در هیچ کجا معمول نیست که در انتخابات یک دوره تقنینه خواه مربوط به مجلس شورای ملی باشد یا به مجلس سنا یک نفر بتواند بیش از یک مرتبه رأی بدهد، در این مملکت غیر از بدو مشروطیت تاکنون چنین عملی برطبق قانون واقع نشده و برای استناد به گفته خود موادی که در قوانین انتخابات منسوخه و مجریه ما تصویب شده از نظر خوانندگان می‌گذرانم. ماده هفتم نظامنامه انتخابات اصنافی سال ۱۳۲۴ قمری هجری از این قرار است: (هریک از انتخاب‌کنندگان صاحب یک رأی می‌باشند و فقط در یک طبقه می‌توانند رأی بدهند) این ماده که منسوخه است اجازه نداده که افراد یکی از طبقات در طبقه خود و طبقه دیگر هر دو رأی بدهد و ماده ۱۶ نظامنامه انتخابات مجلس شورای ملی مورخ سال ۱۳۲۷ قمری بدین قرار تنظیم شده:

(هریک از انتخاب‌کنندگان زیاده بر یک مرتبه حق رأی دادن ندارند مگر در صورتیکه تجدید انتخاب لازم شود) که ماده مزبور در قانون سال ۱۳۲۹ قمری ذیل عدد ۱۹ بدون تغییر در مجلس دوم تصویب شده و موقع تجدیدنظر در دوره پنجم تقنینیه بهمان حال ذیل عدد ۷ باقی مانده است.

هرگاه اسامی اشخاصی را که به تلقین محافل دولتی آنها را برای سناتوری تهران نامزد کرده و در انتخابات به آنها کمک نموده‌اند و در روزنامه اطلاعات شماره ۷۰۰۳ مورخ ۲۲ مرداد مندرج است با اسامی اشخاصی که در تهران انتخاب شده‌اند و روزنامه اطلاعات ۷۰۲۹ مورخ ۲۱ شهریور درج شده مطابقت کنیم معلوم می‌شود متجاوز از ۲۰ نفر برخلاف نظر دولت انتخاب شده‌اند که ممکن است دولت بگوید آیا این اشخاص بهترند یا آنهایی که من کاندید کرده و یا با کمک من انتخاب شده‌اند.

شک نیست که در بین هر دو دسته اشخاص خوب و بد هر دو یافت می‌شوند ولی آن چیزی که در اعمال وکیل بیشتر مؤثر است خوبی وکیل نیست بلکه طرز انتخاب اوست. به عقیده من اگر مردم افراد بدی را هم از روی اغفال انتخاب کنند چون خود را خادم و محتاج به مردم می‌دانند به مردم خدمت می‌کنند و برعکس اگر احیاناً دولت اشخاص خوبی انتخاب نمود و قبول هم کردند ممکن است در فروع مطالب که ضروری به دستگاه دولت نرسد از میل و افکار مردم تبعیت کنند ولی در اصول معینی آنجائی که یک قضیه حیاتی به ضرر جامعه پیش بیاید بخدا قسم نمی‌تواند از اجراء امر دولت تخلف کند و به همین دلیل بود که مرحومان مشیرالدوله و

مستوفی‌الممالک و مؤتمن‌الملک را که برای نمایندگی دوره ۷ تقنینیه دولت انتخاب نمود از قبول امر دولت سر زدند [.] رحمت‌الله علیهم اجمعین.

دکتر محمد مصدق

۸۶

یادداشت ارسالی دکتر مصدق به روزنامه اطلاعات به ضمیمه نامه به شاه

اداره روزنامه اطلاعات

خراشمندم رونوشت عریضه سرگشاده‌ای که به پیشگاه اعلیحضرت همایون شاهنشاهی عرض شده در آن جریده شریفه درج بفرمائید.

دکتر محمد مصدق

متن نامه دکتر مصدق به شاه

جمعه ۲۲ مهر ۱۳۲۸

پیشگاه اعلیحضرت همایون شاهنشاهی

سوء جریان انتخابات دوره شانزدهم و مداخلات نامشروع مأمورین و مقامات ذی‌نفوذ از نظر شاهانه پنهان نیست به طوری که مکرر ابراز عدم رضایت شده و اوامر اکید دائر بر رعایت آزادی انتخابات صادر فرموده‌اند. با کمال تأسف باید اذعان کرد که تاکنون به صدها تلگراف و عرایض شکایتی که از طراف و اکناف مملکت به مراجع مسئول کشور رسیده کمترین توجهی از طرف اولیای امور مبذول نگردیده و از شدت آن مداخلات به هیچ وجه کاسته نشده است.

از این نظر در تمام شهرستان‌ها و هم‌چنین در پایتخت یک نوع نگرانی در افکار عمومی بوجود آمده و عدم رضایت عامه را فراهم نموده است که علاوه بر تضییع حقوق جامعه باعث وخامت اوضاع و حدوث وقایع غیرمترقبه و بروز مفاسد خواهد بود.

برای مردمی که مورد تجاوز و تعدی قرار گرفته و می‌گیرند جز توسل به ذات مبارک شاهنشاهی ملجا و پناهی نیست و به همین جهت امروز نمایندگان قاطبه اهالی پایتخت به عنوان اعتراض بر مفاسد انتخابات تصمیم بر تحصن در دربار شاهنشاهی را نموده‌اند.

از پیشگاه همایونی استدعا دارند که با توجه به انتخابات شهرستان‌های دور و نزدیک خصوصاً نقاط مرزی کشور که از نظر استقلال و وحدت ملی مورد کمال اهمیت است بذل عنایت فرمایند که حقوق از دست رفته مردم به آن‌ها بازگردد و انتخاباتی که با تهدید و تطمیع و اعمال نفوذ و غیرقانونی صورت گرفته است از اعتبار ساقط شود.

این کار میسر نخواهد شد مگر اینکه یک هیئت مورد احترام و توجه افکار عمومی زمام امور را در دست گیرد و مسئول صحت انتخابات باشد و مخصوصاً وزارت کشور را یکی از رجال

مجرّب و کارآزموده و صالح که طرف اطمینان عامه است عهده‌دار شود تا سوء جریان کنونی برطرف گردیده و تسکین در افکار متشنج مردم داده شود.

فساد انتخابات در شهرستان‌ها به حدی رسیده که مردم از فشار مأمورین و زجر و ضرب و جرح دسته دسته به تهران مهاجرت می‌کنند یا در تلگراف‌خانه‌های محل یا اماکن مقدسه به حالت تحصن بسر می‌برند. در تهران انتشار لیست معین منتسب به دستگاههای دولتی سبب شده که افراد خوشنام از عضویت انجمن اصلی و انجمن‌های فرعی مستعفی شده و یأس و نومیدی کامل بر تمام طبقات ملت مستولی شده است.

مقدمات انتخابات تهران طوری نیست که بتواند اعتماد و اطمینان عامه را بخود جلب کند زیرا جمع‌آوری شناسنامه‌های مجعول و بی‌صاحب برای صدور کارتهای کارگری و فشار به کسبه و تهدید و تطمیع آنها از طرف بنگاهها و اداره‌های دولتی و شهرداری و شهربانی برای انتخاب افراد و اشخاص معینی است که در اکثر جراید پایتخت لیست واحد این مقامات انتشار پیدا کرده است و حتی انجمن نظارت انتخابات نیز بوجود این صحنه‌سازیه‌ها تلویحاً اعتراف نموده است.

فدوی بنام جماعتی که برای عرض شکایت قصد تحصن دارند این عریضه را که به منزله فهرستی از درخواستهای آنان است پیشگاه همایونی تقدیم و استجازه می‌طلبد که تا صدور او امر موکده و اخذ نتیجه به حال تحصن دربار اعلیحضرت همایون شاهنشاهی باقی بمانیم.

دکتر محمد مصدق

نامه دکتر مصدق به انجمن نظارت انتخابات تهران

جناب آقای سید محمد صادق طباطبایی رئیس انجمن اصلی نظارت انتخابات تهران هیئت متحصنین که از افراد ملت ایران‌اند از زحماتی که برای انجمن تحمل فرموده‌اید متشکرند، ولی نسبت به جریان امر انتخابات اعتراضات و نظریاتی دارند که ذیلاً شرح داده می‌شود و از جنابعالی که سوابق آزادی‌خواهی دارید انتظار دارند که به اعتراضات مزبور توجه فرموده و موجبات نگرانی را رفع نمایند:

۱- اظهار تلویحی جنابعالی در مصاحبه مطبوعاتی منتشره در روزنامه اطلاعات دو روز قبل دائر به اینکه از طرف بعضی مقامات لیستی به طبقاتی از مردم داده‌اند دلالت دارد بر مداخلات نامشروع دستگاههای دولت در امر انتخابات.

۲- با آنکه تصمیم گرفته شده بود فقط شناسنامه با عکس قبول شود عدول از این تصمیم و قبول کارت کارگری موجب نداشتن و باعث نگرانی شده‌است و این اجازه که به طور نامحدود به

عنوان کارگران داده شده با محروم کردن عده زیادی که شناسنامه عکس دار ندارند به هیچ چیز تلقی نمی‌شود جز مساعدت به کسانی که به عنوان کارت کارگری قصد سوءاستفاده دارند.

۳- چون فردا مقرر است انتخابات شروع شود هنوز مردم از اسامی اکثر اعضاء انجمن‌های فرعی بی‌اطلاع‌اند و فقط اسامی ۲۴ شعبه در روزنامه اطلاعات منتشر شده بعلاوه به عده زیادی کارت‌های دعوت نرسیده و بیش از ۲۸ نفر نیز استعفا داده‌اند و سایل اخذ رای، روز مقرر میسر نمی‌شود.

۴- در انجمن‌های فرعی اشخاص غیرمحلی انتخاب کرده‌اند از جمله یک سرهنگ بازنشسته برای ریاست یکی از انجمن‌های حومه معین شده که سایر اعضاء انجمن مزبور هم بدان اعتراض نموده‌اند.

۵- تصمیم انجمن به شروع اخذ آراء با وجود عدم تعیین بعضی از انجمن‌های فرعی ترتیبی است که بر خلاف قاعده و معمول شده است.

۶- با اطلاعی که انجمن دارد بعضی از رؤساء متنفذ ادارات شهربانی به مؤسسات حمل و نقل شهری برای رای دادن به نفع اشخاص معینی اظهار تمایل کرده‌اند به علاوه رؤساء بعضی از مؤسسات دولتی و بلدی نیز اشخاصی را که تحت نفوذ آنها هستند جمع‌آوری و دستورات مخصوص برای ریختن آراء داده‌اند.

۷- محل‌های بعضی از انجمن‌ها بدون ذکر علت تغییر داده شده و موجبات نگرانی را فراهم کرده‌است.

۸- نرخ بعضی از خطوط اتوبوس به مناسبت موافقت یا نظریات مأمورین مربوط تغییر داده شده و ایستگاه شمیران در نتیجه همین عمل به جای اول خود برگشته است.

۹- آقای شهردار تهران که معروف است تحت حمایت شماس است تا دیروز رسماً شهردار تهران بوده و در امر انتخابات کارمندان شهرداری با کسبه و اصناف در تماس بوده‌اند در جلسه انجمن محلی شمال شهر که چند هفته قبل در منزل آقای حریری طلوع تشکیل بود در حضور یک جمعیت ۵۰۰ نفری آقای عیسی بهزادی آقای دولت‌آبادی را با حضور خودشان کاندیدای تهران معرفی نمودند و در اغلب مجالس انتخاباتی آقای دولت‌آبادی از چند هفته به این طرف به عنوان کاندیدا حاضر شده و سخنرانی هم نموده‌اند.

آگهی‌های انتخاباتی مربوط به شهردار تهران را نیز مدتی قبل از استعفاء در مغازه‌ها و اتوبوس‌ها منتشر ساخته‌اند در صورتی که در دوره چهاردهم خود جنابعالی انتخابات تهران را برای مداخلات رئیس شهرداری و مدیر کل راه‌آهن تعطیل نمودید.

۱۰- طاهری فرماندار دماوند است و چون در دوره پانزدهم بخشدار لواسان بوده و در آراء آنجا خرابکاری نموده او را به عنوان بازرس لواسان تعیین کرده‌اند با اینکه هنوز سمت فرمانداری دماوند را دارد.

- ۱۱- عده زیادی از اعضاء اسکی و دخانیات و راه‌آهن در انجمن‌های فرعی گذاشته شده‌اند.
- ۱۲- یکی از اعضاء انجمن که ریاست کارگران را نیز دارد روی ابلاغ‌های صادره به نام اشخاص برای عضویت انجمن خط زده و اسم دیگری را که می‌خواسته نوشته‌است.
- ۱۳- انجمن اصلی اغلب از کاندیداهای انتخاباتی تشکیل شده (آقایان ضیاء طباطبایی - خسرو هدایت - علی اویسی) - آقایان احمد اخوان و بوشهری به کاشان و اهواز رفته‌اند. آیه‌الله غروی نیز مستعفی است و امور انجمن به وسیله آقایان خسرو هدایت و ضیاء طباطبایی و علی اویسی در حقیقت اداره می‌شود و با این کیفیت تشکیل انجمن‌های فرعی به نظر این اشخاص متضمن سوء جریان انتخابات خواهد بود.
- ۱۴- رئیس انجمن کشتارگاه آقای ابهری یکی از قضات دادگستری بوده ولی مرتضی طوسی را بدون علت بجای مشارالیه تعیین نموده‌اند و صورت مجلس اولی دایر به تعیین آقای ابهری از میان رفته‌است و مأمور خود شهرداری در کشتارگاه را معاون انجمن کرده‌اند.
- ۱۵- با اینکه شناسنامه‌های بلاصاحب و مجعول به تصدیق اداره آمار به تعداد زیادی وجود دارد تهیه کارتهای کارگری متعدد عکس‌دار کار آسانی است.
- علیهذا فقط کارت کارگری باید عبارت باشد که اداره دولتی مسئول کارخانه‌ای که کارگر در آنجا کار می‌کند آن را صادر نماید و به هیچ قسم کارت دیگری نباید اعتبار داده شود.
- ۱۶- برای اطمینان از جلوگیری از سوء جریان لازم است دو شعبه انجمن فرعی تخصیص به کارگران کارخانه‌های دولتی که دارای کارت به صورت فوق می‌باشند داده شود و در هر انجمن دفتری باشد که نام و شماره کارت و مشخصات کامل آن ذکر و ثبت گردد.
- ۱۷- نقل و انتقال رؤساء برزن‌ها به وسیله شهردار تهران که امروز استعفا نموده موجب نگرانی است.
- ۱۸- از ناحیه خود کارگراها اطلاع رسیده که شناسنامه‌های کارگرهای راه‌آهن خارج از حوزه تهران را جمع‌آوری نموده و به تهران فرستاده‌اند تا در موقع اخذ رأی مورد سوء استفاده قرار دهند. انجمن نظارت چه اقدامی برای جلوگیری از اینگونه آراء نموده‌است.
- ۱۹- به وسیله مؤسسات حمل و نقل اطلاع رسیده که اداره راهنمایی شهربانی کارت‌های سفید به عنوان کارت شاگرد رانندگی بین شرکت‌های اتوبوسرانی و شاگرد شوفرها پخش نموده (که نمونه آن در دست است) و دستور داده‌اند شاگردشوفرها با ۲ قطعه عکس در روز ۲ شنبه در اتحادیه رانندگان حاضر شوند.
- ۲۰- با آنکه به انجمن پیشنهاد شده بود که برای کنترل رای بهترین طریق که در امریکا هم معمول است آلوده نمودن انگشت یا کف دست به مرکب چین می‌باشد بکار برده شود معذالک با موجود بودن آن نوع مرکب در تهران و یا امکان تهیه آن از امریکا چرا انجمن از قبول این پیشنهاد خودداری و با ابتکار کارت کارگری حق رأی را از بسیاری از مردم ساقط کرده‌است؟

با توجه به جهات فوق که فعلاً به نظر رسید آیا شروع به اخذ آراء برای فردا در چنین وضعی منظور آزادی انتخابات و مشروطیت را تأمین می‌کند؟ امیدواریم جنابعالی توجه فرمایید که هرچه زودتر این نواقص مرتفع شده پس از رفع به طوری که در نظر دارید بزودی انتخابات شروع گردد.

۲۲ مهرماه ۱۳۲۸

از طرف هیئت متحصنین دربار دکتر محمد مصدق

۸۸

نامه دکتر مصدق به هژیر

جناب آقای هژیر وزیر دربار سلطنتی [!]

اوامر شاهانه مندرج در نامه شماره ۷۸۱۹ آن جناب به این جانب رسید و به آقایان متحصنین ابلاغ گردید. هیئت متحصن نسبت بانتخابات تهران بالاخص نظری ندارند و می‌دانند که مرجع شکایت بعد از خاتمه انتخابات مجلس شورای ملی است. ولی البته پادشاه منشاء عموم اصلاحات می‌باشند و غرض عمده از تحسن این بود که در این دوره فترت که تعیین نخست‌وزیر محتاج به تمایل مجلس نیست دولتی روی کار بیاورند که وجهه نظر خود را فقط حفظ مصالح سلطنت و ملت قرار دهد و در عصر چنین پادشاهی مملکت صاحب مجلسی شود که به اصلاحات اساسی قادر باشد و از فقر و بیچارگی مردم بکاهد و کشور را قرین آسایش و رفاهیت نماید. اگر فقر و بیچارگی مردم نتیجه اعمال هیئت‌های حاکمه نیست خوب است آن جناب بفرمایند علت بدبختی‌های این جامعه چیست؟ اکنون که درخواست ما مورد توجه و عطف و شاهانه قرار نگرفت به تحسن خاتمه می‌دهیم و سعادت مملکت را همیشه خواهیم.

دکتر محمد مصدق

۸۹

تکذیب دکتر مصدق در خصوص داوطلبی آیت‌الله غروی برای نمایندگی از بهبهان

آقای مدیر محترم روزنامه شریفه شاهد [!]

از تهران رونوشت تلگرافی راجع به داوطلبی حضرت آیت‌الله غروی از بهبهان برای نمایندگی مجلس شورای ملی به این جانب رسید که به کلی برخلاف حقیقت است؛ زیرا حضرت معظم‌له نه از بهبهان و نه از تهران هیچ‌کدام داوطلب نمایندگی دوره ۱۶ تقنینیه نیستند و بنابراین

خواهشمندم مراتب را در آن جریده شریفه تکذیب فرمائید.

دکتر محمد مصدق

۹۰

نامه دکتر مصدق به دکتر محمود مصدق

۲۹ مهرماه ۱۳۲۸ = ۲۱ اکتبر [۱۹۴۹]

قربان محمود عزیزم [۴] کاغذ اول اکتبر رسید و موجب خوشحالی من گردید. از اینکه حالت بحمدالله خوب است مشتکرم و از اینکه از اوضاع و هواناراضی هستی، چون هنوز عادت نکرده‌ای نمی‌توانم چیزی بنویسم. البته هوا و آفتاب ایران در انگلستان نیست ولی در عوض معلوماتی پیدا می‌کنی که به درد این مملکت بخوری و چندی هم که عادت بکنی دیگر خیلی ناگوار نخواهد بود و من یقین دارم که روز به روز به وضعیات آنجا انس خواهی گرفت. در خصوص رادیو هرچه معمول مدرسه باشد باید عمل کنی البته به یک دانش‌آموز نمی‌شود چیزی داد که دیگری از داشتن آن محروم باشد همه باید یک جور و یک طریق زندگی کنند و فرقی بین عده‌ای که در یک مدرسه زندگی می‌کنند نباشد، اگر این رویه معمول نشود پسر یک لردی ممکن است خیلی چیزها داشته باشد که تو نسبت بآنها بدیده حسرت بگیری.

باری بیش از این چه بنویسم، چون که تو بسیار عاقل و باهوشی و می‌دانم که هرچه بگویم قبول می‌کنی. از حال من بخواهی بقدری گرفتارم که حد ندارد اگر روزنامه‌ها را پاپولا^۳ برای بفرستد از جریان امور مستحضر می‌شوی، دیگر چه برای بنویسم که از کارت بی‌کار شوی، البته از اخبار خود همیشه برایم بنویس و مکاتبه سبب می‌شود که معلومات ایرانی را فراموش نکنی. خیلی دلم برای تنگ شده ولی تحصیل و تربیت از هر چیز برای مفیدتر است. قربان محمود جون عزیزم بروم.

پاپا

[مجدداً]

کاغذ دهم اکتبر هم رسیده است
آدرس تو را من این‌طور در ... خودم نوشتم اگر صحیح است همین‌طور باشد والا آن را اصلاح کنم.

Sutton - Surry England

اول اکتبر را این‌طور نوشته بودی اکتبر که من یازدهم خواندم.

۳ منظور دکتر غلامحسین مصدق است.

نامه دکتر مصدق به فرماندار نظامی تهران

احمدآباد، اول آذر ۲۸

تیمسار محترم آقای سرلشگر خسروانی، فرماندار نظامی تهران [۱]
 از چهاردهم آبان‌ماه که این‌جانب را از تهران به احمدآباد آورده‌اند و زیر نظر مأمورین
 کارآگاهی واقع شده‌ام، چون رژیمی برای زندگی این‌جانب تعیین نشده در حال بلاتکلیفی
 مانده‌ام، بدیهی است که مقصود از رژیم کلیه اعمالی است از مکاتبه و ملاقات که باید مطلقاً از
 آنها احتراز کنم. نظر به اینکه تولیت بیمارستان نجمیه با این‌جانب و امور زندگی خود را نیز باید
 اداره کنم، متمنی است مقررات حکومت نظامی را ابلاغ فرمائید تا کاری برخلاف آنها مرتکب
 نشوم. تبعیت این‌جانب از قانون به قدری است که حتی این‌نامه را نمی‌خواستم مستقیماً تقدیم
 کنم چون مأمورین کارآگاهی نخواستند واسطه ارسال آن شوند ناچار شدم که به وسیله قاصد از
 آن تیمسار محترم کسب تکلیف کنم.

دکتر محمد مصدق

نامه دکتر مصدق به دکتر محمود مصدق

احمدآباد نهم آذرماه ۱۳۲۸

قربان محمود عزیزم [۲] کاغذ ۱۹ نوامبر رسید و موجب نهایت خوشوقتی گردید.
 امیدوارم همیشه سلامت و خوش باشی و کار خود را تمام کنی و به درد مردم بخوری.
 آنچه را که نوشته‌ای تصدیق دارم و الحق خوب قضاوت کرده‌ای و من از اینکه متوجه تمام
 نکات هستی بسیار خوشوقتم. از حال من بخواهی عجالتاً بد نیستم و در احمدآباد
 می‌گذرانم تا خدا چه خواسته باشد و چه پیش آید. پاپولا هم هفته [ای] یک مرتبه سری
 به من می‌زند و جای تو بسیار خالی است. اینکه نوشته‌ای از من کاغذی نداری، هروقت که
 کاغذ تو رسیده است من بلاجواب نگذاشته‌ام و نمی‌دانم چرا نرسیده است، در صورتی
 که پاکت‌ها را خود خانم به پست می‌دهد. مامان ملک، حموش همگی هستند. دیگر بیش
 از این نمی‌نویسم و تو را از کارت باز نمی‌دارم و از دور تو را می‌بوسم و قربانت
 می‌روم.

پاپا

نامه دکتر مصدق به رئیس اداره کل شهربانی

احمدآباد، ۱۶ آذر ۱۳۲۸

تیمسار محترم سرلشگر زاهدی رئیس اداره کل شهربانی [!]
ساعت ۵ بعدازظهر امروز سرکار سروان احمدی برای بردن مأمورین کارآگاهی به احمدآباد آمده و حاضر نشدند که تقاضای این جانب را در خصوص ابقای آن‌ها مورد قبول قرار دهند. تا در شهر تهران حکومت نظامی برقرار است این جانب جرأت آمدن نمی‌کنم و علت اینست که بدون ذکر هیچ دلیل فرمانداری نظامی این جانب را از شهر تبعید و اکنون ۳۲ روز است که در این جا تحت مراقبت مأمورین کارآگاهی قرار داده است، با این حال این جانب توقف خود را در این جا به آمدن شهر ترجیح می‌دهم و از آن تیمسار محترم خواهش می‌کنم با تقاضای این جانب موافقت و امر به عودت آن‌ها فرمائید.

دکتر محمد مصدق

نامه دکتر مصدق به جبهه ملی ایران

احمدآباد، هشتم دی‌ماه ۱۳۲۸

حضرات آقایان محترم و همکاران عزیزم [!]

از اینکه چندبار به بازگشت شهر دعوتم فرموده‌اید و بواسطه وجود حکومت نظامی در تهران باز در احمدآباد مانده‌ام بسی متأسفم و حقیقت امر این است که با وجود حکومت نظامی در حفظ حقوق ملت و صیانت آزادی‌های سیاسی هیچ نوع اقدامی نمی‌توان بعمل آورد چه حکومت نظامی تعطیل عملی مشروطیت است و با وجود آن حقوق و آزادی‌هایی که به موجب قانون اساسی برای ملت شناخته شده چنانکه به تجربه دیده‌ایم کان لم یکن می‌شود.

در ممالکی که دولت علاقمند به قانون اساسی و اجرای اصول مشروطیت است بر فرض لزوم حکومت نظامی دوام پیدا نمی‌کند ولی در این مملکت کافی است که دولت بهانه‌ای بدست آورد و به واسطه برقراری حکومت نظامی ماه‌ها و سالها مشروطیت را تعطیل کند.

معذالک ممکن است اقامتم را در خارج تهران حمل بر تعلل در ایفاء وظایف فرمایند و حال آنکه همیشه و در هر حال، برای خدمت به ملت و فداکاری در راه آزادی حاضر بوده و هستم اینک به اختصار نظر خود را در تأیید افکار آزادی‌خواهانه آقایان دوستان و همکاران عزیز عرض می‌کنم [.]

به عقیده این جانب نجات کشور ما منحصرأ در ایمان به دموکراسی حقیقی و ایجاد حکومت

واقعی مردم بر مردم است و هر نوع حکومتی که به آراء و افکار عمومی متکی نباشد نه تنها قادر نیست خدمتی انجام دهد بلکه منشاء بدبختی‌ها و مصائب عظیم برای ملک و ملت خواهد شد و سرانجام خود و مملکت را نابود خواهد ساخت.

ایجاد حکومت دموکراسی هم یک راه بیش ندارد و آن انتخابات آزاد است که جز با الغاء حکومت نظامی و عدم دخالت دولت به نفع و یا به ضرر اشخاص صورت پذیر نیست. اگر انتخابات بدست مردم انجام گیرد یعنی مردم بتوانند هرکه را بخواهند روانه مجلس کنند مجلس شورای ملی نماینده قاطبه مملکت است و تقریباً محال است که جز به صلاح موکلین خود قدمی بردارد و آنچه در حکومت مردم بر مردم در درجه اول اهمیت است همین یک نکته اساسی است.

بارها این عقیده را اظهار نموده‌ام که نماینده مردم هرکه باشد بهتر از نماینده دولت است ولو اینکه نماینده مردم عادی و بی‌خبر باشد و نماینده دولت عارف و صاحب‌نظر و باایمان به این اصل است که انتخابات مجلس شانزدهم و مجلس سنا را که با قتل و ضرب و شتم و تهدید و تطمیع توأم بوده باطل می‌دانم یعنی معتقدم که عدم اجرای شرایط اولیه صحت انتخابات عمل ساختگی عمال دولت بنام انتخابات را از درجه اعتبار انداخته بطوریکه نمی‌شود به این صورت‌سازیه‌ها عنوان انتخابات اطلاق نمود چه بر هیچ‌کس پوشیده نیست که انتخابات باید برطبق قانون و در محیطی آزاد صورت گیرد و اهم وظایف دولت ایجاد همین محیط منظم و آزاد است. بنابراین نمی‌توانیم انجمن‌های نظار را که برخلاف قانون تشکیل شده یا انتخاباتی را که با فشار تهدید و یا تطمیع انجام گرفته انتخابات قانونی حساب کنیم، علی‌الخصوص با تعهدی که درانتخاب پاره‌ای عناصر و جلوگیری از انتخاب ملیون در تمام مملکت به عمل آمده است.

در این جا لازم است عرض کنم که فعلاً اهم مسائل حیاتی ایران مسئله نفت است و چنانکه می‌دانیم وقتی که دولت خواست قرارداد باطل تمدید مدت امتیاز داری را با تصویب لایحه الحاقی نفت مجلس پانزدهم تلویحاً تنفیذ کند و عده‌ای از آزادی‌خواهان ایران در مجلس و خارج با آن مخالفت کردند و فشار افکار عمومی به مجلس نگذاشت سند رقیب ایران تنفیذ شود. ملت ایران در انتخابات دوره شانزدهم با انتخابات مخالفین قرارداد نفت به نمایندگی مجلس نشان داد که نمایندگی اقلیت مجلس از زبان او سخن گفته‌اند و انتخاب مخالفین قرارداد به نمایندگی مجلس در عرف سیاست یک نوع رفراندوم (مراجعه به آراء عمومی) تلقی می‌شود.

با این سوابق، دولتی که می‌خواهد از انتخابات مخالفین لایحه نفت جلوگیری کند تا عمال اجانب بر کرسی‌های نمایندگی ملت تکیه زنند باید متوجه باشد که نه تنها بر علیه آمال ملی قیام می‌کند بلکه این عمل دولت نقض غرض است چه اگر نمایندگان غیرملی می‌توانستند قراردادهای دولت را با اجانب تصویب کنند قرارداد تمدید امتیاز نفت هم منقضی نداشت و محتاج نبود که در مجلس پانزدهم تنفیذ شود، مسیر آن مجلسی که غیر از نمایندگان واقعی ملت

تشکیل شود بنا به اصرار عناصر منتخب بیگانگان قرارداد تمدید مدت امتیاز را به ضرر ایران تنفیذ کند یا چون نمایندگان واقعی ملت این کار را نکرد ملت ایران آنرا به رسمیت نخواهد شناخت و عیب و نقص کماکان باقی خواهد بود.

البته حکومت می‌تواند اعمال قدرت کند و مردم را از حق انتخاب وکیل سناتور و یا نماینده انجمن شهر علناً یا در خفا برخلاف قانون و یا ظاهراً آراسته به مقررات قانونی بازدارد و مجلس شورای ملی و سنا و یا انجمنهای شهری را هرکه خود می‌خواهد تشکیل دهد ولی این کار را سابقاً و اخیراً پاره‌ای از دول دنیا و دولت‌ها بارها امتحان کرده و نتایج آنرا دیده‌اند.

منظور آزادی خواهان ایران این است که با ایجاد حکومت مردم بر مردم بدون بروز حوادث نامطلوب و از راه قانون و صلح و سلم در اوضاع مملکت اصلاحاتی به نفع مملکت و ملت شود و نفاق و شقاق دولت و ملت از میان برود و مصائب و آلام مردم از فقر و فاقه و جهل و بیماری و گرسنگی و برهنگی بیش از این مقدمات فنانی ملت را فراهم نکند [۰]. چاره این بیچارگی‌ها چنان که مذکور شد فقط ایجاد حکومت دموکراسی است والا اقدامات مذبوحانه‌ای مانند ایجاد مجلس سنا یعنی قانون اساسی دولت‌ها مسئول مجلسین هستند و به آن جهت کمتر حکومتی است که به واسطه بی‌دوامی بتواند به مملکت خدمتی بکنند با آن مخالفت کرده‌اند آن هم به این طریق که دولت حق مردم را غصب کند (به طوریکه در جلسه انتخابات درجه دوم سنا بر همه معلوم شد) و مانع شود که نصف نمایندگان برطبق قانون اساسی از طرف مردم انتخاب شوند، یا هر اقدام دیگری که تصور شود قدرتی به حکومت خواهد داد به نفع مملکت تمام نخواهد شد زیرا به تجربه ثابت شده که این قبیل قدرتها قدرت کاذب است و بالمال به ضرر ملک و ملت تمام می‌شود.

در خاتمه امیدوارم که قوای حاکمه ایران از گذشته دور و نزدیک مخصوصاً از انتخابات اخیر تهران عبرت گرفته و برای یکبار هم که شده با مردم از در صلح و آشتی درآیند و مطمئن باشند که هر کسی قدمی به نفع آزادی و تأمین حقوق مردم برداشته، ملت هوشیار و حق‌شناس ایران از جان و دل از او پشتیبانی کرد.

نامه آقایان محترم در باب توقیف جناب آقای دکتر بقایی شرف وصول ارزانی داشت. از این پیش آمد غیرمترقبه اظهار تأسف چه می‌توان کرد البته مردم تهران روزنامه شاهد و مقاله‌ای را که به عنوان اهانت به ارتش موجب توقیف آقای دکتر شده خوانده و قضاوتی را که می‌بایست بکنند کرده‌اند، بنده هم در آن مقاله چیزی که توهین به ارتش تلقی شود اصولاً و ابداً نیافتم.

تعجب فرموده‌اید که چطور یک نفر استاد دانشگاه و نماینده مجلس را که در انتخابات اخیر تهران هم مورد توجه عامه مردم بوده بدون علت توقیف کرده‌اند، از آقایان دوستان محترم تعجب می‌کنم مگر بالاخره آقایان برای تبعید خود بنده به احمدآباد علت و موجب قانونی توانسته‌اند پیدا کنند؟

وقتی که اولیاء امور معتقد به قانون و دموکراسی نشوند این‌گونه کارها باید از امور جاری محسوب شود. اگر حرف بنده مسموع بود می‌گفتم فوراً آقای دکتر بقایی را با عذرخواهی آزاد و روزنامه را هم از توقیف خارج کنند و باعث نشوند افکار عمومی بیش از پیش از امکان اجراء قانون و عدالت در این مملکت مأیوس و فاصله ملت و دولت زیادتر شود.

از طرف دیگر باید عرض کنم آقایان از زندانی شدن آقای دکتر بقایی و امثال ایشان نباید نگران باشند، زیرا اشخاصی که داعیه خدمت به مملکت دارند و خود را سرباز راه آزادی می‌دانند باید طبعاً برای همه‌گونه فداکاری و از خودگذشتگی حاضر باشند و آنچه به خاطر دارم همین آقای دکتر بقایی و رفقای ایشان هنگامی که پشت تریبون مجلس نطق‌های آزادی‌خواهانه خود را به نفع ملک و ملت ایراد می‌کردند چنین روزهایی را پیش‌بینی می‌نمودند البته آزادی و دموکراسی به آسانی بدست نمی‌آید.

ترک مال و ترک جان و ترک سر در ره مجنون اول منزل است

حال فرض بفرمائید که برخلاف قضاوت عامه و برخلاف انصاف و عدالت دکتر بقایی را محکوم کنند و به این وسیله یکی از سربازان راه آزادی را از میدان مبارزه برکنار نمایند، این حکم و محکومیت چه وزنی در افکار عمومی خواهد داشت؟! محکومیتی که باید ملیون و آزادی‌خواهان از آن بهراسند، محکومیت در محکمه افکار عمومی است و خوش بختانه تا کسی سالک راه آزادی و دموکراسی است و در خیر و صلاح جامعه قدم می‌زند افکار عمومی او را محکوم نخواهد کرد. اگر انتخابات تهران انشاءالله آزاد شود تأثیر این توقیف را در آراء دکتر بقایی و رفقای ایشان ملاحظه خواهید فرمود و اگر هم خدای نخواستہ آرزوی ملیون و آزادی انتخابات بعمل نیاید توقیف و حبس دکتر بقایی و امثال او سنگهای شالوده بنای مشروطیت ایران خواهد بود و آنها باید مفتخر باشند که در پی افکندن کاخ رفیع آزادی سهم خود را پرداخته‌اند.

دکتر محمد مصدق

جبهه ملی که به صورت مصاحبه با این جانب درج شده و جای کمال تأسف است مطالب مزبور با جریان واقع تطبیق نمی‌کند و بغیر از یک مصاحبه مطبوعاتی که اخیراً از طرف جبهه ملی ترتیب داده شده بود و نمایندگان مطبوعات داخلی و خارجی حضور بهم رسانیده بودند این جانب با هیچ خبرنگار جریده یا مجله‌ای مصاحبه نکرده‌ام، خواهشمند است این تکذیب‌نامه را در آن نامه گرامی انتشار دهید که موجب کمال سپاسگذاری و رفع سوء تفاهم است.

دکتر محمد مصدق

۹۷

نامه دکتر مصدق به انجمن نظارت انتخابات

۲۳ بهمن ۱۳۲۸ ساعت ده و ۴۵ دقیقه صبح

انجمن نظارت مرکزی انتخابات تهران [۱]

چون بی‌اعتمادی مردم به انجمنهای فرعی به منتها درجه رسیده برای تسکین افکار عمومی مقتضی است اجازه فرمایند چند نفر از رؤسای شعب فرعی که مورد اعتماد جامعه هستند، تمام صندوقهای شعب را امروز ظهر مهر نمایند زیرا طبق گزارشهای مورد اطمینان در نظر است عده‌ای از صندوقها را منجمله صندوق سر قبر آقا - پرورشگاه - مسجد مشیرالسلطنه - مقبره آقا شیخ هادی - مسجد سلمان - مسجد لولاگر را مانند انتخابات مفتضح گذشته تعویض نمایند.

جبهه ملی - دکتر محمد مصدق

۹۸

تکذیب‌نامه دکتر مصدق

در این چند روز در بعضی از مجلات و جرائد راجع به تشرف این جانب به پیشگاه بندگان اعلیحضرت همایون شاهنشاهی مطالبی درج کرده‌اند که چون عاری از حقیقت است تکذیب می‌شود.

۹۹

نامه دکتر مصدق به انجمن نظارت مرکزی انتخابات تهران

انجمن محترم نظارت مرکزی انتخابات تهران [۱]

با اینکه انجمن فعلی نظارت مرکزی با نظر دولت و در زمان حکومت نظامی که مردم در

اظهار عقیده آزاد نبودند تشکیل شد و بهیچوجه مورد اعتماد طبقات ششگانه و مردم پایتخت نیست جبهه ملی از این نظر که حقوق عمومی کمتر پایمال شود حاضر شد با اعمال چنین انجمنی که تحت نفوذ دولت واقع شده به حالت انتظار نگاه کند، ولی اکنون درک می‌کنیم که این دستگاه هیچ‌کدام حاضر نیستند با نظریات جبهه ملی که مقصودی غیر از حفظ حقوق جامعه و مصالح کشور ندارد روی موافقت نشان دهند و من باب مثال عرض می‌کنم:

۱ - انجمن لواسان که به واسطه برف و مسدود بودن راه نتوانست از مردم رأی بگیرد و جز چند رأی بقیه آراء را در دفتر به اسم همان اشخاص نوشت که در دفتر نوبت اول انتخابات تهران ثبت شده و بهترین گواه شناسنامه اشخاصی است که به مهر انجمن نرسیده و حال آنکه نام آنها در دفتر ثبت شده و با اینکه صندوق حوزه مزبور از طرف بعضی از اعضاء انجمن با ذکر دلایل قویه مورد اعلام جرم واقع شده و یکنواخت بودن کاغذ در خطوط آراء، دلایل دیگر وقوع جرم را تأیید می‌کند و با این مقدمات باید صندوق مزبور با حضور نماینده دادستان باز شود اکنون با کمال تعجب، شنیده می‌شود که همکاران جنابعالی می‌خواهند بدون حضور او آن را باز نمایند و آراء را قرائت کنند.

۲ - جبهه ملی که می‌خواست در خواندن و نوشتن آراء نظارت کند تا آرائی که از روی عقیده و ایمان وارد صندوقها شده برخلاف حقیقت به اسم اشخاص منتسب به لیست دولت خوانده و نوشته نشود و همچنین آنها را تعویض نکنند و برای اجرای این وظایف تعدادی کارت ورودی درخواست نمود که به قدر کافی نظار گماشته شود با تقاضای جبهه ملی موافقت نشد و فقط یک عده کارت داده شد که منظور جبهه ملی را تأمین نمی‌کند.

۳ - معمولاً بعد از اخذ آراء همیشه بلافاصله شروع به قرائت آراء کرده‌اند و اکنون دو روز است که به جهات غیرموجه و نامعلوم، انجمن‌های فرعی تعطیل شده است و مردم می‌گویند علت تأخیر این است کارهائی که برای تعویض آراء در دست اقدام است تمام کنند و قبل از اینکه زمینه آراء صندوقها معلوم شود به موقع عمل بگذارند.

آقای رئیس محترم انجمن! بسیار متأسفم، این خطری را که متوجه دومین انتخابات تهران است به شما اعلام کنم تا شما هر چاره‌ای که لازم می‌دانید بکنید و ضمناً جا دارد که به مردم هم بگویم که فقط دادن رأی کار شما را اصلاح نمی‌کند. ملت رشید - ملت حساس و مردم وطن پرست، آنهایی هستند که قادر هستند رأی خود را از دست دزدان ناموس ملی حفظ کنند.

آن ملتی که نتواند رأی خود را از دست نوکران بیگانه حفظ کند، چطور خواهد توانست، اظهار حیات کند و استقلال خود را تأمین نماید. بیش از این درباره حفظ این ودیعه ملی به جنابعالی اظهار نمی‌کنم و امیدوارم این تذکرات که صرفاً برای حفظ حیثیت و آبروی مملکت است در جنابعالی و همکارانتان مؤثر واقع شده و در رفع این مفاسد اقدام فوری و عاجل مبذول فرمایند.

جبهه ملی - دکتر محمد مصدق

۱۰۰

نامه دکتر مصدق به انجمن نظارت مرکزی

انجمن محترم نظارت مرکزی انتخابات تهران [!]
تعداد ۲۴ برگ بلیط از شماره ۴۲ تا ۶۵ که برای جبهه ملی ارسال فرموده‌اید رسید و البته تصدیق می‌فرمائید که این عده بلیط که فقط اجازه می‌دهد در هر حوزه فرعی یک نفر نظارت کند برای انتخابات تهران که سوء اعمال بعضی از خوانندگان و نویسندگان آراء و عوض‌کنندگان لیست‌های رأی در نوبت اول این انتخابات مشهور عام و خاص شده کافی نخواهد بود و معلوم نیست که این یک نفر در اعمال کدامیک از این دسته بغرض محال می‌تواند نظارت نماید.
در نوبت اول انتخابات این دوره هم برای سازمان نظارت آزادی انتخابات تعداد ۱۲۴ بلیط صادر شده و اکنون معلوم نیست چه باعث شده که می‌خواهند از نظارت جبهه ملی که در صلاح جامعه و بعضی از آن انجمن است جلوگیری فرمایند.
چنانچه در این تصمیم باقی بمانند شک نیست که بعضی‌ها می‌خواهند آن عده آرائی هم که مردم خیرخواه توانسته‌اند وارد صندوقها بکنند از بین ببرند، بنابراین بلیط‌های ارسالی اعاده خواهد شد و جبهه ملی دیگر در این انتخابات سر تا پا مخدوش دخالت نخواهد کرد.
جبهه ملی - دکتر محمد مصدق

۱۰۱

نامه دکتر مصدق به وزیر دادگستری

دوم اسفند ۱۳۲۸
جناب آقای دکتر سجادی وزیر دادگستری [!]
خاطر محترم مسبوق است که نسبت به انتخابات لواسان از طرف عده‌ای از ارباب جرائد و اشخاص محترم دیگر و حتی از طرف اعضاء خود انجمن لواسان اعلام جرم شده و با وجود اینکه کوس رسوائی انتخابات را بر سر بازار زده و عامه ناس از فساد و خرابکاری آن مطلع شده‌اند برای تذکر شمه‌ای از اوضاع و احوال انتخابات مخدوش لواسان به عرض می‌رسد.
۱ - مسیر صندوق به واسطه انباشته شدن برف مسدود بوده و مأمورین انتخابات نتوانستند برای گرفتن رأی به قراء بروند چنانکه هنوز راهها مسدود است.
۲ - مردم رأی نداده‌اند.
۳ - صدها رأی بنام دهکده‌هایی در دفاتر ثبت شده که چند نفر هم رأی‌دهنده ندارد.
۴ - شناسنامه‌ها مهر نخورده و پس از اعلام جرم چند نفر از تهران برای مهر زدن شناسنامه‌ها فرستاده‌اند.

۵- آراء از جهت کاغذ و خط و محصور بودن کاندیدا از لیست معین کاملاً یکنواخت است. با اندک دقتی در اوضاع و احوال مذکوره این جرم را می‌توان از جرائم مشهود دانست. با وجود این دادستانی دیوان کیفر برخلاف انتظار نه صندوقها را که خود از دلائل جرم است توقیف نموده و نه تاکنون از اعضاء انجمن بازپرسی بعمل آورده و نه هم به تحقیقات محل پرداخته است. از جنابعالی که ریاست عالیہ دادرها را دارید - از جنابعالی که ریاست هیئت تصفیه را بعهده گرفته‌اید - از جنابعالی که دائماً مردم را تشویق می‌کنید که مقصرین و مرتکبین جرائم را معرفی کنند بسیار تعجب‌آور است که چنین جرمی را بدون تعقیب گذاشته اجازه دهید همچنان ادامه پیدا کند [.]

مردم محترم تهران از تجار و اصناف و کسبه و کارمندان دولت و استادان و دانشجویان با زحمت فراوان و دست بگریبان شدن با عدهٔ عمله بالاخره توانسته‌اند چند هزار رأی آزاد به صندوق‌های تهران بریزند و بدین وسیله به وظیفه ملی و وجدانی خود قیام کنند [.]

اینک عده‌ای شاید می‌خواهند اشخاصی را که رأی طبیعی در لواسان ندارند به جای نمایندگان واقعی مردم تهران بنشانند. آیا وجدان شما اجازه می‌دهد که این عمل ننگین و خلاف قانون و خلاف انصاف را ندیده انگارید؟ آیا تصور می‌فرمائید دزد و خیانت‌کار فقط کسی است که مال مردم را می‌رباید و آنکه آراء را می‌دزد خیانت‌کار نیست؟

اشخاصی که در انتخابات سابق دوره شانزدهم در تهران و لواسان یک رأی نداشته‌اند با چه اعجازی یک مرتبه چندین هزار نفر مردم لواسان را متحدالقول متوجه وجود ذی‌وجود خود کرده‌اند.

این وجهه بی‌سابقه و محبوبیت خلق الساعه پاداش کدام فداکاری و جان‌فشانی خارق‌العاده است؟ آیا مردم چشم ندارند؟ آیا آفتاب را می‌توان به گل اندود؟ آیا بر فرض که مردم تهران هم چشم و گوش خود را ببندند و هیچ شکایت و اعتراض نکنند این جرم مشهود از نظر خارجی‌ها مستور خواهد ماند؟

امیدوارم وزارت دادگستری بیش از این در تعقیب تبه‌کاران تعلل روا نداشته و راضی نشود مردم بیدار تهران برای حفظ و صیانت حقوق و آزادی‌های سیاسی از راه ناچاری شکایت خود را بدنیای متمدن اعلام نموده، غاصبین حقوق ملی را به ملل زنده عالم معرفی کنند.

دکتر محمد مصدق

۱۰۲

نامهٔ دکتر مصدق به انجمن مرکزی انتخابات دورهٔ شانزدهم

ریاست محترم انجمن مرکزی نظارت انتخابات [!]

برخلاف انتظار عموم، آن انجمن محترم تاکنون به ابطال انتخابات مخدوش لواسان که فساد

آن بر همه معلوم و اظهر من الشمس است اقدام نفرموده و نتیجه تحقیقات خود را در این باب به اطلاع مردم تهران نرسانیده است. اگر در انتخابات تهران به وسیله ریختن هفت هزار رأی تقلبی در صندوقهای خراسان، خدشه‌ای وارد شود و حقوق صدها هزار نفر مردم آزاده و آزادیخواه تهران، بدست چند نفر صندوقساز حيله‌باز، پایمال گردد این عمل ناهنجار، علاوه بر اینکه بالمآل به ضرر مسببین آن تمام خواهد شد به احساسات عمومی مردم چنان لطمه وارد خواهد نمود که تصور عکس‌العمل آن، هر شخص وطن‌پرستی را دچار نگرانی و اضطراب می‌کند.

انجمن نظارت در مقابل تقاضای قانونی دادرسی تهران که دفاتر و امهار صندوقهای لواسان را برای تحقق و بازجوئی خواسته بود برخلاف اصول خودداری کرد و در جواب تقاضای مکرر دادرسی و یادآوری آزادیخواهان که چرا انجمن، جواب دادرسی را نمی‌دهد و دفاتر را برای رسیدگی نمی‌فرستد؛ اظهار داشت که فعلاً خود انجمن مشغول تحقیق و رسیدگی است، بنابراین تمنا دارم اگر تحقیقاتی شده جامعه را از نتیجه آن مطلع فرمایند و اگر نشده مردم از خود خواهند پرسید که چرا انجمن، قریب دو هفته، دفاتر را نگاه داشت و به وعده خود وفا نکرد.

خوشبختانه مردم هوشیار تهران، نه فقط خوب به کنه مطالب پی می‌برند و در کمال سهولت، حق را از باطل تمیز می‌دهند بلکه تجدید انتخابات دوره شانزدهم در تهران نشان داد که در حقایق حق خود تا پای جان ایستاده‌اند.

انجمن محترم نظارت انتخابات باید بداند که فساد انتخابات لواسان بر احدی پوشیده نیست و آفتاب را نمی‌توان با گل اندود، زیرا هفت هزار رأی یکنواخت و یک‌شکل که فقط با دو سه خط نوشته شده و هفت هزار رأی که اگر مردم لواسان می‌خواستند وارد صندوق کنند با شدت سرما و برفی که تمام راههای کوهستانی را مسدود کرده بود، بیش از یک ماه وقت لازم داشت. هفت هزار رأیی که بنام هریک از ۱۲ نفر معین، با مختصر اختلاف نوشته شده و قاطبه مردم لواسان از آن بی‌خبرند و آن را توهین به حیثیت و شرافت خود می‌دانند.

خلاصه این هفت هزار رأی با اوصافی که از آن گذشت به خودی خود باطل و از درجه اعتبار ساقط است و انجمن نظارت، قاعدتاً می‌بایستی اکنون به پیروی از حق و حقیقت و به احترام افکار عمومی تکلیف آن اوراق مزور و مجعول را معلوم کرده باشد.

تأخیر در این باب جز بالا گرفتن افتضاح و شدت رسوائی نتیجه‌ای ندارد، چنانکه اکنون برطبق گزارشی که در صحت آن هیچ تردید نیست، دسیسه و تقلب این چند نفر دزدان رأی از جهات دیگر نیز روشن شده و ساختگی و مجعول بودن دفاتر آراء لواسان از هر جهت معلوم گردیده است. زیرا به موجب اطلاعات قطعی به ثبوت رسیده که:

اولاً - به غالب نقاطی که به موجب دفاتر مجعول انتخابات لواسان محل اخذ رأی معرفی شده انجمن و صندوق اصلاً به آنجا نرفته است.

ثانیاً - از هفت هزار رأی‌دهنده موهوم فقط شناسنامه چند نفر مهر خورده و بقیه با وجود جد و جهد بلیغی که بعد از اعلام جرم برای مهر زدن شناسنامه‌ها به عمل آمده به واسطه اینکه دفاتر در دست نبوده بی‌مهر، مانده است.

ثالثاً - بنام نقاطی که دو یا سه نفر ساکن فقط برای حفاظت و سرایداری در آنجا بسر می‌برند، پنجاه، شصت رأی در دفتر، ثبت کرده‌اند.

رابعاً - در اغلب نقاط، نام‌هایی در دفتر ثبت شده که احدی آنها را نمی‌شناسد و از وجود آنها جز در چند دفتر، اثری دیده نمی‌شود.

خامساً - چون اغلب اقلام دفاتر از روی صورتهای جیره‌بندی قند و شکر نوشته شده در جزو صورت رأی‌دهندگان غالباً نام اشخاصی از این قبیل دیده می‌شود:

۱ - کسانی که سالهاست از لواسان رفته و اکنون در شهرهای دیگر مشغول کسب و کار هستند.

۲ - کسانی که مدتی است مرده و از شر دزدان رأی خلاصی حاصل کرده‌اند.

۳ - اطفال کوچک که از قرار معلوم، پس از احضار از طرف بازپرس والدین یکی از آنها شناسنامه طفل خود را فرستاده و تقاضا کرده که چون خواب است از بیدار کردن او برای اینکه نحس نشود صرف‌نظر کرده است!

۴ - نام پیرانی که سالهاست خانه‌نشین و زمین‌گیر شده‌اند.

بطلان انتخابات لواسان از شدت و ضروح محتاج به دلیل نبود، معذک این دلایل قویه هم‌اکنون بدست آمده است، آیا با وجود این باز انجمن می‌خواهد رسیدگی و تحقیق کند، آیا باز مردم تهران باید روزها به انتظار تصمیم انجمن در اضطراب و نگرانی بمانند؟! و حقایقی را که چشم صدها هزار نفر بدان دوخته شده می‌توان از انظار مخفی داشت؟ بیش از این عرضی ندارم و تمنا دارم که انجمن محترم هرچه زودتر تصمیم خود را اعلام فرمایند.

دکتر محمد مصدق

۱۰۳

نامه دکتر مصدق به نخست وزیر

جناب آقای علی منصور، نخست وزیر [!]

چون شهرت دارد که از طرف این جانب، بر له و بر علیه بعضی از داوطلبان وزارت، در کابینه جنابعالی مذاکراتی شده؛ اینست که به استحضار عالی می‌رساند: این جانب چه در سه دوره تقنینیه که وکیل مجلس بوده‌ام و چه اکنون که در خارج مجلس هستم؛ هیچ وقت در این قبیل امور دخالتی ننموده و چنانچه مطالبی از طرف این جانب عرض شده باشد؛ عاری از حقیقت است.

دکتر محمد مصدق

۱۰۴

نامه دکتر مصدق در جواب نامه دکتر قاسم غنی

۱۵ اردیبهشت ۱۳۲۹

قربانت شوم، مرقومه محترمه مورخه ۱۵ فروردین روز قبل شرف وصول ارزانی بخشید. از الطاف مبذوله متشکرم و بقا و سلامت حضرتعالی را از خداوند مسئلت دارم. امیدوارم که در این مسافرت از هر جهت به حضرتعالی خوش بگذرد و روزی بیاید که به زیارت جنابعالی نایل شوم. از حال بنده خواسته باشید با حال کسالت، گرفتاری زیاد دارم و بقدر خسته هستم که نمی‌توانم شرح آنرا عرض کنم. عجالتاً بیش ازین مصدع نمی‌شوم و ارادت خود را تجدید می‌کنم.

ارادتمند - دکتر محمد مصدق

۱۰۵

نامه دکتر مصدق به وزیر دارائی درباره قانون املاک خالصه

جناب آقای وارسته وزیر محترم دارائی

در تعقیب مذاکرات شفاهی راجع به لایحه فروش خالصجات، لازم می‌داند نظریات خود را کتباً تقدیم کند تا در کمیسیون دارائی مجلس شورای ملی، موقع بحث در پیشنهادات آقایان نمایندگان محترم از مد نظر دور نشود و گزارش کمیسیون، طوری تنظیم گردد که مصالح عمومی را از هر جهت تأمین نماید.

در مورد ماده اول لایحه که این طور تنظیم شده: «وزارت دارائی مکلف است کلیه املاک مزروعی و اراضی قابل کشت و اراضی بائر خالصه را حداکثر تا آخر شهریورماه ۱۳۲۹ به بانک کشاورزی ایران منتقل نموده و بانک نامبرده مکلف است که املاک و اراضی انتقال یافته را در ظرف مدت پنجسال از تاریخ تصویب این قانون به رعایا و کشتکاران ملک در درجه اول و اگر آنها داوطلب نبوندند به کسانی که وسیله زراعت را در اراضی ایتیاعی از اولین نسق‌بندی شتوی، بعد از تاریخ فروش فراهم نمایند، به شرط سکونت به فروش برسانند» نظریات خودم تأمین نمی‌شود و املاک مرغوب خالصه را صاحبان وسایل یعنی ملاک بزرگ و متمولین تملیک خواهند نمود.

سکونت در بعضی از املاک اطراف شهر تهران از قبیل قریه امین آباد خالصه کار سختی نیست که کسی تحمل آنرا نکند و در املاکی هم که سکونت در آنها مشکل است که خریدار چند روز بماند و به طریقی که امروز در دستگاه دولت معمول است وسایل تملیک خود را فراهم نماید. آنهایی که می‌خواهند املاک خالصه خریده مالک شود و یا اینکه به قیمت حقیقی ملک به فروش

برود اگر غرضی ندارند غیر از دو طریق نمی‌توانند طریق دیگری را قبول کنند:

(۱) - چنانچه نظرشان این است که املاک مزبور نصیب زارعین گردد بطوری که خود جنابعالی هم همینطور اظهار عقیده فرموده‌اید قانون باید باین صورت از مجلس بگذرد که املاک خالصه باشخاصی داده خواهد شد که در تاریخ تصویب این قانون در آنها زراعت می‌کنند یعنی هرکس در هر نقطه زراعت کرده مالک آن قسمت از ملک بشود و از بابت قیمت ملک هم حد متوسط عایدات غیرخالص (بدون کسر نمودن خرج قنات و حقوق مباشر) سه سال قبل از تصویب قانون را نقداً جنساً در مدت هشت سال بطوری که ماده مزبور تعیین کرده و یا چنانچه صلاح باشد در مدت ده سال بدولت پردازد و در ازای این دو سال تمديد از هرگونه ممیزی استعدادی که به واسطه دادن رشوه به ضرر دولت تمام می‌شود خودداری کند.

خریدار در مدت مزبور حق انتقال ملک را به غیر نداشته باشد و حداکثر هم معلوم شود تا اینکه یک نفر ولو اینکه زارع تمام ملک باشد نتواند یک ملک شش دانگی را یکجا تملیک نماید.

به بانک کشاورزی هم اجازه داده شود به این قبیل اشخاصی که با دولت معامله کرده‌اند وام طویل‌المدت با سود کم بدهد که آنها بتوانند املاک را آباد کنند و نظری را که دولت در فروش املاک دارد کاملاً تأمین نمایند.

(۲) - طریق دیگر این است که از تاریخ آگهی فروش تا مدت معینی اگر زارعین پیشنهادی برای معامله ندهند و یا اینکه دولت بخواهد املاک خود را به وجه نقد بفروشد کارشناسان مورد اعتماد حداقل قیمت املاک را برای معامله تعیین کنند و چهار روز معین در هر سال اعلان مزایده املاک مزبور را در ده روزنامه مرکزی و روزنامه‌های محلی منتشر نمایند تا هرکس که طالب خرید ملک است از آگهی مطلع شده پیشنهاد خود را بدهد.

خلاصه اینکه تمام احتیاطات لازمه مرعی شود تا از هرگونه صورت‌سازی جلوگیری بعمل آید و مثل اغلب از معاملاتی که تاکنون شده اشخاصی که استحقاق ندارند املاک را خریداری نکنند و دست اشخاص صالح و اهل استحقاق را از معامله کوتاه نمایند.

غیر از این هر اقدامی که بشود نظر مردم را تأمین نمی‌کند و انتقال املاک به بانک کشاورزی جز ضرر، فایده دیگری ندارد زیرا اگر تمام این املاک را مردم خریداری کنند آن عده اشخاصی که امروز به کار خالصجات اشتغال دارند باز در یکی از وزارت‌خانه‌ها یا ادارات دیگر خود وزارت دارایی وارد خواهند شد و حقوق از دولت خواهند گرفت و چنانچه تمام این املاک معامله نشود بانک کشاورزی مجبور است که باز عده‌ای را برای اداره نمودن بقیه املاک استخدام نماید.

البته تصدیق می‌فرمایند که طرز فروش این املاک بطوریکه در لایحه تعیین شده در حکم یک اجاره‌ایست که بعد از انقضای مدت مستأجر عین مستأجره را مجاناً و بلاعوض مالک شود زیرا برطبق ماده ۲: «بهای فروش هر قطعه یا تمام ملک حداقل معادل هشت برابر درآمد

استعدادی ملک بوده و مدت دریافت اقساط حداکثر در سال به اقساط مساوی خواهد بود» و نتیجه اجرای ماده مزبور این خواهد بود که ملکی را برای مدت ده سال به کسی اجاره بدهند و به محض اینکه مستأجر مال الاجاره هشت سال ملک را پرداخت مالک ملک هم بشود و چنین ارفاقی به غیر از زارعین ملک از نظر ایجاد خرده مالکین درباره اشخاص دیگر مورد ندارد و مستأجر گذشته از اینکه ملکی را مجاناً و بلاعوض بدست آورده است از ماده ۱۱ لایحه دولت هم که اینطور تنظیم شده: بانک کشاورزی موظف است که به خریداران املاک خالصه موضوع این قانون با فرعی که از صدی چهار تجاوز ننماید با شرایطی که به موجب آئین‌نامه که بترتیب مندرج در ماده ۱۲ تهیه خواهد شد قرض طویل‌المدت بدهد» می‌تواند بوسیله و ام طویل‌المدت و سود صدی ۴ منافع دیگری تحصیل کند.

خلاصه اینکه لایحه به نفع عده‌ای از ملاک و یا اشخاص متمول تنظیم شده که املاک مرغوب دولت را مفت و بلاعوض تملیک کنند و با اشخاصی که فعلاً در املاک خالصه زراعت می‌کنند رفتاری هزار درجه بدتر از رفتار مأمورین دولت بنمایند.

در خاتمه متمنی است مقرر فرمایند در صورت امکان صورت ریز خالصجات و عوایدی که از آنها در سال اخیر به دولت رسیده است و الا صورت املاک عمده و عواید آنها را هرچه زودتر برای این جانب ارسال نمایند.

دکتر محمد مصدق

۱۰۶

نامه دکتر مصدق به یک خواننده روزنامه باختر امروز

خدمت جناب آقای دکتر فاطمی، مدیر محترم روزنامه باختر امروز [!]
نامه یکی از آقایان هموطنان عزیزم را که به جنابعالی نوشته‌اند رسید. اطلاع از نظریاتشان موجب امیدواری گردید؛ البته حق خواهند داد آنچه واقع شده بجا و به موقع بوده است و مبارزه را نمی‌بایست منحصر به رفتن و گفتن نمود بلکه ترک فعل هم یکی از اقسام مبارزه و گاهی ممکن است از آن نتیجه مطلوب گرفت. همچنانکه قبل از عرض این نامه خبر رسید که مجلس شورای ملی در جلسه امروز گزارش کمیسیون را تصویب کرده است، بنابراین دوباره به مجلس می‌روم و مأموریت خود را با حال کسالت و ناتوانی تا آنجا که ممکن باشد انجام می‌دهم. اگر باز پیش‌آمدی کرد، همینطور عمل می‌کنم؛ چنانچه نتیجه نداد و مردمی هم باشند که انجام وظیفه را منحصر به ریختن رأی در صندوق نکنند، یا پشتیبانی مردم می‌روم و انجام وظیفه می‌کنم. بیش از این مصدع نمی‌شوم. احترامات فائقه را تقدیم و نامه را اعاده می‌نمایم.

دکتر محمد مصدق

۱۰۷

نامه دکتر مصدق به حسین مکی

احمدآباد، شنبه ۱۷ تیرماه ۱۳۲۹

قربانت شوم [!] چون ممکن است وقت بگذرد این است که بدین وسیله عرض می‌کند چنانچه جلسه فراکسیون در روز دوشنبه ۱۹ دو ساعت قبل از ظهر باید تشکیل شود، استدعا می‌کنم محل آن را با نظر حضرت آیت‌الله^ع معین فرمایند و به حضرات آقایان هم اطلاع داده شود. بنده هم فردا یک‌شنبه که به شهر می‌آیم، بوسیله تلفن از حضرت‌عالی محل جلسه را استفسار می‌کنم و شرف حضور خواهم داشت.

دکتر محمد مصدق

۱۰۸

نامه دکتر مصدق به حسین مکی

۱۳۲۹/۴/۲۲

ضمیمه دارد

خدمت جناب آقای مکی دبیر محترم جبهه ملی
نامه‌ای به امضای آقای عباس ضیاء احمدی راجع به تقاضای تجدیدنظر در آیین‌نامه حزب به این جانب رسیده که عیناً تقدیم و خواهشمندم آنرا در جلسه جبهه ملی جزو دستور قرار دهید.
دکتر محمد مصدق

۱۰۹

نامه دکتر مصدق به حسین مکی

قربانت شوم [.] چشم همگی متوجه به جنابعالی است [.] تلگراف جوف را تقدیم می‌کنم. اگر کاری می‌شود انجام بدهید والا زحمت بی‌حاصل است.
دکتر محمد مصدق

۱۱۰

نامه دکتر مصدق به روزنامه ستاره

۲ مهرماه ۱۳۲۹

اداره روزنامه محترم ستاره [!]

در موقع تأسیس ثبت اسناد در اغلب دهات بین مالک و زارع، اختلافاتی راجع به مالکیت

منظور آیه‌الله کاشانی است.

عرصه باغات روی می‌داد که در قراء چنگوره و کامشکان واقع در بلوک خرقان قزوین نیز این اختلاف حاصل شد و صاحبان باغات به اعلان ثبت این جانب اعتراض نمودند که در موقع معامله املاک مزبور به موجب سند رسمی شماره ۷۱۳۵ مورخ ۲۵ بهمن ماه ۱۳۱۵، دفتر اسناد رسمی شماره ۲۵ تهران متعهد شدم هرگاه در محاکم صالحه رفع اختلاف به نفع صاحبان باغات خاتمه یابد، ده برابر حق الارض باغات که هر ساله رعایا می‌پرداختند و از یکهزار ریال تجاوز نمی‌کرد به خریدار بپردازم و از تاریخ معامله تاکنون که ۱۵ سال می‌گذرد کوچکترین دخالتی در املاک مزبور نداشته و اطلاع هم ندارم از اینکه رفع اختلاف به چه ترتیب شده است؛ چون در جلسه امروز مجلس شورای ملی در مقابل اظهارات جناب آقای سردار فاخر حکمت وعده دادم رونوشت سند رسمی مزبور را به استحضار عامه برسانم اکنون آن را تقدیم و تمنا می‌کنم در اولین شماره آن نامه محترم منتشر شود. (رونوشت سند در صفحه سوم همین شماره درج شده است)

دکتر محمد مصدق

۱۱۱

نامه دکتر مصدق به حسین مکی

۱۳۲۹/۷/۲۶

قربانت گردم

شریحی به امضای آقای تقی عامری از تبریز به این جانب رسیده که عیناً تقدیم می‌شود [۰]. اگرچه برای جنابعالی اسباب زحمت است ولی چون صاحب نامه تقاضا کرده‌اند ارسال خدمت گردید رد و قبول تقاضای صاحب نامه منوط به نظر جنابعالی است.

دکتر محمد مصدق

۱۱۲

نامه دکتر مصدق در جواب نامه دکتر سعید فاطمی

دوم آبان ماه ۱۳۲۹ = ۲۴ اکتبر ۱۹۵۰

جناب آقای سعید فاطمی خبرنگار محترم روزنامه باختر امروز [۱]

نامه شریف مورخ ۱۹ اکتبر عز و صول ارزانی بخشید و موجب نهایت امتنان گردید. از اینکه سلامت هستید و در دانشکده سورین اشتغال به تحصیل دارید بسیار خوشوقتم و خواهانم در این مسافرت از هر جهت به جنابعالی خوش بگذرد و با موفقیت کامله مراجعت فرمائید. از مقالات جنابعالی که در روزنامه باختر امروز منتشر می‌شود استفاده می‌کنم و خوشوقتم از اینکه وظیفه خود را خوب انجام می‌دهید. از حالم استفسار نموده‌اید، عرض می‌کنم که بسیار خسته هستم دکتر معالج سه ماه استراحت کامل را لازم می‌داند و بنده به یک روز آن هم موفق نشده‌ام.

دیگر بیش از این اوقات شریف را تضییع نمی‌کنم [۰]. در خاتمه سلامت و موفقیت و دیدار جنابعالی را همیشه خواهانم.

۱۱۳

نامه دکتر مصدق به مهندس حسینی

جمعه ۲۶ آبان‌ماه ۱۳۲۹

قربانت شوم [۱] فردا از ساعت ۸ تا ظهر بقدر یک ساعت لازم است خدمت حضرتعالی برسم و یا اینکه سرفرازم فرمائید. تعیین وقت و محل موکول به نظرات حضرتعالی است [۰]. در خاتمه ارادت خود را تجدید می‌کنم.

دکتر محمد مصدق

۱۱۴

نامه دکتر مصدق در اطراف قرارداد الحاقی نفت

۲۹ آبان‌ماه ۱۳۲۹

اداره محترم روزنامه اطلاعات [۱]

نظر به اینکه پس از مذاکرات طولانی و مطالعه پرونده‌های نفت که در مدت چند ماهه اخیر انجام گرفت ثابت شد که:

قرارداد الحاقی به هیچ وجه استیفای حقوق ملت ایران را نمی‌کند و علاوه بر عدم تأمین منافع ایران قرارداد مزبور باعث سلب حقوق عظیمی از ملت ایران می‌شود و با وجود تمام این مضار و معایب باز هم وزیر دارائی در جلسه اخیر کمیسیون نفت به منظور قانع کردن مخالفین پاسخ مغلطه آمیز و غیر صحیحی به پرسش این جانب داده که ممکن بود موجب گمراهی بعضی از آقایان اعضاء کمیسیون شده و یا دست‌آویز برای کسانی بشود که توانائی لازم برای انجام وظایف ملی ندارند و چون به واسطه کسالت این جانب حضور در جلسه امروز و توضیحات شفاهی ممکن نبود، لذا نظریات خود را کتباً تهیه نموده برای استحضار حضرات آقایان اعضاء کمیسیون تقدیم نموده‌ام و برای اینکه ملت ایران هم از آخرین دفاع اینجانب در کمیسیون آگاه شود، متن کامل توضیحات خود را نیز برای درج در آن روزنامه محترم تقدیم می‌نمایم.

دکتر محمد مصدق

سؤال این جانب از جناب آقای فروهر وزیر دارایی در جلسه ۲۰ آبان ۱۳۲۹

قانون مهرماه ۱۳۲۶ دولت را مکلف کرده است که استیفای حقوق ملت ایران را بکند و چون دولت لایحه الحاقی را تأیید می‌کند این است که سؤال می‌کنم برای ۳۲ سال تمديد مدت که کلیه تأسیسات شرکت و تمام محصول نفتی متعلق به ایران است و به طوری که در جلسه علنی

مجلس شورای ملی به عرض رسانیده‌ام، لااقل در هر سال یکصد میلیون لیره حق مسلم ایران به واسطه تمدید مدت از بین خواهد رفت. دولت برای استیفای حقوق ملت ایران چه تصمیمی اتخاذ کرده است و چنانچه لایحه الحاقیه تصویب شود این ضرر از چه طریق جبران می‌شود؟ آیا غیر از الغای قرارداد که نظر مجلس این بوده است، راه دیگری هست؟

بیانات این جانب در جلسه ۱۷ مهرماه ۱۳۲۹

چنانچه حساب سال ۱۹۴۸ میلادی را که شرکت نفت به شرح ذیل منتشر نموده است:

۲۸ میلیون لیره	مالیات بر درآمد انگلیس
۷ میلیون لیره	سود صاحبان سهام
۱۰ میلیون لیره	حق الامتیاز دولت ایران
۱۷ میلیون لیره	وجه ذخیره
۱۷ میلیون لیره	استهلاکات
جمع ۷۹ میلیون لیره	

مأخذ قرار دهیم نتیجه این می‌شود که بعد از ۱۲ سال دیگر مبلغ مزبور غیر از آنچه خرج استهلاکات بشود، به ملت ایران تعلق خواهد گرفت.

چنانچه نفتی را هم که اکنون بحریه انگلیس از شرکت به ثمن بخش می‌برد با بحریه دولت انگلیس یا با شرکت‌های حمل و نقل به قیمت حقیقی نفت معامله کنند، شاید عایدات دولت ایران در سال از صد میلیون تجاوز کند که مبلغ مزبور ده برابر مبلغی است که اکنون در این حساب برای حق الامتیاز دولت ایران تعیین شده است.

جواب جناب آقای فروهر وزیر دارایی در جلسه ۲۴ آبان

در پاسخ سؤالی که جناب آقای دکتر مصدق راجع به تمدید مدت امتیاز و نظر دولت در باب استیفای حقوق ایران در مدت سی سال تمدید فرموده‌اند، اشعار می‌گردد که سی سال تمدید مورد نظر ایشان از ده سال دیگر شروع می‌شود و به طوری که استحضار دارند نه به موجب قرارداد ۱۹۳۳ و نه به موجب قرارداد الحاقی حقوق دولت ایران نسبت به این مدت یعنی سی سالی که از ده سال آینده به بعد مشخص می‌گردد معین نگردیده و نیز به موجب ماده ۱۱ امتیازنامه مقرر است که نسبت به مالیات مربوط به این دوره که بدون شک قسمت مهمی از درآمد دولت را تشکیل خواهد داد، بعداً طرفین مذاکره و توافق نمایند. بنابراین حقوقی را که قرارداد الحاقی مشخص می‌نماید فقط مربوط است به مدتی که از امتیاز داری باقی مانده است و چون از فحوای بیانات جناب آقای دکتر مصدق چه در مجلس شورای ملی و چه در کمیسیون نفت این طور استنباط گردیده که ایشان با قرارداد داری موافقت داشته و مخالفتشان فقط با تمدید مدت است، با توضیحاتی که در بالا داده شد چون تکلیف حقوق دولت در مدت سی سال تمدید بایستی بعداً با توافق دولت و شرکت معین شود فعلاً آنچه که طبق نظریه ایشان

بایستی مورد مقایسه قرار بگیرد، همانا حقوق دولت ایران طبق قرارداد الحاقی و طبق امتیازنامه داری است. برای این موضوع اگر شصت میلیون لیره را که خود ایشان بعنوان درآمد ویژه شرکت تعیین نموده‌اند و اگر فرض کنیم که به موجب امتیاز داری ۱۶ درصد درآمد ویژه کلیه شرکت‌های تابعه بایستی عاید دولت ایران گردد برخلاف تعبیری که شرکت از امتیازنامه نموده و معتقد بود که فقط درآمد عملیات شرکت در ایران بایستی عاید دولت گردد ۱۶ درصد شصت میلیون لیره ۹/۶ میلیون لیره می‌باشد و حال آنکه به موجب قرارداد الحاقی درآمد دولت ایران در حدود اقلأً سالی ۲۵ میلیون لیره می‌باشد و از اینجا واضح می‌گردد که تعقیب نظر ایشان یعنی رجعت به قرارداد داری چه زیان مالی هنگفتی برای دولت خواهد داشت، صرف‌نظر از اینکه حدود امتیاز به سه برابر وسعت فعلی افزایش یافته و انحصار لوله‌کشی نیز برقرار می‌گردد. بنابراین واضح است که برای ده سال آینده که قرارداد داری بقوت خود باقی بوده و به هر حال طبق نظر جناب آقای دکتر مصدق شرکت حق استفاده از امتیاز خود دارد، مقایسه به قراری است که در بالا بیان شد و نسبت به سی سال تمديد نیز فعلاً مقایسه مقدور نمی‌باشد، زیرا حقوق دولت ایران طبق امتیازنامه موکول به موافقتی است که در آینده باید بشود.

ولی در این باب لازم است توضیح داده شود که ایشان معلوم نیست روی چه حسابی نفع آن مدت را سالی یکصد میلیون لیره حساب نموده‌اند، زیرا اگر استخراج شرکت را در این مدت سالی سی میلیون تن فرض کنیم و اگر حداکثر سودی که از استخراج و فروش نفت خام حاصل می‌شود تنی یک لیره فرض کنیم، حداکثر منافع استخراج ایران بالغ بر سی میلیون لیره می‌شود. البته منافع شرکت فعلاً بیش از این مبلغ است، ولی یک قسمت مهم از این منافع اولاً در اثر مقدار مهمی نفت خام است که شرکت از عراق و کویت و غیره استخراج می‌کند و ثانیاً منافع دستگاههای حمل و نقل و توزیع که در خارج از ایران و در کشورهای دیگر موجود است و به همین جهت در اثر مذاکراتی که بعداً طبق ماده ۱۱ امتیازنامه برای تعیین حقوق ایران به عمل خواهد آمد ترتیبی داده خواهد شد که مالیات ایران افزوده گردد و حقوق دولت ایران را به آسانی ترقی داد»

چنانچه جواب وزیر دارایی را تجزیه کنیم به این نتیجه می‌رسیم که این جانب باید در هفت فقره اظهار نظر کنم:

(۱) اینکه نوشته اند: «حقوق دولت ایران نسبت به این مدت یعنی ۳۰ سالی که از ده سال آینده به بعد مشخص می‌گردد، معین نگردیده» مربوط به سؤال من نیست و مربوط به ماده ۱۱ قرارداد ۱۹۳۳ می‌باشد که راجع به مالیات و عوارضی است که میزان آن برای ۳۰ سال اول به طور متوسط در هر سال ۲۶۲۵۰۰ لیره تعیین شده که بر طبق قرارداد تحمیلی ۱۹۳۳ در سال ۱۹۴۸ دولت از کمپانی ۲۶۲۵۰۰ لیره از بابت مالیات بر درآمد گرفته، در صورتی که در همان سال کمپانی از بابت مالیات بر درآمد به دولت انگلیس ۲۸ میلیون پرداخته است و برای ۳۰ سال

دوم هم باید قبل از ۱۹۶۳ بین دولت و کمپانی توافق حاصل شود و آقای فروهر خواسته‌اند خود را به سؤال آشنا نکنند و جواب را به طفره برگذار نمایند.

(۲) مقایسه قرارداد ۱۹۳۳ با قرارداد داری و تعیین مزایایی برای امتیاز داری دلیل موافقت این جانب نسبت با قرارداد داری نیست. این جانب با هردو مخالفم و یگانه راهی هم که ملت ایران را از ظلم و زورگویی کمپانی خلاص کند این است که صنعت نفت در تمام مملکت ملی اعلام شود.

(۳) اینکه نوشته‌اند اجرای قرارداد ۱۹۳۳ از نظر حق‌الامتیاز برای دولت مفیدتر است تا قرارداد داری، قابل قبول نیست، چنانچه عایدات سال ۱۹۴۸ را که خود شرکت منتشر نموده و کمتر از میزان واقعی است مأخذ قرار دهیم معلوم خواهد شد که اجرای قرارداد داری از نظر مالی برای دولت بمراتب مفیدتر است، زیرا صرف‌نظر از ۳ درصدی که به خوانین بختیاری پرداخت می‌شده است دولت ایران بر طبق قسمت آخر فصل ۱۰ قرارداد داری ۱۶ درصد از عواید هریک از شرکت‌های بهره‌برداری را می‌بایستی دریافت داشته باشد، ولی طبق قرارداد ۱۹۳۳ فقط دولت ایران با شرکت نفت انگلیس و ایران که شرکت مادر است، طرف بوده، بنابراین ۱۶ حروفی درصد عواید شرکت نفت مادر را که اینجانب مبنا قرار می‌دهم حداقل عوایدی است که از بابت ۱۶ درصد‌های کلیه شرکت‌های بهره‌برداری عاید ایران می‌گردیده‌است و بنابراین ۱۶ درصد ۶۲ میلیون لیره عواید سال ۱۹۴۸ شرکت مادر، که معادل ۱۰ میلیون لیره می‌شود، به‌تنهایی از عایدات دولت ایران در سال ۱۹۴۸ براساس قرارداد ۱۹۳۳ بیشتر می‌باشد. به‌علاوه طبق فصل هفتم قرارداد داری که ضمن ماده ۲۳ قرارداد ۱۹۳۳ نیز به‌صورتی که مورد قبول شرکت هم بوده است تفسیر شد، شرکت نفت و سایر شرکت‌های بهره‌برداری از پرداخت مالیات بر درآمد معاف نبوده و فعلاً که بیلان سایر شرکت‌ها در دسترس نیست، این جانب فقط میزان بدهی شرکت نفت تنها در سال ۱۹۴۸ و بر اساس قرارداد داری و نرخ مالیاتی قبلی را که ۵۰ درصد است منظور می‌نمایم و با این تفصیل طبق بیلان شرکت که مورد قبول ملت ایران نیست، شرکت نفت در سال ۱۹۴۸ می‌بایست ۳۱ میلیون لیره مالیات به دولت ایران پرداخته باشد.

بنابراین جمع عایدی دولت ایران طبق قرارداد داری در اساس بیلان ۱۹۴۸ خود شرکت و نرخ مالیاتی فعلی به ۴۱ میلیون لیره بالغ می‌شود و حال آنکه طبق قرارداد ۱۹۳۳ در همین سال عایدی ایران از همه بابت ۱۰ میلیون لیره شده و طبق قرارداد الحاقی بر خلاف ۲۵ میلیون لیره‌ای که آقای وزیر دارایی ضمن پاسخ اظهار داشته‌اند در حدود ۱۹ میلیون لیره می‌شود به شرح ذیل:

- ۱- طبق قرارداد ۱۹۳۳ و قلمدادی خود کمپانی ۱۰ میلیون لیره.
 - ۲- بابت حق دولت ایران در ذخایر طبق قرارداد ۱۹۳۳ و تفسیر شرکت ۵/۸ میلیون لیره.
 - ۳- بابت اضافه مالیات و اضافه حق‌الامتیاز بر طبق قرارداد الحاقی ۲/۹ میلیون لیره.
- جمع ۱۸/۷ میلیون لیره.

بنابراین از نصف مبلغ دریافتی ایران بر طبق قرارداد داری هم کمتر است.

۴- چنانکه ملاحظه شد عواید دولت ایران بر اساس قرارداد داری و برای یک سال مالی شبیه به سال ۱۹۴۸ چهار برابر عواید دولت طبق قرارداد ۱۹۳۳ و ۲ برابر و نیم عواید دولت بر اساس قرارداد الحاقی که دولت فعلی ما می‌خواهد به هر قیمت شده آن را از تصویب مجلس بگذرانند، می‌شده است.

به‌علاوه از نظر تمديد مدت هم قرارداد ۱۹۳۳ به مراتب زیانبخش‌تر است. زیرا در انقضای مدت قرارداد داری تمام ایبیه و مؤسسات شرکت به دولت ایران تعلق می‌گرفته است (در صورتی که طبق قرارداد ۱۹۳۳ و قرارداد الحاقی این مایملک برای مدت ۳۲ سال بلاعوض به شرکت واگذار شده است).

اما نسبت به حوزه امتیازی که وزیر دارایی محدودیت آن را تذکر داده‌اند. بایستی متوجه بود که شرکت علاوه بر اینکه از سال ۱۹۰۱ تا ۱۹۳۳ یعنی مدت ۳۲ سالی که برای شناسایی منابع واقعی نفت در حوزه امتیازی وقت داشته طبق ماده ۲ قرارداد ۱۹۳۳ هم ۸ سال برای انتخاب صد هزار میل مربع حوزه امتیازی قطعی وقت داشته و بنابراین بدون کمترین تردیدی بهترین منابع را گلچین کرده است، چنانچه سِر ویلیام فریزر رئیس سابق شرکت نفت در مجمع عمومی صاحبان سهام محدود شدن حوزه امتیازی را به هیچ وجه قابل توجه نشناخته و به صاحبان سهام اطمینان داده است که منابع اصلی و حقیقی نفت ایران همچنان در اختیار شرکت نفت باقی مانده است.

۵- اما راجع به لغو انحصار لوله کشی که به عنوان اولویت قرارداد ۱۹۳۳ تذکر داده‌اند. باید دانست که به واسطه اعمال نفوذهای شرکت نفت تا کنون ملت نتوانسته است بقیه منابع نفتی خود را مورد استفاده قرار دهد و بعید به نظر می‌رسد که با ادامه برقراری شرکت نفت در ایران، دولت و ملت ایران بتوانند از این اولویت استفاده‌ای ببرند.

به‌علاوه نظر به تعهداتی که دولت ایران به عهده گرفته است، منبع نفتی که فعلاً برای بهره‌برداری مقدم خواهد بود، منابع نفتی است که بتوان محصول آن را به مصرف داخلی رسانیده و در باصرفه‌ترین شرایط به شوروی صادر نمود و قرارداد داری مانعی برای این استفاده نبوده است.

۶- و اما راجع به اینکه آقای وزیر دارایی نوشته‌اند:

«اگر استخراج شرکت را (که قاعدتاً منظور ایشان از ۱۹۶۱ تا ۱۹۹۳ می‌باشد) در آن مدت سالی ۳۰ میلیون تن فرض کنیم و حداکثر سودی که از استخراج و فروش نفت خام حاصل می‌شود ثنی یک لیره فرض نماییم حداکثر منافع استخراج ایران بالغ بر ۳۰ میلیون لیره می‌شود. بایستی متذکر شد که معلوم نیست به چه علت عایدات و استفاده از هر ثن را یک لیره گرفته‌اند و حال آنکه در بیلان ۱۹۴۸ که مبنای بحث ماست شرکت نفت از هر تن در حدود ۳ لیره استفاده

برده است، زیرا پس از ۱۷ میلیون لیتر استهلاکات عواید واقعی شرکت ۷۲ میلیون لیتر بجای ۶۲ میلیون ادعایی شرکت بوده است و چون این منافع از فروش ۲۳/۵ میلیون تن نفت به دست آمده است، بنابراین استفاده از هر تن ۶۱ شلینگ یعنی بیش از سه لیتر شده است.

حال اگر در این شرایط و براساس میزان استخراج سال جاری (۳۳ میلیون تن) عایدات دولت ایران را از منافع نفتی خود حساب کنیم، عایدات دولت سالیانه ۱۰۰ میلیون لیتر خواهد گردید. بایستی متوجه بود که محاسبه بالا براساس تنی سه لیتر صورت گرفته است مربوط به سال ۱۹۴۸ می باشد که هنوز لیتر تنزل نیافته بود، در صورتی که تنزل نرخ لیتر را نیز منظور نماییم همین عایدات بجای ۱۰۰ میلیون بالغ بر ۱۵۰ میلیون لیتر تنزل یافته امروزی می شود.

۷- اما نسبت به آنچه در انتهای نامه جوابیه خود به شرح زیر: «یک قسمت مهم از این منافع اولاً در اثر مقدار مهمی نفت خام است که شرکت از عراق و کویت و غیره استخراج می کند و ثانیاً منافع دستگاههای حمل و نقل و توزیع که در خارج از ایران و در کشورهای دیگر موجود است» نوشته اند، بایستی متذکر گردم که شرکت نفت طبق بیلان ۱۹۴۸ در حدود ۲۸ میلیون لیتر در شرکت های تابعه و متحده خود سهام داشته و از این بابت فقط در حدود ۲ میلیون لیتر طبق همان بیلان استفاده برده است و این مبلغ از ۷ درصد مبلغ به کار افتاده که کلاً متعلق به منابع نفتی ایران است تجاوز ننموده و بفرض اینکه تمام این مبلغ هم که حقاً دولت ایران در آن سهم است از عایدات شرکت کسر شود باز هم عایدات شرکت بجای ۶۲ میلیون لیتر ادعایی شرکت نفت فقط به ۶۰ میلیون لیتر تنزل می یابد و بنابراین نقصان محسوسی حاصل نمی کند.

برای مثال بایستی متذکر گردم که شرکت «بریتیش تنکر» که شرکت حمل و نقل دریایی نفت ایران است و تمام سرمایه آن متعلق به شرکت می باشد، در سال ۱۹۴۹ در حدود ۱۰ میلیون لیتر حداقل استفاده برده و از تمام این مبلغ فقط ۲۴۰ هزار لیتر به شرکت مادر، یعنی شرکت نفت سود داده است و حال آنکه ۴ میلیون لیتر از پول حاصله نفت ما در این شرکت به کار افتاده است.

دکتر محمد مصدق

نامه دکتر مصدق در اطراف قرارداد داری و قرارداد الحاقی نفت

اداره روزنامه محترم اطلاعات [!]

رونوشت نامه ای که بکمیسیون نفت در جواب آقای وزیر دارائی نوشته ام، برای درج در آن روزنامه محترم تقدیم می کنم.

دکتر محمد مصدق

کمیسیون محترم نفت [!]

آقای غلامحسین فروهر، وزیر دارائی، در فقره ۱ و ۳ پاسخ ثانوی که در اول آذرماه ۱۳۲۹

تسلیم آن کمیسیون محترم نموده سعی کرده‌اند که باز تلویحاً این جانب را طرفدار قرارداد داری معرفی کنند؛ این است که لازم می‌داند قبل از مبادرت به هر جواب، نظریه‌ای که جبهه ملی در خصوص امتیاز نفت جنوب در جلسه ۲۹ شهریورماه ۱۳۲۹ اتخاذ نموده و نظریه این جانب نیز بوده است به عرض برسانم:

«نظریه جبهه ملی این است که منافع ملت ایران که صاحب اصلی نفت است به طور عادلانه تأمین گردد. بنابراین چون امتیاز نامه داری که در زمان قبل از مشروطیت و تدوین قانون اساسی بدون کمترین مداخله ملت ایران تفویض گردیده و قرارداد ۱۹۳۳ که در دوران دیکتاتوری و علیرغم میل و مصلحت ملت ایران به زور و فشار تحمیل شده است و همچنین طرح الحاقی که فعلاً مطرح است، هیچ‌یک وافی به این معنا نیست، از نظر جبهه ملی مردود شناخته می‌شود».

و چون هر قدر بیشتر نمایندگان جبهه ملی و عضو کمیسیون نفت به پرونده‌های نفت آشنا شده و اطلاعات کاملی از اعمال کمپانی و اعمال نفوذ دولت انگلیس بدست آورده بیشتر یقین حاصل کرده‌اند که بودن شرکت در این مملکت حیات ملی و استقلال کشور را به باد می‌دهد؛ این بود که جبهه ملی در جلسه ۱۵ آبان‌ماه ۱۳۲۹ قطعنامه‌ای صادر نمود که نمایندگان جبهه ملی آن را در موقع اخذ رأی به کمیسیون پیشنهاد کنند. اکنون عین قطعنامه:

«بنام سعادت ملت ایران و منظور کمک به تأمین صلح جهانی، امضاکنندگان ذیل پیشنهاد می‌نمائیم که صنعت نفت ایران در تمام مناطق کشور بدون استثناء ملی اعلام شود یعنی تمام عملیات اکتشافی، استخراج و بهره‌برداری در دست دولت قرار گیرد».

اینجانب به ملی بودن صنعت نفت و جنبه اخلاقی آن بیش از جنبه اقتصادی معتقدم. بر فرض اینکه ما نتوانیم نفت را مثل کمپانی بمقدار زیاد استخراج نموده و بفروش رسانیم. در هر حال خواهیم توانست با استخراج مقدار کمتری [به] میزان مایحتاج داخلی خود و عواید فعلی دولت از شرکت نفت را تأمین نمائیم و بقیه نفت در محل خود بماند تا نسل آینده از آن بهتر منتفع شود.

از حسن اداره کمپانی ملت ایران تاکنون بهره‌ای نبرده و عایدات نفت یا صرفاً در راهی خرج شده که نفع آن عاید بیگانگان شده و یا اشخاصی از آن استفاده برده‌اند که دست‌نشانده کمپانی و دشمن ملت ایران بوده‌اند.

چنانچه صنعت نفت ملی شود شرکتی وجود نخواهد داشت که برای پیشرفت کار خود در امور داخلی ما اعمال نفوذ کند و اشخاص فاسد را قائم مقام اشخاص صالح و وطن‌دوست نماید. سطح اخلاقی امروز ما با سطح اخلاقی سال ۱۹۳۳ بسیار فرق کرده و کار تدنی اخلاقی به جایی رسیده که باعث ننگ هر ایرانی شده است.

با آن همه اعتراضاتی که نسبت به آقای تقی‌زاده شده است، ایشان تاکنون یک کلام از

خوبی‌های غیرواقع قرارداد ۱۹۳۳ بر زبان نیاورده و در مجلس ۱۵ نیز برای تبرئه خود کرده و اجباری را که در امضای آن داشته باطلاع عامه رسانیده‌اند.

در صورتیکه زمامداران کنونی بی‌محابا از آن دفاع می‌کنند و بنابه اظهارات آقای نخست‌وزیر در کمیسیون نفت قرارداد الحاقی ساعد - گس که قرارداد تحمیلی و باطل ۱۹۳۳ را تنفیذ می‌کند، وزرای ایشان تأیید کرده‌اند.

معروف است که در موقع امضای قرارداد ۱۹۳۳ کمپانی قلمی از طلا ساخته بود که بعد از امضای قرارداد آن را به آقای تقی‌زاده هدیه کند و ایشان قبول نکرده‌اند و اکنون تردید نیست که برای دفاع از قرارداد الحاقی اگر کمپانی قلمی از چوب بدهد، متصدیان آن را با منت قبول و تاج سر خود می‌کنند.

اما راجع به منظور این جانب از سئوالی که در جلسه ۲۰ آبان ماه ۱۳۲۹ از آقای فروهر وزیر دارائی نموده‌ام، بایستی بعرض کمیسیون برسانم که چون بکرات شنیده شد که متصدیان امور اینطور اظهار کرده‌اند که قانون ۲۹ مهرماه ۲۶ برای استیفای حقوق ملت ایران بوده و منظور از آن لغو قرارداد ۱۹۳۳ نمی‌باشد و با این استناد از هرگونه پاسخی نسبت به تمدید مدت زیان بخشی که ضمن قرارداد ۱۹۳۳ به ملت ایران تحمیل گردیده، خودداری نموده‌اند و حال آنکه در اثر تمدید مدت:

اولاً - مایملک شرکت که در ۱۹۶۱ متعلق به کشور ایران می‌شده برای مدت ۳۲ سال دیگر در اختیار شرکت نفت گذارده شده، مایملکی که برطبق بیلان سال ۱۹۴۸ و اعتراف رئیس شرکت هم‌اکنون در حدود ۲۰۰ میلیون لیره ارزش دارد و سود تجارتي آن سالیانه ۲۰ میلیون لیره می‌شود.

ثانیاً - تمام منافع حاصله از فروش و تصفیه نفت ایران که بایستی از سال ۱۹۶۱ کلاً به جیب ملت ایران برود، در ازاء مبلغ ناچیزی که ضمن قرارداد ۱۹۳۳ تعیین گردیده و می‌خواهند با قرارداد الحاقی مبلغی بر آن اضافه نمایند بجیب شرکت نفت خواهد رفت و تازه قراردادهای نامبرده با حق حاکمیت ملت ایران که تنها نمونه استقلال ماست نیز مابینت دارد. بنابر این موضوع تأمین حقوق از دست رفته ملت ایران در اثر تمدید مدت موضوعی است که منظور اصلی قانون و سؤال اینجانب بوده و هیچیک از دولت‌ها تاکنون نسبت باستیفای آن اقدامی ننموده و دولت قبلی نیز پاسخ سؤال مرا در این مورد به تعلل گذرانیده و از آن طفره زده است (ملاحظه شود فقره اول نامه آقای وزیر دارائی)

حال که برای سومین دفعه منظور اصلی از سؤال خود را بعرض آقایان اعضاء محترم کمیسیون رسانیده‌ام، لازم می‌دانم که جواب گزارش (و لایحه) آقای وزیر دارائی را به سه قسمت زیر تقسیم کنم:

۱ - موضوع مالیات و شمول یا عدم شمول آن بعایدات شرکت براساس قرارداد داری.

۲- موضوع تصحیح اعداد و تفسیرهایی که آقای وزیر دارائی از ارقام ذکر شده توسط اینجانب نموده‌اند.

۳- تذکر پاره‌ای نکات دیگر که ضروریست.

جواب فقره ۴ نامه مذکور:

(۱) - مالیات بردرآمد برطبق قسمت اول از فصل هفتم قرارداد داری که بدین قرار تنظیم شده:

«تمام اراضی که به صاحب امتیاز واگذار شده و همچنین تمام محصولات آنها که به خارجه حمل می‌شود، از همه نوع مالیات و عوارض در مدت امتیاز نامه معاف خواهد بود...» و این معافیت مربوط به مالیات اراضی است که به صاحب امتیاز مجاناً واگذار شده یا صاحب امتیاز آنها را از صاحبان اراضی خریداری کرده و نیز مربوط به محصولاتی است که به خارجه حمل می‌شود از پرداخت حقوق گمرکی معاف گردیده است.

بنابراین معافیت مزبور شامل مالیات بردرآمد که در حین امتیاز معمول نبوده و در اولین بار در ۱۳۰۹ رفع و برقرار شده است نمی‌باشد و چون هر شرکتی که در ایران باعمال بهره‌برداری و تجاری اشتغال پیدا کند، مشمول مقررات قانون مزبور می‌باشد. روی همین اصل بوده که کمپانی برطبق قسمت دوم ماده ۲۳ قرارداد ۱۹۳۳ حاضر شده است که مالیات بر درآمد خود را که پرداخته بود از اول فروردین ۱۳۰۹ یعنی تاریخ تصویب قانون مالیات بردرآمد تأدیه کند و مبالغی را هم که پرداخت نموده است با نرخ مالیاتی قانون مزبور کاملاً تطبیق می‌کند.

از مقدمه فوق این نتیجه گرفته می‌شود که برطبق مقررات قرارداد داری کمپانی می‌بایستی در یکسال مالی شبیه به سال ۱۹۴۸ از بابت حق‌الامتیاز و مالیات ۴۱ میلیون لیره به دولت ایران پرداخته باشد، در صورتیکه برطبق قرارداد الحاقی در سال مزبور می‌خواهد به ما ۱۸/۶ میلیون لیره بدهد.

و چنانچه از مبلغ فوق ۵/۸ میلیون وجه ذخیره که متعلق به دولت ایران بوده است، موضوع کنیم و همچنین ۱۰ میلیون لیره پرداختی از بابت حق‌الامتیاز و مالیات سال ۱۹۴۸ را کسر نمائیم فقط ۲/۸ میلیون لیره باقی می‌ماند و این وجهی است که برطبق مقررات قرارداد الحاقی از بابت ۲ شلینک اضافه بر ۴ شلینک حق‌الامتیاز سابق و سه پنس اضافه مالیات هر تن به دولت ایران تعلق گرفته است.

نسبت به سه درصد حق خوانین بختیاری چون این جانب آن را بحساب نیاورده‌ام مستغنی از جواب است.

جواب فقره ۲

(۲) - موضوع تصحیح اعداد و تفسیرهایی که آقای وزیر دارائی از ارقام ذکر شده توسط این جانب نموده‌اند بایستی متذکر بود که منظور این جانب از تعیین ۲۶۲۵۰۰ لیره متوسط

حداقل مالیات تعهدی شرکت برای ۳۰ سال اول قرارداد ۱۹۳۳ بوده است و مقصود این نبوده که وجه مزبور مبلغ پرداخته شده در سال ۱۹۴۸ می‌باشد.

و بفرض اشتباه از اینکه آقای وزیر دارائی عدد بالا را اصلاح نموده و میزان پرداختی را معادل ۱/۴ میلیون لیره معین نموده‌اند تغییری در نکته مورد نظر اینجانب که مالیات دریافتی ایران در مقابل مالیات دریافتی دولت انگلستان بسیار ناچیز بوده خدشه‌ای وارد نشد، زیرا برطبق مبلغ تعیین شده توسط ایشان مالیات دریافتی دولت انگلیس که ۲۸ میلیون لیره بود معادل ۲۱ برابر مالیات بردارم‌دست که در همان سال به دولت ایران پرداخته شده است و حال آنکه ملت ایران مالک حقیقی تمام منابع نفتی خود بوده و در صورتیکه تمديد مدت به میان نیامده بود، اولاً دولت ایران مالیات بیشتری در ظرف ۳۰ ساله آخر قرارداد داری دریافت می‌نمود و بعلاوه در سال ۱۹۶۱ تمام عواید شرکت به دولت ایران تعلق می‌گرفت.

اما اینکه ایراد نموده‌اند چرا این جانب سال ۱۹۴۸ را که مدعی هستند سال استثنائی بوده مبنا قرار داده‌ام متذکر می‌شوم که منظور اینجانب از کلیه آن محاسبات و تعیین عدد صد میلیون لیره به هیچوجه عظمت آن عدد نبوده بلکه برای این بوده است که در صورت ملی کردن نفت از هم‌اکنون و بفرض وجود قرارداد داری از سال ۱۹۶۱ تمام عواید حاصله از فروش نفت و تصفیه آن عاید دولت ایران می‌گردید و حال آنکه برطبق قراردادهای کشور ونزوئلا هم باشد، فقط نیمی از عایدات شرکت نصیب دولت ایران خواهد شد و برطبق قرارداد الحاقی نیز به حداکثر یک چهارم آن عایدات سهم دولت ایران می‌شود.

بهرحال بقیه موضوع تصحیح اعداد را که خود آقای وزیر دارائی بدان اتکاء نموده و درباره آن قلمفرسائی نموده‌اند مسکوت می‌گذارم. زیرا اولاً تصحیحات ایشان بهیچ وجه نکاتی که تذکر آن منظور اینجانب بوده است تغییر نمی‌دهد - و ثانیاً اگر مقصود جنگ اعداد و خرده‌گیری بوده من هم متذکر می‌شوم که آقای وزیر دارائی که حقاً بایستی لااقل نرخ مالیاتی زمان را که ۴ درصد بوده بدانند متأسفانه ضمن مرقومه خود آنرا سه درصد تعیین نموده و نمی‌توانند برای اصلاح این اشتباه نه متکی بعدم اطلاع و فقدان مدارک دردسترس خود بشوند و نه آنرا حمل بر اشتباه ماشین‌نویس نمایند.

(۳) - تذکر پاره‌ای نکات ضروری:

الف - راجع به اموال کمپانی بعد از انقضاء مدت.

نظر این بود که بعد از ۱۹۶۱ تمام آن مایملک متعلق به دولت ایران خواهد بود و هیچ نظری نسبت به مقایسه فصل ۱۵ قرارداد داری و فصل ۲۰ قرارداد ۱۹۳۳ نبود و چنانچه مقایسه شود معلوم خواهد شد که مقررات قرارداد ۱۹۳۳ بر مقررات قرارداد داری اولویتی ندارد.

و اما راجع به وسعت حوزه امتیاز؛ این موضوع مورد انکار این جانب نبوده و باز هم تأیید می‌نمایم که شرکت نفت برای شناسائی نواحی نفت‌خیز ۳۲ سال و برای انتخاب بهترین منابع

نفی ۵ سال یعنی مدت کافی در اختیار داشته و وسایل فنی امروزی نیز از زمان جنگ اول جهانی در اختیار شرکت‌های نفت بوده و مسلماً شرکت حداکثر استفاده را از آن نموده و موضوع انتخاب بهترین منابع مورد تأیید سر ویلیام فریزر رئیس شرکت نیز واقع شده است.

جواب فقره ۶

راجع به اولویت بهره‌برداری از منابع نفت شمال منظور این‌جانب بخصوص تأمین نیازمندیهای ناحیه شمال ایران به قیمت ارزان و ایجاد رقیب برای شرکت نفت بوده و نسبت به شوروی منظوری غیر از آنچه ضمن بند «د» قانون ۲۹ مهرماه ۱۳۲۶ مقرر شده نبوده است.

جواب فقره ۷ و ۸

اینکه قسمتی از عایدات شرکت نفت را متعلق به شرکت‌های نفت کویت و غیره دانسته‌اند چون هیچ‌گونه عددی داده نشده، این‌جانب نمی‌توانم اظهار عقیده نمایم و چنانچه این اظهار صحت هم داشته باشد آن عواید مبلغ ناچیزی از درآمد شرکت نفت را تشکیل می‌دهد. در خاتمه لازم است عرض کنم بجای اینکه دولت راجع به تأمین منافع و استیفای حقوق ملت ایران که در اثر تمدید مدت قرارداد داری از بین رفته است جواب مقتضی به سؤال این‌جانب بدهند، اینطور اظهارنظر می‌کنند که جنبه سیاسی قضیه نفت به جنبه اقتصادی و حقوقی آن مقدم است و از این راه می‌خواهند بوسیله قرارداد الحاقی قرارداد باطل دوره دیکتاتوری و بالتیجه و علی‌رغم مصالح ملی تمدید مدت را تنفیذ کنند و هیچ توضیح قابل قبول نسبت به نوع و خصوصیات جنبه سیاسی ادعائی نمی‌دهند تا اگر قرارداد تصویب نشود بدو عواقب و خیمه آن گفته شده باشد این است که از آقایان محترم اعضاء کمیسیون خواهانم، اگر می‌توانند نسبت به جنبه سیاسی توضیحاتی بدهند که در صورت مجلس کمیسیون درج شود و بااطلاع عموم هم برسد والا بصرف اظهارات بی‌دلیل، ملت ایران نمی‌تواند از مایملکی که برای آن یک قضیه حیاتی است صرفنظر کند.

اما اینکه بعضی مقامات اظهار کرده‌اند که در صورت پافشاری نسبت به تصویب قرارداد الحاقی، مردم نسبت به همسایه جنوبی جری شده و بالمال توجه به همسایه دیگری می‌کنند، منطقی و صحیح نیست. چه علت پیشرفت کمونیسم تنها مرام نیست، بلکه در بسیاری از نقاط مرهون طمع و سوء سیاست بعضی از دول است.

از هر کس سؤال کنند که با قرارداد الحاقی موافق است یا نیست، خواهد گفت نه، پس آنچه که سبب عدم رضایت می‌شود تصویب قرارداد است.

هر کس اینطور تصور کند که ارزش قانونی قرارداد الحاقی بیش از قرارداد ۱۹۳۳ باشد، تصویری به غلط و باطل کرده است. زیرا بطلان قرارداد ۱۹۳۳ فقط از این جهت نیست که در دوره دیکتاتوری منعقد شده، چه بسیاری از امور که در آن دوره گذشته چون بر صلاح بوده، کسی با آنها مخالفت نکرده است.

دکتر محمد مصدق

۱۱۶

نامه دکتر مصدق به مهندس حسینی

۲۸ آذرماه ۱۳۲۹

قربانت شوم [۴] امیدوارم وجود محترم سلامت باشد، حال بنده بواسطه اینکه نمی‌توانم استراحت کنم خوب نشده و تا تکلیف نفت در مجلس معلوم نشود بنده امید به بهبودی ندارم. اکنون ورقه جوف را با تشکرات خود تقدیم می‌نمایم [۵].

دکتر محمد مصدق

۱۱۷

نامه دکتر مصدق به حسین مکی

۷ / دی‌ماه / ۱۳۲۹

قربانت شوم [۶]، جواب تلگراف شیراز را بنده امضاء نموده‌ام اگر حضرات آقایان موافقند مخایره شود. راجع به تلگراف هم که در جوف تقدیم می‌شود هر اقدامی که لازم است البته خواهند فرمود.

دکتر محمد مصدق

۱۱۸

نامه دکتر مصدق به حسین مکی

۱۰ دیماه ۱۳۲۹

قربانت شوم [۷] نامه جوف را استدعا می‌کنم مطرح فرمائید و هر تصمیمی که اتخاذ می‌فرمائید بصاحب نامه مرقوم فرمائید. بنده جواب بایشان همینطور نوشتم که هر تصمیمی که اتخاذ شود با اطلاع ایشان خواهد رسید.

دکتر محمد مصدق

۱۱۹

نامه دکتر مصدق به حسین مکی

۱۳۲۹/۱۰/۱۴

ضمیمه دارد

قربانت گردم [۸] از اصفهان نامه‌ای راجع به ملی شدن صنعت نفت رسیده که برای استحضار

خاطر محترم ارسال می‌نمایم. در صورت لزوم به حضرات آقایان محترم نمایندگان اصفهان ارائه خواهند فرمود.

دکتر محمد مصدق

۱۲۰

یادداشت دکتر مصدق خطاب به حسین مکی

چنانچه خدمت حضرت عالی بلیط باشد؛ استدعا می‌کنم سه برگ برای بنده لطف فرمایند.

۱۲۱

نامه دکتر مصدق به سیروس حسین خبیری

فرستنده: دکتر محمد مصدق

تهران - خیابان کاخ - کاستی ۱۰۹

آقای سیروس حسین خبیری

شماره ۵۱۰۸ خیابان کائیدرال

واشنگتن - ایالات متحده امریکا

۱۵ دی‌ماه ۱۳۲۹ - ۱۵ ژانویه ۱۹۵۱

آقای محترم [!] نامه شریف عز و وصول ارزانی بخشید و آقایان محترم متحصنین در مجلس شورای ملی ارائه و موجب نهایت امتنان گردید. همگی از احساسات بی‌آلایش شما تشکر می‌کنیم و موفقیت هموطنان عزیز را در پیشرفت مقاصد ملی خواهانیم.

دکتر محمد مصدق

۱۲۲

نامه دکتر مصدق به حسین مکی

۱۶ دی‌ماه ۱۳۲۹

قربانت گردم [؟] نامه جوف را باستحضار حضرات آقایان محترم رسانیده و برای بنده اعاده می‌فرمائید، چنانچه اسباب زحمت نویسنده نمی‌شد برای درج در روزنامه بد نبود چون شرکت در هرکجا نماینده دارد خصوصاً در سازمان برنامه ممکن است اسباب زحمت او را فراهم کنند لذا از انتشار باید خودداری کرد.

دکتر محمد مصدق

[مجدداً]

روزنامه جوف را هم پس از ملاحظه اعاده فرمایند.

۱۲۳

نامه دکتر مصدق به حسین مکی

۱۳۲۹/۱۰/۱۷

ضمیمه دارد
قربانت گردم [۱] تلگرافی به امضای آقای دکتر سلامت‌بخش و چندین نفر دیگر در موضوع ملی شدن صنعت نفت از رشت به این جانب رسیده که عیناً برای استحضار حضرات آقایان نمایندگان محترم تقدیم می‌شود.

دکتر محمد مصدق

۱۲۴

نامه دکتر مصدق به حسین مکی

۱۷ دیماه ۱۳۲۹

قربانت شوم [۱] رونوشت تلگراف کرمانشاه را تقدیم می‌کنم که هر اقدامی لازم باشد بفرمائید. بامضا کنندگان تلگراف جواب نوشته شد که از آقایان نمایندگان جبهه ملی در مجلس آنچه برآید دریغ نخواهند نمود.

دکتر محمد مصدق

۱۲۵

نامه دکتر مصدق به حسین مکی

۱۳۲۹/۱۰/۱۷

ضمیمه دارد

قربانت گردم [۱] رونوشت تلگرافی بامضای آقای محمد احقری و چند نفر دیگر در موضوع ملی شدن صنعت نفت از همدان باینجانب رسیده که عیناً برای استحضار حضرات آقایان نمایندگان محترم تقدیم می‌گردد.

دکتر محمد مصدق

۱۲۶

نامه دکتر مصدق به حسین مکی

۱۳۲۹

قربانت شوم [۱] رونوشت عریضه‌ای که سندیکای کارگران حلب‌سازی به پیشگاه

اعلیحضرت همایونی شاهنشاهی عرض نموده و برای بنده ارسال داشته‌اند در جوف از لحاظ محترم می‌گذرد، خواهانم اگر مقدور باشد با جناب آقای آشتیانی‌زاده مذاکره و رفع اشکال از کار ایشان بفرمائید، دیگر بیش از این مصدع نمی‌شوم و سلامت جنابعالی را خواهانم.

دکتر محمد مصدق

۱۲۷

نامه دکتر مصدق به حسین مکی

۱۸ دیماه ۱۳۲۹

قربانت شوم [۴] جواب تلگراف شیراز را بنده امضا نموده‌ام اگر حضرات آقایان موافقند مخبره شود. راجع باصل تلگراف هم که در جوف تقدیم می‌شود هر اقدامی که لازم است البته خواهند فرمود.

دکتر محمد مصدق

۱۲۸

نامه دکتر مصدق به حسین مکی

۱۹ دی‌ماه ۱۳۲۹

قربانت شوم [۴] مرقومه محترمه شرف وصول داد. الغاء قوانین ظالمانه مطبوعات مژده بزرگی بود که به بنده رسید امیدوارم که در سایر مطالب هم خیرخواهان مملکت موفقیت حاصل کنند. در خاتمه تشکرات خود را خدمت حضرات آقایان محترم تقدیم می‌کنم، سلامت و موفقیت همگی را از خداوند مسئلت دارم.

دکتر محمد مصدق

۱۲۹

نامه دکتر مصدق به مهندس حسینی

۱۹ دی‌ماه ۱۳۲۹

قربانت شوم [۴] امیدوارم که سفر رشت حضرتعالی را خسته نکرده باشد، تازه احزاب ما می‌خواهند بوظایف حزبی خود آشنا شوند و جای بسی امیدواری است [۰]. خواهانم که خداوند همگی را بخدمت میهن موفق بدارد [۰]. از حال بنده بخواهید بواسطه استراحت دیگر تب نکرده‌ام [۰]. ۱۸ روز دیگر هم باید استراحت کنم بلکه حالم طوری شود که در حرکت دچار تب نگردم. در خاتمه ارادت خود را تجدید و سلامت جنابعالی را خواهانم. پاکتی هم با پست سفارشی به قلهک فرستاده‌ام البته رسیده است.

دکتر محمد مصدق

۱۳۰

جواب دکتر مصدق به تلگراف مردم شیراز

شیراز توسط جناب آقای عباس صدیق، حضرات آقایان محترم. [؟]
تلگراف آقایان به مجلس شورای ملی تقدیم خواهد شد. امیدواریم که حضرات آقایان
نمایندگان فارس از نیت موکلین خود پیروی نمایند.
از طرف جبهه ملی - دکتر مصدق

۱۳۱

نامه دکتر مصدق به حسین مکی

۱۳۲۹/۱۰/۲۰
ضمیمه دارد

قربانت گردم [؟] شرحی بامضای آقای عالمی در موضوع ملی شدن صنعت نفت از همدان
باین جانب رسیده که عیناً برای استحضار حضرات آقایان نمایندگان محترم تقدیم می‌دارد.
دکتر محمد مصدق

۱۳۲

یادداشت دکتر مصدق به حسین مکی

۲۱ دی ماه

قربانت شوم [؟] هر وقت که مجال فرمودید در این دو روز استدعا دارم چند دقیقه بنده را
سرافراز فرمائید.

دکتر محمد مصدق

۱۳۳

نامه دکتر مصدق به حسین مکی

۱۳۲۹/۱۰/۲۳
ضمیمه دارد

قربانت شوم [؟] تلگرافی بامضای آقای شیخ محمدرضا علوی و چند نفر دیگر در موضوع
ملی شدن صنعت نفت از شهرضا باین جانب رسید که عیناً برای استحضار حضرات آقایان
نمایندگان اعضاء جبهه ملی تقدیم می‌شود.

دکتر محمد مصدق

۱۳۴

نامه دکتر مصدق به حسین مکی

۱۳۲۹/۱۰/۲۴

ضمیمه دارد

قربانت شوم [!؛] رونوشت تلگرافی بامضای آقای نادعلی کریمی در موضوع ملی شدن صنعت نفت از کرمانشاه باین جانب رسیده که عیناً برای استحضار حضرات آقایان نمایندگان اعضاء جبهه ملی تقدیم می شود که پس از ملاحظه بر طبق تقاضای صاحب تلگراف به مجلس شورای ملی یا بدیرخانه، هر کدام که مقتضی دانید تسلیم شود.

دکتر محمد مصدق

۱۳۵

نامه دکتر مصدق به حسین مکی

۲۹/۱۰/۲۶

ضمیمه دارد

قربانت شوم [!؛] تلگرافی بامضای آقای موسی قطب و چند نفر دیگر در موضوع ملی شدن صنعت نفت و اصلاح قانون انتخابات از دزفول باین جانب رسیده که عیناً برای استحضار حضرات آقایان نمایندگان جبهه ملی تقدیم می گردد.

دکتر محمد مصدق

۱۳۶

نامه دکتر مصدق به حسین مکی

۱۳۲۹/۱۰/۲۷

ضمیمه دارد

قربانت شوم [!؛] شرحی بامضای آقای علی اکبر جم خو در موضوع ملی شدن صنعت نفت از اهواز باین جانب رسیده که عیناً برای استحضار حضرات آقایان محترم جبهه ملی تقدیم می گردد.

دکتر محمد مصدق

۱۳۷

یادداشت دکتر مصدق به حسین مکی

۱۳۲۹/۱۰/۲۸

ضمیمه دارد

اصل تلگراف آقای جواد کسائی از اصفهان در موضوع اصلاح قانون انتخابات بانضمام

رونوشت جوابی که تلگرافاً بایشان داده‌ام برای استحضار تقدیم می‌گردد که از نظر حضرات آقایان نمایندگان محترم جبهه ملی بگذرد.

[رقم امضاء] دکتر محمد مصدق

۱۳۸

نامه دکتر مصدق به مردم قزوین

حضور آقایان محترم [!]

از اظهار محبت و پشتیبانی که نسبت به این جانب و جبهه ملی فرموده‌اید متشکرم و یقین دارم با بیدار شدن افکار عمومی و علاقمندی که قاطبه ملت ایران برای رهایی از تسلط اقتصادی بیگانگان نشان می‌دهند، به خواست خداوند متعال صنایع نفت در سراسر کشور ملی خواهد شد. توفیق شما اهالی محترم قزوین را در این مبارزه ملی که آغاز فرموده‌اید مسئلت دارم.

۲۸ دی ۱۳۲۹

دکتر محمد مصدق

۱۳۹

نامه دکتر مصدق به حسین مکی

۳۰ دی ماه ۱۳۲۹

قربانت شوم [!؛] امیدوارم که در این سفر به حضرتعالی خوش گذشته باشد و همیشه موفق باشید. نامه‌ها و تلگرافهای ولایات برای تشویق دیگران همانطوریکه خود حضرتعالی تاکنون به آن عمل فرموده‌اید اگر در مجلس نشود از آنها صحبتی کرد لااقل باید در روزنامه منتشر شود، سلامت جنابعالی را خواهانم.

دکتر محمد مصدق

۱۴۰

نامه دکتر مصدق به حسین مکی

۱۳۲۹/۱۰/۳۰

ضمیمه دارد

قربانت شوم [!؛] شرحی بامضای آقای سیدمحمدکاظم ذکاوت در موضوع ملی شدن صنعت نفت از شیراز باینجانب رسیده که عیناً برای استحضار حضرات آقایان نمایندگان محترم جبهه ملی تقدیم می‌دارد.

دکتر محمد مصدق

۱۴۱

یادداشت دکتر مصدق به حسین مکی

۱۳۲۹/۱۱/۴

ضمیمه دارد

قریانت شوم

شرحی از طرف جمعیت ایرانی هواداران صلح باین جانب رسیده که عیناً تقدیم می‌دارد که در جلسه جبهه ملی مطرح فرموده و اگر نظریاتی اظهار شد از آن قرار جواب داده شود.
دکتر محمد مصدق

۱۴۲

نامه دکتر مصدق به دکتر سعید فاطمی

پنجم بهمن ماه ۱۳۲۹

جناب آقای سعید فاطمی

با اینکه حال خوشی ندارم به عرض این مختصر مصدع می‌شوم که چند روز قبل از آقایان پزشکان محترم که دوره تخصص خود را در کشور فرانسه طی می‌کنند راجع به مشکلات ارزی نامه‌ای رسید که آن را برای جناب آقای نخست‌وزیر فرستادم. چون آدرس فرستنده نامه را به واسطه کسالت ضبط نکرده‌ام، اکنون نمی‌دانم جواب آقای نخست‌وزیر را بچه وسیله به آقایان برسانم. این است که تصور کردم اگر خدمت جنابعالی بفرستم ممکن است آن را اگر مجمعی دارند بجمع آنها والا بیکی از آقایان که با جنابعالی مربوط باشد تسلیم فرمایند، چنانچه وسیله مطمئنی نباشد آن را اعاده فرمائید تا هر وقت مطالبه جواب کردند ارسال نمایم. از این مزاحمت معذرت می‌طلبم و از خداوند سلامت جنابعالی را خواهانم.

دکتر محمد مصدق

[مجدداً]

خانه‌ای که شما منزل دارید گمان می‌کنم خانه‌ای است که در سال ۱۹۰۸ میلادی بنده یک اتاق بدون غذا در آنجا داشتم. از خیابان سن میشل که وارد کوچه می‌شوند در حدود ۱۰۰ قدم و در دست چپ واقع شده بواسطه اینکه رو به آفتاب بود چند ماه بنده در آنجا منزل داشتم.

ظهر پاکت
هرانی

Monsieur Said Fatemi
30 Rue Gay Lussac
Paris - France

دکتر محمد مصدق
تهران

۱۴۳

نامه دکتر مصدق به ریاست مجلس شورای ملی

۱۳۲۹/۱۱/۱۰

ریاست مجلس شورای ملی

جلسه اول دوره دوم کمیسیون مخصوص نفت در روز دوشنبه نهم بهمن ماه ۱۳۲۹ تشکیل یافت. پس از مراجعه به سوابق و تصمیم مجلس شورای ملی که در جلسه ۱۳۲۹/۱۰/۲۱ در این موضوع اتخاذ شده است، متوجه این نکته گشت که چون تصمیم مجلس در تاریخ بیست و چهارم دی ماه ۲۹ طی نامه شماره ۸۷۱۹ برای اظهار نظر به مجلس سنا فرستاده شده و تاکنون با وجود اهمیت موضوع مجلس سنا هنوز در این باب نظری اتخاذ نکرده‌اند، ادامه رسیدگی منوط و متوقف بر وصول نظر آن مجلس شده است. متمنی است از طرف ریاست مجلس شورای ملی به ریاست مجلس سنا تأکید شود که هرچه زودتر موضوع را در آن مجلس مطرح نموده و نظر خود را ارسال دارند تا کمیسیون قادر شود به وظایف قانونی خود اقدام نماید.

رئیس کمیسیون مخصوص نفت - دکتر مصدق

۱۴۴

سؤال دکتر مصدق از کفیل وزارت دارائی

سؤال از جناب آقای شعاعی کفیل وزارت دارائی [!]

چون گفته می‌شود که بحریه دولت انگلیس نفت مورد احتیاج خود را بدون پرداخت قیمت از شرکت نفت می‌برد و در صورت صحت مبلغ مهمی به دولت ایران که در عایدات شرکت سهامی و شریک است ضرر وارد شده برای اینکه معلوم شود این حرف تا چه اندازه صحیح است متمنی است مقدار نفتی که در یکی از سالهای اخیر مثلاً در سال ۱۹۴۸ بحریه دولت انگلیس برده و مبلغی که از آن بابت به شرکت رسیده است در جلسه آتیه به استحضار کمیسیون برسانند.

دکتر محمد مصدق

۱۴۵

سؤال دکتر مصدق از نخست‌وزیر

جناب آقای رزم‌آرا نخست‌وزیر [!]

اکنون که کمیسیون خاص نفت تشکیل و از طرف آقایان نمایندگان مجلس شورای ملی

پیشنهاداتی داده شده وظیفه کمیسیون این است هریک از آنها که بیشتر منافع ملت ایران را تأمین کند آن را مقدم بشمارند، به این معنی که تا پیشنهاد نفت به دلایل مسلم و قطعی رد نشود پیشنهاد بعد مورد بحث و شور قرار نگیرد.

نظر به اینکه تعدیات و مظالم شرکت نفت سبب شد که نمایندگان جبهه ملی در مجلس پیشنهاد ملی شدن صنعت نفت را تقدیم مجلس کنند و جنابان آقایان بهبهانی، کاظم شبیانی و اسلامی هم با این پیشنهاد موافقت و آن را امضاء نمایند تا از معادن زرخیز نفت جنوب، آنچه بیگانگان می‌برند نصیب مردم بدبخت این مملکت بشود و از عدم رضایتی که به واسطه فقر و ناچه در تزايد است بکاهند.

نظر به اینکه با اطلاعات شخصی و وسایلی که در اختیار دولت است آن جناب، بیش از هر کس واقف به امور و بهتر می‌تواند حقایق مستور را بر کمیسیون روشن نمایند لذا این جانب از آن جناب دو سؤال می‌کنم:

اول - آیا دولت جناب شما ولو با کمک متخصصین خارجی، قادر هست که از معادن نفت جنوب بهره‌برداری کند یا نه؟ چنانچه جواب این سؤال منفی است علل آنرا مرقوم فرمایند.
دوم - چنانچه دولت ایران هیچ‌گونه تغییری در مشتریان نفت ندهد و کلیه محصول معادن نفت جنوب را بعد از وضع مصرف داخلی کماکان با دول و بنگاههایی معامله کند که تاکنون با شرکت نفت معامله می‌کرده‌اند آیا ممکن است ملی شدن صنعت نفت ایجاد عکس‌العمل‌هایی بکند یا نه؟ در صورت امکان توضیح فرمایند که عکس‌العمل‌های احتمالی از چه قبیل و نتایج آن ممکن است چه باشد؟

امیدوارم هرچه زودتر نظریات خود را مرقوم و یا در کمیسیون شفاهاً بفرمایند تا هر تصمیمی که اتخاذ می‌شود برخلاف مصالح مملکت نبوده و با صلاح و صواب توأم باشد.
دکتر محمد مصدق

۱۴۶

جواب دکتر مصدق به نامه دکتر قاسم غنی

سوم اسفند ۱۳۲۹

قربانت شوم [۱] مرقومه محترمه مورخ ۲۵ بهمن شرف وصول ارزانی بخشید و موجب نهایت امتنان گردید، تشکرات صمیمانه خود را از تسلیتی که فرموده‌اید تقدیم می‌کنم. بقا و سلامت وجود محترم را خواهانم. حال خود بنده مدتی است خوب نیست. در تابستان طبیب معالج دو ماه تعطیل را برای بنده واجب شمرد ولی متأسفانه کار کمیسیون نفت سبب شد که حتی یک روز هم تعطیل نکنم و مرتباً در جلسات علنی مجلس و کمیسیون که گاه تا عصر طول

می‌کشید حاضر شوم و کار به جائی برسد که همه روزه دچار تب و ناچار شوم این دفعه حرف طبیب را قبول بکنم، قریب دو ماه حرکت نکنم و کمتر حرف بزنم. خلاصه اکنون خوشوقت‌م که می‌توانم جواب مرقومه محترمه را بخط خود عرض کنم و عوالم ارادت را که لایتنیر است تجدید کنم. بیش از این مصدع نمی‌شوم و مزده صحت و سلامت عالی را همیشه منتظرم.

دکتر محمد مصدق

۱۴۷

پیشنهاد دکتر مصدق به کمیسیون مخصوص نفت

ماده اول - مجلس شورای ملی صنعت نفت را در تمام کشور ملی اعلام می‌کند، به این معنا که بهره‌برداری از تمام معادن نفت به حساب ملت ایران بشود.

ماده دوم - از تاریخ تصویب این قانون، تسویه حساب معادن نفت جنوب را کمپانی سابق به‌طور امانی و به حساب دولت ایران تحت نظر هیئت نظار بهره‌برداری خواهد نمود.

ماده سوم - هیئت نظار در ماده فوق مرکب است از هشت نفر از نمایندگان مجلس شورای ملی و هشت نفر از نمایندگان مجلس سنا به انتخاب هریک از مجلسین.

ماده چهارم - هیئت نظار مکلف است که با کمپانی سابق نفت جنوب برای ترتیب تسویه حساب داخل در مذاکره شده و نتیجه آن را به حداکثر در هشت ماه برای تصویب به مجلسین پیشنهاد نماید.

ماده پنجم - در صورتیکه کمپانی نفت جنوب به مفاد ماده دوم تمکین نکند هیئت نظار مکلف است کمیسیونی مرکب از هفت نفر از بین اعضاء خود یا از خارج به عنوان هیئت‌مدیره موقت انتخاب نموده پس از مطالعات لازم و با نظر متخصصین فنی پیشنهاد خود را برای سازمان دائم بهره‌برداری به مجلسین تقدیم کند.

تبصره ۱ - انتخاب اعضاء هیئت‌مدیره موقت باکثرت سه ربع از تمام اعضاء هیئت نظار خواهد بود.

تبصره ۲ - هیئت‌مدیره می‌تواند به قدر لزوم، کارشناس دعوت و یا استخدام نماید. امیدوارم هرچه زودتر نظریات خود را مرقوم و یا در کمیسیون شفاهاً بفرمائید تا هر تصمیمی که اتخاذ می‌شود برخلاف مصالح مملکت نبوده و به اصلاح و صواب توأم باشد.

دکتر محمد مصدق

۱۴۸

نامه دکتر مصدق به مهندس حسینی

۱۱ اسفند ۱۳۲۹

قربانت شوم [؛] روزنامه جبهه آزادی را امروز قرائت نمودم و از توضیحاتی که در خصوص

پیشنهاد بنده داده‌اید بسیار خوشوقت و متشکر شدم [۰]. بجان عزیز خودتان که در منزل من اشیاء تجملی منحصر است به دوربینی که در سال ۱۳۱۴ که برای معالجه برلن رفته بودم خریده‌ام، در این چند سال هم محتاج نشدم که از آن استفاده کنم و به حال نوی مانده است و چون در این روزهای آخر عمر هم از آن هیچ استفاده نخواهم نمود میل دارم که این دوربین دست جنابعالی باشد و هر وقت صحرا تشریف می‌برید چه بنده باشم و نباشم یادی از من بفرمائید. امیدوارم که تقدیم ناقابل مرا قبول کنید و بر بنده منت گذارید [۰].

ارادتمند دکتر محمد مصدق

۱۴۹

نامه دکتر مصدق درباره لایحه نشر اسکناس[#]

قبل از اینکه وارد در بحث اساسی خود راجع به لایحه نشر اسکناس که مطرح است بشوم لازم می‌دانم متذکر گردم اگر قانون ملی شدن صنعت نفت تصویب شده بود مجلس شورای ملی هرگز در مقابل چنین لایحه‌ای که دولت آن را پیشنهاد کرده واقع نمی‌شد. پیشنهاد ملی شدن صنعت نفت را تاکنون هفت نفر از اعضاء کمیسیون امضاء نموده‌اند که پنج نفر از امضاءکنندگان نمایندگان جبهه ملی و دو نفر دیگر هم جنابان آقای بهبهانی و آقای عبدالرحمن فرامرزی هستند و بعلاوه دو نفر دیگر از اعضاء کمیسیون نفت طبق صورت جلسه کمیسیون موافقت خود را با آن ابرار داشته و اکثر آقایان دیگر اعضاء کمیسیون در موارد غیررسمی اظهار موافقت با آن نموده‌اند ولی هیچ‌یک از این دو دسته اخیر تاکنون پیشنهاد ملی کردن نفت را امضاء نکرده‌اند. چون نظر این است که این مرتبه هم کمیسیون نفت هر تصمیمی اتخاذ می‌کند باتفاق آراء باشد امیدوارم که سایر آقایان اعضاء محترم کمیسیون نیز آن پیشنهاد را هرچه زودتر امضاء کنند تا این کار هم به اتفاق آراء بگذرد و بالتجیه رفع بحران فعلی بدون احتیاج به انتشار اسکناس جدید بشود.

چقدر ننگ است برای یک ملتی آن هم ملت باستانی ایران که بعضی از نمایندگان راضی شوند یک شرکت اجنبی از معادن نفت ما به طریقی که دیده‌ایم بهره‌برداری کند و به ملی شدن صنعت نفت که نتیجه آن این خواهد بود که ملت ایران به حساب خود از این ثروت عظیم خدادادی بهره وافی برد تن در نداده و مملکت را در این آتش فقر و بدبختی بنفع استفاده اجانب بسوزانند.

چون هنوز تکلیف کمپانی معلوم نشده و شرکت با وسایلی که در دست دارد به وسیله این

[#] این نامه توسط حسین مکی در جلسه خصوصی ۱۳/۱۲/۱۳۲۹ مجلس شورای ملی قرائت شد.

لایحه می‌خواهد از ملت بیچاره ما سوءاستفاده کند لازم می‌دانم نظریات خود را در زمینه این لایحه بعرض مجلس شورای ملی برسانم تا هر تصمیمی که اتخاذ می‌شود با توجه به تمام جوانب موضوع بوده و خدای نکرده از راه سکوت بعضی و عدم اطلاع یا اشتباه بعضی دیگر تصمیمی اتخاذ نشود که بر خلاف مصالح مردم رنج‌دیده کشور و به نفع کمپانی غاصب نفت بوده باشد.

همه می‌دانند که در جنگ بین‌الملل اول وقتی که متفقین یعنی دولت روسیه تزاری و دولت انگلیس از بانک ناشر اسکناس پول خواستند بانک تمکین ننمود و گفت در صورت احتیاج به پول بایستی اجازه دهید به حساب شما نقره وارد کنم و در ضرابخانه تهران آن را به صورت مسکوک رایج درآورده و در اختیار شما قرار دهم و به هر حال از نشر اسکناس جدید استنکاف نمود و علت استنکاف نیز این بود که بانک بدون پشتوانه نمی‌توانست اسکناس منتشر کند و با پشتوانه هم نظر به سهولت جریان آن ممکن بود زندگانی گران شده و موجبات بدنامی و مزاحمت بانک فراهم گردد.

با این ترتیب بانک شاهنشاهی چون یک شرکت سهامی بود و نمی‌توانست برخلاف مصالح صاحبان سهام کاری بکند در استنکاف خود باقی ماند و متفقین هم نتوانستند مقاومت نمایند و بالاخره مجبور شدند که پیشنهاد بانک را قبول نمایند.

آن پیشنهاد این بود که بانک نقره وارد کند و روزی ۳۰ هزار تومان که ضرابخانه ایران می‌توانست ضرب کند توسط لاوآشری رئیس ضرابخانه به صورت سکه پنج ریالی تحویل متفقین برای رفع احتیاجات آنها بشود و به همین ترتیب هم عمل شد.

ولی چون مبلغ مزبور کفاف مخارج متفقین را نمی‌کرد آنها خود در ضرابخانه پتروگراد و ضرابخانه بیرمنگام پنج‌قرانی نقره ضرب نموده وارد ایران نمودند و برای رفع نیازمندیهای خود مصرف کردند.

متحدین که در آن جنگ دولت آلمان و اتریش بودند با وجود آنکه در ایران قشون نداشتند برای مخارج تبلیغاتی خود مجبوراً لیره می‌آوردند و بین مردم تقسیم می‌نمودند و ارزش پول ایران از این جهت که دول بیگانه پول خود را می‌آوردند و در این مملکت خرج می‌نمودند و قیمت نقره هم در بازار بین‌المللی ترقی کرده بود و مملکت ایران هم که از نظر تئوری دوفلزی و از نظر علمی یک فلزی، یعنی داد و ستد معمول با فلز طلا و نقره نبود و فقط با نقره بود بقدری بالا رفت که لیره طلا که قبل از جنگ در بازار آزاد در حدود پنج تومان داد و ستد می‌شد به دو تومان و فرانک سوییس که بیش از دو قران معامله می‌شد به یک قران تنزل کرد.

استقامت بانک شاهنشاهی در مقابل متفقین سبب شد که در آن جنگ و پس از آن زندگی ارزان و کالای وارداتی بعد از جنگ به نصف قیمت قبل از جنگ در ایران داد و ستد شود و مردم متمول نتوانستند از ترقی پول ایران بوسیلهٔ ارز خارجی و فروش آن پس از ترقی ارز استفاده بسیار

کنند و اگر دنیا در آتش جنگ می‌سوخست، چون مملکت ما قشون مسلح نداشت و به این عذر توانست در تمام مدت جنگ بی‌طرفی خود را حفظ کند با اینکه به مردم ناتوان از قشون خارجی صدمات بسیار رسیده بود با این حال وضعیت ما با ممالکی که وارد جنگ شده بودند قابل مقایسه نبود و نگفته نماند که شخصیت بعضی از رجال وطن‌پرست که مورد مشاوره مسئولین امر واقع می‌شدند در حفظ بی‌طرفی ایران اثر بسیار داشت.

همه می‌دانند که در اوایل سلطنت مرحوم مظفرالدین شاه که بانک استقراضی دولت روسیه تزاری با بانک شاهنشاهی ناشر اسکناس رقابت داشت عده‌ای از تجار مدیون و هواخواه خود را واداشت که مبلغ زیادی اسکناس جمع‌آوری کرده و در یک روز از بانک شاهنشاهی مطالبه پول طلا یا نقره نموده و به اعتبارات آن سگته وارد کنند.

این کار شد و چون پشتوانه اسکناس با به قدر کافی نبود و یا شمش بود و اسکات مطالبه‌کنندگان وجه ممکن نبود بانک متوسل به دولت شد و مرحوم میرزا علی خان امین‌الدوله صدراعظم وقت از شاه درخواست نمود که مبلغی مسکوک طلا از خزانه اندرون به بانک شاهنشاهی داده شود تا مراجعین خود را راضی و اعتبارات خویش را محفوظ دارد، این کار شد و غائله خاتمه یافت و بانک شاهنشاهی خود را از مهلکه نجات داد.

بنابراین پشتوانه وثیقه پرداخت وجه در مقابل دارندگان اسکناس است چنانچه بانک ناشر اسکناس معتبر باشد احتیاجی به پشتوانه صددرصد نیست زیرا مردم در داد و ستد اسکناس را قبول می‌کنند و نگرانی ندارند.

حال فرض کنیم که پشتوانه صددرصد باشد ولی اسکناس بیش از حد لزوم منتشر شود و یا اعتبارات زیادی برای اشخاص باز شود.

در این صورت مردم توجه به معاملات می‌کنند و قیمت زندگی بالا می‌رود و عکس‌العمل آن افزایش همه قیمت‌ها و بالنتیجه تنزل پول خواهد بود، عملی که در حال حاضر بایستی از آن اجتناب شده و موجبات بدبختی مردم از این رو فراهم نگردد.

با اینکه بانک همیشه اظهار کرده که پشتوانه صددرصد است، بیان حقیقت نمی‌باشد زیرا هر قدر بیشتر اسکناس منتشر شود، پول تنزل می‌کند و قیمت طلا یا نقره بالا می‌رود و در نتیجه مقدار طلای ثابت باید پشتوانه میزان بیشتر اسکناس شده و به فرض اینکه پشتوانه همیشه صددرصد هم باقی بماند باز هم ارزش پول رایج کم شده و به عبارت دیگر کله قیمت‌ها ترقی خواهند نمود.

من باب مثال عرض می‌کنم که اگر شخصی قبل از شهریور ماه ۱۳۲۰ خانه خود را فروخته و وجه آن را به بانک داده باشد، امروز اگر بخواهد با ودیعه خود در بانک همان خانه را خریداری کند باید چهار مقابل ودیعه بانکی خود پول ادا نماید و به عبارت دیگر پول چهار مرتبه تنزل نموده است.

پشتوانه پول ما مثل پول یک قدح دوغی است که هر مقدار از آن برمی‌دارند بجای آن آب در قدح بریزند و همیشه هم بگویند دوغ است. در صورتی که با تکرار این عمل دیگر جز رنگ دوغ چیز دیگری برای آن باقی نمانده و سایر خواص آن را از میان برده‌است.

در اینجا لازم است به عرض آقایان برسانم که در جنگ بین‌الملل دوم که آن رجال رفته بودند و رژیم دیکتاتوری هم اجازه نداده بود مردمانی که بالقوه می‌توانستند رجال شوند عرض اندام کنند، به متفقین اجازه داد که هرچه خواستند بر ما تحمیل کنند و کار فلاکت و بدبختی را به جایی رسانند که اکنون دچار آن شده‌ایم.

در دوران جنگ دوم جهانی بر خلاف سیاستی که بانک شاهنشاهی در جنگ بین‌المللی اول بکار برد و در اثر قراردادهایی که بسته شد و تحمیلاتی که متفقین پس از اشغال خاک ایران به ما نمودند و به وسیله یکی از مزدوران خویش قیمت لیره را از ۶۷ ریال قبل از جنگ به ۱۲۸ ریال هر لیره ترقی دادند و بر اساس آن با پشتوانه‌ای معادل نصف پشتوانه آن روز پول ایران که در خارج از کشور ایجاد نمودند تا آنجا که لازم داشتند بانک ملی اسکناس چاپ نمود و در اختیار آنان قرار داد و بدبختی مردم را فراهم کرد.

نتیجه این عمل با توجه بعدم افزایش تولید کشور سبب شد که قیمت‌ها تا چند برابر قبل از جنگ بالا رفته و طبقه مزدبگیر و بخصوص کارمند و مستخدم دولت گرفتار بدبختی‌های عظیم گردیده و حتی نتوانند شکم خانواده خود را سیر نمایند. در صورتی که متفقین با پول رایگانی که تحصیل می‌کردند بهترین مواد غذایی این کشور را برای رفع نیازمندیهای قشون اشغالگر خود خریداری کرده و پولی را که روز به روز از قدرت خرید آن کم می‌شد تحویل ملت ایران می‌دادند. نتیجه آن که ضریب زندگی که در ۱۳۱۵ یکصد و در ۱۳۱۹ به ۲۵۰ بالغ شده بود در اواخر اشغال متفقین و در سالهای اول بعد از خاتمه جنگ تا میزان ۱۰۰۰ بالا رفته و نسبت بسال ۱۳۱۹ در حدود چهار برابر گردید. اگر سرعت ماشین چاپ اسکناس نبود متفقین مثل دوره جنگ اول جهانی مجبور بودند که قسمت مهمی از نیازمندی خود به پول را با فروش دلار و لیره تأمین نموده، برای ملت ایران همان نتیجه اقتصادی مساعدی که در جنگ اول جهانی نظر به مقاومت بانک شاهنشاهی در قبول انتشار اسکناس بوجود آمده بود حاصل می‌گردید و لیره کاغذ بجای اینکه تا ۲۰۰ ریال در بازار آزاد بفروش رود از قیمت قبل از جنگ نیز پایین‌تر آمده و مردم بدبخت این کشور دچار آن همه مصیبت و بدبختی نشده بودند و بخصوص زندگانی بعد از جنگ ملت ایران تا به این درجه فقر و بیچارگی تنزل و انحطاط حاصل نکرده بود.

چنانچه نسبت افزایش هزینه زندگی در ۱۳۲۰ و سال آخر جنگ جهانی را با یکدیگر مقایسه نمایم مشاهده می‌شود که بین این دو عدد تقریباً همان نسبتی موجود است که بین میزان انتشار اسکناس در سال ۱۳۲۰ و ۱۳۲۵ وجود داشته‌است.

طبق آمار منتشره توسط خود بانک میزان اسکناس در جریان که در ۱۳۲۰ معادل ۱۸۰

میلیون تومان بوده است در آخرین سال جنگ جهانی به میزان ۷۰۰ میلیون تجاوز نموده بود و چنانچه مشاهده می‌شود همان طوری که ضریب هزینه زندگی ۴ برابر شده است میزان اسکناس در جریان نیز چهار برابر گردیده است.

چنانچه در بالا بدان اشاره شده هیچ گونه دلیلی از نقطه نظر اقتصاد ملی در بین نبوده است تا میزان اسکناس در جریان به این اندازه بالا رود زیرا نه جمعیت زیاد شده و نه مردم متمول‌تر شده‌اند و نه حجم معاملات بیشتر گردیده و به همین علت هم افزایش میزان نشر اسکناس موجب افزایش قیمت‌ها به همان نسبت گردیده است.

پس در حقیقت کلیه متصدیان امور که وسایل و مقدمات لازم برای افزایش میزان اسکناس در جریان را فراهم آورده‌اند مسئول حقیقی بسیاری از بدبختیهای اقتصادی کشور و به خصوص در مدت جنگ جهانی دوم که خاک ایران توسط متفقین اشغال شده بود می‌باشند.

در این مدت تنها کسی که از این افزایش میزان اسکناس استفاده برده است در درجه اول متفقین بوده‌اند که با تعهد پرداخت پشتوانه‌ای که بعضی‌ها به طلا و بعضی‌ها به پولهای کاغذی بوده است و میزان آن از نصف پشتوانه واقعی پول ایران تجاوز نمی‌کرده است میلیاردها پول دریافت و به مصرف تأمین نیازمندی‌های قوای نظامی خود رسانیده‌اند و در درجه دوم بانک ملی است که ارزش پشتوانه فلزی و ارزی اسکناسهای آن که در سال ۱۳۲۰ وجود داشته اقل از دو برابر گردیده و از این راه با میزان پشتوانه معینی بانک توانسته است بیش از دو برابر اسکناس در اختیار مردم قرار داده و با این ترتیب قسمت مهمی از نتیجه کار و کوشش مردم را عملاً به خود اختصاص دهد.

و از این راه به نفع افزایش مایملک و سرمایه خویش استفاده بنماید کما اینکه به گفته متصدیان بانک، میزان طلا و ارزی که متعلق به بانک ملی بوده و جز پشتوانه اسکناس در جریان نیست هم اکنون ۱۳ تن طلا و دو میلیون لیره است که روی هم در حدود ۶۳ میلیون تومان ارزش دارد و از محل همین ارز و طلای متعلق به بانک ملی است که فعلاً می‌خواهند قسمتی از پشتوانه اسکناس‌های لایحه جدید را تأمین نمایند.

اما بهانه‌ای که برای درخواست اجازه انتشار ۲۲۰ میلیون تومان اسکناس توسط جناب آقای نخست وزیر در جلسه خصوصی اظهار شده است فزونی صادرات و پرداخت‌هایی است که برای کالاهای صادراتی از قبیل پنبه و پشم و برنج به عمل آمده است و اما خود بهتر از هر کس می‌دانند که به جای پنبه و پشم و برنج، اسکناس از مملکت خارج نشده تا بتواند موجبات این مضیقه پولی را فراهم آورد و بالاخره فقط کسری از این پول به جیب زارع خرده‌پا رفته و آنان نیز با توجه به فقر مادی که همواره با آن دست به گریانند مسلماً نتوانسته‌اند وجوه حاصله از این معامله را به نحوی که ادعا می‌شود پس‌انداز کرده نزد خود نگاهداری نمایند، زیرا مجبورند برای رفع مایحتاج ضروری و تأمین قوت لایموت و ستر عورت خود آن عواید ناچیز را خرج کنند.

پس اگر طبق اظهاری که می‌شود ماندن پول در نزد اشخاص باعث این مضیقه مالی شده‌است.

مسلماً علت آن انتقال ریال به خارج کشور توسط مسافری و زائرین و نگاهداری و حبس پول توسط صاحبان سرمایه بزرگ و همچنین شرکت‌های نیرومند مثل شرکت نفت می‌باشد و در صورتی که از نشر اسکناس صرف‌نظر شود در مدت کوتاهی نگاهدارندگان ریال مجبور خواهند شد که مجدداً پولها را به جریان گذارده به مضیقه ساختگی فعلی خاتمه دهند.

من فوق‌العاده نگرانم که افزایش میزان اسکناس با توجه به بی‌بند و بار بودن دولت و نیازی که برای نجات خود از مخمصه فعلی به پول دارد باعث شود که بیش از پیش دولت از بانک ملی اسکناس دریافت نموده و با تامین پشتوانه‌های سستی از قبیل اسناد خزانه یک دولتی که کسر بودجه دارد و وسایل بی‌نظمی بیشتری در زندگانی اقتصادی کشور به وجود آورده و با نجات خود از بحران فعلی آیندگان را دچار مخمصه‌ای بس سخت‌تر و لاینحل‌تر بنماید و به همین دلیل هم هست که جداً با لایحه نشر اسکناس که دولت فعلی تقدیم مجلس شورای ملی نموده‌است مخالفم.

طبق اطلاعاتی که این‌جانب از متصدیان بانک به دست آورده‌ام در زمان تصدی وزارت دارایی توسط آقای دکتر تقی نصر صادرات و واردات آزاد شده و واردکنندگان می‌توانستند هر کالایی را که مجاز بوده و مایلند از راه خرید ارز در بازار آزاد وارد نمایند بدون آنکه دولت در زمینه صادرات و واردات مداخله‌ای بنماید و با این ترتیب عمل عرضه و تقاضا تعادلی بین ارز موجودی کشور از محل صادرات و واردات مرئی و غیرمرئی به وجود آورده و بین قیمت اجناس صادراتی و وارداتی نیز ارتباط و تعادلی برقرار شود ولی پس از استعفای ایشان مجدداً مقررات ارزی کشور تغییر داده شده و دو نوع کالای وارداتی تعیین نموده‌اند.

اول کالای وارداتی درجه ۱ که از جمله آنها قند و شکر و آهن و کاغذ می‌باشد که ارز لازم برای آن بر اساس هر لیتر ۱۱۲ ریال به فروش می‌رسد.

دوم کالای وارداتی درجه ۲ که شامل کالاهای وارداتی غیر از آنچه در نوع اول اسم برده شده است بوده و ارز لازم برای وارد کردن آنها بر اساس هر لیتر ۱۳۶/۵ ریال به فروش می‌رسد.

صمناً برای تشویق صادرات، بانک ملی ارزهای صادراتی را از قرار لیتره‌ای ۱۳۶/۵ ریال خریداری می‌نمایند.

متصدیان بانک معتقدند که با این ترتیب موجبات تشویق صادرات را فراهم آورده و موجب شده‌اند اجناس صادراتی بخصوص پشم و پنبه به مقدار خیلی زیاد صادر گردند و همین تشویق صادرات را که موجب رسیدن پول بیشتری به دست زارعین شده‌است علت‌العلل از جریان افتادن اسکناس‌های منتشره می‌دانند و حال آنکه اگر ارزش کل صادرات کشاورزی از قبیل پشم و پنبه و برنج را روی هم رفته بالغ بر ده میلیون لیتره یعنی در حدود یکصد میلیون تومان فرض کنیم و

قبول کنیم که ثلث این مبلغ در حدود ۳۰ میلیون تومان به دست زارع خرده‌پا رسیده و از جریان خارج شده است باز هم به هیچ وجه این ۳۰ میلیون تومان با ۱۴۰ میلیون تومانی که به ادعای بانک از جریان خارج شده است برابری نکرده و از یک چهارم تا یک پنجم آن تجاوز نخواهد نمود و بنابراین به‌طور مسلم علت‌العلل این مضیقه مربوط به از جریان افتادن پول توسط زارعین خرده‌پا نمی‌باشد و علت دیگری را به عنوان علت‌العلل این مضیقه بایستی تجسس نمود.

حال اگر فرض کنیم که منافع شرکت نفت اقتضا کرده باشد که مقدار مهمی از پول در جریان را از جریان خارج کند محاسبه نشان می‌دهد که با فروش یکصد میلیون لیتر مواد نفتی در هر ماه به قیمت متوسط هر لیتر فقط یک ریال که به جیب شرکت می‌رود (قیمت فروش مواد نفتی با توجه به مالیات دریافتی و قیمت حمل و نقل برحسب نوع و محل فروش آن هر لیتر بین یک ریال و ۴ ریال تغییر می‌کند) شرکت نفت می‌تواند در هر ماه در حدود یکصد میلیون ریال پول را از جریان خارج کند و بنابراین در فاصله کمی شرکت نفت خواهد توانست این مضیقه فعلی را که خارج شدن یک میلیارد و ۴۰۰ میلیون ریال از جریان است به وجود آورده و موجبات رکود تجارتی را فراهم آورد و در هر موقع که منافعش اقتضا کند بتدریج این مبالغ را به جریان انداخته موجب تشویق عملیات خرید و فروش و بالتیجه افزایش قیمت‌ها را فراهم آورد و به‌علاوه با این مانور نتیجه کار و ثروت همه مردم را در نزد عده معدودی که با آن شرکت سر و سری دارند جمع نماید.

پس به دلیل بالا، شرکت نفت و سایر سرمایه‌داران تحت نفوذ آن دستگاه می‌توانند با کمال آسانی هر نوع گربه‌رقصانی که مایلند بکنند و از دست هیچکس هیچ‌گونه کاری برنیاید، کماینکه به ظن قوی در این موقع که لایحه نفت مطرح است و هرگونه رکود کار و کسب و بیچارگی مردم به نفع شرکت نفت می‌باشد می‌توان به‌طور یقین ادعا نمود که اظهارات بالا فقط حدسیات صرف نبوده و حقیقتاً از این وسایل شیطانی به منظور فشار به مردم ایران، آن شرکت غاصب حداکثر استفاده را می‌نماید.

ممکن است گفته شود که این عمل باعث رکود سرمایه بزرگی از طرف شرکت نفت می‌شود ولی آنجا که پای میلیاردها لیره کلاه‌گذاری به سر ملت بدبخت ایران در بین است شرکت نفت می‌تواند به خود اجازه دهد که چند یا چندین میلیون لیره خود را موقتاً برای ایجاد این بدبختی به وسیله خود و عمال خویش محبوس نموده و موجبات رکود اقتصادی و بدبختی مردم را فراهم آورد.

البته علاج این دردها که همواره ما با آن دست به گریبان خواهیم بود و فقط همان کوتاه کردن دست غاصب و پرنیرنگ شرکت نفت به وسیله ملی کردن صنعت نفت در سراسر کشور است و بس.

موضوع بالا مرا از اصل مطلب اندکی دور کرد. مطلب به اینجا کشیده بود که تعیین قیمت خرید لیره صادراتی موجب افزایش صادرات و خارج شدن ریال از جریان بوده است و من قسمت دوم این ادعا را که خارج شدن ریال از جریان است با محاسبات بالا رد کردم و حال لازم است بگویم که تازه علت واقعی افزایش صادرات هم منحصرأ قیمت خرید ۱۳۶ ریال هر لیره صادراتی نبوده بلکه طبق اطلاعی که همگی آقایان دارند این فزونی به علت افزایش فوق‌العاده سریع قیمت مواد اولیه در اثر خریدهای احتیاطی کشورهای بزرگ در این موقع بحرانی بوده است. چنانچه مثلاً قیمت پنبه در فاصله کوتاهی از ۲۵ ریال به ۹۰ ریال یعنی در حدود سه برابر و نیم ترقی کرده است و البته در این صورت قسمت مهمی از این منافع به جیب تجار و سرمایه‌داران بزرگ رفته است و به همین علت بود که این جانب در بالا فقط حداکثر ثلث ارزش محصول صادراتی را قابل نگاهداری توسط زارع خرده‌پا دانسته و به وسیله آن نشان دادم که عامل اصلی رکود فعلی به هیچ حال دلیلی که آقای کفیل وزارت دارایی و نخست وزیر اقامه کرده‌اند نمی‌باشد.

در اینجا لازم است که تذکر دهم که اگر برنامه‌های عمرانی و نقشه دولتها براساس متین و با توجه به خیر و صلاح مردم تنظیم گردیده و اجرا شده بود کشور ایران که خود یکی از تولیدکنندگان مواد اولیه صنایع کشاورزی می‌باشد بایستی تا کنون حداقل به اندازه رفع نیازمندی‌های کشور کارخانجات ریسندگی و بافندگی و قندسازی و غیره تهیه و به کار انداخته باشد تا کشور بدبخت ما مجبور نشود مواد اولیه از قبیل پشم و پنبه خود را مثلاً در دوره‌های جنگ به سه برابر قیمت زمان صلح فروخته و پارچه‌های نخی و پشمی مورد نیاز کشور را تا ۹ برابر قیمت‌های زمان صلح خریداری نمایند.

دولت افتخار می‌کند که آنقدر پنبه و پشم از کشور صادر شده است که کارخانه‌های شخصی و دولتی و دستگاه‌های قالی‌بافی از کار افتاده و ایجاد یک دنیا بدبختی برای مردم فقیر و مفلوک شده است و حال آنکه به تبعیت از دولت‌های سابق خود و حتی بدتر از آنان یک قدم اساسی در راه افزایش استعداد تولیدی کشور برنداشته و اگر دنیا‌گرفتار تشنج جدیدی بشود باز همان آتش خواهدبود و همان کاسه، یعنی فروش محصولات کشاورزی به سه برابر زمان عادی و خرید مواد صنعتی مربوطه به ۹ تا ۱۰ برابر قیمت زمان صلح.

البته از کسانی که به خود زحمت نمی‌دهند که دلیل واقعی از جریان خارج شدن پول کشور را به دست آورند نبایستی انتظار هیچ گونه عملی را که متکی بر نقشه باشد داشت. اما ببینیم که در صورت توفیق دولت در گذراندن این لایحه چه کسانی از آن استفاده خواهند نمود؟

در صورتی که میزان اسکناس ۲۲۰ میلیون یعنی در حدود ۲۵ درصد افزایش یابد با توجه به اینکه هیچ گونه فعالیت تولیدی جدیدی در کشور ایجاد نشده و با توجه به فایده‌ای که دولت و

بانک می‌توانند از پولی که در اختیار بانک است ببرند نتیجه بالمآل در جریان باقی‌ماندن پول جدید و افزایش ۲۵ درصد میزان آن بدون افزایش مربوط در میزان تولید کشور بوده و دیر یا زود قیمت‌ها ۲۵ درصد افزایش خواهد یافت و این لایحه نشر اسکناس که در حکم یک مسکن قوی برای تخفیف تبی است که دولت، این کشور را بدان دچار کرده است در آتیه نزدیک وسایل ناراحتی اقتصادی بیشتر را فراهم آورده و بر اشکالات آینده ما در این ایامی که لایحه نفت ممکن است هنوز مطرح بوده باشد خواهد افزود و به علاوه افزایش جدیدی که در اثر تنزل قیمت ریال در قیمت آزاد لیره حاصل خواهد شد به شرکت نفت اجازه خواهد داد که بیش از پیش سعی نماید تا مقداری از ریال مورد نیاز خود را از راه بازار سیاه تأمین نموده و یا به دولت فشار بیاورد که نرخ رسمی لیره افزایش یابد و این پیش‌آمد هم به ضرر دولت و ملت ایران خواهد بود زیرا شرکت نفت با لیره کمتر همان مقدار ریال را که برای مزد کارگران خود بکار می‌برد خواهد توانست تحصیل نماید.

ممکن است گفته شود که در صورتی که اظهارات بالا صحیح باشد چون قیمت‌ها بالا می‌رود میزان دستمزد به همان تناسب بالا رفته و شرکت مجبور خواهد بود میزان لیره‌های تبدیلی را ثابت نگاه دارد و ضرری متوجه ملت ایران نخواهد شد، ولی حقیقت مطلب این است که شرکت نفت با تبانی و معافیت‌هایی که تاکنون از آن برخوردار بوده است در صدد برخواهد آمد که بیش از پیش و مثلاً مثل زمان جنگ قسمت مهم و بلکه تمام مواد مصرفی کارمندان و کارگران خود را از خارج و به قیمت مناسب‌تری تهیه نموده و در دسترس آنها قرار دهد بدون آن که میزان دستمزد را بیفزاید و بنابراین تنزل ۲۵ درصد از میزان لیره‌های تبدیلی خود بکاهد و این جریان مسلماً به نفع شرکت نفت خواهد بود.

خلاصه این که تصویب این لایحه به نظر این جانب طبق دلایلی که اقامه شد صددرصد به ضرر مردم است تا وجدان آقایان چه قضاوت کنند.

۱۵۰

نامه دکتر مصدق به مهندس حسینی

۱۷ اسفنده ۱۳۲۹

قربانت شوم [؟] کلیه اوراق متعلق به جنابعالی را به ضمیمه نظریات کمیسیون مرحوم نخست‌وزیر که هیچ‌وقت مورد استفاده بنده نخواهد بود تقدیم خدمت می‌کنم و از توجهات جنابعالی بأمور مملکتی و الطاف مخصوصی که همیشه نسبت به بنده اظهار فرموده‌اید صمیمانه تشکر می‌کنم و بقای وجود محترم را که برای وطن عزیز بسیار مفید است از خداوند مسئلت دارم.

دکتر محمد مصدق

۱۵۱

تلگراف دکتر مصدق و آیه‌الله کاشانی به نمایندگان کارگران نفت جنوب

۱۰ فروردین ۱۳۳۰

اهواز - آقایان احمدی، موحدی و سایر نمایندگان محترم کارگران [!]
تلگراف آقایان اصل، بلافاصله به دولت تذکر داده شد که اقدامات لازم برای رفاهیت متحصنین و اعتصاب‌کنندگان به عمل آورد و چنانچه درخواست کرده بودید هیئتی مأمور رسیدگی شود. در جلسه دیشب هیئت دولت موضوع مطرح مذاکره قرار گرفته، هیئت تعیین، قریباً اعزام، اینجانبان و جبهه ملی کمال مراقبت را در رعایت منویات مشروع آقایان خواهیم داشت.

انتظار داریم که رعایت کمال وطن‌پرستی را چنانچه همیشه کرده‌اید برای جلوگیری از دسایس بیگانگان معمول و نظم و آرامش را جداً مراقبت نمایند و اینجانبان را مرتباً از جریانات مستحضر دارند.

سید ابوالقاسم کاشانی - دکتر محمد مصدق

۱۵۲

نوشته دکتر مصدق روی پاکت محتوی وصیت‌نامه سپرده‌شده به مجلس

نشان شیر و خورشید و تاج
مجلس شورای ملی
اداره
تاریخ
...

(یک برگ وصیت‌نامه رسمی و یک برگ غیررسمی خود را در بایگانی مجلس شورای ملی ودیعه می‌گذارم که بلافاصله بعد از وفاتم سر پاکت را باز و به آن عمل کنند.)

۱۸ فروردین ماه ۱۳۳۰ - دکتر محمد مصدق

۱۵۳

جواب دکتر مصدق به نامه خانم افتخارالملوک بیات

۱۸ فروردین ۱۳۳۰

قربانت گردم [!؛] مرقومه محترمه که از قم ارسال فرموده‌اید رسید و موجب نهایت امتنان و

خوشوقتی گردید که بحمدالله بسلامت در آن آستان قدس برای تحویل حمل بسر برده‌اید، امیدوارم که این سال از هر جهت مبارک و میمون باشد و سالهای بسیار با صحت و خوشی درک این اعیاد را بفرمائید و حال بنده اجازه دهد که بدیدار شما آمده تبریکات خود را حضوراً تجدید کنم [.] بیش از این عرضی نمی‌کنم و به این انتظار می‌مانم [.]
دکتر محمد مصدق

۱۵۴

نامه دکتر مصدق به دکتر امیرعلائی

۱۹ فروردین ۱۳۳۰

قربانت شوم [.] قبول بفرمائید که بنده از ایام توقف در زندان بیرجند همیشه قصد و نیتم این بوده که هر وقت یک وزیر دادگستری اصلاح‌طلبی وارد کار شود راجع به اصلاح زندان تذکری بدهم. خصوصاً اینکه جناب آقای شاه‌باغ دادستان کل با نظریات نوع خواهانه‌ای که در این باب دارند و عمل می‌فرمایند بنده را سرافراز کنند و تذکر دهند که موقع مقتضی است و نباید سکوت اختیار کرد. از طرف آقایان نمایندگان تهران تقاضا خواهد شد که اصلاح زندان و ساختن محلهای مناسب و کافی جزو برنامه قرار گیرد، تمنا دارم جنابعالی قبول بفرمائید و پس از آن با جناب آقای شاه‌باغ مذاکره فرمائید [.] هرطور که صلاح بدانند توجهی شود که کار زندانیان بی‌چاره اصلاح شود و بیش از این در زحمت و گرفتار فساد اخلاق نباشند. مخصوصاً رونوشت نامه آقای دکتر میرسپاسی طبیب‌قانونی که بدادستان کل نوشته‌اند تقدیم می‌شود که از لحاظ محترم بگذرد.
دکتر محمد مصدق

۱۵۵

جواب دکتر مصدق به تلگراف اهالی رشت

جواب تلگراف ۱۵۱۶ توسط جناب حجت‌الاسلام آقای صدرائی اشکوری خدمت حضرات آقایان محترم رشت [!] زیارت تلگراف شما موجب نهایت تشکر گردید. امیدوارم که به پشتیبانی شما رجال وطن‌پرست و قاطبه ملت ایران، مجلس شورای ملی تصمیم خود را هرچه زودتر به موقع اجراء گذارد.
دکتر محمد مصدق

۱۵۶

مکتوب دکتر مصدق در جواب مرقومه آیت‌الله آقا میرزا سید حسن چهارسوقی

۲۴ فروردین‌ماه ۱۳۳۰

بعرض عالی می‌رساند [!] مرقومه محترمه شرف وصول ارزانی بخشید و موجب نهایت

امتنان گردید تبریکات خود را برای این سال تقدیم می‌کنم و از خداوند مسئلت دارم که سالهای بسیار با صحت و خوشی درک این اعیاد را بفرماید و مجلس شورای ملی با پشتیبانی مقامات روحانی و فداکاری ملت ایران تصمیمی که در مصالح ملک و ملت گرفته است زودتر عملی کند [.]

در خاتمه تشکرات خود را از الطاف مبذوله تقدیم می‌کنم و مؤده سلامت عالی را همیشه انتظار دارم [.]

دکتر محمد مصدق

[ظهر پاکت]

اصفهان [۱] خدمت ذی‌شرافت حضرت حجة الاسلام آیت الله آقای آقا میرزا سید حسن چهارسوقی ادام الله بقائه مشرف آید [.]

دکتر محمد مصدق [.] تهران

[در حاشیه با خط دیگری]

وصول ۹ رجب ۷۰

۱۵۷

تلگراف دکتر مصدق در جواب تلگراف کارگران اعتصابی بندر شاهپور

۱۳۳۰/۱/۲۶

بندر شاهپور - هیئت مدیره اعتصاب کارگران: آقای منتظری - فخرآبادی
پاسخ تلگراف مورخ ۲۴ فروردین شما که ضمن آن گزارش جریانات اعتصاب بندر معشور را ارسال داشته بودید اشعار می‌دارد:

تلگراف شما عیناً برای اقدام فوری به دولت تسلیم شد. در این موقع که جیانات اجرای اصل ملی بودن صنعت نفت در سراسر کشور جزو دستور کمیسیون و مجلس شورای ملی است، حفظ نظم و آرامش در نواحی نفت خیز ایران لازم و ضروری می‌باشد.
البته اقدام خواهد شد که تقاضای حق کارگران رسیدگی و انجام گردد.

دکتر محمد مصدق

۱۵۸

نامه دکتر مصدق خطاب به سناتور خواجه نوری

۲۷ فروردین ماه ۱۳۳۰

قربانت شوم [۱] مقاله‌ای که در شماره ۲۶ فروردین ماه روزنامه «ستاره» بقلم شیوای جنابعالی منتشر شده در جلسه روز قبل جبهه ملی مورد مذاکره و بحث قرار گرفت و پس از

تحسین زیاد از قضاوت منصفانه و وطن پرستانه آن جناب، حضار بنده را مأمور نمودند که تشکرات صمیمانه آنها را خدمتتان تقدیم کنم [۰]. امیدوارم با پشتیبانی افکار اشخاصی مثل جنابعالی و فداکاری ملت حساس ایران مجلسین سنا و شورای ملی بتوانند تصمیمی که در صلاح ملک و ملت گرفته‌اند هرچه زودتر عملی کنند.

ما نمایندگان جبهه ملی با احساسات پاک شما رجال خیرخواه امیدواریم و یقین داریم که نظریات خیرخواهانه ما همیشه مورد حمایت شما واقع خواهد شد.

اکنون نظر ما اینست که قانون انتخابات مجلس شورای ملی اصلاح شود چونکه سرآمد هر اصلاحی در این مملکت حضور نمایندگان حقیقی مردم در مجلس است. بیش از این مصدع نمی‌شوم و سلامت عالی را خواهانم.

دکتر محمد مصدق

۱۵۹

جواب دکتر مصدق به تلگراف اعتصابیون

بندر شاهپور - هیئت مدیره اعتصاب کارگران آقای منتظری فخرآبادی [۱] پاسخ تلگراف مورخ ۲۴ فروردین شما که ضمن آن گزارش جریانات اعتصاب بندر معشور را ارسال داشته بودید اشعار می‌دارد.

تلگراف شما عیناً برای اقدام فوری به دولت تسلیم شد. در این موقع که جریانات اجرای اصل ملی بودن صنعت نفت در سراسر کشور جزء دستور کمیسیون و مجلس شورای ملی است فقط نظم و آرامش در نواحی نفت خیز ایران لازم و ضروری می‌باشد. البته اقدام خواهد شد که تقاضای حقه کارگران رسیدگی و انجام گردد.

دکتر محمد مصدق

۱۶۰

یادداشت دکتر مصدق در جلسه ۲۴۱ دوره شانزدهم خطاب به حسین مکی*

به کرات دولت‌های خوب تصمیمی در مصالح مملکت گرفته‌اند، چون سیاست خارجی نخواستہ اجرا شود دولت را از کار انداخته‌اند.

* پس از ارائه پیشنهادی توسط جمال امامی به مجلس (۷ اردیبهشت ۱۳۳۰).

۱۶۱

دو نامه دکتر مصدق به ریاست دفتر مخصوص شاهنشاهی

۱۰ اردیبهشت ۳۰

نامه اول - ریاست دفتر مخصوص شاهنشاهی

تصمیم قانونی دائر به ملی شدن صنعت نفت در سراسر کشور و دو ماه تمدید به کمیسیون نفت جهت مطالعه در اطراف اجرای این اصل و تصمیم متخذه کمیسیون نفت که در جلسه بیست و چهارم اسفندماه یکهزار و سیصد و بیست و نه به تصویب مجلس شورای ملی و به تأیید مجلس سنا رسیده است برای توشیح به صحنه مبارک ملوکانه تلواً ایفاد می‌گردد.

«نخست‌وزیر»

نامه دوم - ریاست دفتر مخصوص شاهنشاهی

قانون دائر بطرز اجرای اصل ملی شدن صنعت نفت در سراسر کشور به تصویب مجلس شورای ملی و در جلسه عصر دوشنبه نهم اردیبهشت‌ماه ۱۳۳۰ به تصویب مجلس سنا رسیده است برای توشیح بصحنه مبارک ملوکانه تلواً ایفاد می‌گردد.

«نخست‌وزیر»

۱۶۲

نامه دکتر مصدق به شهربانی کل کشور

۱۱ اردیبهشت ۱۳۳۰

در جراید ایران آنچه راجع به شخص اینجانب نگاشته می‌شود، هرچه نوشته باشند و هرکس که نوشته باشد نباید مورد اعتراض و تعرض قرار گیرد. لیکن در سایر موارد بر وفق مقررات قانون عمل شود. به مأمورین مربوطه دستور لازم در این باب صادر فرمائید که مزاحمتی برای اشخاص فراهم نشود.

۱۶۳

نامه دکتر مصدق به موریسون وزیر امور خارجه انگلستان در جواب پیام نامبرده توسط سفیرکبیر ایران در لندن (سهیلی)

۱۶ اردیبهشت ۳۰

جناب آقای سهیلی سفیرکبیر

آقای موریسون وزیر امور خارجه انگلستان

پیام جنابعالی را توسط سفیرکبیر ایران دریافت داشتم. اینجانب نیز کمال علاقه را به حسن

روابط و تشدید مبانی مودت با دولت انگلستان دارم و لازم می‌دانم پاره [ای] سوء تفاهمات بکلی رفع شود. یکی از علل سوء تفاهمات عملیات و رفتار شرکت سابق نفت انگلیس و ایران بود که باعث عدم رضایت ملت ایران شده بود و غالباً آنرا از چشم مأمورین دولت انگلیس می‌دیدند و یقین حاصل است بعد از اجرای قانون طرز اجرای ملی شدن صنعت نفت در سراسر کشور این موجبات عدم رضایت از بین خواهد رفت زیرا تشدید و استحکام دوستی ایران و انگلستان نه فقط در خیر و صلاح این دو کشور می‌باشد بلکه به خیر و صلاح کلیه دول دموکراسی و بنفع صلح عمومی جهان خواهد بود.

مقصود از ملی کردن صنعت نفت کاملاً روشن است.

ملت ایران می‌خواهد از حق حاکمیت ملی خود استفاده و بهره‌برداری از منابع نفت را خود بعهدہ داشته باشد و جز اجرای قانون ملی شدن صنعت نفت مقصودی ندارد و برطبق مواد ۲ و ۳ آن قانون (سفارت کبرای ایران نسخه [ای] از ترجمه قانون را به جنابعالی خواهد داد) حاضر است به دعاوی شرکت سابق نفت رسیدگی کند و این امر با عمل کمونیستی که اشعار داشته‌اید بهیچوجه قابل مقایسه و تطبیق نیست و نیز برطبق ماده ۷ قانون مزبور حاضر است به مشتریهای سابق به نرخ عادلانه بین‌المللی نفت بفروشد. ملی کردن صنایع حق حاکمیت هر ملتی است و بر فرض اینکه قراردادها یا امتیازاتی با اشخاص و شرکتهای خصوصی نسبت به آن صنایع منعقد شده باشد که از جمیع جهات حقوقی هم فرض صحت آن شود چنین قراردادها یا امتیازات مانع از اعمال حق حاکمیت ملی نخواهد بود و هیچ مقام بین‌المللی هم صلاحیت رسیدگی به چنین امری را ندارد.

دولت ایران می‌خواهد با استفاده از حق حاکمیت خود، از عواید نفت بنیه اقتصادی کشور خود را تقویت و موجبات آسایش عمومی را فراهم و به فقر و فلاکت و نارضایتی عمومی خاتمه دهد و این امر مایه آبادی و آرامش ایران و موجب جلوگیری از هرگونه اختلال و آشوب خواهد بود.

در اصل موضوع هم چون بموجب قانون طرز اجرای ملی شدن صنعت نفت در سراسر کشور هیئت مختلطی از سنا و مجلس شورای ملی باید انتخاب شوند و اینکار هم همین چندروزه انجام خواهد شد بمحضی که این هیئت تشکیل شود از شرکت سابق نفت برای ترتیب کار و اجرای قانون دعوت بعمل خواهد آمد.

دکتر مصدق نخست‌وزیر

۱۶۴

پاسخ دکتر مصدق به تلگراف دکتر سید احمد ابطحی

آقای دکتر سید احمد ابطحی، وصول تلگراف محترم موجب امتنان گردید. از خداوند توفیق

در خدمت مسئلت دارم.

دکتر محمد مصدق

۱۶۵

جواب دکتر مصدق به نامه دکتر سعید فاطمی

پشان شیر و خورشید و تاج

نخست‌وزیر

تاریخ ۳۰/۲/۱۸

شماره

پیوست

آقای سعید فاطمی

وصول نامه محترم موجب امتنان گردید از خداوند توفیق خدمت مسئلت دارم.

دکتر محمد مصدق

۱۶۶

بخشنامه دکتر مصدق به وزارت خانه‌ها، ادارات مستقل، بانکها

۲۳ اردی بهشت ۱۳۳۰

بخشنامه

وزارت خانه‌ها - ادارات مستقل - بانکها

در این موقع که قوانین مربوط به ملی شدن صنعت نفت و طرز العمل آن به تصویب مجلسین شورای ملی و سنا رسید و فرامین ملوکانه در اجراء و قوانین مزبور صادر و ابلاغ گردیده، لازم است به قسمتهای تابعه دستور فرمائید که در مکاتبه با شرکت سابق نفت انگلیس و ایران همانطور که در ماده ۲ و ماده ۷ قانون طرز اجرای اصل ملی شدن صنعت نفت در سراسر کشور نیز «شرکت سابق» ذکر شده است، بعنوان «شرکت سابق نفت انگلیس و ایران» مکاتبه و کلمه سابق را قید نمائید.

نخست‌وزیر دکتر مصدق

۱۶۷

نامه دکتر مصدق به دکتر امیرعلائی

تلگراف به خوزستان (اهواز)

جناب آقای امیرعلائی مأمور فوق‌العاده دولت

دستور فرمائید هیئت مدیره موقت شرکت ملی نفت ایران جنابان آقایان دکتر محمود

حسابی، مهندس محمد بیات و دکتر عبدالحسین علی‌آبادی به رؤسای ژاندارمری و شهربانی و کلیه مقامات دولتی معرفی شوند تا هرگونه تشریک مساعی که مورد لزوم هیئت مذکور می‌باشد، معمول دارند و ضمناً نیز دستور فرمائید محل سکونت آبرومند و وسائل لازم و کافی زندگی در اختیار آقایان و کارمندان هیئت‌مدیره در حدود ۲۵ نفر بگذارند.

دکتر محمد مصدق

۶۳۷۷ - ۱۳۳۰/۳/۱۶

رونوشت - برای اطلاع هیئت‌مدیره موقت شرکت ملی نفت ایران ارسال می‌گردد.

۱۶۸

نامه دکتر مصدق در جواب پیام آقای ترومن رئیس‌جمهور امریکا

۲۰ خرداد ۱۳۳۰

حضرت مستر ترومن رئیس‌جمهوری کشورهای متحده امریکا [.]
افتخار دارم از وصول پیام گرامی که بوسیله جناب سفیرکبیر آنحضرت ارسال شده بود خالصانه تشکر نمایم.

ملت و دولت ایران همواره کشورهای متحد امریکا را دوست صمیمی و خیرخواه خود می‌دانند و به این دوستی مستظهرند.

در خصوص ملی شدن صنعت نفت در ایران اطمینان داشته باشید که دولت و مجلسین ایران هم مانند آن حضرت علاقمند هستند که از این تصمیم ملی کوچکترین لطمه‌ای به ممالکی که تاکنون از آن استفاده کرده‌اند وارد نیاید لیکن از اینکه نگرانی دولت کشورهای متحده را بیان فرموده‌اید چنین استنباط می‌شود که مطلب کاملاً بر آن حضرت روشن نیست و بنابراین اجازه می‌خواهم از فرصت استفاده نموده شمه‌ای از سوابق قضیه و اقداماتی که اکنون در جریان است باستحضار برسانم.

سالهاست که دولت شاهنشاهی ایران از رفتار شرکت سابق نفت ایران و انگلیس ناراضی بوده است و اگر دوستدار بخواهم تعدیات آن شرکت را شرح بدهم و با ذکر سوابق و مدارک متقن روشن نمایم که حساب این مؤسسه با حقیقت مطابقت نداشت و در حساب ظاهری هم سهمی که برای ملت ایران یعنی برای صاحب و مالک معادن نفت منظور می‌داشتند بقدری ناچیز بود که هر منصفی را تحریک می‌کند موجب تصدیع خاطر محترم خواهد شد و از حوصله این پیام خارج است.

ملت ایران این اوضاع را سالها تحمل کرد و نتیجه آن فقر و پریشانی هولناکی است که اکنون گریبان ما را گرفته است، لیکن ادامه این بردباری با اوضاعی که جنگ بین‌المللی دوم در کشور ما

بیار آورده است امکان نداشت.

البته آنحضرت بخاطر دارند که ملت ایران در این جنگ برای پیشرفت حق و عدالت و آزادی در جهان با متفقین همکاری صمیمانه نمود و در این جنگ برای همکاری متحمل چه مشقات و فداکاری‌هایی گردید. در این کارزار کلیه فعالیت‌های عمرانی داخلی ما تعطیل و تمام قوای مولده ما شب و روز برای اجراء نقشه‌های عظیم حمل مهمات و تهیه خواربار و سایر لوازم ارتش متفقین مشغول شده بود. کشیدن این بار سنگین در طی چند سال مالیه و اقتصاد ما را بی‌اندازه ضعیف و مختل کرد و ما را با یک سلسله مسائل اقتصادی پر وخیم و گوناگونی مواجه نمود و طبقات زحمتکش این کشور که در تمام مدت جنگ برای متفقین جان‌کنده بودند با گرانی طاقت‌فرسا و بیکاری دست بگریبان شد.

پس از خاتمه جنگ اگر ما را بحال خود می‌گذاشتند می‌توانستیم رفته رفته اوضاع مولود جنگ را بحال سابق برگردانیم و دهات خودمان را که در نتیجه جلب کشاورزان به کارهای زمان جنگ در جاده‌ها و کارگاه‌ها و کارخانه‌ها خالی از سکنه و ویران شده بود احیاء کنیم.

اگر به ما هم مانند سایر ملل آسیب‌دیده زمان جنگ از خارج کمک شده بود باحیاء اقتصادی کشور خود زودتر موفق می‌شدیم ولی بدون این کمک هم اگر طمع کمپانی سابق نفت جنوب از یک طرف و دسائس عمال آن از طرف دیگر مجال می‌داد باز موفق می‌شدیم. لیکن این کمپانی سعی می‌کرد با محدود کردن درآمد ما را همیشه در فشار مالی نگاهداشته و اداره امور ما را طوری مختل نماید که همیشه مجبور باشیم دست خود را بطرف او دراز کنیم و آنچه به ما تحمیل کند تمکین نمائیم.

ایادی مرموز شرکت از یکطرف با فشار اقتصادی نهضت اصلاحی ما را فلج کردند و از طرف دیگر باستناد اینکه این مملکت دارای منابع ثروت سرشار و معادن نفت است مانع شدند از کمک‌هایی که به سایر آسیب‌دیدگان جنگ شده بود ایران هم بهره‌مند شود.

از آنحضرت انصاف می‌خواهم آیا ملت بردبار ایران که با تحمل تمام این شداید و محرومیت‌های یأس‌آور تاکنون توانسته است در مقابل تبلیغات قوی و انقلابی ایستادگی کرده و اسباب زحمت دنیا را فراهم نیاورد قابل تحسین و تقدیر هست یا نیست؟ و آیا جز ملی کردن صنایع نفت برای استفاده از ثروت خداداد و خاتمه دادن به کار یک شرکت بی‌انصاف چاره دیگری داشته است؟

اکنون که مختصری از علل تصمیم ملی کردن صنعت نفت در ایران بااستحضار رسید هرگاه به متن قانون توجه فرمایند تصدیق خواهند فرمود که مجلسین ایران در وضع این قانون از جاده حق و عدالت بهیچوجه منحصرنفس نشده‌اند این قانون بطوریکه مکرر از پشت تریبون مجلسین و در طی مصاحبه‌ها اعلام گردیده مصادره و تصاحب اموال را تجویز نکرده بلکه برعکس تأدیه غرامات و خسارات احتمالی را پیش‌بینی و تأمین نموده است و از طرف دیگر بادامه معاملات

نفت با ممالک‌کی که تاکنون از منابع ایران استفاده نموده‌اند توجه خاص نموده و نظر مشتریان سابق را صریحاً تأمین کرده است.

اکنون بیش از یکماه است که قانون طرز اجراء اصل ملی شدن صنعت نفت در سراسر ایران به تصویب مجلسین و توشیح مقام سلطنت رسیده است و با اینکه در قانون به خلع ید بلافاصله حکم شده و دولت در فشار فوق‌العاده افکار عمومی ایران است که با کمال بی‌صبری خواهان خلع ید شرکت سابق هستند، دولت و هیئت مختلط منتخب از مجلسین مطالباتی کرده‌اند که قانون را به بهترین ترتیبی اجرا کنند که بعمل بهره‌برداری مؤسسات نفت و صدور آن به خارج هیچگونه خللی وارد نشود و بهترین گواه صدق این گفتار و حسن‌نیت دولت شاهنشاهی مقرراتی است که در مورد اجراء خلع ید به نماینده شرکت سابق ابلاغ شده است که اهم آن مقررات این است:

(۱) مادام که اساسنامه شرکت ملی نفت ایران به تصویب مجلسین ایران نرسیده است ملاک عمل هیئت مدیره موقت مقررات شرکت (جز آنچه با قانون ملی شدن صنعت نفت مغایرت داشته باشد) می‌باشد.

(۲) کارشناسان، کارمندان و کارگران ایرانی و خارجی شرکت سابق نفت کماکان به خدمت خود باقی و از این تاریخ مستخدم شرکت ملی نفت ایران شناخته می‌شوند.

(۳) هیئت مدیره باید نهایت دقت و سعی را در اجراء برنامه‌های موجود و افزایش محصولات نفت بعمل آورد بطوریکه میزان استخراج و بهره‌برداری از میزان فعلی بیشتر شود.

(۴) هیئت مدیره مکلف است بوسیله آگهی خریداران سابق نفت را برای ابراز مدارک معاملات سابق دعوت کند و در عین حال تسهیلاتی نماید که تا آخر صحت مدارک آنها و حصول توافق با خریداران در امر صدور نفت وقفه و مضیقه پیش نیاید.

و بالاخره به شرکت سابق مجال داده شده است که پیشنهادهاتی که با اصل ملی شدن نفت مبیانت نداشته باشد سریعاً بدهد و دولت عده کرده است پیشنهادهای او را مورد توجه قرار دهد. منظور دولت ایران و هیئت مختلط از اتخاذ این تصمیمات برای ادامه جریان نفت ایران به طرف کشورهای مصرف‌کننده نفت جنوب بوده که مورد نظر آن حضرت قرار گرفته است و می‌توانند اطمینان داشته باشند که ملت ایران به حفظ دوستی با عموم ملل بخصوص با مللی مانند انگلستان که با ما روابط دیرینه دارند علاقه‌مند است.

راجع به عمل خلع ید و تصفیه حساب با شرکت سابق که برطبق مقررات قانون مصوب مجلسین باید بعمل بیاید چون یک امر داخلی ایرانست البته تصدیق می‌فرمایند که دولت جز با نمایندگان شرکت سابق نمی‌تواند با دیگری داخل مذاکره شود.

دولت انگلیس وقتی می‌تواند اظهار نگرانی نماید که ایران در اجراء قانون ملی کردن صنعت نفت نسبت به شرکت سابق از حدود حق و قانون تجاوز کند و اطمینان داشته باشید که چنین

تجاوز می‌نخواهد شد.

ما همیشه سعی خواهیم بود که روابط دوستی خود را با دولت انگلستان حفظ کنیم هرگونه نگرانی که آن دولت از مسئله رسیدن نفت ایران به نیازمندیهای انگلستان برطبق قانون داشته باشد رفع نمائیم و با این ترتیب دیگر هیچ موجبی برای ادامه نگرانی دولت و ملت انگلستان در روابط خود با دولت و ملت ایران باقی نخواهد ماند.

موقع را برای تجدید احترامات صمیمانه خود نسبت به آن حضرت و آرزوی دوام ترقی و تعالی ملت بزرگ امریکا مفتنم می‌شمارم.

نخست‌وزیر ایران

۱۶۹

تلگراف تشکرآمیز نخست‌وزیر به نماینده فوق‌العاده دولت در خوزستان

۲۱ خرداد ۱۳۳۰

جناب آقای امیرعلائی از مراقبت و توجه مخصوصی که در این موقع خطیر در انجام امور محوله مبذول فرمودید این جانب کمال امتنان و تشکر خود را ابراز می‌دارم و توفیق بی‌پایان این خدمت مهم ملی را برای جنابعالی آرزو مندم.

دکتر محمد مصدق

۱۷۰

تلگراف دکتر مصدق به هیئت اعزامی به خوزستان

به وسیله جناب آقای امیرعلائی؛

جنابان آقایان نمایندگان محترم کمیسیون مختلط و هیئت محترم مدیره موقت شرکت نفت ملی ایران وصول گزارش‌های مبسوط از اقدامات بسیار مؤثر و مفید آن جنابان بی‌نهایت موجب مسرت و تشکر است.

دولت و هم‌چنین کمیسیون مختلط از این موفقیت و پیشرفتی که تاکنون حاصل شده امتنان کامل دارند و توفیق نهائی آن جنابان را آرزو مندیم.

دکتر محمد مصدق

۱۷۱

پاسخ دکتر مصدق به دو بانوی ایرانی

نشان شیر و خورشید و تاج
نخست‌وزیر

تاریخ ۳۰/۳/۲۷

شماره ۷۷۶۴

پیوست -

جناب آقای مدیر محترم روزنامه شاهد
نامه خواهان عزیزم که از معرفی نامشان خودداری شده شرف وصول ارزانی بخشید.
نمی‌دانم از احساسات پاک و وطن‌پرستانه آن دو بانوی شرافتمند چگونه سپاسگذاری کنم،
امیدوارم همواره شایسته این حسن ظن باشم و همه با شرکت هم در خدمت به وطن عزیز موفق
و کامیاب شویم. مبلغ پنجاه و شش تومان وجه نقد به وزارت دارائی فرستاده شد. انگشتر هم
خدمت جنابعالی ارسال می‌شود تا هرطور صلاح باشد اقدام فرمایند.
در خاتمه انتظار دارم که این نامه در روزنامه شاهد منتشر شود تا نویسندگان محترم آن دو
نامه از تشکرات خالصانه و صمیمانه این جانب، استحضار حاصل کنند.
نخست‌وزیر - دکتر محمد مصدق

۱۷۲

پاسخ دکتر مصدق به تلگراف اتحادیه جوانان حسینی

اتحادیه جوانان سادات حسینی
تلگراف آقایان واصل و موجب تشکر و امتنان گردید. امید است همه با هم در راه خدمت به
وطن عزیز موفق گردیم.
نخست‌وزیر

۱۷۳

پاسخ دکتر مصدق به تلگراف اتحادیه رانندگان خراسان

اتحادیه محترم رانندگان خراسان ۳۸۳۷ - ۳/۲۷ وصول تلگراف موجب تشکر و امتنان
گردید از خداوند برای همگی توفیق خدمت می‌طلبم.
دکتر محمد مصدق

۱۷۴

نامه دکتر مصدق به آقای شپرد سفیرکبیر دولت پادشاهی انگلستان

نشان شیر و خورشید و تاج

نخست وزیر

۳۱ خرداد ۱۳۳۰

سفیرکبیر عزیزم

چون امور شرکت سابق نفت انگلیس و ایران از امور داخلی کشور است شرکت سابق نفت هرنوع مکاتبه که با دولت دارد مستقیماً با وزارت دارائی به عمل می‌آورد. بنابراین نامه مورخ بیست و یکم ژون ۱۹۵۱ آنجناب و ضمیمه آن بدین وسیله اعاده داده می‌شود.

ارادتمند - دکتر محمد مصدق

جناب آقای شپرد سفیرکبیر دولت پادشاهی انگلستان

تهران

۱۷۵

تلگراف دکتر مصدق پس از دریافت تلگراف انجمن فارغ التحصیلان دانشسرایعالی

۱۳۳۰/۴/۳

جناب آقای عبدالحسین پازوکی

وصول تلگراف موجب تشکر و امتنان گردید، از خداوند برای همگی توفیق خدمت

می‌طلبم.

دکتر محمد مصدق

۱۷۶

جواب دکتر مصدق به آیت‌الله حاج میرزا خلیل کمرهای

نشان شیر و خورشید و تاج

نخست وزیر

تاریخ ۳۰/۴/۸

شماره ۱۷۸

پیوست -

بعرض می‌رساند

نامه گرامی شرف وصول ارزانی بخشید. از احساسات بی‌آلایش و پاک آیت‌الله نمی‌دانم

چگونه سپاسگزاری کنم. از خداوند برای حضرتعالی وجود توفیق خدمت می‌طلبم و در خاتمه ارادت خود را تجدید و سلامت عالی را خواهانم.

دکتر محمد مصدق

۱۷۷

نامه دکتر مصدق به ترومن

۵ تیر ۱۳۳۰

حضرت آقای ترومن رئیس‌جمهور ممالک متحده امریکای شمالی؛

نظر به علاقه‌ای که از طرف شخص حضرت رئیس‌جمهور نسبت به مصالح کشور ما عموماً و نسبت به مسئله اخیر نفت خصوصاً ابراز شده و حتی در تاریخ ۳ ژوئن ۱۹۵۱ شخصاً پیامی در این باب به اینجانب فرستاده‌اند لازم می‌داند باردیگر باستحضار خاطر عالی برساند که دولت شاهنشاهی ایران برحسب وظیفه‌ای که از طرف مجلس شورای ملی و سنا به او محول شده مکلف بود قانون ملی کردن صنعت نفت ایران را در سراسر کشور و طرز اجرای آنرا در اسرع اوقات به موقع اجرا بگذارد با اینهمه بعلت لزوم اقدامات اولیه از طرفی و برای ایجاد توافق بین دولت و شرکت سابق نفت از طرف دیگر عمل اجراء با نهایت احتیاط و بتدریج آغاز گردید تا فرصت باقی برای مذاکرات بین نمایندگان دولت و شرکت سابق دست دهد.

دولت شاهنشاهی با کمال صداقت حاضر بود از این فرصت حد اعلای استفاده بشود مخصوصاً بر اثر پیام آن حضرت و وساطت دوستانه جناب سفیرکبیر امریکا به این موضوع توجه بیشتری معطوف داشت و با تقاضای شرکت سابق راجع به تمدید مهلت برای شروع مذاکرات موافقت کرد و بدین ترتیب یکماه و نیم از وضع قانون گذشت.

دولت ایران قبلاً و کراراً اعلام کرده بود که در حدود قانون ملی شدن صنعت نفت و قانون طرز اجرای آن می‌تواند با نمایندگان شرکت وارد مذاکره شود و حاضر است در مسائل مختلفی نظیر موضوع خسارت محتمله شرکت سابق و فروش نفت به خریداران سابق و امثال آن با کمال میل مذاکره نماید و از این لحاظ آمدن نمایندگان شرکت سابق نفت را به تهران حسن استقبال کرد و مفتنم شمرد ولی با کمال تأسف نمایندگان شرکت سابق پیشنهادهایی برخلاف قوانین ملی شدن صنعت نفت دادند که دولت نتوانست به مذاکرات ادامه دهد.

دولت شاهنشاهی چون تصمیم دارد بهر عنوان که باشد نگذارد در بهره‌برداری و فروش نفت

به خریداران سابق حتی یک روز وقفه حاصل شود بکرات اعلام نمود که حاضر است کارمندان و کارشناسان و کارگران خارجی را با همان مزایا و حقوق و همچنین حقوق تقاعد استخدام کند و وسائل هرگونه تشویق آنان را فراهم آورده به ترکیب و ترتیب تأسیسات شرکت سابق دست نزنند و مقررات شرکت سابق را تا آنجا که با قانون ملی شدن تناقض نداشته باشد مرعی و مجری دارد، ولی با نهایت تأسف مشهود می‌گردد که اولیاء شرکت سابق شروع به عملیاتی نموده که ناچار در صادرات نفت ایجاد وقفه خواهد نمود بدین معنی که:

اولاً - کارمندان را به ترک محل خدمت تشویق و دولت را باستعفای دسته‌جمعی آنان تهدید می‌کنند.

ثانیاً - کشتی‌های حامل مواد نفتی را وادار می‌کنند از دادن رسید به هیئت مدیره شرکت ملی نفت خودداری نمایند.

گرچه ملت ایران برای انجام مقصود، خود را برای هرگونه محرومیت آماده کرده است با اینحال تردید ندارد که خوابیدن دستگاه بهره‌برداری تنها بضرر ما نیست بلکه بضرر انگلستان و کلیه دولی که از محصول معادن نفت جنوب ایران استفاده می‌کنند تمام می‌شود و اولیای شرکت سابق نفت بایستی این عاقبت وخیم را متذکر باشند.

بدیهی است دولت و ملت ایران با تمام قوا و وسائل ممکنه اهتمام خواهد نمود که جریان نفت قطع نشود ولی در صورتیکه در نتیجه دست از کار کشیدن دسته‌جمعی کارمندان انگلیسی یا تأخیر در بارگیری حمل مواد نفتی بعلت ندادن رسید وقفه‌ای ولو بطور موقت حاصل شود موجب نهایت تأسف است و در این صورت مسئول عواقب نامطلوب این امر رؤسای شرکت سابق نفت خواهند بود. این نکته را نیز لازم است متذکر شود که با وجود ابراز احساسات ملی در ایران بهیچوجه خطری نسبت به امنیت جانی مالی اتباع انگلیس متوجه نیست و انتشار اینگونه اخبار بی‌اساس از طرف عمال شرکت سابق نفت بخودی خود ممکن است تولید نگرانی و ایجاد اختلال کند حال آنکه اگر شرکت سابق مطابق انتظار دولت ایران رفتار کند ابداً جای نگرانی نیست و دولت شاهنشاهی کاملاً «بر اوضاع مسلط است» نظر به اینکه بین ملتین ایران و امریکا همواره روابط دوستانه برقرار بوده و رجاء واثق هست که هیچوقت کوچکترین خللی به این حسن روابط وارد نشود و ملت بزرگ و ارجمند امریکا از طرفداران جدی آزادی و حاکمیت ملل شناخته شده و فداکاری‌های آن ملت نیک‌نهاد در دو جنگ اخیر بهترین گواه این معنی است، لذا لازم دانستم خاطر آنحضرت را از جریانات اخیر مستحضر سازم و یقین دارم که دولت‌های آزاد جهان و خصوصاً دولت دوست ما امریکا در این موضوع مهم از معاضدت بآمال ملی ایران خودداری نخواهند کرد.

در خاتمه احترامات فائقه و ادعیه خالصانه و خیرخواهانه خود را تقدیم می‌دارد.

نخست‌وزیر ایران

۱۷۸

نامه دکتر مصدق به دیوان بیگی

۳۰/۴/۱۱

شماره ۸۵۲۲

فوری

جناب آقای دیوان بیگی سناتور محترم

به منظور رسیدگی به مدارک و اسنادی که از شرکت سابق نفت به دست آمده جلسه‌ای با حضور جنابعالی تشکیل خواهد شد. خواهشمند است در ساعت ۹ صبح چهارشنبه هفته جاری در منزل سدان واقع در خیابان قوام السلطنه، کوچه ایرج، حضور به هم رسانید. این جلسه تا خاتمه کار همه روزه در محل مذکور تشکیل خواهد شد.

نخست وزیر - دکتر محمد مصدق

۱۷۹

نامه تشکر دکتر مصدق به آیت‌الله چهارسوقی

نشان شیر و خورشید و تاج
نخست‌وزیر

تاریخ ۳۰/۴/۱۲

شماره خصوصی ۳۴۲

پیوست ...

بعرض عالی می‌رساند؛

نامه گرامی شرف وصول ارزانی بخشید، نمی‌دانم از اظهار لطف و مرحمت حضرت آیت‌الله چگونه تشکر کنم [.] امیدوارم همواره شایسته این حسن ظن باشم و تحت توجهات خداوند متعال و همه با شرکت هم در خدمت بوطن عزیز موفق و کامیاب شویم.

دکتر محمد مصدق

۱۸۰

نامه دکتر مصدق به مجلس شورای ملی

ساحت مقدس مجلس شورای ملی [!]

در قبال کشف اسناد و مدارک محرمانه اداره منحلۀ اطلاعات و انتشارات شرکت سابق نفت که در محل سابق آن اداره در خیابان نادری و در محل اقامت آقای سدان نماینده کل شرکت سابق

نفت در تهران (کوچه ایرج) به دست آمده و اکنون مورد توجه خاص مجلس شورای ملی قرار گرفته، مراتب زیر به استحضار آقایان نمایندگان محترم می‌رسد.

این جانب از جریان رسمی کشف و عکس‌برداری و مطالعه اوراق و اسناد مزبور هیچ‌گونه اطلاعی نداشتم و طبق دستور این جانب اطلاعات رسمی که رسیده، حاکی است که آقای ناصر وثوقی دادیار دادرسی تهران در تاریخ ۱۲ تیرماه جاری گزارش مبسوط اقدامات خود را به ریاست دادرسی شهرستان تهران داده و اینک متن گزارش مزبور:

ریاست دادرسی شهرستان تهران

تعقیب مأموریت محوله در مورد تفتیش و بررسی اداره منحلۀ اطلاعات شرکت سابق نفت، جریان اقدامات انجام شده را تا این تاریخ به شرح زیر به عرض می‌رساند:

در تاریخ پنجم و ششم و هشتم و نهم تیرماه ۱۳۳۰ به موجب صورت مجلسهای موجود این جانب به اتفاق آقای امیرحسین پاکروان نماینده تیمسار زاهدی وزیر کشور، دادخواه رئیس کلانتری ۳ در اداره منحلۀ اطلاعات شرکت سابق نفت حضور یافتیم و شروع به بررسی و مطالعه اوراق و اسناد کردیم؛ قبل از مراجعه تا حال نیز اداره مذکور لاک و مهر شده و تحت حفاظت و نگهبانی مأمورین انتظامی است. از تعداد زیادی اسناد و اوراق مربوط به این اداره عکس‌برداری شده؛ اسناد انگلیسی به فارسی ترجمه گردید و از کلیۀ آنها رونوشت تهیه شد. به موجب این اسناد اداره منحلۀ اطلاعات شرکت سابق نفت در پاره‌ای امور سیاسی و داخلی ایران به منظورهاى خاصى مداخله می‌نموده‌است.

عدۀ زیادی روزنامه‌ها مقالات خود را از این اداره می‌گرفته‌اند؛ آگهی‌ها و اخبار مربوط به نفت که در عین حال برای رسیدن به هدفهای معینی تهیه می‌شده از طرف این اداره به وسیله آقای ابوالقاسم حداد که رابط مطبوعاتی اداره بوده‌است، بین روزنامه‌ها قسمت می‌شده و مقالات توهین‌آمیز و تحریک‌کننده به منظور تحقیر رجال و سیاستمداران میهن‌پرست ایرانی و انعطاف افکار عمومی از مسأله نفت به دست بعضی نویسندگان از جمله آقای علی جواهرکلام تهیه و پس از صوابدید اداره مذکور برای درج به روزنامه‌ها داده می‌شده است. اسناد دیگری مبنی بر رابطه بعضی رجال و سناتورها با آقای «فیلیپ استاکیل» رئیس اداره مذکور نیز در دست است؛ در عین حال بعضی اقدامات سیاسی و مطبوعاتی عده‌ای از رجال از این اداره سرچشمه و الهام می‌گرفته‌است. مثلاً به موجب سندی که در دست است آقای شاهرخ اساساً مأموریتهایی از طرف این اداره داشته‌است.

عکسها، ترجمه‌ها و رونوشتهای ترجمه شده در اختیار وزارت کشور قرار گرفت و عین آنها در اداره در تاریخ ۳۰/۴/۸ بنا بر مذاکرۀ تلفنی و ارجاع آن جناب و رؤیت امریۀ جناب آقای نخست وزیر، معلوم شد که پس از انحلال اداره اطلاعات، بعضی کارمندان این اداره منزل آقای «سدان» را تبدیل به یک اداره مخفی نموده و در آنجا به کار خود ادامه می‌دهند. محتمل است

یک دستگاه فرستنده در آنجا مشغول به کار باشد و علی‌ای حال مقرر است اداره مذکور نیز تفتیش شود.

در روزهای ۸، ۱۰ و ۱۱ تیرماه جاری به موجب صورت مجلسهای موجود این جانب به اتفاق نمایندگان وزارت کشور و شهربانی کل و کلانتری ۳ به خانه مذکور وارد و به شرح بررسیهایی معمول گردید:

حین ورود به خانه نامبرده، آقای حداد (رابط به اصطلاح مطبوعاتی اداره اطلاعات) و آقای فیلیپ استاکیل (رئیس اداره مذکور) در حالی که هریک دسته‌ای اوراق و مطبوعات زیر بغل داشتند، در حال خروج مشاهده شدند و اوراق و اسناد مذکور بررسی شد.

خانه آقای «سدان» که دارای اتاقهای متعدد است، کلاً تبدیل به یک اداره یا شعبه‌ای از اداره اطلاعات منحل شده بود و وسایل کار از قبیل ماشین تحریر، دستگاه دیکتافون و غیره به طور کامل در کلیه اتاقها ملاحظه گردید و حتی یک اتاق نیز برای استفاده و سکونت شخصی در این ساختمان دیده نشد. از بررسی اوراق و اسناد این اداره، مداخلات دامن‌دارتر شرکت سابق در امور داخلی و سیاسی ایران و اقداماتی که به هیچ وجه با امر استخراج و تصفیه نفت ارتباط ندارد مشهود و مکشوف گردید. اسناد ارتباط روزنامه‌نویس‌ها و نویسندگان و بعضی از رجال در این اداره ملاحظه می‌شود. پیشنهاداتی که از خریداران نفت جهان به عنوان شرکت ملی نفت با پست فرستاده [شده] بود، در آرشیوهای این اداره بایگانی شده است (جمال امامی - این پیشنهادها چه طور آنجا رفته؟). نطق تیمسار رزم‌آرا نخست وزیر اسبق در جواب نمایندگان جبهه ملی که از طرف شرکت تهیه شده بود به دست آمد و بالاخره یک سند کتبی به خط آقای استاکیل حاکی است که مقداری از اوراق و اسناد مهم نابود گردیده است که بلافاصله اقدام مقتضی معمول گردید.

نماینده وزارت کشور از این اسناد نیز عکسها و رونوشتها و ترجمه‌هایی تهیه کرد و سپس عین اسناد ضبط گردید. قسمتی در بانک ملی و بقیه در خود محل لاک و مهر شد و تحت حفاظت مأمورین انتظامی قرار گرفت.

تطبیق عملیات انجام شده و اسناد موجود با قوانین جزایی ایران و بررسی دقیق نوشتجات به فرصتهای بعد موکول می‌گردد، و اینک ضمن ارسال ۱۲ برگ صورت مجلسهای تنظیم شده مراتب را جهت اطلاع آن جناب اعلام می‌دارد؛ جریان تحقیقات ادامه خواهد داشت. دادیار دادسرای تهران - ناصر وثوقی

چنان که از گزارش مزبور استنباط می‌شود، جریان رسیدگی به اسناد و مدارک تا ۳۰/۴/۱۲ جریان رسمی و طبیعی خود را طی کرده است. لیکن این جانب عصر سه‌شنبه یازدهم تیرماه اطلاع حاصل کردم که صبح همان روز ماده واحده راجع به طرز رسیدگی اسناد و مدارک مکشوفه از طرف عده‌ای از نمایندگان محترم تقدیم مجلس شده است که ضمن آن تقاضا شده

بود که کمیسیونی از مجلس انتخاب شود و مأمور رسیدگی به آن اسناد و مدارک شود. چون سه فوریت لایحه مزبور به تصویب رسیده بود، ولی تصویب لایحه به بعد موکول گردید، این جانب تشخیص دادم که رسیدگی به مدارک را نمی‌توان متوقف نمود، و از جهت دیگر ممکن است تصمیم شورای ملی به تأخیر افتد؛ از ۳ نفر از نمایندگان محترم مجلس سنا، آقایان دادگر، دیوان‌بیگی و دکتر حسابی و ۳ نفر از نمایندگان محترم مجلس شورای ملی آقایان دکتر طاهری، مخبر فرهمند و دکتر بقایی دعوت کردم که در محل اقامت مستر سدان حضور به هم رسانیده، با حضور جناب آقای دادستان کل اسناد و مدارک را مطالعه نمایند.

اینک اطلاع حاصل است که از قسمت عمده از اسناد و مدارک مشکوفه عکس‌برداری و ترجمه شده است. لیکن طبق سندی که از مستر استاکیل رئیس اداره منحلّه اطلاعات و انتشارات شرکت سابق نفت به دست آمده و عیناً قرائت می‌شود «شماره ۸۵۱۳ برای ا.ج. چیزم. از طرف ف. استاکیل

در ۲۷ و ۲۸ ژوئن مطابق ۵ و ۶ تیرماه دواير اداره اطلاعات از طرف شهربانی مهور شد. در تاریخ ۲۱ ژوئن، دکتر بقایی و سایر اعضای جبهه ملی به آنجا وارد و عکسهایی بسیار از اسناد برداشتند، شماره‌ای چند از این اسناد ظاهراً به منظور اثبات عملیات مخرب اداره انتشارات در تهران مصور و شاهد درج شد، ولی در نظر اشخاص بی‌غرض اثر بدی برای وجهه شرکت نباید داشته باشد.

نظر به مراقبت کاملی که از هفته گذشته از طرف جبهه ملی نسبت به دواير اداره انتشارات به عمل می‌آمد، ممکن نشد اسناد بکلی منهدم، یا از آنجا بیرون برده شود زیرا به محض اقدام به چنین امری، سریعاً به جبهه ملی گزارش داده می‌شد و قطعاً موجب می‌گردید هنگامی که احتیاج خاصی به اداره انتشارات بود حمله‌ای به منظور بستن آن به عمل آید و آنچه را برای ما جرم می‌شمارند، یا اقدام ما برای از بین بردن یا انتقال مدارک جلوه‌گر سازند، ولی برخی از پرونده‌هایی که محرمانه‌تر، بود به جای امن برده شد و برخی دیگر به انضمام آنچه که کتینگ قبل از مراجعتش به انگلستان به استاکیل داده بود منهدم گردید.

بدیهی است برای من غیرممکن بود قبل از مهور شدن اداره کلیه اسناد را انتقال داده و یا منهدم سازم. ولی آنچه را که به نظرم بیشتر احتمال خطر داشت، بانضمام آنچه را کتینگ پیش از بازگشت به انگلستان شخصاً به من داده به جای امن انتقال داده و یا از بین بردم. شرح مفصل با پست فرستاده می‌شود.»

سند فوق به موجب اعتراف صریح مستر استاکیل ثابت می‌نماید که قسمت اعظم و مهم اسناد و مدارک به جای امن دیگری منتقل شده و یا منهدم گردیده است. مستر استاکیل به موجب سند فوق و گزارش ذیل تحت تعقیب قانونی قرار گرفته است:

«ریاست دادسرای شهرستان تهران

تعقیب مأموریت محوله و دستور مقام ریاست وزراء که از طریق شهربانی به این جانب ابلاغ گردید، در بازرسی منزل آقای سدان - نماینده شرکت سابق نفت - ضمن اوراق و اسناد متعددی که به دست آمد و حاکی از این بود که شرکت سابق نفت از طریق اداره منحلۀ اطلاعات، مداخلات بی‌موردی در امور سیاسی می‌نماید. سندی به دست آمده که به موجب آن آقای فیلیپ استاکیل رییس سابق اداره منحلۀ اطلاعات، مبادرت به سوزاندن و مخفی کردن مقداری از اسناد شرکت سابق نفت کرده است و چون از تاریخ تصویب قانون ملی شدن نفت در سراسر کشور ادارات و اسناد شرکت سابق در حکم ادارات و اسناد دولتی است، از بین بردن اسناد مذکور طبق قانون مجازات عمومی جرم می‌باشد و با تقدیم یک برگ رونوشت سند مذکور به خط خود استاکیل نامبرده است، مراتب را جهت تعقیب جزایی و هر نوع اقدام مقتضی اعلام می‌دارد. رونوشت این شرح تعقیب، به دستور مقام ریاست وزراء تقدیم معظم‌له گردید.

دادیار دادسرای تهران»

در هر حال اسناد و مدارک موجود تحت نظر کمیسیون مختلطی که بنا به دعوت این جانب تشکیل گردید، جریان رسیدگی خود را طی می‌نماید. لیکن این جانب از مجلس تقاضا دارم، کمیسیونی از نمایندگان محترم هرچه زودتر انتخاب نمایند، تا به همراهی چند نفر از نمایندگان سنا که انتخاب خواهند شد و با حضور نماینده دولت و دادستان کل و این کار رسیدگی نمایند و تکلیف اسناد و مدارک مزبور را به‌طور منجز تعیین نمایند و دولت منویات و تصمیمات کمیسیون مزبور را محترم شمرده بموقع اجرا خواهد گذاشت.

دکتر محمد مصدق

۱۸۱

نامه دکتر مصدق به سرلشکر بقائی

۲۷ تیر ۳۰

آقای سرلشکر بقائی نظر به اینکه در چند روزه ریاست شهربانی خود نتوانستید خدمات محوله را در حفظ انتظامات چنانچه جامعه انتظار آنرا داشته انجام دهید از این تاریخ از ریاست شهربانی برکنار می‌شوند، تا انتخاب رئیس جدید جناب آقای وزیر کشور تصدی این مقام را نیز خود بعهده خواهد داشت.

۱۸۲

جواب دکتر مصدق به نامه کارگران چاپخانه مصطفوی

آقایان کارگران محترم چاپخانه مصطفوی شیراز [!]

نامه گرامی عز و صول ارزانی بخشید. احساسات بی‌آلایش امثال آقایان محترم است که

زحمات و مشقات را در پیش بردن مقاصد ملی هموار و این جانب را بیش از پیش به کار تشویق می‌نماید. امیدوارم تحت توجهات خداوند متعال کلیه آرزوهای هموطنان عزیزم برآورده شود.
شماره خصوصی ۷۲۵ - ۳۰/۴/۲۶

دکتر محمد مصدق

۱۸۳

تلگراف دکتر مصدق به حسین مکی

نشان شیر و خورشید و تاج

وزارت پست و تلگراف و تلفن

تلگراف

از کاخ	شماره قبض	تعداد کلمه	تاریخ اصل	تاریخ وصول
به خرمشهر	شماره تلگراف			روز ماه
				۲۷ / ۴

جناب آقای مکی نماینده محترم مجلس شورای ملی [!]
از فداکاری جنابعالی که برای انجام وظایف محوله از طرف هیئت مختلط فرموده و با وجود
سختی گرمی هوای آبادان همچنان به انجام وظایف ادامه داده‌اید صمیمانه تشکر می‌کنم.
۳۰/۴/۲۷ ۱۰۰۰۰۷

نخست‌وزیر — دکتر محمد مصدق

۱۸۴

پاسخ دکتر مصدق به ریاست هیئت مدیره سندیکای ساختمانی شیراز

جناب آقای قهرمانی ۱۲۴۸ - ۳۰/۴/۲۸
احساسات پاک صمیمانه و خداپرستانه آقایان و برادران عزیزم موجب امتنان است. مزید
سعادت و توفیق عموم را از خداوند متعال خواهانم [.]

دکتر محمد مصدق

۱۸۵

نامه دکتر مصدق درباره سرلشکر بقایی به وزارت جنگ*

چون سرلشکر بقائی رئیس سابق شهربانی مسئول حفظ انتظامات شهر تهران بوده و بعلت عدم مراقبت مشارالیه وقایع ناگوار و اسف‌آور بیست و سوم تیرماه به وقوع پیوسته دستور فرمائید فوراً دادگاه نظامی تشکیل و ترتیب محاکمه علنی ایشان داده شود.

نخست‌وزیر - دکتر محمد مصدق

۱۸۶

نامه دکتر مصدق در جواب سفیر کبیر امریکا در تهران

سفیر کبیر عزیزم [!]
در جواب یادداشت هفتم مردادماه ۱۳۳۰ (۳۰ ژوئیه ۱۹۵۱) محترماً اشعار می‌دارد: بسیار خوشوقت می‌شوم اگر از جناب آقای هریمن سؤال فرمائید کدام جمله از بیانی که در جواب ایشان در شب گذشته به وسیله جنابعالی به لندن مخابره شده ایجاد محذور نموده و باعث شده که ایشان تصور کنند پیام مزبور تسهیلی در افتتاح باب مذاکرات نمی‌نماید و بنابراین از تسلیم آن به دولت انگلستان خودداری فرموده‌اند.

موقع را برای تجدید احترامات مفتنم می‌شمارد.

نخست‌وزیر - دکتر محمد مصدق

۱۸۷

تلگراف دکتر مصدق در جواب حسین مکی

نشان شیر و خورشید و تاج

تلگراف

از	شماره قبض	تعداد کلمه	تاریخ اصل	توضیحات	تاریخ وصول
به	شماره تلگراف	۴۸	۸		روز ماه
					۵ / ۸

خدمت جناب آقای مکی نماینده محترم مجلس شورای ملی [!]
تلگراف گرامی از هفتگل عز وصول بخشید. از الطاف جنابعالی و حضرات آقایان محترم

این دستور از طرف آقای نخست‌وزیر امروز به وزارت جنگ صادر شده است.

صمیمانه تشکر می‌کنم امیدوارم همواره شایسته این حسن ظن باشیم و تحت توجهات خداوند متعال در خدمت بوطن عزیز موفق شویم.

دکتر محمد مصدق

۱۸۸

نامه دکتر مصدق در جواب نامه آیت‌الله چهارسوقی

نشان شیر و خورشید و تاج
نخست‌وزیر

بتاریخ ۳۰/۵/۱۰

شماره

پیوست

بعرض می‌رساند [:]

مرقومه محترم عز و وصول بخشید و اظهار لطف عالی موجب نهایت امتنان و تشکر گردید. امید است همواره برکات انفاس و افاضات عالیه روحانیت ممد اصلاحات و ترقیات کامل ملک و ملت باشد. در باب وجوهی که از حجاج بیت‌الله اخذ می‌شود وزارت امور خارجه مشغول مطالعه بوده و بنحو مقتضی ترتیب اینکار داده خواهد شد و عجلتاً هم که بواسطه بروز امراض و با و طاعون عزیمت حجاج ممنوع گردیده است. ایام سعادت مستدام باد.

دکتر محمد مصدق

۱۸۹

نامه دکتر مصدق به رئیس مجلس شورای ملی

نشان شیر و خورشید و تاج
نخست‌وزیر

تاریخ ۳۰/۵/۱۳

شماره ۱۲۴۲۴

پیوست یکبرگ

ریاست محترم مجلس شورای ملی

در جواب نامه شماره ۱۵۶۴۳ - ۱۳۳۰/۵/۳ دایر بارجاع مأموریت به آقای اکباتانی؛ رونوشت شرحی که به آقایان وزراء محترم کار - فرهنگ - کشور نوشته شده برای استحضار خاطر شریف به پیوست فرستاده می‌شود.

نخست وزیر [امضاء] دکتر محمد مصدق

[در حاشیه] [رقم مهر]

ورود بدفتر نماینده مجلس شورای ملی

شماره ۱۶۱۲۱

ساله ۱۳۳۰/۵/۱۷

[با خط دیگری]

به عرض ریاست مجلس رسید ضمیمه پرونده اداره بایگانی شود. ۳۰/۵/۱۷

۱۹۰

نامه دکتر مصدق به وزیر دارائی

نشان شیر و خورشید و تاج

نخست وزیر

تاریخ

شماره

پیوست

فوری است

جناب آقای وزیر دارائی

با ارسال رونوشت نامه شماره ۱۶۲۴۳ - ۳۰/۵/۲ مجلس شورای ملی دایر به تهیه لوحه طلا جهت آرامگاه اعلیحضرت شاهنشاه فقید خواهشمند است دستور فرمائید برای اجرای قانون مصوب ۳۱ خرداد ۲۸ اعتبار کافی در بودجه سال ۱۳۳۰ کل کشور تأمین نمایند تا بوسیله وزارت اقتصاد ملی لوحه مزبور تهیه و در آرامگاه شاهنشاه فقید نصب گردد.

نخست وزیر

رونوشت به وزارت اقتصاد ملی فرستاده می شود.

نخست وزیر

۱۴۱۴۰

۳۰/۶/۵

رونوشت برای اطلاع ریاست محترم مجلس شورای ملی ایضاً می گردد.

نخست وزیر

[امضاء] دکتر محمد مصدق

[در حاشیه]

[رقم مهر] ورود به دفتر نماینده مجلس شورای ملی شماره ۱۶۸۱۱ ساله ۱۳۳۰/۶/۷

[با خط دیگری] بعرض رسید - رونوشت به کمیسیون محاسبات مجلس و اداره کاری اداری فرستاده شد.

حمیدی ۳۰/۶/۶

۱۹۱

نامه دکتر مصدق به حسین مکی

پنجم شهریورماه ۱۳۳۰

قربانت شوم [؟] تیمسار سرلشکر میرجلالی آمدن خود را به تهران لازم ندانند. تلگرافی به

ستاد ارتش فرموده‌اند که لازم می‌دانم از مضمون آن فوراً مطلع شده و راجع بصدور اعلامیه‌ای که به آن اشاره شده و خود بنده معتقد بآن نیستم و انتشار آن موجب سوء تفاهم خواهد شد عقیده خود را سربسته یا تلفنی بفرمائید تا ساعت ۹ صبح فردا چهارشنبه ۶ در منزل هستم و بعد به مجلس سنا می‌روم.

دکتر محمد مصدق

۱۹۲

تلگراف جناب دکتر مصدق به نخست وزیر مصر

جناب آقای نحاس پاشا نخست وزیر مصر [۱]:

دولت و ملت ایران مجاهدات و مبارزات ملت دوست و نجیب و دولت محبوب مصر را با دیده تقدیر و تحسین می‌نگرد و به جناب عالی اطمینان می‌دهم این پایداری دلیرانه‌ای که برای حصول آمال ملی مردم کشور خود بکار می‌برید در قلوب فرد فرد هموطنان من تأثیر عمیقی بخشیده است. خواهشمندم همدردی برادرانه و علاقمندی صمیمانه ملت ایران و پشتیبانی کامل آنها را به ملت مبارز مصر اعلام فرمائید.

دکتر محمد مصدق

۱۹۳

نامه دکتر مصدق به وزارت دارایی مبنی بر سلب اجازه معاملات ارزی از بانک انگلیس در ایران

وزارت دارائی - ۱۷۱۵۶ - ۳۰/۶/۱۶ مقتضی است به کلیه ادارات و مؤسسات دولتی و شرکت‌ها و بنگاه‌ها و بانکها که با سرمایه دولت تشکیل شده و یا دولت در آن سهام است دستور فرمایند اگر حساب در بانک انگلیس در ایران و خاورمیانه دارند بلافاصله حساب خود را بسته موجودی را بسایر بانکها منتقل نمایند.

بانک ملی ایران از اجرای این دستور مستثنی خواهد بود.

نخست وزیر - دکتر محمد مصدق

۱۹۴

تلگراف دکتر مصدق به علمای اصفهان

نشان شیر و خورشید و تاج
وزارت پست و تلگراف و تلفن

تاریخ وصول		توضیحات	تاریخ اصل	نعداد کلمه	شماره قبض	از کاخ
روز	ماه		۱۷	۱۴۰	شماره تلگراف	به اصفهان
۱۷	۶					

بوسیله حضرت آیت‌الله آقای چهارسوقی خدمت حضرات آیات عظام ادام‌الله بقائهم [!] بیانیه حضرات آقایان عظام که در تقویت و تأیید از دولت صادر فرموده‌اند زیارت و موجب کمال تشکر و امتنان گردید. از خداوند متعال برای همگی نسبت به وطن عزیز توفیق خدمت می‌طلبم و تمنا دارد آقایان متحصنین را از تلگرافخانه ضمن اظهار تشکر و سپاسگذاری از احساساتی که ابراز فرموده‌اند روانه فرمائید. نظر به اینکه امروز مجلس شورای ملی برای اخذ رأی اکثریت نداشت این جانب فقط قناعت نمودم که نظریات دولت را بعرض برسانم و درخواست کنم چنانچه نمایندگان غایب از جلسه و مخالف با نظریه دولت موافق می‌باشند تا روز سه‌شنبه ۱۹ شهریورماه درخواست تشکیل جلسه فوق‌العاده نموده و حاضر شوند و رای خود را بدهند [.]

با تقدیم احترامات - دکتر محمد مصدق

۱۹۵

تلگراف دکتر مصدق به رشت درباره خرابی راهها

آقای جهانگیری رئیس راه

۴۱۹۵؛ راه موقتی برای تأمین عبور در هر نقطه که لازم باشد احداث نمائید و دو دستگاه گرادر برای پاک کردن راه اعزام می‌شود نتیجه عملیات و تاریخ افتتاح راه تلگرافید.

مصدق

رونوشت به اداره کل راه شوسه ابلاغ می‌شود که فوراً دو دستگاه گریدر به گیلان اعزام دارند.

وزیر راه

شماره ۱۴۴۲۶

تاریخ ۳۰/۶/۲۳

رونوشت تمام برای استحضار

جناب آقای رضا رفیع قائم مقام الملک نماینده محترم مجلس شورای ملی ارسال می‌شود.
از طرف وزیر راه مصدق

۱۹۶

تلگراف دکتر مصدق به متحصنین آذربایجان

۳۰/۶/۲۷

آقایان محترم متحصنین [۴] از احساسات گرانبهای هموطنان عزیز که در تقویت و تأیید اقدامات دولت ابراز می‌شود کمال تشکر و امتنان را دارم. عدم اکثریت کافی برای رأی موجب آن نخواهد شد که دولت تصمیمی که بخیر و صلاح مملکت اتخاذ نموده به موقع اجرا نگذارد. خواهشمندم آقایان محترم به خانه‌های خود تشریف ببرند و بدانند همین عواطف پاک و احساسات مقدس موجب سربلندی و افتخار جامعه ایرانی است و امیدوارم از آن همیشه در راه خیر و صلاح مملکت استفاده شود. توفیق عموم هم‌میهنان عزیزم را از خداوند متعال مسئلت می‌نمایم.

دکتر محمد مصدق

۱۹۷

جواب دکتر مصدق به تلگراف حجج اسلام اصفهان توسط آیه الله چهارسوقی

نشان شیر و خورشید و تاج
وزارت پست و تلگراف و تلفن
تلگراف

از ط به ص	شماره	قبض تلگراف	تعداد کلمه	تاریخ اصل	توضیحات	تاریخ وصول
				۲۴	ساعت ۱۴	روز ماه
						۲۴ ۶

توسط حضرت آیه الله آقای چهارسوقی [۴]

حضرات آقایان حجج الاسلام دامت برکاتهم [۱] به زیارت تلگراف محترم آقایان برخوردار شدم و امیدوارم خداوند توفیق انجام خدمتی را که روحانیون محترم و طبقات دیگر کشور به اینجانب محول فرموده‌اند عنایت فرماید و با ضعف مزاج و بنیه که دارم بتوانم این خدمت خطیر

را به پایان رسانم. لازم است این نکته را تصریح نمایم که با احساسات صادقانه ملت تا حال از مجلسین شورا و سنا جز اعتماد مکرر و کامل نظری نسبت به این دولت ابراز نشده و همان اعتماد باقی و غیرمتزلزل است و برای اینجانب نظر مخصوصی موجود نیست که تقاضای رأی اعتماد مجدد بنمایم و مادام که خلاف اعتمادی از طرف ملت و مجلسین وجود ندارد نظریات اتخاذ شده قویاً اجرا می‌شود. بنابراین خواهشمندم مقرر فرمایند مردم اصفهان به تحصن خود خاتمه داده مخلص را رهین امتنان فرمایند.

دکتر محمد مصدق

۱۹۸

جواب دکتر مصدق به اهالی اصفهان

نشان شیر و خورشید و تاج
نخست وزیر

۳۱ شهریور ۱۳۳۰

آقایان محترم اهالی اصفهان

ورقه‌ای که آن هموطنان عزیز با امضای خود مزین نموده بودند رسید و موجب نهایت امتنان گردید. مخصوصاً جناب آقای احمد انواری با بهترین بیان مبلغ منویات شما شدند. توفیق آقایان محترم را در پایداری و قوت خود را در انجام خدمتی که به عهده گرفته‌ام از خداوند مسئلت دارم.
دکتر محمد مصدق

۱۹۹

نامه دکتر مصدق به حکمت رئیس مجلس شورای ملی

نشان شیر و خورشید و تاج
نخست وزیر

تاریخ ۱۳۳۰/۷/۱

شماره ۱۷۸۲۳

پیوست

جناب آقای حکمت رئیس محترم مجلس شورای ملی [۴]

نظر به اینکه دولت گزارشی تهیه نموده که باید این جانب بعرض مجلس شورای ملی برسانم مقتضی است چنانچه عده‌ای از آقایان نمایندگان محترم در شهر تشریف ندارند قبلاً به آقایان اعلام فرمایند که در جلسه علنی فردا حضور بهم رسانند.

با تقدیم احترامات - نخست وزیر دکتر محمد مصدق

[امضاء] دکتر محمد مصدق

[در حاشیه]: [رقم مهر]

ورود بدفتر نماینده مجلس شورای ملی

شماره ۱۸۰۲۱

سالنامه ۱۳۳۰/۷/۱

[با خط دیگری]

مستقیماً بعرض ریاست معظم رسید، دستور تهیه جواب صادر فرمودند. ۳۰/۷/۱ حمیدی

۲۰۰

نامه دکتر مصدق به ریاست مجلس سنا

ریاست محترم مجلس سنا [۴]

پیرو درخواست قبلی دولت مبنی بر تشکیل جلسه فوق‌العاده مجلس محترم سنا بمنظور رسیدگی به لایحه تسهیل مالیات‌ها و لایحه اصلاحی بودجه کل کشور، اینک از نظر فوریت امر خواهشمند است مقرر فرمائید پس از رسیدگی به لایحه بودجه کل کشور، لایحه مربوط به تأسیس مرکز آمار ایران و همچنین ماده واحده مربوط به تصویب دو فقره یادداشت بین وزارت امور خارجه شاهنشاهی و سفارت کبری ایالات متحده آمریکا در تهران نیز در جلسه فوق‌العاده مجلس محترم سنا مطرح گردد. مزید تشکر است.

۲۰۱

نامه دکتر مصدق در جواب نامه آیة‌الله چهارسوقی

تاریخ ۳۰/۷/۳

شماره ۱۷۲۰۹

نشان شیر و خورشید و تاج

نخست‌وزیر

بعرض عالی می‌رساند [۴]

ضمن ادای آداب احترام و استفسار از سلامتی وجود شریف وصول نامه شریفه را اعلام و رونوشت نامه را که به وزارت جنگ فرستاده شده برای استحضار ارسال می‌دارد با اتکاء مخصوص بسادعیه شریفه توفیق انجام خدمات مرجوعه ملی را از خداوند مسئلت می‌نمایم.

دکتر محمد مصدق

۲۰۲

رونوشت نامه دکتر مصدق به وزارت جنگ جهت آیه‌الله چهارسوقی

نشان شیر و خورشید و تاج
نخست‌وزیر

تاریخ
شماره
پیرست

وزارت جنگ [!]

عین نامه جناب آقای آیت‌الله چهارسوقی که از اصفهان رسیده است فرستاده می‌شود که راجع به انتقال سرگرد حسن و مهدی نوربخش مورد توجه قرار دهند و جواب مستقیم صادر نمایند.

نخست‌وزیر

۲۰۳

نامه دکتر مصدق در جواب پیام وزیر دربار

تاریخ ۴ مهرماه ۱۳۳۰

جناب آقای حسین علاء وزیر محترم دربار شاهنشاهی [!]

پیام جنابعالی به این جانب رسید برای اینکه سوء تفاهمی حاصل نشود نظریات خود را به وسیله این یادداشت عرض می‌کنم.

تردید نیست که هر فردی از افراد آزادی عمل دارد و هر عملی که از او صادر شود مسئولیت آن به عهده خود فاعل می‌باشد.

اعلیحضرت همایون شاهنشاهی که حافظ تمامیت و استقلال مملکتند به دولت امر دادند که حتی المقدور در ارسال اولتیماتوم به دولت انگلیس خودداری شود و اختلافی که بین دولت انگلیس به نمایندگی از طرف شرکت سابق نفت جنوب و دولت ایران هست با یک رویه مسالمت‌آمیزی حل شود.

دولت چاره‌ای جز امتثال امر پادشاه محبوب خود نداشت و روی این زمینه پیشنهاد بسیار منصفانه‌ای که حداکثر موافقت بود تهیه و توسط جنابعالی تسلیم سفارت کبرای انگلیس کرد، ولی مع‌التاسف آن سفارت در آخر نامه خود به جنابعالی چنین نوشت:

«بنابراین متأسفانه باید به استحضار خاطر آن جناب برسانم که دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان نه می‌تواند ورقه مزبور را سند رسمی تلقی کند و نه هم محتویات آن را اساس و زمینه‌ای قرار داد که بر روی آن بتوان مذاکرات را از نو آغاز نمود»

در این صورت هر شخص بی‌غرض تصدیق خواهد کرد که مراجعه دولت ایران به دولت

انگلیس با وجود چنین نامه توهین آمیزی که به وزارت دربار نوشته شده بود منطق نداشت. متخصصین فنی انگلیسی کارمندان و کارکنان شرکت سابق نفت انگلیس و ایران بوده‌اند و پس از ملی شدن صنعت نفت و انحلال شرکت مزبور منطقی ندارد که آنها در سرزمین ایران توقف نموده و به ضرر ایران عملیاتی بکنند. بنابراین دولت ایران حق داشت که به آنها اخطار کند که خاک ایران را ترک کنند تا اینکه دولت ایران بتواند متخصصین دیگری از هرکجا که سهل‌الماخذ تمام شود استخدام کند. البته دولت انگلیس که حامی صلح جهانی و دوست صمیمی ایران است نمی‌بایست راضی شود که با توقف متخصصین انگلیسی نه متخصصین خارجی دیگری حاضر به کار در ایران شوند و نه اشخاصی که احتیاج به خریداری نفت از ایران دارند از ترس اینکه مبادا روزی کمپانی سابق نفت بیک عنوان در امور ما دخالت نموده و با آنها لجاج کند که حاضر به خرید نفت نشوند و وضعیت دلخراش ایران به همین حالی که هست باقی بماند. صاف و بی‌پرده عرض می‌کنم که اگر دولت انگلیس از رویه‌ای که تا کنون تعقیب کرده منصرف نشود مسئول هر خطری خواهد بود که متوجه ایران بشود. نخست وزیر - دکتر محمد مصدق

۲۰۴

نامه دکتر مصدق به مهندس حسینی

تاریخ ۱۳۳۰/۷/۸

نشان شیر و خورشید و تاج

نخست‌وزیر

جناب آقای مهندس حسینی

از شورای امنیت دعوتی رسیده که در ظرف چهار ساعت باید جواب آن داده شود. تمنی می‌کنم پنج بعدازظهر امروز (دوشنبه هشتم مهرماه) اول وقت که هیئت وزیران در بنده منزل تشکیل می‌شود سرافراز فرمائید.

نخست‌وزیر - دکتر محمد مصدق

۲۰۵

نامه دکتر مصدق در جواب نامه آقای غنی‌زاده

جناب آقای غنی‌زاده رئیس کانون پزشک‌یاران آذربایجان نامه گرامی عز وصول ارزانی بخشید و موجب نهایت تشکر و امتنان گردید. احساسات

بی‌آلایش امثال آقایان محترم است که زحمات و مشقات را در پیش بردن مقاصد ملی هموار و این‌جانب را بیش از پیش به کار تشویق می‌نماید. امیدوارم تحت توجهات خداوند متعال کلیه آرزوهای هموطنان عزیزم برآورده شود.

دکتر محمد مصدق

۲۰۶

نامه دکتر مصدق به حسین مکی

جناب آقای حسین مکی نماینده محترم و عضو هیئت مختلط مأمور
نظارت در اجرای قانون ملی شدن صنعت نفت

این موقع که آخرین افراد کارشناسان و کارمندان انگلیسی بدون بروز هیچ‌گونه حادثه غیرمنتظره خاک ایران را ترک گفته‌اند لازم می‌دانم از زحمات و مراقبت‌های مدام و شبانه‌روزی جنابعالی که در گرمای شدید تابستان خوزستان از روی کمال ایمان و صمیمیت انجام وظیفه نموده‌اید قلباً تشکر کنم و توفیق خدمتگذاری بیشتر را برای جنابعالی آرزو نمایم.

یقین است ملت ایران این مأموریت تاریخی و مهم شما را هرگز فراموش نخواهد کرد. در خاتمه خواهشمندم به کلیه رؤسای ادارات دولتی و کارمندان و کارگران محبوب مناطق نفت‌خیز که از هیچ‌گونه همکاری و وظیفه‌شناسی در این مورد مضایقه نکرده‌اند مراتب امتنان دولت و شخص این‌جانب را ابلاغ فرمائید.

دکتر محمد مصدق

۲۰۷

نامه دکتر مصدق به ناصرقلی اردلان

جناب آقای ناصرقلی اردلان نماینده محترم مجلس و عضو هیئت مختلط
مأمور نظارت در اجرای قانون ملی شدن صنعت نفت

اینک که آخرین افراد بیگانه آبادان را ترک کرده‌اند ضرورت دارد که از مراقبت‌های مدام جنابعالی برای نظارت در اجرای قانون خلع ید و حسن اجرای قانون ملی شدن صنعت نفت کمال امتنان و تشکر خود را ابراز دارم و موفقیت روزافزون جنابعالی و همه همکاران محترمان و همچنین توفیق کارمندان دولت و کارگران عزیز مناطق نفت‌خیز را از خداوند متعال مسئلت می‌نمایم.

دکتر محمد مصدق

۲۰۸

نامه دکتر مصدق به اعضای هیئت مدیره موقت

جناب آقایان اعضای هیئت مدیره موقت [!]
اکنون که آخرین دسته کارشناسان و کارمندان انگلیسی از ایران عزیمت کرده‌اند برای دولت و این جانب بهترین فرصت ابراز امتنان و تشکر از آن هیئت محترم بدست آمده است در نتیجه مراقبت مال‌اندیشی و دقت لازم که از طرف عموم آقایان محترم بکار رفته بحمدالله بدون بروز هیچ‌گونه حادثه، جریان خلع ید انجام یافت و این مأموریت مهم به بهترین صورت پایان پذیرفت، تمنا دارم بفرد فرد رؤساء و کارمندان و کارگران نواحی نفت‌خیز این امتنان قلبی و تشکر صمیمانه این جانب را ابلاغ فرمایند.
دکتر محمد مصدق

۲۰۹

نامه دکتر مصدق در جواب تلگراف ابوالقاسم امینی

نخست وزیر
جناب آقای ابوالقاسم امینی استاندار محترم اصفهان [!]
تلگراف ۱۶۶-۳۰/۷/۱۳ شرف وصول ارزانی بخشید و موجب نهایت امتنان گردید. ضمن سپاسگذاری از احساسات وطن‌پرستانه اهالی محترم اصفهان امیدوارم تحت توجهات خداوند متعال کلیه آرزوهای هموطنان عزیزم برآورده شود.
دکتر محمد مصدق

۲۱۰

جواب دکتر مصدق به نامه آقای ادیب برومند

نشان شیر و خورشید و تاج نخست‌وزیر	تاریخ ۲۴ مهرماه ۱۳۳۰ شماره ۱۲۶ پیوست
--------------------------------------	--

خدمت آقای ادیب برومند
از نامه و احساسات ملاطفت‌آمیز شما و مخصوصاً چکامه‌ای را که در تهییج و تشریح احساسات ملی سروده و ارسال فرموده بودید نهایت تشکر را دارم.
دکتر محمد مصدق
[امضاء] دکتر محمد مصدق
[اظهارنامه]

۲۱۱

پاسخ دکتر مصدق به تلگراف شهردار تهران

جناب آقای محمد مهران شهردار تهران [!]- از احساسات شما و اهالی محترم تهران نهایت تشکر را دارم.

۲۱۲

پاسخ تلگرافی دکتر مصدق به تلگراف آیت‌الله کاشانی

تهران - خدمت حضرت آیت‌الله کاشانی [!]
وصول تلگراف محترم موجب امتنان و کمال تشکر گردید. تأییدات و اقدامات شجاعانه حضرت عالی همیشه اساس موفقیت ملت ایران در این مبارزه تاریخی بوده است از خداوند متعال سلامتی و طول عمر حضرت عالی را خواستارم و یقین دارم که ملت ایران از برکات آن وجود محترم در ترقیات و اصلاحات آینده خود بیش از پیش بهره‌مند خواهد شد.
دکتر محمد مصدق

۲۱۳

تلگراف دکتر مصدق از واشنگتن به آقای باقر کاظمی

ضمن ابراز تشکر از بذل عنایت هم‌میهنان عزیز، خواهشمند است از رؤسای محترم اصناف تمنا کنید از بستن طاق نصرت یا هرگونه تظاهر نظیر در موقع مراجعت این‌جانب خودداری نمایند.

۲۱۴ .

تلگراف دکتر مصدق به کفیل نخست‌وزیری

آقای کاظمی کفیل نخست‌وزیر [!]
خواهشمندم مراتب تبریک و تشکرات قلبی این‌جانب را به آقایان اعضاء کمیسیون مختلط و هیئت‌مدیره موقت و هم‌چنین مهندسین و کمک مهندسین و کارگران آبادان که موفق شده‌اند بدون کمک متخصص خارجی، منابع نفت کشور خود را مجدداً بکار اندازند ابلاغ فرمایند - موفقیت کامل آقایان را در این وظیفه سنگین ملی آرزومندم.
دکتر محمد مصدق

۲۱۵

تقدیرنامه دکتر مصدق خطاب به آقای نورالدین کیا

نشان شیر و خورشید و تاج
سفارت کبرای شاهنشاهی ایران
واشنگتن

شماره ۱۱۶
تاریخ ۱۳۳۰/۸/۲۲

آقای نورالدین کیا

دبیر اول نمایندگی ایران در سازمان ملل متحد

چون طرز کار شما در مدت توقف هیئت نمایندگی ایران در شورای امنیت چه در نیویورک و چه در واشنگتن از روی کمال وظیفه‌شناسی و جدیت بوده است بدین وسیله از مراقبت و دقتی که در انجام خدمات محوله بکار برده‌اید تقدیر می‌نماید.

نخست‌وزیر - دکتر محمد مصدق

۲۱۶

نامه دکتر مصدق در جواب مرقومه آیه‌الله چهارسوقی

نشان شیر و خورشید و تاج
نخست‌وزیر

تاریخ ...
شماره ...
پیوست ...
به عرض عالی می‌رساند

مرقومه شریفه عز وصول ارزانی داشت. از الطاف و عنایت مخصوص بینهایت متشکر و امیدوارم دعای خیر جنابعالی همواره در حلّ معضلات یار و مددکار بوده باشد. در مورد تغییر مأمورین دارایی و غیره چون طبق تصمیم شورای عالی نظارت انتخابات اقدام شده به نظر می‌سد که در مورد خاصی تبعیض در آن مشکل خواهد بود.

[امضاء] دکتر محمد مصدق

۲۱۷

متن نامه دکتر مصدق به رئیس‌جمهور امریکا قبل از ترک آن کشور

حضرت مستر ترومن رئیس‌جمهور ایالات متحده امریکا [۱]

چون از توقف بیش از دو هفته این‌جانب در واشنگتن و مساعی جمیله امناء دولت آن حضرت در حل اختلاف ایران و انگلیس در مسئله نفت ایران متأسفانه نتیجه‌ای حاصل نگردید و این‌جانب تصمیم دارم روز پنجشنبه ۱۵ نوامبر به ایران عزیمت نمایم و به واسطه غیبت آن

حضرت از واشنگتن موفق به وداع حضوری نمی‌شوم اجازه می‌خواهم از پذیرایی گرم و محبت‌هایی که آن حضرت و کارکنان دولت امریکا در طول اقامت این‌جانب در این پایتخت زیبا نسبت به این‌جانب فرموده‌اند تشکرات صمیمانه خود را تقدیم داشته ضمناً به حکم ضرورت پاره‌ای نکات مهمه را به استحضار خاطر محترم برسانم.

دلایل لزوم وضع قانون ملی شدن صنعت نفت ایران چه حضوراً و چه به وسیله پیام‌هایی که در این چند ماه اخیر فی‌مابین مبادله گردید مفصلاً بیان شده و تکرار آن را جایز نمی‌دانم. پس از شروع به اجرای آن قانون که مواجه با اعتراضات غیرموجه دولت انگلیس گردید و آن حضرت برای رفع اختلاف نظر فی‌مابین به طور دوستانه توصیه‌هایی فرمودید ملاحظه شد که دولت این‌جانب بلادرنگ و با کمال حسن نیت استقبال کرد و به مصلحت‌اندیشی آن حضرت جناب اورل هریمن را برای مشورت به تهران دعوت نمود و با تبادل نظری که بین ایشان و دولت ایران و هیئت مختلط منتخب مجلسین به عمل آمد فرمول برای مذاکره با دولت انگلیس بر اساس شناسایی اصل ملی شدن صنعت نفت در ایران مبنی بر اساس این که اکتشاف و استخراج و بهره‌بردای نفت در دست دولت ایران باشد مورد موافقت دولتین ایران و انگلیس واقع و موجب آمدن هیئتی از طرف دولت انگلیس به تهران گردید.

و ملاحظه فرمودید که هیئت اعزامی انگلیس برخلاف مدلول صریح فرمول مرضی‌الطرفین پیشنهاداتی کرد و به طور ناگهانی تصمیم به ترک تهران گرفت و دولت ایران برای منصرف کردن آن هیئت از قطع مذاکرات با اطلاع آقای هریمن پیشنهاداتی به هیئت انگلیس تسلیم نمود و حداکثر مساعدتی که در حدود قانون ایران ممکن بود بشود کرد و بی‌نتیجه ماند و همچنین ملاحظه فرمودید که دولت ایران در اجرای قانون خلع ید از کمپانی سابق و نسبت به کارشناسان انگلیسی حداکثر مدارا را کرد و مخصوصاً از زمانی که آقای هریمن به تهران وارد شد این مدارا را به درجه‌ای رسانید که بهانه مخالفت نسبت به دولت شد.

البته به خاطر دارید که دولت برای اینکه به هیچ وجه در صدور نفت به ممالکی که مشتری سابق ایران بودند خللی وارد نیاید ابتداء به گرفتن یک رسید ساده از کشتی‌هایی که برای بارگیری آمده بودند اکتفا کرد و به کارشناسان انگلیسی با حفظ تمام مزایایی که داشتند و ابقاء کلیه نظامات شرکت سابق که منفی با ملی شدن صنعت نفت نباشد تکلیف استخدام کرد، متأسفانه همه این مساعدت‌ها و گذشتها به هدر رفت و رویه متخذه از طرف عمال کمپانی سابق منتهی به تعطیل بهره‌برداری منابع نفت ایران شد، یعنی در موقعی که تمام وسایل کار موجود بود و کارشناسان انگلیسی در پست‌های خودشان باقی بودند کلیه دستگاهها را از کار انداختند و تردیدی باقی نماند که انگلیسها مایل به حل قضیه نبوده‌اند و نقشه آنها این بوده و هست که با قطع کردن عواید نفت، ایران را چندی دچار مضيقه مالی و بحران اقتصادی کرده دولت را مجبور به قبول نظریات خود بکنند.

دولت ایران که نمی‌توانست دست روی دست گذارده منتظر چنین پیش‌آمد ناگواری شود تصمیم گرفت وسائل رفع تعطیل صنعت نفت ایران را خود فراهم کند و چون در عمل ثابت شده بود که وجود کارشناسان انگلیس که از قبول استخدام شرکت ملی نفت ایران خودداری کرده‌اند مانع انجام این منظور است لازم بود باقامت آنها خاتمه داده شود ولی برای آخرین کوشش متوسل به آقای هریمن گردید و از ایشان تقاضا شد به دولت انگلیس اعلام نمایند در صورتیکه برای تجدید مذاکرات حاضر نشوند این تصمیم به موقع اجرا گذاشته خواهد شد و چون ایشان از وساطت این دفعه امتناع کردند زمینه جدیدی برای مذاکرات که حداکثر ارفاق و مسالمت را دربرداشت توسط وزیر دربار شاهنشاهی تسلیم سفیر انگلیس نمود ولی وقتی ملاحظه شد که این طرح را هم بدون امعان نظر فوراً رد کردند و از مذاکره یاس کامل حاصل شد دولت ناچار شد که با موافقت هیئت مختلط جواز اقامت کارشناسان انگلیسی را لغو کند.

دولت انگلیس که در این مدت حسن نیت دولت ایران را ضعف تلقی کرده و مداراهای ما را با اقدامات تهدیدآمیز از قبیل اعزام کشتی‌های جنگی بمجاورت آبهای ساحلی ایران و افزایش فشارهای اقتصادی و فراخواندن کشتی‌های حاصل کالاهای مایحتاج ایران جواب می‌داد برای جلوگیری از اخراج کارشناسان انگلیسی و در واقع برای مانع شدن دولت ایران از ادامه بهره‌برداری از صنعت نفت به عناوین غیر وارد بشورای امنیت توسل جست و این عمل موجب شد که خود این جانب برای دفاع از حقوق حقه ایران عازم امریکا شدم و این مسافرت فرصتی به این جانب داد که دعوت محبت‌آمیز آن حضرت را برای آمدن به واشنگتن و درک فیض ملاقات آن حضرت و همکاران محترمان قبول نمودم و در این مدت که اینجا هستم انصافاً مشاهده شده که اولیاء وزارت امور خارجه امریکا نهایت جدیت را در پیدا کردن راه‌حلی مبذول داشتند که موجب کمال تشکر این جانب است ولی متأسفانه مساعی آنها به نتیجه منتهی نتوانست بشود و اگر این جانب تمام وقت خود را با تمام گرفتاریهایی که دولت در تهران دارد در اینجا گذرانده یک نتیجه مسلماً از این صرف وقت گرفتم و آن این است که به دولت و ملت امریکا معلوم و هوایدا گردید که علی‌رغم کمال حسن نیت دولت ایران دولت انگلیس مایل به حل قضیه نیست و نظری جز گذراندن وقت و انتظار اثر وخامت اوضاع اقتصادی ایران ندارد.

این نکته را هم ناگفته نمی‌گذارم که سر رویه دولت انگلیس در مماطله و عدم اجراء فورمول هریمن این است که چون اتباع آن دولت امتیازاتی در پاره‌ای از ممالک دارند هرگاه طبق فورمول مزبور اکتشاف و استخراج و بهره‌برداری معادن نفت در ایران به دست دولت قرارگیرد، سایر دول دهنده امتیاز نیز ممکن است از صاحبان امتیاز نظیر همین عمل را بخواهند و بالنتیجه به فوائد سرشار صاحبان امتیاز لطمه وارد شود.

ولی باید تصدیق کرد این عوائد در مقابل مخارجی که دولتها برای تسلیحات می‌کنند و

تلفات جانی و مالی که با تباع آن‌ها وارد می‌شود به هیچ وجه ارزشی ندارد و بهتر آن است که استرضای ملل صاحبان معادن نفت را بعمل آورند تا عدم رضایتشان موجبات تشنج صلح عمومی را فراهم نکند.

اکنون که به این مرحله اسف‌انگیز رسیده است برای اینکه از این مسافرت نتیجه حاصل شده باشد بخود اجازه می‌دهم بار دیگر در مقام تصدیع برآمده توجه آن حضرت را به وضع وخیم اقتصادی ایران معطوف بدارم.

تصور می‌کنم وضع فعلی ایران بر آنحضرت کاملاً روشن است و می‌دانید که این وضع از زمان جنگ بین‌المللی دوم شروع شده و در آن جنگ ملت ایران به امید وعده‌های آزادی و استقلال ملل و منشور آتلانتیک قربانی‌ها و فداکاریهائی متحمل گردید تمام وسایل نقلیه و ارتباطات ایران، تمام قوای مولده ملت ایران برای پیشرفت متفقین تجهیز شد تا ایران مقام پل پیروزی را احراز کرد.

ولی در عین حال در نتیجه این مشارکت، مالیه و اقتصاد ایران در هم ریخت و ما از نظر اقتصادی فوق‌العاده ضعیف و بی‌بنیه شدیم و هزینه زندگی مردم ایران بر اثر افزایش حجم اسکناس و سایر علل ناشیه از توقف قوای متفقین در ایران تا ده برابر قبل از جنگ ترقی کرد. سران متفقین وقتی که برای تشکیل کنفرانس تهران در سال ۱۹۴۳ به ایران آمدند این فداکاری‌ها را تصدیق و تحسین کردند و وعده کمکهای اقتصادی بعد از جنگ را در ضمن یک اعلامیه رسمی به ما دادند.

ما از فداکاری‌هائی که کردیم پشیمان نیستیم، تاسف ما از این است که بعد از جنگ هیچ کمکی به ما نشد سهل است، عمال استعمار نگذاشتند که ما با استفاده از منابع داخلی خودمان که اهم آن عایدات نفت است خرابی‌های خود را ترمیم کنیم و برای اینکه با تحمیل یک قرارداد الحاقی زیان بخش قرارداد بی‌اعتبار ۱۹۳۳ را تنفیذ و تأیید بکنند و به سیاست استعماری ادامه بدهند. عمال کمپانی از یک طرف مطابق یک نقشه ماهرانه در طی این پنج شش سال بعد از جنگ از یک طرف با دساینس سیاسی ما را از کمک‌هائی که دولت امریکا حتی بدشمنان سابق خود کرده و می‌کنند و حتی از کمک‌های موسسات بین‌المللی محروم ساختند و از طرف دیگر مالیه مملکت را دچار کسر فاحش بودجه کردند و هم برنامه‌های عمرانی ما را عقیم گذاشتند.

البته این وضعیات باید بتدریج اصلاح بشود و دولت اینجانب تدابیر فوری و مؤثری برای بهبود وضع مالی و اصلاح بودجه و حذف مخارج غیر ضروری اتخاذ کرده و بعداً از هر گونه کوششی برای اصلاح امور اقتصادی فروگذار نخواهد کرد.

اما وخامت اوضاع اقتصادی ما فعلاً طور است که اگر یک چاره فوری نشود جریان امور مملکت دچار تشنج و اختلال خواهد شد و خدای نخواستہ اوضاعی ممکنست پیش آید که

برای صلح جهان که مورد علاقه آن حضرت است خالی از خطر نباشد و قهراً عواقب وخیم پیش آمدهائی که در جریانات و اوضاع جهان تأثیر دارد دولت امریکا را دچار مشکلات خطیر می‌کند و اگر با توجه به مسئولیتی که دولت امریکا در امور بین‌المللی بعهده دارند همیشه علاج واقعه را قبل از وقوع فرمایند حتماً کم زحمت‌تر و کم خرج‌تر خواهد بود. در این صورت تصور می‌کنم که هرگاه از محل همین اعتبار که به اختیار آن حضرت گذاشته شده یا هر محل سهل‌الحصول دیگری که مقتضی بدانید یک مساعدت فوری و مؤثری به کشور ایران بفرمائید بسیار بموقع و لازم خواهد بود.

و اینکه تقاضای کمک از اعتبار مذکور می‌کنم علت آن این است که این یک اعتبار مصوب و آماده است و بطوری که از مذاکرات شفاهی استنباط شده گرفتن هر گونه وام دیگری فورمالیته‌هایی دارد که نتیجه آن بزودی حاصل نمی‌شود و الا مقصود گرفتن هدیه و کمک بلاعوض نیست و هر کارگشائی فوری بفرمائید از اولین برداشت عایدات نفت ما استرداد خواهد شد.

تأکید پیش از این را زائد دانسته و انتظار دارد در صورت امکان از تصمیمی که اتخاذ می‌فرمائید این جانب را قبل از حرکت از واشنگتن قرین استحضار و امتنان فرمائید. در خاتمه لازم می‌دانم بار دیگر تشکرات صمیمانه خود را از مهمان‌نوازی دولت امریکا اظهار بدارم و اینک به این وسیله از آن حضرت خداحافظی کرده و ادعیه خالصانه خود را برای سلامت و سعادت ملت دوست امریکا تقدیم می‌دارد.

۲۱۸

تلگراف دکتر مصدق به آیه‌الله چهارسوقی

نشان شیر و خورشید و تاج
تلگراف

از	شماره	قبض	تعداد کلمه	تاریخ اصل	توضیحات	تاریخ وصول
به		تلگراف	۴۰	۳		روز ماه
						۴ ۹

حضرت آیت‌الله آقای میرزا سید حسن چهارسوقی ۳۰/۹/۲ تلگرافی شرف وصول ارزانی بخشید و موجب نهایت تشکر و امتنان گردید ضمن اظهار سپاسگذاری از مراجع حضرت آیت‌الله امیدوارم تحت توجهات خداوند متعال کلیه آرزوهای هموطنان عزیزم برآورده شود.
دکتر محمد مصدق

۲۱۹

تلگراف تشکر دکتر مصدق به ابوالقاسم امینی

جناب آقای ابوالقاسم امینی ۱۴۵۶۱ - ۱۳۳۰/۹/۲ تلگراف عز وصول ارزانی بخشید و موجب نهایت امتنان گردید - ضمن اظهار تشکر از احساسات بی‌آلایش و محبت بی‌پایان جنابعالی و حضرات آقایان محترم امیدوارم تحت توجهات خداوند متعال کلیه آرزوهای هموطنان عزیزم برآورده شود.

دکتر محمد مصدق

۲۲۰

نامه دکتر مصدق به غلامحسین رحیمیان

نشان شیر و خورشید و تاج
نخست وزیر

تاریخ: ۳۰/۹/۵
شماره: ۲۳ ۱۲۸
پیوست

جناب آقای رحیمیان نماینده محترم سابق مجلس شورای ملی [!] از زحماتی که برای جمع‌آوری اسناد انتخاباتی دوره نهم تقنینیه که در شورای امنیت از آنها به نفع مملکت کاملاً استفاده شده و همچنین از نظارت دوماهه‌ای که در طبع اوراق قرضه ملی نموده و از دریافت حق زحمت هم خودداری و به نفع صندوق کشور واگذار فرموده‌اید تشکر و به این وسیله از همت بلند و سعه صدر جنابعالی قدردانی می‌نمایم.

دکتر محمد مصدق

[امضاء] دکتر محمد مصدق

۲۲۱

نامه دکتر مصدق به جمعیت اتحاد اسلام

نشان شیر و خورشید و تاج
نخست وزیر

تاریخ ۳۰/۹/۷
شماره -
پیوست -

جمعیت محترم اتحاد اسلام [!] از محبت صمیمانه که به ارسال یکدسته گل مطبوع از طرف آن جمعیت با حمیت ابراز شده بود امتنان حاصل شد. امیدوارم آن جمعیت به آرزوهای دینی خود رسیده و از ثمره اتحاد مسلمین و اعتلاء اسلام بهره‌مند باشند [.]

دکتر محمد مصدق

۲۲۲

تلگراف دکتر مصدق به جحة الاسلام سيد محمدعلی انگجی

جناب آقای سيد محمد علی انگجی [!]
وصول تلگراف موجب زیادت تشکر و امتنان گردید. از خداوند برای همگی توفیق خدمت
می‌طلبیم.

دکتر محمد مصدق

۲۲۳

تلگراف دکتر مصدق در جواب تلگراف اهالی اصفهان

توسط جناب آقای صاحب قلم، حضرات آقایان محترم [!] ۳۴۲ - ۳۰/۹/۲ وصول تلگرام
موجب نهایت تشکر و امتنان گردید، از خداوند برای همگی توفیق خدمت می‌طلبیم.
دکتر محمد مصدق

۲۲۴

تلگراف دکتر مصدق به مهندس روحانی

آقای مهندس روحانی کپیه استانداری ۲۹ - پول صورت کارکرد شماره ۴ وسیله بانک در ظرف
همین چند روزه به شرکت آراسته پرداخت می‌شود. مهندس گزین‌کلد و مقاطعه‌کار فوراً به
اصفهان عزیمت و قول دادند دستور شروع عملیات را بدهند. مراقبت و نظارت لازم را نموده
نتیجه را گزارش دهید.

مصدق

۲۲۵

نامه دکتر مصدق به شمس‌الدین عالمی

نشان شیر و خورشید و تاج
نخست وزیر

تاریخ: ۱۳۳۰/۹/۱۷

شماره: ۲۳ ۹۵۰

پیوست

آقای شمس‌الدین عالمی مستشار دادگاه استان ۱ و ۲ [!]

به جنابعالی مأموریت داده می‌شود که راجع به واقعه روز پنجشنبه چهاردهم آذر ۱۳۳۰

بازرسی و تحقیقات لازم برای روشن شدن قضیه به عمل آورده نتیجه را زودتر به اینجانب
گزارش فرمایید
دکتر محمد مصدق
[امضاء] دکتر محمد مصدق

۲۲۶

جواب دکتر مصدق به نامه استاد دهخدا

استاد دانشمند، جناب آقای علی اکبر دهخدا دامت افاضاته
نامه شریف عز وصول ارزانی داشت. از مضامین عالیّه آن بهره‌مند و از الطاف کاملاً متشکر
شدم. اگر سرّی در موفقیت این جانب در قسمتی از آمال ملی باشد مرهون پشتیبانی اعلیحضرت
شاه و محبت و خوش‌بینی افرادی مانند جنابعالی و قاطبه ملت بوده است. علاوه بر آنکه حسن
درایت و شجاعت پادشاه مهربان، مستلزم حسن کفایت و شهامت کارکنان دولت است. در
ممالک دموکراسی نیک و بد دولتها مخلوق افکار عمومی و مولود رفتار و کردار بزرگان و
خردمندان ملت‌ها است که در رأس آنها باز شخص شخص شاه قرار دارند. ضمناً از مراتب قدرت
و رادمردی جناب عالی متشکرم که در عین بحران منافع و فقدان منابع مالی با ارسال چک
یکصد هزار ریال در کمک به آمال ملی پیشوا شده‌اید، اما به مناسبت نزدیکی ایام انتشار اوراق
بهادار قرضه ملی، اجازه می‌خواهم که آن را مسترد کنم تا در موقع خود معادل آن از اوراق
خریداری فرمائید. قطع دارم که آثار این ایثار در پیشرفت منویات ملی بسیار خواهد بود.
دکتر محمد مصدق

۲۲۷

تلگراف دکتر مصدق به دکتر محیی

جناب آقای دکتر عبدالحسین محیی - ۱۲۱۲ - ۹/۵ وصول تلگرام موجب نهایت تشکر و امتنان
گردید از خداوند برای همگی توفیق خدمت می‌طلبم.
دکتر محمد مصدق

۲۲۸

جواب دکتر مصدق به استعفانامه دکتر سیدحسین فاطمی از معاونت نخست‌وزیر به
منظور شرکت در انتخابات دوره هفدهم تقنینیه

جناب دکتر فاطمی [!]

وصول نامه جنابعالی موجب تأسف بسیار گردید و حاکی از این بود که یک نفر همکار

صدیق خود را از دست می‌دهم لذا بدین وسیله از زحمات جنابعالی در دوره همکاری رضامندی خود را اعلام و از اینکه استعفای شخصی فعال و کاردانی مثل جنابعالی را قبول می‌کنم بسیار متأسفم و از خداوند توفیق شما را همیشه در خدمات عمومی مسئلت می‌نمایم.

نخست‌وزیر - دکتر مصدق

۲۲۹

تقدیرنامه دکتر مصدق خطاب به دکتر فلاح

آقای دکتر فلاح مشاور فنی هیئت مدیره موقت شرکت ملی نفت ایران [!] بدین وسیله از خدماتی که از بدو شروع کار هیئت مدیره موقت تا حال انجام داده و زحماتی که برای راه انداختن قسمتی از دستگاه تصفیه‌خانه آبادان تحمل نمودید و موفقیت‌هایی که بحمدالله در این راه بدست آورده‌اید قدردانی نموده امیدوارم در انجام وظائف سنگینی که در این امر خطیر ملی بعهده شما واگذار گردیده کماکان کوشا بوده و موفقیت‌های بیشتری تحصیل نمائید.

نخست‌وزیر - دکتر محمد مصدق

۲۳۰

مکتوب دکتر مصدق به آیت‌الله حاج شیخ علی مدرس تهرانی

نشان شیر و خورشید
نخست‌وزیر

تاریخ ۱۳۳۰/۱۰/۱۱

خدمت ذی‌رفعت حضرت آیت‌الله آقای حاج شیخ علی مدرس تهرانی مشرف شود
بعرض عالی می‌رساند:

بعد از استعلام از سلامتی وجود مبارک از اینکه قبول ریاست انجمن نظار انتخابات تهران بعبارة آخری از اینکه برای تحکیم اساس مشروطیت و تجدید بنیان شورای ملت قبول زحمت فرموده و بتمام علاقمندان بسعادت مملکت در این موقع حساس درس عمل مرحمت فرموده اید تشکر و امتنان دارم و متأسفم که بواسطه کسالت مزاج تا حال به درک فیض محضر عالی توفیق نیافته و لیس علی مریض حرج را وقایه این عدم توفیق قرار داده‌ام. از خسارتی که جهال و لگورد وارد آورده و اعمال عصر جاهلیت را تکرار کرده‌اند تأسف زیادی روی داد، ولی با مقام شامخ روحانی آن جناب این قبیل پیش آمدها تازگی ندارد و همیشه پیشوایان و راهنمایان عامه

بشر در معرض این قبیل حوادث بوده‌اند. از خداوند مسئلت می‌کنم که برای رفاه و سعادت جامعه بر طول عمر حضرتعالی بیفزاید و عموم را از پرکات وجود مبارک برخوردار فرماید.
دکتر محمد مصدق

۲۳۱

نامه دکتر مصدق به وارن رئیس اصل چهار در ایران

«دولت ایران موافقت می‌نماید که برای انجام مسئولیت‌ها و وظایفی که از برنامه‌های همکاریهای فنی برای دولت کشورهای متحده آمریکا ناشی می‌شود، یک هیئت مخصوص همکاری فنی از کشور نامبرده پس از آن که دولت کشورهای متحده مراتب را اعلام نمود، بپذیرد و دولت ایران تا آخرین حد امکان به موجب قانون اساسی ایران و سایر قوانین موجود، این هیئت مخصوص و کارمندان آن را جزء هیئت سیاسی کشورهای متحده آمریکا در ایران خواهد شناخت تا از مزایا و مصونیت‌هایی که به هیئت‌های سیاسی و کارمندان او داده می‌شود با تطبیق درجات آن برخوردار گردند.

۲۳۲

جواب دکتر مصدق به تلگراف حجة الاسلام انگجی

جناب آقای سید محمد علی انگجی [!]
وصول تلگراف موجب زیادت تشکر و امتنان گردید. از خداوند برای همگی توفیق خدمت می‌طلبم.
دکتر محمد مصدق

۲۳۳

تلگراف آقای دکتر مصدق به آقای حاجی غفار راجع به خرید اوراق قرضه ملی

جناب آقای حاجی غفار، ۱۷۵۰
تلگراف گرامی واصل، موجب نهایت امتنان گردید. ضمن تشکر از احساسات و وطن‌پرستانه جنابعالی امیدوارم از این احساسات عالی در خیر صلاح مملکت استفاده شود.
دکتر محمد مصدق

۲۳۴

تلگراف دکتر مصدق به جبهه ملی آذربایجان

جبهه محترم ملی آذربایجان
از احساسات پاک و بی‌آلایش کمال تشکر و امتنان حاصل است. امیدوارم از این احساسات
عالی در خیر و صلاح مملکت استفاده شود.

دکتر محمد مصدق

۲۳۵

تلگراف دکتر مصدق به جمعیت وحدت ملی

جمعیت محترم وحدت ملی
از احساسات پاک و بی‌آلایش کمال تشکر و امتنان حاصل است. امیدوارم از این احساسات
عالی در خیر و صلاح مملکت استفاده شود [.]

دکتر محمد مصدق

۲۳۶

بخشنامه دکتر مصدق به استانداران و فرمانداران

به کلیه استانداران و فرمانداران - رونوشت رؤسای شهربانی [۱]
طبق اطلاعات واصله در بعضی از نقاط مملکت موقع تبلیغات انتخاباتی مبارزین متوسل به
سلاح گرم و سرد شده موجبات اختلال نظم و امنیت عمومی را فراهم نموده‌اند در صورتیکه
تبلیغات و مبارزات انتخاباتی صرفاً باید از راه نطق و خطابه و اعلام باشد بنابراین مقتضی است
مأمورین انتظامات در هر نقطه ملاحظه کنند که همراه مبارزین انتخابات هر نوع اسلحه اعم از
گرم و سرد وجود دارد جداً آنها را ضبط نموده و برطبق مقررات قانونی با آنها رفتار نمایند.
نخست‌وزیر - دکتر محمد مصدق

۲۳۷

نامه دکتر مصدق به غضنفر علیخان سفیرکبیر پاکستان

جناب آقای غضنفر علی خان سفیرکبیر پاکستان دام‌اجلاله
مسافرت آن جناب در این ایام حساس بی‌نهایت در این جانب تأثیر ملال‌انگیز داشت ولی

بیانات سحرآسای جنابعالی در تشیید روابط ایران و پاکستان بلکه قاطبه ملل مسلمان رفع ملال کرد و روحی در کالبد عموم علاقمندان بوجود آورد و این جانب را بیشتر به زیارت و درک فیض ملاقات جناب عالی مشتاق ساخت.

اگر باید روزی ملل اسلامی عظمت و سعادت را که دین مبین اسلام به آنها نوید داده دریابند لازم است در طلیعه آن رجالی کاردان و علاقمند به وحدت و یگانگی مانند آن وجود بی مانند بوجود آیند و راه مطلوب را با گفتار و کردار بر آنها بگشایند.

این جانب بنام ملت و دولت ایران از این زحمات شایسته سپاسگزاری نموده و پاداش این شهامت و حسن درایت را از لطف و عنایت خداوند متعال برای آن جناب مسئلت می‌نمایم.
نخست‌وزیر ایران - دکتر محمد مصدق

۲۳۸

پاسخ دکتر مصدق به تلگراف آقای احمد نجد سمیعی

آقای احمد نجد سمیعی [!]

از احساسات پاک و بی‌آلایش شما کمال تشکر و امتنان حاصل است، امیدوارم از این احساسات عالی در خیر و صلاح مملکت استفاده شود.

دکتر محمد مصدق

۲۳۹

نامه دکتر مصدق به رئیس مجلس شورای ملی

نشان شیر و خورشید و تاج
نخست‌وزیر

تاریخ ۱۳۳۰/۱۱/۲۹

شماره ؟

پیوست دارد

ریاست محترم مجلس شورای ملی

رونوشت نامه دانشمند محترم جناب آقای علی اکبر دهخدا و رونوشت نامه‌ای که در تاریخ ۱۵ بهمن‌ماه ۱۳۳۰ بعنوان کمیسیون معارف مجلس شورای ملی نوشته‌اند جهت استحضار بضمیمه فرستاده می‌شود متمنی است دستور فرمائید سوابق موضوع را ارسال دارند تا روشن شود چه اقدامی می‌توان نمود. نخست‌وزیر

[امضاء] دکتر محمد مصدق

[در حاشیه]

از حسابداری مجلس توضیح خواسته شود آیا وجهی بابت فروش کتاب امثال و حکم آقای دهخدا موجود

است. گزارش جامعی تهیه شود تا پاسخ جناب آقای نخست‌وزیر ارسال گردد.

رضا حکمت - ۳۰/۱۲/۳۰

احتراماً عرض می‌شود این کار راجع به کمیسیون معارف و ریاست آن با جناب آقای حکیم‌الملک است، مربوط به اداره حسابداری مجلس نیست. کمیسیون معارف هم کمیونی است در خارج، ربطی به کمیسیون معارف مجلس ندارد. در صورت احتیاج مطلب را به جناب آقای حکیم‌الملک مراجعه خواهند فرمود.
امضاء

۲۴۰

مکتوب دکتر مصدق به آیت‌الله حاج شیخ علی مدرس تهرانی

نشان شیر و خورشید و تاج

نخست‌وزیر

تاریخ ۱۳۳۰/۱۱/۳۰

خدمت ذی‌رفعت حضرت آیت‌الله آقای حاج شیخ علی مدرس تهرانی مشرف شود

بعرض عالی می‌رساند

پس از عرض ارادت و استعلام از صحت وجود شریف مصدق می‌شود:
بسیار آرزومند بودم که شخصاً برای درک فیض حضور و تشکر از قبول و تحمل زحماتی که در تثبیت امور انتخابات تهران فرموده‌اید خدمت عالی برسم ولی متأسفانه بواسطه کسالت و ضعف مزاج که همواره مرا در بستر نگاه می‌دارد این سعادت میسر نشد.
اثرات عالی‌های که از قبال وجود مبارک در بزرگترین امر ملی کشور بظهور رسید بیش از پیش ثابت و روشن ساخت که ارشادات و افاضات روحانیت همواره در راهبری ملت و مساعدت دولت در راه وصول به مقاصد صالحه ملی مؤثرترین عوامل می‌باشد و از جهت اینکه دولت این‌جانب از این عامل معنوی و روحانی بهره‌مند گردیده جای بسی تشکر و امتنان است. از خداوند بقای نعمت وجود عالی را برای ملک و ملت ایران مسئلت می‌نمایم.
ارادتمند دکتر محمد مصدق

۲۴۱

جواب دکتر مصدق به تلگراف همدردی نحاس پاشا پس از

حادثه ترور دکتر سیدحسین فاطمی

از ابراز تأثر و همدردی جنابعالی نسبت به حادثه سوء قصد نسبت به دکتر فاطمی بسیار سپارگزارم. خوشبختانه همانطور که لطف خداوند همواره شامل خدمتگزاران صمیمی میهن بوده است این بار نیز با لطف ایزد متعال خطر مرتفع شده است و بطوریکه پزشکان معالج اظهار می‌دارند دکتر فاطمی بهبودی قطعی و کامل خواهد یافت.

۲۴۲

نامه دکتر مصدق به اللهیار صالح

جناب آقای اللهیار صالح وزیر محترم کشور [!]
راجع به انتخابات قم، آقای محترم رضوی نامه‌ای به این جانب نوشته‌اند که برای اطلاع و
استحضار و اقدام مقتضی ارسال می‌شود.

دکتر محمد مصدق

۲۴۳

نامه دکتر مصدق به مهندس حسینی

نشان شیر و خورشید و تاج
نخست‌وزیر

تاریخ ۳۰/۱۲/۱۴
شماره ۳۵۱۹۴

جناب آقای مهندس حسینی [!]
تمنا می‌کنم برای استماع گزارش آقای پرودم عضو بانک بین‌الملل و تعیین جلسات بعدی
فردا پنجشنبه چهار بعدازظهر در جلسه‌ای که در باشگاه افسران تشکیل می‌شود شرکت فرمائید.
نخست‌وزیر
دکتر محمد مصدق

۲۴۴

نامه دکتر مصدق به مهندس حسینی

نشان شیر و خورشید و تاج
نخست‌وزیر

تاریخ ۳۱/۱۲/۱۷
شماره ۳۵۷۸۸
پیوست -

جناب آقای مهندس حسینی [!]
خواهشمندم جلسه هیئت مختلط را در ساعت شش بعدازظهر فردا (یکشنبه ۱۳۳۰/۱۲/۱۸)
در منزل این جانب تشکیل فرمایند.

نخست‌وزیر
دکتر محمد مصدق

۲۴۵

تلگراف دکتر مصدق به اصفهان

توسط آقای احمدی کفیل استانداری - حضرات آقایان محترم ۳۰/۱۲/۲۸، ضمن تشکر از احساسات آقایان محترم و عرض تبریک امیدوارم سال نو برای همه هموطنان سال سعادت و نیک‌بختی باشد و تحت توجهات خداوند متعال همگی در خدمت به وطن عزیز موفق شویم.
دکتر محمد مصدق

۲۴۶

نامه دکتر مصدق به شعبه دوم مجلس شورای ملی

نشان شیر و خورشید و تاج
نخست‌وزیر

تاریخ ۱۳۳۱/۲/۱
شماره ۱۸۴۶
پیوست -

مجلس شورای ملی - شعبه دوم

از روزی که مجلسین شورای ملی و سنا تشکیل دولت را بعهدہ این‌جانب محول فرموده‌اند برای اینکه افکار عمومی پشتیبان دولت باشد چندبار درخواست رأی اعتماد نمود تا چنانچه افکار عمومی با عملیات دولت موافق نباشد رأی تمایل به کسی داده شود که مردم از آن پشتیبانی کنند و قبل از اینکه رأی اعتماد اخیر درخواست شود این‌جانب حاضر نبود که با قانون فعلی متصدی انتخابات دوره هفدهم تقنینیه شود ولی چون آرزوی بیگانگان این بود که یک فترت طولانی پیش آید تا بتوانند روی اعمال دولت خط بطلان بکشند، از کار کنار نرفته با نهایت افتخار بوظایف خود عمل نمود و با همین قانون ناقص شروع به انتخابات کرد و اینطور تصور می‌شد اگر مأمورین مؤثر در انتخابات هر حوزه بقید قرعه تعیین شوند از دخالت‌های نامشروع جلوگیری خواهد شد. ولی متأسفانه باید بعرض برساند که دولت با نهایت جدیتی که بخرج داد آنطوری که انتظار داشت توفیق حاصل نکرده و دلایل عدم موفقیت ذیلأ بعرض می‌رسد.

(۱) عده‌ای از مأمورین که با قید قرعه معین شده بودند نتوانستند از عادات دیرینه خود صرف‌نظر کنند و از تجاوز بحقوق عمومی خودداری نمایند.

(۲) در ادوار گذشته انجمن‌های نظارت نمی‌توانستند برخلاف نظریات دولت تصمیمی اتخاذ کنند و آنها روی این اصل انتخاب می‌شدند که با انتخاب اشخاصی که دولت موافق بود موافقت کنند ولی در این دوره که انجمن‌ها آزادی عمل داشتند در بعضی نقاط که احتیاج بذکر آنها نیست، زیرا همگی از آن مطلع هستند از اختیارات ماده (۱۷) قانون انتخابات سوء استفاده نموده و

تصمیماتی برخلاف حق گرفته‌اند مثلاً بجای اینکه آراء مشکوک را باطل کنند صندوقهائی که دارای هزاران رأی بودند ابطال کرده و حق مردم را تضییع کرده‌اند.

۳) اعمال نفوذ بعضی اشخاص سبب شد که انجمن‌های نظارت نتوانند بوظایف قانونی خود عمل کنند، نتیجه تخلفاتی که بعرض رسید این شد که اشخاصی عنوان نمایندگی بخود بستند که یا معروفیت محلی نداشتند و هیچ کس بهیچ عنوان نمی‌تواند آنها را به حوزه‌ای که مدعی نمایندگی آن هستند ارتباط دهد و یا دارای چنان سوابقی هستند که مردم نه فقط راضی به نمایندگی آنها نیستند بلکه از شنیدن نام آنها هم تنفر دارند.

دولت با قانون فعلی نمی‌توانست از اعمال خلاف قانون جلوگیری کند زیرا برطبق ماده (۱۷) فقط «انجمن‌های نظارت هر حوزه انتخابیه در تحت نظارت حاکم محل متصدی و مسئول صحت جریان انتخابات آن حوزه» می‌باشند و پس از تشکیل انجمن هم دولت بهیچ وجه نمی‌تواند در کار آنها دخالت کند و فقط «در موردی که اسباب تعطیل یا تعویق جریان انتخابات واقع گردند» می‌تواند آنها را منحل نماید.

لذا همانطوری که بعرض رسید دولت نتوانست از تجاوزات متخلفینی که به آنها اشاره شد جلوگیری کند و در نتیجه انتخابات بعضی از حوزه‌ها بصورتی درآمده که مورد اعتراض شدید مردم است. اکنون که مملکت از خطر فترت نجات یافته و مقدرات کشور بدست اکثریت بزرگی از نمایندگان حقیقی ملت سپرده شده مجلس بخوبی می‌تواند روی انتخابات مخدوش خط بطلان بکشد و اشخاصی که نماینده حقیقی مردم نیستند و برخلاف حق در بین نمایندگان وارد کرده‌اند رد کند.

تأثیر این اقدام خداپسندانه مجلس فقط به این منحصر نیست که چند تن از اشخاصی که نام نمایندگی روی آنها گذارده شده از صف نمایندگان حقیقی خارج شوند بلکه اثر مهم آن در حسن جریان بقیه انتخابات خواهد بود و چه در بسیاری از نقاط یا انتخابات هنوز شروع نشده و یا اگر شروع شده ناتمام است و اگر مجلس شورای ملی که محکمه نهائی رسیدگی به شکایات است پرونده‌های مورد اعتراض را بدقت مورد توجه قرار دهد و غاصبین حقوق عمومی را طرد نماید دیگران حساب کار خود را خواهند کرد و از اعمال نفوذ نامشروع و تشبثات بی حد و حصر خودداری خواهند نمود و در غیر این صورت بهیچ وجه نباید انتظار داشت که بقیه انتخابات بنفع مردم تمام شود و مجلس هفدهم که وظایف سنگینی را عهده‌دار است بتواند جلب اعتماد مردم را نموده و خود را نماینده حقیقی ملت ایران بدینا معرفی کند.

بنابر این مقدمات، وظیفه خود دانستم خاطر نمایندگان حقیقی ملت را به نکات مذکوره توجه دهم و از آنها در احقاق حق ملت ایران استمداد نمایم. امیدوارم نمایندگان مجلس هفدهم از همین ابتدای کار شهامت و شجاعت و حق پرستی خود را نشان دهد و قریباً بهمت و کاردانی آنها اصلاحاتی که منظور نظر ملت ایران است از جمله اصلاح قانون انتخابات بعمل آمده و نام

نیکی در تاریخ مشروطیت ایران از خود به یادگار گذارند.

[امضاء] دکتر محمد مصدق

۲۴۷

تلگراف دکتر مصدق در جواب تبریک عید مبعث به جمعی از اهالی همدان

توسط آقای نقیب حضرتی

حضرات آقایان محترم

۲۷۳ - ۳۱/۲/۱ تلگراف گرامی واصل و موجب نهایت تشکر و امتنان گردید این جانب هم تبریک عرض می‌کنم و امیدوارم تحت توجهات خداوند متعال کلیه آرزوهای هموطنان عزیزم برآورده شود.

دکتر محمد مصدق

۳۱/۲/۱۱

۲۴۸

نامه دکتر مصدق به مهندس حسینی

نشان شیر و خورشید و تاج
نخست‌وزیر

تاریخ ۳۱/۲/۳۱
شماره ۴۹۷/۴

جناب آقای مهندس حسینی نماینده محترم مجلس شورای ملی [!]

با ارسال رونوشت نامه ۳۰۴۷ - ۱۳۳۱/۲/۲۷ هیئت مختلط نفت راجع به اسنادی که از اداره اطلاعات شرکت سابق نفت بدست آمده و از قرار معلوم بعضی از آنها حاوی اطلاعاتی در باب اداره امور صنعت نفت می‌باشد. خواهشمند است اوراق و اسناد مزبور را ملاحظه و آنچه را که مربوط به امور فنی است تفکیک و برای استفاده در اختیار هیئت مختلط بگذارند.

نخست‌وزیر دکتر محمد مصدق

۲۴۹

پاسخ دکتر مصدق به تلگراف پشتیبانی پزشکان و کارمندان بهداری استان دهم

توسط جناب آقای دکتر رئیسی حضرات آقایان محترم ۲۱۶۸ - ۳/۲ وصول تلگرافی موجب نهایت امتنان گردیده ضمن تشکر از احساسات و الطاف آقایان محترم امیدوارم تحت توجهات خداوند متعال در خدمت به وطن عزیز موفق گردیم.

دکتر محمد مصدق

۲۵۰

پاسخ دکتر مصدق به تلگراف انجمن زرتشتیان یزد

انجمن زرتشتیان [!]

تلگراف گرامی واصل و موجب نهایت تشکر و سپاسگذاری گردید. امیدوارم با تأییدات خداوند متعال و با مقاومت هموطنان به آرزوهای مشروع خود نائل شویم.

دکتر محمد مصدق

۲۵۱

نامه دکتر مصدق به جمعیت اتحاد اسلام

تاریخ ۳۱/۴/۴

نشان شیر و خورشید و تاج

نخست‌وزیر

توسط جناب آقای کیوان - جمعیت محترم اتحاد اسلام [!]

پاسخ نامه مورخ چهارم تیرماه ۱۳۳۱ اشعار می‌گردد: از ابراز احساسات بی‌شائبه آن جمعیت محترم بدین وسیله اظهار امتنان و تشکر نموده و امیدوار است با تأییدات الهی عموم هموطنان عزیزم در این مبارزه ملی پیروز و موفق گردند، از خداوند متعال توفیق خدمت می‌طلبم [.]

[امضاء] دکتر محمد مصدق

۲۵۲

تلگراف دکتر مصدق به آیه‌الله چهارسوقی

نشان شیر و خورشید و تاج

وزارت پست و تلگراف و تلفن

تلگراف

از	شماره	قبض	تعداد کلمه	تاریخ اصل	توضیحات	تاریخ وصول	
						روز	ماه
به		تلگراف				۵	۴

حضرت آیت‌الله آقای چهارسوقی [!]

وصول تلگراف موجب نهایت تشکر و امتنان گردید. امیدوارم تحت توجهات خداوند متعال و با مقاومت مردانه هموطنان عزیز به آرزوهای مشروع خود نایل شویم.

دکتر محمد مصدق

۲۵۳

پاسخ دکتر مصدق به تلگراف حضرات آقایان

توسط جناب آقای اسکندری - حضرات آقایان محترم ۴-۱۲-۴/۳ وصول تلگرافی موجب نهایت تشکر و امتنان گردید [.] امیدوارم تحت توجهات خداوند متعال و با مقاومت مردانه هموطنان عزیز به آرزوهای مشروع خود نائل گردیم [.]

دکتر محمد مصدق

۲۵۴

نامه دکتر مصدق به مجلس شورای ملی

۱۹ تیرماه ۱۳۳۱

مجلس مقدس شورای ملی

بعد از عرض تشکر و امتنان از رأی تمایل مجلس شورای ملی چون پس از رأی مزبور اوضاع بنحویست که قبل از تصمیم لازم است مذاکراتی بعمل آید مستدعی است عده‌ای از آقایان نمایندگان محترم از طرف مجلس شورای ملی این جانب را سرافراز فرمایند تا در باب اوضاع مملکت و تصمیم لازم مشورتی بشود.

[امضاء] دکتر محمد مصدق

[در حاشیه]

[رقم مهر]

ورود بدفتر نماینده مجلس شورای ملی

شماره ۲۶۵۵

ساله ۱۳۳۱/۴/۱۹

۲۵۵

جواب دکتر مصدق به تلگراف آیت‌الله سید محمد تقی خوانساری

قم

حضور محترم حضرت آیت‌الله خوانساری دامت برکاته

تلگراف شریف که ضمناً مبشر سلامتی آن حضرت بود عز وصول بخشید و موجب مسرت گردید [.] البته در تعیین وزیر فرهنگ تأمین نظر آن جناب خواهد شد. ملتسم دعا هستم.

دکتر محمد مصدق نخست‌وزیر

۲۵۶

تلگراف دکتر مصدق به آیه‌الله چهارسوقی

نشان شیر و خورشید و تاج
تلگراف

از کاخ		شماره	قبض	تعداد کلمه	تاریخ اصل	توضیحات	تاریخ وصول	
به تهران							روز	ماه
			تلگراف	۳۹	۲۷		۲۷	۴

حضرت آیت‌الله میرزا سید حسن چهارسوقی تلگراف شرف وصول بخشید. ضمن اظهار تشکر از مراجع حضرت آیت‌الله امیدوارم توجهات خداوند متعال در خدمت وطن عزیز موفق و کامیاب شود.
دکتر محمد مصدق

۲۵۷

نامه تشکر و قدردانی دکتر مصدق از سرטיפ کمال توسط سپهبد یزدان‌پناه

نشان شیر و خورشید و تاج
نخست‌وزیر

تاریخ ۱۳۳۱/۵/۲
شماره ۷۱۹۰
پیوست -

تیمسار سپهبد یزدان‌پناه رئیس ستاد ارتش شاهنشاهی بمناسبت مراقبتی که تیمسار سرטיפ کمال فرماندار نظامی آبادان در حوزه مأموریت خود برای استقرار نظم نشان داده و روزهای متشنج نهضت ملی را بدون هیچ حادثه [ای] برگزار نموده است دستور فرمائید از طرف این جانب از زحمات ایشان قدردانی لازم بنمایند.

نخست‌وزیر

رونوشت برای اطلاع تیمسار سرטיפ کمال فرماندار نظامی آبادان ارسال می‌گردد.

نخست‌وزیر

[امضاء] دکتر محمد مصدق

۲۵۸

جواب دکتر مصدق به نامه مدیر نشریه اتحاد ملی

خصوصی است.

به تاریخ ۱۷ تیرماه ۱۳۳۱

قربانت گردم؛ مرقومه محترمه و روزنامه عز وصول ارزانی بخشید مورد مطالعه و موجب

نهایت امتنان گردید. تشکرات خود را تقدیم و موفقیت جنابعالی را در خدمت به میهن خواهانم.
دکتر محمد مصدق

۲۵۹

پاسخ دکتر مصدق به یک تلگراف توسط ابراهیم نبیل سمیعی

حضرات آقایان محترم

شماره ۱۱۱۵۴۸ ۳۱/۵/۲

وصول تلگراف گرامی موجب نهایت تشکر و امتنان گردید. امیدوارم تحت توجهات خداوند متعال از این احساسات عالی به خیر و صلاح مملکت استفاده شود.
دکتر محمد مصدق

۲۶۰

نامه دکتر مصدق در جواب نامه نوری السعید

جناب آقای نوری السعید [!]

مرقومه محترمه شرف وصول بخشید و موجب ازدیاد مراتب و داد گردید. کلام الله نفیسی که به زیارت آن موفقم فرموده‌اید کمال علاقه آن جناب را به مبادی تعالیم اسلامی تثبیت و مجاهدت دولت اسلامی عراق را در نشر حقایق دینی تأیید می‌نماید. امیدوارم با هدایت آن جناب و سایر پیشوایان دینی مسلمین شاهراه نجات را پیموده و به مقامی که شایسته پیروان قرآن است نائل شوند و به تمام آرزوهای ملی خود برسند.

دکتر محمد مصدق

۲۶۱

تلگراف دکتر مصدق به آیه الله چهارسوقی

شماره کتاب ۱۰۹۸

نشان شیر و خورشید و تاج

وزارت پست و تلگراف و تلفن

تلگراف

گیرنده

سال ۱۳۳

از	شماره	قبض ۵۶۰	تعداد کلمه	تاریخ اصل	توضیحات	تاریخ وصول
به		تلگراف	۴۵	۵		روز ماه
						۵ ۵

حضرت آیت الله آقای چهارسوقی ۵۰۴ - ۳۱/۵/۱ تلگراف واصل و موجب نهایت امتنان

گردید. امیدوارم تحت توجهات خداوند متعال از این احساسات عالی در خیر و صلاح مملکت استفاده شود.
دکتر محمد مصدق

۲۶۲

نامه دکتر مصدق در جواب مرقومه آیه‌الله کاشانی

ششم مردادماه ۱۳۳۱

به عرض می‌رساند [۴] مرقومه محترمه شرف وصول ارزانی داد. نمی‌دانم در انتخاب آقای سرلشگر وثوق و آقای دکتر اخوی که بدون حقوق برای خدمتگزاری حاضر شده‌اند و همچنان آقای نصرت‌الله امینی که از فعال‌ترین اعضای نخست وزیری هستند حضرتعالی چه عیب و نقصی مشاهده فرموده‌اید که مورد اعتراض واقع شده‌اند. بنده صراحتاً عرض می‌کنم که تاکنون در امور اصلاحی عملی نشده و اوضاع سابق واقعاً تغییر ننموده است و چنانچه بخواهند اصلاحاتی بشود باید از مداخله در امور مدتی خودداری فرمایند، خاصه اینکه هیچ گونه اصلاحاتی ممکن نیست مگر اینکه متصدی مطلقاً در کار خود آزاد باشد. اگر با این رویه موافقید بنده هم افتخار خدمتگزاری را خواهم داشت و الاً چرا حضرتعالی از شهر خارج شوند، اجازه فرمایند بنده از مداخله در امور خودداری کنم. والسلام علیکم ورحمة‌الله وبرکاته.
[امضاء] دکتر محمد مصدق

۲۶۳

جواب دکتر مصدق به مکتوب آیت‌الله چهارسوقی

نشان شیر و خورشید و تاج

تاریخ ۳۱/۵/۲۱

شماره ۱-۶۲۶

پیوست -

عرض می‌شود [۴] پاسخ نامه مورخ ۳۱/۵/۹ در مورد مسافرت به حج [با مشکلات زیادی که نسبت به ارز موجود بود ترتیبی داده شد که عده زیادی امسال مشرف خواهند شد.

نخست‌وزیر

دکتر محمد مصدق

۲۶۴

جواب دکتر مصدق به نامه آیت‌الله کاشانی

نشان شیر و خورشید و تاج

نخست‌وزیر

به عرض عالی می‌رساند؛ مرقومه مبارکه توسط آقای گرامی زیارت شد. اولاً انتخاب آن

جناب را به ریاست مجلس شورای ملی تبریک عرض می‌کنم. راجع به حجاج هم مطلب همانطور است که مرقوم فرموده‌اید. از طرف نمایندگان محترم مجلس هم دیروز تذکراتی در این باب داده شده است. از طرف بعضی آقایان علماء اعلام کشور هم نیز تاکیداتی نموده‌اند. امیدوارم در همین دو روزه تصمیم قاطع دولت معلوم و به عرض عالی برسد.

[امضاء] دکتر محمد مصدق

۲۶۵

جواب دکتر مصدق به حسین ضرابی

جناب آقای حسین ضرابی ۲۲۳۹ - ۳۱/۵/۲ تلگراف واصل و موجب نهایت امتنان گردید. امیدوارم تحت توجهات خداوند متعال از این احساسات عالی در خیر و صلاح مملکت استفاده شود.

دکتر محمد مصدق

۲۶۶

نامه دکتر مصدق در پاسخ قوتونکاران گیلان

آقای یوسف عربانی و سایر آقایان [!]
طومار تنظیمی به وسیله آقایان دائر به ابراز احساسات ملی و پشتیبانی از دولت، توسط جناب آقای دادور نماینده محترم مجلس شورای ملی واصل گردید. از حسن نیت و احساسات وطن پرستانه آقایان، کمال تشکر و امتنان حاصل است؛ امید است که کشور ایران، همواره از این احساسات ملی و مقدس، برخوردار بوده با عنایات الهی و پشتیبانی افکار عمومی، در کلیه امور، پیوسته قرین پیروزی و موفقیت باشد.

نخست‌وزیر - دکتر محمد مصدق

۲۶۷

تلگراف دکتر مصدق به رئیس هیئت نمایندگی ایران در هفتمین دوره مجمع عمومی - ملل متحد

۲۲ مهرماه ۱۳۳۱

چون یکی از هدفهای اساسی سیاست خارجی دولت اینجانب همراهی و کمک به ممالکی است که برای حفظ استقلال و حق حاکمیت خود مجاهده می‌نمایند، در این موقع نیز که موضوع مراکش و تونس در مجمع مورد مذاکره قرار خواهد گرفت، صریحاً دستور داده می‌شود که هیئت نمایندگی ایران حداکثر مساعدت‌های ممکنه را برای تحصیل استقلال و حاکمیت ممالک محروم افریقایی به عمل آورد و ضمناً اگر لازم باشد چون ممالک مزبور نماینده در

مجمع ندارند، رسماً اعلام دارند که دولت ایران حاضر است صدای مظلومانه آنها را از پشت تریبون مجمع به گوش جهانیان برساند. نخست وزیر - دکتر محمد مصدق

۲۶۸

نامه دکتر مصدق به یک جوان آبادانی

فرزند عزیزم نعمت‌الله اقبالی [!]

پرورشگاه شیر و خورشید آبادان

نامه مورخ ۳۱/۷/۲۰ و نمونه کشتی نفتکش که در نتیجه استعداد جبلی و زحمات شما است واصل گردید، با اظهار خرسندی نسبت به کوششی که در راه تحصیل می‌نمائید و مساعی و مراقبت‌هایی که اولیاء پرورشگاه در این زمینه معمول می‌دارند احساسات و عواطف بی‌شائبه و هوش و قریحه سرشار شما را صمیمانه تقدیر می‌کنم. امید است با همت و پشتکار و کوشش فرزندان صالح و فعال کشور در راه کسب معرفت روزی فرارسد که نمونه‌های واقعی کشتی و سایر صنایع سنگین در داخل کشور ساخته شود؛ ضمناً قطعه عکس مورد تقاضا به پیوست فرستاده می‌شود.

نخست‌وزیر - دکتر مصدق

۲۶۹

نامه دکتر مصدق به مجلس شورای ملی

بر اثر پیشامد یک سلسله مسائل داخلی و خارجی که دولت از نظر حفظ مصالح و منافع کشور ناگزیر از انجام آن بود و اخذ تصمیماتی که در نتیجه فراهم شدن زمینه برای شروع به اصلاحات اساسی در شئون مختلف کشور ضروری می‌نمود با توجه به گزارشهایی که از مقامات مسئول تامینی و انتظامی راجع به اوضاع عمومی و شیوع تحریکات دنباله‌داری را از طرف عمال بیگانه و ایادی آنها تائید می‌کرد به منظور حفظ امنیت کلیه نقاط کارگری و بنگاه‌ها و ادارات دولتی و جلوگیری از اعتصاب غیرقانونی و عصیان و تمرد و اخلال در نظم و آرامش در سراسر کشور، موادی به این جانب پیشنهاد شد که موافقت با آنان را با در نظر گرفتن مقتضیات وقت از لحاظ حفظ آزادی افراد و تامین امنیت اجتماع سودمند تشخیص داده و لازم دانستم با جرح و تعدیل در آن مواد به صورت لایحه قانونی امنیت اجتماعی که به استحضار آقایان نمایندگان محترم رسیده و متن آن نیز در تاریخ ۳۱/۸/۵ برای استحضار مجلس شورای ملی ارسال گردیده به موقع اجراء گذاشته شود و با اینکه عملاً در مدت قلیل اجراء آن برای جلوگیری بسیاری از مفاسد استفاده شد و نتایج خوبی هم در حفظ امنیت عمومی داشته و خوشبختانه تا آنجا که دولت اطلاع دارد در هیچ مورد هم از مقررات آن سوءاستفاده به عمل نیامده متأسفانه از

طرف عده‌ای از آقایان نمایندگان محترم به جهاتی که بیان فرموده‌اند و کلیاتی را شامل بوده است راجع به مقررات لایحه قانونی مزبور اظهار نگرانی شده است. یک قسمت از اظهار نگرانی آقایان مربوط به ادامه مقررات مزبور برای یک مدت متمادی می‌باشد که این موضوع در ضمن لایحه قانونی پیش‌بینی و تصریح شده است. که مدت اعتبار آن برای سه ماه از تاریخ انتشار است. و قید سه ماه برای آن بوده که موهم تمادی اجراء مقررات مزبور نباشد. به علاوه به طوری که در فوق به استحضار رسید از نظر پیش آمد مسائلی بوده که بنابر مصالح و مقتضیات کشور دولت ناگزیر با آن مواجه می‌شده و اگر پیش‌بینی‌های لازم را در موقع خود نمی‌کرد محتملاً با مشکلات بیشتری که بالمآل به زیان کشور تمام می‌شد، مواجه می‌گشت.

قسمت دیگر از اظهار نگرانی آقایان درباره وضع نظائر این مقررات در آینده و سوء استفاده از آن به دست دولتهای دیگر است. در این مورد هم بدیهی است پس از انقضای مدت سه ماه، هیچ دولتی نمی‌تواند از موارد لایحه مزبور که اعتبار قانونی آن مقتضی شده است. استفاده نماید. مگر آنکه مجلس شورای ملی اجراء نظائر این مقررات را در موقعی معین و برای موردی که ضروری تشخیص فرمایند لازم بدانند و قانونی نظائر این لایحه قانونی وضع نفرمایند. علاوه بر مطالبی که در فوق به استحضار رسیده موارد دیگر نیز وضع مقررات این لایحه قانونی را ایجاب می‌نماید که در ذیل به استحضار می‌رسد:

(۱) نواقصی که در تشکیلات دوائر دولتی ما موجود می‌باشد. این نواقص موجب آن شد که دستگاههای دولتی به وضع اطمینان‌بخش نمی‌توانند وظائف خود را انجام دهند. بر اثر همین نواقص تشکیلات است که یک نفر متهم با موجود بودن قرائن بر توجه اتهام پس از اینکه با تدبیر مامورین انتظامی و تامینی دستگیر می‌شود پیش از آنکه به کیفر اعمال زشت و ناروای خود برسد به عنوان سپردن ضامن و غیر آن به انتظار رسیدن نوبت از دست مامورین رهائی پیدا کرده و در این فاصله‌ها با اطمینان خاطر به عدم تعقیب خود برای ادامه رفتار ناشایست و تعقیب مقاصد سوئی که دارد فرصت مجددی می‌یابد و در ضمن برای امحاء آثار جرائم سابق و خنثی کردن اقدامات که قانون برای تعقیب او مقرر داشته است به کار می‌برد.

(۲) برای اصلاحات اساسی که کشور نیازمند آن است بدیهی است پاره‌ای اصلاحات مورد نظر با منافع اشخاص زیادی که همیشه سد راه اصلاحات اساسی بوده‌اند اصطکاک پیدا می‌کند. در این صورت اگر اصلاحات صحیح و به موقع باشد و افراد بخواهند اوضاع را به نفع خود آشفته و اقدامات دولت را خنثی سازند البته دولت با استفاده از مقررات لایحه قانونی امنیت اجتماعی از سوء استفاده آنان جلوگیری خواهد نمود و چنانچه عمل خلافی انجام ندهند هیچ مقامی مزاحم آنان نخواهد بود.

(۳) اوضاع حاضر که گزارشهای واصل به دولت چگونگی آن را آشکار می‌سازد قطعیت تصمیم و شدت عمل را در اجراء مقررات جاریه ایجاب می‌کرد البته نرمی و مدارا در موقع خود

بسیار مستحسن و پسندیده است ولی در غیر موقع زیان‌آور خواهد بود. خشونت‌ی که برای ارباب آزادی خواهان و اختناق مردم به عمل بیاید بسیار ناپسند است ولی وقتی برای حفظ آزادی عمومی باشد نباید موجب نگرانی افراد بشود. در حقیقت در لایحه قانونی امنیت اجتماعی این نکته در نظر گرفته شده است که مرتکبین جرائم اولاً به کیفر خود برسند و در ثانی به طور قطع در اسرع وقت و بی آنکه فرصت توطئه و مواضعه‌ای داشته باشند کیفر خود را ببینند.

این بود مختصری از آنچه وضع مقررات لایحه قانونی امنیت را ایجاب می‌کرد و دولت همانطور که پیش‌بینی کرده و تا این تاریخ هم عمل نموده است تا انقضای اعتبار لایحه قانونی اجرای آن را ضروری می‌داند.

اینک لایحه امنیت اجتماعی را بر طبق ماده واحده قانون اعطای اختیارات مصوب بیستم مرداد ماه ۱۳۳۱ تلواً تقدیم می‌دارد.

نخست وزیر

۲۷۰

یادداشت دکتر مصدق به وزارت کشور

نشان شیر و خورشید و تاج
نخست‌وزیر
وزارت کشور

تاریخ ۳۱/۸/۲۷
شماره ۲۵۹۲۶
پیوست دارد

عین نامه مورخ ۳۱/۸/۲۲ آقای باقر موسوی مدیر چاپخانه موسوی شیراز به ضمیمه برای اقدام لازم قانونی فرستاده می‌شود.

نخست‌وزیر - دکتر محمد مصدق

۲۷۱

یادداشت دکتر مصدق به وزارت کشور

نشان شیر و خورشید و تاج
نخست‌وزیر
وزارت کشور

تاریخ ۱۳۳۱/۹/۶
شماره ۱۳۹۷۶
پیوست دارد
فوری است

رونوشت تلگراف شماره ۱۴۷ آقای فریدون توللی از شیراز که بوسیله جناب آقای دکتر شایگان نماینده محترم مجلس شورای ملی واصل گردیده است به ضمیمه فرستاده می‌شود. دستور فرمایند با توجه به مندرجات آن و سوابق این شکایت از استاندار و رئیس شهربانی در این خصوص توضیح خواسته تا زودتر جریان امر و نتیجه اقدام را اعلام دارند.

نخست‌وزیر - دکتر محمد مصدق

۲۷۲

نامه دکتر مصدق به نویسنده کتاب شهدای
سی‌ام تیرماه ۱۳۳۱ (آقای احمد جعفری)

۱۳۳۱/۹/۱۱

نشان شیر و خورشید و تاج
نخست‌وزیر

جناب آقای محترم

نامه شریفه مورخ ۳۱/۸/۲۰ و یک جلد کتاب (شهدای سی‌ام تیرماه ۱۳۳۱) عز وصول
بخشید. احساسات میهن‌پرستانه شما و زحماتی که در جمع‌آوری اخبار و اطلاعات مربوط به
واقعه ۳۰ تیرماه متحمل شده‌اید موجب تقدیر و امتنان می‌باشد.

نخست‌وزیر - دکتر محمد مصدق

۲۷۳

نامه دکتر مصدق به دکتر امیرعلائی

جناب آقای امیرعلائی وزیرمختار دولت شاهنشاهی ایران در بروکسل [۱]
نامه شریف ضمیمه یک نسخه از متن فرانسه سخنرانی جنابعالی در باشگاه مستعمراتی و
بحری شهر بروز و اصل و موجب امتنان گردید. مساعی که در تهیه و ایراد این نطق بکار رفته
شایان تقدیر و تحسین می‌باشد. دستور داده شده است که متن مزبور بفارسی ترجمه و
خلاصه‌ای از آن بوسیله رادیو تهران نشر گردد - مقتضی است در صورتیکه برای هزینه چاپ و
طبع جزوه مزبور در بودجه سفارت محلی نباشد مبلغ آنرا تعیین نمایند تا نسبت بحواله آن اقدام
شود.

ضمناً بمنظور یادبود و بیاس قدردانی از اقدامات آقای پروفیسور رولن یک تخته قالی کار
اصفهان (که عکس آن نیز بضمیمه می‌باشد) از طرف دولت خریداری و بوسیله جنابعالی بایشان
اهداء می‌گردد. و چون شایع بود که جناب پروفیسور به ایران مسافرت خواهند نمود چهار عدد
قاب خاتم‌کار اصفهان از طرف کارگران کارخانه زاینده‌رود و دو عدد گلدان نقره نیز از طرف یک
نفر از اهالی تهران بوسیله اداره تبلیغات برای تقدیم به ایشان فرستاده شده است که آنها نیز
بوسیله جنابعالی در جعبه سر بسته فرستاده شد در نامه اداره تبلیغات که ضمیمه است
خصوصیات و جزئیات امر در این باب تشریح شده است.

خواهشمندم به ترتیب که مناسب و شایسته بدانید نسبت به تسلیم اشیاء مزبور بایشان
اقدام بفرمائید. [امضاء] دکتر محمد مصدق

۲۷۴

نامه دکتر مصدق به وزارت خانه‌های دادگستری و کشور و شهربانی

چون در نظر است برای اطلاع از چگونگی واقعه اخیر قم و شکایت طلاب علوم دینی و کشف مسبب جریان اخیر هیئتی مرکب از سه نفر مأمورین بصیر و مطلع وزارت خانه‌های کشور - دادگستری و شهربانی به محل عزیمت و موضوع را تحت رسیدگی قرار دهند مقتضی است نسبت به انتخاب و معرفی مأمورین بصیر و مطلع هرچه زودتر اقدام فرمائید که بعد از ظهر امروز هیئت سه نفری به محل عزیمت نمایند.

نخست وزیر - دکتر محمد مصدق

۲۷۵

مکتوب دکتر مصدق به آیت الله بروجردی

خدمت حضرت آیت الله بروجردی دامت افاضاته
برای رسیدگی به جریان اخیر قم و شکایات طلاب علوم دینی امروز عصر هیئتی مرکب از سه نفر از مأمورین عالی مقام وزارت خانه‌های دادگستری و کشور و اداره شهربانی کل به محل عزیمت خواهند نمود.
سلامت و سعادت و مزید توفیقات عالیّه را خواستارم.

دکتر محمد مصدق

۲۷۶

مضمون تلگراف دکتر مصدق به مراجع قم

به مناسبت این ضایعه اسلامی (فوت آیت الله حجت) از طرف آقای دکتر مصدق نخست وزیر تلگرافاتی به قم به حضرت آیت الله بروجردی و آیت الله صدر و آیت الله سید کاظم شریعتمداری و حجت الاسلام آقای آقامر ترضی حائری زاده مخابره شده و از رحلت حضرت آیت الله حجت ابراز تأسف گردیده و به آقایان حجج اسلام تسلیت گفته‌اند.

دکتر محمد مصدق

۲۷۷

نامه دکتر مصدق به مجلس شورای ملی

نشان شیر و خورشید و تاج
نخست‌وزیر

بتاریخ ۱۳۳۱/۱۱/۱۶
شماره ۳۸۴۱۶
پیوست -

مجلس شورای ملی

بجناب آقای دکتر ملک اسمعیلی معاون سیاسی و پارلمانی نخست‌وزیر دستور داده شده است روزهای یکشنبه هر هفته برای اصفاء مطالب حضرات آقایان نمایندگان محترم مجلس شورای ملی و امور مربوط به حوزه انتخابیه آنان در مجلس حضور یابند. خواهشمند است دستور فرمائید مراتب را باستحضار آقایان محترم برسانند.

نخست‌وزیر

[امضاء] دکتر محمد مصدق

[در حاشیه]

[رقم مهر]

ورود بدفتر نماینده مجلس شورای ملی

شماره ۱۲۷۹۰

ساله ۱۳۳۱/۱۱/۱۸

۲۷۸

مضمون نامه دکتر مصدق به وزارت دادگستری

دیروز آقای نخست‌وزیر ضمن نامه‌ای به وزارت دادگستری دستور داد مقرر گردد روزنامه‌ها را به مناسبت درج مطالب و حمله به شخص ایشان تحت تعقیب قرار ندهند. این دومین بار است که نخست‌وزیر چنین دستوری صادر می‌کند در ابتدای زمامداری دکتر مصدق نظیر این دستور به شهربانی داده شد.

۲۷۹

پاسخ دکتر مصدق به تلگراف همدردی عدنان مندرس

حضرت عدنان مندرس نخست‌وزیر ترکیه

تلگرافات آن حضرت که حاوی پیام همدردی نسبت به فاجعه زلزله اخیر بود واصل و موجب نهایت امتنان گردید. سلامت و سعادت جنابعالی و ملت دولت و برادر را از خداوند مسئلت دارم.
دکتر محمد مصدق

۲۸۰

پاسخ دکتر مصدق به پیام همدردی امین الحسینی مفتی فلسطین

حضرت امین الحسینی مفتی اعظم، قاهره - تلگراف آن جناب که حاوی پیام همدردی نسبت به فاجعه زلزله اخیر بود واصل و موجب امتنان گردید. سلامت و سعادت جنابعالی و عموم مسلمین را از خداوند مسئلت می‌نمایم.

دکتر محمد مصدق

۲۸۱

پاسخ دکتر مصدق به رئیس انجمن پاکستانی دوستداران ایران

آقای شاهپوریان رئیس انجمن پاکستانی دوستداران ایران [!] تلگراف تأثرآمیزی که به مناسبت حادثه زلزله اخیر مخابره نموده‌اند واصل گردید از علائق ایران دوستی آن انجمن کمال تشکر را دارم.

دکتر محمد مصدق

۲۸۲

پاسخ دکتر مصدق به نامه آقای خلعتبری

جناب آقای ارسلان خلعتبری [!] نامه شریفه واصل و موجب امتنان گردید. مطالبی که مرقوم داشته بودید بسیار کلی و مجمل بود. خواهشمندم نسبت به هریک از موارد توضیح بیشتری مرقوم و ضمناً اشخاصی را که به نظر جنابعالی برای اجرای این نظرات شایستگی داشته باشند معرفی بفرمائید، مزید بر تشکر خواهد بود.

نخست‌وزیر - دکتر محمد مصدق

۲۸۳

نامه دکتر مصدق در جواب نامه ریاست مجلس شورای ملی

نشان شیر و خورشید و تاج
نخست‌وزیر

بتاریخ ۱۳۳۱/۱۲/۱۳

شماره ۴۱۸۰۶

پیوست -

ریاست مجلس شورای ملی

در جواب مرقومه شماره ۱۳۷۶۷ مورخ ۳۱/۱۲/۱۳ راجع به حفظ انتظامات و امنیت

داخلی مجلس شورای ملی که اشعار فرموده‌اید برطبق ماده ۲۰۱ آئین‌نامه داخلی بعهدہ جنابعالی است و قوه مجریہ حق دخالت در امور داخلی مجلس را ندارد، باستحضار می‌رساند:
همانطور کہ مرقوم فرموده‌اید برطبق ماده ۲۰۱ آئین‌نامه داخلی حفظ انتظام و امنیت محوطہ مجلس بعهدہ رئیس مجلس می‌باشد ولی بموجب قسمت اخیر مادہ و همچنین برطبق مادہ (۲۰۲) کہ عین آن در ذیل درجہ می‌شود:

«مادہ ۲۰۲ - رئیس و در غیاب او نایب‌رئیس از طرف مجلس حافظ و مجری کلیہ نظامات مقررہ در مجلس هستند و بطور کلی تمام وظائف رئیس در موقع غیبت او بعهدہ یکی از نواب رئیس خواهد بود.» در غیاب جنابعالی حفظ امنیت و انتظامات داخلی مجلس بعهدہ نایب‌رئیس مجلس شورای ملی محول گردیدہ است.

نظر بہ اینکہ در تاریخ ۳۱/۱۲/۱ شرحی از طرف جناب آقای مهندس رضوی نایب‌رئیس مجلس شورای ملی واصل و تقاضا شدہ بود کہ چون افسر مأمور مجلس (سرہنگ زاهدی)[#] طرف اطمینان نمی‌باشد و آنطور کہ باید انجام وظیفہ نمی‌کند افسر دیگری برای ریاست گارد مجلس اعزام و معرفی شود. از طرف ستاد ارتش نسبت بہ تغییر مجدد مشارالیه موجبی نخواہد داشت. بنابراین چون عدم تشکیل جلسات مجلس بانتظار تغییر مجدد رئیس گارد ممکن است موجب وقفہ و تعطیل در امور جاری کشور بشود تمنا دارم دستور فرمائید موضوع را با توجہ بہ سوابق امر و استعلام از جناب آقای مهندس رضوی نایب‌رئیس مجلس مطالعہ و نظری را کہ اتخاذ می‌فرمایند اعلام دارند.

[در حاشیہ]

[رقم مهر]

ورود بدفتر نمایندہ مجلس شورای ملی

شمارہ ۱۴۰۶۱

سالہ ۱۳۳۱/۱۲/۱۴

۲۸۴

نامہ دکتر مصدق در پاسخ نامہ ریاست مجلس شورای ملی

نشان شیر و خورشید و تاج
نخست‌وزیر

بتاریخ ۱۳۳۱/۱۲/۱۵

شمارہ ۴۱۹۱۸

پیوست

ریاست مجلس شورای ملی

در پاسخ نامہ شمارہ ۱۴۰۶۱ - ۳۱/۱۲/۱۴ همانطوری کہ طی نامہ قبلی اشعار گردیدہ بود

سرہنگ مذکور از منسوبین سرلشگر زاهدی و از افسران مخالف نہضت ملی ایران و وابستہ بہ دربار محمدرضا شاہ بود.

عمل دولت در تعویض رئیس گارد در نتیجه تقاضای مقام صلاحیتدار مجلس بوده است و اکنون هم چون هیئت رئیسه محترم مجلس شورای ملی اظهار تمایل بتعویض افسر اعزامی فرموده‌اند دستور داده شد وزارت دفاع ملی افسر دیگری را تعیین و اعزام دارند. نخست‌وزیر

[امضاء] دکتر محمد مصدق

[در حاشیه]

[رقم مهر]

ورود بدفتر نماینده مجلس شورای ملی

شماره ۱۴۱۶۳

ساله ۱۳۳۱/۱۲/۱۷

۲۸۵

تلگراف دکتر مصدق به مرحوم استاد شریعتی و دیگر رهبران مبارزات
ضداستعماری خراسان در پاسخ به تلگراف پشتیبانی آنان از دولت

۲۰ فروردین ۱۳۳۲

توسط جناب آقای محمدتقی شریعتی

حضرات آقایان محترم [!]

تلگراف گرامی عز و وصول بخشید و موجب نهایت تشکر و امتنان گردید.

بر این جانب پوشیده نیست که این دولت در نتیجه حسن ظن قاطبه افراد ملت موجودیت یافته، و ابتکار ملتی است که از تقویت و هدایت او مضایقه نکرده همیشه به پشتیبانی خود ادامه می‌دهد.

بنابراین جز اینکه مساعی خود را در آنچه که مطلوب عامه است صرف نمایم وظیفه ندارم و از خداوند توفیق خدمت می‌خواهم.

دکتر محمد مصدق

۲۸۶

نامه دکتر مصدق در جواب مرقومه ریاست مجلس شورای ملی

نشان شیر و خورشید و تاج

نخست‌وزیر

تاریخ ۲۲/۱/۲۵

شماره ۱۳۷

پیوست -

ریاست محترم مجلس شورای ملی

مرقوم عالی شماره ۱۵۳۲۳ - ۳۲/۱/۲۴ عز وصول داد. بمقامات انتظامی دستور اکید داده شد نهایت مراقبت را نسبت بحفظ و برقراری نظم در محوطه مقابل مجلس شورای ملی معمول دارند. نخست‌وزیر

[امضاء] دکتر محمد مصدق

[در حاشیه]

[رقم مهر]

ورود بدفتر نماینده مجلس شورای ملی

شماره ۱۵۵۴۱

ساله ۱۳۳۲/۱/۲۵

۲۸۷

پاسخ دکتر مصدق به تیمسار دولو

تیمسار سرتیپ دولو؛ تلگراف عز وصول بخشید و موجب نهایت تشکر و امتنان گردید. این جانب هم به مناسبت عید سعید مبعث تبریک عرض می‌کنم و از خداوند توفیق خدمت می‌خواهم.

دکتر محمد مصدق

۲۸۸

نامه دکتر مصدق به مهندس رضوی نایب رئیس مجلس شورای ملی

نشان شیر و خورشید و تاج

نخست‌وزیر

تاریخ ۳۲/۱/۳۰

شماره ۲۴۲۸

پیوست دارد

جناب آقای مهندس رضوی نایب رئیس محترم مجلس شورای ملی
خاطر شریف را به مندرجات گزارش شماره ۳۶۷ - ۱۳۳۲/۱/۳۰ اداره کل انتشارات و تبلیغات که رونوشت آن به ضمیمه است معطوف و علاوه می‌نماید که این جانب بکرات تأکید کرده‌ام که بهیچوجه مطالب زننده و موهن طومارها و تلگرافات رسیده از رادیو پخش نشود و بطوری که از گزارش مزبور مستفاد می‌گردد این دستور کاملاً و دقیقاً بموقع اجراء گذاشته شده. امیدوارم با این توضیح رفع شبهه از آقایان محترم بشود.

نخست‌وزیر [امضاء] دکتر محمد مصدق

[در حاشیه]

آقای حمیدی

عیناً بنظر مقام ریاست مجلس شورای ملی برسانید.

۱. ر [احمد رضوی]

۴۲/۱/۳۱

مقارن ظهیر ۳۲/۱/۳۱ رسید و ساعت شش بعدازظهر در مجلس بعرض حضرت آیت‌الله ریاست مجلس رسید.

[امضاء] حمیدی

[رقم مهر]

ورود بدفتر نماینده مجلس شورای ملی شماره ۱۶۰۱۳ ساله ۱۳۳۲/۱/۳۱

۲۸۹

تسلیت نامه دکتر مصدق به خانواده شهید سرتیپ افشارطوس

با نهایت تأثر و تأسف شهادت اسف‌انگیز مرحوم سرتیپ افشارطوس رئیس شهربانی کل کشور را که در راه ایفای وظیفه و خدمت به وطن و مبارزه با توطئه‌های ضدملی با ایادی ناپاک به وضع ناجوانمردانه‌ای شربت شهادت نوشیده‌است به خاندان آن مرحوم تسلیت عرض می‌کنم. شهادت این افسر رشید برای ملت ما ضایعه فراموش نشدنی است. من خود را در این مصیبت بزرگ خانواده افشارطوس شریک و سهیم می‌دانم و با استظهار به عدل الهی و اطمینان به اجرای قانون از خداوند متعال صبر و شکیبایی خاندان آن فقید را آرزو می‌کنم.

نخست وزیر - دکتر محمد مصدق

۷ اردیبهشت ۱۳۳۲

۲۹۰

نامه دکتر مصدق در جواب نامه ریاست مجلس شورای ملی

نشان شیر و خورشید و تاج
نخست وزیر

بتاریخ ۱۳۳۲/۲/۲۰ ماه
شماره ۲۸۱۶
پیوست -

ریاست محترم مجلس شورای ملی

مرقومه مورخه ۳۲/۲/۱۹ متضمن نامه‌های فراکسیون نجات نهضت^۱ و فراکسیون آزادی^۲ در خصوص پخش مستقیم جریان مذاکرات جلسات علنی مجلس شورای ملی از رادیو تهران عز وصول داد و به اداره کل انتشارات و تبلیغات دستور لازم داده شد. متأسفم به طوری که گزارش واصل حاکی است به علت مشکلات فنی و محدود بودن فرستنده‌ها و تعهدات مخابرات بین‌المللی اجرای این امر غیرمقدور می‌باشد.

بنابراین برای تأمین نظریات آقایان نمایندگان محترم و برای آنکه هیچ نکته‌ای از نظر قاطبه ملت ایران مستور نماند متمنی است امر و مقرر فرمایند یک نسخه از صورت کامل مذاکرات جلسات علنی مجلس شورای ملی به اداره کل انتشارات و تبلیغات ارسال گردد تا به وسیله رادیو پخش و به استحضار عامه برسد. نخست وزیر

[امضاء] دکتر محمد مصدق

رونوشت نامه اداره تبلیغات به پیوست تقدیم می‌شود.

^۱ فراکسیونهای مذکور از جمعی نمایندگان ضد نهضت ملی تشکیل شده بود.

[رقم مهر]

ورود به دفتر نماینده مجلس شورای ملی

شماره ۱۶۹۸۳

ساله ۱۳۳۲/۲/۲۰

۲۹۱

نامه دکتر مصدق به دکتر بوکمان

دکتر بوکمان عزیزم [!]

لازم می‌دانم از ملاقات محبت‌آمیز دیروز صبح شما بی‌نهایت تشکر نموده و به شما اطمینان دهم که این ملاقات تأثیر فراوانی در اینجا نموده است. تسلیح اخلاقی به طوری که برای این جانب تشریح نمودید وظیفه‌دار نجات است و آینده خوبی را نشان می‌دهد. امید دارم که شما و هم‌مسلمانان باوفایتان موفق شوند که خدمتی به عالم انسانیت بفرمایند و برعلیه مقاصد امپریالیستی که ملل آزادیخواه دچار آن هستند موفق شوند. متأسفانه اقامت شما در اینجا کوتاه است و بطوریکه لازم است نمی‌توانیم از آن استفاده نمائیم. در خاتمه به خود اجازه می‌دهم یادگاری را که معرف هنر و ذوق صنعتی ملت ایران است و در شهر کوشانه احترام ما به وظیفه اجتماعی شماست تقدیم کنم. خواهشمند است بهترین احترامات فائقه این جانب را قبول فرمائید.

۲۹۲

نامه دکتر مصدق به ریاست مجلس شورای ملی

نشان شیر و خورشید و تاج

نخست‌وزیر

تاریخ ۳۲/۲/۲۸

شماره ۵۱۲/۴

پیوست رونوشت نامه شهربانی

فوری

ریاست محترم مجلس شورای ملی

رونوشت نامه شماره ۱/۱۳۴۳۴ - ۳۲/۲/۲۶ شهربانی کل کشور راجع به منع ورود مأمورین شهربانی به پیوست فرستاده می‌شود. خواهشمند است دستور فرمائید که نظریه هیئت رئیسه را در این خصوص اعلام دارند. نخست‌وزیر

[امضاء] دکتر محمد مصدق

[در حاشیه]

[رقم مهر]

ورود بدفتر نماینده مجلس شورای ملی

شماره ۱۷۲۶۵

سال ۱۳۳۲/۲/۲۸

۲۹۳

نامه دکتر مصدق به استاد بهمنیار

دانشمند گرامی جناب آقای احمد بهمنیار کرمانی

این روز فرخنده که به مناسبت هفتادمین سال تولد و پنجاهمین؟ فرهنگی آن استاد محترم از طرف شاگردان و دوستان مجلس شده است با نهایت مسرت تبریکات صمیمانه خود را عرض می‌کند و از خداوند متعال، خواهان است آن استاد معظم را سالیان دراز در کنف حمایت خود قرار دهد تا [با] سلامت و سعادت به اشاعه و افاضه دانش و معرفت پردازند. دانشگاه و دیگر طالبان علم و هنر را از سرچشمه فضل و کمال... کنند و دانشگاه تهران توفیق یابد که در ظل مراقبت استادانی... دانشمندانی تربیت کند که بتوانند مشعل علم و دانش را در کشور باستانی ایران که از روزگاران دراز مهد علم و فرهنگ جهان بوده است روشن و جاوید نگاه دارند.

۲۹۴

پاسخ دکتر مصدق به نامه مدیر سازمان اسلامی

جناب آقای حبیب افندی مدیر سازمان اسلامی

گرامی نامه آن جناب را که به ضمیمه مرامنامه سازمان اسلامی ارسال داشته‌اید با کمال مسرت دریافت داشتم. خبر تشکیل سازمان اسلامی برای مجاهدت در راه هدفی که در مرامنامه آن سازمان درج شده و مخصوصاً با توجه به هدف اصلی سازمان که در نامه خود تصریح فرموده‌اید یعنی ایجاد وحدت در میان مسلمانان جهان و تلقین جهاد در میان آنان برای این جانب مزده بسیار مسرت‌بخشی است، زیرا برای گستردن بساط عدل و نصفت در جهان که غایت آمال بشری است در حال حاضر که روح معدلت به کمال خود نرسیده است هیچ وسیله‌ای جز قیام و جهاد ملت‌های ضعیف و ستمدیده در برابر جور و بیداد دولتهای استعمارطلب وجود ندارد و تا هنگامیکه شعله حق‌طلبی در دل‌های ملت‌های مظلوم و ستمدیده روشن نشود آتش طمع و زیاده‌طلبی دولتهای ظالم خاموش نمی‌گردد. خوشبختانه اکنون این قبیل حق‌طلبی که براساس یکی از بزرگترین فرائض اسلامی یعنی جهاد استوار است در میان کلیه ملل مسلمان جهان پدید آمده و هریک از این ملت‌ها به فراخور حال خویش سرگرم مبارزه با دشمنان هستند و همگی در این جهاد مقدس که در برابر ظلم و زور درگرفته است همدستانند.

در پایان از حسن ظن جنابعالی و الطافی که نسبت به این جانب ابراز داشته‌اید کمال تشکر و امتنان را دارم و توفیق عموم برادران اسلامی خود را در وصول به آمال مقدس اجتماعیشان خواستارم.
دکتر محمد مصدق

۲۹۵

نامه دکتر مصدق به انجمن فرهنگ ایران

گزارش آن کمیسیون مورد مطالعه قرار گرفت و نظری که راجع به لزوم یک نهضت فرهنگی به موازات نهضت ملی ایران اظهار داشته‌اید بجا و به موقع است؛ بنابراین با پیشنهاد تأسیس انجمنی به نام (انجمن فرهنگ ایران) برای نشر فرهنگ ایران و ترویج زبان فارسی در ممالک همسایه بخصوص در دو مملکت پاکستان و هندوستان به وسیله مجالس سخنرانی و نشر کتب و مجلات و دعوت استادان و دانشجویان آن ممالک به ایران و فرستادن استادان و دانشجویان ایرانی به آن کشورها و غیره اصولاً موافقت می‌شود.
مقتضی است اساسنامه و آئین‌نامه انجمن را هرچه زودتر تنظیم و برای تصویب هیئت دولت نزد این جانب ارسال فرمائید.

نخست‌وزیر

۲۹۶

نمونه کارت دعوت دکتر مصدق از نمایندگان

جناب آقای ... عضو فراکسیون ... تمنی می‌کنم روز پنج‌شنبه (فردا) ساعت ۷/۵ بعدازظهر سه نفر از نمایندگان آن فراکسیون برای مشاوره درباره امری این جانب را سرافراز فرمایند.
دکتر محمد مصدق

۲۹۷

نامه دکتر مصدق به وارن «به مناسبت پایان سال مالی ۱۹۵۳ اصل ۴»

جناب آقای ویلیام - ای - وارن رئیس اداره همکاری فنی آمریکا در ایران [!] اکنون که بیش از چند روزی به پایان ماه ژوئن باقی مانده و سال مالی ۱۹۵۳ در شرف انقضاء است، لازم می‌دانم از جدیت و کوشش مستمر و مداوم جنابعالی که با وجود محدودیت اعتبارات اداره همکاری فنی تا حدود امکان در خصوص توسعه عملیات تولیدی کشاورزی و صنعتی، بهبود وضع فرهنگ و بهداشت کشور ایران مبذول نموده‌اند صمیمانه تشکر نماید.

امیدوارم با توجه به هدفی که شالوده همکاری فنی بر آن استوار گردیده و متضمن عملیات آن اداره و در کشور ایران توسعه یافته و در پیشرفت و بهبود اوضاع اقتصادی این کشور، گامهای مؤثری برداشته شود.

اطمینان دارد که کلیه اعضا کمیسیون مشترک ایران و امریکا با تشریک مساعی روزافزون خود به وسیله اجرای برنامه‌های مورد نظر از لحاظ بالا بردن سطح زندگی و تولید منابع جدید ثروت و ازدیاد تولید توفیق بیشتری نصیب ملت ایران خواهند نمود.

ضمناً خواهشمند است مراتب تشکر این جانب را به مدیران اداره مرکزی همکاری فنی در واشنگتن ابلاغ نموده و همچنین همکاران و مأمورین خود را در ایران که با مساعی دائم در پیشرفت برنامه‌ها کوشا بوده‌اند به نحو شایسته ترغیب و تشویق فرمایند.

نخست‌وزیر - دکتر محمد مصدق

۲۹۸

نامه دکتر مصدق به دکتر امیر علایی

نشان شیر و خورشید و تاج
نخست‌وزیر

تاریخ ۳۲/۴/۱۴
شماره
پیوست

قربانت گردم [۱] نامه مسرت‌آمیز دوم تیرماه ۱۳۳۲ بانضمام متن فرانسه سخنرانی جنابعالی واصل گردید [۰]. این اقدام بموقع که بر زحمات وطن پرستانه شما فصلی جدید می‌افزاید درخور هرگونه امتنان و قدردانی است [۰]. این جانب اطمینان دارم که روح فعال و منطق نیرومند شما که از سرچشمه عشق به مملکت آبیاری می‌شود تا وصول به هدف نهائی همچنان در انجام وظائف خطیری که برعهده دارد پایداری خواهد نمود. با تجدید مراتب مودت توفیق جنابعالی را در انجام خدمات شایسته خواستار است.

دکتر محمد مصدق

[رقم امضاء] دکتر محمد مصدق

۲۹۹

پاسخ دکتر مصدق به جمعیت وحدت ملی (تبریز)

جمعیت وحدت ملی [!]

۹۷۳ وصول، تلگراف موجب تشکر و امتنان گردید. از خداوند برای همگی خدمت می‌طلبم.

دکتر محمد مصدق

متن نامه مصدق به ژنرال آیزنهاور

حضرت رئیس‌جمهور عزیز [!]

در جواب نامه ملاطفت‌آمیز مورخ ۱۱ ژانویه ۱۹۵۳ به پیام این جانب پیشنهاد فرموده‌اید نظریاتی را که مورد علاقه مشترک ما بوده باشد مستقیماً یا از مجرای دیپلماتیک به استحضار خاطر عالی برسانم. در آن پیام مختصری از پریشانیها و مضایقی که ملت ایران در راه تحقق بخشیدن به آمال خود در دو سال اخیر تحمل نموده و همچنین مشکلاتی که دولت انگلستان برای پشتیبانی از ادعاهای غیرمنطقی یک شرکت مستعمراتی برای ایران ایجاد کرده است به عرض رساند.

در این چند ماهی هم که از تاریخ این پیام می‌گذرد ملت ایران گرفتار مضایق مالی و دسایس سیاسی شرکت سابق نفت و دولت انگلستان بوده، از آن جمله خریداران نفت ایران را از دادگاهی به دادگاهی کشانده و با تمام وسایل تبلیغاتی و دیپلماسی موانع غیرقانونی در سر راه فروش نفت ایران ایجاد کرده است. با آنکه دادگاههای ایتالیا و ژاپن فروش نفت ایران را بلامانع اعلام نمودند از اقدامات خلاف اصول دست برداشته‌اند. گرچه امید می‌رفت که در موقع تصدی آن حضرت توجه بیشتری به وضعیت ایران بشود ولی متأسفانه هنوز در روش دولت آمریکا تغییری حاصل نشده است.

در پیامی که آقای وزیر خارجه آمریکا از کراچی برای این جانب ارسال داشته‌اند اظهار تأسف کرده‌اند از اینکه تاکنون آمریکا در مجاهدات خود برای کمک به حل مسئله غرامت توفیق حاصل نکرده است.

باید به خاطر داشت که دولت ایران حاضر شد دیوان بین‌المللی دادگستری قیمت اموال شرکت سابق در ایران را هر قدر تعیین کند بپردازد و نیز حاضر شد که صلاحیت دیوان مزبور را درباره غرامت به این شرط قبول کند که قبلاً دولت انگلستان مبلغ مدعا به خود را در حدود منطق و انصاف تعیین نماید. بدیهی است دولت ایران نیز از شرکت سابق نفت و دولت انگلیس مطالباتی دارد که در موقع طرح دعوی اظهار می‌کرد.

چون دولت انگلیس به این امید است که وضعیت سابق خود را در ایران تجدید کند به هیچ‌یک از این پیشنهادات ترتیب اثر نداده، اکنون در اثر اقدامات شرکت سابق و دولت انگلستان، ملت ایران در برابر مشکلات اقتصادی و سیاسی بزرگی قرار گرفته است که ادامه این وضع از نقطه نظر بین‌المللی نیز ممکن است عواقب خطیری داشته باشد و اگر در این موقع کمک مؤثر و فوری به این مملکت نشود اقداماتی که فردا به منظور جبران غفلت امروز به عمل آید خیلی دیر باشد؛ البته در این مدت کمک‌هایی از طرف دولت آمریکا به ایران شده که موجب

تشکر است ولی آنقدر نبوده است که مشکلات ایران را برطرف کند و صلح جهانی را که هدف و آمال دولت و ملت شرافتمند امریکا است تأمین نماید.

سطح زندگی مردم ایران در نتیجه یک قرن سیاست استعماری خیلی پائین بوده و بالا بردن آن بدون برنامه‌های عمرانی دامن‌دار امکان‌پذیر نخواهد بود. متأسفانه کمکهائی که تاکنون شده اصولاً در حدود کمکه‌های فنی بوده و حتی در این قسمت نیز گاهی اوقات مساعدتی که لازم بوده نشده است. من باب مثال یادآوری می‌شود که بانک صادرات که می‌بایست ۲۵ میلیون دلار برای امور کشاورزی به ایران کمک کند به واسطه دخالت‌های ناروای دیگران متصرف گردید.

ملت ایران امیدوار است که با مساعدت و همراهی دولت آمریکا موانعی که در راه فروش نفت ایجاد شده برطرف شود و چنانچه رفع موانع مزبور برای آن دولت مقدور نیست کمکه‌های اقتصادی مؤثری فرمایند تا ایران بتواند از سایر منابع خود استفاده نماید.

کشور ایران غیر از نفت، دارای ثروتهای طبیعی دیگر نیز هست که بهره‌برداری از آنها مشکلات فعلی کشور را حل خواهد نمود؛ ولی این امر، بدون کمکه‌های اقتصادی میسر نمی‌باشد.

در خاتمه توجه موافق و اثربخش آن حضرت را به وضع خطرناک فعلی ایران جلب نموده و یقین دارم تمام نکات این پیام را با اهمیتی که شایسته است تلقی خواهند فرمود. خواهشمند است احترامات فائقه دوستدار را قبول فرمایند.

دکتر محمد مصدق

۳۰۱

نامه دکتر مصدق به وزارت کشور

نشان شیر و خورشید و تاج
نخست‌وزیر

تاریخ ۳۲/۴/۲۰
شماره ۹۸۵/۴
پیوست یک برگ
محرمانه - فوری

وزارت کشور

رونوشت قسمتی از گزارش واصله راجع به دو نفر از اتباع انگلیس در شیراز به ضمیمه فرستاده می‌شود. دستور فرمائید که تحقیقات کافی معمول و نتیجه و نظریه آن وزارت را در پاسخ اعلام دارند.

نخست‌وزیر - دکتر محمد مصدق

[در حاشیه مهر]

وزارت کشور
شماره ۶۷۲۷ - ۲۲/۴/۲۲

ثبت دفتر محرمانه وزارت کشور
شماره ۶۸۷۳
تاریخ ۱۳۳۳/۴/۲۲
فوری ۴/۲۶
اداره سیاسی
با مراجعه به پرونده پاسخ داده شود
۳۲/۴/۲۱

۳۰۲

نامه دکتر مصدق به وزارت دفاع ملی

نشان شیر و خورشید و تاج
نخست‌وزیر

تاریخ ۱۳
شماره
پیوست
محرمانه

وزارت دفاع ملی

عطف بنامه شماره ۲۹۶۷ مورخ ۳۲/۴/۲۷ راجع به لزوم اخراج مستشار مستر شارب کشیش انگلیس و هم‌چنین دکتر کژن جراح بیمارستان مرسلین اشعار می‌دارد. در مورد مستر شارب قبلاً اقدام و طبق پیشنهاد وزارت کشور دستور خروج نامبرده طی نامه شماره ۹۹۴/۴ مورخ ۳۲/۴/۲۳ به وزارت کشور صادر شده است و در مورد مستر کژن نیز به وزارت کشور نوشته شد مطالعات کامل مبذول و نتیجه تصمیم متخذه را اعلام دارند.

نخست‌وزیر

[در حاشیه]

۱۰۷۷/۴

۳۲/۴/۲۹

رونوشت شرح فوق با رونوشت نامه شماره ۲۹۶۷ مورخ ۳۲/۴/۲۷ وزارت دفاع ملی در تعقیب نامه شماره ۹۹۴/۴ مورخ ۳۲/۴/۲۳ به وزارت کشور ارسال می‌گردد که نتیجه اقدام را اطلاع دهند و ضمناً در مورد دکتر کژن جراح بیمارستان مرسلین نظر خود را اعلام دارند.

نخست‌وزیر - دکتر محمد مصدق

[در حواشی]

[رقم مهر] ثبت دفتر محرمانه کشور

شماره ۷۵۲۵

تاریخ ۱۳۳۲/۵/۱

وزارت کشور

دائرة سیاسی

شماره ۷۴۲۵ تاریخ ۳۲/۵/۳

اداره سیاسی

اقدام شود

۳۰۳

پاسخ دکتر مصدق به تلگراف جمعیت مرکزی اصلاح طلبان فارس

توسط جناب آقای محمدکاظم ذوالریاستین زاده ۱۰۲۴ مورخه ۳۲/۴/۳۰ حضرات آقایان محترم تلگراف گرامی عز وصول بخشید و موجب امتنان گردید از احساسات و وطن پرستانه آقایان محترم که به پشتیبانی از این جانب ابراز فرموده‌اید و نشانه کمال علاقمندی به امور کشور است صمیمانه تشکر می‌کنم.

دکتر محمد مصدق

۳۰۴

تلگراف دکتر مصدق در پاسخ تلگراف صنف قهوه‌چی

توسط آقای حاجتی، حضرات آقایان محترم ۱۰۵۴ - ۳۲/۴/۳۰ تلگراف گرامی عز وصول بخشید.

دکتر محمد مصدق

۳۰۵

رونوشت تلگراف نخست‌وزیر در پاسخ تلگراف سندیکا

توسط جناب آقای مصطفی قهرمانی؛ حضرات آقایان محترم [!] [!] تلگراف گرامی عز وصول بخشید و موجب نهایت امتنان گردید [.] از احساسات و وطن پرستانه آقایان محترم که به پشتیبانی از این جانب ابراز فرموده‌اید و نشانه کمال علاقمندی به امور کشور است صمیمانه تشکر می‌کنم؛ چنانکه سابقه نشان می‌دهد این احساسات بی‌نظیر و قابل تقدیر در حل مشکلات امور بی‌اندازه مؤثر بوده و راه پیشرفت را بسوی هدف مقدس ملی که همگی در پیش داریم هموار می‌کند. از درگاه خداوند برای همه افراد ملی توفیق خدمتگزاری می‌طلبم.

دکتر محمد مصدق

۳۰۶

نامه دکتر مصدق به مهندس حسینی

نشان شیر و خورشید و تاج
نخست‌وزیر

تاریخ ۳۲/۵/۵

شماره ۱۴۱۸۰

پیوست

خیلی فوری است

جناب آقای مهندس حسینی [!]

خواهشمند است برای مذاکرات لازم ساعت ۵ بعدازظهر امروز (دوشنبه ۳۲/۵/۵) بمنزل اینجانب تشریف بیاورید.

نخست‌وزیر [امضاء] دکتر محمد مصدق

۳۰۷

نامه دکتر مصدق به دکتر سیف پورفاطمی

نشان شیر و خورشید و تاج
نخست‌وزیر

تاریخ

شماره

پیوست

جناب آقای دکتر سیف پورفاطمی [!]

نامهٔ محبت‌آمیز مورخهٔ ۳۲/۵/۱ جنابعالی دائر به ابراز احساسات ملی و وطن‌پرستانه واصل و موجب کمال خورسندی و امتنان گردید. از مساعی و مراتب جدیت جنابعالی در راه شناسایی نهضت ملی ایران نهایت تشکر حاصل است. امیدوارم که همواره توفیق خدمتگزاری نصیب شما گردد.

نخست‌وزیر - دکتر محمد مصدق

۳۰۸

تلگراف دکتر مصدق به دکتر سیف پورفاطمی

از تهران هیجدهم جولای به نیویورک

جناب دکتر سیف پورفاطمی

از اقدامات مفید و مؤثر در مطبوعات و سخنرانی و انتشار مقالات که در مورد ملی شدن صنعت نفت ابراز داشته‌اید کمال تشکر حاصل است و توفیق جنابعالی را در ادامه خدمات ملی خواهانم.

دکتر محمد مصدق

۳۰۹

جواب دکتر مصدق به آیت‌الله کلباسی

۳۲/۵/۷

حضرت آیت‌الله آقای کلباسی دامت افاضاته

۳۲/۵/۴ - ۵۷۹

تلگراف شریف عز و صول بخشید و موجب نهایت تشکر گردید. از احساسات وطن پرستانه هموطنان عزیز که نشانه کمال علاقمندی به امور کشور است صمیمانه سپاسگذاری می‌کنم و امیدوارم با فضل الهی و استقامت دلیرانه افراد ملت به کلیه مشکلات فائق آمده و به آرزوهای ملی خود نائل شویم.
دکتر محمد مصدق

۳۱۰

نامه دکتر مصدق به وزارت کشور

نشان شیر و خورشید و تاج
نخست‌وزیر

تاریخ ۱۳۳۲/۵/۱۳

شماره ۱۲۱۳/۴

پیوست

محرمانه

وزارت کشور

در تاریخ ۳۲/۴/۲۰ طبق پیشنهاد شماره ۵۵۹۶/م ۶۹۶ آن وزارت مستند به گزارش شهربانی فارس و موافقت استانداری هفتم موافقت به عمل آمد که آقای ولف نریمان شمارپ کشیش انگلیسی اخراج شود. بعد از طرف وزارت دفاع ملی نیز مستند به گزارش لشکر ۶ این موضوع تأیید شد و ضمن نامه شماره ۴/۱۰۷۷-۳۲/۴/۲۹ به آن وزارت ابلاغ گردید. اکنون معلوم نیست به چه علت وزارت امور خارجه که دخالتی در این باب ندارد گزارشی در این باب داده و اظهار نظر نموده است که از اخراج او خودداری شود. لازم است به فوریت نتیجه اقدامی را که در مورد اخراج نامبرده انجام داده‌اید به اطلاع این جانب برسانید و هم‌چنین نظر خود را نسبت به دکتر کژن جراح بیمارستان مرسلین نیز چنانچه در ضمن نامه شماره ۱۰۷۷/۴ - ۳۲/۴/۲۹ خواسته شده است اطلاع دهید [۰].

نخست‌وزیر [امضاء] دکتر محمد مصدق

[حواشی]

اداره سیاسی
اقدام شود

ملاحظه شد ۵/۱۰

۳۲/۵/۱۳

۳۲/۵/۱۵

۸۲۱۹

۳۱۱

پاسخ دکتر مصدق به نامه خلعتبری

تاریخ ۳۲/۵/۱۳

شماره ۱۶۷۵۱

خصوصی است - نخست‌وزیر

جناب آقای ارسلان خلعتبری

نامه شریف مورخ هفتم مردادماه ضمیمه مقاله منتشره مربوط به نامه رئیس‌جمهور امریکا واصل و موجب امتنان گردید. با جنابعالی در این مورد هم‌عقیده هستم که روش پاره‌ای از جرائد در امر انتقاد، خاصه آنجا که مربوط به سیاست خارجی کشور می‌شود با شیوه صحیح و حزم و دوراندیشی لازم توأم نیست و ممکن است نتایج نامطلوبی به بار آورد. اگر برای جلوگیری از این وضع، پیشنهاد مؤثر و مفیدی به نظر جنابعالی برسد و این جانب را مستحضر بفرمائید ممنون خواهم شد.

دکتر محمد مصدق - امضاء: دکتر محمد مصدق

۳۱۲

نامه دکتر مصدق به استانداری استان هفتم

نشان شیر و خورشید و تاج

نخست‌وزیر

تاریخ

شماره

پیوست

استانداری استان هفتم

وزارت کشور ضمن نامه شماره ۸۴۱۸/۸۲۱۹ مورخ ۳۲/۵/۱۹ اطلاع داده است که قبل از اخراج دکتر جان ویلیف کلمن جراح بیمارستان مرسلین شیراز باید نسبت به تعیین جانشین او که بتواند بیمارستان مذکور را اداره نماید اقدام گردد. چون طبق گزارشهای واصله در نظر است این جراح اخراج گردد دستور فرمائید قبلاً مطالعات لازم در این باب بشود و یا در صورت امکان در محل یک قابل را در نظر بگیرند و آماده داشته باشند که پس از اخراج جراح نامبرده به جای او گماشته شود و اگر تعیین چنین جراحی در محل ممکن نیست مراتب را اطلاع دهند که از طریق وزارت بهداری اقدام گردد در هر حال منتظر رسیدن گزارش جنابعالی و اطلاع از نتیجه تصمیمی که در این باب اتخاذ خواهند فرمود هستم.

نخست‌وزیر

[در حاشیه]

۱۳۱۰/۴

۳۲/۵/۲۴

رونوشت برای اطلاع وزارت کشور فرستاده می شود. نخست وزیر

[امضاء] دکتر محمد مصدق

اداره سیاسی ۸۷۵۷ - ۱۳۳۲/۵/۲۵

۳۱۳

نامه دکتر مصدق به وزارت دربار

از

اداره ...

نشان شیر و خورشید و تاج

دائرة

وزارت دفاع ملی

روز ۳۲/۵/۲۴

شماره ۱۷۲۰۲

به

وزارت دربار شاهنشاهی

فوری

درباره [:]

چون طبق گزارش ستاد ارتش لازم است که چهار ارباب جنگی مأمور قصر سعدآباد به قسمت مربوط عودت داده شوند. مقتضی است مراتب را به پیشگاه اعلیحضرت همایونی عرض و در این مورد کسب اجازه نمایند. البته در صورتی طبق بررسی که به وسیله ستاد ارتش و گارد مستقل شاهنشاهی به عمل خواهد آمد از لحاظ دفاع سعدآباد به تعداد گروهانهای لازم با اسلحه و تجهیزات کامل از تیپ های مرکز بدین منظور مأموریت خواهند یافت. نخست وزیر و وزیر دفاع ملی

[امضاء] دکتر محمد مصدق

۳۱۴

جواب دکتر مصدق به دستخط شاه در شب کودتای ۲۵ مرداد ۳۲

ساعت یک بعد از نصف شب ۲۵ مرداد ماه ۱۳۳۲ دستخط مبارک به این جانب رسید [.]
دکتر محمد مصدق

۳۱۵

نامه دکتر مصدق به ستاد ارتش

نشان شیر و خورشید و تاج

نخست وزیر ستاد ارتش

تاریخ ۳۲/۵/۲۶

شماره ۱۷۲۰۶

پیوست

مقتضی است به مأمورین مربوطه اکیداً دستور فرمائید نهایت مراقبت را بعمل آورند که از

فرار سرلشکر زاهدی جلوگیری شود. چنانچه تسامحی در این باب بعمل آید موجب مسئولیت شدید خواهد بود.

نخست‌وزیر دکتر محمد مصدق

۳۱۶

نامه دکتر مصدق به وزارت کشور

نشان شیر و خورشید و تاج
نخست‌وزیر

تاریخ ۳۲/۵/۲۷
شماره ۱۷۰۷۰
بیوست

وزارت کشور

در پی نامه‌های شماره ۱/۷۴۴۳/۹۴۵۱ - ۳۲/۴/۳۱ و ۹۵۹/۱/۷۵۲۹ - ۳۲/۴/۳۱ شهرداری تهران بعنوان آن وزارت در مورد حفاظت آرامگاه شهدای سی‌ام تیر و اثاثیه متعلق به آن مقتضی است هرچه زودتر به شهرداری شهری دستور فرمائید در این باب که از وظایف آن شهرداری است اقدام نماید و نتیجه را به این جانب اطلاع دهند.

نخست‌وزیر [امضاء] دکتر محمد مصدق

[رقم مهر]

ثبت وزارت کشور

شماره ۴۸۵۰۷

تاریخ ۳۲/۵/۲۸

[در حاشیه آمده است] اداره امور شهرداری‌ها

۳۱۷

جواب دکتر مصدق به تلگراف محمدرضا آشتیانی‌زاده

نشان شیر و خورشید و تاج
وزارت پست و تلگراف و تلفن
تلگراف

شماره کتاب

گیرنده ...
..... سال ۱۳۳

تاریخ وصول		توضیحات	تاریخ اصل	تعداد کلمه	قبض ۳۶۵۱ تلگراف	شماره	از تهران
روز	ماه						به ط
۲۸	۳۲/۵		۲۷	۶۰			

خیابان بیمار - جناب آقای محمدرضا آشتیانی‌زاده (۱۱۹۹۷۹)

۳۲/۵/۲۵

وصول تلگراف گرامی موجب نهایت امتنان گردید ضمن تشکر از احساسات و وطن‌پرستانه

جناب‌عالی امیدوارم تحت توجهات خداوند متعال و با اتحاد و اتفاق عموم افراد ملت به کلیه مشکلات فائق آمده و به آرزوهای ملی خود نائل شویم.

دکتر محمد مصدق

[رقم مهر] اداره تلگراف تهران

۳۱۸

نامه منسوب به دکتر مصدق در جواب نامه منسوب به آیه‌الله کاشانی

نشان شیر و خورشید و تاج
نخست‌وزیر

۲۷ مرداد

مرقومه حضرت آقا وسیله آقا حسن آقا سالمی زیارت شد. اینجانب مستظهر به پشتیبانی ملت ایران هستم، والسلام.

دکتر محمد مصدق

[امضاء] دکتر محمد مصدق

۳۱۹

نامه دکتر مصدق به هیئت وزیران دولت کودتا

صبح دوشنبه نهم شهریورماه ۱۳۳۲

هیئت محترم وزیران

دیشب برای اولین بار پس از توقیف از رادیو اتاق مجاور شنیده شد که این جانب اقدامات خلاف قانونی بعمل آورده یا در صدد چنین اقداماتی بوده‌ام.

این جانب در مدت تصدی خود جز برای پیشرفت نهضت ملی ایران و جز برطبق قانون و اختیارات قانونی قدمی برنداشته‌ام و اگر فرصتی بدست افتاد جواب این اتهامات با دلایل آن بعرض ملت ایران خواهد رسید. ولی از جواب یک اتهام در این جا ناگزیرم زیرا تأخیر جواب آن به مصلحت کشور نیست و آن اینکه در رادیو گفته شد این جانب در صدد تغییر رژیم بوده‌ام و دلیل آن هم دستور تهیه مراجعه به آراء عمومی است، این اتهام ناروا و این استدلال کاملاً بی‌اساس است زیرا دلایل قویه در دست است که نه این جانب در صدد تغییر رژیم بوده و نه مراجعه به آراء عمومی برای تغییر رژیم بوده است. امیدوارم جلسه محاکمه‌ای که به آن در رادیو اشاره شده بود در محکمه صالحه بزودی تشکیل شود تا اگر امر بر عده قلیلی از مردم ایران هم مشتبّه شده باشد آن اشتباهات رفع شود.

دکتر محمد مصدق

۳۲۰

نامه دکتر مصدق به دادگاه نظامی

امضاءکننده ذیل دکتر محمد مصدق که در مقام نخست‌وزیری ایران بر اثر کودتای نظامی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ بوسیله قوای نظامی دستگیر شده و زندانی هستم و در یک دادگاه نظامی غیرقانونی و بدون صلاحیت تحت محاکمه می‌باشم وکیل نمودم آقایان محترم علی شهیدزاده و بهرام مجدزاده و حسن صدر وکلای دادگستری را متفقاً یا منفرداً برای درخواست فرجام نسبت به هر قرار و حکمی که برخلاف قانون از دادگاه نظامی غیرقانونی بر علیه این جانب صادر شود و برای تهیه و تقدیم لایحه اعتراضات فرجامی و بیان کلیه ایرادات مربوطه بغیرقانونی بودن دادگاه و عدم صلاحیت آن و اعتراضات مربوطه به جریان محاکمه و صدور حکم و قرارداد بطور کلی هرگونه ایراد و اعتراض قانونی و قضائی و برای تعقیب امر در دیوان عالی کشور تا خاتمه رسیدگی فرجامی - چنانچه دادگاه دیگری بعنوان دادگاه تجدیدنظر که قطعاً و قهراً غیرقانونی خواهد بود برای محاکمه این جانب تشکیل شود آقایان محترم حسن صدر و بهرام مجدزاده و علی شهیدزاده نیز از طرف این جانب وکالت دارند که بعنوان وکیل مدافع در آن دادگاه تجدیدنظر غیرقانونی شرکت فرموده و با کلیه اختیارات لازمه قانونی از این جانب دفاع نمایند.

بیست و نهم آذرماه ۱۳۳۲

دکتر محمد مصدق

۳۲۱

نامه دکتر مصدق به دادگاه تجدیدنظر نظامی

سرم دی‌ماه ۱۳۳۲

دادگاه محترم تجدیدنظر

جناب آقای سرهنگ بزرگمهر از طرف دادگاه بدوی فوق‌العاده نظامی به سمت وکالت تسخیری این جانب معین شده‌اند چنانچه دادگاه محترم با وکالت تسخیری ایشان موافقت فرمایند کماکان وظاف خود را انجام دهند و الا نظریات خود را به این جانب مرقوم فرمایند تا هرچه زودتر تکلیف این جانب معلوم شود.

دکتر محمد مصدق

[در حاشیه]

در صورتیکه شخصاً سرهنگ بزرگمهر را برای وکالت تعیین نمایند مانعی ندارد والا دادگاه وکیل تسخیری برای ایشان تعیین خواهد نمود.

۳۲/۱۰/۶

امضاء

[با خط دیگری]

اقدام شده است. ۳۲/۱۰/۳

نمره ۲/د ت
۳۲/۱۰/۳

۳۲۲

نامه دکتر مصدق به سرلشکر جوادی

زندان لشکر ۲ زرهی - ۱۷ اسفند ۱۳۳۲

تیمسار سرلشکر جوادی ریاست محترم دادگاه غیرقانونی تجدیدنظر

در سی‌ام آذرماه که حکم محکومیت این‌جانب در دادگاه غیرقانونی فوق‌العاده قرائت شد در همان جلسه در حکم مزبور درخواست فرجام نمودم و روز ۳ دیماه هم که به این‌جانب تکلیف تجدیدنظر شد تقاضای تجدیدنظر هم به این شرط که مانع رسیدگی فرجامی نشود بعمل آمد ولی دیوان کشور که برطبق درخواست وکلای این‌جانب پرونده را برای رسیدگی فرجامی خواست، آقای سرتیپ آزموده در نهم دیماه بدیوان کشور جواب نگاشت که از ارسال پرونده بواسطه ضرورت آن در دادگاه معذور است و این یک ظلم فاحشی بود که در حق این‌جانب روا داشت:

- ۱ - به پرونده احتیاج فوری نبود چون که دادگاه روز ۴ بهمن شروع به قرائت آن نمود.
 - ۲ - درخواست فرجام در ۳۰ آذر شده بود و درخواست تجدیدنظر در سوم دیماه، در این صورت فرجام به تجدیدنظر حق تقدم داشت خصوصاً اینکه تقاضای تجدیدنظر به این شرط شده بود که مانع رسیدگی فرجامی نشود.
 - ۳ - دیوان کشور و دادگاه تجدیدنظر هر دو باید در صلاحیت دادگاه بدوی یا فوق‌العاده رسیدگی کنند و محل تردید نیست دیوان کشور که صلاحیت آن محرز است به دادگاه تجدیدنظر که صلاحیت خود آن محل حرف و مورد اعتراض است اولویت داشت.
 - ۴ - درخواست فرجام از نظر مسایل قانونی از جمله قانونی نبودن تشکیل و عدم صلاحیت بود، رسیدگی به این مسائل مقدم است به رسیدگی در ماهیت که در تجدیدنظر رسیدگی می‌شود، چنانچه دیوان کشور نظر می‌داد که دادگاه نظامی برای محاکمه این‌جانب صالح نیست موضوع منتفی بود و هیچ چیز ایجاب نمی‌کرد که دادگاه تجدیدنظر هم مثل دادگاه بدوی یا فوق‌العاده مرا برخلاف قانون مدتی در حبس مجرد معذب بدارد.
- با تمام این دلایل چون در جرائد می‌خواندم که ریاست محترم دادگاه تجدیدنظر و تیمساران دادرسان می‌خواهند که در این دادگاه رایی عادلانه و منصفانه بدهند و به این لحاظ پرونده را با دقت مطالعه می‌نمایند از ۴ بهمن که دادگاه تجدیدنظر شروع به قرائت پرونده نمود منتظر بودم هرچه زودتر تکلیف این‌جانب را معلوم فرمایند ولی تا امروز که صدور رأی محکومیت متجاوز

از ۷۵ روز و از قرائت پرونده متجاوز از ۴۰ روز می‌گذرد تکلیف این جانب معلوم نشده و کاسه حوصله و صبرم لبریز گردیده است و بیش از این نتوانستم در حبس مجرد سکوت اختیار کنم و چیزی در این باب عرض ننمایم این است که از آن تیمسار تمنا می‌نمایم پرونده امر را برای رسیدگی بدرخواست فرجام این جانب و وکلایم به دیوان کشور بفرستند تا بیش از این در حال بلاتکلیفی بسر نبرم.

دکتر محمد مصدق

۳۲۳

یادداشت دکتر مصدق پس از دریافت نامه دادگاه تجدیدنظر

تاریخ ۳۲/۱۲/۱۹

نامه شماره $\frac{۴۰۵۴}{۳۲/۱۲/۱۹}$ دادگاه تجدیدنظر وقایع ۲۵ الی ۲۸ مردادماه ۳۲ در تاریخ ۳۲/۱۲/۱۹ باینجانب واصل گردید.

دکتر محمد مصدق

۳۲۴

نامه دکتر مصدق به سرلشکر هدایت

۱۴ فروردین ۱۳۳۳ - از زندان لشکر ۲ زرهی

جناب آقای سرلشکر عبدالله هدایت وزیر دفاع ملی

در سی‌ام آذرماه گذشته که حکم محکومیت این جانب از دادگاه بدوی نظامی صادر شد، بلافاصله در همان جلسه تقاضای فرجام نمودم و وکلای این جانب هم از دیوان کشور درخواست نمودند. ولی روز سوم دیماه که به این جانب تکلیف شد تقاضای تجدیدنظر کنم نظر به اینکه ماده ۲۳۲ قانون دادرسی ارتش و کیفر می‌گوید: «درخواست تجدیدنظر موجب توقیف اجرای حکم دادگاه بدوی خواهد بود» و این جانب تا رسیدگی دیوان کشور از حبس مجرد که برایم غیرقابل تحمل بود خلاص می‌شدم تقاضای تجدیدنظر هم نمودم و با اینکه دادگاه تجدیدنظر تا روز چهارم بهمن‌ماه شروع به قرائت پرونده نکرده بود آقای سرتیپ آزموده دادستان غیرقانونی ارتش از ارسال پرونده به دیوان کشور به این عذر که پرونده مورد احتیاج دادگاه تجدیدنظر است خودداری نمود و دیوان کشور نتوانست وارد رسیدگی فرجامی شود و دادگاه تجدیدنظر هم تا روز ۲۷ اسفندماه یعنی قریب سه ماه مرا برخلاف قانون در حبس مجرد بلاتکلیف گذاشت که روز مزبور تصمیم گرفتم دیگر غذا نخورم و جان خود را از ظلم و ستم این دستگاه خلاص نمایم

که بعد از ظهر آن روز آقای سرتیپ آزموده که هیچ نمی‌خواستیم او را به بینم غفلتاً با تاقم وارد شده و اظهار نمود که این جانب در نتیجه مرض جنونی که عارضم شده غذا نمی‌خورم و گفت بدستهای شما دستبند میزنم و شما را روانه تیمارستان می‌نمایم، پس از آن پنج نفر افسر را که قرب اتاقم بودن دعوت به اتاق نمود که صورت مجلس تهیه کند و یکی دو سطر هم نوشت و بعد معلوم نشد چرا پشیمان شد و موضوع را تعقیب ننمود.

فردای آن روز مجدداً آمد و گفت شرحی به دادستانی ارتش بنویسید تا تکلیف شما زودتر معلوم شود و این جانب نوشتم که با هر قید و شرطی که لازم باشد اجازه دهند ایام تعطیل عید را در احمدآباد بگذرانم و روزی که دادگاه تشکیل می‌شود به شهر آمده وظایف خود را انجام دهم که جواب این نامه به این جا رسید که روز ۲۹ اسفندماه چهار نفر تیمساران محترم: سرلشکر مرتضی زاهدی معاون وزارت دفاع ملی از طرف آن جناب و سرتیپ ورهرام از طرف ریاست ستاد ارتش و سرتیپ آزموده بادعای خودش از طرف ملت و سرتیپ تیمور بختیار فرماندار نظامی تهران به ملاقات این جانب آمدند و قول دادند که بعد از ایام تعطیل عید حتماً دادگاه تشکیل شود و تکلیف این جانب را معلوم کند. ولی در جریده کیهان روز ۱۱ فروردین دیده شد که تیمسار سرلشکر جوادی رئیس دادگاه غیرقانونی تجدیدنظر راجع به این موضوع چنین اظهار نظر نموده‌اند: «علت تعویق در شروع دادرسی باقی ماندن قسمتی از پرونده است که هنوز مطالعه نکرده‌ایم باید خوب پرونده را خواند سپس قضاوت کرد دادگاه هنوز این مطالعه را انجام نداده است از این لحاظ شروع محاکمه معلوم نیست» این است شرح واقعه که لازم شد باستحضار آن جناب که بوسیله معاون خود در این کار دخالت داشته‌اید برسانم.

اکنون عرض می‌کنم که بلامتکلیفی این جانب از این نظر است که چون می‌دانند تحمل حبس مجرد از قدرت این جانب خارج است و قهراً وضعیتم طوری خواهد شد که از حال طبیعی خارج و عصبانی شوم آنوقت مرا روانه تیمارستان کنند که اگر آنجا غذا نخورم و از بین بروم آن را بجنون نسبت دهند، از بی‌قانونی این دستگاه همین بس که من در دادگاه غیرقانونی بسه سال حبس مجرد محکوم شده‌ام ولی اموال من، اسناد من، اوراق قرضه ملی من، جواهرات دخترم که نزد من امانت بوده، قبوض مال‌الاجاره موقوفات بیمارستان نجمیه که من متولی قانونی آن موقوفاتم و چنانچه قبوض رسمی را در مقابل وجهی با مستأجر معامله کنند مال موقوفه از بین می‌رود که محکوم نشده‌اند و تا این روز به این عنوان که از رمز صندوقی که در آن این اسناد گذارده شده فقط سرکار سرگرد صالح مطلع است و او هم در آمریکاست آنها را به این جانب مسترد ننموده‌اند این را هم لازم است عرض کنم اسنادی که به حقانیت دولت ایران و برعلیه شرکت سابق نفت بوده نیز در گاو صندوق و اتاق خواب من و اتاق مجاور آن بوده که هرچه در آن دو اتاق بوده تمام را برده‌اند و فقدان این اسناد سبب شده است که این جانب نتوانم حساب خود را با مردم تصفیه کنم و یک وصیت‌نامه‌ای که تکلیف اولادم در آتیه معلوم شود در حالت حیات

منظم نمایم.

نظر به اینکه مرگ برایم بزرگترین آرزوست و تحمل حبس مجرد برایم غیرممکن، تصمیم گرفتم که تا روز شنبه ۲۱ فروردین اگر محاکمه این جانب شروع نشود قبل از اینکه مرا بعنوان مرض جنون روانه تیمارستان کنند از صرف غذا خودداری کنم و در همین زندان لشکر ۲ زرهی زیر دست افسران و طن‌پرست جان بسپارم.

دکتر محمد مصدق

رونوشت برای اطلاع و استحضار تیمسار سرلشکر جوادی رئیس دادگاه غیرقانونی تجدیدنظر ارسال می‌شود.

۳۲۵

نامه دکتر مصدق به سرلشکر جوادی

۱۷ فروردین ماه ۱۳۳۳ - از زندان لشکر ۲ زرهی

تیمسار سرلشکر جوادی رئیس محترم دادگاه غیرقانونی

تجدیدنظر فوق‌العاده نظامی

آقایان حسن صدر و علی شهیدزاده وکلای مدافع این جانب برای درخواست اجازه شرکت در جلسات محاکمه تجدیدنظر که روز ۱۹ فروردین ماه شروع می‌شود، روز ۱۵ فروردین لایحه‌ای به دفتر دادگاه تجدیدنظر رسانیده‌اند که سرکار سرهنگ شاکری منشی دادگاه به دستور آن تیمسار از قبول آن امتناع نموده‌اند.

اینک یک نسخه از لایحه مزبور بدینوسیله تقدیم می‌شود و برطبق همان دلایل و جهاتی که در آن لایحه و لایحه سابق ایشان به تفصیل توضیح داده شده مقتضی است اجازه فرمایند وکلای مذکور برای دفاع از این جانب و انجام وظیفه‌ای که بعهده آنان محول نموده‌ام در جلسات دادگاه شرکت نمایند.

در این لوایح در کمال وضوح ثابت شده که جلوگیری از دفاع وکلای دادگستری در محاکم نظامی بهیچ وجه پایه و اساس قانونی ندارد و بنابراین اگر بر وکلای این جانب اجازه شرکت و دفاع داده نشود حق دفاع این جانب صریحاً سلب شده و بر هزاران خلاف قانون که تاکنون نسبت به این جانب اعمال شده این خلاف قانون نیز علاوه شده است.

با این حال اگر آن دادگاه باز اجازه دفاع به وکلای این جانب ندهند بطوریکه خود آنان در خاتمه لایحه خود تقاضا کرده‌اند مقتضی است بعنوان مشاور اجازه ورود به دادگاه داده شود تا مانند سایر حضار در جلسات دادگاه حضور بهم رسانند و در مواقع تنفس مورد شور این جانب واقع شوند.

دکتر محمد مصدق

۳۲۶

وکالتنامه دکتر مصدق جهت معرفی آقایان حسن صدر، بهرام مجدزاده و علی شهیدزاده بعنوان وکیل خود

امضاءکننده ذیل دکتر محمد مصدق که در مقام نخست‌وزیری ایران بر اثر کودتای نظامی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ بوسیله قوای نظامی دستگیر شده و برخلاف قانون زندانی هستم و در دادگاه بدوی نظامی غیرقانونی و نیز در دادگاه تجدیدنظر نظامی غیرقانونی برخلاف قانون و حق و انصاف محکوم شده‌ام وکیل نمودم آقایان محترم حسن صدر و بهرام مجدزاده و علی شهیدزاده وکلای دادگستری را متفقاً و منفرداً برای درخواست فرجام از حکمی که دادگاه‌های غیرقانونی صادر نموده‌اند و همچنین برای تهیه و تقدیم لایحه اعتراضات فرجامی و بیان کلیه ایرادات مربوطه بغیرقانونی بودن دادگاه و عدم صلاحیت آن و اعتراضات مربوطه به جریان محاکمه و صدور حکم و قرار بطور کلی هرگونه ایراد و اعتراض قانونی و قضائی و برای تعقیب امر در دیوان عالی کشور تا خاتمه رسیدگی که با کلیه اختیارات لازمه قانونی از این جانب دفاع نمایند.

بیست و دوم اردیبهشت‌ماه ۱۳۳۳

دکتر محمد مصدق

۳۲۷

یادداشت دکتر مصدق از زندان لشکر دو زرهی درباره فرجام‌خواهی به یکی از نزدیکان خود

از دیوان کشور فقط درخواست می‌کنم که چون نخست‌وزیر بوده‌ام دادگاه نظامی صلاحیت نداشته که با اتهامات منتسبه به من رسیدگی کند. اگر دیوان کشور هم نتواند برای خود آنقدر آزادی قائل شود که چنین حرف حسابی را مورد توجه قرار دهد مرگ برایم از زندگی بهتر است. من درخواست فرجام از این نظر کرده‌ام که برخلاف قانون اساسی عمل شده و حکم دادگاه نظامی را نقض بلا ارجاع کند که قانون اساسی از بین نرود. اگر دیوان کشور آنقدر توانا نباشد که با همه تأمینی که قانون اساسی برای مقام دادرسان داده چنین اظهاری بکنند بر فرض اینکه حکم دادگاه نظامی را به این جهت نقض نمود که هیئت منصفه در محاکمه مربوط به جرائم سیاسی حضور نداشته از دادگاه جنائی چه انتظار دارم که تحت نفوذ واقع نشود و مرا محکوم نکند؟ من خدا را گواه می‌گیرم که برای تبرئه خودم درخواست فرجام نداده‌ام.

حال خوب است معلوم شود چند روز برای رسیدگی فرجامی تأمل شود و عجله نکنیم.

۳۲۸

جواب دکتر مصدق به اظهارنامه جعفر وجدانی

تمنا دارم عرضحال خود را به دادگستری تقدیم کنید، بمحض اینکه ابلاغ شد از دادستانی ارتش تقاضا می‌کنم اجازه دهند یکی از وکلای دادگستری جواب عرضحال را با مشورت این جانب تهیه و در دادگاه هم رسماً دفاع کند. محض اطلاع عرض می‌کنم از ۲۲ اردیبهشت که دادگاه تجدیدنظر نظامی مرا به سه سال حبس مجرد محکوم نمود قریب سه ماه می‌گذرد و تاکنون وکلای این جانب مرا برای شور و تنظیم لایحه فرجامی نتوانستند ملاقات کنند.

دهم مردادماه ۱۳۳۳ - دکتر محمد مصدق

۳۲۹

نامه دکتر مصدق به دیوان عالی کشور

زندان لشکر ۲ زرهی - ۱۹ تیرماه ۱۳۳۴

دیوان عالی کشور

در مجله «سپید و سیاه» سال دوم شماره ۸ روز قبل خبری منتشر گردید که عیناً باستحضار می‌رسد:

«چند ماه بود که پرونده آقای دکتر مصدق در شعبه ۲ دیوان عالی کشور بحال رکود مانده بود. طبق اطلاع چند روز است که پرونده مجدداً مورد مطالعه قرار گرفته است. گویا آقای وزیر دادگستری روی دستور صریحی که برای رسیدگی فوری پرونده‌های دادگستری داده است این پرونده نیز مورد مطالعه مجدد قرار گرفته تا تصمیم نهائی روی آن اتخاذ گردد.»

از ۱۴ شهریور سال قبل که لایحه فرجامی خود را تقدیم نموده‌ام همیشه به این انتظار بوده‌ام که برطبق ماده ۴۵۲ اصول محاکمات جزائی احضار شوم و به دستور ماده ۴۵۱ همان قانون از خود دفاع نمایم.

همه دیدند که در دادگاه سلطنت آباد هر وقت خواستم از خود دفاع کنم عده‌ای از افراد باشگاه تاج چه ناسزا که نگفتند و جرائد نوشتند که چندبار در هر دو دادگاه بدوی و تجدیدنظر نظامی بسری شدن محاکمه تهدید شدم و من برای اینکه دادگاه سری نشود و مردم از جریان محاکمه بیخبر نمانند، به مصداق «مالا یدرک کله لا یتراک کله» از گفتن حقایق امساک کردم.

این امساک نه از این جهت بود که ترسیدم مرا از بین ببرند، بلکه از این جهت بود که خواستم آن حقایق در دادگاهی گفته شود که در تاریخ آزادی و استقلال ایران همیشه بماند. تا هزار مثل من در راه آزادی فدا نشوند وطن عزیز ما ایران روی آزادی و استقلال را نخواهد دید.

ماده ۴۵۸ قانون اصول محاکمات جزائی می‌گوید: «دیوان تمیز در موارد ذیل در صورتیکه حکمی را نقض کند، ارجاع به محکمه دیگری نخواهد نمود و این موارد را نقض بلاارجاع گویند.»

فقره سوم از ماده مزبور یکی از موارد نقض بلاارجاع را اینطور بیان می‌کند: «در صورتیکه حکم صادر از محکمه تالی بر مجازات شخص بعنوان جرم بوده و حال آنکه آن عمل بر فرض وقوع قانوناً داخل در جرم نبوده و اصلاً قابل مجازات نیست.» اکنون از آن قضات عالیمقام سؤال می‌کنم این جانب که لایحه فرجامی خود را به دو فصل محدود نمودم که فصل اول آن مربوط به عزل و نصب نخست‌وزیر است که از وظایف مجلس شورای ملی و سناست و فصل دوم آن مربوط به دادگاه نظامی است که صلاحیت ندارد نخست‌وزیر را محاکمه کند و از اتهاماتی که در کیفرخواست به من نسبت داده شده حتی یک کلام دفاع ننموده‌ام تا در دیوان عالی کشور حضور بهم رسانم و بطور آزاد از خود دفاع نمایم آن قضات عالیمقام چطور می‌توانند مرا مشمول فقره سوم از ماده ۴۵۸ بدانند یا ندانند؟ این است که درخواست می‌کنم هر وقت نوبت به پرونده این جانب رسید از حقی که قانون به من اعطاء نموده است محروم نکنند و به دنیا ثابت نمایند که دادگستری ایران هم مثل دادگستری انگلیس نظری بجز عدالت و حق ندارد.

عرایض من مطالبی نیست که بتوانم تمام را بنویسم و باید شفاهاً بعرض برسانم. اکنون قریب دو سال است که با کبر سن و ضعف مزاج و ناتوانی، زندان مجرد را تحمل نموده‌ام برای اینکه یک روز در آن دیوان حاضر شوم و آنچه راجع به بیگناهی خود دارم اظهار نمایم.

دکتر محمد مصدق

۳۳۰

نامه دکتر مصدق به دیوان عالی کشور

۱۵ مرداد (۱۳۳۴) - از زندان لشکر ۲ زرهی

دیوان عالی کشور

۱۹ تیرماه گذشته شرحی توسط دفتر دادستانی اداره دادرسی ارتش عرض نمود که تاکنون به جواب آن نایل نشدم. چون روز قبل مجله «خواندنیها» به نقل از روزنامه «فرمان» در شماره ۹۱ سال پانزدهم خود چنین منتشر نموده است:

«کسب اطلاع شده که دیوان عالی کشور نظر نهائی و قطعی خود را درباره پرونده مصدق بزودی اعلام خواهد داشت. چندی قبل شعبه مأمور رسیدگی به پرونده دکتر مصدق در دیوان عالی کشور آقای عقیلی یکی از اعضای خود را مأمور مطالعه پرونده مصدق السلطنه و تنظیم

گزارشی در این زمینه نمود. بطوریکه اطلاع می‌رسد اکنون آقای عقیلی مطالعات خود را به روی پرونده مصدق که از طرف دادرسی ارتش به دیوان عالی کشور ارسال شده خاتمه داده‌اند و تنظیم گزارش ایشان بزودی تمام خواهد شد. شعبه مأمور رسیدگی به پرونده دکتر مصدق سه عضو دارد که در مورد این پرونده باید رأی بدهد. آقای عقیلی یکی از سه عضو مذکور می‌باشند که پس از تنظیم گزارش شعبه جلسه خود را تشکیل خواهد داد و سه قاضی به آن رأی خواهند داد. به قرار اطلاع در این گزارش آقای عقیلی حکم دادرسی ارتش را ابرام کرده‌اند و احتمال قوی می‌رود که در جلسه شعبه دو قاضی دیگر نیز این حکم را ابرام نمایند.

اکنون نیز رونوشتی از نامه ۱۹ تیرماه تقدیم و خاطر آن قضات عالی مقام را به این نکته توجه می‌دهد که در محاکم بدوی و تجدیدنظر نظامی چندبار بسری شدن محاکمه تهدید شدم و بهتر آن دانستم که از ذکر بعضی حقایق خودداری کنم تا دادگاه سری نشود و هموطنانم از جریان محاکمه بی‌خبر نمانند.

بنص صریح ماده ۴۵۲ و ۴۵۱ قانون اصول محاکمات جزائی «متداعیین در دیوان تمیز احضار می‌شوند». «متداعیین یا وکلای آنان با اجازه رئیس شعبه مطالب خود را اظهار می‌دارند». چنانچه این جانب را احضار نکنند از حق قانونی خود محروم نموده و از عدالت استنکاف فرموده‌اند.

این جانب نباید بیش از این چیزی عرض کنم و در این زندان مشقت‌بار تکلیف خود را بدین طریق تعیین می‌کنم که تا ظهر چهارشنبه ۱۸ مرداد اگر آن دیوان مرا مطمئن نکنند که اجازه خواهند داد از خود دفاع کنم از صرف غذا اجتناب کنم و از عذاب الیمی که به آن مبتلا شده‌ام خود را زودتر خلاص کنم. البته تاریخ قضاوت خواهد نمود که آن دیوان چرا نسبت به من که در تمام مدت تصدی کار غیر از خیر مملکت نظری نداشتم این رویه را اتخاذ نموده‌اند و من هم بیش از این چیزی نمی‌خواهم.

دکتر محمد مصدق

ضمیمه: رونوشت نامه ۱۹ تیرماه ۱۳۳۴ بدیوان عالی کشور.

جواب دکتر مصدق به نامه علی هیئت رئیس دیوان عالی کشور

زندان لشکر ۲ زرهی - ۱۹ مردادماه ۱۳۳۴

ریاست محترم دیوان عالی کشور

نامه شماره ۱۷۱۹۹ مورخ ۱۷ مرداد عز وصول ارزانی بخشید. لزوماً بعرض جواب مصدق

می‌شوم که بعد از تقدیم درخواست فرجامی قریب یکسال باز در زندان بسر بردم و هیچ عرض ننمودم. ولی همینکه در مجله «سپید و سیاه» مطالبی خواندم شرحی عرض نمودم و دیوان عالی کشور را بحقی که قانون بهر متهمی داده است متوجه نمودم.

(۱) اینکه مرقوم فرموده‌اند: «طبق رویه معموله دیوان کشور از بدو تشکیل تاکنون در صورتی متهم و یا متداعیین برای ادای توضیحات در شعبه مربوطه دعوت می‌شوند که شعبه برای روشن شدن اعتراضات کتبی و شفاهی حضور فرجام‌خواه را لازم بداند» عرض می‌کنم در هر قانون اول این موضوع باید مورد مطالعه قرار گیرد و روشن شود که آن قانون در نفع چه اشخاص وضع شده است.

ماده ۴۵۲ اصول محاکمات جزائی که می‌گوید: «متداعیین برای رسیدگی در دیوان تمیز حاضر می‌شوند ولی اگر بدون عذر موجه حاضر نشدند رسیدگی و صدور حکم به تأخیر نمی‌افتد» صرفاً در نفع متهم وضع شده و هیچکس غیر از خود او صاحب حق نیست و فقط متهم می‌تواند از آن صرف‌نظر نماید.

و نیز ماده ۴۵۱: «در روز محاکمه عضو ممیز اوراق تحقیقیه خود را قرائت می‌نماید، متداعیین یا وکلای آنان به اجازه شعبه مطالب خود را اظهار می‌دارند» که جمله آخر آن حق مسلم و صریحی است که قانون به متهم داده و شعبه نمی‌تواند باستناد رویه قضائی از او سلب حق کند که از قدیم گفته‌اند اجتهاد در مقابل نص غلط است. رویه قضائی وقتی حجیت دارد که در قانون حکمی نباشد. وقتی قانون به متهم حق می‌دهد که در دیوان کشور حاضر شود و از خود دفاع نماید آیا می‌توان قبول نمود که رویه قضائی بتواند این حق را از متهم سلب نماید.

(۲) مرقوم شده است: «رسیدگی و اعمال نظر دیوان کشور در امور جزائی محدود است بمواردی که در ماده ۴۳۰ اصول محاکمات جزائی قید گردیده است» که یکی از آن موارد این است: «در موارد عدم رعایت اصول و قوانین محاکمات جزائی - در صورتیکه عدم رعایت قوانین باندازه‌ای اهمیت داشته باشد که در حکم محکمه مؤثر بوده و آن را از اعتبار حکم قانونی بیندازد».

لذا عرض می‌کنم چه عدم رعایتی از این بالاتر که ماده ۱۹۴ قانون دادرسی و کیفر آرتش به متهم حق می‌دهد «آنچه را که برای مدافعه مفید می‌داند در موقع اظهار دارد» و این جانب به شهادت پرونده و جرائد در هر دو دادگاه چندبار بسری شدن به محاکمه تهدید شدم و برای اینکه محاکمه این جانب در پس پرده صورت نگیرد و مردم علاقمند بکلی از جریان کار دادگاه بیخبر نمانند از اظهار بعضی حقایق خودداری کرده‌ام. با این حال معلوم نیست وقتی که قسمتی از اعتراضات خود را نه کتباً نموده‌ام نه شفاهاً دیگر بچه استناد شعبه می‌تواند «برای روشن شدن اعتراضات کتبی و شفاهی حضور فرجام‌خواه را لازم بداند».

ریاست محترم دیوان عالی کشور

امید من در این دو سال زندان همیشه این بوده است که در جلسات محاکمه حاضر شوم و از حقی که قانون به من اعطاء نموده است استفاده نمایم و جای کمترین شک و تردید در بیگناهی خود باقی نگذارم. این است که تمنا می‌کنم بلافاصله بعد از تشکیل شعبه نظریات آقایان اعضاء محترم شعبه را در موضوع این درخواست باین جانب ابلاغ فرمایند تا تکلیف خود را بدانم.

دکتر محمد مصدق

۳۳۲

نامه دکتر مصدق به ریاست دیوان عالی کشور

زندان لشکر ۲ زرهی - ۲۲ مهرماه ۱۳۳۴

ریاست محترم دیوان عالی کشور

چون در بعضی از جرائد مرکز خبری منتشر شده که چهارم آبان یعنی روز ولادت اعلیحضرت همایون شاهنشاهی عده‌ای از مجرمین من جمله خود این جانب مشمول عفو ملوکانه قرار خواهند گرفت لذا بعرض این نامه تصدیع افزا می‌شود.

I

که از این حق کسانی می‌توانند استفاده کنند که از آخرین دادگاه کیفری حکم قطعی راجع به محکومیت آنها صادر شده باشد. در صورتیکه حکم دادگاه تجدیدنظر نظامی راجع به سه سال حبس مجرّد این جانب هنوز قطعی نشده و از ۱۴ شهریور ماه ۳۳ که درخواست فرجام نموده‌ام در آن دیوان بلا تکلیف مانده است.

نسبت به حکم مزبور دیوان عالی کشور می‌تواند به یکی از سه طریق عمل کند:

(۱) آن را نقض کند و به دادگاهی که صلاحیت رسیدگی دارد ارجاع نماید.

(۲) حکم را ابرام کند.

(۳) آن را نقض بلا ارجاع فرماید.

اتخاذ هر یک از این سه طریق بسته به میزان علاقه‌ای است که رأی دهندگان به حفظ حیثیات خود و استقلال قوه قضائی دارند و آن چیزی که در اختیار دیوان عالی کشور نیست همان سلب حق حضور در دادگاه از متهم است که حتی در ممالک بسیار عقب افتاده هم آن را از متهم سلب نمی‌کنند مضافاً به اینکه قانونگذار ما هم از این اصل که یکی از اصول مهمه حقوق جزائی است الهام گرفته و ماده ۴۵۱ اصول محاکمات جزائی را بدین طریق تنظیم نموده است:

«در روز محاکمه عضو ممیز اوراق تحقیقیه خود را قرائت می‌نماید. متداعیین یا وکلای آنان

باجازه رئیس شعبه مطالب خود را اظهار می‌دارند...»

و ماده ۴۵۲ نیز می‌گوید: «متداعیین برای رسیدگی در دیوان تمیز احضار می‌شوند و اگر بدون عذر موجه حاضر نشدند رسیدگی و صدور حکم به تأخیر نمی‌افتد.»
این حق حضور از نظر قانون‌گزار آنقدر مهم تلقی شده که ماده ۴۵۳ می‌گوید: «پس از آنکه طرفین برحسب اصول احضار شدند حکم صادر از دیوان تمیز در هر حال حضوری محسوب است و قابل اعتراض نیست.»
که مفهوم مخالف آن این است اگر متهم احضار نشد حکم غیابی است و او می‌تواند به آن اعتراض کند.

نظر به اینکه در نامه مورخ ۱۹ مرداد گذشته نظریات خود را در خصوص مواد ۴۵۱ و ۴۵۲ عرض و بطور مشروح استدلال کرده‌ام دیگر زائد است از این بابت چیزی عرض کنم.

II

در جرائد روز البته ملاحظه فرموده‌اند که در آخرین جلسه دادگاه بدوی نظامی نامه‌ای به شماره ۶۵۹۲ مورخ ۲۹ آذر ۳۳ از وزارت دربار شاهنشاهی بریاست دادگاه رسید که عیناً برای استحضار نقل می‌شود:

«بفرموده اعلیحضرت همایون شاهنشاه پیاس خدمات آقای دکتر محمد مصدق در سال اول نخست‌وزیری خود در امر ملی شدن صنعت نفت که خواسته عموم ملت ایران و مورد تأیید و پشتیبانی ذات ملوکانه بوده و می‌باشد و آنچه نسبت بمعظمه گذشته است صرف‌نظر فرموده‌اند» اکنون لازم می‌دانم خدماتی که در سال اول دولت این جانب به مملکت و شاهنشاه شده است باختصار شرح دهم:

(۱) ملی شدن صنعت نفت در ۲۹ اسفندماه ۱۳۲۹ صورت گرفت و تا ۵ اردیبهشت ماه ۳۰ که مجلسین شورای ملی و سنا به این جانب رأی تمایل دادند قطعی نشده بود. این بود که از تشکیل دولت خودداری کردم تا قانون نه ماده راجع به اجرای اصل ملی شدن صنعت نفت در مجلسین تصویب شود و ملی شدن صنعت نفت در سراسر کشور قطعیت پیدا کند.

(۲) خلع ید از شرکت سابق که روز ۲۹ خرداد بعمل آمد.

(۳) دولت انگلیس اصالة از طرف خود و وکالتاً از طرف شرکت سابق اصل ملی شدن صنعت نفت را شناخت. بر فرض عدم شناسائی هم صنعت نفت ملی شده بود چونکه هر مملکت روی اصل حاکمیت ملی می‌تواند هریک از صنایع خود را ملی کند و این شناسائی از این نظر مفید بود که شرکت نمی‌توانست ادعای عدم‌النفع کند، چونکه ملی شدن صنعت نفت را بدون قید و شرط شناخته بود بنابراین دعوای شرکت منحصر می‌شد به غرامت.

(۴) خروج کارشناسان انگلیس از ایران بعد از ۴ مهرماه ۱۳۳۰

(۵) پیشرفت دولت در شورای امنیت

(۶) آزادی انتخابات

(۷) انحلال قونسولگریهای انگلیس

از مراحمی که بعد از اردیبهشت ماه ۳۱ یعنی بعد از سال اول تشکیل دولت این جانب ملت ایران طی نمود چون مورد پشتیبانی و تأیید اعلیحضرت همایون شاهنشاه واقع نشده چیزی عرض نمی‌کنم و فقط من باب مثال به یکی از آن مراحل اشاره می‌نمایم و آن شکست سیاست خارجی در دیوان بین‌المللی دادگستری است که در اول مرداد ۳۱ صورت گرفت و قضات آن خود را به سیاست‌های استعماری آشنا و آلوده نکردند و از راه حق و حقیقت قدمی خارج نگذاشتند و حتی «سر آرنولد مک‌نایر» قاضی انگلیس و رئیس دیوان بر علیه دولت خود رأی داد و مورد تحسین و تقدیر جهانیان قرار گرفت، چونکه قاضی شرافتمند آن کسی است که رأی به حق بدهد و غیر از حق و عدالت چیزی در نظر نگیرد و هیچ فردی در هر مقام نتواند او را آلت فعل قرار دهد و از عقیده و ایمانی که دارد منحرف سازد.

از آنچه گذشت این سؤال پیش می‌آید اگر عملیات سال اول دولت این جانب بشرحی که گذشت خواسته‌های ملت ایران بوده آیا از حق عفو اعلیحضرت این جانب باید استفاده کنم یا کسانی که برخلاف خواسته‌های ملت عمل کرده‌اند؟

اکنون متجاوز از یکسال است که این جانب ناگواریهای زندان مجرد را تحمل کرده‌ام بدون اینکه آقایان مستشاران محترم بتوانند پرونده این جانب را مورد مطالعه قرار دهند و بررسی فرمایند تا معلوم شود که چند مرتبه در هر دو دادگاه بسری شدن محاکمه تهدید شدم و برای اینکه کار در پشت پرده نگذرد و مردم از جریان محاکمه بی‌خبر نمانند از اظهار حقایقی که به نفع خود بود خودداری کردم، و اکنون معلوم نیست چرا باید از حقی که قانون به هر متهمی داده است محروم شوم و در جلسات دادگاه حاضر نشوم و از خود دفاع نکنم.

بطوریکه در یکی از جلسات دادگاه نظامی عرض شده چنانچه اعلیحضرت همایون شاهنشاهی این جانب را مشمول عفو قرار دهند چون بزرگترین توهینی است که به یک خدمتگزار مملکت می‌شود زیر بار آن نمی‌روم و به زندگی خود خاتمه می‌دهم.

اکنون نیز به استحضار عالی می‌رسانم که هرگاه شعبه این جانب را برای حضور در دادگاه دعوت نکند و حق دفاعی که قانون به هر متهمی داده است از این جانب سلب کند چون دیگر وسیله‌ای برای دفاع ندارم مرگ را به زندگی ترجیح می‌دهم و غیر از نخوردن غذا بوسیله دیگری متوسل نمی‌شوم و تا در زندان بسر می‌برم برای اینکه کسی را متهم نکنند طریقه دیگری اتخاذ نخواهم کرد.

از همه خواهانم که بعد از اتخاذ تصمیم مرا زحمت ندهند و احتضارم را طولانی نفرمایند.

دکتر محمد مصدق

نامه دکتر مصدق به علی هیئت ریاست دیوان عالی کشور

زندان لشکر ۲ زرمی - ۲۱ بهمن ماه ۱۳۳۴

جناب آقای هیئت ریاست محترم دیوان عالی کشور

بنص صریح ماده ۱۸۶ قانون دادرسی و کیفر ارتش «وکیل مدافع متهم از ابتدای جریان دادرسی می‌تواند با آزادی با او ملاقات و مذاکره کند» که در ممالک دور از تمدن هم این حق را از متهم سلب نمی‌کنند. با این حال معلوم نشد چه مانعی روی داد که حق مزبور از این جانب سلب شود و از ۱۴ شهریور ماه ۳۳ که لایحه فرجامی خود را تقدیم کرده‌ام فقط چهار مرتبه آنهم با اجازه آن جناب و تشریفات خاصی این ملاقات دست داده است که باز به دستور آن جناب و برای آخرین دفعه، مرتبه دیگری اجازه داده‌اند که با آقایان وکلای خود ملاقات کنم و طبق نامه شماره ۳۳۷۶ دادستانی ارتش «آخرین اظهار و اعتراض خود را در مورد رأی دادگاه تجدیدنظر کتباً یا شفاهاً بوسیله ملاقات‌کنندگان باستحضار شعبه ۹ دیوان عالی کشور» برسانم که مفهوم این دستور چیزی جز این نیست که حق حضور این جانب را در دادگاه برای دفاع از خود سلب می‌کند. از تاریخ تقدیم لایحه فرجامی تا ۱۷ مرداد ۳۴ که آن جناب نامه شماره ۱۷۱۹۹ را در جواب نامه‌های مورخ ۱۹ تیر ماه و ۱۵ مرداد این جانب مرقوم فرموده‌اند قریب یک سال گذشت که این جانب بلا تکلیف در زندان بسر برده‌ام و برای تأخیر رسیدگی بکار این جانب در نامه مزبور دلایلی ذکر فرموده‌اند که قسمت حساس آن عیناً در این جا نقل می‌شود.

«شعبه ۹ دیوان عالی کشور که مرجع رسیدگی پرونده است بعلت معذوریت و مأموریت دو نفر از مستشاران تکمیل نیست. قریباً مدت آنان تمام و شعبه نامبرده دایر و مهیا برای رسیدگی خواهد شد. مندرجات پاره‌ای از جرائد که مورد ملاحظه گردیده مطابق با جریان امر نیست. راجع به تقاضای اینکه موقع طرح شخص جنابعالی در دیوان کشور برای بیان مطالبی حضور بهم رسانید طبق رویه معموله دیوان کشور از بدو تشکیل تاکنون و در صورتی متهم یا متداعیین برای ادای توضیحات در شعبه مربوطه دعوت می‌شوند که شعبه برای روشن شدن اعتراضات کتبی و شفاهی حضور فرجام‌خواه را لازم بداند و رسیدگی و اعمال نظر دیوان کشور در امور جزائی محدود است به مواردی که در ماده ۴۳۰ اصول محاکمات جزائی قید گردیده است.»

سپس طی نامه مورخ ۱۹ مرداد ۳۴ خاطر عالی را به این متوجه نمود که یکی از موارد ماده مزبور «عدم رعایت اصول و قوانین محاکمات جزائی است در صورتیکه عدم رعایت قوانین مزبور به اندازه‌ای اهمیت داشته باشد که در حکم محکمه مؤثر بوده و آن را از اعتبار حکم قانونی بپندارد.»

و من باب مثال چه عدم رعایتی از این بالاتر که ماده ۱۹۴ قانون دادرسی و کیفر آرتش به متهم حق می‌دهد «آنچه که برای مدافعه مفید می‌داند در موقع اظهار دارد» که این جانب بشهادت پرونده و جرائد در هر دو دادگاه چندبار بسری شدن محاکمه تهدید شدم و برای اینکه جریان محاکمه مثل سایر دادرسیها در پس پرده صورت نگیرد و مردم علاقمند بکلی از آن بی‌خبر نمانند از اظهار بعضی از حقایق خودداری کرده‌ام. بنابراین وقتی که این جانب مطالبی برای دفاع از خود اظهار ننموده‌ام دیگر موردی نیست که دادگاه «برای روشن شدن اعتراضات کتبی و شفاهی حضور فرجام‌خواه را لازم بداند».

دیوان عالی کشور با درخواست این جانب به یکی از سه طریق می‌تواند عمل کند:

(۱) حکم دادگاه تجدیدنظر را نقض کند و به دادگاهی که صلاحیت دارد ارجاع نماید.

(۲) آن را نقض بلاارجاع فرماید.

(۳) حکم مزبور را ابرام نماید.

اتخاذ هریک از این سه طریق بسته به میزان علاقه‌ای است که رأی‌دهندگان به حفظ حیثیات خود و استقلال قوه قضائی دارند و آن چیزی که در اختیار آن دیوان عالی مقام نیست سلب حق حضور در دادگاه از متهم است که در هیچ کجا مرتکب چنین عملی نمی‌شوند و واضعین قانون اصول محاکمات جزائی هم آن را در باب چهارم قانون مزبور راجع به تمیز احکام جزائی ذیل مواد زیر برای هر متهمی تأمین کرده‌اند.

بنص صریح ماده ۴۵۱ «در روز محاکمه عضو ممیز اوراق تحقیقیه خود را قرائت می‌نماید. متداعیین یا وکلای آنان با اجازه رئیس شعبه مطالب خود را اظهار می‌دارند و مدعی‌العموم اخیراً عقیده خود را اظهار می‌دارد و دیوان تمیز پس از آن به اکثریت آراء حکم می‌دهد.»

بنص صریح این ماده تا متداعیین یا وکلای آنان مطالب خود را اظهار نکنند نه دادستان می‌تواند اظهار عقیده کند نه دادگاه می‌تواند حکمی صادر نماید مگر اینکه طبق ماده ۴۵۲ که می‌گوید: «متداعیین برای رسیدگی در دیوان تمیز احضار می‌شوند ولی اگر بدون عذر موجه حاضر نشدند رسیدگی و صدور حکم به تأخیر نمی‌افتد» دادگاه متداعیین را احضار کرده باشد ولی آنها بدون عذر موجه حاضر نشده باشند.

ماده ۴۵۳ نیز در تأیید مواد مزبور چنین گوید: «پس از آنکه متداعیین برحسب اصول احضار شوند حکم صادر از دیوان تمیز در هر حال حضوری محسوب است و قابل اعتراض نیست.» که مفهوم مخالف آن این است اگر متهم برحسب اصول احضار نشد حکمی که دادگاه صادر می‌کند حضوری محسوب نمی‌شود و متهم می‌تواند به آن اعتراض کند.

حقی را که مواد مزبور به متهم داده است حق مسلم او و در نفع اوست و آن را نمی‌توان از او سلب نمود مگر به رضای خود او. نه دادستان می‌تواند نظری برخلاف آن اظهار کند و نه دادگاه

می‌تواند او را احضار نکند و حق دفاعی که قانون به او داده است از او سلب نماید. در هر کجا وقتی که دو قانون هرکدام حکم خاصی دارد قانونی [را] که در نفع متهم است اجرا می‌کنند ولی اکنون آن جناب طبق مرقومه شماره ۱۷۱۹۹ مورخ ۱۷ مرداد که قبلاً قسمت حساس آن گذشت می‌خواهند نه باستناد یک قانون بلکه باستناد یک رویه قضائی این جانب را از حقی که مواد مذکور به هر متهمی داده است محروم کنند. بعلاوه رویه برخلاف نص صریح قانون معقول نیست.

در ۶ مهرماه ۳۴ در جواب سؤال مخبر روزنامه «اطلاعات» بیاناتی فرموده‌اند که قسمتی از آن بیانات از شماره ۸۷۹۲ همان جریده عیناً نقل می‌شود:

«چون قبلاً اعضای شعبه ۹ دیوان عالی کشور که پرونده آقای دکتر مصدق برای بازرسی به آن شعبه ارجاع شده است تکمیل نبود و بالنتیجه پرونده‌های ارجاعی به آن شعبه را کد مانده بود به این جهت اخیراً اعضای آن شعبه از اوایل هفته گذشته پرونده‌های را کد از جمله پرونده آقای دکتر مصدق به جریان افتاده و اکنون اعضای شعبه ۹ مشغول پرونده قطور آقای دکتر مصدق شده‌اند. بعلت اینکه در این پرونده اوراق زیاد است تصور می‌رود قرائت آن یکی دو هفته بطول انجامد. باید دانست تصمیم قطعی درباره پرونده آقای دکتر مصدق باید با حضور دادستان کل انجام شود و آقای امامی دادستان کل اکنون در اروپا هستند و قرار است تا چند روز دیگر به طهران مراجعت کنند، بنابراین پس از ورود دادستان کل که باید در مورد پرونده‌های ارجاعی به شعب نظر بدهد تصمیم نهائی درباره پرونده آقای دکتر مصدق اتخاذ می‌گردد و اکنون می‌توان گفت در حقیقت مقدمات رسیدگی آغاز شده است.»

اخیراً بعضی از روزنامه‌ها نوشته‌اند که شاهنشاه مرا احضار فرموده و برای رسیدگی به پرونده آقای دکتر مصدق دستوراتی صادر فرموده‌اند. این شایعه به هیچوجه صحت ندارد زیرا کار دیوان عالی کشور بر مدار خود جریان دارد و پرونده آقای دکتر مصدق نیز در شعبه ۹ تکمیل شده است در موعد و نوبت خود رسیدگی خواهد شد.»

این بود قسمت حساس مصاحبه آن جناب و از ۶ مهرماه باز چند ماه می‌گذرد ولی هنوز این جانب احضار نشده‌ام و در زندان بلا تکلیف بسر می‌برم. اکنون اختاریه شماره ۳۳۷۶ مورخ ۱۷ بهمن‌ماه ۳۴ دادستانی ارتش را عیناً نقل می‌کنم.

بازگشت شماره ۷۴۶۲ رکن ۲ - ۳۴/۱۰/۲۵

درباره آقای دکتر محمد مصدق

تیمسار فرماندهی لشکر ۲ زرهی مرکز

بنا بابلاغ ریاست دیوان عالی کشور غدغن فرمائید با مراجعه آقایان علی شهیدزاده و حسن صدر و مجدزاده جمعاً یا انفراداً فقط یک جلسه برای آخرین دفعه با آقای دکتر محمد مصدق

ملاقات نمایند تا آخرین اظهار و اعتراض خود را در مورد رأی دادگاه تجدیدنظر کتباً یا شفاهاً بوسیله ملاقات‌کنندگان باستحضار شعبه ۹ دیوان عالی کشور برسانند.

دادستان آرتش، سرلشکر آزموده

ریاست محترم دیوان عالی کشور

این جانب هر قدر تجسس نمودم در قوانین موضوعه ملاک و مدرکی برای صدور این اخطاریه ندیدم. اکنون که دیوان عالی کشور می‌خواهد در یک امر حیاتی مملکت اظهار نظر کند و بیانات او را بشنوند. چه بسیار از مطالب که متهم نه می‌تواند بنویسد نه پیغام دهد و می‌خواهد آنها را در آخرین وقت دادگاه اظهار کند و دادگاه طبق مقررات محاکم جنائی در همه جا رأی خود را بلافاصله بدهد و این رأی مصون از هر شایبه و دخالت و اعمال نفوذ باشد خصوصاً اینکه قانونی هم برای این کار هست و طبق ماده ۴۵۱ و ۴۵۲ اصول محاکمات جزائی دادگاه مکلف است که متهم را احضار کند و بیانات او را استماع نماید.

چنانچه کار دیوان عالی کشور بر مدار خود جریان دارد چه چیز سبب شده است که این جانب را از حق دفاعی که قانون در خود دادگاه به متهم داده است محروم نمایند؟

نویسندگان کیفرخواست ۹ مهرماه ۳۲ ارتکاب سیزده فقره عملی را به این جانب نسبت داده‌اند که در فصل ۲ لایحه خود به دادگاه تجدیدنظر جواب آنها را داده‌ام.

چنانچه تمام آنها را هم این جانب مرتکب شده باشم چون هیچکدام مشمول قانون مجازات نمی‌شود مرتکب جرمی نشده‌ام. اگر دادگاه با این نظر موافق است این جانب از حق حضور در دادگاه صرف‌نظر می‌کنم تا دادگاه رأی خود را بدهد و تکلیف این جانب را معلوم نماید و الاً باید به دادگاه احضار شوم و آنچه برای دفاع از خود مفید می‌دانم بگویم و ثابت نمایم که دادگاه نظامی برای محاکمه نخست‌وزیر، صالح نیست و طبق اصل ۶۹ متمم قانون اساسی رسیدگی به کار این جانب در صلاحیت دیوان کشور است.

از روزی که کشور ایران صاحب رژیم مشروطه شده از آن نخست‌وزیر و وزیرانی که برخلاف مصالح مملکت کار کرده‌اند حتی یک نفر را هم ولو برای چند دقیقه بازداشت نکرده‌اند.

کمیسیون مختلط تشکیل دادند - قرارداد تحت‌الحمایگی ایران را امضاء کردند - پلیس جنوب را برسمیت شناختند - امتیاز کشتی‌رانی دریاچه ارومیه را تنفیذ کردند - مطالبات بی‌اساس دولت انگلیس را قبول نمودند - مدت امتیاز معادن نفت و تسلط بیگانگان را برای مدت سی و دو سال تمدید نمودند - نرخ لیره را به نفع بیگانگان بالا بردند - فداکاریهای ملت ایران را ندیده گرفتند - سیاست خارجی را کماکان در معادن نفت جنوب برپا نمودند - توازن صادرات بدون نفت و واردات را که در دولت این جانب یکی شده بود از بین بردند بطوریکه واردات سال ۳۳ در حدود هفتصد ملیون تومان بر صادرات فزونی داشته است - توازن بودجه را هم بهم زدند و شصت و پنج ملیون تومان کسر بودجه سال ۱۳۳۲ را به هفتصد ملیون تومان رسانیدند و صدها از این

قبیل که چون در مصالح بیگانگان شده بود از هر تعرض مصون ماندند و حتی بعضی از آنها مورد تقدیر و حق شناسی هم واقع شدند.

ولی من و همکارانم را که جز خواسته‌های مردم کاری نکرده‌ایم و حتی قدمی برخلاف مصالح مملکت برنداشته‌ایم بازداشت نمودند و در محاکم غیر صالح و غیر مستقل محاکمه و محکوم کردند و اکنون قریب سه سال است در زندان مجرد بسر برده‌ام و دست حق‌گزاری به بالاترین دادگاه مملکت دراز کرده‌ام، این دادگاه هم می‌خواهد مرا از حقی که قانون به هر متهمی داده است محروم کند.

ای کاش همان روز ۱۵ اسفند ۲۳ یا نه اسفندماه ۳۱ من از بین رفته بودم و اکنون یک عده رجال پاکدامن دچار محذور نمی‌شدند، محظوری که موجب آن خود دیوان عالی کشور است. چنانچه بعد از تقدیم لایحه فرجام موضوع مأموریت و معذوریت بمیان نیامده بود و دادگاه به کار این جانب رسیدگی می‌کرد این کار خاتمه یافته بود. بر فرض اینکه من آزاد نمی‌شدم مربوط به دیوان عالی کشور نبود ولی بعد که اوضاع بتدریج فرق نمود روحیه آقایان قضات هم مثل سایر مردم ضعیف شد و دادگاه تشکیل نگردید.

در هر کجا امید مظلوم به دادگستری است. وای از آنوقت که دیوان عالی کشور هم نتواند طبق قانون وظایف خود را انجام دهد که در این صورت چه فرقی است بین این دادگاه که قضات آن استقلال و مصونیت دارند با دادگاه سری یا علنی نظامی که هرچه در آن بگویند کسی نشنود و حکمی که صادر می‌کنند روی سلسله مراتب و اطاعت از مافوق باشد [۱۹]

اکنون در قبال تصمیمی که اتخاذ فرموده‌اید نمی‌توانم اظهار بکنم. فقط آن قسمت از نامه مورخ ۲۲ مهرماه خود را که به آن جناب عرض نموده‌ام در اینجا نقل می‌کنم. «هرگاه شعبه این جانب را برای حضور در دادگاه احضار نکند و حق دفاعی که قانون به هر متهمی داده است از این جانب سلب کند چون دیگر وسیله‌ای برای دفاع ندارم مرگ را به زندگی ترجیح می‌دهم...»

و چون بر طبق دستور آن جناب بین این جناب و آقایان وکلایم دیگر ملاقاتی دست نخواهد داد از هم اکنون باستحضار عالی می‌رسانم که چنانچه تا آخر فروردین ماه ۱۳۳۵ که فقط چهارماه بانقضای مدت حبس این جانب می‌ماند دادگاه تشکیل نشود و این جانب را برای دفاع از حق خود احضار نکنند تصمیم خود را بموقع اجراء می‌گذارم. اگر دیوان عالی کشور قادر به اجرای قانون نیست، در این جانب قدرت انتحار هست و این هم باز خدمتی است که به آزادی و استقلال مملکت می‌شود و من از صمیم قلب آن را استقبال می‌نمایم.

زندان لشکر ۲ زرهی مرکز - ۲۱ بهمن ماه ۱۳۳۴

دکتر محمد مصدق

۳۳۴

نامه دکتر مصدق به علی هیئت ریاست دیوان عالی کشور

زندان لشکر ۲ زرهی مرکز - ۲۰ اسفندماه ۱۳۳۴
اعتراض بحکم غیابی

جناب آقای علی هیئت رئیس دیوان عالی کشور

تهدید من بانتحار سبب شد که شعبه ۹ دیوان عالی کشور کاری را که قریب دو سال در آن درمانده بود و نمی‌دانست چطور اظهارنظر کند که به این و آن برخورد تسریع نماید و پرونده قطور مرا نخوانده و رأیی بدون مطالعه و ذکر دلیل که جرائد روز آن را بشرح ذیل منتشر کرده‌اند: «شعبه ۹ در مورد تقاضای فرجام آقای دکتر مصدق ایراد و اعتراضات متهم را وارد ندانسته و رأی دادگاه تجدیدنظر نظامی را درباره ایشان ابرام می‌نماید».

در یک موضوع حیاتی، یعنی بر علیه قانون اساسی و مشروطیت یک ملتی صادر کند و حکم دادگاه نظامی را که باستناد ماده عام‌المنفعه ۳۱۷ قانون دادرسی و کیفر ارتش صادر شده است ابرام نماید.

آری تاریخ هر روز به یک صورتی تکرار می‌شود و از سیر تاریخ نمی‌توان اجتناب کرد. یک روز کسانی را که سد راه منافع بیگانگان می‌شدند بعنوان مخالفت پادشاه با اسلحه آن روز و امروز بدین طریق از بین می‌برند، ولی هنوز آن جبر تاریخ به مرحله قطعی خود نرسیده است و من بر طبق قانون به این حکم مختصر و مبتذل می‌توانم اعتراض نمایم.

من به این حکم غیابی که از نظر ملت ایران فاقد ارزش است طبق ماده ۴۵۳ اصول محاکمات جزائی که می‌گوید «پس از آنکه طرفین برحسب اصول احضار شوند حکم صادر از دیوان عالی تمیز در هر حال حضوری محسوب است و قابل اعتراض نیست» چون برحسب اصول احضار نشده‌ام و دادگاه با احضار من مخالفت نمود اعتراض می‌کنم و به آنهایی که حکم ابرام را صادر کرده‌اند طبق ماده ۱۵۰ قانون مجازات عمومی «هریک از قضات یا مستنطقین یا مدعی‌العمومها که برخلاف صریح قانون رفتار کنند از شغل قضائی منفصل بعلاوه بتأدیه خسارت نیز محکوم خواهد شد»، اعلام جرم می‌نمایم. چونکه بر طبق ماده ۴۵۲ اصول محاکمات جزائی که می‌گوید «متداعیین برای رسیدگی در دیوان تمیز احضار می‌شوند ولی اگر بدون عذر موجه حاضر نشدند رسیدگی و صدور حکم به تأخیر نمی‌افتد» می‌بایست مرا احضار کرده باشند ولی نکرده‌اند.

و همچنین بنص صریح ماده ۴۵۱ همان قانون «در روز محاکمه عضو ممیز اوراق تحقیقیه خود را قرائت می‌نماید متداعیین یا وکلای آنان با اجازه رئیس شعبه مطالب خود را اظهار می‌دارند» می‌بایست بعد از اینکه این جانب مطالبی اظهار کنم رأی بدهند. این کار هم نشده و

قانون را نقض کرده‌اند.

در خاتمه عرض می‌کنم که این اعتراض برای این نشده که دادگاه مرا تبرئه کند چونکه این محکومیت برای من مزید افتخار است، بلکه از این جهت شده است که در دادگاه نظامی نتوانستم حقایق را اظهار کنم و می‌خواهم در این دادگاه آن حقایق را بعرض ملت ایران برسانم تا همه بدانند علت محکومیت من چیست.

بنابراین یا رأی‌دهندگان به این حکم باید قانون را اجراء کنند و اعتراض مرا قبول نمایند چونکه قضات پاکدامن قضاتی هستند که چنانچه عملی برخلاف قانون مرتکب شوند آن را جبران می‌کنند و چه از این بهتر که برطبق قانون و روی صلاح مملکت اعتراض مرا قبول کنند و به آتیۀ دادگستری جامعه را امیدوار بدارند تا این جانب در موضوع عدم صلاحیت دادگاه نظامی از روی دلایل قوی ثابت کنم اگر دولت این جانب ساقط نمی‌شد چیزی نمی‌گذشت که قضیه نفت صدرصد بنفع ملت ایران حل می‌شد.

و یا اگر قضات این کار را نکنند آن جناب با جناب آقای وزیر دادگستری که رونوشت این نامه برای ایشان فرستاده می‌شود وارد مذاکره شوند که در یک کنفرانس آزاد بتوانم آن حقایق را اظهار کنم و البته تصور نخواهند فرمود که من می‌خواهم از این اطاق زندان که در این مدت فقط برای رفتن به دادگاه و دادستانی آرتش از آن خارج شدم از هوای آزاد استفاده کنم.

من تا آخرین روز مدت سه سال چون این حکم از یک دادگاه صالحی و بنفع مملکت صادر شده در هر زندانی که بفرمایند می‌مانم ولو اینکه جهنم باشد و بطوری که در نامه مورخ ۲۲ مهرماه ۳۴ عرض کرده‌ام چنانچه اعلیحضرت همایون شاهنشاه هم به مقتضای رعیت‌پروری این جانب را عفو بفرمایند چون توهین بزرگی است که به یک خدمتگزار مملکت و شاهنشاه آن می‌شود، آن را قبول نخواهم کرد.

محکوم در سه دادگاه

دکتر محمد مصدق

۳۳۵

اعلام جرم دکتر مصدق خطاب به علی هیئت رئیس دیوان عالی کشور

زندان لشکر ۲ زرهی مرکز - ۲۰ فروردین ماه ۱۳۳۵
برای ضبط در پرونده

موضوع: اعلام جرم راجع به نقض اصل ۷۸ منم قانون اساسی و ماده ۴۵۱ و ۴۵۲ اصول محاکمات جزائی

جناب آقای هیئت رئیس دیوان عالی کشور

روزنامه «کیهان» مورخ ۹ فروردین ماه ۳۵ صفحه ۱۱ می‌نویسد: امروز آقای هیئت رئیس دیوان کشور گفتند آقای دکتر مصدق نامه‌ای برای این جانب و نامه دیگری برای دادستان کل

فرستاده و به رأی اخیر شعبه نهم دیوان کشور که پس از رسیدگی به پرونده ایشان صادر نموده اعتراض کرده و ضمن آن نوشته شده که دیوان کشور بایستی با حضور متداعیین رسیدگی نموده و رأی صادر نماید و چون هنگام صدور رأی از وی دعوت نشده لذا رأی مزبور قابل اعتراض است درحالی که این نظریه و استناد صحیح نیست و نه تنها در دیوان تمیز ایران بلکه در دیوان تمیز هیچیک از کشورهای دیگر اینطور که مدعی شده است نیست، یعنی رویه این است که تمیز بدون حضور متداعیین رسیدگی کرده و رأی صادر می‌نماید و برای ما نیز همین رویه منطقی است و از ابتدای تشکیل دیوان کشور همین رویه متداول بوده و هست و عدول از آن صحیح نبوده و نیست.»

این بود آنچه روزنامه مزبور در شماره ۳۸۳۴ خود منتشر نموده است و از این بیانات البته آن جناب دو نظر داشته‌اند: یکی این بوده که حکم دادگاه پس از رسیدگی به پرونده صادر شده و دیگر اینکه دیوان تمیز حتی در هیچ کشور متداعیین را برای رسیدگی احضار نمی‌کند که برای رفع سوء تفاهم از آن جناب و از دادگاه بعرض توضیحات زیر مبادرت می‌نمایم:

(۱) راجع به صدور حکم بعد از رسیدگی به پرونده کافی است که عرض کنم طبق اصل ۷۸ متمم قانون اساسی: «احکام صادر از محاکم باید مدلل و موجه و محتوی فصول قانونیه که برطبق آنها حکم صادر شده است بوده و علناً قرائت شود.»

بنابراین دادگاه مکلف است ادله و براهین خود را در حکم ذکر کند. پس چه شد که حتی یک کلام راجع به مطالبی چند که این جانب در لایحه فرجامی خود روی چند اصل از اصول قانون اساسی در خصوص عدم صلاحیت دادگاه نوشته‌ام جوابی نداد و آنها را ندیده گرفت و کوچکترین دلیلی هم برای صلاحیت دادگاه نظامی اقامه نکرد و فقط بذکر یک جمله محقر و مبتذل قناعت نمود و رأی خود را بدین طریق صادر کرد:

«هیئت شعبه در تاریخ ۱۲ اسفند ۱۳۳۴ با حضور آقای انصاری دادیار دیوان کشور تشکیل و پس از قرائت گزارش آقای عقیلی و ملاحظه اوراق مربوطه و کسب عقیده آقای انصاری دادیار دیوان کشور از طرف جناب آقای دادستان کل برابر حکم فرجام خواسته بود و مشاوره چنان رأی می‌دهد «با ملاحظه جمیع جهات و نظر به اوضاع و احوال خصوصی مورد اعتراضات فرجامی مؤثر بنظر نرسید و حکم صادر ابرام می‌شود. اعضاء و هیئت حاکمه - مهر دیوان کشور» (نقل از روزنامه کیهان مورخ ۲۶ اسفندماه ۱۳۳۴).

چنانچه غیر از این است آن جناب بفرمائید چرا اصل ۷۸ متمم قانون اساسی را نقض کرده و در یک موضوع مهم و حیاتی مملکت سکوت اختیار نموده‌اند و موضوع قابل توجه این است که دیوان عالی کشور حتی یک حکم دادگاه نظامی را تاکنون ابرام ننموده و این اولین حکمی است که شعبه نهم از فرط ایمان به آزادی و استقلال مملکت آن هم برطبق «رویه غذائی» ابرام کرده و مورد تأیید آن جناب هم واقع شده است، احسنت!!

بر فرض اینکه اصل ۷۸ متمم در قانون اساسی نبود و وضع نشده بود وقتی یک دادگاه مستقل و مصون از هر تعرض روی یک قضیه حیاتی می‌خواست رأی بدهد. یعنی قانون اساسی را نقض کند و از ملت ایران سلب آزادی نماید و تمام فداکاریهای ملت را در عرض پنجاه سال اخیر از بین ببرد می‌بایست دلایل خود را در حکم ذکر نموده باشد تا نتوانند به هیچیک از اعضای آن کوچکترین نسبتی بدهند و یا آنها را در مظان تهمت بگذارند.

(۳) و اما اینکه فرموده‌اید دیوان تمیز در هیچ کشور با حضور متداعیین رسیدگی نمی‌کند و رویه این است که تمیز بدون حضور متداعیین رسیدگی کرده رأی صادر می‌نماید، باید عرض کنم که بیانات آن جناب مخالف یک اصل کلی و نص صریح اصل ۷۶ متمم قانون اساسی است که می‌گوید: «انعقاد کلیه محاکمات علنی است مگر اینکه علنی بودن آن مخل نظم یا منافی عصمت باشد که در این صورت لزوم اخفاء را محکمه اعلان می‌نماید». بنابراین هیچ دادگاهی از اولین ساعت تشکیل آن هم برای همیشه نمی‌تواند مخفیانه تشکیل شود و در اصل ۷۸ سابق‌الذکر نیز قید شده است که دادگاه باید حکم خود را علناً قرائت کند و قرائت علنی هم در جلسه‌ای که متداعیین حضور ندارند بيمورد است.

طبق اطلاعات این جانب در کشور سوئیس چنین رویه‌ای معمول نیست و تردید ندارم که در فرانسه که قوانین ما از قوانین آن کشور اقتباس شده و حتی در همه جا دادگاه علنی است. اکنون قریب دو سال است که کار این جانب در آن دیوان معلوم نشده. چندی هم روی همه. این جانب حاضرم که از دیوان کشور فرانسه و بلژیک اسنادی گرفته و ارائه دهم که در آنجا متداعیین به دیوان کشور احضار می‌شوند. خوب است آن جناب از اشخاص مطلع تحقیق فرمایند. چنانچه رفع اشتباه نشد مرقوم فرمایند که اسناد لازم را این جانب تهیه نمایم.

و اما اینکه فرموده‌اید برای ما نیز همین رویه مناسبت است و عدول از آن صحیح نبوده و نیست عرض می‌کنم چقدر جای خوشوقتی است که آن جناب از علوم قدیمه و جدیده هر دو بهره کافی دارید و می‌دانید که در فقه اسلامی هیچ مجتهدی جامع تمام شرایط هم نمی‌تواند در قبال یکی از مدارک ثلاثه یعنی قرآن و سنت و اجماع فتوایی بدهد و آنها را بی‌اثر کند.

در لایحه مورخ ۲۱ بهمن ۳۴ نیز باستحضار رسانیده‌ام که هرکجا وقتی دو قانون حکم خاصی دارند قانونی که در نفع متهم است اجرا می‌کنند و اکنون آن جناب حقی را که قانون به این جانب داده است نه بعنوان یک قانون بلکه بعنوان یک «رویه غذائی» می‌خواهید از این جانب سلب نمائید، چون که طبق ماده ۴۵۲ اصول محاکمات جزائی متداعیین باید برای رسیدگی احضار شوند این جانب احضار نشده‌ام و نیز طبق ماده ۴۵۱ متداعیین یا وکلای آنان باید قبل از صدور رأی عقیده خود را اظهار کنند سپس دادگاه رأی بدهد، این کار هم نشده و طبق ماده ۴۵۳ که این جانب حق اعتراض دارم اعتراض خود را داده‌ام.

از عرض این عرایض مقصود این نیست که این جانب از خود سلب افتخار کنم چونکه

محکومیت «روی اوضاع و احوال خصوصی» مظلومیت را ثابت نمود و برای من که در راه وطن عزیزم می‌خواهم کشته شوم، پلهٔ اول افتخار است. بلکه مقصود اجرای قانون و گفتن حقایق برای ضبط در تاریخ و در نفع ملت ایران است.

بطور خلاصه قانون در نفع اجتماع و افراد وضع می‌شود و مادام که نسخ نشده اجتماع یا فردی از افراد می‌تواند اجرای آن را بخواهد و هیچ دادگاهی هم باستناد «رویهٔ غذائی» هر قدر هم که مقوی و لذیذ باشد نمی‌تواند صاحبان حق را از آنچه قانون به آنها داده است محروم کند. تا قانون وجود دارد محترم است و هر وقت هم که با مقتضیات مطابقت نکند باید آن را نسخ نمود و یا اصلاح کرد.

دکتر محمد مصدق

۳۳۶

نامه دکتر مصدق به اخوی وزیر دادگستری

زندان لشکر ۲ زرهی مرکز - ۱۷ اردیبهشت ماه ۱۳۳۵

جناب آقای اخوی وزیر دادگستری

روزنامه «کیهان» شماره ۳۸۶۲ مورخ ۱۵ جاری راجع به اعلام جرم این جانب بر علیه آقایان مستشاران دیوان عالی کشور که برخلاف ماده ۴۵۱ و ۴۵۲ اصول محاکمات جزائی حق دفاع را در دادگاه از این جانب سلب کرده و حکم دادگاه تجدید نظر نظامی را ابرام نموده‌اند خبری زیر عنوان «دادگاه عالی انتظامی نیز اعتراض دکتر مصدق را رد کرد» در صفحه ۱۱ منتشر نموده که برای استحضار آن جناب عیناً نقل می‌شود:

«یک مقام قضائی در وزارت دادگستری به خبرنگار ما اظهار داشت در تعقیب اعتراضی که آقای دکتر مصدق چندی قبل برای شعبه ۹ دیوان کشور نمود اخیراً اعلام جرمی علیه قضات برای رئیس دیوان کشور و دادستان کل ارسال داشت. رئیس دیوان کشور اعلام جرم مزبور را برای رسیدگی به دادگاه عالی انتظامی قضات احاله کرد و دادگاه عالی انتظامی آن را وارد ندانست و رد کرد.»

این است که تمنا می‌کنم اگر خبر فوق مطابق با واقع نیست آن را تکذیب فرمایند والا متن کامل نامه مورخ ۲۰ اسفندماه ۳۴ این جانب در خصوص اعتراض به حکم غیابی و همچنین نامه مورخ ۲۰ فروردین ماه ۳۵ این جانب راجع به اعلام جرم بر علیه رأی‌دهندگان به حکم غیابی به جناب آقای هیئت رئیس دیوان عالی کشور که رونوشت آنها برای استحضار آن جناب ارسال شده یا متن کامل رأی دادگاه عالی انتظامی قضات مربوط به اینکه اعلام جرم وارد نیست در جرائد منتشر شود تا مردم همه بخوانند و قضاوت نمایند.

انتشار این اسناد نه مخالف امنیت کشور است نه مخالف رویه دادگستری، بلکه حفظ مقام و حیثیات دادگستری چنین ایجاب می‌کند که مثل همه جا شکایت محکوم و رأی دادگاه منتشر شود تا عامه مردم به بی‌غرضی و صحت اعمال دادگستری پی ببرند و بر معتقدات و ایمان خود به آن دستگاه بیفزایند.

امتناع از قبول درخواست یک مظلوم که عنقریب سه سال است در ازای خدمت به مملکت و در منافع سیاست بیگانه زندانی است آن هم از طرف یک وزیری که عضو دولت مبارزه با فساد است، در حکم اعلان ورشکستگی دادگستری است. اگر رأی دادگاه عالی انتظامی طبق قانون صادر شده چرا اعتراض این جانب را بحکم غیابی دادگاه و اعلام جرم این جانب را بر علیه رأی‌دهندگان، مردم نخوانند و ندانند و چنانچه طبق قانون صادر نشده چرا دولتی که یگانه ماده برنامه‌اش مبارزه با فساد است در صدد اصلاح دادگستری بر نیاید.

جناب آقای اخوی شما که مثل بعضی احتیاج به مقام و پول ندارید و از پدر خود مالی بارث برده و می‌توانید در تمام مدت عمر از این احتیاجات مستغنی باشید راضی نشوید دادگستری ایران که نتیجه نیم قرن مشروطیت ما و زحمات بعضی از رجال علاقمند به مملکت و خیرخواه است بیش از این حیثیات خود را از دست بدهد.

از عرض این مطالب نظر شخصی ندارم چون که افتخارم در این است در زندان بمانم و از زندان به قبرستان انتقالم دهند.

بیش از این مصدع نمی‌شوم و خوشوقتم از اینکه در شرایط فعلی هر کار می‌توان کرد جز اینکه تاریخ را نمی‌توان تحریف نمود و یا تغییر داد «عند الامتحان بکرم المرء اویهان».

دکتر محمد مصدق

۳۳۷

نامه دکتر مصدق به گلشائیان وزیر دادگستری

زندان لشکر ۲ زرهی مرکز - ۲۷ خردادماه ۱۳۳۵

جناب آقای گلشائیان وزیر دادگستری

(۱) با ارسال پرونده فرجام خود که قرائت آن ساعتی از اوقات آن جانب را خواهد گرفت لازم نیست از ابتدا شروع کنم این است که مطلب خود را از آنجا آغاز می‌کنم که روز پنجشنبه ۱۹ اسفندماه ۳۴ «رادیو طهران» رأی شعبه ۹ دیوان عالی کشور را مبنی بر ابرام حکم دادگاه تجدیدنظر نظامی و محکومیت اینجانب منتشر نمود و این جانب هم از نظر اینکه حکم را ابلاغ نکنند و انتشار در رادیو طهران را که یک مؤسسه دولتی است در حکم ابلاغ قرار داده و به این طریق حق اعتراض را ساقط نمایند اعتراض خود را به رأی دادگاه طبق آنچه در روزنامه‌ها منتشر

شده بود تنظیم و ۲۱ اسفند یعنی سه روز بعد از انتشار این خبر تسلیم دادستانی آرتش نمودم که مدتی در حدود یک ماه گذشت و خبری از آن نشد.

سپس دادنامه را که تاریخ صدور آن ۲۲ اسفند است دیوان کشور بوسیله دادستانی آرتش به این جانب ابلاغ کرد که رونوشت نامه شماره ۳۴۰۵ د مورخ ۲۲ فروردین ۳۵ دادستانی آرتش جزو پرونده است و این خود می‌رساند که جریان کار این محاکمه در آن دیوان از صورت عادی خارج بوده است. اگر دادنامه محتاج با ابلاغ نبود چه پیش آمد که ابلاغ شد و چنانچه می‌بایست ابلاغ شود چرا این کار به وقت نشد و یک ماه بعد انجام گرفت.

(۲) از سرنوشت اعتراض خود بحکم غیابی نیز بوسیله یک مقام مطلع و مجهولی مستحضر شدم که روزنامه «اطلاعات» در شماره ۸۹۷۰ مورخ ۱۹ فروردین ماه ۳۵ زیر عنوان نامه اعتراضیه دکتر مصدق بایگانی شد نگاشت «یک مقام مطلع در دیوان عالی کشور امروز به خبرنگار ما اظهار داشت نامه اعتراضیه‌ای که چندی قبل دکتر مصدق بعنوان آقای هیئت رئیس دیوان عالی کشور ارسال داشته بود بواسطه وارد نبودن اعتراض در دفتر دیوان کشور بایگانی گردید».

چون نتوانستم تحمل این رویه خلاف قانون را بکنم آن هم از ناحیه یک مقامی که خود ناظر اجرای قانون و حافظ قانون است اعلام جرمی بر علیه قضات رأی‌دهنده تنظیم کردم و آن را ۲۰ فروردین ماه ۳۵ تسلیم دادستانی آرتش نمودم که باز آن شخص مطلع و مجهول نخواست مستقیماً اظهاری بکند و رد آن را بوسیله روزنامه «کیهان» شماره ۳۸۶۲ مورخ ۱۵ اردیبهشت ماه ۳۵ زیر عنوان «دادگاه عالی انتظامی نیز اعتراض دکتر مصدق را رد کرد» به این جانب اعلام نمود که ناچار شدم از جناب آقای اخوی وزیر دادگستری طی نامه مورخ ۱۷ اردیبهشت ۳۵ تقاضا کنم موضوع را مورد توجه قرار بدهند. چنانچه از دادگاه عالی انتظامی قضات رأی بر رد آن صادر شده باشد مانع نشوند که متن کامل آن و همچنین متن کامل اعتراض به حکم غیابی و اعلام جرم این جانب در جرائد منتشر گردد تا عامه بداند مدار کار در دادگستری از چه قرار است و الا خبر روزنامه کیهان را تکذیب نمایند که به این نامه جوابی نرسید و مدتی نگذشت که در بعضی از جراید منتشر شد وزیر از جریان کار دادگستری ناراضی است و می‌خواهد از کار کنار برود. سپس روزنامه «اطلاعات» در شماره ۹۰۱۱ مورخ جمعه ۱۱ خرداد نوشت «بقرار اطلاع آقای اخوی تاکنون چندین بار اظهار تمایل به کناره‌گیری نموده و حتی استعفای خود را نیز تقدیم داشته است ولی از ایشان تقاضا شد که تا استعفای کابینه و تشکیل دولت جدید وزارت دادگستری را تصدی نماید».

(۳) خلاصه اینکه سلف آن جناب یا نخواست مثل بعضی دادگستری ایران را بدنام و رسوا کند و یا نتوانست. یعنی قضات دادگاه عالی انتظامی از استقلال و مصونیت خود استفاده کرده شخصیت خود را حفظ نمودند و الحق هم چه کار صحیحی کرده‌اند، چونکه این استقلال و مصونیت برای یک چنین روزهایی بقضات داده شده است و یا هر دو، یعنی هم قضات مردان

شرافتمندی هستند که نخواستند زیر بار نفوذ اجنبی بروند هم وزیر نخواست برای چند روز تصدی وزارت حکمی از یک دادگاه مهم دادگستری برخلاف قانون و مصالح مملکت صادر شود و مثل بعضی از آن دفاع کند و خود را بدنام نماید.

مگر من در دادگاه چه می‌گفتم که بیاناتم تا این حد ایجاد وحشت کرده است و در اینجا این سؤال پیش می‌آید که ایجاد چنین وضعیتی در مصالح ایران است یا در منافع بیگانگان؟

(۴) اکنون نوبت آن جناب است که به این کار خاتمه دهید و این جانب هم چیزی غیر از آنچه از سلف شما خواسته‌ام تقاضا ندارم و یک بیگناهی هم که عنقریب سه سال است بدستور سیاست خارجی و بر علیه مصالح مملکت در حبس مجرد بسر می‌برد باید بتواند از یک هموطن خود و یک وزیر ایرانی دادگستری یک تقاضای ناچیزی را بکند که این است:

اگر خبر روزنامه کیهان صحیح است و دادگاه عالی انتظامی قضات قبل از ۱۵ اردیبهشت ۳۵ اعلام جرم را وارد ندانسته و آن را رد کرده است برای اینکه دیگر مزاحم کسی نشوم و از این دستگاه بکلی مأیوس شوم متن آن را به این جانب ابلاغ کنند و اجازه فرمائید طبق معمول تمام دادگستریهای ممالک مترقی در این مملکت مشروطه هم مانع نشوند و بگذارند جرائد متن رأی دادگاه و متن اعتراض و اعلام جرم این جانب را منتشر کنند تا مردم آنها را بخوانند و بر ایمان خود نسبت به این دستگاه بیفزایند.

والا این کار خلاف قانون و خلاف مصالح مملکت هر قدر بیشتر تقویت بشود و حکمی که برخلاف نص صریح اصل ۷۶ متمم قانون اساسی و ماده ۱۵۰ قانون مجازات عمومی روی «اوضاع و احوال خصوصی» صادر شده باقی بماند گذشته از اینکه بقوه قضائیه مملکت لطمه وارد می‌کند برای ملت ایران هم در مجامع بین‌المللی حیثیتی باقی نمی‌گذارد.

بنابراین حفظ استقلال قوه قضائی و حیثیت ملت ایران چنین ایجاب می‌کند که طبق قانون این جانب احضار شوم و پس از دفاع از خود دادگاه هر طور خواست رأی خود را بدهد و اشتباه نکند اگر ملتی حیثیت خود را از دست بدهد وزیر مملکت هم ارزش و حیثیتی نخواهد داشت. البته تصور نخواهید فرمود که این تقاضا صرفاً از نظر شخص خود این جانب است. چونکه سه سال مدت حبس خود را تحمل کرده‌ام و از محکومیت در این دادگاه هم که در نتیجه خدمت به مملکت نصیب شده است افتخار بزرگی تحصیل نموده‌ام که هرگز نمی‌خواهم آن را از دست بدهم و بعد هم هر چه بسرم بیاید روی همین اصل است و با کمال خوشوقتی آن را قبول می‌کنم، بلکه از نظر اجرای قانون و مصالح کشور است. حال آن جناب با این نظریه چقدر موافق باشید مطلبی است که بعد روشن می‌شود و تاریخ قضاوت خواهد کرد.

دکتر محمد مصدق

به پیوست ۳۳ برگ پرونده فرجامی

۳۳۸

نامه دکتر مصدق به رضا تجدد سرپرست دیوان عالی کشور

زندان لشکر ۲ زرهی مرکز - ۲۷ خردادماه ۱۳۳۵

جناب آقای رضا تجدد سرپرست دیوان عالی کشور

از این نظر که تمام مکاتبات این جانب به بایگانی آن دیوان وارد نشده پرونده فرجامی خود را بالتمام تقدیم می‌کنم و با ارسال آن زائد است جریان فرجام خود را شرح دهم. امیدوارم ساعتی از اوقات خود را صرف مطالعه آن بفرمایند و از جریان کار این جانب در آن دیوان مستحضر گردند و توجه فرمایند لکه ننگی را که به دادگستری ایران وارد کرده‌اند در نتیجه اجرای قانون پاک شود.

دکتر محمد مصدق

به پیوست ۳۸ برگ پرونده فرجامی

۳۳۹

نامه دکتر مصدق به دیوان عالی کشور

زندان لشکر ۲ زرهی مرکز - ۵ تیرماه ۱۳۳۵

دیوان عالی کشور

رونوشت تصمیم دادگاه عالی انتظامی توسط دادستانی ارتش عز وصول ارزانی بخشید. علت عدم تقدیم شکایت به دادگاه عالی انتظامی نبودن قانون در دسترس و مخصوصاً بی‌اطلاعی این جانب از تصویب لایحه قانونی مصوب ۱۴ اسفندماه ۱۳۳۳ بوده که از ۲۰ فروردین ۳۵ که لایحه خود را بعنوان جناب آقای هیئت فرستاده‌ام هیچ اطلاعی به این جانب نرسید مگر همان خبری که روزنامه «کیهان» در شماره ۳۸۶۲ مورخ ۱۵ اردیبهشت ۳۵ از طرف آن شخص مطلع و مجهول منتشر نمود و این جانب تاکنون در زندان بلاتکلیف بسر برده‌ام.

اکنون طبق ماده ۱۸۶ قانون دادرسی و کیفر ارتش: «وکیل متهم از ابتدای جریان دادرسی می‌تواند با آزادی با او ملاقات و مذاکره نماید» درخواست می‌کنم که بیش از این از حقی که قانون به هر متهمی داده است محروم نشوم و از ملاقات با وکلای خود ممانعت نکنند تا برطبق مقررات قانونی در احقاق حق خود عمل کنم.

دکتر محمد مصدق

۳۴۰

نامه دکتر مصدق به دیوان عالی کشور

زندان لشکر ۲ زرهی مرکز - ۶ تیرماه ۱۳۳۵

دیوان عالی کشور

در تعقیب نامه روز قبل این جانب بیش از سه جلسه که فاصله هریک از آنها را با هم خود این جانب تعیین کند به ملاقات وکلای خود احتیاج ندارد، چنانچه بعد لزوم پیدا کرد درخواست اجازه خواهد نمود.

دکتر محمد مصدق

۳۴۱

نامه دکتر مصدق به سرلشکر آزموده دادستان ارتش

زندان لشکر ۲ زرهی مرکز - ۱۹ تیرماه ۱۳۳۵

تیمسار سرلشکر آزموده دادستان ارتش

۲۸ خرداد گذشته نامه‌ای بعنوان جناب آقای گلشائیان وزیر دادگستری به دادستانی فرستاده‌ام که رسید آن نزد این جانب ضبط است. نظر به اینکه جناب آقای وزیر دادگستری در جواب خبرنگار کیهان بیاناتی فرموده‌اند که از صفحه ۱۳ جریده مزبور شماره ۳۹۱۵ مورخ ۱۷ تیرماه عیناً نقل می‌شود:

«ضمناً خبرنگار ما امروز از آقای گلشائیان سؤال کرده آیا راست است که آقای دکتر مصدق نامه‌ای برای شما ارسال داشته و در مورد وضع پرونده خود مطالبی نوشته - وزیر دادگستری گفت این شایعه صحیح نیست و من چنین نامه‌ای دریافت نکرده‌ام.»

این است که تمنا می‌کنم اگر نامه ارسال نشده آن را اعاده فرمائید که دیگر زحمت تحریر به خود ندهم و با هرچه بر من می‌گذرد بسازم و چنانچه ارسال شده مرقوم فرمائید که آن را برای جناب آقای وزیر دادگستری نفرستم و مطالبه جواب نمایم.

دکتر محمد مصدق

پیوست: رونوشت نامه این جانب به جناب آقای گلشائیان برای ضبط در پرونده آن دادستانی

۳۴۲

نامه دکتر مصدق به سرلشکر آزموده دادستان ارتش

زندان لشکر ۲ زرهی مرکز - ۲۱ تیرماه ۱۳۳۵

تیمسار سرلشکر آزموده دادستان ارتش

نامه شماره ۱۳۹۰۲ پانزدهم تیرماه ۳۵ جناب آقای گلشائیان وزیر دادگستری و نامه شماره

۱۳۸۳۴ دوازدهم تیرماه ۳۵ جناب آقای رضا تجدد قائم مقام رئیس دیوان عالی کشور قبل از ظهر ۳۰ تیرماه به این جانب رسید و معلوم نیست چه چیز سبب شده که اولی ۱۰ روز و دومی ۱۷ روز در دادستانی آرتش بماند.

جناب آقای وزیر دادگستری نوشته‌اند که در حدود قانون مطالب خود را به مراجع مربوطه اظهار کنم و جناب آقای تجدد هم اشاره به نامه‌ای نموده‌اند که آن را به ضمیمه رونوشت دادگاه عالی انتظامی دیوان کشور تحت شماره ۵۰۷۶ پانزدهم اردیبهشت ۳۵ به دادستانی آرتش فرستاده است. ولی آن دادستانی فقط همان رونوشت را بعد از پنجاه روز فاصله یعنی در ۲ تیرماه ۳۵ طی شماره ۳۴۴۲ د برای این جانب ارسال نموده و مزیتی را که آرتش شاهنشاهی نسبت به سایر تشکیلات مملکتی دارد در مورد این جانب از دست داده است. چونکه نامه‌ای نیست که در هیچ یک از ادارات آرثشی ظرف چهل و هشت ساعت در آن اقدامی نشود و بلا تکلیف بماند.

از عرض این مطالب که تأسف آور است خجالت می‌کشم و نظر به اینکه جناب آقای تجدد در نامه فوق اشعار نموده‌اند «به دادستانی آرتش طی شماره ۱۳۸۲۱ دوازدهم تیرماه ۳۵ اعلام گردید که از لحاظ قضائی هیچ مانعی برای ملاقات این جانب با وکلاء و همچنین اشخاص دیگر موجود نیست» ولی اکنون هجده روز است که این نامه در آن دادستانی بلا اقدام مانده است.

و همچنین ماده ۱۸۶ قانون دادرسی و کیفر آرتش که باستناد همین قانون، تیمسار، این جانب را تحت اقتدار و تسلط خود قرار داده‌اید مصرح است که «وکیل مدافع متهم از ابتدای جریان دادرسی می‌تواند با آزادی با او ملاقات و مذاکره نماید...»

و نیز ماده ۴۶۷ اصول محاکمات جزائی که به این جانب حق درخواست تجدیدنظر داده است که در موقع خواهم نمود، دیگر معلوم نیست که دادستانی آرتش روی چه نظر آنهم باستناد یک حکم قلابی که روی اوضاع و احوال خصوصی صادر شده و کمتر کسی است در دادگستری که از جریان کار این دادگاه و مسافرت بعضی به خارج مطلع نباشد کار این جانب را در دادگستری خاتمه یافته تلقی نموده و مانع ملاقات وکلاء با این جانب شده‌اید و حتی از ارسال نامه این جانب هم برای یکی از وکلای خود جلوگیری فرموده و در نامه شماره ۳۴۱۱ د مورخ ۲۵ فروردین ۳۵ به این جانب مرقوم فرموده‌اید:

«رسیدگی به پرونده شما در دیوان کشور خاتمه یافته است و دیگر آقای شهیدزاده سمتی ندارند تا رونوشت نامه‌ای که قبلاً جهت جناب آقای هیئت رئیس دیوان عالی کشور ارسال داشته‌اید و عنوان آن «اعلام جرم راجع به نقض اصل ۷۸ متمم قانون اساسی و ماده ۴۵۱ و ۴۵۲ اصول محاکمات جزائی» می‌باشد جهت آقای شهیدزاده فرستاده شود.»

دکتر محمد مصدق

۳۴۳

جواب دکتر مصدق به نامه سرلشکر آزموده دادستان ارتش

زندان لشکر ۲ زرهی مرکز - ۷ مردادماه ۱۳۳۵

تیمسار سرلشکر آزموده دادستان ارتش

وصول نامه شماره ۳۴۳۶ سوم مرداد ۱۳۳۵ آن دادستانی سبب شد به اشتباهی که در تاریخ یکی از نامه‌ها شده بود پی ببرم و از شما هم که در بسیاری از موارد اشتباه نموده‌اید رفع اشتباه کنم.

(۱) در نامه مورخ ۳۱ تیرماه خود از تأخیر ارسال چند مراسله شکایت کرده بودم. از جمله نامه جناب آقای گلشائیان وزیر دادگستری که این جانب تاریخ آن را سهواً ۱۵ تیر نوشته‌ام که چون توضیح داده‌اید تاریخ آن ۱۹ تیر بوده و روز ۲۰ تیر به لشکر ۲ زرهی مرکز ارسال شده دیگر هیچ عرض نمی‌کنم.

ولی نسبت به نامه جناب آقای رضا تجدد قائم مقام ریاست دیوان عالی کشور که تاریخ آن ۱۲ تیر بوده و در سی‌ام تیر به این جانب رسیده و همچنین نامه شماره ۵۰۷۶ پانزدهم اردیبهشت ۳۵ دیوان عالی کشور بعنوان این جانب که آن را به دیوان مزبور فرستاده‌اند و رونوشت تصمیم دادگاه عالی انتظامی را که ضمیمه آن بوده نگاهداشته و پس از پنجاه روز تأخیر برای این جانب ارسال داشته‌اند نخواستید توضیحاتی بدهید که موجبات این تأخیر و تجاوز به حق یک زندانی بی‌تقصیر چه بوده است.

(۲) راجع برای شعبه ۹ دیوان عالی کشور عرض می‌کنم اشخاص در هر مقام خصوصاً قضات که جز اجرای قانون وظیفه‌ای ندارند تا زمانی مورد احترام جامعه هستند که به قانون احترام کنند و حق هیچ فردی از افراد را تضییع ننمایند.

طبق ماده ۴۵۳ اصول محاکمات جزائی راجع به مقررات فرجامی «متداعیین برای رسیدگی در دیوان تمیز احضار می‌شوند، ولی اگر بدون عذر موجه حاضر نشدند رسیدگی و صدور حکم به تأخیر نمی‌افتد.»

و برحسب ماده ۴۵۱ «متداعیین یا وکلای آنان به اجازه رئیس شعبه مطالب خود را اظهار می‌دارند و مدعی العموم اخیراً عقیده خود را اظهار می‌دارد.»

که با نصوصی بدین صراحت این جانب را برای دفاع از حق خود و گفتن حقایق در منافع و مصالح مملکت احضار نمودند و با دستور صریحی که قانون اساسی در اصل ۷۸ متمم داده است که عیناً نقل می‌شود:

«احکام صادره از محاکم باید مدلل و موجه و محتوی فصول قانونیه که برطبق آنها حکم صادر شده است بوده و علناً قرائت شود» رائی بدین طریق صادر کرده‌اند:

«با ملاحظهٔ جمیع جهات و نظر به اوضاع و احوال خصوص مورد اعتراضات فرجامی مؤثر بنظر نرسید و حکم صادر ابرام می‌شود» که از حیث انشاء نه سلیس است نه رسا و از حیث معنا مخالف دستور اصل مزبور صادر شده است که چون جهتی داشته که قضات از حدود قانون منحرف شوند و رایی بدین سخافت و ابتذال صادر نمایند، هرکس آن را بخواند در قلابی بودن آن تردید نمی‌کند و چنانچه بخواهند برای این واژه مصداقی پیدا کنند از این رأی بهتر نمی‌توان مصداقی پیدا کرد. تعجب اینجاست که شما این عمل را ذاتاً بد نمی‌دانید ولی حرف آن را بد می‌دانید و آن را جزو لاطایلات می‌شمارید.

(۳) نظر به اینکه نگاشته‌اید طبق رأی مورخ ۲۲ اردیبهشت ۳۳ دادگاه تجدیدنظر و دادنامهٔ شماره ۳۷۰۶ بیست و دوم اسفند ۳۴ شعبهٔ نهم دیوان عالی کشور محکومیت این جانب قطعی است و باید متوجه باشم که دیگر متهم نیستم بلکه به حکم قانون مجرم شناخته شده‌ام و این مجرمیت در سجل قضائی این جانب و تاریخ کشور به حکم قانون ثبت و ضبط گردیده است.

عرض می‌کنم چقدر روحیه و افکار اشخاص با هم یکی نیست و تفاوت دارد. من متأسفم که چرا دادگاه از این نظر که مادهٔ ۴۶ قانون مجازات عمومی اعدام مردانی متجاوز از شصت سال را اجازه نداده است با نظر شما راجع به اعدام من موافقت ننمود و شما اکنون این مجرمیت را که باز یک افتخاری است نصیبم شده و کمتر نصیب کسی می‌شود به رخ می‌کشید و برای من تنزل مقام می‌دانید.

من از آن رأی دادگاه فقط آن قسمتی را قبول می‌کنم که عنوان «جنابی» را از من سلب کرده است، چونکه همیشه از این عنوان پوچ و توخالی متنفر بوده‌ام.

اگر این رأی قلابی را یک مورخی ضمن وقایع روز ثبت کند مبارزهٔ ملت ایران را با سیاست خارجی در مراجع بین‌المللی و در خود مملکت با اعمال اجنبی جزو مفاخر تاریخی ملت می‌شمارند و هیچوقت از صفحات تاریخ این مملکت محو نمی‌شود.

بدبختانه کار مملکت به جایی رسیده است که یک دادستان آرتش می‌تواند قانون را لگدمال کند و یک زندانی بی‌تقصیر که حق دارد از خود دفاع کند با دستور صریحی که دیوان کشور طی شمارهٔ ۱۳۸۲۱ دوازدهم تیرماه ۳۵ به آن دادستانی داده است: «که از لحاظ قضائی مانعی برای ملاقات و کلاء و اشخاص دیگر موجود نیست» نتواند وکلای خود را ببیند و طبق لایحهٔ قانونی ۱۴ اسفندماه ۳۳ شکایت خود را به دادگاه عالی انتظامی و همچنین بموجب مادهٔ ۴۶۸ اصول محاکمات جزائی درخواست تجدیدنظر خود را به دیوان عالی کشور تقدیم نماید و آنقدر خسته و ناتوان شود که از روی اجبار انتحار نماید و موضوع قهراً خاتمه یابد.

دکتر محمد مصدق

۳۴۳

نامه دکتر مصدق به شیخ باقر نهاوندی

احمدآباد - ۲۱ اسفندماه ۱۳۳۵

خدمت جناب حجة الاسلام آقای آقا شیخ باقر واعظ نهاوندی ادام الله تعالی کتاب «بیان السعاده» متعلق به این جانب که در روز ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ از خانه‌ام به غارت رفته و آقای محمد حسین اسدی صاحب کتابخانه اسدی در میدان بهارستان آن را ابتیاع فرموده و توسط آن جناب به این جانب اهداء فرموده‌اند رسید و موجب نهایت امتنان گردید با عرض تشکر از این لطفی که فرموده‌اند اجازه می‌خواهم آن را خدمتتان تقدیم کنم که به رسم یادگار از این جانب حفظ فرمایند و از قبول آن بر بنده منت گذارند.

[امضاء] دکتر محمد مصدق

۳۴۵

کارت تبریک دکتر مصدق به مهندس جهانگیر حق شناس

برای عرض تشکر از الطاف مبذوله و تقدیم تبریکات سال جدید خواهانم که این سال بحضرتعالی مبارک و میمون باشد و سالهای بسیار درک این اعیاد را در نهایت صحت و سلامت بفرمایند.

دکتر محمد مصدق

احمدآباد - ۲ فروردین ماه ۱۳۳۶

تهران خیابان تیر

خدمت جناب آقای جهانگیر حق شناس مشرف آید.

۳۴۶

جواب دکتر مصدق به نامه مهندس جهانگیر حق شناس

احمدآباد - ۵ فروردین ماه ۱۳۳۷

قربانت شوم [!] از مژده‌ی صحت و سلامت حضرتعالی و تبریکاتی که برای این سال به بنده اهداء فرموده‌اید بسیار خوشوقت و متشکرم و خواهانم بجنابعالی هم مبارک باشد و سالهای بسیار در نهایت صحت و سلامت بسر برید و درک این اعیاد را بفرمائید حال بنده هم بد نیست بامور فلاحی خود را مشغول و در خاتمه ارادت خود را تجدید می‌نمایم.

دکتر محمد مصدق

فوری

خدمت جناب آقای جهانگیر حق شناس ادام الله بقائه.

۳۴۷

نامه دکتر مصدق به آقای علی مراد فراشبندی

احمدآباد - ۲۰ فروردین ماه ۱۳۳۷

عرض می‌شود کتاب «نظری به گذشته ایران» تألیف شریف جنابعالی رسید و موجب نهایت امتنان و تشکر گردید [۰]. امیدوارم که بفرصت از آن استفاده کنم و هموطنان عزیز آن را دستور اعمال سیاسی خود قرار دهند [۰]. بیش از این مصدع نمی‌شوم و تیریکات خود را برای این سال تقدیم [۰]، موفقیت و سلامت جنابعالی را خواهانم [۰].

[امضاء] دکتر محمد مصدق

[رقم ظهر پاکت]

شیراز

جناب آقای علیمراد فراشبندی مدیر محترم روزنامه سابق «خامه‌ی ملت»

دکتر محمد مصدق - خیابان کاخ - تهران

[رقم روی پاکت]

حضرت آقای علیمراد فراشبندی ملاحظه فرمایند.

۳۴۸

دستخط دکتر مصدق به مهندس احمد مصدق

روز ۲۹ فروردین ماه ۱۳۳۷ در احمدآباد با آقای مهندس احمد مصدق قرار شد خانه‌هایی که این جانب به او داده‌ام و منافع آن مادام‌العمر به این جانب و دو سال بعد از من هم تعلق بخدیجه مصدق دارد به قیمت مناسب و با موافقت این جانب بفروشد [و] پس از فروش یکصد و چهل هزار تومان به این جانب بدهد. توضیح اینکه مبلغ مزبور از پول فروش زمین‌های ملکی این جانب صرف مخارج تعمیرات و بنائی آنجا شده و نیز مبلغ یکصد و ده هزار تومان هم که می‌گوید خرج تعمیرات خانه شده از قیمت خانه‌ها بردارد و بقیه را با موافقت این جانب خانه یا مستغلی خریداری کند که مادام‌العمر منافع آن تعلق به این جانب و دو سال بعد از این جانب به مصرف مخارج خدیجه برسد.

[امضاء] دکتر محمد مصدق

۳۴۹

یادداشت دکتر مصدق

مخفی نماناد که دو طغرا چک بشماره $\frac{۵۸۴۲۷۷}{۲۷}$ و بشماره $\frac{۵۸۴۲۷۸}{۲۷}$ که این جانب دهم بهمن ماه ۳۷

به اسم آقای مهندس احمد مصدق بعهده بانک بازرگانی صادر کرده‌ام و هرکدام به مبلغ شصت هزار ریال بود از بابت وجهی است که در تاریخ ۱۳ و ۲۰ دی‌ماه ۱۳۳۶ آقای مهندس احمد مصدق به این‌جانب قرض داده بود.

۱۲ اردیبهشت‌ماه ۱۳۳۷

[امضاء] دکتر محمد مصدق

۳۵۰

نامه دکتر مصدق به دکتر محمود مصدق

احمدآباد - ۲ تیرماه ۱۳۳۷

قربان محمود عزیزم [!]: شنیدم به مرض آپندیسیت مبتلا شده‌ای و شیرین بجای اینکه کسب تکلیف از تهران بکند تو را به بیمارستان برده و بعد از خاتمه کار به تهران اطلاع داده است که این خبر مرا از دو جهت بسیار خوشحال نمود. اول اینکه عمل بخوبی انجام شده و مرض بکلی مرتفع شده است. دیگر اینکه قسمت این بود زنی نصیب شود که در این سن و سال بقدر یک خانم عاقل و هفتاد سال تجربه دارد و بدون سروصدا و ایجاد قیل و قال وظیفه خود را خوب انجام نمود و بعد از اینکه کار خاتمه یافت از سلامت همه را مطلع و مستحضر نمود، الحق که کاری بسیار خوب کرده و قدر چنین خانمی را همه باید بدانند و می‌دانند. از طرف من شیرین عزیزم را ببوس. خواهانم که شما هردو سالهای بسیار سلامت بسر ببرید و هیچ وقت دچار هیچ مرض نشوید از حال من بخواهید سلامت من هم دچار همین مرض شدم که بسیار سخت و بد گذشت. در اوایل جنگ اول جهانی این مرض در ایران شیوع نداشت و یک نفر هم نبود که آن را زود تشخیص بدهد و عمل کند مدت یک سال کسی مرضم را نشناخت سپس برای عمل عازم اروپا شدم که چون بواسطه حمل قشون راه آهن سیبری - باکو - اروپا مسافر قبول نمی‌کرد در بادکوبه عمل کردند که بخیر گذشت و از قفقاز به ایران مراجعت کردم.

تربانت پایا

۳۵۱

نامه دکتر مصدق به ابوالحسن دیبا

احمدآباد - ۲۴ مهرماه ۱۳۳۷

جناب آقای ابوالحسن دیبا

قربان برادر عزیزم

نامه مورخ ۲۲ جاری رسید و اینکه نوشته‌اید وقفنامه جناب آقای حسن شمشیری مخالف روح وقفنامه بانی بیمارستان یعنی مادر ماست موجب تعجب گردید شرح واقعه این است ایامی

که در زندان بودم آقایان محترم طبائی که در بیمارستان کار می‌کنند از کمی اتاق و اینکه ناچارند یک عده از مرضای خود را به محل دیگر روانه کنند شکایت می‌کردند و این کار سبب شد که درصدد استقراض برآیم و چند اتاقی که مورد احتیاج بیمارستان بود بسازم. در آن روزگار هیچ‌کس حاضر نبود جواب سلام مرا بدهد، جناب آقای شمشیری حاضر شدند مبلغ پانصد هزار تومان بلاعوض به من بدهند که چون قبول وجه بلاعوض سبب می‌شد که تصور کنند آن برای یک کار تبلیغاتی به من می‌دهند سندی بمبلغ یکصد و پنجاه هزار تومان بفرستم که بدون سود مبلغ مزبور را پردازم و بلافاصله هم شروع بکارهای مقدماتی کردم تا اینکه هیچ‌گونه سوءظنی از این بابت حاصل نشود.

پس از شروع بکار تصمیم گرفتند که خودشان بنائی با اسلوب جدید بسازند که من موافقت کردم و این کار سبب شد که وقفنامه تنظیم شود و تولیت بنای جدید را به من و بعد از من به اولادم محول نمایند و من از طرف خود و اولادم متعهد شدم که این کار را بلاعوض انجام دهم و انجام یک وظیفه بلاعوض کاری نیست که موجب اختلاف بین شما و اولاد من بشود و چیزی در بین نیست که دعوا درگیرد [.]

آیا چنین تصور می‌کنید که واقف بیمارستان آنقدر حسود و بخیل بوده که نمی‌خواست که غیر از خودش بنایی بسازد یا آنقدر با اولاد خود علاقه داشت که می‌خواست غیر از آنها کسی در این بیمارستان رفت و آمد نکنند و این مؤسسه بهمان حال بماند تا خراب شود و یا اینکه قانون اجازه نمی‌دهد اگر کسی بنایی را ساخت و وقف نمود اشخاص مورد اعتماد خود را متولی موقوفه قرار دهد [؟]

و اما اینکه نوشته‌اید اگر مخارج بنای جدید از ۱۵۰ هزار تومان تجاوز نکند حاضرید آن را تمام کنید، خوب است توضیح دهید که این مبلغ را بلاعوض خرج می‌کنید یا وجهی قرض می‌دهید و بعد آن را باضافه سود از عوائد بنای جدید برمی‌دارید. در شق اول من حاضریم اگر مخارج اتمام بنای جدید از ۱۵۰ هزار تومان تجاوز نمود، تمام عوائد املاک موقوفه را در اختیار شما بگذارم، یعنی هیچ برداشتی از این عوائد برای مصارف دیگر نکنم تا شما بتوانید مازاد ۱۵۰ هزار تومان را استهلاک کنید، ولی چنانچه مقصود این است وجهی قرض بدهید و بعد آن را با سود از عوائد بنای جدید بردارید خوب است دیگر از این بابت اظهاری نکنید، چونکه سبب خواهد شد آقای شمشیری از کرده خود پشیمان شوند، وقتی که شما نخواهید در بیمارستان مادر خودتان ۱۵۰ هزار تومان خرج کنید، ایشان نمی‌بایست یک ملیون تومان خرج کرده باشند [.]

راجع بمعامله آسانسور بطوریکه سابقاً نوشته‌ام از این معامله هیچ اطلاع نداشتم و شما هم می‌دانستید که خریدار آقای شمشیریست و آن را برای بنای جدید معامله نموده است، بنابراین هرطور که قانون اجازه می‌دهد حتی اینکه آن را از بیمارستان خارج کنید و با هر کس که خریدار است معامله نمائید من اعتراضی ندارم.

در خاتمه باز مطالبی را که چند روز قبل در احمدآباد مذاکره شد تکرار می‌کنم [:] نظر مادر ما این است که بیمارستان خوب اداره شود و عده‌ای ناتوان از آن استفاده نمایند، چنانچه شما بهتر از این که می‌شود می‌توانید اداره نمائید من که از این کار استفاده نمی‌برم و بیش از حق التولیه قانونی خرج این مؤسسه می‌کنم، چرا از خود رفع زحمت نکنم و شما را از کاری که می‌توانید عهده‌دار شوید محروم کنم. اکنون بسته به نظر شماست که چنانچه می‌توانید از این بهتر اداره کنید و بنائی جدید در مکانی که خالی است بسازید تا رفع احتیاج از بنای جدیدالاحداث بشود، چه از این بهتر که این کار را بکنید و هر وقت به من اطلاع دهید بلافاصله از کار بیمارستان و موقوفات آن خلع ید می‌نمایم.

دکتر محمد مصدق

۳۵۲

نامه دکتر مصدق به مهندس احمد مصدق

احمدآباد - ۲۳ دیماه [۱۳۳۷]

قربان احمد عزیزم

نوشته راجع بخدوج^{***} رسید. یک حرف منصوره^{***} صحیح بود که گفت اگر اولاد شما طرف اعتماد هستند برای خدوج نباید نگران باشید، چنانچه هستید هر نوشته‌ای هم که بدهند به آن ترتیب اثر نخواهد داد. اکنون که این نوشته را همه امضا کرده‌اید و یقین دارم که در حق خدیجه از هر چه برآید مضایقه نمی‌کنید، خاطر من بکلی راحت شده، خداوند شما را نگهدارد که بعد از من خواهر خود را راحت نمائید. نوشته را می‌فرستم که چهار عکس هم از آن بردارید که اصل آن جزو کاغذهای خود من باشد و عکسها نزد شما چهار نفر بماند که بدانید چنین تعهدی در حال حیات من کرده‌اید.

۳۵۳

نامه دکتر مصدق به مهندس احمد مصدق

شما به آقای شرافتیان^{***} بگوئید هیچ انتظار نبود که شما با من یک چنین رفتار ناشایسته‌ای بکنید، هر کار اندازه دارد، آقای خاضعی هم دو قلم در حسابش نوشته بود که وقتی دانست نمی‌تواند آن را بقبولاند پول را به بانک داد و رسید بانک را برای من فرستاد.

^{***} منظور خدیجه مصدق است.

^{***} شرافتیان ظاهراً پیشکار دکتر مصدق بوده است.

^{***} منظور از منصوره، دختر دیگر دکتر مصدق است.

بعد از خروج از زندان، شما گفتید حساب قبل از ۲۸ مرداد تصفیه شده تلقی شده تلقی شود، من قبول کردم و گفتم فرض می‌کنم وجهی در خانه خودم بود و به غارت رفت. بعد راجع به حساب بانکی خانم در حدود ۱۴ هزار تومان از بین برده بودید که اعتراض کردم و شما قبول کردید و نیز اقلام بسیاری که در حساب خودم بود اعتراض کردم و شما نتوانستید رد کنید، البته این اقلام چیزهایی بود که من توانستم کشف کنم والا حساب شما چه مربوط به شخص خود من و چه مربوط به موقوفه، این اقلام زیاد است. از حساب موقوفه بالاترین اقلام صادر شد؟ یک سال ۱۳۳۷ می‌باشد که با زمان تصدی شما در حدود ۴۰ چهل هزار تومان تفاوت داشت. وقتی که شما متصدی بودید از مستغلات مبلغی برای خرید برنج و روغن کمک به بیمارستان می‌شد، ولی در ۱۳۳۷ عوائد خود بیمارستان بعد از وضع تمام مخارج ۲۵ هزار تومان بر مخارج فزونی داشت.

آقای روحانی را شما آورده‌اید و عملاً هم بیمارستان تحت نفوذ شما می‌گشت و آقای روحانی یک آلتی بیش نبود و چند مرتبه هم به من نوشتید که مسئول حساب بیمارستان خود شما هستید. اکنون چون اگر مسئولیت کار او را گردن بگیرید مبلغی بدهکار می‌شوید، می‌خواهید حساب خود را تا آخر سال ۱۳۳۴ بدهید، با این حال من حرفی ندارم و نمی‌گویم شما چقدر از اسنادی که آقای روحانی بشما داده است می‌خواهید سوءاستفاده کنید، کمالینکه در همین حساب سال ۱۳۳۷ هم می‌خواستید مبلغی بعنوان اسناد آقای روحانی سوءاستفاده کنید که من قبول نکردم.

فرض می‌کنم تمام این حرفها بی‌اساس است، آیا من حق دارم که بگویم یک قسم یاد کنید که از حساب بیمارستان و حساب خود من سوءاستفاده نکرده‌اید و برای رفع اشتباه تا ۱۰ هزار تومان سوءاستفاده را هم قبول می‌کنم، بنابراین حساب خودتان را بفرستید. چنانچه اقلامی افتاده باشد یعنی در حساب خودتان بعضی پولهایی که گرفته‌اید جمع نکرده باشید من اعتراض می‌کنم، اگر شما جوابی ندادید آن‌ها را جمع کنید و بعد یک قسم یاد کنید که در این حساب‌ها بیش از ۱۰ هزار تومان سوءاستفاده نشده است، آن وقت اگر شما طلبی دارید من می‌پردازم. احمدآباد هم نمی‌خواهید برای قسم یاد کردن بیایید من یکی از آقایان روحانیون را مثلاً آقای راشد را تعیین می‌کنم که شما را قسم بدهند.

چنانچه برای قسم یاد کردن حاضر نیستند، حساب بیمارستان را تا آخر سال ۱۳۳۶ یعنی تا بهمن ۱۳۳۶ بنویسید و این کار را بخوبی تمام کنید، دیگر بیش از این چه بنویسم که تأثرات خود را زیاد کنم. آیا پسندیده است که شما در این آخر عمر با من اینطور رفتار کنید [؟] کجای این حرف نا حساب است که می‌گویم اگر شما سوءاستفاده نکرده‌اید یک قسم یاد کنید و هرچه می‌گوئید طلب دارید دریافت نمائید.

۳۵۴

جواب دکتر مصدق به تبریک نوروزی آقای داریوش فروهر

احمدآباد - ۵ فروردین ماه ۱۳۳۸

جناب آقای داریوش فروهر

از اظهار لطفی که برای نوروز ۱۳۳۸ نسبت باین جانب فرموده‌اید صمیمانه تشکر می‌کنم و از خداوند خواهانم که این سال به جنابعالی و هم‌فکران محترمتان مبارک و میمون باشد و سالهای بسیار همگی به این اعیاد برسید و در نهایت صحت و خوشی بسر برید. این‌جانب وظیفه‌ای ندارم جز اینکه دعا کنم خدای بزرگ امثال شما را زیاد کند.

دکتر محمد مصدق

[رقم ظهر پاکت]

تهران پارس - فلکه هرمز - خیابان جم - جناب آقای داریوش فروهر ادام‌الله بقائه.

۳۵۵

نامه دکتر مصدق به خانم قدسی مظفری*

احمدآباد - ۳ خردادماه ۱۳۳۸

قربان قدسی عزیزم

کارت شما و توت‌فرنگی رسید و سلامت حال شما موجب بسی خوشوقتی گردید. توت به مصرف خواهد رسید و هر دانه‌ای را که من صرف کنم یاد این محبت شما می‌آیم. قربان شما

۳۵۶

نامه دکتر مصدق به آقای کیومرث راستین

احمدآباد - هفتم آبان‌ماه ۱۳۳۸

قربان کیومرث عزیزم [؟] از امر خیری که پیش آمده بسیار خوشوقتم و خواهانم که سالهای سال سلامت و خوشی با هم بگذرانید. گرچه قابل شما نیست ولی برای اینکه فقط به تبریک شما برگزار نشود یک قاب ساعت امگا می‌فرستم که از من نزد شما همیشه بیادگار بماند. [امضاء] دکتر محمد مصدق

۳۵۷

نامه دکتر مصدق به خانم قدسی مظفری

دهم آبان‌ماه ۱۳۳۸

هرقدر بخواهم اظهار امتنان کنم از اینکه چند روزی فاطمه‌خانم را اجازه دادید در احمدآباد بماند زبانم قاصر است والحق فاطمه‌خانم هم بسیار خوب از عهده برآمد. خواهانم شما همیشه سلامت باشید و هر وقت بتوانید اسباب آسایش مرا در این ده فراهم نمایید. دیگر بیش از این نمی‌نویسم و قربان قدسی عزیزم می‌روم. [امضاء] دکتر محمد مصدق

۳۵۸

نامه تشکر دکتر مصدق به خانم قدسی مظفری

احمدآباد - ۲۵ آبان‌ماه ۱۳۳۸

قربان قدسی عزیزم

دو عدد ابر که برای تمیز کردن میز غذاخوری فرستاده‌اید رسید و بسیار خوشوقت شدم. این توجه شما به کار من می‌رساند که مرا خیلی دوست دارید و می‌خواهید از هر حیث در این کنج ده راحت باشم. از خداوند سلامت و خوشی قدسی عزیزم را خواهانم. [امضاء] دکتر محمد مصدق

۳۵۹

نامه دکتر مصدق به مهندس احمد مصدق

۲۳ بهمن‌ماه ۱۳۳۸

قربان احمد عزیزم

کتابی که برای من فرستادید مرا خوب مشغول کرده است. چون سابقه به حال آن اشخاص دارم قهراً می‌خوانم و مرا مشغول می‌کند. شما نمی‌دانید از تنهائی و حرف نزدن با کسی چقدر به من بد می‌گذرد. دیشب لیلی جون آمده بود احمدآباد خیلی به من خوش گذشت.

قربانت پاپا

۳۶۰

نامه دکتر مصدق به مهندس احمد مصدق

احمدآباد - ۲۹ بهمن‌ماه ۱۳۳۸

بعد از حرکت شما نظرم رسید که جناب آقای دکتر کیافر از مضمون نامه‌ای که اخیراً به اداره

کل اوقاف نوشته‌ام لازم است استحضار حاصل کنند و در مذاکرات خود توجه جناب آقای مدیرکل را جلب کنند که به این نامه باید هرچه زودتر جواب داده شود. لذا شرحی به جناب آقای دکتر کیافر نوشته و یک نسخه از نامه خود را هم که به اداره کل اوقاف نوشته‌ام می‌فرستم. کاغذ را بخوانید و سرپاکت را بچسبانید و برسانید. البته دو روز دیگر باید وارد مذاکره شوید که نامه من رسیده باشد، با پست سفارشی آن را فرستاده‌ام.

۳۶۱

جواب دکتر مصدق به نامه مهندس جهانگیر حق‌شناس

احمدآباد - ۲۴ اسفند ماه ۱۳۳۸

قربانت شوم [۴] مرقومه محترمه عز وصول ارزانی بخشید و موجب نهایت امتنان گردید. خواهانم که سال جدید بحضرتعالی مبارک و میمون باشد و سالهای بسیار در نهایت صحت و خوشی بسر برید. در خاتمه ارادت خود را تجدید و تشکرات خود را تقدیم می‌نماید. دکتر محمد مصدق

خدمت جناب آقای مهندس جهانگیر حق‌شناس ادامه‌الله بقائه مشرف آید.

۳۶۲

نامه دکتر مصدق به خانم قدسی مظفری

احمدآباد - ۱۰ فروردین ماه ۱۳۳۹

قربان قدسی عزیزم

دیروز احمد آمد با یک بار خانه که شما فرستاده‌اید نان - پرتقال - گلدان یا تنگ آب‌خوری که هرکدام بجای خود بسیار مفید و مورد احتیاج است و من نمی‌دانم از قدسی عزیزم چگونه تشکر کنم. از خدا خواهانم که سلامت باشید و همیشه دائی خود را از نظر دور نکنید. دیگر بیش از این چه بنویسم که شما را ناراحت کنم.

قربان قدسی جان عزیزم

۳۶۳

نامه دکتر مصدق به دکتر محمود مصدق

احمدآباد - ۱۰ فروردین ماه ۱۳۳۹

محمودجون عزیزم [۵] اگر تو اوستا هستی من از تو اوستاترم میدانی چه می‌کنم؟ بی‌اپولا می‌گویم پول برایت نفرستد تا مجبور شوی برای پول حرکت کنی و نتیجه این بشود که ما هم تو

را ببینیم. اگر می‌خواهی در اروپا زندگی کنی و پاپولا هم همیشه برایت پول بفرستد این رویه بد نیست، البته خوب هم نیست، ولی اگر بخواهی در ایران زندگی کنی هرچند وقت یک‌بار باید دیدنی از اهل وطن بکنی و بروحیه این مردم آشنا شوی و تحصیلاتی که کرده‌ای به نفع مردم بکاربری.

امیدوارم که امتحانات خود را بخوبی خاتمه دهی و چند ماهی به ایران بیایی که غیر از این نه دنیا داری نه آخرت، چون که در سوئیس هم بیگانه‌ای.

قربانت پاپا

۳۶۴

نامه دکتر مصدق به خانم قدسی مظفری

احمدآباد - ۱۱ اردیبهشت ماه ۱۳۳۹

قربان قدسی عزیزم [؟] کاغذ شما و اشیائی که برای من خریده‌اید رسید و موجب نهایت امتنان و خوشوقتی گردید. همگی مفید و بدرد کار من می‌خورند و نمی‌دانم از این همه مهر [و] محبت که در حق من دارید چگونه اظهار امتنان کنم. در این کنج ده اگر این قبیل محبت‌ها هم شامل من نبود زندگی برایم بسیار مشکل می‌شد. از خدا خواهانم که شما همیشه خوش و سلامت باشید و مرا مشمول محبت‌های خود قرار دهید. قربان شما

۳۶۵

نامه دکتر مصدق به مهندس احمد مصدق

احمدآباد - ۲۲ اردیبهشت ماه ۱۳۳۹

قربان احمد عزیزم

رادیوئی که فرستادید با اینکه قیمت آن را ننوشته‌اید با این حال چون خوب است نگاهداشتم. رادیو سابق را هم اگر بفرستید بد نیست کمک این رادیو می‌شود و دیرتر عیب می‌کند.

قربانت پاپا

۳۶۶

نامه دکتر مصدق به خانم قدسی مظفری

۳۰ اردیبهشت ۱۳۳۹

قربان قدسی عزیزم

از اینکه شرمینی موجب زحمت و ناراحتی شما شده بسیار متأسفم. امیدوارم که بکلی رفع

شده باشد و مزده سلامتی شما مرا خوشوقت کند.

قربان قدسی عزیزم

۳۶۷

نامه دکتر مصدق به مهندس احمد مصدق

احمدآباد - ۲۷ خردادماه ۱۳۳۹

قربان احمد عزیزم

کاغذ شما رسید. من نگفته بودم که وصیت‌نامه‌ای نزد یکی از شماست، من گفتم آن مصالحه‌نامه‌ای که من خانه‌ها را به تو و غلام و خانه اره‌ری را به ضیاء اشرف و مستغلات ناصر خسرو را به منصوره بخشیده‌ام لازم است که بینم نسبت به عوائد آنها که دو سال بعد از فوتم به خدیجه داده‌ام چه نوشته شده، شما گوش به حرف نمی‌دهید و می‌روید مطلبی را دنبال می‌کنید که من هیچ نگفته‌ام. اگر روز شنبه رفتید ان شاء الله در مراجعت در این باب اقدام کنیم و اگر باز سفر شما به تأخیر افتاد قبل از حرکت اقدام نمائید.

قربانت پایا

۳۶۸

نامه دکتر محمد مصدق به مهندس احمد مصدق

احمدآباد - ۱۶ مردادماه ۱۳۳۹

قربان احمد عزیزم

برای حال تو نگرانم و از خدا خواهانم که زودتر رفع کسالت بشود و مزده سلامت و صحت خود را برایم بنویسی. یک عکس برای آقای دکتر رحیمی مقرر می‌فرستم چون آدرس جناب آقای دکتر صدیقی را نمی‌دانم سر پاکت را بچسبانید و روی پاکت آدرس ایشان را نوشته بوسیله پست یا هر وسیله دیگری که صلاح می‌دانید ارسال کنید.

قربانت پایا

۳۶۹

نامه دکتر مصدق به مهندس احمد مصدق

۶ شهریورماه ۱۳۳۹

از این مصیبت وارده نمی‌دانم چطور اظهار تألم کنم من آرزوی مرگ می‌کنم این جوان^۱ از بین رفت. اکنون فقط نگران حال اشرف هستم نمی‌دانم با و چه می‌گذرد او را تنها نگذارید و از حالش

^۱ اشاره به فوت حمید مصدق دارد.

مرا مطلع کنید.

نامه جوف را اداره کل اوقاف در خصوص اعتراض متولی اسمعیل آباد نوشته و طبق پیشنهاد خود من جناب آقای مهندس عبدالحسین ابراهیمی را از طرف موقوفه بیمارستان نجمیه و آقای مهندس غلامحسین میرزاده را از طرف متولی همین موقوفه معین کرده‌اند که چنانچه موافقت کردند کار به همین طور بگذرد والا یک حکم مشترک هم بعد تعیین کنند که به اکثریت هرچه رأی دادند اجرا شود. شما آقای مهندس ابراهیمی را ملاقات کنید و اول سؤال کنید وقت دارند که این معاینه محلی را بفرمایند یا نه؟ چنانچه وقت دارند اگر خودتان با آقای مهندس غلامحسین میرزاده آشنائی ندارید از ایشان تحقیق کنید که معلوم شود حق‌گو هستند یا نه، چنانچه وقت دارند و آدرس آقای مهندس غلامحسین میرزاده را می‌دانند یا خود ایشان به آقای مهندس میرزاده روزی که می‌توانند به معاینه محلی تشریف ببرید اطلاع دهند و یا شما خودتان با آقای میرزاده داخل مذاکره شوید که معلوم شود هر دو آقایان چه روز می‌توانند به محل حرکت نمایند.

قربانت پاپا

۳۷۰

نامه دکتر مصدق به مهندس احمد مصدق

احمدآباد - ۱۶ آبان ماه ۱۳۳۹

قربان احمد عزیزم

فر آشپزی که برای احمدآباد با چهار مخزن گاز به مبلغ ۴۸۰۰ تومان خریده بودم بدرد نخورد، چونکه آن‌طور که حساب شده بود درست درنیامد و آن را به غلام بخشیدم ولی به بعضی گفتم معامله کرده‌ام. اکنون یک چک بهمین مبلغ برای تو می‌فرستم که هرچه می‌خواهی برای خود تهیه کنی. در هیچ‌یک از دو بانک که حساب دارم پول نداشتم و این چک را از این نظر که پول خانه را شما به این بانک داده‌اید صادر کردم و تا رسید بانک به شما برسد نباید آن را به بانک ارائه داد چون که بلامحل است. چنانچه رسید بانک آمده است، وجه لازم دارید بنویسید که هرچه شما طلبکارید حواله کنم و البته هر وقت که پول لازم باشد بهتر از تو هیچ‌کس نیست که هیچ چیز در راه پدر مضایقه نداری و از تو می‌خواهم. قربان احمد عزیزم

[امضاء] محمد مصدق

۳۷۱

قسمتی از یک نامه خصوصی دکتر مصدق

احمدآباد - ۷ آذرماه ۱۳۳۹ - ۲۸ نوامبر ۱۹۶۰

از حال من بخواهید، از تنهائی بسیار بد می‌گذرد. وضعیتم همان‌طور است که دیده‌اید سخت

و با کسی غیر از فرزندانم ارتباط ندارم. آنها هم هر ۱۵ روز یکمرتبه سری به من می‌زنند و می‌روند و با این راه دور هم از این بیشتر انتظار ندارم.

۳۷۲

نامه دکتر مصدق به آقای حسن عنایت

احمدآباد - ۱۰ دی ماه ۱۳۳۹

قربانت گردم [۴] بعد از استعلام از سلامت وجود محترم مصدع می‌شوم که برای ادامه بکار قنات موقوفه بیمارستان نجمیه لازم است چند حلقه در ملک مجاور حفر شود، تمنا دارم نظر خود را بفرمائید که می‌توان بعنوان حقوق ارتفاعی تنظیم نمود؟ در صورت امکان پیش‌نویس مختصری اگر تهیه شود که بنظر مالک زمین برسد و برای امضاء موافقت کند موجب تشکر است. البته وجه هم داده خواهد شد. در خاتمه ارادت خود را تجدید می‌نمایم.

[امضاء] دکتر محمد مصدق

۳۷۳

جواب دکتر مصدق به نامه خواهر شهید دکتر فاطمی

احمدآباد - اول فروردین ماه ۱۳۴۰

سرکار علیه خانم سلطنت فاطمی

مرقومه محترمه عز وصول ارزانی بخشید و موجب نهایت امتنان گردید [۰]. خواهانم که این سال به سرکار علیه مبارک و میمون باشد و سالهای بسیار در کمال صحت و خوشی بسر برید [۰]. استفسار از حال این جانب فرموده‌اید، کماکان در این زندان ثانوی بسر می‌برم [۰]. با کسی حق ملاقات ندارم و از محوطه قلعه نمی‌توانم پای به خارج گذارم و بر این طریق می‌گذرانم تا ببینم چه وقت خداوند به این زندگی خاتمه می‌دهد [۰]. دیگر بیش از این چه عرض کنم که بر تأثرات شما بیفزایم [۰].

[امضاء] دکتر محمد مصدق

[ظهر پاکت]

تهران - خیابان حشمت‌الدوله غربی - کوچه آهن‌چیان، منزل جناب ی‌ق‌ای دکتر سعید فاطمی، سرکار علیه خانم سلطنت فاطمی

۳۷۴

نامه دکتر مصدق به خواهر شهید دکتر فاطمی

احمدآباد - ۳ فروردین ماه ۱۳۴۰

عرض می‌شود [۴]، مرقومه محترمه عز وصول ارزانی بخشید از اظهار لطف و مرحمتی که

فرموده‌اید نهایت امتنان حاصل گردید خواهانم که این سال به سرکار علی‌ه خوش بگذرد و سالهای بسیار خود و فرزند محترمتان در نهایت صحت و خوشی بسر برید و درک این اعیاد را بفرمائید دیگر چیزی نمی‌توانم عرض کنم مگر اینکه تشکرات خود را تقدیم و ارادات خود را تجدید نمایم.

۳۷۵

جواب دکتر مصدق به نامه مهندس جهانگیر حق شناس

احمدآباد - چهارم فروردین ماه ۱۳۴۰

قربانت شوم [۴]؛ مرقومه محترمه که حاکی از صحت و سلامت وجود محترم است عز وصول ارزانی بخشید و مویج نهایت امتنان گردید خواهانم که این سال بجنابعالی مبارک و میمون باشد و سالهای بسیار در نهایت صحت و خوشی بسر برید. بسیار متأسفم از اینکه نمی‌توانم زیارت جنابعالی موفق شوم. دیگر بیش از این چیزی نمی‌توانم عرض کنم و در خاتمه ارادت خود را تجدید می‌نمایم.

دکتر محمد مصدق

[ظهر پاکت]

تهران خیابان تیر شماره ۱۰۲

خدمت ذی‌شرافت جناب آقای مهندس جهانگیر حق شناس ادام‌الله بقائه مشرف آید.

۳۷۶

پاسخ دکتر مصدق به دکتر سعید فاطمی

از اظهار لطف و مرحمتی که فرموده‌اید نهایت امتنان دارم. بنده هم بسیار مایلم که جنابعالی را زیارت کنم ولی وضعیتم مخصوصاً در این دو سال اخیر طوری است که غیر از با فرزندان با کس دیگری نمی‌توانم ملاقات کنم و حتی از قلعه هم بدون اسکورت حق خروج ندارم [۰]. خواهانم که این سال به جنابعالی مبارک و میمون باشد و سالهای بسیار در کمال صحت و خوشی بسر برید [۰]. اخلاق حمیده جنابعالی را همیشه می‌ستایم [۰].

۳۷۷

پاسخ دکتر مصدق به تبریک دکتر سعید فاطمی

کارت محترم عز وصول ارزانی بخشید و تبریکاتی که برای این سال به بنده اهدا فرموده‌اید موجب کمال تشکر گردید. خواهانم که این سال به جنابعالی مبارک و میمون باشد و سالهای بسیار در نهایت صحت و خوشی بسر برید و به این اعیاد نایل گردید [۰].

دکتر محمد مصدق

۳۷۸

پاسخ دکتر مصدق به تبریک دکتر ابراهیم یزدی

احمدآباد - ۱۸ فروردین ماه ۱۳۴۰

جناب آقای دکتر یزدی

مرقومه محترمه عز وصول ارزانی بخشید و موجب نهایت امتنان و تشکر گردید خواهانم که این سال به جنابعالی مبارک و میمون باشد و سالهای بسیار در کمال صحت و خوشی به سر برید و به این اعیاد برسید و به ایران مراجعت فرمایید و به خدمت هم‌وطنان عزیز توفیق حاصل فرماید.

دکتر محمد مصدق

۳۷۹

نامه دکتر مصدق به مهندس احمد مصدق

احمدآباد - ۱۹ اردیبهشت ماه ۱۳۴۰

قربان احمد عزیزم

چاه عمیق گویا تا ۱۰۰ متری آب شیرین داشت و بعد بدون اینکه هرچه پائین می‌رود آب را امتحان کنند اگر شور است دیگر پائین نروند ۵۰ متر دیگر حفر کردند که آبش شور درآمد و بعد گویا ۴۰ متر آن را پر کردند که اکنون ۱۱۰ متریست و آب آن باز قدری شور است. می‌خواستم شما از فروشنده آن تحقیق کنید اگر ۲۰ متر دیگر آن را پر کنند چقدر خرج برمی‌دارد و از مقدار آب که اکنون ۵ سنگ می‌دهد چقدر کسر می‌شود که چنانچه خرج زیادی نداشته باشد ۲۰ متر پر کنیم که آب از شوری بیفتد و اشجار را خشک نکند، ولو اینکه یکی دو سنگ هم بواسطه پر کردن ۲۰ متر از آب کم شود. خلاصه اینکه خرج پر کردن ۱۵ یا ۲۰ متر چه مبلغ می‌شود و از مقدار آب چقدر کسر خواهد شد.

۳۸۰

پاسخ دکتر مصدق به نامه مهندس مهدی بازرگان

احمدآباد - ۲۵ اردیبهشت ماه ۱۳۴۰

جناب آقای مهندس مهدی بازرگان

قربانت شوم [۴] مرقومه محترمه مورخ ۲۱ جاری مبشر تشکیل جمعیتی بنام «نهضت آزادی ایران» عز وصول ارزانی بخشید و موجب نهایت امتنان گردید. تبریکات صمیمانه خود را تقدیم

می‌کنم و تردید ندارم که این جمعیت تحت رهبری شخص شخیص جنابعالی موفق به خدمات بزرگی نسبت به مملکت خواهد شد و بنده توفیق جنابعالی و همکاران محترمتان را در این راه از خداوند مسئلت دارم.

دکتر محمد مصدق

۳۸۱

قسمتی از یک نامه خصوصی دکتر مصدق

احمدآباد - ۳۰ تیر ۱۳۴۰ - ۲۱ ژوئیه ۱۹۶۱

«... این روزها بواسطه تظاهرات امروز عصر در جلالیه نگرانم و چند روز بود که ۱۰۰ نفر سرباز که اینجا گذاشته بودند بردند ولی بملاحظه تظاهرات روز ۳۰ تیر اکنون دو روز است که آن صد نفر آمده‌اند در سر خط آهن چند کیلومتری احمدآباد اردو زده‌اند برای اینکه مراقب باشند مرا بشهر نبرند. فعلاً کارهای مورد توجه این مملکت همین است. نگرانی دیگری هم بواسطه جنگ بین‌المللی است که خداوند انشاءالله بخیر گذراند و چنین واقعه‌ای روی ندهد که دیگر آثاری از بشریت باقی نخواهد ماند...»

۳۸۲

نامه دکتر مصدق به حسن صدر

احمدآباد - ۳۰ تیرماه ۱۳۴۰

خدمت ذیشرافت جناب آقای دکتر حسن صدر ادام‌الله بقائه
قربانت شوم [!؛] از همه جا بی‌خبر از مسافرت جنابعالی اطلاع نداشتم ولی مرقومات عالیّه را در مجله خواندنیها می‌خواندم و لذت می‌بردم و متأسف بودم از اینکه اوضاع مملکت اجازه نمی‌دهد این قلم شیوا در نفع مملکت بکار رود. این هم بد نیست و خواسته‌اید برسانید ملتی هم هست که در راه آزادی و استقلال از همه چیز می‌گذرد.^۳ دیگران هم اگر علاقه به وطن دارند باید از همین راه بروند و آن را انتخاب نمایند. باری حرف زیاد است و مستمع به تمام معنی فداکار کم. چه می‌شود کرد بلکه خدا بخواهد که این نقیصه در ما رفع شود ما هم بتوانیم بگوئیم مملکت و وطنی داریم و در راه آزادی و استقلال آن از همه چیز می‌گذریم. خیلی معذرت می‌خواهم از اینکه نامه از حد عرض تبریک گذشت و اکنون استدعا می‌کنم از قبول ساعتی که بسیار ناقابل

^۳ اشاره به مقالات مرحوم حسن صدر راجع به نهضت ضداستعماری مردم الجزائر دارد.

است و برای عرض تبریک تقدیم می‌شود بنده را قرین تشکر بدارند.
ارادتمند دکتر محمد مصدق

۳۸۳

پاسخ دکتر مصدق به مرقومه دکتر سعید فاطمی

۲۵ مهرماه ۱۳۴۰

قربانت گردم [؟] مرقومه محترمه عز و وصول ارزانی بخشید و الطاف مبذوله موجب نهایت امتنان گردید [.] قبول بفرمائید آن کس که از دست ما رفت و یک عده مردم خیرخواه وطن پرست را داغدار نمود [.] همان شادروان دکتر حسین فاطمی است که هر وقت بیاد زجرهائی که به آن رادمرد داده شد می‌آیم بی‌اختیار متأثر می‌شوم و یقین دارم که نام نیکش همیشه در صفحات تاریخ ایران باقی خواهد ماند [.] از وضعیت بنده گویا درست اطلاع نداشته باشید که از این قلعه نمی‌توانم خارج شوم و با کمتر کسی مکاتبه می‌کنم، برای اینکه دفعه دیگری دچار تعقیب و محاکمه نشوم [.] اکنون متجاوز از ۵۰ نفر سرباز و گروهبان اطراف بنده هستند که اجازه نمی‌دهند با کسی ملاقات کنم غیر از فرزندانم، خواهانم هرچه زودتر از این زندگی رقت بار خلاص شوم [.] خدمت آقایان محترم که به بنده اظهار لطف فرموده‌اند عرض ارادت دارم [.] بقا و سلامت فرد فرد همه را خواهانم [.]

دکتر محمد مصدق

[رقم ظهر پاکت] خدمت جناب آقای دکتر سعید فاطمی دام بقاءه.

۳۸۴

نامه دکتر مصدق به خلیل ملکی

احمدآباد - ۱۸ آبان ماه ۱۳۴۰

قربانت گردم از اظهار لطفی که فرموده‌اید متشکر و قسمت این بوده که باز بتوانم مراسم ارادت خود را تجدید کنم.

دکتر محمد مصدق

[رقم ظهر پاکت]

تهران کوچه رامسر دفتر مجله علم و زندگی خدمت جناب آقای خلیل ملکی ادام‌الله بقاءه

۳۸۵

نامه دکتر مصدق به جامعه سوسیالیست‌ها

احمدآباد - ۱۸ آبان ماه ۱۳۴۰

کمیته مرکزی جامعه سوسیالیست‌های نهضت ملی ایران
پیام نخستین کنگره آن جامعه به این جانب رسید و موجب نهایت امتنان و خوشوقتی
گردید. الحق که در راه آزادی این ملت رنج‌دیده امساک نشده و آنچه یک جمعیت ایران‌دوست
آزادی‌طلب باید عمل کند در قطعنامه مصوب اولین کنگره جامعه تصویب شده.
نظر به این که در این ده زندانی و نمی‌توانم حتی از قلعه پا به خارج گذارم بیش از این نباید
چیزی عرض کنم و فقط موفقیت آن آزادمردان و وطن‌پرست را از خداوند خواهانم.
دکتر محمد مصدق

۳۸۶

جواب دکتر مصدق به نامه اللهیار صالح

احمدآباد - ۲۰ آبان ماه ۱۳۴۰

جناب آقای اللهیار صالح دبیر کل حزب ایران
مرقومه مورخ ۱۸ آبان عز وصول ارزانی بخشید و توجهات کنگره هشتم نسبت به این ناچیز
موجب نهایت امتنان و خوشوقتی گردید. تشکرات خود را به آن کنگره عالیقدر بوسیله آن جناب
تقدیم می‌کنم و از خداوند مسئلت دارم که این هیئت وطن‌پرست را به انجام مرام موفق بدارد.
[امضاء] دکتر محمد مصدق

۳۸۷

نامه دکتر مصدق به دکتر علی شریعتمداری

احمدآباد - ۲۸ آبان ماه ۱۳۴۰

جناب آقای دکتر علی شریعتمداری دانشیار محترم دانشگاه شیراز
دو جلد کتاب «جامعه و تعلیم و تربیت» و «اصول تعلیم و تربیت» تألیف شریف خودتان را
که برای این جانب ارسال فرموده‌اید رسید و از این لطف و توجهی که نسبت به این زندانی ناتوان
نموده‌اید نمی‌دانم چگونه تشکر کنم. امیدوارم اگر حالی دست دهد کسب فیض کنم و از آنها
استفاده نمایم. اکنون غیر از عرض تشکر چیزی ندارم مگر اینکه سلامت و موفقیت جنابعالی را
در نشر مجلدات بسیار از خدا بخواهم.

[امضاء] دکتر محمد مصدق

۳۸۸

نامه دکتر مصدق به...

فرزندان عزیزم

پیام دلپذیر شما رسید و موجب نهایت خوشوقتی و امتنان گردید از اینکه وطن عزیز ما دارای فرزندانی است که می‌توانند رهنمای جامعه واقع شوند بسی خوشوقت و بسیار شکرگذارم و در این وضعیت نمی‌توانم چیزی بنویسم مگر اینکه عرض کنم آتیه مملکت دست شماست و توفیق شما را در خدمت به ایران عزیز از خدا خواستارم.

۳۸۹

نامه دکتر مصدق به مهندس کاوه فرمانفرمائی‌ان

احمدآباد - اسفندماه ۱۳۴۰

جناب آقای مهندس کاوه فرمانفرمائی‌ان

از اینکه موافقت فرموده‌اید چهار حلقه چاه در پیشکار قنات رستم‌آباد موقوفه بیمارستان نجمیه در امتداد کار فعلی و بطول در حدود سیصد متر در اراضی یافت‌آباد و قطعه زمین متعلق به جنابعالی حفر بشود نهایت امتنان دارم و دیگر به هیچ‌وجه در این زمین برای قنات مزبور تقاضای حفر چاه نخواهد شد و قیمت این چهار حلقه را هم هرچه بفرمایند تقدیم خواهد نمود. [امضاء] دکتر محمد مصدق

۳۹۰

جواب دکتر مصدق به نامه آقای حسین راضی

احمدآباد - ۲۳ اسفندماه ۱۳۴۰

مرقومه محترمه مورخ ۱۸ جاری عز وصول ارزانی بخشید و از توجهاتی که نسبت بامور اجتماعی دارید نهایت خوشوقتی حاصل گردید. از خدا مسألت دارم که توفیق کرامت کند تا شما بتوانید مسئولیتی که در قبال جامعه دارید بنحواحسن انجام دهید و اما راجع باینکه این جانب پیغامی عرض کنم که در کنگره قرائت شود نظر باینکه وضعیاتم اجازه نمی‌دهد که منویات قلبی خود را عرض کنم چه بهتر از اینکه چیزی عرض نکنم و پیش از این خود را دچار سختی و مشقت ننمایم و بمصداق القلب یهدی الی القلب آقایان هموطنان عزیزم بمسئولیتی که دارند پی‌ببرند و بآنچه وظیفه حکم می‌کند عمل نمایند. در این حال این جانب وظیفه‌ای ندارم غیر از اینکه توفیق همه را در خدمت بوطن عزیز از خدای یگانه مسألت نمایم.

دکتر محمد مصدق

۳۹۱

نامه دکتر مصدق در جواب مرقومه محمد رحیم عطاشی

احمدآباد - اول فروردین ماه ۱۳۴۱

قربانت گردم [؟] مرقومه محترمه عز وصول ارزانی بخشید و موجب نهایت امتنان گردید و مندرجات آن را از صدر تا ذیل تصدیق می‌کنم و الحق آنچه مرقومه فرموده‌اید صحیح است ولی نه با خلقت خدا می‌توان دعوا کرد و نه از آن چه مقدر شده است می‌توان سر پیچید هر قدر از سختی زندگی خود عرض کنم کم گفته‌ام و روزی نیست که از خدا مرگ نخواهم آن هم چون مقدر نیست بسراغم نمی‌آید و مرا در این زندان ثانوی واله و حیران گذاشته است. خواهانم که این سال به جنابعالی مبارک باشد و خوش بگذرد و سالهای بسیار در نهایت صحت و سلامت بسر برید دیگر بیش از این مزاحم نمی‌شوم ارادت خود را تجدید می‌نمایم.

دکتر محمد مصدق

۳۹۲

نامه دکتر مصدق به دکتر سعید فاطمی

احمدآباد - اول فروردین ماه ۱۳۴۱

قربانت گردم [؟] مرقومه محترم عز وصول ارزانی بخشید و موجب نهایت خوشوقتی و امتنان گردید. امیدوارم که این سال به جنابعالی و سرکار علیه خانم محترم والده شما میمون و مبارک باشد و سالهای بسیار در کمال خوشی به این اعیاد نایل گردید [.] درددل زیاد است و در راهی که ما قدم برداشته‌ایم باید آنها را به هیچ شمرد و بنده در این زندان که دستم از همه جا کوتاه است جز از اینکه از خداوند موفقیت همگی را در راه خدمت بوطن عزیز بخواهم راه دیگری ندارم.

[ظهرنامه]

خدمت جناب آقای دکتر سعید فاطمی ادام‌الله بقائه

۳۹۳

نامه دکتر مصدق در جواب نامه دکتر ابراهیم یزدی

احمدآباد - فروردین ماه ۱۳۴۱

جناب آقای دکتر یزدی

نامه جنابعالی عز وصول ارزانی بخشید و موجب نهایت امتنان گردید. گرچه عیدی نیست

که این جانب از تبریکاتی که اهدا فرموده‌اید تشکر کنم خواهانم که سالهای سال در کمال صحت و خوشی به سر برید و ایران وطن عزیز ما بتواند به همت رجال وطن پرست به آزادی و استقلال برسد و خود را در ردیف دول آزاد مستقل قرار دهد. دیگر چیزی ندارم که عرض کنم مگر اینکه از الطاف مبذوله تشکر کنم.

[امضاء] دکتر محمد مصدق

۳۹۴

نامه دکتر مصدق در جواب مرقومه خانم پروانه فروهر

احمدآباد - فروردین ۱۳۴۱

سرکار علیه پروانه فروهر

مرقومه محترمه عز وصول ارزانی بخشید و موجب نهایت امتنان گردید. تبریکات خود را برای این سال عرض و خواهانم که سالهای بسیار در کمال صحت و خوشی بسر برید. [.] البته گاهی از تلویزیون استفاده می‌فرمائید و برنامه ضرب‌المثل‌هایی که تنظیم نموده‌اند ملاحظه فرموده‌اید، اجازه فرمائید که این جانب هم به عوض این ضرب‌المثل مصدع شوم و آن این است که «خداوند نجار نیست ولی درب و تخته را خوب بهم وصل می‌کند». امیدوارم که این زوجین محترمین همیشه سلامت باشند و با اجرای نیات وطن پرستانه خود توفیق حاصل فرمایند.

دکتر محمد مصدق

[ظهر پاکت] تهران پارس - فلکه هرمز - خیابان جم - کاشی ۴۷/۵۰

خدمت سرکار علیه خانم پروانه فروهر

۳۹۵

جواب دکتر مصدق به مرقومه آقای داریوش فروهر

احمدآباد - اول فروردین ۱۳۴۱

جناب آقای داریوش فروهر

مرقومه محترمه عز وصول ارزانی بخشید و موجب نهایت امتنان گردید. تبریکات صمیمانه خود را برای این سال به جنابعالی و یاران وفادارتان تقدیم می‌کنم و از خداوند توفیق همگی را در خدمت به وطن عزیز مسألت دارم. در خاتمه از لطف جنابعالی تشکر می‌کنم و ارادت قلبی خود را تجدید می‌نمایم.

دکتر محمد مصدق

[ظهر پاکت] تهران پارس - خیابان جم - شماره ۴۷/۵۰ - خدمت جناب آقای داریوش فروهر ادام‌الله بقائه

۳۹۶

نامه دکتر مصدق در جواب به نامه حسن صدر

احمدآباد - فروردین ماه ۱۳۴۱

قربانت گردم؛ مرقومه محترمه و کتاب مردان مجاهد تألیف شریف جنابعالی رسید و موجب نهایت امتنان گردید. گرچه عیدی برای ما نیست که تبریکات خود را عرض کنم با این حال از خدا می‌خواهم که سالهای بسیار در کمال صحت و خوشی بسر برید و به این اعیاد برسید. از قلم سحرآمیز جنابعالی هرچه تراوش کند مؤثر است و تصور می‌کنم که انتشار این کتاب بیش از انتظار تأثیر کند و همه بدانند چه راهی را در مصالح مملکت باید در پیش گیرند. آرزو دارم قدری از این کتاب را وقتی جنابعالی با آن طرز خاصی که دارید قرائت کنید، چونکه در صدای جنابعالی و طرز قرائت آن اثر خاصی هست که نوشته را دوچندان مؤثر می‌کند. در خاتمه یکبار دیگر تشکرات خود را تقدیم و ارادت خود را تجدید می‌نمایم.

دکتر محمد مصدق

۳۹۷

جواب دکتر مصدق به نامه مهندس جهانگیر حق‌شناس

احمدآباد - فروردین ماه ۱۳۴۱

قربانت شوم [!] مرقومه محترمه عز و وصول ارزانی بخشید و موجب نهایت امتنان گردید. از اینکه بحمدالله سلامت هستید بسیار خوشوقتم و خواهانم که این سال بجنابعالی مبارک و میمون باشد و سالهای بسیار در کمال صحت و خوشی بسر برید. بندهم هم کماکان در این قلعه می‌گذرانم و از خداوند همیشه خاتمه این زندگی را برای خود خواسته‌ام خیلی چیزهاست که ما می‌خواهیم ولی او نمی‌خواهد چه می‌توان کرد، دیگر عرضی ندارم مگر اینکه ارادت خود را تجدید نمایم.

[ظهر پاکت]

تهران خیابان تیر شماره ۱۰۲

خدمت جناب آقای جهانگیر حق‌شناس ادامه‌الله بقائه.

۳۹۸

نامه دکتر مصدق در جواب نامه کنفدراسیون دانشجویان ایرانی در خارج از کشور

احمدآباد - ۱۴ فروردین ۱۳۴۱

کنفدراسیون محترم دانشجویان ایرانی

نامه مورخ ۲۵ اسفند عز و وصول ارزانی بخشید و موجب نهایت امتنان گردید. نظر به اینکه

برای ما عیدی نیست از عرض تبریکات خودداری می‌کنم و خواهانم که سالهای بسیار در کمال صحت و خوشی بسر برید و همت بگمارید که ایران وطن عزیز ما هم آزادی و استقلال خود را بدست آورد و در ردیف دول مستقل و آزاد قرار بگیرد. راست و بی‌پرده عرض می‌کنم که چشم مردم خیرخواه وطن‌پرست به شما نسل جدید دوخته شده و آخرین تیری که در ترکش ایرانی است همان شما محصلین محترم و نسل جدید هستید که از آنچه دیده‌اید درس و از آنچه هم خوانده‌اید نتیجه بگیرید و بمورد عمل درآورید. از این جانب که عنقریب نه سال است در لشکر ۲ زرهی و قلعه احمدآباد محبوسم کاری ساخته نیست مگر اینکه فقط دعا کنم و موفقیت شما را از خدا بخواهم.

دکتر محمد مصدق

۳۹۹

نامه دکتر مصدق به مظفر فیروز در جواب کارت تبریک او

احمدآباد - فروردین ۱۳۴۱

قربان مظفر عزیزم [!؛] کاغذ شما یا بهتر عرض کنم کارت شما رسید و موجب نهایت خوشوقتی و امتنان گردید خواهانم که سالهای سال در کمال صحت و خوشی درک این اعیاد را فرمائید. از حال من بخواهید قریب نه سال است که در زندان لشکر ۲ زرهی و احمدآباد محبوسم و هر قدر هم که از خدا مرگ خواسته‌ام مقرون به اجابت نشده و نمی‌دانم چرا زنده مانده‌ام و این همه ناراحتی و بدبختی را تحمل کرده‌ام. چون در نامه آدرس نبود فردا هم که روز جمعه ۲۴ فروردین است قدسی و اشرف به احمدآباد می‌آیند این جواب را توسط قدسی ارسال می‌کنم و خواهانم که سالهای بسیار در کمال صحت و خوشی بسر برید [۰].

دائی شما

۴۰۰

نامه دکتر مصدق به آقای حسین راضی

احمدآباد ۲۲ اردیبهشت ماه ۱۳۴۱

جناب آقای دبیرکل محترم حزب مردم ایران

پیام اولین کنگره آن حزب باین جانب رسید و موجب نهایت امتنان و تشکر گردید. اجازه می‌خواهم که عرض کنم هر کس و هر چه برای وطن خود کند در نفع خود کند چون که بین این دو موجود قائل بهیچ تفکیک و جدائی نمی‌توان شد. بنابراین اظهار لطف آن سروران معظم در عین حال که موجب تشویق هر فردی از افراد است موجب شرمندگی این ناچیز گردید. چون که حقیر کار بزرگی ننموده‌ام که استحقاق این درجه اظهار لطف و قدرشناسی داشته باشم، هر چه

شده نتیجه‌ی آزادی ملت ایران بوده که توانست مرام و آرزوی خود را بسمع جهانیان برساند و از ابراز احساساتی که نمود نتیجه‌ی مطلوب را بگیرد.

خواهانم که ایران وطن عزیز در سایه همت و شجاعت رجال درست اندیش باز بتواند همان آزادی را بدست آورد و خود را در ردیف دول مستقل و آزاد جهان قرار دهد. در این راه مشترک توفیق و کامیابی همگی را از خداوند مسألت دارم.

دکتر محمد مصدق

۴۰۱

نامه دکتر مصدق به جامعه سوسیالیست‌های ایرانی در اروپا

احمدآباد - اول خردادماه ۱۳۴۱

کمیته مرکزی جامعه سوسیالیست‌های ایرانی در اروپا

پیام چهارمین کنگره سالانه سوسیالیست‌های ایرانی در اروپا در این ده که محبوسم و نمی‌توانم از این قلعه پا به خارج گذارم رسید و موجب بسی خوشوقتی و مباهات گردید. از این ناتوان کار برجسته و خدمت شایانی به وطن نشده که شایسته این اندازه تقدیر باشم. هرچه کرده و هرچه شده در سایه همکاری و معاضدت یک عده افراد وطنپرست و حمایت ملت ایران بوده. شک نیست که حقشناسی آنهم از طرف رجال برجسته مملکت سبب می‌شود که افراد تشویق شوند و در راه عظمت و استقلال مملکت گامهای سریع و بلند بردارند. خواهانم که خداوند توفیق کرامت کند و همه را بخدمت وطن عزیز موفق بدارد و ایران بتواند باز آزادی و استقلال از دست رفته خود را بدست آورد و در ردیف دول مستقل دنیا و آزاد قرار گیرد. بیش از این عرضی نمی‌کنم و بعد از عرض تشکر توفیق آن جامعه محترم را در این راه خواهانم.

دکتر محمد مصدق

۴۰۲

نامه تشکر دکتر مصدق به جبهه ملی ایرانیان مقیم انگلستان

احمدآباد - اول تیرماه ۱۳۴۱

جبهه ملی ایرانیان محترم مقیم انگلستان

یک جلد کتاب C.I.A که برای این جانب ارسال شده است رسید و موجب نهایت امتنان گردید. بدینوسیله تشکرات خود را از این لطفی که فرموده‌اید عرض می‌کنم و توفیق شما هموطنان عزیز را در خدمت به ایران از خدا خواهانم.

[امضاء] دکتر محمد مصدق

۴۰۳

نامه دکتر مصدق در جواب نامه مهندس جهانگیر حق شناس

احمدآباد - ۲۶ تیرماه ۱۳۴۱

خدمت جناب آقای مهندس حق شناس ادام‌الله بقاءه

قربانت گردم [؛] گزارش مقدماتی کمیسیون اقتصادی جبهه ملی ایران باین جانب رسید و موجب نهایت امتنان گردید و چون مذکور شد که جنابعالی در تنظیم آن سهمی بسزا داشته‌اید تبریکات خود را برای این موفقیت تقدیم می‌کنم و امید دارم که رجال مؤثر مملکت با یک نظر منصفانه آن را مطالعه کنند و چنانچه نتوانند نقاط ضعفی که در برنامه پنجساله هست اصلاح نمایند.

در خاتمه ارادت خود را تجدید و توفیق جنابعالی را در امور اجتماعی خواهانم.

دکتر محمد مصدق

خدمت جناب آقای مهندس حق شناس ادام‌الله بقاءه

۴۰۴

نامه دکتر مصدق به خسرو قشقایی

احمدآباد - مردادماه ۱۳۴۱

قربانت گردم [؛] از صبح روز ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ که نزد بنده تشریف آوردید و دعوت فرمودید که به جنوب حرکت کنم اکنون درست نه سال می‌گذرد که سه سال در زندان لشکر ۲ زرهی به سر برده‌ام و شش سال هم در احمدآباد و بعد هم نمی‌دانم به چه صورت بگذرد. از وصول مرقومه جنابعالی نهایت امتنان دارم و ارادت این جانب به خانواده شما از آن وقتی است که متصدی ایالت فارس شدم و ملاحظه فرمودید که از روی عقیده و ایمان مرحوم صولت‌الدوله را که خانه نشین بودند به ریاست ایل قشقایی منصوب و آن مرحوم هم خدمات بسیاری در راه امنیت و رفاهیت مردم نمودند و در مجلس شورای ملی هم که جناب عالی و این جانب هر دو افتخار نمایندگی داشتیم آنچه از ما برآمده است در خدمت به جامعه خودداری نکرده‌ایم. از این جانب به واسطه کبر - سن دیگر خدمتی ساخته نیست و باید در همین زندان از بین بروم ولی امیدوارم که شما جوانان مملکت که آتیه بهتر و بیشتری دارید در راه خیر جامعه بکوشید و از هرگونه فداکاری نسبت به وطن عزیز خودداری نفرمائید. نظر به اینکه این جانب در امور جبهه ملی کوچکترین دخالتی نمی‌کنم و در طی یک نامه سه ماه قبل به جناب آقای اللهیار - صالح عدم دخالت خود را در گذشته و در آتیه تذکر داده‌ام از انجام موضوعی که مرقوم فرموده‌اید معذورم و

امیدوارم که عذر بنده را قبول فرمائید [.]. همواره توفیق جنابعالی را در خدمت به وطن عزیز با صحت و سلامت خواهانم.

دکتر محمد مصدق

۴۰۵

نامه دکتر مصدق به شیخ مصطفی رهنما

احمدآباد - ۱۰ مرداد ماه ۱۳۴۱

جناب آقای شیخ مصطفی رهنما

کتاب «مسلمین جهان» تألیف شریف جنابعالی به اینجانب رسید و تأخیر عرض امتنان از این جهت بود که می‌خواستم پس از مطالعه تشکرات خود را از این مرحمت تقدیم کنم. الحق زحمات زیادی در این راه متحمل شده‌اید و کار مسلمین جهان را برای درک سوابق و هویت خود بسیار سهل و آسان فرموده‌اید. از این نشریه اینجانب بسیار استفاده کردم و بدینوسیله تشکرات خود را از فعالیت‌های خستگی‌ناپذیر آنجناب تقدیم می‌کنم و خواهانم که بیش از پیش در تنویر عقاید مسلمین کوشا و ساعی باشید و توفیق حاصل فرمائید. یک قطعه عکس رؤساء دول بیطرف نیز به ضمیمه آن عاید اینجانب گردید.

[امضاء] دکتر محمد مصدق

۴۰۶

نامه دکتر مصدق در جواب نامه شورای جبهه ملی ایران مقیم امریکا

احمدآباد - ۱۲ شهریورماه ۱۳۴۱

توسط جناب آقای دکتر شایگان

شورای جبهه ملی ایران مقیم آمریکا

نامه مورخ ۳۰ تیرماه ۴۱ حاکی از تشکیل سازمان جبهه ملی ایران در امریکا عز وصول ارزانی بخشید و موجب کمال خوشوقتی گردید، عقب‌ماندگی ما ایرانیان بعلت نداشتن تشکیلات سیاسی و اجتماعی است و این نقیصه سبب شده که ایران عزیز آزادی و استقلال خود را از دست بدهد و هیچ فرد ایرانی نتواند کوچکترین اعتراضی بکند. از این جانب که اکنون متجاوز از ۹ سال است در زندان بسر می‌برم و حتی از این قلعه نمی‌توانم پای به خارج گذارم کاری ساخته نیست مگر اینکه از خدا بخواهم امثال این تشکیلات زیاد شود و در سایه اتحاد بتوانند در راه آزادی و استقلال وطن عزیز گامهای بلندتر بردارند. امید و آتیه ایران بسته به اتحاد و مبارزه نسل جوان است.

دکتر محمد مصدق

۴۰۷

نامه دکتر مصدق در جواب نامه اللهیار صالح

احمدآباد - ۲۲ شهریورماه ۱۳۴۱

خدمت جناب آقای اللهیار صالح ریاست محترم هیئت اجرایی جبهه ملی ایران
مرقومه محترمه مورخ ۱۵ جاری عز وصول ارزانی بخشید و موجب نهایت امتنان گردید.
این جانب هر قدر فکر می‌کنم خدمت قابلی که شایان اینهمه تقدیر باشد ننموده‌ام و چنانچه
خدمتی هم به وطن عزیز شده نتیجه همکاری شما رجال خیرخواه وطن پرست بوده است و از
اینکه در مدت قریب ده سال سرد و گرم روزگار کوچکترین اثری در معتقدات آقایان معظم و
هموطنان عزیز نداشته است و هر کس در هر محلی بوده آنرا حفظ کرده و ثابت در آن مانده است
نهایت افتخار دارم و تردید ندارم با ایمان راسخی که نسبت به استقلال ایران و آزادی هموطنان
دارید دیر یا زود به مقصود می‌رسید و چون از این حقیر با وضعیت فعلی کاری ساخته نیست
فقط موفقیت آقایان محترم و همکاران عزیز را از خداوند می‌خواهم. جواب پیام سرتاپا مهرآمیز
کنگره جبهه ملی ایران در اروپا را عرض نموده تقدیم می‌کنم و ارسال آنرا بمقصد از کرم عمیم آن
جناب خواهانم. در خاتمه تشکرات خود را از توجهی که به این حقیر دارید تقدیم می‌نمایم.
دکتر محمد مصدق

۴۰۸

نامه دکتر مصدق در جواب پیام کنگره جبهه ملی ایران در اروپا

احمدآباد - ۲۲ شهریورماه ۱۳۴۱

کنگره وسیع جبهه ملی ایران در اروپا
پیام پر از شور و حرارت آن کنگره محترم مرا آنقدر متأثر ننموده که بتوانم تأثرات خود را
عرض نمایم. قبول بفرمائید نه یکبار بلکه هر چند بار که آنرا خواندم اشک از چشمهایم درآمد و
چه خوش گفته آنکه در معنا سفته: بر دل نشیند هر آنچه از دل درآید. این پیام که از حلقوم یکعده
رجال وطن پرست برای این حقیر تهیه شده آنقدر پرمعنا و دلپذیر بود که نه من بلکه هر سنگدلی
را متأثر می‌کرد و این است معنای بلاغت و فصاحت کلام. من در این زندان اول امیدم بخدا و
بعد بشما نسل جوان است و هیچ تردید ندارم با اتحادی که نموده‌اید بر مشکلات غلبه می‌کنید و
یکی را بعد از دیگری از بین می‌برید. صبر و حوصله را پیشه قرار دهید و باور کنید آنچه بر ما
گذشته است بیش از ساعتی از عمر یک ملت نیست. بیش از این تصدیع نمی‌دهم و از خدای
منان اتحاد و توفیق شما را در مبارزه با دشمنان ایران خواهانم.

دکتر محمد مصدق

۴۰۹

نامه دکتر مصدق در جواب نامه محمود تفضلی

احمدآباد - ۸ مهرماه ۱۳۴۱

خدمت جناب آقای محمود تفضلی ادام‌الله بقائه

قربانت گردم [۱] مرقومه مورخ ۲۴ شهریور با کتاب «اندیشه‌های نهرو» دو روز قبل به این جانب رسید و معلوم نشد نزدکی بوده که دستخوش این تأخیر شده است. آدرس جنابعالی که سؤال شد گفتند به خارج تشریف برده‌اید، با این حال درصدد عرض جواب برمی‌آیم و امیدوارم باز بهمان وسیله نامعلوم به مقصد برسد و توفیق حاصل کند. قبول بفرمائید تراوشهائی که در جامعه از شخص جنابعالی شده جالب این ارادتمند و اشخاصی مثل این جانب بوده است و هرچه گذشته است بر ارادتم افزوده است.

از ترجمه آن قسمت از کتاب «ایدن» راجع به ایران به توسط شخص جنابعالی آن قدر خوشوقت نشدم که بتوانم شرح دهم چون که ترجمه اول است که در افکار مردم تأثیر می‌کند و اگر چیزی مغرضانه منتشر کنند بسیار مشکل است که بعد، از افکار زدوده شود. با ترجمه فرانسوی کتاب که نزد این جانب بود مقایسه کردم. معلوم شد که با کمال صحت و امانت نقل شده است و قلباً صدآفرین گفتم و از خدا خواستم که امثال جنابعالی را در این مملکت محتاج زیاد کند و مردم بدینطریق به راه راست دلالت شوند.

و اما راجع به کتاب اندیشه‌های نهرو از آن وقت که با مرحوم «گاندی» همکاری داشتند و نامشان در جراید منتشر می‌شد نسبت به ایشان ارادت قلبی داشته و بعد سعادت یاری کرد بوسیله جناب آقای دکتر تاراجند سفیرکبیر هند در ایران به منصفه ظهور رسد و تجدید گردد. و از اینکه موقع تشریف‌فرمائی به تهران خواستند مرا سرافراز و در زندان دیداری از این اخلاصمند حقیقی بعمل آورند ولی مورد موافقت بعضی قرار نگرفت بسیار غصه خوردم و افسرده شدم و باز رنج می‌کشم و بسر می‌برم. دیگر چه عرض کنم که شما را بیش از این متأثر نمایم.

در خاتمه ارادت خود را تجدید می‌کنم و توفیق شما را در خدمت به هموطنان عزیز خواهانم.

دکتر محمد مصدق

۴۱۰

نامه دکتر مصدق به مدیر روزنامه باختر امروز در خارج از کشور

احمدآباد - ۱۸ مهرماه ۱۳۴۱

جناب آقای مدیر محترم روزنامه باختر امروز ارگان سیاسی جبهه ملی ایران خارج از مرکز

بعد از نه سال اقامت در زندان و نداشتن حق ملاقات با احدی غیر از اعضای خانواده‌ام آقای «روژ رهینت» خبرنگار روزنامه آلمانی «دویچه سلینتوک» از مقامات عالی‌ه کشور اجازه گرفت از این جانب دیدن کند و این ملاقات در یکی از روزهای شهریورماه قبل در احمدآباد روی داد، با اینکه هیچ اشتیاقی به مصاحبه نداشتم وضعیت طوری پیش آمد که بیاناتی شد و در آن جریده منتشر گردید. سپس جریده مزبور در تهران ترجمه دیوئی‌گونی شد و نسخه‌های بی‌شماری در دسترس عموم قرار گرفت که برحسب اتفاق یک نسخه هم به این جانب رسید و دیدم که در چند نقطه بیاناتم تحریف شده و اکنون آنچه مورد توجه است و باید تکذیب شود آن قسمت از مصاحبه است که نسبت دادند گفته‌ام «در ایران نمی‌توان با مجلس حکومت کرد» نظر به اینکه تا این روز نتوانستم به هیچ وسیله‌ای آن را در تهران تکذیب کنم و سکوت هم ممکن است بین بعضی از هموطنانم ایجاد سوء تفاهم کند این است که دست توسل به سوی روزنامه «باختر امروز» که ناشر افکار حقیقی ملت ایران است دراز می‌کنم و درج آن را در اولین شماره آن روزنامه گرامی خواهانم.

طبق اصل ۲۷ متمم قانون اساسی قوای مملکت به سه شعبه تجزیه می‌شوند: (۱) قوه مقننه (۲) قوه قضائیه (۳) قوه اجرائیه و این قوای ثلاثه است که ضامن بقای مملکتند. اگر با مجلس شورای ملی که نماینده حقیقی ملت است نتوان به مملکت خدمت نمود از قوه اجرائیه بدون مجلس این کار ساخته نیست و به طور حتم در مصالح ایران تمام نمی‌شود. کسانی که بخواهند به مملکت خدمت کنند باید با شرکت مجلسی مرکب از نمایندگان حقیقی ملت این کار را انجام دهند و این همکاری سبب شود که مردم به دولت و عمال دولت اعتماد پیدا کنند و به طیب خاطر مجری نظریات و احکام دولت بشوند و این عدم اعتمادی که اکنون بین مردم و دولت هست از بین برده و اینکه گفته‌اند مشروطه باید از پائین به بالا سرایت کند و تا انجمن‌های شهری و ایالتی انتخاب نشوند مردم نمی‌توانند وکلای خوبی انتخاب نمایند عذری است بدتر از گناه، چونکه در هر مملکت اول مردم نمایندگان مجلس را انتخاب و بعد اگر قانونی برای تشکیل انجمن‌ها وضع شود به اینکار هم مبادرت می‌کنند [۰].

برای اینکه انتخاباتی بی‌غل و غش از کار درآید فقط کافی است که دولت دست از دخالت در انتخابات بردارد و احزاب سیاسی مستقل نامزدهای وکالت را آنجا به بعد معرفی کنند و مردم آزاد باشند بهر کس که می‌خواهند رأی بدهند. بنابراین در تشکیل مجلس هرچه تأخیر شود به ضرر مملکت تمام می‌شود و موجب ندامت است و این مجلس است که در هر عهد سپر بالای شخص اول مملکت و دولت بوده است. یک نفر را می‌توانند بهر وسیله‌ای جلب کنند ولی با گروهی از مردم این کار عملی نیست و پیرامون آن نمی‌روند. بهترین مثال همین قراردادی است که با دولت امریکا منعقد شده و معلوم نیست که دارای جنبه دفاعی و تعرضی است یا فقط جنبه دفاعی دارد چونکه تاکنون صاحب مملکت یعنی ملت ایران چنانچه روزی اتفاق نیفتد باید

مجری این قرارداد بشود از آن بی‌خبر است در این قرارداد تثبیت شد که دولت ایران در مقابل دولت اتحاد جماهیر شوروی تعهد کند که در ایران به هیچ دولتی پایگاه موشک ندهد یک قدمی برخلاف آزادی و استقلال ایران بردارد چونکه یک دولت مستقل و آزاد دولتی را گویند که در خاک خود بتواند هر معامله‌ای را که می‌خواهد بکند.

توفیق آن جریده شریفه را در خدمت به وطن عزیز از خدا خواهانم.

دکتر محمد مصدق

۴۱۱

نامه دکتر مصدق در جواب به نویسنده رساله نسل جوان و جبهه ملی

احمدآباد - ۲۰ مهرماه ۱۳۴۱

آقای محترم... هموطن عزیزم

نامه شریف مورخ مرداد ۱۳۴۱ و رساله «نسل جوان و جبهه ملی» چند روز قبل از این عز وصول ارزانی بخشید و از قرائت آن بسیار محظوظ و خوشوقت شدم و شاکرم از اینکه وطن عزیز ما ایران رجالی دارد که می‌توانند خوب قضایا را تجزیه و تحلیل کنند و افکار عمومی را روشن نمایند و این خود کمال امیدواری است که ایران خواهد توانست در آتیه نزدیک استقلال از دست رفته خود را بدست آورد.

در جزئیات رساله وارد نمی‌شوم چون که بعضی از نقاط آن محتاج توضیحات شفاهی است که با اقامت اینجانب در زندان سازگار نیست. بنابراین بطور کلی و خلاصه عرض می‌کنم که علت شکست ما دو چیز بود که یکی جنبه مادی داشت و دیگری جنبه معنوی.

دول استعماری نتوانستند از نفت ایران صرف‌نظر کنند، چه ابقای نفت در دست ملت ایران سبب می‌شد که سایر کشورهای نفت‌خیز هم احقاق حق خود را بخواهند. این بود که با هم متفق شدند و بهر قیمتی بود دولت را از بین بردند و مبلغ آن را هم «اندره تالی» در فصل هفتم کتاب «سیا» ده میلیون دلار یعنی هشتاد میلیون تومان قلمداد کرده است.

و اما اینکه اینجانب روزهای ۲۵ تا ۲۸ مرداد سکوت اختیار کردم علت این بود که اینجانب قوائی در اختیار نداشتم. دو افسر از اقوام من حافظ خانه بودند که آنها را هم بعد محاکمه و محکوم کردند.

در خاتمه از زحماتی که در تنظیم این نشریه مفید متحمل شده‌اید تشکر می‌کنم و توفیق شما را در خدمت به وطن عزیز خواهانم.

دکتر محمد مصدق

۴۱۲

نامه دکتر مصدق در جواب پیام فدراسیون دانشجویان ایرانی در آلمان فدرال و برلن غربی

احمدآباد - ۸ آبان‌ماه ۱۳۴۱

فدراسیون دانشجویان ایرانی در آلمان فدرال و برلن غربی
پیام پرشور و گرم آقایان عزیز رسید و موجب سربلندی و مباهات گردید. از اینکه شالوده
مبارزات خود را براساس استواری قرار داده‌اید خوشوقتم و یقین دارم دیر یا زود شما دانشجویان
عزیز به آرزوی خود می‌رسید و از طول زمان برای نیل به مقصود آزردہ نمی‌شوید. در این کشور
که قرن‌ها است زیر نظر دول استعماری اداره شده وقت لازم است تا بتوانید استعمار را از بین ببرید
و دفع کنید.

ترس من از این است آقایان که هریک منفرداً مراجعت می‌کنید خواهی نخواهی در این
منجلاب غرق شوید و از نیل به مقصودی که دارید باز بمانید. برای کسب توفیق لازم است با
نسل جوان و دانشجویانی که وطن‌پرستی خود را ثابت کرده‌اند همگام و همصدا شوید و از این
اختلافی که شما در خارج و آنان در ایران تحصیل کرده‌اند قویاً پرهیز کنید.
مسالک مختلف نباید مانع همکاری شود چون که سرلوحه هر مسلکی آزادی و استقلال
وطن است که تنها بدست نیامده باید همه یکی شوید و متفقاً مبارزه کنید.
بیش از این زائد است عرض کنم. توفیق شما را در راه آزادی و استقلال وطن عزیز از خدا
مستثلت دارم.

دکتر محمد مصدق

۴۱۳

نامه دکتر مصدق در جواب مرقومه آقای ادیب برومند

احمدآباد - ۱۸ آبان ۱۳۴۱

قربانت گردم؛ مرقومه محترمه عز وصول ارزانی بخشید و موجب نهایت امتنان گردید.
خواهانم همیشه خوش و سلامت باشید و بخدمات این مردم رنج‌دیده توفیق حاصل فرمایند.
در خاتمه تشکرات خود را تقدیم و ارادت خود را تجدید می‌نمایم.

[امضاء] دکتر محمد مصدق

[رقم ظہیر پاکت]

خدمت جناب آقای ادیب برومند وکیل پایه ۱ دادگستری

۴۱۴

دستخط دکتر مصدق به ...

احمدآباد - آبان‌ماه ۱۳۴۱

زیر عکسی نوشته‌ام

بکسانی که وقتی پای مصالح عموم بمیان آید از مصالح خصوصی و نظریات شخصی صرف‌نظر کنند. به کسانی که در سیاست مملکت اهل سازش نیستند و تا آنجا که موفق بشوند مرد و مردانه می‌ایستند و یک‌دندگی بخرج می‌دهند و باز به کسانی که در راه آزادی و استقلال ایران عزیز از همه چیز خود می‌گذرند. این عکس ناقابل اهداء می‌شود.

دکتر محمد مصدق

۴۱۵

پیام دکتر مصدق به کنگره جبهه ملی ایران

احمدآباد - ۳ دی‌ماه ۱۳۴۱

کنگره جبهه ملی ایران

تشکیل اولین کنگره جبهه ملی ایران را تهنیت عرض می‌کنم. به روان پاک دکتر سید حسین فاطمی و سایر شهدای راه آزادی که با خون خود مبارزات ضداستعماری را آبیاری کرده‌اند و به آقایان محترمی که از راه دور و نزدیک برای خدمت به هموطنان عزیز کنگره را به قدم خود مزین فرموده‌اند و همچنین به آن کسانی که در راه نیک‌بختی و سعادت ایران از هر پیش‌آمدی هراس نکرده و با کمال شهامت و طیفه ملی خود را انجام داده‌اند درود فراوان می‌فرستم و اجازه می‌خواهم با استحضار برسانم که جبهه ملی هیچ وقت نظری جز اعتلاء و عظمت ایران نداشته و همیشه خواهان این بوده که هموطنان عزیز همه در سرنوشت خود دخیل شوند و با هرگونه فداکاری وطن عزیز خود را به مقامی که داشت برسانند. و این نام عقب‌ماندگی که در نتیجه بی‌کفایتی زمامداران گذشته نصیب کشور ما شده از بین برود و این آرزو به نتیجه نمی‌رسد جز اینکه افرادی شایسته و جوانان هنوز به همه چیز نرسیده در مقدرات مملکت شرکت کنند و کشور ایران صاحب رجالی کاردان و فداکار بشود. بدیهی است که این افراد وقتی می‌توانند شایستگی خود را به معرض ظهور درآورند که نیروهای ملی تشکیل شود و هرکس بتواند در اجتماع برتری خود را نسبت به دیگری بمنصه ظهور برساند. بنابراین باید با اتحاد و هم‌آهنگی کامل و انتخاب افرادی برای عضویت در شورای جبهه ملی آمال و آرزوی افراد وطن‌پرست عملی شود و دربهای جبهه ملی به روی کلیه افراد و دستجات و احزابی که مایل به مبارزه و از

خودگذشتگی در راه واژگون ساختن دستگاه استعمار هستند مفتوح گردد و منتهای کوشش بعمل آید تا کسانی که خواهان آزادی و استقلال ایرانند به جمع مبارزان بگروند.

در روزهای اول مشروطه که در این مملکت نه حزبی تشکیل شده بود، نه مردم از اوضاع و احوال دنیا اطلاعات کافی داشتند پیشرفت مشروطه و گرفتن قانون اساسی با جدیت و فداکاری انجمنهایی به نتیجه رسید که در تهران و شاید در حدود صد انجمن تشکیل شده بود که هرکس در یک یا چند انجمن می‌توانست عضو شود و با معلومات قلیلی که داشت افراد را به حقوق خودشان آشنا کند و در راهی که منتهی به هدف می‌شد سوق دهد و بدین طریق علاقه مردم به مشروطه و قانون اساسی بجائی رسید که در روز بمب‌باران مجلس عده کثیری از همه چیز خود گذشتند و در راه آزادی و خدمت به هموطنان به مقام شهادت رسیدند و قبرستان شهدای آزادی را برای تشویق اخلاف خود به یادگار گذاشتند. آن روز قانون اساسی نبود آن را گرفتند و امروز که بود آن را دفن کردند و یک فاتحه بی الحمد هم برای این مدفون نخواندند.

این است آنچه بنظر اینجانب در پیشرفت سیاست جبهه ملی رسید و اکنون بسته بنظر آقایان محترم است که در اساسنامه جبهه ملی مخصوصاً آن قسمت که مربوط به شورای جبهه ملی است تجدیدنظر کنند و جبهه را بصورتی درآورند که مؤثر شود و هموطنان عزیز به آینده کشور امیدوار شوند. بیش از این عرض ندارم و توفیق آقایان محترم را در خدمت به وطن عزیز خواهانم.

دکتر محمد مصدق

۴۱۶

جواب دکتر مصدق به مرقومه دکتر سعید فاطمی

احمدآباد - اول فروردین ماه ۱۳۴۲

قربانت گردم [۱] مرقومه محترمه عز و صول ارزانی بخشید و موجب نهایت امتنان گردید. خواهانم که این سال گرچه برای ما عیدی نیست به جنابعالی مبارک و میمون باشد و سالهای بسیار در کمال صحت و خوشی بسر برید. بنده هم در این قلعه کماکان می‌گذرانم و اجازه خروج از این چهار دیوار هم داده نشده و اکنون قریب هفت سال است که با این وضعیت می‌سازم [۲]. بیش از این چیزی عرض نمی‌کنم که موجب ملالت خاطر شما بشود.

دکتر محمد مصدق

[ظهرنامه]

تهران - خیابان حشمت‌الدوله غربی، کرچه عطفیه، کاشی ۲۳
جناب آقای سعید فاطمی دانشیار دانشگاه تهران

۴۱۷

نامه دکتر مصدق در جواب مرقومه دکتر سعید فاطمی

احمدآباد - ۳ فروردین ماه ۱۳۴۲

قربانت گردم [!] مرقومه محترمه عز وصول ارزانی بخشید و موجب نهایت امتنان گردید گرچه عیدی برای ما نیست که بتوانیم از روی حقیقت به یکدیگر تبریک بگوئیم با این حال از این عید سیاسی باید استفاده کرد و از حال هم مطلع گردید خواهانم که این سال به سرکار علیه خانم والده محترمه و شما خودتان مبارک و میمون باشد و سالهای بسیار در کمال صحت و خوشی به سر برید. از حال بنده خواسته باشید بد بود و کسالت خانمم آن را بدتر کرد و اکنون قریب ۲۰ روز است که در بیمارستان بستریست و دلخوشم از اینکه می‌گویند خطر را رفع کرد. عکسی را که خواسته‌اید و ناقابل است تقدیم می‌کنم و جمله رهبری را نتوانستم بنویسم چونکه رهبر را باید ملت تعیین کند نه بنده که سالهاست از همه جا بی‌خبرم و در این زندان بسر می‌برم و به انتظار خاتمه حیاتم. بیش از این عرض ندارم و سلامت همگی را خواهانم.

دکتر محمد مصدق

[ظہرنامه] خدمت جناب آقای دکتر سعید فاطمی دام بقائه

۴۱۸

نامه دکتر مصدق در جواب به نامه خانم پروانه فروهر

احمدآباد - ۶ فروردین ماه ۱۳۴۲

خانم محترم و عزیزم

مرقومه محترمه عز وصول ارزانی بخشید و موجب نهایت امتنان گردید نمی‌دانم از فرط افسردگی چگونه عرض کنم چونکه یک عده دوستان و فداکاران حقیقی مملکت من جمله شخص قائم بالذات یعنی همسر محترم شما بجرم پاکی عقیده و دوستداری وطن اکنون مدتی است که در زندان بسر می‌برند و معلوم نیست که این رفتار ظالمانه تا چه وقت ادامه پیدا کند، وضعیتشان به کجا منتهی گردد. بنده خود نیز که سالها هست به این سرنوشت دچار شده‌ام از خدا می‌خواهم که سال ۱۳۴۲ سال فرج بعد از شدت باشد، آقایان دوستان عزیز هم از اسارت درآیند و در راه آزادی و استقلال ایران گامهای بلند و مؤثر بردارند. از تأخیر عرض جواب که بی‌اطلاعی از آدرس بوده معذرت می‌طلبم، صحت و سلامت وجود محترم را خواهانم.

[امضاء] دکتر محمد مصدق

۴۱۹

نامه دکتر مصدق در جواب نامه آقای سید علی فدکی

احمدآباد - ۱۲ فروردین ماه ۱۳۴۲

جناب آقا سید علی فدکی

نامه شریف مورخ ۸ جاری عز وصول ارزانی بخشید و موجب نهایت امتنان گردید. در این موقع که جناب آقای نصرت‌الله امینی از نعمت آزادی محروم شده و ایامی در زندان قصر بسر می‌برند هیچ نمی‌خواستم کمترین اظهاری در مورد امور موقوفه بیمارستان نجمیه بکنم و آرزو داشتم ایشان از این وضعیت ناگوار خلاص شوند و کماکان تقاضاهای این جانب را مورد توجه قرار دهند و اکنون که جنابعالی عهده‌دار انجام وظایف ایشان شده‌اید امیدوارم به همت شخص شما ناتمامی کارهای موقوفه هرچه زودتر به اتمام برسد. جناب آقای نصرت‌الله امینی هم از این وضعیت ناگوار خلاص شوند و چشم ارادتمندان را به دیدار خود روشن نمایند. تمنا دارم نتیجه قطعی محاکمات را هرچه زودتر به این جانب اعلام فرمایند که موجب نهایت تشکر است.

[امضاء] دکتر محمد مصدق

۴۲۰

نامه دکتر مصدق در جواب نامه دکتر ابراهیم یزدی

احمدآباد - ۱۴ فروردین ماه ۱۳۴۲

عرض می‌شود

مرقومه محترم مورخ اسفند قبل عز وصول ارزانی بخشید و موجب نهایت امتنان گردید. باینکه عیدی در بساط نیست خواهانم که سالهای سال در کمال صحت و خوشی بسر برید و به آرزو و هدفی که دارید برسید. اکنون قریب ده سال است بنده در زندان لشکر ۲ زرهی و قلعه احمدآباد محبوسم و معلوم نیست آن خدائی که مرقوم فرموده‌اید جهل و ظلم را محکوم می‌کند چه وقت به داد ما خواهد رسید. بد نیست که انتظار بکشیم چونکه از یک ملت ناتوان کاری ساخته نیست، خیلی مصدع شدم امید عفو دارم.

[امضاء] دکتر محمد مصدق

۴۲۱

جواب دکتر مصدق به نامه خانم پروانه فروهر

احمدآباد - ۱۶ فروردین ۱۳۴۲

عرض می‌شود

نامه‌ای که لطف فرموده‌اید خانم زهرا مصدق برای بنده فرستادند و موجب کمال خوشوقتی

و امتنان گردید، جواب آن را هم به اختصار عرض کرده تقدیم می‌کنم که در صورت امکان به محل خود ارسال فرمائید [۰]. در خاتمه خواهانم که صبر و شکیبایی را پیشه قرار دهند تا بخواست خدا فرج بعد از شدت پیش آید.

ارادتمند - دکتر محمد مصدق

۴۲۲

نامه دکتر مصدق در جواب تبریک آقای داریوش فروهر

از اظهار لطفی که فرموده‌اید بی‌نهایت متشکرم. نظر به اینکه در این سال برای ما عیدی نیست که تبریک عرض کنم خواهانم که سالهای سال در کمال صحت و خوشی بسر برید و عمر بنده کفاف دهد که مرتبه دیگری جنابعالی و سایر آقایان محترم عزیز را زیارت کنم و ببوسم [۰].
احمدآباد - ۱۶ فروردین ۱۳۴۲

[امضاء] دکتر محمد مصدق

۴۲۳

پاسخ دکتر مصدق به نامه اکثریت دانشجویان در کنگره نمایندگان جبهه ملی ایران

احمدآباد - ۱۹ فروردین ماه ۱۳۴۲

آقایان محترم و فرزندان عزیزم

از توجهی که همیشه به آزادی و استقلال وطن داشته‌اید متشکرم و از ناراحتی و زجرهایی که در این راه کشیده‌اید سخت متأثرم. نظر باینکه با اوضاع و احوال کنونی که رهبران جبهه ملی و رجال وطن پرست و عده‌ی بیشماری از شما دانشجویان عزیز در زندان و حبس بسر می‌برند و در چنین احوال مطالعه در جریان کار کنگره بی‌مورد است و ممکن است بجهتی از جهات پرونده نزد اینجانب از بین برود اینست که آن را اعاده می‌دهم نزد خود آقایان مضبوط بماند.
توفیق شما دانشجویان عزیز را در خدمت بوطن آرزومندم و از خدا مسئلت دارم.

دکتر محمد مصدق

۴۲۴

نامه دکتر مصدق در جواب سپهبد امیراحمدی

احمدآباد - ۲۰ اردیبهشت ۱۳۴۲

خدمت تیمسار محترم آقای سپهبد امیراحمدی

قربانت شوم [؛] قبول فرمائید که بعد از یک عمر بیخبری مزده صحت و سلامت جنابعالی

چقدر بنده را خوشوقت نمود خواهانم همیشه سلامت باشید و اما راجع به نامه‌ای که تیمسار مقبلی به جنابعالی نوشته‌اند عرض می‌کنم که هرچه خواستم ایشان را متوجه کنم که بنده مالک ملک نیستم بلکه متولی موقوفات بیمارستان نجمیه هستم و در آخر هر سال باید به اداره اوقاف تهران حساب پس بدهم متقاعد نشدند و باز در این باب موجب تصدیع خاطر محترم شده‌اند. املاک موقوفه به این شرط اجاره داده شد که چنانچه مستأجر از عهده پرداخت مال الاجاره برنیاید از محل وثیقه وصول شود در این صورت بنده چطور می‌توانم از وثیقه صرف‌نظر کنم و طلب موقوفات را از مستأجر که معلوم نیست چیزی دارد یا ندارد وصول نمایم اگر مستأجر شخص دولت نیست چه از آن بهتر که تیمسار مقبلی مزاحم اشخاصی مثل جنابعالی نشوند و از خود مقروض [؟] طلب خود را وصول نمایند یک دوره از حسابهای ده ساله بیمارستان و موقوفات آن را تقدیم می‌کنم و یقین دارم که پس از امعان مختصری تصدیق خواهند فرمود که امور بیمارستان نجمیه و موقوفات آن از روی کمال صحت اداره می‌شود و بنده قادر نیستم دیناری از مال موقوفه را گذشت کنم [۰]. بیش از این عرضی ندارم و ارادت خود را تجدید می‌نمایم

دکتر محمد مصدق

۴۲۵

نامه دکتر مصدق در جواب مرقومه نمایندگان کارگران دخانیات، کشتارگاه و ساختمانی و شرکت نفت و خیاط و پیراهن‌دوز

احمدآباد - ۱۷ خرداد ۱۳۴۲

آقایان محترم نمایندگان کارگران دخانیات، کشتارگاه و ساختمانی و شرکت نفت و خیاط و پیراهن‌دوز ادام‌الله بقائهم

مرقومه محترمه مورخ اول خرداد در این روز عز وصول ارزانی بخشید و موجب نهایت امتنان گردید. قبول بفرمائید تا روزی که کنگره تشکیل می‌شد و ریاست محترم جبهه ملی از این جانب تقاضای پیام نمودند این جانب مطلقاً در امور جبهه ملی دخالت نداشتm و نمی‌خواستم دخالت کنم و تقاضای تقدیم پیام سبب شد که معایب آن جبهه را بگویم و گوشزد نمایم ولی متأسفانه به آن ترتیب اثر ندادند و از تصویب اساس‌نامه و آئین‌نامه جدید هم بکلی بی‌اطلاع بودم تا اینکه روزهای اخیر بعد از مخالفت بعضی از آقایان شورای جبهه اساس‌نامه و آئین‌نامه را فرستاد و این جانب از مفاد آن که برخلاف آزادی و عدالت است مستحضر شدم و اکنون از آقایان محترم سؤال می‌کنم که شما نماینده اصناف هستید و از طرف اصناف انتخاب شده‌اید یا از طرف کنگره‌ای که نه شما را می‌شناخت نه پشتیبان شماست و هرکه را خواستند انتخاب کرد. این انتخابات عیناً همان است که دولت بولایت از طرف مردم می‌کند. چنانچه آقایان محترم

با این انتخابات موافقید، اساس نامه جبهه ملی موجب بسی افتخار است و امیدوارم که سربلند باشید و در صورت عدم موافقت باید در اساس نامه تجدیدنظر شود و نمایندگان هر دسته و هر صنفی نماینده‌ی حقیقی آن دسته و صنف باشند و بدرد موکلین خود بخورند.

این جانب شرحی خدمت جناب آقای صالح عرض کرده‌ام که در اساس نامه و آئین نامه تجدیدنظر کنند و رفع اعتراض از یک عده مخالفین بفرمایند. چنانچه مورد قبول واقع شود این دو دسته می‌توانند خدماتی به وطن عزیز بنمایند والا انتظار هیچ پیشرفتی برای جبهه ملی نباید داشت و این جانب هم دیگر دخالتی در کار جبهه نخواهم نمود و مخالفین خود دانند هرچه صلاح می‌دانند بکنند. در خاتمه توفیق آقایان محترم را خواهانم.

[امضاء] دکتر محمد مصدق

۴۲۶

جواب دکتر مصدق به پیام دومین کنگره کنفدراسیون محصلین و دانشجویان ایرانی در لوزان

احمدآباد - ۱۹ خرداد ماه ۱۳۴۲

پیام دومین کنگره کنفدراسیون باین حقیر با یک مدتی تأخیر رسید و بعد چون بعلت نسیان جواب بموقع عرض نشده موجب بسی تأسف گردید. چنانچه عرض کنم مندرجات مؤثر این پیام حالی برایم نگذاشت و آن را دگرگون ساخت خبری برخلاف واقع عرض نشده و تأثیر کلام در شنونده دال بر صحت قول گوینده است.

از این حقیر که در روزهای آخر عمر بسر می‌برم و آزادیم بحدیست که می‌توانم جواب نامه‌ی آن فرزندان عزیز را با کمال احتیاط بنویسم کاری ساخته نیست جز اینکه توفیق شما را در راهی که قدم برداشته‌اید بخوام و از خدا مسألت نمایم که بتوانید گامهای بلند بردارید و ایران وطن عزیز را با آزادی و استقلال برسانید. امید ملت ایران بشما نسل جوان و بآن عده رجال و افرادیست که در راه آزادی و استقلال وطن آنچه توانسته‌اید فداکاری کرده‌اند و از همه چیز خود گذشته‌اند دیگر عرض ندارم جز اینکه از تأخیر عرض جواب معذرت بخوام.

دکتر محمد مصدق

۴۲۷

نامه دکتر مصدق در جواب نامه دکتر امیرعلائی

احمدآباد - ۲۲ خرداد ۱۳۴۲

قربانت شوم [!؛] مرقومه محترمه عز وصول ارزانی بخشید. از اینکه باز مجدداً به خارج

تشریف می‌برید خوشوقت‌م چونکه در این مملکت احتیاجی به وجود شریف جنابعالی نیست و جنابعالی شخص مقید ثابت‌قدم که در این مملکت نظیر شما بسیار کم است بس توقف در این مملکت هر روز چیزهایی ملاحظه می‌فرمائید که با سلیقه شما وفق نمی‌دهد عذابی است الیم، قبول بفرمائید که بنده بسیار مایل بودم که جنابعالی را زیارت کنم ولی، به غیر از فرزندانم کسی را نمی‌توانم به‌بینم امید دارم از سلامت حال خودتان بنده‌ی ارادتمند را بی‌خبر نگذارید. چونکه المکاتبه نصف الملاقات [۰] در خاتمه آرزومندم که تا نمرده‌ام جنابعالی را به‌بینم و ببوسم. ارادتمند - [امضاء] دکتر محمد مصدق

۴۲۸

نامه دکتر مصدق در جواب نامه...

احمدآباد - ۱۵ مرداد ماه ۱۳۴۲

آقای محترم و عزیزم

نامه‌ی مورخ ۵ جاری عز و صلوات ارزانی بخشید و موجب نهایت امتنان گردید. از توجهاتی که باعثای وطن عزیز دارید خوشوقت‌م و بدینوسیله تشکرات خود را از اقداماتی که در این راه و برای نیل مقصود فرموده‌اید تقدیم می‌نمایم و لازم است عرض کنم که موضوع هر قدر بزرگ باشد به نتیجه دیرتر می‌رسد. استقلال و آزادی یک مملکت کار کوچکی نیست که هر کس هر چه کرد نتیجه آن عاید خودش بشود. چه بسیار مردمی که در این راه جان سپردند و نتیجه آن را اعقاب و بازماندگانشان دیدند و اکنون امید یک عده خیرخواه و مثل این حقیر ناتوان بشما جوانان است که باین فداکاری ادامه دهید و آتی از تعقیب مقصود باز نمانید تا نتیجه‌ای که مطلوب است بدست آورید.

روزنامه هم رسید خواندم و حظ کردم زیانم الکن است که بتوانم خوشوقتی خود را از این عمل مفید و پسندیده‌ای که شده است و قلم عجز دارد که آن را بنویسم و اما اینکه شرحی بکنگره عرض کنم نظر باینکه این جانب آزاد نیستم لازم است که وارده‌ای باشد تا بتوانم در جواب نظرات خود را بنویسم و اکنون بانتظار پیام کنگره می‌مانم بیش از این عرض ندارم، سلامت شما را با موفقیت خواهانم.

دکتر محمد مصدق

۴۲۹

نامه دکتر مصدق در جواب...

احمدآباد - ۱۵ مرداد ماه ۱۳۴۲

قربانت شوم [؛] مرقومه محترمه عز و صلوات ارزانی بخشید و مزده صحت و سلامت

جنابعالی موجب نهایت خوشوقتی گردید. در این مملکت که مردم از اوضاع و احوال دنیا بی‌خبرند و قدرت این را ندارند که خود را اداره کنند خیرخواهان و فداکاران بوطن را بشناسند و بجای آورند، سرنوشت جنابعالی و حقیر از این بهتر نخواهد بود و ما هم اگر برای خدمت بنوع حاضر شدیم و کمر خدمت بستیم سرگذشت خود را پیش‌بینی کرده دانسته و فهمیده خود را برای جانبازی و فداکاری حاضر کرده‌ایم. چون که دیده‌ایم هر کس در این راه قدم برداشت دچار چه سرنوشتی گردید. اکنون باز مدتی لازم است تا خادمین وطن بتوانند نتیجه بذری که کاشته‌اند ببرند و تاریخ هر مملکتی بما نشان می‌دهد که غیر از این نبوده است. بسیار متأسفم که طبع شعر ندارم و باشعار بلابلند فصیح جنابعالی نمی‌توانم نظاماً جواب عرض کنم این است که بعرض این سطور قناعت می‌کنم و خود را لایق تعریفی که از این ارادتمند فرموده‌اید نمی‌دانم. در خاتمه تشکرات خود را تقدیم و سلامت و وجود محترم را خواهانم.

دکتر محمد مصدق

۴۳۰

نامه دکتر مصدق در پاسخ نامه سازمان دانشجویان جبهه ملی

احمدآباد - ۴ شهریورماه ۱۳۴۲

حضرات آقایان محترم هموطنان عزیزم

مرقومه محترمه مورخ ۳۱ مرداد در این روز عز و وصول ارزانی بخشید و موجب نهایت امتنان گردید که یادی از این حقیر شده و راجع به انتخابات دوره ۲۱ تقنینیه تقاضا فرموده‌اید نظریات خود را به استحضار برسانم. این است که قبل از بحث در موضوع عرض می‌کنم اظهار عقیده حق اشخاصی است که با جامعه ارتباط دارند و هر وقت موجباتی پیش آید می‌توانند با شور و مشورت با دیگران و اقامه ادله فراوان از تصمیمی که اتخاذ شده عدول کنند و تصمیم دیگری که بیشتر در مصالح اجتماع باشد اتخاذ نمایند [۱]. اظهار عقیده از کسی مثل حقیر موجه نیست چونکه در یک قلعه‌ای افتاده‌ام و نظریات خود را نمی‌توانم حتی با یک فرد مورد اعتماد در میان بگذارم [۲] با این حال به مصداق «مالا یدرک کُله لایترک کُله» عرض می‌کنم که در انتخابات آزاد وظیفه هر فردی از افراد این است که شرکت کنند بلکه بتوانند گامی در راه آزادی و استقلال وطن بردارند و تشخیص انتخابات آزاد با مقررات و تشکیلات درست شده قبل از خاتمه انتخابات کاریست بس مشکل و هیئت‌ی لازم است تشکیل شود که با ملاحظه احوال و اطراف آن را پیشگویی کند و تکلیف افراد علاقمند را در شرکت و یا عدم شرکت معلوم بدارد و رأی چنین ملتی را محترم بشمارند و اجراء نمایند. در هر حالی از احوال توفیق شما رجال و جوانان وطن‌پرست را آرزومندم و از خدا مسألت دارم [۳].

دکتر محمد مصدق

۴۳۱

نامه دکتر مصدق به دکتر محمود مصدق

احمدآباد - ۱۴ آذرماه ۱۳۴۲ [=] ۵ دسامبر ۱۹۶۳

قربان محمود عزیزم

کاغذ ۲۹ نوامبر شما رسید و موجب نهایت خوشوقتی گردید که بحمدالله سلامت هستید و دختر خوبی هم مثل مینو که می‌گویند باهوش است و خیلی از او تعریف می‌کنند دارید، شما و شیرین را مشغول می‌کند چه از این بهتر که اکنون اوقات و روزگار خود را در محلی که استفاده معلوماتی دارد صرف می‌کنید و بعد یک روز هم مراجعت می‌نمائید و بخدمت هموطنان عزیز توفیق حاصل می‌نمائید، از این بهتر چیست و بسیار باید شکر نمود.

از حال من بخواهید اکنون بحمدالله بهترم فقط با مختصر تغییری در هوای اطاق یا رفتن لحاف شب از رویم دچار سرماخوردگی می‌شوم، البته بعد از ۸۰ سال من نباید بیش از این انتظار داشته باشم و فقط شکایتم از خدای متعال این است که چرا من بازمانده‌ام و در خانه این ناراحتی‌ها بشوم، باری بیش از این چه بنویسم که اسباب کسالت شما بشود. فقط خواهانم که چندتا لباس از طرف من به مینو برسد تا اگر عمرم باقی بود این کار را خود انجام دهم.

قربانت محمد مصدق

۴۳۲

نامه دکتر مصدق به مسئولین سازمان محلات سابق جبهه ملی ایران

احمدآباد - ۲۷ دی‌ماه ۱۳۴۲

بوسیله آقای محترم حسین گلزار

آقایان محترم مسئولین سازمان محلات سابق جبهه ملی

مرقومه محترم مورخ ۲۳ جاری عز وصول ارزانی بخشید و از توجهی که به استقلال وطن عزیز و امور اجتماعی دارید بسیار خوشوقتم و نظر به اینکه با نظریات آقایان محترم موافقم لازم است بطور اختصار آنچه گذشته است باستحضار برسانم و آن این است که قبل از تشکیل کنگره در تهران از این جانب نظریاتی خواستند که در ۳ دی‌ماه ۱۳۴۱ و قبل از تشکیل کنگره اظهار نمود و جبهه بجای اینکه در اساس‌نامه و آئین‌نامه تجدیدنظر کند و آن را در صلاح و صواب مملکت تغییر دهد دست از کار کشید و اشخاص دیگری خود را جانشین اعضای سابق جبهه نمودند و در ۶ مهرماه این سال اساس‌نامه و آئین‌نامه جدیدی تنظیم نمودند که یک نسخه برای این جانب فرستادند که مورد موافقت این جانب هم قرار گرفت و ماده اول آئین‌نامه این است که عیناً نقل می‌شود:

«جبهه ملی سوم ایران مرکز تجمع احزاب و جمعیت‌های سیاسی و جامعه روحانیت و جامعه دانشجویان در سازمانهای سیاسی و اجتماعات صنفی و اتحادیه‌ها و دستجات محلی است که هریک از اینها مرامی خاص برای خود داشته باشند و با جبهه ملی سوم فقط دارای یک مرام مشترک باشند که آزادی و استقلال ایران است».

بنابراین لازم است آقایان محترم با تشکیلات جدید تماس بگیرند و آنچه را که اساس نامه و آئین نامه مقرر داشته بموقع اجراء گذارند و بسیار متأسفم در این زندان که عده زیادی از افراد ارتش روز و شب در تمام امورم نظارت می‌کنند و مانع از هر ملاقاتی هستند از این جانب کاری ساخته نیست. در خاتمه توفیق آقایان محترم را در خدمت به وطن عزیز خواهانم.

دکتر محمد مصدق

۴۳۳

دستخط دکتر مصدق به ...

زیر عکس نوشته شد

آقایان محترم و هموطنان عزیزم [!:] عکسی را که خواسته‌اید تقدیم می‌کنم و با اینکه عیدی برای ما نیست تبریکات صمیمانه خود را عرض و استقامت شما را در راه آزادی و استقلال ایران خواهانم.

احمدآباد - فروردین ۱۳۴۳

۴۳۴

نامه دکتر مصدق در جواب مرقومه ...

احمدآباد - اول فروردین ۱۳۴۳

آقای محترم و هموطن عزیزم

مرقومه محترمه عز و صول ارزانی بخشید و پیام دانشجویان عزیزم در دانشگاه مشهد موجب بسی امتنان و خوشوقتی گردید. خواهانم که این سال به همگی مبارک و میمون باشد و سالهای بسیار در کمال صحت و خوشی بسر برید و روزگاری پیش آید که شما در راه آزادی و استقلال وطن عزیز بتوانید گامهای بلند بردارید. این جانب در این زندان کاری ندارم جز اینکه از خداوند استقامت شما را در راه آزادی و استقلال ایران بخواهم امیدوارم که بتوانم تبریکات حقیقی خود را برای موفقیتتان عرض کنم و دیگر بیش از این عرضی ندارم.

دکتر محمد مصدق

۴۳۵

نامه دکتر مصدق در جواب نامه کمیته سازمان دانشجویان جبهه ملی ایران

احمدآباد - اول فروردین ماه ۱۳۴۳

کمیته محترم سازمان دانشجویان جبهه ملی ایران

نامه محترم مورخ ۲۹ اسفند عز وصول ارزانی بخشید و موجب نهایت خوشوقتی و امتنان گردید که این هیئت محترم کماکان مسائل مربوط به ملت ایران را در نظر گرفته و تعطیل ننموده است و این جدیتی که نشان می‌دهد موجب نهایت امیدواری است و این جانب به سهم خود موفقیت شما دانشجویان عزیز را در آزادی و استقلال ایران خواهانم و امیدوارم که موفق شوید و روزی تبریکات خود را در این زمینه بشما تقدیم کنم و بیش از این تصدیق نمی‌دهم و از خدا خواهانم که سالهای بسیار در کمال صحت و خوشی بگذرانید و باین اعیاد نایل گردید.

دکتر محمد مصدق

۴۳۶

جواب دکتر مصدق به نامه خانم پروانه فروهر

احمدآباد - ۲ فروردین ۱۳۴۳

عرض می‌شود

مرقومه محترمه عز وصول ارزانی بخشید و موجب نهایت امتنان گردید. با اینکه عیدی برای ما نیست از عید تصنعی استفاده می‌کنم و بعرض این چند سطر ارادت خالصانه و صمیمانه خود را تجدید می‌کنم و بآن وجود محترمی که خود را برای هرگونه فداکاری حاضر کرده و در مواقع عدیده در راه آزادی و استقلال وطن عزیز گامهای بلندی برداشته‌اند تبریک عرض می‌کنم و از خدا می‌خواهم که شما را در اجرای نیات حسنه موفق بدارد گرچه بنده به واسطه سن زیاد و ناتوانی هیچ امیدی نیست که روزگار بهتری را ببینم ولی چون به یک عده مردم خیرخواه امیدوارم روز و شبی را می‌گذرانم تا خداوند توفیق عطا کند آنچه را که می‌خواهم ببینم. بیش از این عرض این نمی‌کنم و ارادت خود را تجدید می‌نمایم

[امضاء] دکتر محمد مصدق

[ظهر پاکت]

خدمت سرکار علیہ خانم پروانه فروهر

۴۳۷

نامه دکتر مصدق در جواب...

احمدآباد - ۲ فروردین ماه ۱۳۴۳

آقای محترم و عزیزم

نامه مورخ ۲۷ اسفند عز وصول ارزانی بخشید و مندرجات آن که تمام مستدل و در خیر وطن عزیز است، نهایت خوشوقتی حاصل گردید چنانکه فکر کرده باشید از این جانب که اکنون قریب ۱۱ سال است زندانی هستم کاری ساخته نیست احتیاج به اقامه دلیل ندارم بطوری که خودتان متذکر شده‌اید یگانه راهی که برای پیشرفت مقاصد ملی بنظر رسید همانا دخالت کلیه احزاب و دستجات سیاسی در جبهه ملی بود که بنابه تقاضای رهبران جبهه نظرات خود را نوشتم که در کنگره قرائت شد و ترتیب اثری به آن ندادند و اکنون که این جانب در زندان بسر می‌برم چه قدرتی دارم که نظریاتی در خیر مملکت اظهار و آنرا بموقع اجرا بگذارم؟ خواهانم در این باب فکر کنید و تا سال دیگر که باز می‌توانید از ایام عید استفاده کنید باین جناب اظهار نمائید. توفیق شما را در خدمت بوطن عزیز خواهانم.

دکتر محمد مصدق

۴۳۸

نامه دکتر مصدق به هیأت اجرائی سازمانهای اروپائی جبهه ملی ایران

احمدآباد - ۳ فروردین ماه ۱۳۴۳

هیأت اجرائی سازمانهای اروپائی جبهه ملی ایران

نامه مورخ ۱۴ اسفند عز وصول ارزانی بخشید و موجب نهایت امتنان گردید. گرچه عیدی برای ما نیست که تبریک عرض کنم با اینحال از این عید سیاسی که در دسترس ما قرار داده‌اند باید استفاده کنیم و هرچه هست گفته شود، از رنج و غصه‌ای که داریم قدری بکاهیم. اینکه مرقوم شده است جواب نامه آن هیأت محترم را عرض نموده‌ام از این جانب چنین خلاف ادبی سر نزده و ممکن است به جهاتی معروضه بمقصد نرسیده است. و اکنون رونوشتی از آن جواب تهیه شده که ارسال می‌شود و یقین دارم رفع سوء تفاهم خواهد شد. نامه را هرکس داده جواب گرفته است.

جای بسی تشکر است که آن هیأت محترم از جریان کار در سازمانهای اروپائی جبهه که اطلاعاتی نداشتم این جانب را مستحضر فرموده و با اینکه از پیام ۳ دیماه ۱۳۴۱ این جانب به اولین کنگره جبهه ملی ایران بوسیله نوار مستحضر شده‌اید در صدد انحلال احزاب برآمده و

هرکجا که موفق شده‌اید نتیجه خوبی از آن گرفته‌اید که بنده تصور می‌کنم کار خوبی نشده مگر اینکه از مخالفین باشند و غیر از این جبهه ملی، حزب نیست که با مرامهای زیاد بتواند افرادی را از نظر توجه بمرام دور خود جمع کند.

جبهه ملی را باید مرکز احزاب کشور دانست که همه بیک اصل معتقد باشند و آن آزادی و استقلال مملکت است. چنانچه احزاب و اجتماعات در جبهه شرکت نکنند جبهه همان می‌شود که اکنون شده است و پشتیبان جبهه همان چند نفری خواهند بود که جبهه برای تشکیل شوری انتخاب نموده است. جبهه نباید در صلاحیت احزاب و اجتماعات بحث کند و چنانچه دولت از روی غرض حزب یا جمعیتی را منحل نمود آنوقت است که جبهه می‌بایست از آن دفاع کند. بنابراین هریک از احزاب و اجتماعات می‌توانند نماینده خود را برای شرکت در انجام وظایف روانه جبهه کنند و جبهه او را بپذیرد و چنانچه با صلاحیت آن نماینده موافق نباشد اعزام نماینده دیگری را از آن حزب یا جمعیت تقاضا کند چنانچه بمرامنامه یک حزبی مراجعه شود ملاحظه خواهید فرمود که علل بیشمار باعث موجودیت آن شده و غیر از این، افراد حاضر نمی‌شوند در یک اجتماع شرکت کنند و در صورت انحلال دیگر مرامی نیست که باعث تجمع شود و خواهان جبهه همان عده هستند که جبهه از نظر سابقه و آشنائی انتخاب کرده و قادر نیستند یک قدم در راه دفاع بردارند.

پیشرفت این جانب در سالهای قبل از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ روی این اصل بود که بمرام و مسلک احزاب هیچ نظری نداشتم و سلاح ما منحصر به جمع‌آوری افراد بود که همگی معتقد بیک اصل بودند و از استقلال ایران دفاع می‌کردند و روز سی‌ام تیر ۱۳۳۱ ثابت کردند که مدافعین حقیقی مملکتند.

نظر به اینکه پیام این جانب به اولین کنگره جبهه ملی ایران ممکن است در دسترس آقایان محترم نباشد نسخه دومی از آن هست تقدیم و عرض می‌کنم این جانب هیچ وقت نمی‌خواستم در این زندان که از همه جا بی‌خبرم در امور جبهه دخالت کنم. از این جانب خواستند پیامی فرستادم، ولی به آن ترتیب اثر ندادند و جبهه را بصورتی درآوردند که قادر به هیچ عملی نیست و این انشعابی که بوقوع پیوست و سبب گردید عده‌ای تحت تعقیب قرار گرفتند نتیجه عملیات جبهه است^۳ چنانچه نسبت به احزاب به یک طریق عمل می‌کردند و از هر حزبی یک نماینده می‌پذیرفتند حزب مزبور هم یک نماینده می‌فرستاد و این اختلافات روی نمی‌داد.

و اما راجع به تعیین رهبر که یکی از خواسته‌های آقایان است، چنانچه در حیات این جانب این کار بشود کسی اطاعت نخواهد نمود و برای بعد از حیات هم شغل رهبری موروثی نیست که کسی برای بعد از حیات خود رهبری تعیین کند. تعیین رهبر از حقوق بلاتردید ملت ایران است

^۳ مقصود جمعیت نهضت آزادی ایران است که در آن زمان رهبران آن مرحومان آیدالله طالقانی و مهندس بازرگان و جناب آقای دکتر بدالله سحابی که عمرش طولانی باد، توقیف و محاکمه و محکوم شده بودند.

که هرکس را شایسته دانست عملاً رهبر کند. یعنی اطاعت نماید. بنابراین هر کس بوطن عزیز خود خدمت نمود عملاً رهبر است.

راجع به عکسی که ارسال فرموده‌اید نظریات آن هیأت محترم را تأیید می‌کنم و باستحضار می‌رسانم که کاری برخلاف حقیقت نشده و حقیقت این بود که عموم هموطنان از بیانات این جانب مطلع شوند. بنابراین آنرا نه روی یک عکس بلکه روی بسیاری از عکسها می‌توان قرار داد که هموطنان عزیز عموماً مطلع شوند و آنرا عملی کنند.

در مرقومه مطالب دیگری هم بود که چون در زندان بسر می‌برم و غیر از خانواده خود با کسی حق ملاقات ندارم از انجام آن معذورم و در خاتمه توفیق آقایان محترم را در خدمت به ایران و وطن عزیزم از خدا خواهانم.

دکتر محمد مصدق

پیوست (۱) نسخه دوم نامه مورخ ۲۲ شهریورماه ۱۳۴۱

پیوست (۲) نسخه دوم نامه مورخ ۳ دیماه ۱۳۴۱

۴۳۹

نامه دکتر مصدق در جواب مرقومه آقای ادیب برومند

احمدآباد - ۹ فروردین ماه ۱۳۴۳

قربانت گردم؛ مرقومه محترمه که از حسن اتفاق بخانه بنده در شهر داده شده بود عز وصول ارزانی بخشید و موجب نهایت امتنان گردید. گرچه عیدی برای ما نیست، خواهانم که در این سال بجنابعالی خوش بگذرد و سالهای بسیار در کمال صحت و سلامت بسر برید. بنده هم روزگاری را می‌گذرانم تا ببینم چه وقت بسر می‌آید و از این زندگی خلاص می‌شوم. بیش از این عرضی ندارم و ارادت خود را تجدید می‌نمایم.

[امضاء] دکتر محمد مصدق

[رقم ظہر پاکت]

تهران - پهلوی شمالی - کوچه زمرد، خانه شماره ۵۰

خدمت جناب آقای ادیب برومند وکیل محترم دادگستری

۴۴۰

نامه دکتر مصدق در جواب نامه مورخه ۲۵ فروردین آقای داریوش فروهر*

احمدآباد - ۲۸ فروردین ۱۳۴۳

قربانت گردم [؟] مرقومه محترمه عز وصول ارزانی بخشید و موجب نهایت امتنان گردید.

* نامه راجع به ضرورت دگرگونی در جبهه ملی و از جمله تبدیل آن از مرکز تجمع افراد و شخصیتها به مرکز تجمع احزاب و گروهها می‌باشد.

راجع مطلبی که مرقوم فرموده‌اید نظر بنده هم همان است که ملاحظه فرموده‌اید. امیدوارم خداوند به همه توفیق خدمت کرامت کند که اوضاع وطن ما قدری بهتر از این شود [۰]. بیش از این مصدع نمی‌شوم و در خاتمه ارادت خود را تجدید می‌نمایم.

دکتر محمد مصدق

[ظهر پاکت]

خدمت جناب آقای داریوش فروهر

۴۴۱

نامه دکتر مصدق در جواب نامه کمیته سازمان دانشجویان جبهه ملی ایران

احمدآباد - ۲۸ فروردین ماه ۱۳۴۳

کمیته سازمان دانشجویان جبهه ملی ایران

نامه مورخ ۱۹ فروردین عز و صول ارزانی بخشید و موجب نهایت امتنان گردید. اینکه مرقوم فرموده‌اید نظریات خود را درباره تشکیلات و نحوه مبارزات به آن سازمان محترم عرض کنم قبلاً لازم است مقدمه‌ئی از آنچه در راه بقای هدف ملت ایران بکار رفته است بنویسم و بعد نظریات خود را در باب تشکیلاتی که بتواند از این هدف دفاع کند اظهار نمایم.

اکنون شرحی راجع به نمایندگان دوره ۱۷ تقنینیه عرض می‌کنم که گفته می‌شود ۴۰ نفر از آنها که اکثریت داشتند با دولت موافق و ۳۵ نفر دیگر مخالف دولت بودند و چون عده نمایندگان مجلس طبق قانون انتخابات که در دسترس نیست بیش از این بود لازم است در این باره توضیحاتی داده شود که چرا در مجلس بیش از ۷۵ نفر وارد نشد.

نظر به اینکه قبل از خاتمه انتخابات این جانب برای دفاع از حقوق ملت ایران میبایست در دیوان بین‌المللی لاهه حاضر شوم و می‌خواستند در غیاب این جانب در هر محل که انتخابات می‌شد بلوا و غوغا برپا کنند و این کار سبب شود که حواس این جانب متوجه انتخابات گردد و نتوانم وظایف خود را در دیوان بین‌المللی انجام دهم انتخاب بقیه نمایندگان را موکول به مراجعت کردم و بعد هم انتخاباتی نشد و ملت هم از این عمل که در خیر مملکت شده بود اظهار عدم رضایت نکرد چونکه می‌دانست نداشتن نماینده در مجلس به از اینست که نماینده در مجلس باشد و بضرر مملکت رای بدهد. این اکثریت و اقلیتی که در مجلس شده بود تا چندی به وظائف خود عمل می‌کرد. انتخابات رئیس مجلس که پیش آمد عده‌ئی منحرف شدند و اکثریت از دست رفت. و بعد خواستند از آن استفاده کنند و طبق مقررات قانون اساسی دولت را استیضاح کنند و از کار ببندازند و نقشه این بود که یکی از مخالفین دولت را برای نظارت در کار اسکناس انتخاب کنند و او که به بانک ملی رفت گزارشی بر علیه دولت بدهد و ثابت کند که

دولت برخلاف قانون ۳۰۰ میلیون تومان از نشر اسکناس سوء استفاده نموده است و چون دولت آن نماینده را برای اجرای قانون در بانک دعوت ننمود دولت را استیضاح کردند و دولت نگرانی نداشت که در نتیجه استیضاح حیثیتش از دست برود چونکه متجاوز از ۲۵۰ میلیون از این وجه برای اجرت کارگران معادن نفت بکار رفته بود و دولت نمی‌توانست بعلت نبودن عواید نفت آنها را گرسنه بگذارد که اغتشاش کنند و مخالفین بگویند ملت ایران قادر نیست معادن خود را اداره نماید و بقیه وجه مزبور هم صرف مخارجی از همین قبیل شده بود. نگرانی از این جهت بود که دولت را استیضاح کنند و هدف ملت ایران از بین برود. این بود که طبق یکی از مواد آئین‌نامه مجلس تصمیم گرفتم مدت یک ماه در جواب استیضاح تأخیر شود و در مجلس حاضر نشویم و چون این کار نتیجه قطعی نداشت و بعد از یک ماه باز دولت می‌بایست در مجلس حاضر و عزل شود، چنین بنظر رسید که تکلیف دولت را ملت ایران به وسیلهٔ فرماندم معلوم کند. اگر ملت با بقای دولت موافق نبود با بقاء مجلس رای بدهد و دولت از کار خارج شود. نظر به اینکه توسل به فرماندم نقشه‌ای را که بر علیه دولت ترسیم شده بود خنثی می‌کرد رئیس مجلس نزد من آمد و تقاضا نمود از این کار صرف‌نظر کنم و من هیچ جوابی نداشتم غیر از اینکه بگویم به مجلسی که از خود فکری ندارد هرگز نمی‌روم. چنانچه بروم گذشته از اینکه باید جواب استیضاح را بدهم و عزل شوم هدف ملت ایران را هم باید از مجلس بخانه خود ببرم و در آنجا با خود دفن کنم و چون مذاکرات به نتیجه نرسید رئیس مجلس رفت و بلافاصله دستور اجرای فرماندم داده شد و همه دیدند که ملت ایران با چه اکثریت قریب باتفاقی دولت را تثبیت کرد.

نظر باینکه راه دیگری برای عزل دولت نبود به دستخط شاهنشاه متوسل شدند که این جانب حاضر شدم از همه چیز خود بگذرم و در راه آزادی و استقلال وطن عزیزم از هرگونه فداکاری خودداری نکنم.

اکنون بسیار خوشوقتم که این فداکاری بی‌اثر نبود و شما جوانان و جمعیت‌های وطنپرست در راه آزادی و استقلال ایران از هرگونه فداکاری دریغ ننموده و از همه چیز خود گذشته‌اید، برای اینکه هدف ملت ایران را حفظ کنید ولی باید دانست که با اساسنامهٔ فعلی این هدف روزبروز ضعیفتر می‌شود تا کار بجایی رسد که آن را فراموش کنند و از آن جز اسم چیزی باقی نگذارند. و اما اینکه مرقوم فرموده‌اید نظریات خود را دربارهٔ تشکیلات و نحوهٔ مبارزات عرض کنم. راجع به تشکیلات چون از حدود مطالعه خارج نیست می‌توانم نظریاتی بدهم ولی راجع به نحوهٔ مبارزات از این جانب که در زندان بسر می‌برم کاری ساخته نیست، چونکه مبارزه هر آن بصورتی درمی‌آید که رهبری جبهه باید تجدید نظر کند و آئی غفلت ننماید و تعیین نحوه مبارزه از وظائف هیأت اجرائیه و آن کسی است که برای رهبری انتخاب می‌شود.

اکنون اجازه می‌خواهم که عرض کنم شما دانشجویان عزیز جزئی از افراد مملکتید و نمی‌توانید به تنهایی کار مفیدی انجام دهید مگر اینکه با سایر تشکیلات مملکتی همکاری کنید

و این کار با اساسنامه‌ئی که برای جبهه ملی تنظیم شده به هیچ وجه صورت نخواهد گرفت. اساسنامه باید طوری تنظیم شود که هر حزب و جمعیت و دسته‌ئی که صاحب تشکیلاتند بتوانند با انتخاب یک یا چند نماینده وارد جبهه شوند، در تصمیمات جبهه ملی شرکت کنند و نمایندگان مزبور نظریات جبهه را با اطلاع موکلین خود برسانند و انجام آن را بخواهند.

هر حزب و هر اجتماع برای خود مرامی دارد و هیچ وقت حاضر نمی‌شود از مرام خود دست بکشد و تشکیلات خود را منحل نماید. صلاح جبهه ملی هم در این است که کاری به مرام دیگران نداشته باشد فقط اجرای مرام خود را تامین نماید. بنابراین تعریفی که می‌توان از جبهه ملی نمود اینست: «جبهه ملی مرکز احزاب و اجتماعات و دستجاتی است که برای خود تشکیلاتی دارند و مرامی جز آزادی و استقلال ایران ندارند.» این مرام چیزی نیست که یک عده قلیل و هر قدر صاحب فکر بتوانند در مملکت آن را اجرا نمایند. بلکه مجری این مرام باید ملت ایران باشد. گذاردن یک عده‌ای در خارج و عدم پذیرش آن بهر عنوان که باشد برخلاف مصالح مملکت است.

اکنون نظریات خود را برای تشکیل یک جبهه ملی عرض می‌کنم و تمنی دارم هرگونه اصلاحاتی که لازم است و از نظر این جانب دور مانده در آن بفرمائید.

۱ - برای تشکیل جبهه یک هیأت مؤسس لازم است که در یک جلسه حاضر شوند و از هریک از احزاب و اجتماعات و دستجات که تشکیلاتی دارند تقاضا کنند که برای تشکیل جبهه دو یا سه نفر از اعضای خود را انتخاب کنند و به هیأت مؤسس معرفی نمایند.

۲ - نمایندگان احزاب و اجتماعات و دستجات جبهه ملی را برای مدت یک سال تشکیل می‌دهند و چنانچه فردی از افراد جبهه راجع به صلاحیت یکی از اعضا اعتراض کند جبهه ملی با رای مخفی و اکثریت آراء اظهار نظر می‌کند و این اعتراض ممکن است در تمام مدت سال داده شود و به شرحی که گذشت بموقع اجراء درآید.

۳ - جبهه ملی هیأتی را به نام هیأت اجرائی از خارج از جبهه به رأی مخفی و به اکثریت آراء انتخاب می‌کند که تصمیمات جبهه را بموقع اجراء گذارند و هیأت مزبور نیز یک نفر را از بین خود برای اجرای تصمیمات خود انتخاب خواهد نمود.

در خاتمه لازم است عرض کنم از هیأت مؤسس یک یا دو نفر که مورد اعتماد عموم باشند دعوت کنند. این دعوت شدگان هر قدر بیشتر مورد اعتماد جامعه باشند ملت ایران به جبهه بیشتر معتقد می‌شود و سبب خواهد شد که ملت ایران در تحصیل آزادی و استقلال دچار مشکلاتی نشود و آن را هر چه زودتر به دست آورد.

این بود نظریات این هموطن گرفتار شما که باستحضار رسید، دیگر چیزی ندارم که عرض کنم جز اینکه توفیق شما جوانان از خود گذشته و دوستان عزیزم را از خدا بخواهم.

دکتر محمد مصدق

۴۴۲

نامه دکتر مصدق در جواب به نامه مظفر فیروز

احمدآباد - ۴ اردیبهشت ۱۳۴۳

قربانت بگردم [!؛] مرقومه ۱۵ آوریل رسید و موجب نهایت خوشوقتی و امتنان گردید از اینکه بحمدالله سلامت هستید و همسر محترمی دارید که نظریات مشابهی با شما دارند باید شاد و خورسند باشید چه اگر این هم نبود زندگی در غربت برای شما یک برزخی بود و نمی توانستید تا این جا سلامت برسید [.] تشکرات مرا از این موافقت نظری که دارند خدمتشان تقدیم کنید [.] امیدوارم روزی پیش آید که هردو با هم به دیدار وطن عزیز موفق گردید و سالهای بسیار در نهایت صحت و خوشی بسر بردید [.] از حال من بخواهید کماکان در قلعه احمدآباد می گذرد و اجازه خروج ندارم، تفریح و گردش هر وقت هوا سرد نیست در حیاط و جلوی اطاق می گذرد و زندگی نامطبوعی را تحمل می کنم و این ایام هم به واسطه کسالت خانم بسیار ملول و افسرده بودم، اکنون بحمدالله رفع خطر شده و تا حالشان به کلی خوب نشود در بیمارستان بسر می برند فقط کسی که مرا می بیند فرزندانم هستند که هر هفته روز جمعه می آیند و چند ساعتی با من می گذرانند بیش از این چه عرض کنم که شما را متاثر نمایم و در خاتمه قربان شما می روم.

دکتر محمد مصدق

[مجدداً]

راستی بخاطرم رسید وصلت جدید را تبریک بگویم امیدوارم برای طرفین مبارک و میمون باشد فائزه روز بعد از عقدشان با حمید به دیدن من آمد دیدم بسیار دختر فهمیده است.

۴۴۳

نامه دکتر مصدق به یکی از رهبران جبهه ملی

احمدآباد - ۱۰ اردیبهشت ماه ۱۳۴۳

قربانت شوم [!؛] امیدوارم که سلامت و خوش باشید. نظر باینکه به پیشنهاد اصلاحی که روز جمعه ۴ اردیبهشت به وسیله جناب آقای نصرت الله امینی عرض شده بود جوابی لطف نفرمودید و در جواب مرقومه محترمه آقایان محترم بیش از این نمی شد تاخیر کرد نظریات خود را کتباً عرض نموده و تقدیم می کنم. چنانچه تا روز ۱۵ جاری با تجدید اساسنامه موافقت نفرمائید برای اینکه عده ای انتظار دارند که بنده نظریات خود را بدهم رونوشت معروضه را در اختیار آن عده می گذارم و در خاتمه ارادت خود را تجدید می نمایم.

دکتر محمد مصدق

۴۴۴

نامه دکتر مصدق در جواب نامه اعضاء هیأت اجرائی و اعضاء هیأت رئیسه شورای مرکزی جبهه ملی

احمدآباد - ۱۰ اردیبهشت ماه ۱۳۴۳

خدمت حضرات آقایان محترم اعضاء هیأت اجرائی و اعضاء هیأت رئیسه شورای مرکزی جبهه ملی [!]

نامه مورخ ۲ اردیبهشت عز وصول ارزانی بخشید و موجب نهایت امتنان گردید. همه می‌دانند که اکثریت آقایان محترم سالهای سال مؤسس حزب بوده‌اید و در امور اجتماعی اطلاعاتی بیش از این جانب دارید. چنانچه این جانب مختصر اطلاعاتی هم داشتم در این مدت که عنقریب یازده سال خواهد رسید آن را از دست داده‌ام چونکه غیر از افراد خانواده با کسی حق ملاقات ندارم و از این قلعه هم که زندان من است حق خروج ندارم با این حال موقع تشکیل کنگره که تقاضا فرمودید پیامی تقدیم کنم اطاعت کردم و در آن پیام عرض نمودم دربهای جبهه را باید بروی احزاب و اجتماعات و دستجات باز گذاشت تا جبهه بتواند در انجام نظریات خود توفیق حاصل نماید و هیچ نظری به حزب توده نبود که آن را پیراهن عثمان کرده و در این نامه اسم برده‌اید. حزب توده همان حزبی است که در سال اول ملی شدن صنعت نفت با کمال شدت مخالفت می‌کرد ولی چون نظریاتش مورد پسند جامعه نبود و خریدار نداشت از این کار دست کشید و در حال مخالفت باقی ماند و مقصود این جانب از آن پیام این بود که جبهه تشکیل شود از احزاب و اجتماعات و دستجاتی که حاضر بودند در راه آزادی همه چیز خود را فدا کنند که در این گروه دانشجویان فوق آنها بودند چونکه تحصیل کرده و در سیاست آلوده نشده بودند. این احزاب و اجتماعات و دستجات با اینکه نه شورای حزبی داشتند و نه کنگره با کمال نظم و انضباط می‌آمدند اظهارات خود را می‌کردند و متفرق می‌شدند. با اینحال دانشجویان با آن همه فداکاری مورد توجه جبهه ملی واقع نشدند و چه تحقیری از آن بالاتر که نگذاشتید نماینده خود را در جبهه خودشان انتخاب کنند و جبهه ملی ولایتاً از طرف آنها دو نفر دانشجو انتخاب کرد؟ و این همان انتخاباتی است که دولت از افرادی بنام ملت ایران برای نمایندگی می‌کند. اگر آقایان محترم با انتخابات مجلس موافقید چرا جبهه ملی تأسیس کرده‌اید؟ و چنانچه مخالفید چرا رویه و رسم دولت را از دست نداده و در انتخابات احزاب و دانشجویان که آنها خود می‌بایست عمل کنند دخالت فرموده‌اید؟ بطور خلاصه همانطور که دولتهای وقت برای ملت وکیل تراشیده‌اند، جبهه ملی هم برای احزاب و اجتماعات و دستجات از این کار خودداری نکرده‌است.

در صفحه ۵ مرقومه اظهار فرموده‌اید: «احزاب ملی در اروپا و امریکا دارای تشکیلات قابل توجهی نیستند و علاقمندان نهضت در آن سرزمینها اگر می‌خواستند به تشکیلات حزبی اکتفا

کنند معنای این اقدام آن می‌شد که از هر تجمع و تشکلی محروم بمانند. در این صورت این مبارزات وسیع و این سازمانها نمی‌توانست بوجود آید و در صورتیکه معتقد شویم شورای جبهه ملی فقط از نمایندگان احزاب تشکیل شود معلوم نیست با این ترتیب وضع تشکیلات جبهه در اروپا و امریکا که احزاب دارای تشکیلاتی نیستند بچه صورتی درخواهد آمد جز اینکه سازمان و مبارزه قریب بیست هزار نفر از ایرانیان و طنخواه در یک دایره کوچکی محدود و کاملاً بی‌اثر شود حاصل دیگری برای آن قابل تصور نخواهد بود.» بنده از این دلسوزی که نسبت به دانشجویان فرموده‌اید تشکر و عرض می‌کنم اگر که یک سازمان بزرگ بدون سازمانهای کوچک می‌توانست به مرام و مقصود خود برسد هیچ‌یک از احزاب بخود این زحمت را نمی‌دادند شعب تشکیل کنند و سازمان مرکزی هرچه لازم بود می‌کرد و باز در همان صفحه مرقوم فرموده‌اید: «ارتباط شورا و هیأت اجرائی با سازمانهای خارج از ایران بطور دائم و منظم میسر نبوده و نیست و ارسال دستورالعمل و رهبری ممکن نبود و نمی‌باشد.» در این صورت لازم است افراد اروپائی را از ارشاد خود معاف بفرمائید و آنها را بخدای متعال بسپارید. چنانچه تصمیمی غیر از این اتخاذ شود باین معنی خواهد بود که در ایران که احزاب آزادی ندارند بر فرض که تشکیلاتی هم داشته باشند مضر نیست ولی در اروپا که افراد آزادند و می‌توانند جمعیت و دستجاتی تشکیل دهند و در امور وطن عزیز با هم بشور و مشورت پردازند برای مملکت ضرر دارد و نباید پیرامون چنین کاری بروند و طبق این نظریه بعضی از احزاب را در اروپا منحل کردند که این جانب در بیست فروردین در جواب نامه هیأت اجرائی سازمانهای اروپائی جبهه ملی ایران شرحی نوشتم و مضرات این تصمیم را اعلام کردم.

در صفحه یک نامه محترم راجع به شرکت احزاب در تصمیمات جبهه ملی چنین مرقوم شده: «علاوه بر اعضاء احزاب که از طریق سازمانهای جبهه ملی در کنگره شرکت جست بودند هریک از احزاب نیز بطور جداگانه و بصورت رسمی نماینده‌ای از طرف خود به کنگره اعزام داشته‌بود» بدیهی است نتیجه این بود که نمایندگان حقیقی احزاب در شورای جبهه نباشند و هر دو سال یک مرتبه اگر کنگره تشکیل شد نظریات خود را بگویند و در کنگره دفن نمایند.

در آخر صفحه ۳ بعد از ذکر محاسنی که از تشکیلات موجود شده مرقوم فرموده‌اید: «ما معتقدیم که فقدان چنین تشکیلاتی سبب شد که در ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ حکومت ملی آن جناب (بیچاره آنجناب) و نهضت مقدس ما نتواند در مقابل توطئه مقاومت نماید» در صورتی که وقایع ۲۸ مرداد توطئه نبود و یک کودتائی بود که دول خواهان امتیاز نفت به دست عمال خود در ایران ترتیب دادند و بمقصود رسیدند چنانچه حضرات آقایان معتقدید که جبهه ملی اگر بشکل امروز وجود داشت در آن روز می‌توانست از آن توطئه جلوگیری کند، چه شد که در توقیف و زندانی شدن اعضای احزاب مهم، جبهه اقدامی ننمود و آقایان مدتی زیاد در توقیف‌گاه بسر بردند؟ مگر اینکه بگوییم: جبهه ملی عمل دولت را برای محبوبیت خود لازم می‌دانست و به تشکیلات

دستوری برای استخلاص اعضاء جبهه صادر نکرد.

در صفحه اول نامه باز چنین مرقوم شده: «در دی ماه ۱۳۴۱ که کنگره مذکور با حضور ۱۷۰ نماینده تشکیل گردید. در این عده جمعی عضو احزاب و جمعیت‌های ملی (حزب ایران - حزب مردم ایران - حزب ملت ایران - و جمعیت نهضت آزادی) و بقیه افرادی بودند که در احزاب عضویت نداشتند و مستقلاً در سازمانها و تشکیلات جبهه ملی شرکت کرده بودند» ولی از یک حزب دیگر بنام حزب سوسیالیست اسم نبرده‌اید و علت عدم شرکت این حزب را در جبهه ملی معلوم نفرموده‌اید.

از نمایندگان احزاب و دستجات مقصود اینست که رأیی که در شورای جبهه می‌دهند موکلینشان بموقع اجرا گذارند. اگر موکل این افراد خود جبهه باشد این جبهه ملی نیست و از آن انتظار هیچ عمل مؤثری نباید داشت.

در صفحه ۳ باز مرقوم فرموده‌اید: «کنگره اصل عضویت نهضت آزادی ایران را در جبهه مورد تصویب قرار داد تنها مقرر داشت که جمعیت مذکور بعضی از عناصر غیر صالح خود را مورد تصفیه قرار دهد و گزارش آن را به شورای مرکزی جبهه ملی ایران تسلیم دارد» بعد در ماده ۳۱ اساسنامه اینطور نوشته شده: «هریک از احزاب عضو جبهه ملی باید اساسنامه و صورت اسامی اعضاء و خلاصه سوابق فعالیت خود را به دبیرخانه جبهه ملی تسلیم دارد و تعهد کند که فعالیت‌های سیاسی خود را با اصول مرام‌های جبهه ملی منطبق سازد و انضباط دقیق و پیروی از جبهه ملی را در حدود اساسنامه و تصمیمات متخذه شورای مرکزی جبهه ملی رعایت نماید.» و بعد تبصره ذیل هم باین ماده اضافه شده است: «تبصره اول - مدارک مزبور مربوط به احزاب در دبیرخانه جبهه ملی محفوظ و مکتوم خواهد ماند» که لازم است عرض کنم این اشخاص باید بسیار مردمان ساده‌ای باشند که مدارک خود را با بودن چند نفر از مابہتران که عضو شورا هستند در اختیار جبهه ملی بگذارند کما اینکه هیچ‌یک از اعضاء شورا که منفردند و در هیچ حزبی نیستند هرگز جرأت نمی‌کنند بواسطه حضور «از مابہتران» نظریات صحیح خود را اظهار کنند و یک زندگی مثل زندگی آن جناب بیچاره پیدا کنند.

با این حال اگر حاضر شوید که در اساسنامه تجدید نظر کنید و یک جبهه ملی مورد موافقت افکار عمومی تشکیل دهید شورای جبهه می‌تواند از این آقایان در رأی مخفی استفاده نماید. در خاتمه عرض می‌کند برای پیشرفت امور هیچ راهی برای الحاق مخالفین بهتر از تجدید اساسنامه نیست. و با الحاق مخالفین جبهه می‌تواند کم و زیاد طبق نظریات جامعه عمل کند. این جانب نمی‌خواستم اعتراض خود را کتباً تقدیم کنم نظر باینکه راجع به تجدید اساسنامه که بوسیله حامل مرقومه عرض شده جوابی نرسید لازم دانست نظریات خود را کتباً عرض کند تا چنانچه مورد موافقت قرار گرفت هرچه زودتر وسائل تنظیم یک اساسنامه صحیح را فراهم فرمایند.

ارادتمند همه - دکتر محمد مصدق

۴۴۵

نامه دکتر مصدق به مهندس حسینی

احمدآباد - ۱۵ اردیبهشت ماه ۱۳۴۳

قربانت گردم [!؛] از اینکه یک عمر از دیدار خط دست شریف محرومم [!؛] بسیار افسرده بودم [!؛] تا اینکه مرقومه مورخ ۱۲ جاری رفع ملالت نمود و عرض می‌کنم [!؛] حقه مهر بدان نام و نشان است که بود. نظر به اینکه از نظریات بنده مطلع شده‌اند [!؛] لازم نیست دیگر در این باره موجب تصدیع شوم و چون نظریاتم در این جهت که از جریان امور دورم، مورد قبول واقع نشد [!؛] مرقومه اخیر جبهه را برای مخالفین فرستادم که اظهار نظر کنند [!؛] چنانچه با نظریاتشان موافقت شد کاری انجام شده و یک عده مخالف را با خود همراه فرموده‌اند و در صورت عدم موافقت بنده تا عمر دارم در کار جبهه نظری اظهار نخواهند کرد البته آقایان محترم مصالح مملکت را حفظ خواهند نمود و روزی خواهد رسید که به همت بلند مردان روزگار و وطن عزیز به آزادی و استقلال خود برسند [!؛] در خاتمه ارادت خود را تجدید می‌کنم و مرقومه محترمه را هم چون رونوشتی از آن ندارید اعاده می‌دهم [!؛] ارادت خود را تجدید و سلامت جنابعالی را خواهانم [!؛]

۴۴۶

نامه دکتر مصدق به سازمان دانشجویان جبهه ملی ایران

۴۳/۲/۱۸

گرچه وقت نکردم از روی دقت بخوانم ولی آنقدر فهمیدم که در نامه رعایت ادب و احترام نشده و باید این کار بشود و باز بهمین وسیله‌ای که فرستادید آن را بفرستید. و از انتشار هرگونه مطلبی خودداری نمائید که موجب رنجش فراهم نشود. بجای نوشته‌اند، نوشته شود مرقوم فرموده‌اند و اسم هر کدام بعد از کلمه جناب ذکر شود. نامه‌ای را که نوشته‌اند بفرستید که من یک مرتبه دیگر آن را بخوانم و به‌بینم جواب با سؤال مطابق است یا نه.

۴۴۷

نامه دکتر مصدق در جواب نامه هیأت اجرائی سازمانهای اروپائی جبهه ملی ایران

احمدآباد - ۲۵ اردیبهشت ۱۳۴۳

مرقومه محترمه مورخ ۱۲ فروردین ماه عز وصول ارزانی بخشید و موجب امتنان گردید. نظر

به اینکه در معروضه ۳ فروردین نظریات خود را عرض نموده و البته قبل از مرقومه ثانوی به مقصد نرسیده است تصور می‌کنم هرچه عرض شود مکررات است.

امیدوارم که نامه ۳ فروردین را ملاحظه فرموده و نظریات اینجانب مورد قبول واقع شود.

دکتر محمد مصدق

۴۴۸

نامه دکتر مصدق در جواب نامه سازمان دانشجویان جبهه ملی ایران

احمدآباد - ۲۶ اردیبهشت ۱۳۴۳

آقایان محترم و فرزندان عزیزم [!]

نامه مورخ ۱۸ اردیبهشت رسید و موجب نهایت امتنان گردید. فداکاریهای شما در راه وطن عزیز موجب افتخار هموطنان است. امید و چشمداشت عموم به فداکاریها و از خود گذشتگی‌هایی است که در راه آزادی و استقلال ایران وطن عزیز نموده‌اید. از حق نباید گذشت که در این راه از همه چیز صرف نظر کرده‌اید. این جانب برای شما فرزندان عزیز کمال احترام قائلم و اکنون که کاری از من ساخته نیست و در زندان بسر می‌برم با قلبی محزون و چشمی گریان توفیق شما را بیش از پیش از خدا مسئلت دارم.

کسی که شما را بسیار دوست دارد. دکتر محمد مصدق

۴۴۹

نامه دکتر مصدق در جواب به...

احمدآباد - ۲۶ اردیبهشت ماه ۱۳۴۳

آقای محترم و هموطن عزیزم [!]

نامه شریف رسید و مندرجات آن موجب بسی خوشوقتی گردید. این جانب که در زندان بسر می‌برم هرگز قادر نیستم یک جبهه ملی تشکیل دهم که آقایان دانشجویان عزیز و احزاب و دستجات همه با آن متفق باشند و جبهه بتواند از مواقع و موارد بنفع مملکت استفاده کند، این جانب هیچ وقت چنین مسؤولیتی را که قادر بانجام وظیفه نیستم عهده‌دار نمیشوم. اکنون چون می‌بینم که نفاق بین دستجات بضرر ایران تمام می‌شود می‌خواهم سعی کنم که آن را از بین ببرم و قوای ملی همه با هم همکاری کنند و در خاتمه از احساساتی که شما برای خدمت به وطن دارید بی نهایت خوشوقتم و تشکر می‌کنم.

دکتر محمد مصدق

۴۵۰

نامه دکتر مصدق به دکتر علی شریعتمداری

احمدآباد - ۲۶ اردیبهشت ماه ۱۳۴۳

جناب آقای دکتر علی شریعتمداری

کتاب «روانشناسی تربیتی» تألیف شریف آن جناب باین جانب رسید و موجب نهایت امتنان گردید. نظر باینکه حافظه‌ی بنده مدتی است بسیار کم شده که گاهی نام اقوام نزدیکم را فراموش می‌کنم، پس از ملاحظه فهرست مندرجات به فصل دهم مراجعه نموده و از آن بسیار حظ بردم. امیدوارم این فصل را که هنوز تمام نکرده‌ام تمام کنم و طوری شود که حافظه بنده بجای خود برگشت کند. در هر حال کتاب بسیار مفیدی بنظر رسید این است که توفیق جنابعالی را در انتشار این قبیل نشریه‌های مفید خواهانم و تشکرات خود را تقدیم می‌نمایم.

[امضاء] دکتر محمد مصدق

۴۵۱

نامه دکتر مصدق در جواب نامه شورای مرکزی جبهه ملی ایران

احمدآباد - ۲۹ اردیبهشت ماه ۱۳۴۳

شورای مرکزی جبهه ملی

مرقومه محترمه مورخ ۱۲ اردیبهشت عز وصول بخشید و به نظر آقایان مخالفان رسید. جوابی را که داده‌اند تقدیم می‌کنم و باستحضار می‌رسانم که اساسنامه و آئین‌نامه جبهه ملی طوری تنظیم نشده که ملت ایران بتواند از آن استفاده نماید و کاری که صورت می‌گیرد زیر نظر عموم احزاب و اجتماعات و دستجات باشد. این جانب را عقیده آنست که انتخاب اعضای شوری بدست کنگره که در هر دو سال یکبار تشکیل می‌شود و قادر نیست به کار شوری نظارت کند کاریست بیهوده چه هر هیأتی را که افرادی انتخاب کنند باید در کار آن هیأت نظارت داشته باشند تا هرچه می‌شود در نفع جامعه تمام شود.

این جانب با تشکیل کنگره که هر دو سال یکبار در طهران تشکیل شود و احتیاجات محلی خود را اظهار کند و هر تصمیمی که اتخاذ می‌شود از روی کمال بصیرت باشد و بدرد مردم خارج از مرکز بخورد کاملاً موافقم، ولی موافق نیستم اگر حزبی تشکیل شد و خواست وارد جبهه ملی بشود مدت دو سال صبر کند تا کنگره تشکیل بشود یا نشود. آیا تصور نمی‌فرمائید که این نظریه برخلاف مصلحت مملکت است چونکه هر قدر جمعیت جبهه کم باشد بضرر مملکت است؟

انتخابات اعضای شورای جبهه ملی به دست کنگره همان طریق انتخاباتی است که دولت از طرف مردم می‌کند با این فرق که وکلای مجلسین خود را مسئول دولت می‌دانند و آن را

اصطلاحاً مشروطه معکوس می‌گویند ولی اعضای شوری که به دست کنگره انتخاب می‌شوند نه در مقابل کنگره مسؤولند و نه در مقابل حزبی که به نام آن وارد کنگره شده‌اند و روح حزب از انتخاب آنان بی‌خبر است و مسؤولیتشان فقط در مقابل یک عده اعضای منفرد و بی‌پشت و پناه است که قادر نیستند در پیشرفت جبهه ملی اقدامات مؤثری بکنند.

شورای مرکزی جبهه باید از تمام احزاب و دستجات و سازمانهای صنفی و محلی تشکیل شود تا جبهه تقویت گردد و مورد احترام ملت باشد. نظر این جانب به حزب توده نیست که آن را مخالفین آزادی و استقلال مملکت بهانه قرار دهند و نگذارند جبهه ملی به آمال و آرزوی خود برسد بلکه مربوط به احزابی است که مستقلند و می‌توانند حافظ منافع جامعه باشند.

این جانب با این قسمت از فصل ۳۹ اساسنامه که می‌گوید: «مدارک مربوط به احزاب در دبیرخانه جبهه ملی محفوظ خواهد ماند» مخالفم چونکه حرفی است بلااثر. چنانچه مقصود تنظیم‌کنندگان اساسنامه حزب توده باشد کیست که آن را شناسد و لازم بارائه مدرک باشد؟ جبهه نیز یک اداره دولتی نیست که پرونده کارمندان و مستخدمین را بایگانی کند و با وجود عده‌ئی از مابتهران در خود شوری مدارک محفوظ بماند و این عمل سبب شود که جبهه از عضویت افراد فداکار بکاهد. آن روز که مرحوم جنت‌مکان ستارخان قد علم نمود و در راه آزادی و استقلال وطن قدم برداشت کسی به او نگفت سابقه خود را بیان کند. چنانچه این حرف گفته شده بود شاید مایوس می‌شد و کاری صورت نمی‌داد. و بعد همه دیدند که از آن مرد شریف و وطن‌پرست کاری صورت گرفت که تا ایران باقی است نامش فراموش نمی‌شود و زبانزد خاص و عام خواهد بود.

بطور خلاصه تشکیل شوری بدین طریق مؤثر نیست و اعضای شوری باید هرکدام موکلانی داشته باشند که خود را در مقابل موکلان حقیقی مسؤول بدانند و در انجام مقاصد جبهه به آنان کمک کنند. و این کار وقتی صورت خواهد گرفت که هر فردی در حزب خود از طریق مبارزه شخصیتی پیدا کند و معتقدانی به دست آورد تا بتواند در شورای جبهه ملی در نفع وطن خود استفاده نماید. اشخاص بی‌موکلی را که کنگره یا شوری انتخاب کنند آلت دست اشخاصی می‌شوند که آنها را توصیه می‌کنند و بدین طریق ایران همیشه فاقد رجال خواهد بود و به همین جهات در عرض این چند سال جبهه ملی نتوانست کوچکترین قدمی در راه آزادی و استقلال ایران بردارد. و بهترین مثال و جوهی است که هموطنان عزیز برای ساختمانهایی در محل زلزله به جبهه ملی دادند ولی جبهه باین عنوان که بعضی از مامورین دولت مانع ساختمان می‌شوند دم نزد و تظاهراتی نکرد، وجوه را در یکی از بانکها ودیعه گذاشت. آیا بهتر نبود که مظلومیت خود را به دنیا ثابت کند و بعد جلسه‌ای از صاحبان وجوه تشکیل دهد و آن را به دهندگان وجوه بپردازد؟

آیا می‌شود تصور کرد که نمایندگان احزاب و دستجات وقتی پای مصالح مملکت به میان

آمد از کار شانه خالی کنند و رایی که در موارد مهم با ورقه و علناً گرفته می‌شود برخلاف مصلحت بدهند؟ این جانب دیده‌ام اشخاصی که سابقه خوب نداشته‌اند ولی در اجتماع و دادن رای علنی نتوانستند با افکار جامعه مخالفت کنند و بهترین مثال تصویب ملی شدن صنعت نفت است در مجلس ۱۶ و استعفای عده زیادی از نمایندگان مجلس قبل از اینکه نتیجهٔ رفراندوم معلوم شود و این مردان وطن‌پرست هنوز هم مورد بی‌مهری دستگاه می‌باشند. آن روز وضعیت طوری بود که جامعه می‌توانست افکار خود را اظهار کند ولی بعد که دول استعمار سازش کردند و جدیت خود را بیشتر نمودند دیگر قادر نیست مبارزه کند و یکی از جهاتی که نمی‌تواند جبههٔ ملی است که بدین طریق تشکیل شده‌است.

جبههٔ ملی احتیاج به افراد شجاع وطن‌پرست دارد که به نمایندگی از طرف احزاب و دستجات از حقوق ملت ایران دفاع کنند و با این اساسنامه و آئین‌نامه هرگز چنین افرادی وارد جبهه نمی‌شوند و جامعه از خدمات فرزندان وطن‌پرست خود محروم خواهد ماند.

اکنون که واضح و روشن شده است از این اساسنامه و آئین‌نامه کاری ساخته نیست آیا ممکن است از چند ورق کاغذ بی‌مصرف در راه منافع ایران صرف‌نظر کنند و با مشارکت مخالفین اقدام در تنظیم یک اساسنامه جدید و مفید بفرمایند؟ شاید این اتفاق سبب شود که بتوانند گام‌هایی در راه آزادی و استقلال وطن بردارند. بنده با حال ناتوان و در این زندان بیش از این نباید عرض کنم و مصدع شوم چنانچه عرایض مورد توجه قرار نگرفت این آخرین نامه‌ای است که تقدیم می‌کنم. به انتظار جواب فقط در رد یا قبول پیشنهاد.

دکتر محمد مصدق

پیوست :

جواب مخالفان طبق تاریخ تنظیم نامه‌ها:

- ۱- نامهٔ مورخ ۱۲ اردیبهشت ۱۳۴۳ سازمان دانشجویان جبههٔ ملی ایران
 - ۲- نامهٔ مورخ ۱۲ اردیبهشت ۱۳۴۳ حزب ملت ایران
 - ۳- نامهٔ مورخ ۱۷ اردیبهشت ۱۳۴۳ جامعهٔ سوسیالیست‌های نهضت ملی ایران
 - ۴- نامهٔ مورخ ۲۷ اردیبهشت ۱۳۴۳ حزب مردم ایران و ضامان آن
- نامهٔ نهضت آزادی ایران هم بعد از ۲۹ اردیبهشت رسید که آن نیز برای شورای جبههٔ ملی ارسال شده‌است.

خدمت جناب آقای اللهیار صالح دوست عزیزم

قربانت بگردم از کسالت جنابعالی امروز اطلاع حاصل نمود و قبول بفرمائید که بسیار متأسفم و خواهانم که هرچه زودتر رفع شود و مژده صحت و سلامت جنابعالی به ارادتمند

برسد و در ضمن می‌خواهم عرض کنم کناره‌جویی جنابعالی از کار جبهه ملی موجب یأس مردم است و اشخاصی مثل جنابعالی باید موجب امیدواری باشید نه اینکه عده بیشماری را مأیوس بفرمائید. یک رجل سیاسی هرگز از خدمت به جامعه نمی‌بایست خودداری کند. بیائید برای خیر جامعه یک اساسنامه‌ای که مورد قبول عموم باشد تنظیم بفرمائید و یک عده مخالف را با این عمل پسندیده امیدوار و در خدمت به وطن مهیا فرمائید و با این عمل پسندیده جامعه را از خود راضی و برای خدمت به وطن عزیز مهیا نمائید. این است نظریات ارادتمند تا چه قبول افتد و چه در نظر آید.

دکتر محمد مصدق

۴۵۳

نامه دکتر مصدق به سازمان دانشجویان جبهه ملی ایران

احمدآباد - ۲۲ خردادماه ۱۳۴۳

سازمان دانشجویان جبهه ملی ایران

نامه آن سازمان محترم در ۲۹ اردیبهشت قبل به شورای جبهه ملی ارسال شد و مساعی این جانب برای همکاری و تجدید نظر در اساسنامه بجائی نرسید. اکنون رونوشت نامه خود و مرقومه جناب آقای اللهیار صالح را تقدیم می‌کنم که از آن مستحضر باشید.

دکتر محمد مصدق

پیوست :

۱ - رونوشت نامه این جانب

۲ - رونوشت مرقومه جناب آقای اللهیار صالح

۴۵۴

دستخط دکتر مصدق خطاب به کارگران ایران

فرارسیدن ۲۹ خرداد روز خلعید از شرکت سابق نفت را که کارگران رنج‌دیده معادن نفت در آن نقش بسزایی داشته‌اند و افتخار جاوید برای همه کارگران ایرانی بوجود آورده‌اند بعموم هموطنان عزیز بخصوص کارگرانی که در راه آزادی و استقلال ایران و تجدید پیروزی‌های نهضت ملی کوشش می‌کنند تبریک عرض می‌کنم و عکسی را که خواسته‌اند برای آنها می‌فرستم.

خرداد ماه ۱۳۴۳

دکتر محمد مصدق

۴۵۵

نامه دکتر مصدق به مهندس احمد مصدق

احمدآباد - ۲ تیرماه ۱۳۴۳

از شهر تلفن کرده بودند برای آقایان نظامی‌ها که آقای سرهنگ مولوی می‌خواهند احمدآباد بیایند. در حدود ساعت ۵^{۱۲} آمدند و قبل از آمدن ایشان حسینعلی که کاغذ آورده بود او را با کیفی که داشت توقیف کردند. بعد از رفتن آقای سرهنگ مولوی او را آزاد کردند و کاغذهایی که رسیده بود خواندم. نظر آقای سرهنگ مولوی این بوده آقایانی که در اینجا هستند چرا ممانعت از من نمی‌کنند که یک چیزهایی می‌نویسم و در شهر منتشر می‌شود. آقایان گفته بودند این مأموریت به ما داده نشده و من هم به آقایان گفتم اگر جناب سرهنگ مولوی مرقوم فرمایند که من مطلقاً نه کلمه سیاست را به زبان بیاورم و نه [مجاز] هستم این را بنویسم، البته اطاعت می‌کنم و همینطور هم توسط آقایان به ایشان پیغام دادم. بیش از این نمی‌نویسم.

۴۵۶

نامه دکتر مصدق به مهندس احمد مصدق

احمدآباد - ۱۰ تیرماه ۱۳۴۳

کاغذ شما رسید شرح واقعه این است که می‌نگارم. سرکار سرهنگ مولوی یک دفعه با یک آب و تابى مثل اینکه یک بچه را بترسانند آمدند و یک ورناندازی از پشت عمارت، باز از همان نظر در اطاق خواب من کردند تا اگر روزی لازم شود آن را بمباران کنند و بعد بدون اینکه دیداری دست دهد تشریف بردند. سپس سرکار سرهنگ خدیوی دو دفعه آمدند که یکی روز قبل ۱۰ تیرماه بود و من بطور صریح گفتم اگر از هموطنانم کاغذی برسد نمی‌توانم آن را بلاجواب گذارم و برای جلوگیری از این کار سه راه بیشتر نیست:

- ۱ - شرحی رسماً به من مرقوم فرمائید که راجع به سیاست با کسی مکاتبه نکنم.
- ۲ - یک دادگاهی مثل دادگاه سال ۱۳۳۲ دعوت فرمائید و تشکیل دهید که مرا محکوم کنند و این کار سبب شود که دیگر چیزی ننویسم.
- ۳ - به مأمورین که در احمدآباد گمارده‌اید دستور دهید دستهای مرا دست‌بند بزنند و هر وقت قضاء حاجتی دارم باز کنند و بعد باز دومرتبه دست‌بند بزنند تا قدرت نوشتن نامه را از من سلب کنند. من که حاضریم با یک نوشته رسمی این حق را که قانون در دنیا به هر فردی داده از خود سلب می‌کنم شما چرا مضایقه می‌کنید و می‌خواهید به حرف بگذرانید. غیر از این هر عملی بشود موجب آسودگی من است، چون از این زندگی رقت‌بار که دیگر تاب و تحمل آن را ندارم

خلاص می‌شوم.

آقای سرهنگ خدیوی حرفهای مرا شنیدند و رفتند. به هرکس هم اگر از شما پرسید می‌توانید شرح واقعه را بگوئید.

۴۵۷

نامه دکتر مصدق در جواب نامه هیأت اجرائی سازمانهای اروپائی جبهه ملی ایران

احمدآباد - ۳۰ تیرماه ۱۳۴۳

هیأت اجرائی سازمانهای اروپائی جبهه ملی ایران

مرقومه مفصل ۱۲ خرداد عز وصول ارزانی بخشید و موجب نهایت امتنان گردید. اجازه می‌خواهم که جواب هریک از فقرات نامه را جداگانه عرض کنم:

۱ - گله فرموده‌اید که قبل از اینکه نامه این جانب بمقصد برسد آنرا در طهران منتشر کرده‌اند. این اعتراض وارد نیست چونکه این جانب نامه‌ای گرفتم و جواب آن را هم برای کسی که آن را ارسال نموده بود فرستادم و قبل از انتشار هم از این کار اطلاع نداشتم و چند روز بعد از آن مطلع شدم.

۲ - مرقوم فرموده‌اند که این جانب ایام توقف در اروپا به وزارت عدلیه منصوب شده در حزبی وارد نبوده و از جریان امور حزبی اطلاعاتی ندارم اینست که عرض می‌کنم پس از خاتمه تحصیلاتم در سوئیس سفری به ایران نمودم که ورودم تصادف کرد با روزی که جنگ بین‌الملل اول درگرفت و بواسطه انسداد طرق مدت پنج سال در طهران ماندم و در حزب اعتدال وارد شدم و بعد که بواسطه مهاجرت حزب مزبور منحل شد به دعوت حزب دمکرات ضد تشکیلی در این حزب وارد شدم و انتصاب این جانب به وزارت دادگستری بعد از این پنج سال بود که به اروپا رفتم بنابراین نمی‌توان گفت که این جانب از جریان امور حزبی بی‌اطلاعم.

۳ - چنین اظهار شده که بعد از سالها کناره‌جویی باز می‌خواهم در امور جبهه ملی دخالت کنم. عرض می‌کنم که چنین نظری ندارم این جانب که در قلعه احمدآباد محبوسم هرگز نمی‌توانم از عهده چنین مسوولیتی برآیم. چون اساسنامه و آئین‌نامه خوب تنظیم نشده نظریاتی در این باب اظهار کردم.

۴ - مرقوم فرموده‌اند نسبت به اشخاص منفردی که می‌خواهند وارد جبهه ملی شوند چیزی اظهار ننموده‌ام. اکنون عرض می‌کنم که با ورود اشخاص منفرد که شورای جبهه ملی و یا کنگره آنان را انتخاب کند موافق نیستم. اشخاصی که مایلند از طرف احزاب و دستجات و اصناف وارد جبهه شوند در صورت عدم صلاحیت کمتر می‌توانند توفیق حاصل کنند. چه آن عده‌ای که صالحند و در حزب عضویت دارند هرگز راضی نمی‌شوند شخص ناصالحی از طرف جمعیت

وارد جبهه شود و آنها از این حق محروم گردند. در صورتی که با اشخاص منفرد کسی معمولاً مخالف نیست و در صورت عدم صلاحیت هم ممکن است روی خواهش و تمنی یا اعمال نفوذ بعضی از مقامات به مقصود برسند، همچنانکه عده‌ای به همین طریق وارد جبهه ملی شدند. جبهه ملی احتیاج دارد به جمعیت زیاد و اشخاص منفرد جمعیتی ندارند که وجودشان در جبهه مؤثر باشد و عضویت آنان برخلاف اصل تحزب است که از لوازم مشروطیت می‌باشد. اشخاص منفرد باید گرد هم جمع شوند و باتکاء جمعیت بتوانند فداکاری نمایند در موقع لزوم چنانچه به حزب ابلاغ شد جمعیت خود را بلادرنگ حاضر می‌کند در صورتی که اطلاع به اشخاص منفرد مستلزم وقت و خرج زیاد است و به هر بهانه‌ای متعذر می‌شوند و کمتر کسی از این اشخاص حاضر می‌شوند که فداکاری نمایند. اشخاص مزبور که اغلب مسن و بازنشسته هستند از حضور در جلسات شوری هیچ نظری ندارند مگر اینکه وقت خود را در اجتماع بگذرانند. بیش از این مصدع نمی‌شوم و توفیق آقایان هموطنان عزیزم را خواهانم.

دکتر محمد مصدق

۴۵۸

نامه دکتر مصدق به آقایان محمدتقی عینکچی و اخوان

احمدآباد ۱۲ مرداد [۱۳۴۳]

جنابان آقایان محمدتقی عینکچی و اخوان محترم
قبول بفرمائید در این مصیبتی^۱ که به آقایان محترم وارد شده از هر جهت سهیم و شریکم و با قلبی محزون و چشمی گریان تأثرات خود را برای این مصیبت مؤلمه عرض و از خدا مسألت دارم که روح پرفتوح آن رادمرد وطنپرست را غریق رحمت فرموده و به آقایان محترم سلامت و طول عمر کرامت فرماید.

دکتر محمد مصدق

۴۵۹

نامه دکتر مصدق در جواب نامه دکتر سید علی شایگان

احمدآباد - ۴ مهرماه ۱۳۴۳ [۱]

قربانت شوم [۲] از شهریور ۱۳۴۱ که در جواب مرقومه جنابعالی شرحی عرض نمودم دیگر

^۱ اشاره به فوت حاج اسمعیل عینکچی پدر مخاطبان نامه و یکی از جانبداران نهضت ملی ایران است.

بطور مستقیم خبری از جنابعالی نداشتم تا مرقومه مورخ ۱۵ سپتامبر (۱۴ شهریور) رسید و روح مسرت بخشی در کالبد نحیف دوستدار دمید. اینکه مرقوم فرموده‌اید بواسطه انسداد باب مکاتبه در این مدت اظهار لطف فرموده‌اید مورد تأیید است. چون که خود بنده هم که بواسطه غیبت فرزندم دکتر غلامحسین مسافر اروپا احتیاج به دکتر داشتم ۱۰ روز گذشت تا اجازه دادند دکتر دیگری بنده را معاینه کند. اگر باب مکاتبه مفتوح نیست خلقت ما طوری ساخته شده که با نبودن هیچ ارتباط مثل هم فکر می‌کنیم و در مسائل سیاسی اختلاف نداریم کما اینکه جنابعالی نماینده مجلس بودید و بنده در رأس دولت و هردو یک جور فکر می‌کردیم و هر قدمی که برمی‌داشتیم در صلاح جامعه بود و بنده هیچ وقت فداکاریهای جنابعالی را در شورای امنیت سازمان ملل متفق و دیوان بین‌المللی لاهه فراموش نمی‌کنم و الحق که قدمهای مفیدی برای مملکت برداشتید. خواهانم خدا به شما عوض کرامت کند و ملت رنج‌دیده ایران قدر خدمات جنابعالی را بداند.

اکنون قدری از جبهه ملی عرض می‌کنم که چون نخواست با نظریات بنده راجع به تجدید نظر در اساسنامه و آئین‌نامه موافقت کند دست از کار کشید و جبهه منحل گردید. نظریاتم این بوده [۱]: اشخاص منفرد که در هیچ اجتماعی نیستند وارد جبهه نشوند و همچنین اشخاصی که در اجتماعات هستند همان اجتماعات آنها را انتخاب کند و در مملکت مشروطه از افراد کاری ساخته نیست، افراد را باید اجتماع خودشان انتخاب کنند تا پشتیبان آنها باشند.

انتخاب اعضای شوری که بعضی عضو اجتماعات بودند و اکثریتشان در هیچ اجتماعی نبودند به دست کنگره ولایات که هر دو سال یکبار اگر تشکیل می‌شد، سد بزرگی در راه پیشرفت جبهه ملی بود که احتیاج به کمک سازمانهای سیاسی و اجتماعات داشت و یک چنین انتخاباتی در حکم انتخاباتی است که برای مجلسین می‌کنند و روح ملت از آن بی‌خبر است، با این فرق که نمایندگان مجلسین خود را مسؤول دولت می‌دانند در صورتی که نمایندگان شورای جبهه که روح اجتماعات از انتخابشان بی‌خبر است مسؤول هیچ اجتماعی نبودند و چنین توضیح داده می‌شد که آنها مسؤول کنگره‌ای هستند که هر دو سال یکبار باید در طهران تشکیل شود، خلاصه اینکه اعضای شوری نه مسؤول بودند نه جمعیتی داشتند که پشتیبانشان باشد و بعضی از اشخاص منفرد که وارد شورا شده بودند مقصودشان این بود وقت خود را در یک اجتماع بگذرانند و برخی دیگر ماموریت داشتند که در کار جبهه نظارت کنند و گزارش خود را به جاهای لازم برسانند و به همین جهات بود که جبهه ملی نتوانست کم‌وچکترین قدمی در راه مصالح مملکت بردارد.

البته نظریات بنده مربوط است به جبهه ملی در مرکز، ولی در خارج از مرکز چون در بعضی نقاط عده‌ی هموطنان آنقدر نیست که بتوانند حزب تشکیل دهند از عقاید و نظریات این جوانان مطلع و وطنپرست باید بحد امکان استفاده نمود و باید از آنان دعوت نمود که به عضویت

شورای جبهه درآیند. اگر جبهه ملی در مرکز تشکیل شد و آئین‌نامه‌ای تنظیم نمود که اجرای آن در خارج از کشور عملی باشد کار سهل می‌شود و همه تابع یک مقررات خواهند شد والا هر جبهه باید برای خود مقررات خاصی تنظیم کند و غیر از آزادی و استقلال ایران پیرامون هیچ امری نگردد، چه با این مرام هیچ‌کس نمی‌تواند مخالفت کند ولی با هر امری غیر از این ولو اینکه مفید باشد مخالفت خواهند کرد. برای اینکه جبهه بتواند در مرام اصلی که آزادی و استقلال ایران است توفیق حاصل نماید و این رویه مانع از این نیست که هر حزب و هر اجتماع مرام خاص برای خود داشته باشد. بیش از این عرض ندارم و توفیق جنابعالی و جوانان وطن پرست را که چشم و نظیرستان این مملکت به آنها دوخته شده است از خدا خواهانم.

دکتر محمد مصدق

۴۶۰

نامه دکتر مصدق به حسنعلی منصور

احمدآباد - ۲۲ آبان ماه ۱۳۴۳

جناب آقای منصور نخست وزیر

اکنون که متجاوز از ۱۱ سال است در زندان بسر می‌برم و قادر نیستم از منافع وطن خود دفاع نمایم اجازه فرمائید که لااقل بوسیله این چند سطر از خود دفاع کنم. بیانات آن جناب در جلسه‌ی روز سه‌شنبه ۱۹ جاری در مجلس شورای ملی راجع به اینکه در موقع تصدی کار این‌جانب قراردادی راجع به مصونیت سیاسی نظامیان دولت امریکا در ایران امضا نموده‌ام موجب کمال تعجب گردید. چون که این‌جانب اول کسی بودم که در این مملکت زبان اعتراض به مصونیت‌های اتباع دول بیگانه گشودم و آن در اول جنگ اول بین‌الملل بود که دولت ترکیه رژیم کاپیتولاسیون را در آن کشور الغاء نمود و این‌جانب رساله‌ای به نام «کاپیتولاسیون و ایران» و به تعداد ۵ هزار نسخه منتشر کرده و از اولیای امور الغای این رژیم مخالف آزادی و استقلال مملکت را درخواست نمودم. قراردادی که این‌جانب امضا نموده‌ام مربوط است به وظایف اصل ۴ در ایران و اصل ۴ رونوشتی از قرارداد با سایر دول را برای این‌جانب فرستاد و تقاضا نمود از طرف دولت ایران هم قراردادی به همان نهج تنظیم شود که چون احتیاج به اصلاحات داشت پس از اصلاح این‌جانب آن را امضا نمودم و در آن وقت صحبتی از مصونیت سیاسی مأمورین نظامی دولت امریکا در ایران نبود و این عیناً مثل حکایت آن کسی است که در ده راهش نمی‌دادند ادعای کدخدایی می‌کرد چقدر خوب است که مقرر فرمایند پرونده آن را مطالعه کنند و بیاناتی که در مجلس فرموده‌اید اصلاح نمایند [۰].

دکتر محمد مصدق

۴۶۱

نامه دکتر مصدق در جواب مرقومه آقای شیخ مصطفی رهنما

احمدآباد - ۱۱ آذرماه ۱۳۴۳

عرض می‌شود مرقومه محترمه عز وصول ارزانی بخشید و موجب نهایت امتنان گردید. از اینکه باز مدتی گرفتار سازمان امنیت شده‌اید بسیار متأسفم، امیدوارم که دیگر نظایری پیدا نکند و جنابعالی بتوانید در کمال رفاهیت و آسایش از زندگی خود استفاده فرمائید. از کتاب سرگذشت فلسطین^۸ بسیار استفاده نمودم و حیفم آمد که این کتاب در گوشه‌ای بماند و مورد استفاده قرار نگیرد. این است که چک ناقابلی هم تقدیم می‌کنم که بتوانید از آن بیشتر استفاده فرمائید و آن را در معرض استفاده عموم قرار دهید.

ارادتمند دکتر محمد مصدق

[رقم ظیر پاکت]

جناب آقای شیخ مصطفی رهنما دام بقائه.

۴۶۲

تسلیت نامه دکتر مصدق به خانم افتخارالملوک بیات

احمدآباد - ۲۷ دی ماه ۱۳۴۳

قربانت شوم [۱]؛ خبر فوت مرحوم مغفور حاج شیخ‌العراقین مرا آنقدر متأثر ننموده‌است که نتوانم تسلیت خود را تقدیم کنم. بنده بیشتر از این جهت متأثرم که در یک کشور غریب این کار روی داد و کسی از اقوام نزد آن مرحوم نبود و الا این که همه باید برویم متتها قدری زود یا دیرتر [۰].

در هر حال خواهانم که خداوند به شما صبر کرامت کند و آن مرحوم مغفور را در جوار رحمت خود جای دهد [۰].

[امضاء] دکتر محمد مصدق

۴۶۳

نامه دکتر مصدق به دکتر غلامحسین صدیقی

احمد آباد - ۱۰ بهمن ماه ۱۳۴۳

قربانت شوم [۱]؛ از اظهار لطف و تسلیی که به بنده داده‌اید [۰]، صمیمانه تشکر می‌کنم و از

^۸ اشاره به کتاب «سرگذشت فلسطین یا کارنامه سیاه استعمار» تألیف اکرم زعیترو ترجمه آقای علی‌اکبر هاشمی رفسنجانی دارد.

روی حقیقت عرض می‌کنم آنقدر از این زندگی خسته شده‌ام که روزی نیست که از خدا خاتمه آن را مسألت نکنم [۰]. چه می‌توان کرد قسمت بنده هم این بوده که در این روزهای آخر عمر اینطور بسر برم و هر قدر هم از خدا می‌خواهم توجهی به درخواستم نمی‌شود و باید بسوزم و بسازم [۰]. بیش از این نمی‌خواهم جنابعالی را متأثر کنم و در خاتمه ارادت خود را تجدید می‌کنم [۰].

دکتر محمد مصدق

۴۶۴

نامه دکتر مصدق در جواب نامه هیأت اجرائی سازمانهای اروپائی جبهه ملی ایران

احمدآباد - ۱۴ بهمن ماه ۱۳۴۳

هیأت محترم اجرائی سازمانهای اروپائی جبهه ملی ایران

مرقومه مورخ ۲۳ ژانویه ۱۹۶۵ (۳ بهمن ماه ۱۳۴۳) در ۱۱ بهمن عز وصول ارزانی بخشید و از توجهی که نسبت به منافع وطن عزیز دارند متشکرم و اکنون نظریات خود را نسبت به مندرجات نامه مزبور باستحضار می‌رسانم:

۱ - در ماده هفتم آئین نامه جبهه ملی ایران که در اولین کنگره تصویب شده سازمانهای جبهه ملی ایرانیان مقیم خارج از مرکز تابع مقررات این آئین نامه شمرده شده‌اند. در صورتی که در آئین نامه جدید مورخ ۱۳۴۳ هیچ ذکری از سازمانهای مزبور نشده و آنها را به حال خود گذارده‌اند تا بتوانند تشکیلات خود را طبق وضعیات و احتیاجات محل تنظیم کنند و به علت مشکلاتی که در روابط تشکیلات مرکزی با تشکیلات خارج از مرکز هست خود را دچار اشکال نمایند. بنابراین جبهه‌های ملی در اروپا و امریکا می‌توانند با اطلاعاتی که از اوضاع مملکت [بدست می‌آورند] و معلوماتی که دارند تشکیلات خود را طبق احتیاجات محل برقرار کنند و از چنین تشکیلاتی در صلاح وطن عزیز استفاده نمایند.

۲ - راجع به اینکه افرادی که عضو هیچ جمعیتی نباشند آیا می‌توانند وارد شورای جبهه ملی بشوند و رای بدهند؟ ماده ۱۹ آئین نامه‌ی جبهه ملی سوم اینست که عیناً نقل می‌شود: «شورای مرکزی از نمایندگان نیروهای مذکور در ماده اول که برای یک سال انتخاب می‌شوند تشکیل می‌گردد تجدید انتخاب مانعی ندارد.» و ماده مزبور عیناً نقل می‌شود:

«ماده اول - جبهه ملی سوم ایران مرکز تجمع احزاب و جمعیت‌های سیاسی و جامعه روحانیت و جامعه دانشجویان و سازمانهای سیاسی و اجتماعات صنفی و اتحادیه‌ها و دستجات محلی است که هریک از آنها مرام خاصی برای خود داشته‌باشند و با جبهه ملی سوم فقط دارای یک مرام مشترک باشند که آزادی و استقلال ایران است.» بنابراین هیچ فردی که در

یک اجتماع عضویت نداشته باشد نمی‌تواند وارد شورای جبهه ملی شود. آنچه باستحضار رسید مربوط است به شورای مرکزی که در طهران تشکیل می‌شود. و در اروپا چون دستجات و اصنافی نیستند تا بتوانند نمایندگان خود را به شورای جبهه اعزام کنند و تشکیل حزب هم به علت عده‌ی محدود که همه دارای یک مرام و مسلک باشند عملی نیست چنانچه مقتضی بدانند ممکن است در هر محل عده‌ای از دانشجویان و اشخاص دیگر جمعیتی به هر اسم و رسم که بخواهند تشکیل دهند و نمایندگان خود را به شوری اعزام نمایند. از اینکه مقرر فرموده‌اند احزاب منحلّه مجدداً تشکیل شوند سپاسگزارم.

۳ - نظریاتی که این‌جانب در قسمت چهارم از معروضه ۳۰ تیرماه ۱۳۴۳ اظهار نموده‌ام مربوط به اعضای خارج از مرکز نیست بلکه مربوط است به بعضی اشخاص منفرد که عضو شورای جبهه ملی سابق بوده‌اند.

۴ - و اما راجع به اشخاصی که صلاحیت ندارند اعم از اینکه در حزبی باشند یا نباشند نظر باینکه متجاوز از ۱۱ سال است که در زندان بسر می‌برم و با کسی حشر ندارم در این باب نمی‌توانم اظهار نظر کنم و اکنون که جبهه‌های ملی در خارج از ایران مقید به اجرای مقررات مرکزی نیستند و خود می‌توانند بدون هیچ قید و شرط درباره هر فرد و یا جمعیتی تحقیقات و مطالعاتی بکنند البته هرکس را شایسته می‌دانند می‌توانند قبول کنند.

دکتر محمد مصدق

۴۶۵

جواب دکتر مصدق به نامه مهندس جهانگیر حق‌شناس

احمدآباد - ۲۸ اسفند ۱۳۴۳

قربانت شوم [!] مرقومه محترمه عز و صول ارزانی بخشید و موجب نهایت امتنان گردید خواهانم که این سال جدید بجنابعالی مبارک و میمون باشد و سالهای بسیار در کمال صحت و خوشی بسر برید. از آنچه کرده‌ام و یکی از آنها عدم تسلیم بود برای اینکه هدف ملت ایران از بین نرود بسیار راضی و خوشوقتم و الا بنده هم مثل دیگران می‌شدم که نه از خود اسمی و نه از هدف ملت ایران سخنی در میان نبود.

از بنده گذشت امیدوارم که ملت ایران و هموطنان عزیزم با اجرای هدف خود موفق گردند و نام نیکی برای ایران در تاریخ این مملکت باقی بگذارند. بیش از این مصدع نمی‌شوم. تشکرات خود را از الطاف مبذوله تقدیم و سلامت جنابعالی را آرزومندم.

دکتر محمد مصدق

طهران خیابان تیر شماره ۱۰۲

خدمت جناب آقای جهانگیر حق‌شناس ادام‌الله بقائه

۴۶۶

نامه دکتر مصدق در جواب نامه...

احمدآباد ۳ فروردین ماه ۱۳۴۴

آقای محترم و عزیزم

نامه‌ی پر از احساسات و محبت شما عز وصول ارزانی بخشید و از اینکه این اقل هموطنان را مورد توجه قرار داده‌اید نهایت امتنان حاصل گردید. خواهانم این سال بشما میمون و مبارک باشد و سالهای بسیار در کمال صحت و خوشی بسر برید و در راه آزادی و استقلال وطن عزیز توفیق حاصل نمائید. راهی که صعب و دشوار است و غیر از اتحاد و فداکاری نمی‌توان آن را پیمود.

دکتر محمد مصدق

۴۶۷

نامه دکتر مصدق در جواب نامه خانم پروانه فروهر

احمدآباد - ۱۶ فروردین ماه ۱۳۴۴

عرض می‌شود

از اینکه مرقومه محترمه بخانه‌ی شهر این جانب داده شده و رسیده است بسی خوشوقت و متشکرم و علت تاخیر عرض جواب نداشتن آدرس بود و اکنون که وسیله برای ارسال به دست آمده تبریکات سالی که در آن عید دیده نمی‌شود تقدیم می‌کنم و خواهانم که سالهای سال در کمال محبت و خوشی بسر برید و برای دوست عزیزم اگر از بنده خدمتی ساخته باشد با کمال میل و افتخار انجام می‌دهم بیش از این تصدیع افزا نمی‌شوم و ارادت خود را تجدید می‌نمایم.

دکتر محمد مصدق

[ظهر پاکت]

سرکار علیه خانم پروانه فروهر

۴۶۸

نامه دکتر مصدق به سازمان دانشجویان جبهه ملی ایران

احمدآباد - فروردین ماه ۱۳۴۴

سازمان محترم دانشجویان جبهه ملی ایران

مرقومه محترمه آن آقایان محترم عز وصول ارزانی بخشید. از اظهار لطف و توجهی که به

این اقل هموطنان ابراز داشته‌اید نهایت امتنان دارم و خواهانم که این سال به آقایان فرزندان عزیزم مبارک و میمون باشد و سالهای سال در کمال صحت و خوشی بسر برید و راه صعب‌العبور آزادی و استقلال وطن عزیز را در سایه اتحاد و وحدت فکری پیمائید و هیچ نظری نداشته باشید غیر از اینکه به مرام خود که آزادی و استقلال ایران است برسید. من که در این زندان بسر می‌برم و از این قلعه حق خروج ندارم اول امیدم به خدا و بعد به شما فرزندان عزیز است و یقین دارم اگر زمینه برای اتحاد فراهم شود به مطلوب خواهید رسید.

دکتر محمد مصدق

۴۶۹

نامه دکتر مصدق در جواب نامه رهبران جامعه‌ی سوسیالیستهای نهضت ملی ایران

احمدآباد - فروردین ۱۳۴۴

جنابان آقایان محترم خلیل ملکی - مهندس قندهاریان - میرحسین سرشار - رضا شایان - علیجان شانسی نمایندگان جامعه‌ی سوسیالیستهای نهضت ملی ایران ادام‌الله بقائهم

مرقومه محترمه مورخ ۲۷ اسفند ماه عز وصول ارزانی بخشید. از توجهاتی که نسبت باین اقل هموطنان ابراز فرموده‌اید نهایت امتنان حاصل گردید. امیدوارم که این سال با آقایان محترم مبارک و میمون باشد و سالهای بسیار در کمال صحت و خوشی بسر برید و بآرزوی خود که آزادی و استقلال ایران است برسید. برای پیمودن این راه صعب‌العبور باید نظریات شخصی را کنار گذاشت، جمعیت‌ها و دستجات با یک اتحاد کامل آن را پیمائید. از این جانب که در زندان بسر می‌برم و از این قلعه حق خروج ندارم کاری ساخته نیست و امیدی ندارم جز اینکه خواهان آزادی و استقلال از گذشته حرفی نزنند آن را فراموش کنند و با هم اتحاد نمایند.

دکتر محمد مصدق

۴۷۰

نامه دکتر مصدق به ابوالحسن دیبا

احمدآباد - پنجم تیرماه ۱۳۴۴

جناب آقای ابوالحسن دیبا

نامه‌ی مورخ اول تیرماه به ضمیمه چهار نسخه موافقت‌نامه برای ساختمان جدید بیمارستان نجمیه به امضای جناب آقای مهندس سردار افخمی واصل گردید و از توجهی که به این مؤسسه مادر ما نموده‌اید نهایت خوشوقتی و امتنان حاصل گردید. بعقیده من این بزرگترین

کاری است که ما می‌توانیم در عمر خود انجام دهیم و به خدمت یک عده‌ای ناتوان توفیق حاصل کنیم. رضای خدا و رضای مادرمان را نسبت به خود جلب نماییم. این قسمت از عرایض برای این است که از این کار شانه خالی نکنیم و خود را از تحصیل یک چنین سعادت محروم نکنیم. من اگر می‌توانستم چنین خدمتی انجام دهم هرگز یک چنین توفیقی را از دست نمی‌دادم. متأسفانه نه حالم نه وضعیتم اجازه می‌دهد و نه اطلاعاتی دارم که شخصاً متصدی این کار بشوم فقط می‌توانم عرض کنم که مبلغ یک میلیون تومان برای این کار پیردازم و بیش از این از عهده برنمی‌آیم و هیچ مانعی نیست که قسمتی از ساختمان بماند تا هرکس بعد توانست از عهده پرداخت آن برآید. نظر بجهات فوق کلیه اختیاراتی که طبق قانون دارم با کمال افتخار به شخص شما واگذار می‌کنم که به هرطور و به هر قیمت مشروط بر اینکه از یک میلیون تجاوز نکنید اقدام فرمایید، یک نسخه از پیش‌نویس قرارداد را ضبط می‌کنم و بقیه را بشما تقدیم می‌کنم که بوظایف قانونی و احترامی که محض مادر دارید عمل نمایید و نظر باینکه تا تکلیف تخلیه دکان شاه‌محمدی معلوم نشود نمی‌توانید اقدامی نمایید و شروع به کار مربوط است به اینکه دکان مزبور تخلیه شود. هم‌اکنون از جناب آقای نصرت‌الله امینی وکیل محترم دادگستری خواهش نمودم اگر ممکن است هرچه زودتر دکان را تخلیه فرمایند و در صورتی که ممکن نیست کار را واگذار فرمایند که بنده به وسیله شخص دیگر هر اقدامی که لازم است بنمایم. در خاتمه سلامت و توفیق شما را در این راه از خدا خواهانم. [امضاء] دکتر محمد مصدق

۴۷۱

نامه تسلیت دکتر مصدق به خانم قدسی مظفری

احمدآباد - ۱۱ تیرماه ۱۳۴۴

قربان قدسی عزیزم

از این مصیبتی که به شما رسیده است بسیار متأسفم و از خداوند خواهانم به شما عمر طویل کرامت کند و آن مرحومه را در جوار رحمت خود جای دهد. خواهانم تأسفات مرا برای این مصیبت وارده خدمت حضرت اشرف والا تقدیم بدارید. قربان قدسی عزیزم

۴۷۲

نامه دکتر مصدق در جواب نامه هیأت اجرایی سازمانهای اروپایی جبهه ملی ایران

احمدآباد - ۲۰ تیرماه ۱۳۴۴

هیأت اجرایی سازمانهای اروپایی جبهه ملی ایران

مرقومه محترمه مورخ ۳۱ اردیبهشت ۱۳۴۴ در ۱۵ تیرماه عز وصول ارزانی بخشید. تصور

می‌کردم که با معروضه ۱۴ بهمن ماه رفع اختلاف بکلی شده و احتیاج نبود باز در این باب چیزی عرض کنم و اکنون ناچارم که باز یک مرتبه دیگر نظریات خود [را] در خصوص جبهه ملی ایران در اروپا و امریکا باستحضار آن هیأت محترم برساند و آن این است که این دو جبهه هرکدام در محل خود استقلال تام دارند و هیچ‌یک حق دخالت در کار دیگری ندارد و امیدوارم که با این استقلال هرکدام بتوانند قدمهای سریعی در آزادی و استقلال ایران بردارند و هرگونه اختلافی که باشد بکلی رفع شود. در خاتمه توفیق آن هیأت محترم را خواهانم.

دکتر محمد مصدق

۴۷۳

جواب دکتر مصدق به نامه مهندس جهانگیر حق‌شناس

احمدآباد ۲۹ تیرماه ۱۳۴۴

قربانت شوم [!] مرقومه محترمه عز وصول ارزانی بخشید و موجب نهایت امتنان و تشکر گردید و همین مرقومات دوستان عزیز است که بنده را تسلی می‌دهد. قبول بفرمائید که هیچ نمی‌خواستم بعد از این خانم زنده بمانم و اکنون باین درد مبتلا شده‌ام و از خدا درخواست می‌کنم هرچه زودتر بنده را هم از این زندگی خلاص و آسوده کند. در خاتمه ارادت خود را تجدید و سلامت وجود عالی را خواهانم.

دکتر محمد مصدق

خدمت جناب آقای جهانگیر حق‌شناس ادام‌الله بقانه با تقدیم عرض ارادت

۴۷۴

نامه دکتر مصدق به دکتر غلامحسین صدیقی

احمدآباد - ۵ مردادماه ۱۳۴۴

قربانت شوم [!] حقیقت این است که زبانی برای عرض تشکر ندارم پایه‌ی لطف و مرحمت را بجائی رسانده‌اید که مرا برای تقدیم تشکرات عاجز فرموده‌اید [!]. از روی حقیقت از این مصیبت وارده بسیار رنج می‌کشم [!] چونکه همسر عزیزم متجاوز از ۶۴ سال با من زندگی کرد و به همه چیزم ساخت و من هیچ‌وقت نمی‌خواستم بعد از او بروم [!]. تقدیر این بود تا او زودتر برود و اکنون غیر از اینکه از خدا بخواهم مرا از این زندگی رقت‌بار خلاص کند چاره‌ای ندارم [!]. در خاتمه تشکرات خود را خدمت سرکار علیه خانم جنابعالی تقدیم می‌کنم. سلامت و خوشی آن دو وجود محترم را از خدا خواهانم [!].

دکتر محمد مصدق

[ظهر پاکت]

خدمت جناب آقای دکتر غلامحسین صدیقی استاد دانشگاه ادام‌الله بقانه

۴۷۵

نامه دکتر مصدق در جواب به نامه تسلیت...

احمدآباد - ۱۵ مرداد ۱۳۴۴

قربانت شوم [۱] مرقومه تسلیت آمیز جنابعالی عز وصول ارزانی بخشید و اظهار لطفی که فرموده‌اید موجب نهایت امتنان گردید. قبول بفرمایید که از این مصیبت بسیار رنج می‌کشم و از خدا می‌خواهم که مرا هم هرچه زودتر از این زندگی ناگوار خلاص کند. از اینکه بعد از سالهای سال به دیدار خط دست جنابعالی یعنی فقط امضای نامه و آدرس موفق شدم بسیار خورسندم و بعد از عرض تشکر خواهانم که سالهای سال در کمال صحت و خوشی بسر برید. بیش از این عرضی ندارم و ارادت خود را تجدید می‌نمایم.

دکتر محمد مصدق

[مجدداً]

چه خوب شد که آدرس را مرقوم فرموده‌اید. چند تلگراف بنده از بعضی نقاط داشتم که بعد از نوشتن جواب و تعیین شماره قبض تلگراف در جواب، آنها را پاره کردم. جواب‌ها را که به تلگرافخانه برده‌اند می‌گویند تا اصل تلگراف را نیاورید جواب را قبول نمی‌کنند. این است وضع ما.

۴۷۶

جواب دکتر مصدق به تسلیت سید اسدالله رسا

احمدآباد ۱۵ مرداد ماه ۱۳۴۴

قربانت گردم [۱] کارت تسلیت آمیز جنابعالی عز وصول ارزانی بخشید و موجب نهایت امتنان گردید. از این مصیبت وارده بسیار رنج می‌کشم چون همسر عزیزم متجاوز از ۶۴ سال با همه چیز من ساخت و بعد از مادر فقط امیدم در زندگی به او بود و بنده می‌خواستم قبل از او از این دنیا بروم و اکنون از خدا خواهانم که مرا هرچه زودتر ببرد و از این زندگی رقت بار خلاص کند. در خاتمه تشکرات خود را از الطاف مبذوله تقدیم می‌کنم و سلامت جنابعالی را از خدا خواهانم.

دکتر محمد مصدق

۴۷۷

نامه دکتر مصدق در جواب مرقومه آقای ادیب برومند

احمدآباد - ۱۸ مرداد ماه ۱۳۴۴

فدایت شوم [۱] مرقومه محترمه و تسلیت آمیز جنابعالی عز وصول ارزانی بخشید و موجب

نهایت امتنان گردید قبول بفرمائید که از این مصیبت بسیار رنج می‌کشم. چون که مدت ۶۴ سال با همسر عزیزم زندگی کردم و شریکی برای غم و غصه‌ی خود داشتم و هیچ وقت نمی‌خواستم او برود و من بمانم. اکنون از خدا می‌خواهم که مرا هم هرچه زودتر ببرد و از این زندگی خلاص شوم. در خاتمه تشکرات خود را از الطاف جنابعالی تقدیم می‌کنم. صحت و سلامت جنابعالی را خواهانم.

[امضاء] دکتر محمد مصدق

[رقم ظهر پاکت]

تهران، پهلوی شمالی، کوی زمرد - خانه شماره ۵۰ خدمت جناب آقای ادیب برومند ادام الله بقائه

۴۷۸

نامه دکتر مصدق در جواب نامه ۲۶ ژوئیه ۱۹۶۵

احمدآباد - ۲۲ مرداد ماه ۱۳۴۴

فدایت شوم [!؛] مرقومه محترمه مورخ دوشنبه ۲۶ ژوئیه ۱۹۶۵ عز وصول ارزانی بخشید و اطلاع از مندرجات آن موجب نهایت امتنان و خوشوقتی گردید. قبول بفرمائید که هیچ جمعیتی بدون یک رهبر مطلع و فداکار نمی‌تواند کاری انجام دهد و رهبر مورد اعتماد هم کسی است که هرچه اظهار کند اجتماع آن را بپذیرد و جامعه از آن پیروی کند و تاریخ هم چنین نشان می‌دهد که هر وقت رهبری بوده که اجتماع با او موافقت کرده جامعه هم از عمل اجتماع منافع بیشماری برده است. و از این عرایض هیچ نظر شخصی ندارم چونکه یک مرد هشتاد و سه چهار ساله هر قدر هم که مورد اعتماد باشد قادر به رهبری نیست.

و اما اینکه مرقوم شده است بجای اینکه سرگذشت زندگی خود را بنویسم مطالعه در کتب طبی می‌کنم. این اظهارات از هرکه باشد صادقانه نیست و مطالعات بنده در امور طبی مربوط به داروهائی است که بعضی از اطبای مورد اعتماد برای تسهیل در زندگی داده‌اند و نوشتن وقایع سیاسی، گذشته از اینکه در این سن و سال کاری سهل نیست و در این سالهای اخیر بنده دچار نسیان هم شده‌ام احتیاج بمدارکی دارد که در این زندان بهیچ وجه برایم میسر نمی‌شود چونکه غیر از اولادم با کسی نمی‌توانم حشر کنم و آنها هم هرکدام ۱۵ روز یکمرتبه دیدنی از من می‌کنند و می‌روند. فرض کنیم که بنده شرح زندگی خود را تنظیم کرده باشم آیا ممکن است بفرمائید در کدام نقطه‌ای از این مملکت می‌شود آنها را طبع نمود و منتشر کرد؟ علی‌الخصوص که اظهارات یک سیاستمدار راجع باعمال سیاسی خود مورد توجه واقع نمی‌شود و هرچه بگویند خالی از انتقاد نخواهد بود. پس بهتر این است که سرگذشت اعمال سیاسی اینجانب را دیگران بنویسند و جامعه بخواند و قضاوت کند. دیگر بنده خبری ندارم که عرض کنم مگر اینکه صحت و سلامت

و توفیق جنابعالی و سایر همفکرانتان را در راه آزادی و استقلال وطن عزیز از خدا بخواهم.
دکتر محمد مصدق

۴۷۹

یادداشت دکتر مصدق پس از دریافت خبر فوت نحاس پاشا

احمدآباد - ۸ شهریور ماه ۱۳۴۴

روزنامه‌ای که فرستادید خواندم. موقعی که من رفتم مصر، این شخص از ترس سیاست خارجی باستقبال من نیامد. من برنامه‌ای که درست کرده بود، بهم زدم و رفتم در هتلی که دولت برای من تهیه کرده بود، چون در آن ساعت محل دیگری نداشتم و بعد نحاس پاشا آمد به هتل معذرت خواست.

خلاصه روزگار همین است. برنامه زندگی او تمام شد، اکنون من منتظرم که برنامه زندگی من هم هرچه زودتر تمام شود.

۴۸۰

سواد جواب دکتر مصدق به تسلیت خانم مریم فیروز

احمدآباد - ۸ شهریور ۱۳۴۴ ۳۰ اوت ۱۹۶۵

عرض می‌شود مرقومه محترمه مورخ ۲۲ اوت عز وصول ارزانی بخشید و تسلیتی که باینجانب داده‌اید موجب نهایت امتنان گردید. از اینکه بعد از سالها بوصول خط شما موفق می‌شوم الحمدلله سلامت هستید خیلی خوشوقتم و اما راجع بخودم قبول بفرمائید که بسیار از این مصیبت رنج می‌کشم و چون که متجاوز ۶۴ سال همسر عزیزم با من زندگی کرد و هر پیش آمد که برایم رسید تحمل نمود و با من دارای یک فکر و یک عقیده بود و هر وقت که احمدآباد می‌آمد مرا تسلی می‌داد در من تأثیر بسیار می‌کرد و آرزویم این بود که قبل از او من از این دنیا بروم و اکنون برخلاف میل من مانده‌ام و او رفته است و چاره‌ای ندارم غیر از این که از خدا بخواهم که مرا هم هر چه زودتر ببرد و از این زندگی رقت بار خلاص شوم. اکنون در حدود ده سال است که از این قلعه نتوانستم خارج شوم و از روی حقیقت از این زندگی سیر شده‌ام. باری یقین دارم که بشما هم بد گذشته است ولی چون محبوس نبوده‌اید و کسی مانع ملاقات شما نبوده و از این بابت آزاد بوده‌اید با زندگی بنده که در یک اطاق زندگی می‌کنم و گاه می‌شود که در روز چند کلمه هم صحبت نمی‌کنم بسیار فرق دارد. اینست وضع زندگی اشخاص که یک عقیده‌ای دارند و تسلیم هوا و هوس دیگران نمی‌شوند.

در خاتمه تشکرات خود را تقدیم می‌کنم و سلامت شما را خواهانم.

دکتر محمد مصدق

۴۸۱

نامه دکتر مصدق به حسن عنایت

احمد آباد - ۲۳ شهریور ماه ۱۳۴۴

قربانت شوم

سه شماره مجله‌ی «نگین» تأسیس جناب آقای دکتر محمود عنایت به بنده رسید و موجب نهایت امتنان گردید قبول بفرمائید که به روح پرفتوح پدر بزرگوارشان صد رحمت فرستادم که چنین فرزندی به جامعه تحویل داده‌اند الحق که بسیار خوب تدوین شده و هموطنانم می‌توانند بسیار از آن استفاده نمایند و اکنون اجازه می‌خواهم چک جوف را که بسیار ناقابل است تقدیم کنم و از ایشان تمنا نمایم بنده را جزو مشترکین خود محسوب بفرمایند.

در خاتمه سلامت جنابعالی را خواهانم و ارادت خود را تجدید می‌نمایم.

[امضاء] دکتر محمد مصدق

۴۸۲

نامه دکتر مصدق به مهندس عبدالعلی بازرگان

احمدآباد - ۳ آبان ماه ۱۳۴۴

جناب آقای عبدالعلی بازرگان

کتاب «آزادی هند» به قلم معجز شیم پدر بزرگوارتان که برسم یادگار آن را امضا نموده و برای بنده ارسال فرموده‌اید شرف وصول داد. از آنچه تاکنون خوانده‌ام اطلاعات مفیدی کسب نموده امیدوارم آن را تمام کنم و از این یادگار ارزنده و مفید بسیار استفاده نمایم. الحق که بسیار خوب تنظیم شده و هموطنان عزیز می‌توانند از آن تجربه‌ی بسیاری بدست آورند. نظر باینکه نمی‌دانم بچه وسیله به بنده رسیده و از آدرس جنابعالی هم اطلاع نداشتم معروضه را بخانه‌ی شهر می‌فرستم که بعد از تحقیق بمقصد برساند، دیگر عرضی ندارم مگر اینکه بخواهم سلام و ارادت خالصانه‌ام را خدمت پدر بزرگوار تقدیم فرمائید. الحق که در راه خدمت بوطن رنج بسیار کشیده‌اند و صدمات ناگواری را تحمل فرموده‌اند. توفیق و سعادت آن یگانه مرد وطنپرست و دوستان وفادارشان را از خداوند مسألت دارم. در خاتمه تشکرات خود را تقدیم می‌کنم و سلامت شما را خواهانم.

دکتر محمد مصدق

۴۸۳

نامه دکتر مصدق به سید مهدی قرخ

احمدآباد - ۸ آبان ماه ۱۳۴۴

خدمت جناب آقای سید مهدی قرخ معتمد السلطنه

از اینکه در آخرین یادداشت خود در مجله «سپید و سیاه» شماره ۶۳۳ جمعه هفتم آبان ماه ۱۳۴۴ نامی از این زندانی دست از همه جا کوتاه برده‌اید متشکرم و آنچه به خاطر دارم این است:

در سال ۱۳۰۲ بافتخار خدمت در وزارت خارجه مفتخر شدم. عده‌ای - شاید در حدود پنج نفر - از اعضای درستکار وزارت خارجه شکایت نمودند که بواسطه اختلاف سلیقه با بعضی از وزراء داشتند رتبه‌ای که استحقاق داشتند بآنها داده نشده، چنانچه این جانب هم از احقاق حق آنها خودداری کنم، یأس سبب خواهد شد که در انجام خدمت موفق نشوند. نظر باینکه حق قانونی آنان سلب شده بود، صلاح در این دانست که حقشان از بین نرود و امیدوار باشند. مبلغی که از ترفیع رتبه عاید آنها شده منتشر فرمائید همه تصدیق خواهند کرد آنچه شده در صلاح مملکت بوده است.

از اینکه آقای دکتر میلیسپو به نخست‌وزیر و دادگستری شکایت کرده باشد اطلاع ندارم و چنانچه اظهارات او طبق قانون بود، با قدرتی که داشت مورد توجه قرار می‌گرفت و عده زیادی از دشمنان من کامشان شاد می‌شد. نظر باینکه هیچ وسیله‌ای برای انتشار معروضه ندارم خواهشمندم جنابعالی آن را در یادداشت خود منتشر و نظریاتی هم اگر دارید ضمیمه فرمائید. توفیق جنابعالی را خواهانم: دکتر محمد مصدق

۴۸۴

نامه دکتر مصدق در جواب مرقومه آقای ادیب برومند

احمدآباد - ۱۲ آبان ماه ۱۳۴۴

قربانت گردم، مرقومه محترم و چهار جعبه گز مرحمتی که مشعر از صحت و سلامت جنابعالی است عز وصول ارزانی بخشید و موجب نهایت امتنان گردید. تشکرات خود را از این لطفی که فرموده‌اید تقدیم می‌کنم و سلامت وجود محترم را خواهانم. ارادتمند.

[امضاء] دکتر محمد مصدق

[رقم ظہیر پاکت]

خدمت جناب آقای ادیب برومند ادام الله بقائه

۴۸۵

نامه دکتر مصدق در جواب نامه دکتر سعید فاطمی

احمدآباد - ۲ آذر ماه ۱۳۴۴

جناب آقای دکتر سعید فاطمی دام بقائه

مرقومه محترم مورخ ۱۹ آبان روز شهادت مرحوم خلدآشیان دکتر حسین فاطمی عز وصول ارزانی بخشید و موجب کمال تاثیر گردید [۰]. ای کاش سرنوشت ایشان نصیب من شده بود و این زندگی رقت بار را نمی دیدم [۰]. از کسالت سرکار علیه خانم والده جنابعالی بسیار متاسفم، صحت و سلامت ایشان و جنابعالی را خواهانم.

دکتر محمد مصدق

[ظهر نامه]

خدمت جناب آقای دکتر سعید فاطمی

۴۸۶

جواب دکتر مصدق به کارت تبریک ارسالی آقای شیخ مصطفی رهنما

احمدآباد - دوشنبه ۱۵ شعبان ۱۳۸۶

عرض می شود کارت محترم عز وصول ارزانی بخشید و تبریکاتی که برای عید مسعود حضرت ولی عصر عجل الله فرجه باین اقل هموطنان اهداء فرموده اید موجب نهایت امتنان گردید. بنده هم بنوبه خود بعرض تبریک مصدع می شوم و با عرض تشکر سلامت جنابعالی را خواهانم

[امضاء] دکتر محمد مصدق

[رقم ظهر پاکت]

خدمت جناب آقای رهنما ادام الله بقائه

۸ آذر ۱۳۴۴

۴۸۷

نامه دکتر مصدق به مهندس احمد مصدق

۱۲ آذر ماه ۱۳۴۴

قربان احمد عزیزم

کاغذ شما و پارچه کت و شلوار رسید، بسیار خوب است. پارچه دیگر هم رسیده که آن را می دوزند و این پارچه را عجلتاً نگاه می دارم تا بعد برای لباس بکار برود ولی قیمت آن را

بفرمایید بپردازم اگر قیمت آن را ننویسید پارچه را پس می‌فرستم، بین ما تعارف غلط است، من اگر چیزی لازم باشد می‌خواهم و چنانچه کاری باشد باید برای من انجام دهید، تعارف کار خوبی نیست چون که من دیگر چیزی ندارم که این تعارفات را جبران کنم و باید همیشه خجل و شرمنده بمانم. این ورقه را بدهید قدسی عزیزم که قربانش بروم بخواند و قیمت آن را برایم بنویسید.

قربانت پاپا

۴۸۸

نامه دکتر مصدق در جواب نامه آقای ایرج افشار

احمدآباد - ۱۲ آذرماه ۱۳۴۴

قربانت گردم [؟] مرقومه محترمه که حاکی از صحت و سلامت جنابعالی است عز وصول ارزانی بخشید و موجب کمال مسرت و خوشحالی گردید. راجع به انجمن‌هایی که در بدو مشروطیت تشکیل می‌شد و یکی از آنها انجمن آدمیت بود اطلاعی که دارم این است مرحوم میرزا عباسقلی در خانه‌ی خود این انجمن را تشکیل داد و هرکس هم که می‌خواست عضو انجمن بشود لازم بود کسی از اعضاء او را معرفی کند و مبالغی هم بابت حق عضویت بپردازد و یکی از روزها شخص محترمی به خانه من آمد مرا دعوت نمود و با خود به انجمن برد. در بعدها در دو سه جلسه بنده حاضر شدم و چون مجمع انسانیت تحت ریاست مرحوم مستوفی‌الممالک تشکیل شد و مرکب بود از آقایان آشتیانی‌ها، گرکانی‌ها و تفرشی‌های ساکن طهران و بنده را هم به سمت نیابت رئیس انتخاب کردند و دیگر نتوانستم در انجمن آدمیت حاضر شوم این است اطلاعات بنده که به استحضار رسید در خاتمه ارادت خود را تجدید می‌نمایم.

دکتر محمد مصدق

۴۸۹

نامه دکتر مصدق به مهندس احمد مصدق

۱۵ آذرماه ۱۳۴۴

قربان احمد عزیزم

امیدوارم حال شما و قدسی عزیزم سلامت و خوش باشید. موتور چراغ برق خراب شده وضعیت بدی دارم، موتور که بود شب‌ها در سه ساعت تلویزیون مشغولم می‌کرد ولی اکنون این اشتغال نیست، موتور را می‌آورند شهر و نمی‌دانم چند روز طول خواهد کشید. از جناب آقای

عنایت احوال‌پرسی کردید از حال ایشان مطلعم فرمائید.

قربانت پایا

[مجدداً]

چون احتیاج به وجه دارم در صورت امکان با جناب آقای مهندس زنگنه مذاکره کنید که اسهام را به هر قیمتی که خریدار است لطف فرموده بفروشند وجه آن را لطف فرمائید که مزید تشکر خواهد شد.

۴۹۰

نامه دکتر مصدق در جواب نامه مهندس جهانگیر حق‌شناس

احمدآباد - ۲۸ اسفندماه ۱۳۴۴

قربانت شوم [۴] مرقومه محترمه که حاکی از صحت سلامت وجود محترم بود رسید و موجب نهایت خوشوقتی و امتنان گردید. تشکرات خود را از تبریکاتی که باین اقل هموطنان اهداء فرموده‌اید تقدیم می‌کنم و از خدا خواهانم که سالهای بسیار درکمال صحت و خوشی بسر برید. از حال بنده بخواهید از روی حقیقت از این زندگی سیر شده‌ام و درخواستی هم که بدرگاه الهی برای راحتی از زندگی می‌کنم بعز اجابت مقرون نمی‌شود. باری چون خدا اینطور خواسته می‌سازم تا هر وقت مقدر باشد راحت و آسوده شوم.

در خاتمه ارادت خود را تجدید و از اینکه بحمدالله سلامت هستید بسی خوشوقتم.

دکتر محمد مصدق

خدمت جناب آقای جهانگیر حق‌شناس ادام‌الله بقائه.

۴۹۱

نامه دکتر مصدق در جواب مرقومه دکتر سعید فاطمی

مرقومه محترمه عز و صول ارزانی بخشید و موجب نهایت امتنان گردید. خدمت سرکار علیه خانم والده محترم سلام دارم و سلامتتان را خواهانم. کارت محترم عز و صول ارزانی بخشی و موجب نهایت امتنان گردید خواهانم که این سال مبارک و میمون باشد و سالهای بسیار در نهایت صحت و خوشی به سر ببرید. در خاتمه ارادت خود را تجدید می‌کنم و سلامت جنابعالی را خواهانم [۵].

احمدآباد - اول فروردین ۱۳۴۵

دکتر محمد مصدق

[ظهرنامه]

تهران

خیابان حشمت‌الدوله - کوچه عطیفه - کاشی شماره ۳۲

خدمت جناب آقای دکتر سعید فاطمی

۴۹۲

جواب دکتر مصدق به نامه و تبریک...

احمدآباد - ۴ فروردین ماه ۱۳۴۵

آقای محترم و عزیزم

مرقومه محترمه مورخ ۲۹ اسفند ماه گذشته عز وصول ارزانی بخشید. از تبریکاتی که برای این سال باین اقل هموطنان اهداء فرموده‌اید نهایت امتنان حاصل گردید. خواهانم که این سال بشما مبارک و میمون باشد و سالهای بسیار در کمال صحت و خوشی بسر برید. استعلام از حالم فرموده‌اید بطور اختصار عرض می‌کنم که زندگی متجاوز از ۱۲ سال در دو زندان یعنی در لشکر ۲ زرهی و اکنون در احمدآباد حالی برایم باقی نگذاشته و از خدا همیشه در خواست مرگ می‌کنم که از این زندگی رقت بار خلاص و آسوده شوم. بیش از این چه عرض کنم که موجب ملالت خاطر شما را فراهم نمایم، توفیق شما را خواهانم.

دکتر محمد مصدق

۴۹۳

نامه دکتر مصدق به دکتر غلامحسین صدیقی

احمدآباد - ۵ فروردین ماه ۱۳۴۵

قربانت شوم [!؛] مرقومه محترمه که به خانه‌ی شهری بنده داده شده بود عز وصول ارزانی بخشید. از تبریکاتی که به این اقل هموطنان اهداء فرموده‌اید نهایت امتنان حاصل گردید [!]. خواهانم که این سال به جنابعالی مبارک و میمون باشد و سالهای سال در کمال صحت و خوشی بگذرانید [!]. از حال بنده خواسته باشید از روی حقیقت از این زندگی بسیار رنج می‌برم و هر قدر هم از خدا پایان آن را درخواست می‌کنم مؤثر نمی‌شود و باید با این وضعیت بقول معروف بسازم [!]. دیگر بیش از این تصدیع نمی‌دهم.

دکتر محمد مصدق

در خاتمه تشکرات خود را تقدیم می‌نمایم [!].

طهران سه‌راه امین حضور

خدمت جناب آقای دکتر غلامحسین صدیقی ادام‌الله بقائه ملحوظ افتد [!].

۴۹۴

نامه دکتر مصدق به مهندس احمد مصدق

احمدآباد - ۱۶ فروردین ۱۳۴۵

قربان احمد عزیزم

سه قوطی چسب که برایم فرستاده‌ای چون هیچ مورد استفاده نیست پس می‌فرستم

علی‌الخصوص که روی دو تای آنها نوشته‌اند Danager & Flamable

۱۵ سال بود یک قوطی کوچک خریده بودم که کار کرد چند ماه قبل تمام شد، بر فرض که این چسب‌ها خوب هم باشد من دکان دارم، نجارم، آهنگرم که سه قوطی بزرگ خریداری کنید. آقای مهدی یک چسب کوچک که ظرف شکسته را بهم می‌چسباند بنام Ouhu یک تومان خریده برایم فرستاد و من با این لوله کوچک تا زنده هستم کار می‌کنم و استفاده می‌نمایم. راجع به حسین آقا نمی‌دانم کار یکجا رسیده با تلفن از جناب آقای امینی سؤال کنید و به من اطلاع دهید.

اگر چسب‌ها را پس نمی‌گیرند هروقت آمدید احمدآباد یک دانه که Flamable نیست برایم بیاورید.

۴۹۵

نامه دکتر مصدق به مهندس احمد مصدق

۱۵ اردی‌بهشت ماه ۱۳۴۵

قربان احمد عزیزم

کاغذ شما رسید تاکنون ۴ قرص Illosene خورده‌ام ولی اثری ندیده‌ام شاید که زود باشد چونکه ۴ قرص اثری ندارد.

راجع به تجزیه، فراموش کردم بگویم که جناب آقای دکتر داورپناه نباید بتعارف برگزار کنند شما هرطور شده حق‌الزحمه تجزیه را پردازید و مخصوصاً بگوئید اگر بخواهد تعارف کند دیگر من نمی‌توانم رجوع کنم باید به محل دیگر مراجعه نمایم.

در خصوص حکم سرقفلی امیدوارم هرچه زودتر دادگاه نظر بدهد و کار بنائی بیش از این تأخیر نشود. بیش از این نمی‌نویسم، قربان احمد عزیزم می‌روم.

۴۹۶

نامه دکتر مصدق به مهندس احمد مصدق

۲۹ اردی‌بهشت ماه ۱۳۴۵

قربان احمد عزیزم

کاغذ شما و عینک‌ها رسید بسیار از این اقدامی که کرده‌اید ممنونم، خواهانم همیشه سلامت باشید و بدرد این پدر بی‌نوا بخورید. امروز جای شما بسیار خالی است. اشرف [و] قدسی آمده‌اند و من روزی را با کمال خوشی با آنها گذرانیدم.

قربانت پاپا

۴۹۷

نامه دکتر مصدق به خانم پروانه فروهر

احمدآباد - ۳۰ اردیبهشت ۱۳۴۵

عرض می‌شود [۴] هر وقت مرقومه محترمه و دست نوشتجات جاری دیده می‌شد بسیار متأسف بودم که به واسطه نداشتن آدرس به عرض جواب مبادرت نشده بود اکنون که وسیله‌ای به دست آمده تشکرات خود را از لطفی که فرموده‌اید تقدیم می‌کنم و از خداوند سلامت سرکار علیه و همسر فداکار محترمشان را از خدا می‌خواهم.

.... که بیش از این موجب تصدیع شوم و در خاتمه ارادت خود را تجدید می‌نماید.

دکتر محمد مصدق

[نظر پاکت]

خدمت سرکار علیه خانم پروانه فروهر دام بقانها

۴۹۸

نامه دکتر مصدق به مهندس حسینی

احمد آباد - ۱۱ تیرماه ۱۳۴۵

قربانت شوم [۴] از اینکه متجاوز از ۱۳ سال است از تمام آزادی‌ها حتی خروج از چهار دیوار قلعه محرومم و مخصوصاً از اینکه در جشن عروسی جناب آقای مهندس جمشید حسینی فرزند گرامی آن دوست عزیز نمی‌توانم حضور بهم‌رسانم بی‌نهایت متأسفم و اکنون با قلبی افسرده تبریکات خود را تقدیم می‌کنم و خواهانم آقا و خانم سالهای سال زیر سایه شما سلامت باشند و زندگی کنند و برای بنده هم قبل از فوت اگر مانعی نبود بدیدار ایشان برسم و تبریکات خود را تقدیم کنم [۰]. در خاتمه ارادت خود را رسانده و سلامت جنابعالی را خواهانم.

[امضاء] دکتر محمد مصدق

۴۹۹

نامه دکتر مصدق در جواب نامه تبریک بانو مهین فیروز

احمدآباد - ۲۱ تیرماه ۱۳۴۵

سرکار علیه بانو مهین فیروز

نامه‌ی تبریک اول سال روز قبل به بنده رسید و موجب نهایت امتنان گردید. معلوم نیست در این مدت کجا مانده بود که تا این درجه تاخیر رسید از اظهار لطفی که فرموده‌اید متشکرم و از

خداوند بقا و سلامت هر دو وجود محترم را خواهانم. از حال خود خبری عرض نمی‌کنم که موجب ملالت خاطر شود و از خداوند خواهانم که هرچه زودتر به این زندگی رقت بارم خاتمه دهد.

دکتر محمد مصدق

۵۰۰

نامه دکتر مصدق در جواب نامه آقای داریوش فروهر

احمدآباد - ۱۴ آبان ۱۳۴۵

قربانت گردم [؛] مرقومه محترمه عز و صول ارزانی بخشید و آنقدر خوشحال نشدم که بتوانم آن را شرح دهم بحمدالله که کار به خیر گذشت و رفع نگرانی از خاطر ارادتمندان جنابعالی گردید [.] و از خداوند خواهانم که به جنابعالی سلامت و توفیق خدمت عطا کند که بتوانید خدمات مفیدی به وطن عزیز خود کنید [.] حال بنده خوب نیست و از روی حقیقت از این زندگی خسته شده‌ام دیگر بیش از این عرض نمی‌کنم که موجب تأثر خاطر شریف شود.

ارادتمند - دکتر محمد مصدق

[ظہر پاکت]

خدمت جناب آقای داریوش فروهر دام بقاء

۵۰۱

پاسخ نامه ۲۱ آذر آقای داریوش فروهر توسط دکتر مصدق

قربانت گردم [؛] از اظهار لطفی که فرموده‌اید بسیار متشکرم و مایل بودم اکنون که در بیمارستان هستم به دیدار جنابعالی نایل و موفق گردم متأسفانه وضع اینجا هم مثل احمدآباد است و غیر از چند نفر اقوام و اعضاء خانواده بدیگری این اجازه داده نمی‌شود. این است که با کمال تأسف به عرض این مختصر تشکرات خود را عرض کنم و از خداوند بقا و سلامت جنابعالی را خواهانم [.]

۲۳ آذرماه ۱۳۴۵

ارادتمند - دکتر محمد مصدق

از بیمارستان نجمیه

۵۰۲

جواب دکتر مصدق به رسا

بیمارستان نجمیه - ۲۸ آذر ماه ۱۳۴۵

قربانت گردم [؛] کارت محترم عز و صول ارزانی بخشید و اظهار لطفی که فرموده‌اید موجب

نهایت امتنان گردید. بنده همیشه مرهون الطاف جنابعالی بوده‌ام و از خدا می‌خواهم که همیشه سلامت و خوش باشید و اما حال بنده هنوز معلوم نیست چه صورتی دارد. بیش از این عرضی ندارم و ارادت خود را تجدید می‌نمایم.

دکتر محمد مصدق

۵۰۳

نامه دکتر مصدق در جواب مرقومه خانم پروانه فروهر

بیمارستان نجمیه - ۲۸ آذر ماه ۱۳۴۵

عرض می‌شود [۴] مرقومه مورخ ۲۵ جاری عز وصول ارزانی بخشید و موجب نهایت امتنان گردید. قبول بفرمائید که بنده بسیار شائق دیدار و ملاقاتم ولی شخصاً در این باب نمی‌توانم اقدامی بکنم و این وظیفه خود سرکار علیه است که با یک نفر از خویشان و فرزندان بنده تشریف بیاورید که گمان می‌کنم در این صورت مزاحم نشوند. [۵] در خاتمه ارادت خود را تجدید و دیدار را آرزومندم. ارادتمند

دکتر محمد مصدق

۵۰۴

نامه دکتر مصدق در جواب مرقومه آقای ادیب برومند

۶ دیماه ۱۳۴۵

قربانت گردم [۴] مرقومه محترمه مورخ ۵ دیماه عز وصول ارزانی بخشید. لازم است عرض کنم که بعد از یک مدت مدید بی‌خبری چقدر موجب خوشحالی و مسرت گردید. حال بنده همانطوری است که بود و اکنون با برق معالجه می‌کنند. در خاتمه تشکرات خود را از جعبه‌های گز مرحمتی تقدیم می‌کنم و سلامت وجود محترم را خواهانم.

[امضاء] دکتر محمد مصدق

[رقم ظهر پاکت]

تهران - تخت طاوس - شاه‌عباس شمالی - کوی بهبود خدمت جناب آقای ادیب برومند وکیل محترم دادگستری

۵۰۵

نامه دکتر مصدق به کمیته مرکزی جامعه سوسیالیست‌های ایرانی در اروپا

تهران - ۲۰ دیماه ۱۳۴۵

کمیته مرکزی جامعه سوسیالیست‌های ایرانی در اروپا

مرقومه مورخ اول ژانویه ۱۹۶۷ آن کمیته محترم عز وصول ارزانی بخشید. از اظهار لطفی که

در حقم فرموده‌اید نهایت امتنان حاصل گردید. حال این جانب هنوز خوب نشده و گرفتار معالجه با برق هستم که وضعیتم را بیش از پیش بدتر کرده است و جز اطاعت امر از آقایان دکترها علاجی ندارم تا خداوند چه مقرر فرموده باشد. در خاتمه تشکرات خود را از الطاف مبذوله تقدیم می‌کنم و توفیق آقایان هموطنان عزیزم را در خدمت بوطن عزیز از خدا مسألت دارم.
دکتر محمد مصدق

۵۰۶

نامه دکتر مصدق در جواب مرقومه مهندس حسینی

طهران - ۲۶ بهمن ماه ۱۳۴۶

قربانت شوم [!؛] مرقومه مورخه ۱۱/۱۳ عز وصول ارزانی بخشید [.] از الطاف مبذوله هر قدر بخواهم تشکر کنم زبانم قادر نیست و بسیار خوشحالم که سرکار علیه را مأمور فرموده‌اید شرح حال بنده را بعرض برسانند و فعلاً کسالت بنده منحصر است بدوری از زیارت آقایان دوستان عزیزم و امیدوارم که این توفیق نصیبم گردد که شما را بگیرم و هرچه می‌خواهم ببوسم. بیش از این عرضی ندارم. قربان شما.

[امضاء] دکتر محمد مصدق

۵۰۷

نامه دکتر مصدق به آقای ایرج افشار

[اسفند ۱۳۴۵]

قربانت گردم [!؛] امیدوارم که از هر جهت خوش و سلامت باشید. بنده که مدتی است در بیمارستان نجمیه و اکنون به خانه‌ی دکتر غلامحسین مصدق می‌روم و از اینکه می‌بینم جنابعالی اوقات خود را صرف امور عامه می‌فرمائید بسی خوشوقتم. در خاتمه یک قطعه طبق معمول سنواتی تقدیم می‌کنم و سلامت جنابعالی را از خداوند خواهانم.

[امضاء] دکتر محمد مصدق

[رقم ظهر پاکت]

خدمت جناب آقای ایرج افشار ایدالله برسد.

نامه‌های بدون تاریخ

۵۰۸

نامه دکتر مصدق به وزارت داخله

مقام منبع وزارت جلیله داخله دامت شوکته

قریه تخته واقع در بشاریات قزوین را به توسط دبیر الوزارة از جناب حاجی مشیرالتجار داماد مرحوم سعدالسلطنه خریداری نموده‌ام که سواد قباله آن به تمبر عدلیه به حکومت جلیله قزوین بتوسط نماینده خودم ارسال می‌نمایم [۰]. از قرار معلوم حاجی مختارخان که سمت همسایگی به آن ملک دارد تخطی باراضی قریه تخته نموده جار و جمعیت آورده می‌خواسته است مفسده نماید لازم است که به حکومت قزوین حکم فرموده از این اقدامات حاجی مختارخان جلوگیری نموده اگر حرفی مقرون به حساب دارد در مقامات مقتضیه حاضر شده اقامه دعوا نماید [۰]. والا با جار و جمعیت که ملک متصرفی این بنده را نباید مختل نماید [۰].
مصدق السلطنه
امر امر مبارک است.

۵۰۹

جواب دکتر مصدق به انتشارات ترجمان‌الدوله، فهیم‌الدوله،

ممتاز همایون و مخبر همایون

چون سابقاً آنچه در خصوص دلایل دعوت مجلس مشاوره عالی باید گفته شود ذکر و در جراید مندرج گردیده است دیگر تکرار را زاید دانسته فقط خاطرات آقایان محترم را متوجه می‌نماید که اینگونه اعتراضات غیروارده برای خارج شدن از موضوع و خلط مبحث می‌باشد اگر

آن آقایان خود را مبری می‌دانند این تشبثات برای فرار از مجلس مشاوره عالی برای چیست زیرا برحسب قانون تشکیلات فقط هیئتی که می‌تواند به اتهامات وارده رسیدگی کند مجلس مشاوره عالی است در این صورت بر آن آقایان محترم است که از مقام منیع وزارت جلیله مالیه دامت شوکته تقاضا نمایند که امر شود مجلس مزبور هرچه زودتر منعقد شده و در صورتیکه مجلس مزبور در تحت ریاست حضرت معظم‌له باشد بنده استدعا خواهم نمود که برای دادن توضیحات و دفاع از حقوق دولت حاضر شده تا معلوم شود آنچه را که برطبق راپرت کمیسیون‌ها و مأمورین مالیه در لایحه جواب اعتراضات جریده رعد نوشته شده از روی کمال بی‌غرضی بوده است والا در صورتیکه آن آقایان محترم از موضوع و مطلب خارج شده و باز بدرج اعتراضات در جراید اوقات خود را مصروف دارند معلوم است که قصدشان فرار از محاکمه در مجلس مزبور می‌باشد

مصدق السلطنه

۵۱۰

نامه دکتر مصدق به عبدالحسین فرمانفرما

این مسئله را کراً بعرض حضور مبارک رسانده باز هم عرض می‌کند الحمدلله امروز تصور نمی‌شود از هیچ کاری دیناری فایده و دخلی باشد و بلکه کار هرچه بزرگتر است خرج اداره نمودن آنهم بیشتر می‌شود پس دراینصورت اگر مایل به شغل مرکزی هم باشید در صورتیکه باصرار حضرت اقدس والا را دخیل در کاری نمایند. البته شرف آن هزار درجه بالاتر است تا اینکه خود بندگان حضرت اقدس تقاضای شغل و کاری فرمایند بوحدانیت حق قسم است همین وکلای آذربایجان از قبیل مستشارالدوله و حاج امام جمعه سوای حاج میرزا ابراهیم آقا که عقیده به آمدن طهران دارد رأی نمی‌دهند و تصویب نمی‌کنند تشریف‌فرمائی طهران را بملاحظه حفظ وطن و خانه خودشان است زیرا که می‌دانند کسی دیگر از عهده این خدمت برنمی‌آید اصرار در ابقا می‌نماید و نظام السلطنه هم مجلس می‌گوید بملاحظه اینکه فرمانفرما مفسد است کی مایل بآمدن طهران حضرت والا نیستند حتی بعضی از وکلای آذربایجان اصرار دارند همان آذربایجان باشید ولی در صورتیکه جدا استعفا بدهند اول کسی که اسباب تشریف‌فرمائی طهران را فراهم نماید همان حضرات اصداد هستند، که فعلاً مایل نیستند دراینصورت که مسلم است وجود مبارکتان آنقدر طالب و خریدار دارد طوری رفتار فرمائید که این حضرات بالتماس و استدعا حضرت والا را دخیل نمایند نه اینکه ماهی یکمرتبه استعفا بدهند. باز قبول توقف در آذربایجان را بفرمائید آنوقت وکلا می‌گویند برای رسیدن بمقام وزارت جنگ است گاهی استعفا می‌دهند وقتی که ملاحظه می‌فرمایند دیگر کاری نیست ناگزیر از قبول همان آذربایجان هستند چاکر

عرض می‌کنم اگر استعفای از آذربایجان برای نواقص امور است این مسئله واضح است که این حضرات اشخاصی نیستند که یکروز تلگرافخانه بیایند قراری بگذارند تکلیفی معین نمایند که لامحاله ترتیب وصول مالیات پارسال داده شود. در اینصورت دیگر چرا قبول می‌فرمایند همانطور که قبلاً استعفاء داده بودید قبول نمی‌فرمودید یک ماه تحمل بیکاری را می‌فرمودید تا معلوم شود بچه اصرار و بچه التماس، جزو الحاح نموده هر کاری که از آن بالاتر می‌باشد خودشان حتی خود شاه برحسب اصرار و کلاً استقبال نموده راضی شود فرضاً طهران تشریف آورده یکماه یا دو ماه بیکار باشید غیر از اینکه تحصیل استیمان و دخالت در هر کاری با کمال شرف و آبرومندی خواهد بود ضرر دیگری متصور نیست.

حالا موقوف بامر مبارک است

(امضاء)

۵۱۱

تکذیب‌نامه دکتر مصدق

شریحی که در شماره ۳۴ جریده رعد راجع به اینکه مالیات قارپوزآباد اخیراً از شش صد خروار به چهل خروار رسیده است خلاف واقع است قریه مزبوره را مرحوم مغفور مظفرالدین‌شاه به حضرت والا شاهزاده عضدالسلطان با جمع بیست خروار گندم «پنجاه تومان نقد» انتقال داده و در مجلس اول چنین تصویب شد که دو عشر عایدات مالیات آنجا باشد و از آن وقت تاکنون هم همین‌طور معمول و در این سنوات در مالیات آنجا تغییری حاصل نشده است

مصدق‌السلطنه

۵۱۲

یادداشت دکتر مصدق به حسین مکی

قربانت شوم [!؛] تلگراف جوف را برای اطلاع و استحضار خاطر محترم تقدیم می‌کنم چنانچه موضوع آن روشن باشد و جنابعالی از آن اطلاع دارید بنده را هم مستحضر فرمایید جواب آن داده شود.

۵۱۳

نامه دکتر مصدق به حسین مکی

از اول هم خود بنده تصمیم نداشتم برحسب میل و فرموده جناب آقای دکتر بقایی اقدام

شد [.] در هر حال چون خیلی لازم به نظر نمی‌آید به کل منصرف شدم چنانچه جناب آقای دکتر شایگان لازم و واجب بدانند خبری تهیه فرمایند که پس از مشورت با جناب آقای نریمان ارسال فرمایند اگر موافق بودم که امضاء کرده ارسال می‌نمایم والا استدعا خواهم کرد که مذاکرات لازم بشود ولی عقیده خود بنده این است که عجلتاً تأمل کنم ببینم چه پیش می‌آید [.] به واسطه کسالت بیش از این عرض نمی‌کنم [.]

۵۱۴

نامه دکتر مصدق به حسین مکی

قربانت شوم [!] مرقومه محترمه شرف وصول داد و موجب نهایت امتنان و تشکر گردید بنده بواسطه کسالت نتوانستم چیزی تهیه کنم این است که قاصد را فوراً روانه شهر می‌کنم که جلسه را بوقت دیگر موکول فرمایند [.] و بی‌جهت اسباب زحمت حضرات آقایان محترم نشود [.] در خاتمه سلامت حضر تعالی را خواهانم

دکتر محمد مصدق

[مجدداً]

چنانچه جلسه شد و نتوانستند بوقت دیگر موکول فرمایند [.] فقط از حضرات آقایان استفسار فرمایند که چیزی لازم است از طرف عموم یا خود بنده منتشر شود یا نه اگر لازم است تهیه فرمایند.

۵۱۵

نامه دکتر مصدق به حسین مکی

قربانت شوم [!] چون حال مساعد نبود چند تلگراف دیگر رسیده بود که جواب دادم اکنون تلگرافی از مشهد رسیده که چون جناب آقای دکتر فاطمی فرمودند مقرر است خلاصه از تلگرافات در روزنامه درج شود آن را تقدیم می‌کنم که اگر لازم باشد در روزنامه درج فرمایند والا جواب تمام تلگرافات داده شود [.]

۵۱۶

نامه دکتر مصدق به مهندس حسینی

قربانت شوم [!] استدعا دارم امروز بجای ساعت ۶ یک ساعت بعد از ظهر که بیش از این بنده

در مجلس نخواهم ماند سرافراز فرمائید که وقتی برای مذاکره باشد [.]. امیدوارم از قبول این استدعا قرین تشکرم سازید.

دکتر محمد مصدق

۵۱۷

نامه دکتر مصدق به مهندس حسینی

صبح سه‌شنبه

قربانت شوم [؟] امیدوارم که وجود محترم سلامت باشد لازم است امروز هر ساعتی که تعیین فرمائید به زیارت حضرت عالی نایل شوم [.]. امیدوارم کسب سعادت شود و عرائض خود را حضوراً عرض کنم.

دکتر محمد مصدق

۵۱۸

نامه دکتر مصدق رئیس کمیسیون مختلط همکاری مجلسین
به اعضاء مجلس شورای ملی

[بعد از ۱۳۲۹/۵/۳]

بعرض حضرات آقایان محترم می‌رساند

جناب آقای تقی‌زاده رئیس محترم مجلس سنا نامه‌ای نوشته و تشکیل کمیسیون آئین‌نامه مشترک مجلسین را تقاضا فرموده‌اند. نامه ایشان از لحاظ محترم می‌گذرد چنانچه موافقت بفرمایند کمیسیون برای روز یکشنبه هشتم مرداد ساعت ۶ بعدازظهر دعوت شود. چون حضرات سناتورها دفعات قبل اول وقت تشریف آورده‌اند مقتضی است که حضرات آقایان نمایندگان مجلس شورای ملی هم اول وقت تشریف بیاورند که کار در یک جلسه تمام شود. [امضاء] دکتر محمد مصدق

۵۱۹

نامه دکتر مصدق به آقای تاج

[بعد از ۱۳۲۹/۵/۳]

فوری

جناب آقای تاج

خواهشمندم ۱۲ نفر آقایان محترم سناتورها و ۱۲ نفر آقایان محترم نمایندگان مجلس شورای ملی را برای روز یکشنبه ساعت ۶ بعدازظهر دعوت بفرمایند و جواب جناب آقای

تقی‌زاده را هم تهیه فرمایند که کمیسیون برای روز یک‌شنبه ۸ مرداد ساعت ۶ بعدازظهر دعوت شده و البته از نتیجه کار کمیسیون مستحضر خواهند شد. نامه را بیاورند که بنده امضاء کنم.
[امضاء] دکتر محمد مصدق

۵۲۰

پیشنهاد جمعی از نمایندگان و دکتر مصدق به کمیسیون بودجه

مقام محترم کمیسیون بودجه
از محل شهریه ما که بانتفاع معارف ولایات قطع شده است امضاءکنندگان درخواست می‌نمائیم که مبلغ بیست و پنج هزار تومان برای تأسیس مدارس ابتدائی در ولایات آذربایجان که اهمیت آن را عموم نمایندگان محترم تصدیق دارند تخصیص داده شود.
[پس از ۱۲ امضاء، دکتر مصدق چنین نوشته است:]
عقیده این بنده این است که این اقل مصارف محتاج به تعیین محل نیست و همه می‌دانند که توسعه معارف در آذربایجان از قضایای حیاتی است و بیست و پنج هزار تومان را هم که آقایان محترم پیشنهاد فرموده‌اند بنده برای توسعه معارف در تمام ولایات و قصبات آذربایجان کم می‌دانم.
[امضاء] دکتر محمد مصدق

۵۲۱

نامه دکتر مصدق به حسین مکی

قربانت گردم [۱] کتاب قوانین مجلس شورای ملی امروز برای بنده ضرورت دارد خواهشمندم آن را به حامل لطف فرمائید که بیاورد و چنانچه با مذاکرات مجلس که یک جلد و خدمت جنابعالی است و بنده امانت گرفته‌ام احتیاجی نیست آن را لطف فرمائید که به صاحب کتاب برسانند [۲]. قرار بود هر روزی که می‌خواهید تشریف بیاورید روز قبل با تلفن اعلام فرمائید [۳]. از اینکه روز چهارشنبه تشریف آوردید متأسفم که نبودم و از کتاب مرحمتی هم بسی متشکرم و به عرض این مختصر سپاسگزاری می‌کنم
دکتر محمد مصدق

[مجدداً]

کتاب مذاکرات مجلس را جوف روزنامه بگذارید و با ریسمان ببندید که مال امانت صحیح و سالم برسد [۴]. امروز هم بنده گرفتارم و از پذیرایی معذرت می‌طلبم.

۵۲۲

نامه دکتر مصدق به خانم قدسی مظفری

۲۴ تیرماه

قربان قدسی عزیزم

تصور نمی‌کنم بقدر کافی در این جا بطری برای آب‌غوره باشد. هرچند بطری که لازم دارید بطری با چوب‌پنبه بفرستید که این روزها به این کار مشغول خواهند شد و باید بدانند که چقدر لازم دارید. این را هم لازم است بنویسید که چند بطری ترشی و چند بطری ملس مورد احتیاج است. قربان قدسی خانم

۵۲۳

دستخط دکتر مصدق به مهندس احمد مصدق

سیگار «هما» دوسه جعبه در محل است ولی سیگار نوع دیگر نیست. ۱۰ جعبه سیگار نمره اول ایرانی دستور دهید مشهدی محمود خریده بفرستید.

۵۲۴

نامه دکتر مصدق به مهندس احمد مصدق

نمی‌دانی چه حالی دارم از روزی که تلویزیون آمده بواسطه تنهائی تمام شب باین مشغول بودم، رفته‌رفته طوری مرا عصبانی کرده که شب قبل هیچ ن خوابیدم، هرکار اندازه دارد، افراط در هرکار این نتیجه را می‌دهد ولی من چاره نداشتم، اگر شب کار کنم، گذشته از اینکه کاری نیست بی‌خواب می‌شوم و نمی‌خوابم، تصور می‌کردم تلویزیون مثل کار نیست و مرا عصبانی نمی‌کند، اکنون می‌بینم تدریجاً همین کار را کرده.

در زندگی همه چیز لازم است، کار؛ معاشرت؛ صحبت و هر چیز که موجب تنوع بشود، این را نوشتم که از حالم مسبوق بشوی.

۵۲۵

نامه دکتر مصدق به مهندس احمد مصدق

قربان احمد عزیزم

تبریکی که برای سال جدید دکتر شاخت نوشته چون با پست عادی فرستاده است اخیراً

رسید. شما یک نامه برای اظهار تشکر به او بنویسید و بگوئید این دو سال چند ماه زمامداری من که برای مملکت مفید واقع نشد سبب شد به اشخاصی که قلباً ارادت داشتم و شما را ببینم و باز این هم یک سعادت بزرگی برای من بود که بدیدار شخص جنابعالی موفق شوم و عوالم ارادت قلبی خود را با زبان الکن خود تجدید نمایم.

الکن در این جا بمعنای عاجز از اظهار.

۵۲۶

نامه دکتر محمد مصدق به مهندس احمد مصدق

قربان احمد عزیزم

از این شوفری که هست چون مشروب نمی‌خورد راضی بودم ولی توقعات او بقدریست که از عهده نمی‌شود برآمد.

تا یک ماه قبل که حسن آقا شاگرد او بود برای هر دفعه رفت و آمد بشهر ۱۰۰ لیتر بنزین مصرف می‌شد اکنون زیادتر می‌خواهد و می‌گوید باید انژکتور را عوض کرد، ۴ انژکتور هر کدام متجاوز از ۱۰۰ تومان و ۴۰۰ تومان هم خرج تعمیر، چنانچه در این تعمیرگاه که خودش می‌گوید نبرند بعد از چند روز عیب دیگری بروز می‌کند که باز باید تعمیر شود و بهمین تعمیرگاه فرستاد.

خلاصه اینکه از این اخلاق که به دیگران هم دارد سرایت می‌کند ذلّه شدم و نمی‌دانم چه باید کرد، یا باید هرچه می‌گوید برای گازوئیل داد و یا کامیون را بتعمیر فرستاد.

خواستم بدانم آیا شما دوست و آشنایی دارید که از او یک شوفر خوب خوش اخلاق و دارای تصدیق شماره ۱ بخواهید؟ اگر دارید به من بنویسید ترتیب آمدن او را بدهم، یعنی شوفر فعلی را جواب کنم و بعد بنویسیم که او را روانه کنید. چنانچه شوفر را قبول کنم و کامیون را برای تعمیر بشهر بفرستم ترتیب کار تعمیر این است که اشیاء مورد احتیاج را آقامهدی خریداری می‌کند ولی از بابت اجرت او اطلاعی ندارد هرچه این شوفر گفت باید پرداخته شود.

فقط لازم است که آقامهدی با این شوفر کامیون را برای تعمیر ببرد که چند روز هم با آن کرایه کشی نکند. اگر شوفر سراغ ندارد از طرف خودمان محرمانه به آقامهدی بگویید هر وقت که کامیون یا تراکتور احتیاج بتعمیر پیدا کنند آقامهدی باید با کامیون بتعمیرگاه برود و روزی هم که کارش تمام می‌شود با وجود آقامهدی کامیون را از تعمیرگاه خارج و بده روانه نماید، البته از طرف خودمان و بطور محرمانه باو بگویید. اکنون منتظر جواب شما هستم.

۵۲۷

نامه دکتر مصدق به مهندس احمد مصدق

به واعظ احمدآباد هر سال یک هدیه‌ای می‌دهم. سال قبل یک عبای نمدوخته کار رشت داده‌ام، امسال می‌خواهم یک قلم خودنویس در حدود شصت تومان تا هفتاد تومان بدهم. اگر قلم خودنویس به این قیمت که قاب هم داشته باشد و صورت ظاهر خوبی هست یک عدد خریده برای من بفرستید که در آخر رمضان این کار بشود، چنانچه چیز دیگری شما صلاح می‌دانید بنویسید که وقت داریم و کار بهتری بشود.

۵۲۸

نامه دکتر مصدق به مهندس احمد مصدق

۲۶ آذرماه

قربان احمد عزیزم [۴] کاغذ شما رسید از اینکه کامیون احتیاج به خریداری میل‌لنگ نداشت خوشوقت شدم، نمی‌دانم این نظریه گاراژ فرد شیشه بود یا نظریه آقای محمدآقا، چنانچه می‌دانید که محمدآقا اطلاعش کم است و نمی‌تواند درست رسیدگی کند بطوری که به او برنخورد چون که آدم درستی است یک نفر را یکی دو مرتبه بفرستید سرکشی کند و البته کسی باشد که متخصص این کار باشد و هرچه هم باید به او داده شود بدهید که انشاءالله کامیون تا چندی بدون تعمیر کار بکند. البته طوری نباشد که به محمدآقا بربخورد و بعد که کامیون کار نکرد تقصیر را بگردن متخصص بگذارد.

۲ عدد پریز رسید.

راجع باجاره آپارتمان بطوری که نوشته‌اید موافقم که یک اجاره‌نامه برای آن قسمت مطب و یک اجاره‌نامه دیگر برای قسمت دیگر تنظیم شود، امیدوارم که جناب آقای امینی اقدام فرمایند. قربانت پاپا

۵۲۹

نامه دکتر مصدق به مهندس احمد مصدق

مستأجر دکان خیابان قوام‌السلطنه متعلق به خدیجه حاضر شده است که ۴ یا ۵ هزار تومان به او داده شود دکان را خالی کند، یعنی خودش می‌خواهد خالی کند و می‌گوید این دکان برای من فایده‌ای جز ضرر ندارد.

شما نقشه ساختمان این زمین را بفرستید یا روز جمعه که می‌آئید با خود بیاورید مذاکره کنیم و اگر صلاح باشد شروع به ساختمان آن نمائیم.

قربانت پاپا

۵۳۰

نامه دکتر مصدق به مهندس احمد مصدق

قربان احمد عزیزم

بعد از رفتن تو این بنظرم رسید که بنویسم عکس اگر کم باشد موجب توجه مردم قرار می‌گیرد و چنانچه زیاد بشود مورد تنفر خواهد شد. دادن عکس به بعضی و ندادن به دیگران موجب عدم رضایت می‌شود، خصوصاً عکس خواندن روزنامه و مجله که این سبب خواهد شد دیگران هم از تو همین عکس را بخواهند اگر بدهی و بهرکسی بدهی بسیار بد است و چنانچه موافقت نکنی از تو گله‌مند خواهند شد. مخصوصاً می‌نویسم که عکس خواندن روزنامه یا مجله صلاح نیست به کسی داده شود و این غیر از یک عکس معمولی است ایجاد مخالفت و دشمنی خواهد کرد، اگر نداده‌ای باید داده نشود و چنانچه داده‌ای باید پس بگیری.

قربانت پاپا

۵۳۱

نامه دکتر مصدق به مهندس احمد مصدق

قربان احمد عزیزم

جوابی از آقای شمشیری نرسید و من نمی‌دانم چرا حاضر نیستند که یک ساعت وقت خود را صرف این کار بکنند. کاغذ آقای دکتر صدیقی را بفرستید و با تلفن به ایشان بگوئید اگر من مسئول این وجه نیستم بنویسید که نیستم، چنانچه هستم تا متصدیان کار حی و حاضرند نظر خود را بفرمائید که تکلیف من با آنها معلوم شود. دیگر اینکه می‌خواهم یک صورت حسابی برای آقای دیبا بفرستم چون که در کاغذ اخیر نوشته است که هر سال ۷۰۵ هزار تومان بعد از وضع مخارج عایدی موقوفات است و اکنون باید جستجو کرد که این مبلغ بکجا می‌رود [؟] شرافتیان و خاضعی که حساب نمی‌دهند و نمی‌دانم با آنها چه کنم [؟] مخارجی که شما برای ساختن حوض و چیزهای دیگر کرده‌اید اگر در حساب سال ۱۳۳۴ نوشته شده فقط قیمت ماشین رخت‌شوئی را بنویسید که با خرید تخت‌خواب‌ها صورت بدهم و بدانند در این دو سال به این مصارف رسیده و مبلغی هم من طلبکارم برای اینکه خرج املاک موقوفه نموده‌ام ولی

چنانچه مخارج حوض و غیره در حساب سال ۱۳۳۴ نوشته نشده مبلغ تقریبی آن را از شرافتیان یا خاضعی بپرسید و بنویسید.

قربانت پاپا

[مجدداً]

صورت حساب سال ۱۳۳۲ را می‌فرستم ملاحظه فرمائید.

۵۳۲

نامه دکتر مصدق به مهندس احمد مصدق

احمد عزیزم [!؛] قربان تو که همیشه در فکر من هستی، کسالت من جسمی نیست که احتیاج به مراجعه‌ی طبای امراض داخلی باشد، بلکه روحی است که سالیان دراز گاه‌بیگاه به آن مبتلا می‌شوم. اکنون قدری بهترم البته هر وقت احتیاج بدیدار طبیعی پیدا کند می‌نویسم هرکس را که صلاح می‌دانید بیاورید و اما راجع به دو موضوع که مذاکره کرده‌اید از بسابت حواله‌ی پول آسانسور خاطرم راحت شد و اکنون باید به آقای دیبا جواب داده شود آیا صلاح می‌دانید بنویسم بقیه قیمت آسانسور را از وجهی که می‌خواهید بدهید کسر کنید مشروط بر اینکه هر وقت آقای شمشیری طلب شما را پرداخت آن را به حسابداری بیمارستان رد کنید. در صورتی که این طور صلاح باشد کاغذ را تجدید کنم و برای نماینده‌ی آقای دیبا بفرستم.

در موضوع سند من هیچ ننوشتید چه جواب داده‌اند، البته در این باب هم لازم است مطلع کنید.

۵۳۳

نامه دکتر مصدق به مهندس احمد مصدق

راجع به قنات رستم‌آباد بطوری که آقای مقنی‌باشی نوشته دو همسایه مجاور اعتراض دارند. کاغذ آقای مقنی‌باشی را می‌فرستم که بخوانید. یکی آقای قزل‌ایاغ است و دیگری مالکین اسمعیل‌آباد. شما مقنی‌باشی را بخواهید و مذاکره کنید. کاغذ نوشتن من هیچ مورد ندارد. ما هیچ وقت نمی‌خواهیم آب دیگران را ببریم و در بیمارستان مریض بستری کنیم. اینکه نوشته است کدخداحسین از طرف آقای نوائی و شیخ رضائی اقدام می‌کند عیناً مثل اقدامی است که آقای شرافتیان و آقای خاضعی از طرف موقوفه کرده‌اند. اگر آقای کدخداحسین هم سهمی از اسمعیل‌آباد دارند باید هر سه نفر شخصاً اقدام کنند.

شما اول با آقای مقنی‌باشی مذاکره کنید و بگوئید هر چهار نفر باید حاضر شوند کارشناس

خود را معین کنند، چنانچه کار موقوفه علی آباد با یک نفر است، البته چهار نفر و اگر با چند نفر است همگی حاضر شوند، کارشناس خود را معلوم کنند، کارشناس ما هم آقای مهندس ابراهیمی است اگر می‌خواهید آقای مهندس ابراهیمی را کارشناس مشترک قرار دهید در این صورت من آقای دکتر سحابی را کارشناس طرف خود تعیین می‌کنم والا روی یک نفر آدم متدین که دین و ایمان خود را به پول نفروشد طرفین معین کنیم که زودتر کلک این کارکنده شود. شما بگوئید که ما کهنه داریم تا محلی که کهنه هست حق کارکردن داریم. از آن به بعد باید طبق قانون عمل شود ولی هر جا که کهنه باشد کهنه در تصرف ماست و هیچ کس نمی‌تواند جلوگیری کند. به آقای معظمی هم بگوئید که ما کهنه داریم، ایشان نگذارند که ژاندارم کار را تعطیل کند تا کارشناس‌های طرفین و کارشناس مشترک رأی خود را بدهد. در ورقه تعیین کارشناس باید نوشته شود چون کار کهنه داریم حق ممانعت ندارند، با آقای مقنی‌باشی هم بگوئید از مجاورت کار کهنه خارج نشود، چون اگر خارج شد آن وقت می‌توانند حق ما را از بین ببرند. دیگر منتظرم ببینم شما چه می‌کنید، نوشته را هم باید خود من امضاء کنم.

راجع به کارشناس مشترک البته هر کسی را که شما اطمینان دارید من موافقت می‌کنم. خوب است با نظر جناب آقای دکتر سحابی دو سه نفر را پیشنهاد کنید، هر کدام را قبول کردند نوشته رسمی تنظیم شود.

۵۳۴

نامه دکتر مصدق به مهندس احمد مصدق

احمد عزیزم [۹] اگر بخواهی این پیرمرد از دنیا گذشته را برای اینکه استخوان خود را سبک کند به عتبات ببری من موافقم مشروط بر اینکه بیش از یک هفته طول نکشد. والسلام

۵۳۵

نامه دکتر مصدق به مهندس احمد مصدق

راجع بخواستن حساب از اشرف، مقصود فقط توجه اوست به زندگی، چون که همیشه پدر و مادری نیست که کفیل خرج اولاد بشوند. اولاد خود باید پدر و مادر دیگران بشوند. اشرف می‌توانست با همین پول یک خانه کوچک برای خود بخرد که اکنون اجاره نکند و اسبابش بکولش نباشد، از یک خانه به خانه دیگر برود. من اصرار ندارم که به من حساب پول خود را بدهد، می‌خواهد بدهد، می‌خواهد ندهد.

تو خودت می‌دانی که وضع زندگی من چیست و اکنون حتی برای تهیه وجه خدوچ نمی‌دانم

چه کنم، اشرف هم اولاد من است، اگر نداشته باشد باید به او بدهم. برای خدوچ که پول تهیه کردم، از همان پول اشرف مخارج ایاب و ذهاب خود و دیدار حکیم و چنانچه در یک بیمارستانی هم باید چند روز بماند حساب کند، ولی برای توقف در سوئیس دیگر وجهی نیست که من بدهم، بسلامتی هرچه زودتر پس از معاینه حکیم و گرفتن دستور برگردد و در ایران زندگی کند.

راجع، مجید هم بعد از رفتن تو من بخاطرم آمد که سالهای قبل از رفتن به زندان من سالی ۱۵۰ تومان به آقامجول می‌دادم، اکنون هم باید بدهم و حساب آن دست آقای شرافتیان نبود که از او سؤال کنید، [از] اشرف پرسید چند سال است مجید طلبکار است آن را هم از وجهی که برای خدوچ می‌دهم بردارد و کسر کند. دیگر بیش از این چه بنویسم، اگر حرفی هم می‌زنم آن هم در خیر خودتان است چه بهتر از اینکه هرکس برای خود وضعیتی درست کند که حتی به پدر و مادر هم محتاج نباشد.

۵۳۶

نامه دکتر مصدق به مهندس احمد مصدق

راجع به کتاب روابط سیاسی ایران و انگلیس، من تصور می‌کنم متعلق به جناب آقای عنایت باشد آن را فرستادم، اول برای ایشان بفرستید، چنانچه فرمودند مال ایشان نیست آن وقت جستجو کنید تا صاحب آن را پیدا نمایید.

یک کتابی هم خانم نیراشرف ثابتی توسط خانم فرستاده بود که من هر قدر تفحص کردم نفهمیدم کتاب ایشان چه بود، ممکن است این کتاب همان کتابی باشد که خانم نیراشرف فرستاده است. در هر حال اول پرسید پس از اینکه معلوم شد مال کی است آن را به صاحبش برسانید که من زیر دین نمانم.

۵۳۷

نامه دکتر مصدق به مهندس احمد مصدق

(۱) یک جلد کتاب تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس تألیف محمود محمود در احمدآباد هست. اگر این را شما خریده‌اید که متعلق بخود من است و اگر آن را جناب آقای عنایت فرستاده‌اند باید با عرض تشکر رد کنم، نظر خود را بنویسید که اگر باید رد کنم آن را دفعه دیگری که کامیون می‌آید. بفرستم.

(۲) چراغ دستی را که برای خریداری قوه الکتریک بردید، اگر قوه آن خریداری شده بفرستید

و دو قوه دیگر هم بفرستید. این قوه‌ای که شما فرستادید معلوم می‌شود خیلی مانده بود که چند روز بیشتر دوام نکرد.

(۳) دو عدد مداد هم لازم است یعنی مداد معمولی.

۵۳۸

نامه دکتر مصدق به مهندس احمد مصدق

قربان احمد عزیزم [۱] سه فقره کاغذات توسط حسن آقا و دکتر غلامحسین مصدق و میرحیدر رسید جواب آقای امینی و آقای دکتر صدیقی را می‌فرستم که بخوانی و بعد برای من پس بفرستی.

شما در خصوص اجاره اقدام نمائید. آقای شرافتیان هم که آمده است چنانچه لازم باشد او را هم در این کار دخالت بدهید که زودتر تمام شود. چون که از جواب آقای امینی هیچ بوی امید به مشام نرسید البته تا شما مذاکرات خود را تمام کنید ممکن است جواب قطعی هم از ایشان برسد. راجع باین کار انتظار آمدن کامیون را نکشید نامه را بوسیله حسن مستخدم خانم بفرستید که کار معطل نشود.

قربانت پایا

[مجدداً]

غلام و ملک و حموش و سوسو نهار این جا بودند جابت بسیار خالی بود.

۵۳۹

نامه دکتر مصدق به مهندس احمد مصدق

قربان احمد عزیزم [۱] خانم و لیلی آمدند و جای تو بسیار خالی است. از آمدن بانو هم بسیار خوشوقت شدم. راجع به وثیقه مال الاجاره املاک موقوفه همینقدر می‌نویسم که قیمت آن نمی‌بایست از ۱۵۰ هزار تومان کمتر باشد چونکه میزان مال الاجاره هم نقداً جنساً به همین مبلغ بالغ می‌شود. ضامن هم که می‌دهد بسیار خوب است و عمل اجاره از روی کمال اطمینان خاتمه پیدا خواهد کرد.

نامه‌ای از فرانسه رسیده که از من تقاضای کرده‌اند اسم خود را به طفل جدیدالولاده‌ای بدهم. جوابی که بسیار خوب و از روی کمال محبت تنظیم شود تهیه کنید که امضاء کرده بفرستم.

قربانت پایا

[مجدداً]

اقساط مال الاجاره باید طوری معین شود که نقدی آن تا سرخرچ پرداخته شده باشد که اگر نخواست

مال‌الاجاره را بدهد من فقط از مستأجرین همان مال‌الاجاره قبلی را طلبکار باشم. این‌ها نظریاتی است که اظهار می‌کنم البته خودتان هر طور صلاح می‌دانید تمام کنید و بعد به من اطلاع بدهید.

۵۴۰

نامه دکتر مصدق به مهندس احمد مصدق

قربان احمد عزیزم [۴] پاسخی که باظهارات من داده‌اند و فرستادید دیدم. چون در روزنامه خواندم که آقای لطفی خاطرات خود را در زندان سلطنت‌آباد نوشته و اکنون بطبع رسیده است یک نسخه از آن برایم بفرست. از اینکه کار اجاره‌نامه املاک موقوفه پایان یافت خوشوقتم. من هیچ نمی‌خواهم تو را ناراحت کنم در این صورت چون کار مهمی نیست روز جمعه بی‌جهت به خود زحمت نده هفته بعد اگر کاری بود یک روز خواهی آمد.

قربانت پایا

۵۴۱

وکالت‌نامه دکتر مصدق به آقای نصرت‌الله امینی

جناب آقای نصرت‌الله امینی وکیل محترم دادگستری از طرف این جانب دکتر محمد مصدق وکالت دارند اجاره‌نامه‌هایی که مربوط است به مستغلات موقوفه بیمارستان نجمیه و مستغلاتی که مال‌الاجاره‌ی آنها بخود این جانب می‌رسد و طبق حکم دادگاه و طبق اجاره‌نامه‌های قبلی که بامضای خود این جانب رسیده است تنظیم می‌شود امضا فرمایند و یک نسخه از اجاره‌نامه و قبوض رسمی مال‌الاجاره را دریافت نمایند. متولی موقوفات بیمارستان نجمیه.

[امضاء] دکتر محمد مصدق

۵۴۲

نامه دکتر مصدق به مهندس احمد مصدق

راجع به کارت جناب آقای شمشیری اگر جناب آقای دکتر صدیقی از روی اطلاع چنین فرموده‌اند البته صحیح است ولی اگر اینطور حدس زده‌اند خوب است شما از آقای امینی هم بپرسید چنانچه نظر ایشان هم همین بود آن وقت منتظر شویم تا جواب نامه این جانب برسد.

۵۴۳

نامه دکتر مصدق به مهندس احمد مصدق

از جناب آقای مهندس بازرگان نامه‌ای نرسید. چنانچه مقصود نامه‌ایست که از مشهد به این

جانب نوشته‌اند جواب آن را نوشته می‌فرستم که خدمت جناب معزی‌الیه ارسال شود. میله و حلقه‌های آن هم رسید.

۵۴۴

نامه دکتر مصدق به مهندس احمد مصدق

۹ اسفندماه

قربان احمد عزیزم [۱] کاغذ شما رسید، راجع به کار بیمارستان همانطور که نوشته‌اید رسیدگی خواهد شد. غلام تعهد کرد که این کار را انجام دهد و مرا متعهد کرد که هیچ‌گونه دخالتی در کار او نکنم و ببینم چه خواهد کرد. بنابراین خوب است که هیچ یک از ما دخالت نکنیم و او به مسئولیت خود عمل کند.

راجع به لباس دانش‌آموزان عباس‌آباد نوشتم که آقامهدی وجه آن را بدهد. اگر لباس باید خریداری شود عده دانش‌آموزان را معلوم کنید و دستور بدهید آقامهدی یا مشهدی محمود این کار را بکنند والا وجه را به هرکس که مورد اطمینان است و سوءاستفاده نخواهد کرد بدهید که خودش در این کار اقدام کند. بنظر من اگر لباس خریداری شود بهتر است.

برای لباس مستخدمین محلی قبل از حرکت آقای شرافتیان به مشهد نوشته بودم تهیه کنند که آقای شرافتیان نوشته بود اقدام می‌کنم. شما از آقامهدی سؤال کنید در این باب اقدامی کرده‌اند یا نه [۲]

چنانچه آقای شرافتیان به این زودی از مشهد نیاید، چون موقع می‌گذرد باشد شخص دیگری این کار را بکند.

۵۴۵

نامه دکتر مصدق به مهندس احمد مصدق

قربان احمد عزیزم

من به زندگی خود امیدوار نیستم، نمی‌دانم چه می‌شود که این فکر در من تقویت می‌شود. راجع به خانه‌ها، محلی که در خیابان فردوسی است چون ساختمان جدید نیست اگر ارزان تمام شود از همه بهتر است. در هر حال این روزهای آخر عمر من کاری بکنید که من به آرزویی که دارم برسم و آن این است [۳]

ملکی خریداری کنم وقف بیمارستان کنم و منافع آن مادام‌العمر حق خدیجه باشد. این دختر که در زندگی نتوانست کاری بکند شاید طوری پیش آید که برای این کار موفق شود و اجر اخروی ببرد. قربانت پایا

۵۴۶

نامه دکتر مصدق به مهندس احمد مصدق

قربان احمد عزیزم [!؛] با نظر شما نتوانستم موافقت کنم، من که در عمر برای خودم سوءاستفاده نکردم چه لزوم دارد که برای یک مؤسسه خیریه مرتکب چنین عملی بشوم. نیت این شخص محترم این بوده که خودش اداره کند و از قانون اطلاعی نداشته، من هم نمی‌توانم کاری برخلاف وقفنامه بکنم. پس بهتر این است که کلیه مخارجی که ایشان کرده‌اند بپردازم و کاری برخلاف میل یک نفر که به من اعتماد دارد نکرده باشم شما هرچه زودتر هر دو نامه را بفرستید. یک نامه دیگری هم بطور خصوصی برای جناب آقای دکتر صدیقی نوشته‌ام و در جوف همین پاکت است آن را هم بخوانید سر پاکت را بچسبانید و بفرستید.

قربانت پاپا

[مجدداً]

راجع به صندلی گفتم عیناً همانطور بسازند.

۵۴۷

تلگراف دکتر مصدق

توسط جناب آقای صدرائی اشکوری واعظ شهر
حضرات آقایان محترم امضاءکنندگان تلگراف وصول تلگراف موجب تشکر و امتنان گردید
از خداوند برای همگی توفیق می‌طلبم.

دکتر محمد مصدق

۵۴۸

نامه دکتر مصدق راجع به درخواست ملاقات خبرنگار هندی

راجع به خبرنگار هندی بگوئید چون دو مرتبه اتفاق افتاد که دو نفر خبرنگار آمدند و بعد رفتند مطالبی خودشان جعل کردند و در روزنامه منتشر کردند و اسباب زحمت مرا فراهم نمودند از آن به بعد تصمیم گرفتم کسی را نپذیرم که بگذارند راحت در همین جا زندگی کنم. این است اگر مطالبی دارند در دو نسخه به فارسی بنویسند بفرستند و من جواب عرض می‌کنم البته در دو نسخه که یکی نزد من ضبط شود. چنانچه سؤال ایشان فقط مربوط به تاریخ ایران است باید از کسی که در این باب تخصص دارد سؤال کنند.

۵۴۹

جواب دکتر مصدق به مرقومه خانم پروانه اسکندری (فروهر)

عرض می‌شود

بسیار متأسفم که نتوانستم جواب مرقومه محترمه را زودتر و به موقع تقدیم کنم [۰]. اوراق مرحمتی را به دقت خواندم و عرض می‌کنم بسیار خوب تنظیم شد و تیریکات خود را بنویسند محترم آن عرض می‌کنم و اما اینکه نظر بنده را در انتشار آن خواسته‌اید باید عرض کنم با وضعیت فعلی صلاح درانتشار نیست بعدها می‌توانید هر وقت بخواهید موفق شوید [۰]. در خاتمه ارادت خود را تجدید می‌کنم و سلام و وجود محترم را خواهانم

دکتر محمد مصدق

۵۵۰

یادداشت دکتر مصدق راجع به شهید سید حسین فاطمی

دکتر فاطمی اگر ملی شدن صنعت نفت خدمت بزرگی است که به مملکت شده، باید از آن کسی که اول این پیشنهاد را نمود، سپاسگزاری کرد و آن کس شهید راه وطن دکتر حسین فاطمی است که روزی در خانه جناب آقای نریمان پیشنهاد خود را داد و عمده نمایندگان جبهه ملی حاضر در جلسه آن را به اتفاق آراء تصویب نمودند رحمة الله علیه که در تمام مدت همکاری با این جانب حتی یک ترک اولی هم از آن بزرگوار دیده نشد.

دکتر محمد مصدق

۵۵۱

وصیت‌نامه دکتر محمد مصدق

۱ - وصیت می‌کنم که فقط فرزندان و خویشان نزدیکم از جنازه من تشییع کنند و مرا در محلی که شهدای ۳۰ تیر مدفونند دفن نمایند.

۲ - بدون سند رسمی یا نوشته به خط و امضای خود به کسی مدیون نیستم.

۳ - نظر به اینکه طبق اسناد رسمی ثبت شده در دفتر اسناد رسمی شماره ۳۹ طهران منافع دو سال از خانه‌ها و مستغلاتی که به فرزندان خود بخشیده‌ام پس از مرگ به این جانب دارد به شرح ذیل

الف - منافع خانه واقع در کوچه ازهری ملک خانم ضیاء اشرف بیات مصدق سند شماره

۴۲۱۵۶ / ۲۹ اسفند ۱۳۲۹

ب - منافع چهار دانگ از خانه‌هایی که در آن سکونت داشتم ملک آقای مهندس احمد

مصدق سند شماره ۴۲۱۵۷ / ۲۹ اسفند ۱۳۲۹

ج - منافع خانه مسکونی همسر عزیزم ملک آقای دکتر غلامحسین مصدق سند شماره

۴۲۱۵۸ / ۲۹ اسفند ۱۳۲۹

حق‌الارض عمارت دو اشکوبه و دو گاراژ ملک آقای دکتر غلامحسین مصدق سند شماره

۴۲۱۵۹ / ۲۹ اسفند ۱۳۲۹ که در سال به یکصد و بیست هزار ریال (دوازده هزار تومان قطع

شده)

د - مستغلات واقع در خیابان ناصرخسرو ملک بانو منصوره متین‌دفتری سند شماره

۴۲۱۶۰ / ۲۹ اسفند ۱۳۲۹

از بابت منافع سال اول مبلغی که در صورت جداگانه به خط این جانب تنظیم شده به

اشخاص مفصله در آن صورت پردازند و باقی ماند برای نماز و روزه و و حج این جانب بکار

برند و از عوائد سال دوم قطعه زمینی برای باشگاه دانشجویان دانشگاه طهران مناسب باشد با

نظر نماینده آقایان مزبور خریداری شود و چنانچه آقایان دانشجویان قطعه زمینی در اختیار

داشته باشند مبلغ مزبور را به نماینده و یا نمایندگان قانونی آقایان دانشجویان تحویل بدهند که

آنها خود مبلغ مزبور را صرف تعمیر یا ساختمان جدید آن بنمایند چنانچه وصیت‌نامه دیگری

جزو نوشتجات غارت شده یا در خانه و نزد دیگران بدست آید از درجه اعتبار ساقط است

احمدآباد ۲۰ آذرماه هزار و سیصد و چهل و چهار هجری شمسی دکتر محمد مصدق

در ۱۴ اسفند ۱۳۴۴ که دفتر کمربینه نوشتجات خود را دیدم ملاحظه شد که طبق سند

تنظیمی در دفتر اسناد رسمی شماره ۳۹ طهران منافع خانه واقع در کوچه ازهری را به خانم ضیاء

اشرف بیات مصدق بخشیده‌ام و طبق نوشته مورخ ۳ تیرماه ۱۳۳۸ به آقای مجید بیات وکالت

داده‌ام دفتر اسناد رسمی را امضاء نماید بنابراین سایر این پرداخت وجه در دو سال بعد از حیاتم

مربوط به میل و استطاعتی است که خانم ضیاء اشرف داشته باشد [.] به طور خلاصه می‌تواند

تمام یا قسمتی و یا هیچ پرداخت نکند

دکتر محمد مصدق

فهرست موضوعی نامه‌ها

اضمحلال استبداد و استقرار بساط عدل و داد ما ایرانیان را بین ملل متمدنه دنیا نه‌چنان مفتخر و سربلند نموده که شرح آن را بتوانم به عرض برسانم ۳۳/ به نایب‌الحکومه انزلی و رئیس نظمیه آنجا حکم موکدی صادر فرمایید که برخلاف منافع دولت اقدامی نکند ۳۵/ درخواست هیئت نمایندگی ایران تقدیمی به کنفرانس مقدماتی صلح پاریس ۳۶/ انسداد راه قفقاز ۳۸/ رفتن ساعد و هیئت بسرپرستی سیدضیاءالدین و سردار فاخر به بادکوبه ۳۸/ حال آتیه مملکت ما معلوم نیست ۳۹/ درخواست تعیین تکلیف در برابر پلیس جنوب ۳۹/ مأمورین اعزامی به فارس باید مطلع و صحیح‌العمل و متدین باشند ۳۹/ بنده هیچ مقصود و منظوری ندارم جز خدمت ۴۰/ انحلال قشون جنوب ۴۰/ عدم رضایت و اعتراض سفارت انگلیس به انتخاب آصف‌الملک و غضنفرالسلطنه ۴۱/ تعهدات آصف‌الملک، غضنفرالسلطنه و نورمحمدخان موافق صرفه دولت بود ۴۱/ قدرت بنده در فارس منحصر یک عده مختصر سرباز بدون تفنگ و فشنگ است ۴۱/ بنده هیچ اشتیاقی به حکومت فارس نداشتم به حکم تقدیر پیش آمد ۴۲/ تا این تاریخ از وظیفه دولخواهی و وطن‌پرستی قصور نشده است ۴۲/ انتشار تلگراف انتصاب سیدضیاء در فارس باعث اغتشاش و انقلاب خواهد شد ۴۲/ در صورت لزوم انتشار دستور صادر شود که تلگراف خانه انتشار دهد ۴۲/ اعمال هیئت دولت کودتا و نیت آن را برخلاف مصالح مملکت می‌دانم ۴۳/ هر کس برای حفظ مملکت و وطن خود دلائلی دارد که اقدامات خود را باید روی دلائل خود قائم نماید ۴۳/ دو تلگراف من به مقام ملوکانه بلاجواب مانده است ۴۳/ دستخط تلگرافی راجع به احضار چاکر زیارت شد ۴۴/ سیاست فارس تابع سیاست ایران و سیاست ایران مطیع سیاست یک جماعتی از اهل دنیا است [انگلستان] ولی سیاست ارادتمند مطیع وجدان خودم است ۴۴/ به خواست و رضای الهی شاکر و خوشوقت خواهیم بود ۴۵/ عمری بدون نتیجه در

این مملکت می‌گذرد ۴۵ / دولت ساویت روسیه برای پاره‌ای ملاحظات نظامی و اقتصادی با عناوین مختلفه و بدون داشتن مدرک مشروع درصدد تصرف راه آهن ماکو می‌باشد ۴۷ / شوق و شعفی به خدمت این قسمت از وطن عزیز [آذربایجان] داشتم ۴۸ / از هیچ مشکلی قصور ننموده با وسایل ناقصی که بوده بدون هیچ غفلت موفقیت حاصل نموده ۴۹ / وجود خرابی در کارهای آذربایجان ۴۹ / امور آذربایجان با این اهمیت موقع ممکن نیست به طبیعت واگذار شود ۴۹ / با اعتراف به ناتوانی که از عدم مساعدت طبیعت [اشاره به کارشکنی‌های رضاخان و زیر جنگ] حاصل شده استدعای معافیت از این مأموریت می‌نماید ۴۹ / نمی‌دانم به مملکت یا به حضرت اشرف تبریک عرض کنم ۴۹ / عدم مساعدت طبیعت و عدم مساعدت اولیای مرکز چهار دفعه بنده را به استعفا واداشت ۵۰ / با نبودن وسیله از بنده خدمتی ساخته نیست ۵۰ / به شرف و انسانیت قسم از این عرض مقصودی غیر از خیر مملکت ندارم ۵۰ / بنده را تا زمانی که قوه و پول نیست از مسئولیت امنیت آذربایجان خلاص فرمایید ۵۱ / بنده معتقد به توصیه نیستم ۵۲ / بدخواهانی که از دولت خواهی من صدمه دیده‌اند پاره‌ای مفتریات غرض‌آمیز علیه این جانب انتشار داده‌اند ۵۲ / با کمک فکری و معاضدت بعضی از آقایان حجج اسلام ادام‌الله بقائهم کتابی بعنوان وصیت و مدارک حقوق اسلامی به زبان فرانسه تالیف کرده و مزایای قوانین شریعت غرای احمدی را مطابق مذهب جعفری به سایر ادیان با فلسفه عالی در اروپا انتشار داده‌ام ۵۳ / کشمکشهای قلمی جز خلط مبحث و مغالطه و غرض‌رانی نتیجه دیگر ندارد ۵۳ / اعلام تمایل به نخست‌وزیری مستوفی‌الممالک ۵۸ / مترصدم مذاکرات در نفع مملکت و جامعه مقدسه روحانیت خاتمه یابد ۶۰ / خدا را به شهادت می‌طلبم فقط نظریاتم خیرخواهانه است و بس ۶۰ / آنچه مسلم است حاج محمدعلی فقط برای عدم مداخله در انتخابات تبعید گردیده است ۶۱ / احضار فوری حاج محمدعلی به جامعه ثابت می‌کند انتخابات بکلی آزاد است ۶۱ / احضار حاج محمدعلی یک دلیل قطعی آزادی است ۶۱ / اختصاص اضافه حقوق دوره نمایندگی مجلس ششم جهت تأسیس مدرسه در سولقان ۶۱ / اعتراض به متخلف برای رفتن مستخدمین امریکایی نیست بلکه از این نظر است که دیگران درس عبرت بگیرند ۶۲ / چیزی که مرا به ملاقات شما سوق داد همان اجرای قانون اساسی بود ۶۳ / ندادن جواز ورود آرد به تهران موجب قاچاق و فساد اخلاق است ۶۳ / عدم امتناع از پذیرش پیشنهاد نخست‌وزیری برای این بود که به آن کسی که همیشه فدائی وطن بوده است نسبت محافظه‌کاری و خالی کردن شانه از کار ندهند ۶۴ / اینجانب تا نظری که صرفاً در نفع مملکت تشخیص داده شده تأمین نشود هیچ کاری قبول نمی‌کند ۶۵ / موکلین فدوی صاحب این نظر نبوده‌اند که برای مدت کوتاهی کار قبول کنم و موقعی که دفاع از وطن فریضه این بنده و هر یک از نمایندگان است کرسی خود را بلا تصدی گذارد ۶۶ / توقیف روزنامه‌ها از طرف دولت یا فرمانداری نظامی ۶۶ / تهیه طرح برای رفع نواقص قوانین مطبوعاتی ۶۶ / بیرون آمدن مطبوعات از تزلزل فعلی ۶۷ /

جرایم مطبوعاتی با حضور هیئت منصفه رسیدگی می‌شود ۶۷ / متأسفانه در این مملکت فروغی و امثالش اول ممضی این قبیل نوشتجات می‌شوند تا بعد مجلس تصویب نماید ۶۸ / مخالفت من با مرحوم فروغی در دو موضوع بود ۶۹ / فروغی حاضر نشد در مجلس گفته‌های مرا تکذیب کند و لطمه‌ای که به حیثیات او وارد شده بود جبران نماید ۶۹ / طرح مقدماتی قانون مطبوعات را باین امید تهیه کردم که کار مطبوعات به جریان قوانین عادی و دادگاههای عمومی خواهد افتاد و زمینه الغای حکومت نظامی فراهم و خدمتی به اصول آزادی خواهد شد ۷۲ / ارباب جرائد برای گذراندن چنین قانونی لازم بود اختلافات را در مقابل مخاطراتی که هستی آنان را تهدید می‌کند کنار بگذرانند ۷۲ / رادیو مسکو اسناداتی باین جانب داد که استحقاق آن را ندارم ۷۲ / موکلین من اصولاً با هر گونه امتیازی که راجع به منابع ثروت مملکت به داوطلبان غیر ایرانی در قلمروی ایران داده شود خوش‌بین نیستند ۷۲ / آقای سفیر [شوروی]! تصدیق بفرمایید که قلوب ملت ایران از معادن نفت گرانتز و کانی است که در آن می‌توانید استخراج محبت نمایید ۷۴ / آقای سفیر! در تمام دوره زندگی مصلحت ایران را هر چیز نتوانستم عوض کنم و هیچ عاملی نتوانسته است مرا از صراط مستقیم منحرف کند ۷۴ / من ایران را دوست می‌دارم همان طوری که شما خاک اتحاد شوروی را دوست دارید ۷۴ / وظیفه هر شخص وطن‌پرست این است که در این قبیل موارد به ضرر کشور راضی نشود ۷۶ / دولت حق اخذ هیچ گونه تصمیم که جزئاً یا کلاً، مستقیماً یا غیرمستقیم دخالت یک یا چند دولت خارجی را در امور داخلی ایران تصریحاً یا تلویحاً ایجاب نماید ندارد ۷۸ / آقای حکیمی فوراً به آقای تقی‌زاده تلگراف فرمایند دری را که بسته‌اند بازکنند و از خرشیطان پائین بیایند ۷۹ / صلاح نیست که دولت انگلیس و امریکا به نام سه دولت با ما داخل مذاکره شوند و در سایر نقاط ایران هم که هیچ وقت اختلافی نداشتیم ایجاد اختلاف کنند ۸۰ / اگر دولت نتواند قضیه آذربایجان را به طور مستقیم حل کند تنها امیدی که برای ما هست همان طرح در سازمان ملل متفق است ۸۱ / تا از طریق مذاکرات مایوس نشویم مراجعه به سازمان ملل متفق را برخلاف صلاح مملکت می‌دانم ۸۱ / وجود رقابت آزاد عامل مؤثر برای اعاده اوضاع به حال عادی و استقرار موازنه بین عرضه و تقاضا و بالتیجه تعدیل قیمت‌ها و تقلیل هزینه زندگی می‌باشد و مجالی برای سوءاستفاده و احتکار و گران‌فروشی باقی نمی‌گذارد ۸۵ / نظر به وضع فعلی... فعلاً عقیده به آزادی عمل بازرگانان ندارم ۸۵ / تا موقع اعاده اوضاع اقتصادی به حال عادی و امکان استقرار موازنه بین عرضه و تقاضا دولت مکلف است برای جلوگیری از سوءاستفاده بازرگانان امر ورود و فروش این اجناس را تحت نظارت خود نگاه دارد ۸۶ / تصور نمی‌فرمایید از لحاظ رفاه جامعه و ترقی کشور اگر این فعالیت‌ها و سرمایه‌های بازرگانان در امور مربوط به تولید کالا و اصلاحات کشاورزی و ازدیاد محصولات داخلی و تهیه کار برای بی‌کاران و افزایش و بهبود صادرات به کار افتد بهتر از خرید قماش از سهمیه دولت و فروش باسود گراف به مصرف‌کنندگان بی‌بضاعت

خواهد بود؟ ۸۸/ جامعه در تشخیص کسانی که در فکر مصالح عمومی یا منافع شخصی هستند عادلانه قضاوت می‌کند و فریب مدعیان خدمتگزاری خود را نمی‌خورد ۹۰/ مردم می‌گویند هنگامی که دولت در بعضی حوزه‌ها عملاً بازرسی ندارد و در سایر حوزه‌ها هم خود دولت بعنوان حزب دخالت کند انتخابات آزاد نخواهد بود ۹۰/ مجلس که با این طرز تشکیل شود مظهر افکار عمومی ایران نیست و در مقابل بیگانگان برای دولت تکیه‌گاه نخواهد بود ۹۰/ ملت ایران خواهان دوستی با همسایگان است ۹۱/ هیچ کس منکر مضار ادامه فترت و مخالف لزوم تشکیل مجلس نیست، بشرط اینکه مجلس محصول آراء طبیعی مردم و مبین تمایلات ملت ایران باشد ۹۱/ باید در اجرای قانون انتخابات تأخیر شود تا مقتضیات انتخابات آزاد فراهم گردد ۹۱/ در مملکت مشروطه باید احزاب عرض اندام کنند و انتخابات را بدست گیرند بشرط اینکه متکی به نیروی ملی و معنوی باشند ۹۱/ مقایسه ایران با ممالک انگلوساکسون قیاس مع الفارق است ۹۱/ در این کشور سالها وقت لازم است تا قوانین مانند دیگر کشورها مورد احترام واقع شود ۹۲/ در انگلستان سابقه ندارد که حزب مخلوق دولت باشد ۹۲/ برای نجات ملل کوچک از چنین بدبختی هیچ نیروئی مؤثرتر از نیروی معنوی نیست ۹۲/ بزرگترین حربه‌ای که امروز ما را در مقابل تجاوزات و مداخلات می‌تواند حفظ کند تکیه به قانون اساسی کشور و افکار عمومی است ۹۲/ صلاح مملکت در این است که نمایندگان مجلس با خود مردم سر و کار پیدا کنند و فرمان وکالت را از دست مردم بگیرند ۹۲/ در دوره استبداد سلاطین به طبقات روحانیون و رجال احترام می‌نمودند ۹۳/ از اواخر عهد ناصری و مظفیری بخاطر ندارند که فردی از این طبقات بحکم دولت تبعید و یا زندانی شوند... ۹۳/ در دوره مشروطیت هر کس خواست در صلاح مملکت حرفی بزند چون حکومت ملی نارس بود دولتهای متکی به سیاست خارجی او را زندانی و یا تبعید نمودند ۹۳/ از نظر حفظ اصول و احترام به قانون مقتضی است که بتوقیف غیرقانونی و یا تصمیم به تبعید سیدضیاءالدین و تمام اشخاصی که بدون ذکر علت تبعید و یا زندانی شده خاتمه داده شود ۹۴/ هر قدر مرحوم مدرس اعتراض نمود و گفت آقای مستوفی الممالک استعفا داده و قبل از هر کار باید رئیس انتخاب شود مورد توجه واقع نشد ۹۶/ تدین برای چند روز نیابت ریاست [مجلس] و وعده‌های دیگر قرآن را زیر پا گذاشته و برخلاف مصالح مملکت عمل نمودند ۹۶/ این است پادشاه اسلام که در دست اوست بیرق ایران ۹۶/ بست حرمت شرعی ندارد عدم اجرای قانون و عدالت است که امامزاده و مسجد و بعضی از نقاط دیگر را... بست قرار می‌دهند ۹۶/ من به احمدشاه قسم یاد کرده‌ام و از او نسبت به مملکت خلافی ندیده‌ام و این را هم می‌دانم که یکی از جهات خلع او از سلطنت عدم موافقت با قرارداد بوده ۹۷/ آرمیتاژاسمیت مستشار انگلیسی در طبق قرار داد [۱۹۱۹] وزارت مالیه بود و من که با قرار داد مخالف بودم چه طور ممکن بود با ایشان همکاری می‌نمایم؟ ۹۷/ هیئت حاکمه را به سه دسته می‌توان تقسیم کرد: منفی - مثبت و خادم صدیق ۹۸/ من از وکالت پنجم و ششم

تقنینیه در بعضی از نطق‌های خود خطر کشته شدن را حس کرده‌ام ۹۹ / درد بسیار است و طیب نیست ۱۰۱ / ایرانی به دنیا آمده و ایرانی از دنیا می‌روم و به هیچ یک از سیاست‌ها بستگی ندارم ۱۰۲ / یکی از مزایای دموکراسی آن است که مردم بتوانند به طور آزاد اظهار عقیده کنند ۱۰۲ / ملت ایران را بواسطه روش نامطلوبی که اتخاذ کرده ملت زنده نمی‌دانند ۱۰۲ / امیدوارم نمایندگان قرارداد باطل دوره دیکتاتوری را با تصویب لایحه دولت ساعد برای خاطر بعضی چیزها تنفیذ نمایند ۱۰۴ / عده‌ای در نتیجه وقایع اخیر و حبس و محکومیت [از ترس] قلم را شکسته‌اند ۱۰۵ / نام شما ای نمایندگان مدافع وطن در تاریخ ایران جاودان است ۱۰۵ / قوانین اساسی برای نسل‌های متوالی نوشته می‌شود ۱۰۵ / دادن اختیارات وسیع به پادشاه، در ایامی که پادشاه عصر فاقد فضیلت اخلاقی باشد زیان و محدودیت متوجه آزادی و مشروطیت می‌کند ۱۰۵ / ملت ایران باهوش‌تر از این است که حق را از باطل تمیز ندهد ۱۰۶ / از تنظیم ماده ۱۶ قانون انتخابات مقصود دولت این بود غیر از اشخاصی که دولت در نظر داشت کسی انتخاب نشود ۱۰۶ / در هیچ کجا معمول نیست یک نفر بتواند بیش از یک مرتبه رای بدهد ۱۰۷ / آن چیزی که در اعمال وکیل بیشتر مؤثر است خوبی وکیل نیست بلکه طرز انتخاب اوست ۱۰۷ / اگر مردم افراد بدی را هم از روی اغفال انتخاب کنند چون خود را خادم و محتاج به مردم می‌دانند به مردم خدمت می‌کنند ۱۰۷ / فساد انتخابات در شهرستانها به حدی رسیده که مردم از فشار مأمورین و زجر و ضرب و جرح دسته‌دسته به تهران مهاجرت می‌کنند ۱۰۹ / آیا شروع به اخذ آراء در چنین وضعی منظور آزادی انتخابات و مشروطیت را تأمین می‌کند؟ ۱۱۲ / اگر فقر و بیچارگی مردم نتیجه اعمال هیئت‌های حاکمه نیست، خوب است بفرمائید علت بدبختی‌های این جامعه چیست؟ ۱۱۲ / هر چه معمول مدرسه باشد باید عمل کنی البته به یک دانش‌آموز نمی‌شود چیزی داد که دیگری از داشتن آن محروم باشد ۱۱۳ / مکاتبه سبب می‌شود که معلومات ایرانی را فراموش نکنی ۱۱۳ / این جانب را از تهران به احمدآباد آورده‌اند و زیر نظر مأمورین کارآگاهی واقع شده‌ام ۱۱۴ / تبعیت از قانون ۱۱۴ / بدون ذکر هیچ دلیل فرمانداری نظامی این جانب را از شهر تبعید کردند ۱۱۵ / حکومت نظامی تعطیل عملی مشروطیت است ۱۱۵ / در این مملکت کافی است که دولت بهانه‌ای بدست آورد و به واسطه برقراری حکومت نظامی ماه‌ها و سالها مشروطیت را تعطیل کند ۱۱۵ / همیشه و در هر حال، برای خدمت به ملت و فداکاری در راه آزادی حاضر بوده و هستم ۱۱۵ / نجات کشور ما منحصرأ در ایمان به دموکراسی حقیقی و ایجاد حکومت واقعی مردم بر مردم است ۱۱۵ / ایجاد حکومت دموکراسی یک راه بیش ندارد و آن انتخابات آزاد است ۱۱۶ / نماینده مردم هر که باشد بهتر از نماینده دولت است ۱۱۶ / انتخابات باید برطبق قانون و در محیطی آزاد صورت گیرد ۱۱۶ / منظور آزادی خواهان ایجاد حکومت مردم بر مردم بدون بروز حوادث نامطلوب و از راه قانون و صلح و سلم است ۱۱۷ / چاره این بیچارگی ما فقط ایجاد حکومت دموکراسی است ۱۱۷ / قوای حاکمه ایران

از گذشته عبرت بگیرد ۱۱۷/ اشخاصی که داعیه خدمت به مملکت دارند باید طبعاً برای همه گونه فداکاری و از خودگذشتگی حاضر باشند ۱۱۸/ محکومیتی که باید ملیون و آزادی خواهان از آن بهراسند، محکومیت در محکمه افکار عمومی است ۱۱۸/ ملت رشید آنهایی هستند که قادر هستند رأی خود را از دست دزدان ناموس ملی حفظ کنند ۱۲۰/ چه باعث شده که می‌خواهند از نظارت جبهه ملی که در صلاح جامعه و بعضی از آن انجمن است جلوگیری فرمایند ۱۲۱/ جبهه ملی دیگر در این انتخابات سرتاپا مخدوش دخالت نخواهد کرد ۱۲۱/ آنکه آراء را می‌دزد خیانت‌کار نیست؟ ۱۲۲/ بطلان انتخابات لواسان از شدت و وضوح محتاج به دلیل نبود ۱۲۳/ املاک مرغوب خالصه را صاحبان وسایل یعنی ملاک بزرگ و متمولین تملیک خواهند نمود ۱۲۵/ لایحه فروش املاک خالصه بنفع عده‌ای از ملاک و اشخاص متمول تنظیم شده ۱۲۷/ ترک فعل هم یکی از اقسام مبارزه است ۱۲۷/ اگر مردمی باشند که انجام وظیفه را منحصر به ریختن رأی در صندوق نکنند، با پشتیبانی مردم می‌روم و انجام وظیفه می‌کنم ۱۲۷/ خوشوقتیم از اینکه وظیفه خود را خوب انجام می‌دهید ۱۲۹/ قرارداد الحاقی به هیچ وجه استیفای حقوق ملت ایران را نمی‌کند ۱۳۰/ قرار داد ۱۹۳۳ در دوران دیکتاتوری و علیرغم میل و مصلحت ملت ایران به زور و فشار تحمیل شده است ۱۳۶/ بودن شرکت نفت در این مملکت حیات ملی و استقلال کشور را به باد می‌دهد ۱۳۶/ به ملی بودن صنعت نفت و جنبه اخلاقی آن بیش از جنبه اقتصادی معتقدم ۱۳۶/ عایدات نفت در راهی خرج شده که نفع آن عاید بیگانگان شده و یا اشخاصی از آن استفاده برده‌اند که دست نشاندۀ کمپانی و دشمن ملت ایران بوده‌اند ۱۳۶/ سطح اخلاقی امروز ما نسبت به سطح اخلاقی سال ۱۹۳۳ بسیار تنزل کرده است ۱۳۶/ می‌خواهند بوسیله قرار داد الحاقی قرار داد باطل دوره دیکتاتوری و بالنتیجه تمدید مدت را تنفیذ کنند ۱۴۰/ علت پیشرفت کمونیسم تنها مرام نیست ۱۴۰/ تا تکلیف نفت در مجلس معلوم نشود بنده امید به بهبودی ندارم ۱۴۱/ شرکت [کمپانی نفت] در هر کجا نماینده دارد خصوصاً در سازمان برنامه ۱۴۲/ الغاء قوانین ظالمانه مطبوعات مژده بزرگی بود ۱۴۴/ تازه احزاب ما می‌خواهند بوظایف حزبی خود آشنا شوند و جای بسی امیدواری است ۱۴۴/ بیدار شدن افکار عمومی ۱۴۷/ رهایی از تسلط اقتصادی بیگانگان ۱۴۷/ بخواست خداوند صنایع نفت در سراسر کشور ملی خواهد شد ۱۴۷/ تعدیات و تظلم شرکت نفت سبب پیشنهاد ملی شدن صنعت نفت گردید ۱۵۰/ در منزل من اشیاء تجملی منحصر است به دوربین که در سال ۱۳۱۴ خریده‌ام ۱۵۲/ رضایت به بهره‌برداری شرکت اجنبی از معادن نفت ما ننگ است ۱۵۲/ ضرب پنج قرانی نقره در ضرابخانه پتروگراد و بیرمنگام برای رفع نیازمندیهای متفقین در جنگ اول ۱۵۳/ در جنگ اول از این جهت که دول بیگانه پول خود را می‌آوردند و در ایران خرج می‌کردند لیره طلا از پنج تومان به دو تومان و فرانک سوییس از دو قران به یک قران تنزل کرد ۱۵۳/ از شهریور ۱۳۲۰ تاکنون ارزش پول چهار مرتبه تنزل نموده است ۱۵۴/ رژیم دیکتاتوری

اجازه نداده بود مردمانی که بالقوه می‌توانستند رجال شوند عرض اندام کنند ۱۵۵/ متفقین بوسیله یکی از مزدوران خویش قیمت لیره را از ۶۷ ریال قبل از جنگ به ۱۲۸ ریال هر لیره ترقی دادند ۱۵۵/ میزان اسکناس در جریان در ۱۳۲۰ معادل ۱۸۰ میلیون تومان و در آخرین سال جنگ جهانی به میزان ۷۰۰ میلیون تجاوز نموده بود ۱۵۵/ افزایش میزان نشر اسکناس موجب افزایش قیمتها به همان نسبت گردیده است ۱۵۶/ در درجه اول متفقین از افزایش میزان اسکناس استفاده برده است ۱۵۶/ با لایحه نشر اسکناس مخالفم ۱۵۷/ برای جلوگیری از دسایس بیگانگان نظم و آرامش را جداً مراقبت نمائید ۱۶۱/ بنده از ایام توقف در زندان بیرجند قصد و نیتم اصلاح زندان بوده است ۱۶۲/ حفظ نظم و آرامش در نواحی نفت‌خیز ایران لازم و ضروری است ۱۶۳/ سرآمد هر اصلاحی در این مملکت حضور نمایندگان حقیقی مردم در مجلس است ۱۶۴/ بکرات دولت‌های خوب تصمیمی در مصالح مملکت گرفته‌اند، چون سیاست خارجی نخواستہ اجرا شود دولت را از کار انداخته‌اند ۱۶۴/ در جراید ایران آنچه راجع به اینجانب نگاشته می‌شود، هرچه نوشته باشند نباید مورد اعتراض و تعرض قرار گیرد ۱۶۵/ تشبید و استحکام دوستی ایران و انگلستان نه فقط در خیر و صلاح این دو کشور بلکه خیر و صلاح کلیه دول دموکراسی و بنفع صلح عمومی جهان خواهد بود ۱۶۶/ دولت ایران می‌خواهد از عواید نفت بنیه اقتصادی کشور را تقویت و موجبات آسایش عمومی را فراهم سازد ۱۶۶/ از ابراز نگرانی دولت امریکا چنین استنباط می‌شود که مطلب کاملاً بر آن حضرت [ترومن] روشن نیست ۱۶۸/ طبقات زحمتکش ایران که در تمام مدت جنگ برای متفقین جان‌کنده بودند با گرانی طاقت‌فرسا و بی‌کاری دست بگریبان شد ۱۶۹/ کمپانی نفت سعی می‌کرد با محدود کردن درآمد ما را همیشه در فشار مالی نگهدارد ۱۶۹/ آیا ملت ایران جز ملی کردن صنایع نفت چاره دیگری داشته است؟ ۱۶۹/ قانون ملی کردن صنعت نفت مصادره و تصاحب اموال را تجویز نکرده بلکه برعکس تأدیه غرامات و خسارات احتمالی را پیش‌بینی و تأمین نموده است ۱۶۹/ امور شرکت سابق نفت انگلیس و ایران از امور داخلی کشور است ۱۷۰/ امور شرکت سابق نفت انگلیس و ایران از امور داخلی کشور است ۱۷۳/ از احساسات بی‌آلایش و پاک آیه‌الله نمی‌دانم چگونه سپاسگزاری کنم ۱۷۳/ دولت ایران در حدود قانون ملی شدن صنعت نفت و قانون طرز اجرای آن می‌تواند با نمایندگان شرکت وارد مذاکره شود ۱۷۴/ با کمال تأسف نمایندگان شرکت سابق پیشنهادهایی برخلاف قوانین ملی شدن صنعت نفت دادند ۱۷۴/ ملت ایران برای انجام مقصود، خود را برای هرگونه محرومیت آماده کرده است ۱۷۵/ بین ملتین ایران و امریکا همواره روابط دوستانه برقرار بوده ۱۷۵/ یقین دارم دولت‌های آزاد جهان و خصوصاً دولت امریکا از معاضدت به آمال ملی ایران خودداری نخواهند کرد ۱۷۵/ نمی‌دانم از اظهار لطف و مرحمت حضرت آیه‌الله چگونه تشکر کنم ۱۷۶/ بعلت عدم مراقبت سرلشکر بقائی وقایع ناگوار و اسف‌آور ۲۳ تیر ماه بوقوع پیوسته ۱۸۲/ امید است همواره برکات انقباس و افاضاتعالیه

روحانیت ممد اصلاحات و ترقیات کامل ملک و ملت باشد ۱۸۳/ دولت و ملت ایران مجاهدات و مبارزات ملت دوست و نجیب و دولت محبوب مصر را با دیده تقدیر و تحسین می‌نگرد ۱۸۵/ امیدوارم خداوند توفیق انجام خدمتی را که روحانیون محترم و طبقات دیگر کشور به این جانب محول فرموده‌اند عنایت فرماید ۱۸۷/ اعلیحضرت به دولت امر دادند که حتی المقدور در ارسال اولتیماتوم به دولت انگلیس خودداری شود ۱۹۰/ اگر دولت انگلیس از رویه‌ای که تاکنون تعقیب کرده منصرف نشود مسئول هر خطری خواهد بود که متوجه ایران بشود ۱۹۱/ ملت ایران این مأموریت تاریخی و مهم شما را هرگز فراموش نخواهد کرد ۱۹۲/ تأییدات و اقدامات شجاعانه همیشه حضرت عالی [آیه‌الله کاشانی] اساس موفقیت ملت ایران در این مبارزه تاریخی بوده است ۱۹۴/ از توقف این جانب در واشنگتن در مسئله نفت ایران متأسفانه نتیجه‌ای حاصل نگردید ۱۹۵/ هیئت اعزامی انگلیس به طور ناگهانی تصمیم به ترک تهران گرفت ۱۹۶/ تردیدی باقی نماند که انگلیسها مایل به حل قضیه نبوده‌اند ۱۹۶/ نقشه انگلیسها این بوده و هست که با قطع کردن عواید نفت، ایران را دچار مضیقه مالی و بحران اقتصادی کرده دولت را مجبور به قبول نظریات خود بکند ۱۹۶/ آقای هریمن این دفعه از وساطت امتناع کردند ۱۹۷/ دولت انگلیس حسن نیت دولت ایران را ضعف تلقی کرده و به تهدید پرداخت ۱۹۷/ به دولت وقت امریکا معلوم و هویدا گردید دولت انگلیس مایل به حل قضیه نیست ۱۹۷/ بهتر آن است [دولتهای غربی] استرضای ملل صاحبان معادن نفت را بعمل آورند تا عدم رضایتشان موجبات تشنج صلح عمومی را فراهم نکند ۱۹۸/ در جنگ دوم، ملت ایران به امید وعده‌های آزادی و استقلال ملل و منشور اتلانتیک قربانی‌ها و فداکاریهایی متحمل گردید ۱۹۸/ مشارکت ایران با متفقین در جنگ دوم، مالی و اقتصاد ایران را در هم ریخت ۱۹۸/ عمال کمپانی در طی این پنج شش سال با دسایس سیاسی ما را از کمک‌هایی که دولت امریکا حتی بدشمنان سابق خود کرده و می‌کنند و حتی از کمک‌های موسسات بین‌المللی محروم ساختند ۱۹۸/ از اسناد انتخاباتی [فرمایشی] دوره نهم تقنینیه در شورای امنیت بنفع مملکت کاملاً استفاده شد ۲۰۰/ امیدوارم آن جمعیت به آرزوهای دینی خود رسیده و از ثمره اتحاد مسلمین و اعتلاء اسلام بهره‌مند باشند ۲۰۰/ با ارسال چک در کمک به آمال ملی پیشوا شده‌اید ۲۰۲/ در ممالک دموکراسی نیک و بد دولتها مخلوق افکار عمومی و مولود رفتار و کردار بزرگان و خردمندان ملتها است ۲۰۲/ همیشه پیشوایان و راهنمایان عامه بشر در معرض این قبیل حوادث بوده‌اند ۲۰۳/ مبارزات انتخاباتی صرفاً باید از راه نطق و خطابه و اعلام باشد ۲۰۵/ اگر باید روزی ملل اسلامی عظمت و سعادت را که دین مبین اسلام به آنها نوید داده دریابند لازم است در طلیعه آن رجالی کاردان و علاقمند به وحدت و یگانگی بوجود آیند ۲۰۶/ ارشادات و افاضات روحانیت همواره در راهبری ملت و مساعدت دولت در راه وصول به مقاصد صالحه ملی مؤثرترین عوامل می‌باشد ۲۰۷/ این بار نیز با لطف ایزد متعال خطر مرتفع

شده است ۲۰۷/ چون آرزوی بیگانگان این بود که یک فترت طولانی پیش آید، از کار کنار نرفتم ۲۰۹/ در انتخابات متأسفانه بانهایت جدیتی که دولت بخرج داد آنطوری که انتظار داشت توفیق حاصل نکرد ۲۰۹/ دولت با قانون فعلی نمی‌توانست از اعمال خلاف قانون جلوگیری کند ۲۱۰/ مجلس بخوبی می‌تواند روی انتخابات مخدوش خط بطلان بکشد ۲۱۰/ مجلس غاصبین حقوق عمومی را طرد نماید ۲۱۰/ البته در تعیین وزیر فرهنگ تأمین نظر آن جناب خواهد شد ۲۱۳/ امیدوارم مسلمین شاهره نجات را پیموده و به مقامی که شایسته پیروان قرآن است نائل شوند و به تمام آرزوهای ملی خود برسند ۲۱۵/ هیچ‌گونه اصلاحاتی ممکن نیست مگر اینکه متصدی مطلقاً در کار خود آزاد باشد ۲۱۶/ یکی از هدفهای اساسی سیاست خارجی دولت اینجانب همراهی و کمک به ممالکی است که برای حفظ استقلال و حق حاکمیت خود مجاهده می‌نمایند ۲۱۷/ هیئت نمایندگی ایران حداکثر مساعدت‌های ممکنه را برای تحصیل استقلال و حاکمیت ممالک محروم افریقائی به عمل آورد ۲۱۷/ شیوه‌ها و تحریکات دنباله‌دار عمال بیگانه و ایادی آنها ۲۱۸/ به منظور حفظ امنیت کلیه نقاط کارگری و بنگاه‌ها و ادارات دولتی و جلوگیری از اعتصاب غیرقانونی و عصیان و تمرد و اختلال در نظم و آرامش در سراسر کشور، موادی به اینجانب پیشنهاد شد ۲۱۸/ لایحه قانون امنیت اجتماعی از نظر پیش‌آمد مسایلی بوده که بنابر مصالح و مقتضیات کشور دولت ناگزیر با آن مواجه می‌شده ۲۱۹/ پاره‌ای اصلاحات با منافع اشخاص زیادی که همیشه سد راه اصلاحات اساسی بوده‌اند اصطکاک پیدا می‌کند ۲۱۹/ البته نرمی و مدارا در موقع خود بسیار مستحسن و پسندیده است ولی در غیر موقع زیان‌آور خواهد بود ۲۱۹ و ۲۲۰/ برای رسیدگی به جریان اخیر قم هیئتی به محل عزیمت خواهند نمود ۲۲۲/ روزنامه‌ها را به مناسبت درج مطالب و حمله به شخص من تحت تعقیب قرار ندهید ۲۲۳/ سلامت و سعادت جنابعالی و عموم مسلمین را از خداوند مسئلت می‌نمایم ۲۲۴/ این دولت در نتیجه حسن ظن قاطبه افراد ملت موجودیت یافته ۲۲۶/ سرتیپ افشارطوس در راه ایفای وظیفه و خدمت به وطن و مبارزه با توطئه‌های ضد ملی با ایادی ناپاک به وضع ناجوانمردانه‌ای شربت شهادت نوشید ۲۲۸/ ایجاد وحدت در میان مسلمانان جهان و تلقین جهاد در میان آنان برای این جانب مژده بسیار مسرت بخشی است ۲۳۰/ برای گستردن بساط عدل و نهضت در جهان در حال حاضر هیچ وسیله‌ای جز قیام و جهاد ملتهای ضعیف و ستم‌دیده در برابر جور و بیداد دولتهای استعمار طلب وجود ندارد ۲۳۰/ توفیق عموم برادران اسلامی خود را در وصول به آمال مقدس اجتماعیشان خواستارم ۲۳۱/ لزوم یک نهضت فرهنگی به موازات نهضت ملی ایران ۲۳۱/ موافقت با پیشنهاد تأسیس انجمن فرهنگی ایران برای نشر فرهنگ ایران و ترویج زبان فارسی در ممالک همسایه ۲۳۱/ دولت انگلستان موانع غیرقانونی در راه فروش نفت ایران ایجاد کرده است ۲۳۳/ دولت انگلیس به این امید است که وضعیت سابق خود را در ایران تجدید کند ۲۳۳/ کمکهای دولت امریکا به ایران آنقدر نبوده

است که مشکلات ایران را بر طرف کند و صلح جهانی را تأمین کند ۲۳۴/ سطح زندگی مردم ایران در نتیجه یک قرن سیاست استعماری خیلی پائین است ۲۳۴/ بانک صادرات امریکا که می‌بایست ۲۵ میلیون دلار برای امور کشاورزی به ایران کمک کند به واسطه دخالت‌های ناروای دیگران [انگلستان] منصرف گردید ۲۳۴/ دستور اخراج مستر شارپ کشیش انگلیسی صادر شده است ۲۳۵/ به چه علت وزارت خارجه گزارشی درباره شارپ انگلیسی داده و اظهار نظر نموده است که از اخراج او خودداری می‌شود؟ ۲۳۸/ دستور عودت چهار اربابه جنگی مأمور قصر سعدآباد به قسمت مربوط ۲۴۰/ از فرار سرلشکر زاهدی جلوگیری شود ۲۴۱/ اینجانب مستظهر به پشتیبانی ملت ایران هستم ۲۴۲/ اینجانب در مدت تصدی خود جز برای پیشرفت نهضت ملی ایران و جز برطبق قانون قدمی برنداشته‌ام ۲۴۲/ اتهام تغییر رژیم کاملاً بی‌اساس است ۲۴۲/ در یک دادگاه نظامی غیرقانونی و بدون صلاحیت تحت محاکمه می‌باشم ۲۴۳/ تصمیم گرفتم دیگر غذا نخورم و جان خود را از ظلم و ستم این دستگاه خلاص نمایم ۲۴۵/ از بی‌قانونی این دستگاه همین بس که من در دادگاه غیرقانونی به سه سال حبس مجرد محکوم شده‌ام، ولی اموال من، اسناد من، اوراق قرضه ملی من،... را به این جانب مسترد ننموده‌اند ۲۴۶/ مرگ برایم بزرگترین آرزوست ۲۴۷/ جلوگیری از دفاع وکلای دادگستری در محاکم نظامی بهیچ وجه پایه و اساس قانونی ندارد ۲۴۷/ چون نخست‌وزیر بوده‌ام دادگاه نظامی صلاحیت نداشته با اتهامات متسببه به من رسیدگی کند ۲۴۸/ مرگ برایم از زندگی بهتر است ۲۴۸/ قریب سه ماه می‌گذرد و تاکنون وکلای این جانب مرا برای شور و تنظیم لایحه فرجامی نتوانستند ملاقات کنند ۲۴۹/ همه دیدند که در دادگاه سلطنت آباد هر وقت خواستم از خود دفاع کنم عده‌ای از افراد باشگاه تاج چه ناسزا که نگفتند ۲۴۹/ تا هزار مثل من در راه آزادی فدا نشوند وطن عزیز ما ایران روی آزادی و استقلال را نخواهد دید ۲۴۹/ قضات عالی مقام! به دنیا ثابت نمائید که دادگستری ایران هم مثل دادگستری انگلیس نظری بجز عدالت و حق ندارد ۲۵۰/ تاریخ قضاوت خواهد نمود که آن دیوان [عالی کشور] چرا نسبت به من که در تمام مدت تصدی کار غیر از خیر مملکت نظری نداشتم این رویه را اتخاذ نموده‌اند ۲۵۱/ امید من در این دو سال زندان همیشه این بوده است که در جلسات محاکمه حاضر شوم و از حقی که قانون به من اعطاء نموده است استفاده نمایم ۲۵۳/ قاضی شرافتمند آن کسی است که رای به حق بدهد و غیر از حق و عدالت چیزی در نظر نگیرد ۲۵۵/ آیا از حق عفو اعلیحضرت این جانب باید استفاده کنم یا کسانی که برخلاف خواسته‌های ملت عمل کرده‌اند ۲۵۵/ چند مرتبه در هر دو دادگاه به سری شدن محاکمه تهدید شدم ۲۵۵/ چنانچه اعلیحضرت این جانب را مشمول عفو قرار دهند چون بزرگترین توهینی است که به یک خدمتگزار مملکت می‌شود زیر بار آن نمی‌روم و به زندگی خود خاتمه می‌دهم ۲۵۵/ از روزی که کشور ایران صاحب رژیم مشروطه شده از آن نخست‌وزیر و وزیرانی که برخلاف مصالح مملکت کار کرده‌اند حتی یک نفر را هم ولو برای چند دقیقه بازداشت نکرده‌اند ۲۵۹/ من و

همکارانم را که جز خواسته‌های مردم کاری نکرده‌ایم بازداشت نمودند ۲۶۰ / در هر کجا امید مظلوم به دادگستری است، وای از آن وقتی که دیوان عالی کشور هم نتواند طبق قانون وظایف خود را انجام دهد ۲۶۰ / در این جانب قدرت انتحار هست و این هم باز خدمتی است که به آزادی و استقلال مملکت می‌شود ۲۶۰ / یک روز کسانی را که سد راه منافع بیگانگان می‌شدند بعنوان مخالف پادشاه با اسلحه آن روز و امروز بدین طریق از بین می‌برند ۲۶۱ / این محکومیت برای من مزید افتخار است ۲۶۲ / اگر دولت این جانب ساقط نمی‌شد چیزی نمی‌گذشت که قضیه نفت صد در صد بنفع ملت ایران حل می‌شد ۲۶۲ / عفو شاه را قبول نخواهم کرد ۲۶۲ / محکومیت برای من که در راه وطن عزیزم می‌خواهم کشته شوم، پله اول افتخار است ۲۶۵ / راضی نشوید دادگستری بیش از این حیثیات خود را از دست بدهد ۲۶۶ / در شرایط فعلی هر کار می‌توان کرد جز اینکه تاریخ را نمی‌توان تحریف نمود و یا تغییر داد ۲۶۶ / مگر من در دادگاه چه می‌گفتم که بیاناتم تا این حد ایجاد وحشت کرده است ۲۶۸ / بی‌گناهی که عنقریب سه سال است بدستور سیاست خارجی و بر علیه مصالح مملکت در حبس مجرد بسر می‌برد ۲۶۸ / اجازه فرمائید طبق معمول تمام دادگستری‌های ممالک مترقی در این مملکت مشروطه هم مانع نشوند و بگذارند جرائد متن رای دادگاه و متن اعتراض و اعلام جرم این جانب را منتشر کنند ۲۶۸ / محکومیت در این دادگاه در نتیجه خدمت به مملکت نصیب شده است و هرگز نمی‌خواهم آن را از دست بدهم ۲۶۸ / مبارزه ملت ایران را با سیاست خارجی در مراجع بین‌المللی و در خود مملکت با اعمال اجنبی جزو مفاخر تاریخی ملت می‌شمارند و هیچوقت از صفحات تاریخ این مملکت محو نمی‌شود ۲۷۳ / کتاب «بیان السعاده» در روز ۲۸ مرداد ۳۲ از خانه‌ام به غارت رفته ۲۷۴ / در آن روزگار [که در زندان بودم] هیچ کس حاضر نبود جواب سلام مرا بدهد، شمشیری حاضر شد مبلغ پانصد هزار تومان [برای مخارج بیمارستان نجمیه] بلاعوض بدهد ۲۷۷ / من یکی از آقایان روحانیون را مثلاً آقای راشد را تعیین می‌کنم که شما را قسم بدهند ۲۷۹ / یک قسم یاد کنید و هرچه می‌گوئید طلب دارید دریافت نمائید ۲۷۹ / نمی‌دانید از تنهایی و حرف نزدن با کسی چقدر به من بد می‌گذرد ۲۸۱ / اگر بخواهی در ایران زندگی کنی هر چند وقت یک بار باید دیدنی از اهل وطن بکنی و بروحیه این مردم آشنا شوی ۲۸۳ / غیر از این نه دنیا داری نه آخرت، چون که در سوئیس هم بیگانه‌ای ۲۸۳ / از تنهایی بسیار بد می‌گذرد ۲۸۵ / با کسی غیر از فرزندانم ارتباط ندارم ۲۸۶ / با کسی حق ملاقات ندارم و از محوطه قلعه نمی‌توانم پای به خارج گذارم ۲۸۶ / وضعیتم در این دو سال اخیر طوری است که غیر از فرزندان با کس دیگری نمی‌توانم ملاقات کنم و حتی از قلعه هم بدون اسکورت حق خروج ندارم ۲۸۷ / به ایران مراجعت فرمایید و به خدمت هموطنان عزیز توفیق حاصل فرمائید ۲۸۸ / تردید ندارم که این جمعیت [نهضت آزادی] تحت رهبری شخص جنابعالی [مرحوم مهندس بازرگان] موفق به خدمات بزرگی نسبت به مملکت خواهد شد ۲۸۹ / خواسته‌اید

برسانید ملتی هم هست که در راه آزادی و استقلال از همه چیز می‌گذرد ۲۸۹/ آن کس که از دست ما رفت و یک عده مردم خیرخواه وطن‌پرست را داغدار نمود همان شادروان دکتر حسین فاطمی است ۲۹۰/ نام نیک دکتر فاطمی همیشه در صفحات تاریخ ایران باقی خواهد ماند ۲۹۰/ متجاوز از ۵۰ نفر سرباز و گروهبان اطراف بنده هستند که اجازه نمی‌دهند با کسی ملاقات کنم ۲۹۰/ آنچه یک جمعیت ایران دوست آزادی‌طلب باید عمل کند در قطعنامه مصوب اولین کنگره جامعه تصویب شده ۲۹۱/ آقایان هموطنان عزیزم به مسئولیتی که دارند پی ببرند و بآنچه وظیفه حکم می‌کند عمل نمایند ۲۹۲/ نه با خلقت خدا می‌توان دعوا کرد و نه از آنچه مقدر شده است می‌توان سرپیچید ۲۹۳/ هر قدر از سختی زندگی خود عرض کنم کم گفته‌ام ۲۹۳/ خواهانم ایران وطن عزیز ما بتواند به همت رجال وطن‌پرست به آزادی و استقلال برسد و خود را در ردیف دول آزاد مستقل قرار دهد ۲۹۴/ انتشار کتاب الجزایر و مردان مجاهد تصور می‌کنم بیش از انتظار تأثیر کند و همه بدانند چه راهی را در مصالح مملکت باید در پیش گیرند ۲۹۵/ چشم مردم خیرخواه وطن‌پرست به شما نسل جدید دوخته شده ۲۹۶/ هر کس هر چه برای وطن خود کند در نفع خود کند ۲۹۶/ هر چه کرده و هر چه شده در سایه همکاری و معاضدت یک عده افراد وطن‌پرست و حمایت ملت ایران بوده ۲۹۷/ خواهانم که بیش از پیش در تنویر عقاید مسلمین کوشا و ساعی باشید و توفیق حاصل فرمائید ۲۹۹/ عقب ماندگی ما ایرانیان بعلت نداشتن تشکیلات سیاسی و اجتماعی است ۲۹۹/ من در این زندان اول امیدم به خدا و بعد به شما نسل جوان است ۳۰۰/ صبر و حوصله را پیشه قرار دهید ۳۰۰/ کسانی که بخواهند به مملکت خدمت کنند باید با شرکت مجلسی مرکب از نمایندگان حقیقی ملت این کار را انجام دهند ۳۰۲/ یک نفر را می‌توانند بهر وسیله‌ای جلب کنند ولی با گروهی از مردم این کار عملی نیست ۳۰۲/ دول استعماری نتوانستند از نفت ایران صرف‌نظر کنند، این بود که با هم متفق شدند و بهر قیمتی بود دولت را از بین بردند ۳۰۳/ اینجانب در روزهای ۲۵ تا ۲۸ مرداد قوائی در اختیار نداشتم ۳۰۳/ در این کشور که قرن‌ها است زیر نظر دول استعماری اداره شده وقت لازم است تا بتوانید استعمار را از بین ببرید و دفع کنید ۳۰۴/ مسالک مختلف نباید مانع همکاری شود ۳۰۴/ اهداء به کسانی که در سیاست مملکت اهل سازش نیستند و تا آنجا که موفق بشوند مرد و مردانه می‌ایستند ۳۰۵/ درود فراوان به روان پاک دکتر سیدحسین فاطمی و سایر شهدای راه آزادی که با خون خود مبارزات ضد استعماری را آبیاری کردند ۳۰۵/ جبهه ملی هیچ وقت نظری جز اعتلاء و عظمت ایران نداشته ۳۰۵/ باید دربهای جبهه ملی به روی کلیه افراد و دستجات و احزابی که مایل به مبارزه و از خود گذشتگی در راه واژگون ساختن دستگاه استعماری هستند مفتوح گردد ۳۰۵/ لزوم تجدید نظر در قسمت مربوط به شورای جبهه ملی در اساسنامه جبهه ملی ۳۰۶/ رهبر را باید ملت تعیین کند نه بنده که سالهاست از همه جا بی‌خبرم ۳۰۷/ از خدا می‌خواهم که سال ۱۳۴۲ سال فرج بعد از شدت باشد ۳۰۷/ یک عده دوستان و

فداکاران حقیقی مملکت من جمله شخص قائم بالذات یعنی همسر محترم شما بجرم پاکی عقیده و دوستداری وطن مدتی است در زندان بسر می‌برند ۳۰۷/ معلوم نیست آن خدائی که مرقوم فرموده‌اید جهل و ظلم را محکوم می‌کند چه وقت به داد ما خواهد رسید ۳۰۸/ تقاضای تقدیم پیام سبب شد که معایب آن جبهه [ملی] بگویم و گوشزد نمایم ولی متأسفانه به آن ترتیب اثر ندادند ۳۱۰/ مفاد اساس نامه و آئین نامه جبهه ملی برخلاف آزادی و عدالت است ۳۱۰/ انتخابات جبهه ملی عیناً همان است که دولت به ولایت از طرف مردم می‌کند ۳۱۰/ باید در اساس نامه جبهه ملی تجدید نظر شود و نمایندگان هر دسته و هر صنفی نماینده‌ی حقیقی آن دسته و صنف باشند ۳۱۱/ در غیر تجدیدنظر در اساس نامه و آئین نامه انتظار هیچ پیشرفتی برای جبهه ملی نباید داشت ۳۱۱/ اظهار عقیده حق اشخاصی است که با جامعه ارتباط دارند و هر وقت موجباتی پیش آید می‌توانند با شور و مشورت با دیگران و اقامه ادله فراوان از تصمیمی که اتخاذ شده عدول کنند و تصمیم دیگری که بیشتر در مصالح اجتماع باشد اتخاذ نمایند ۳۱۳/ در انتخابات آزاد وظیفه هر فردی از افراد این است که شرکت کنند ۳۱۳/ جبهه بجای اینکه در اساس نامه و آئین نامه تجدیدنظر کند و آن را در صلاح و صواب مملکت تغییر دهد دست از کار کشید ۳۱۴/ آقایان محترم با تشکیلات جدید [جبهه ملی سوم] لازم است تماس بگیرند ۳۱۵/ موجب نهایت خوشحالتی و امتنان گردید که این هیئت محترم [کمیته سازمان دانشجویان جبهه ملی ایران] کماکان مسائل مربوط به ملت ایران را در نظر گرفته و تعطیل ننموده است ۳۱۶/ یگانه راهی که برای پیشرفت مقاصد ملی بنظر رسید همانا دخالت کلیه احزاب و دستجات سیاسی در جبهه ملی بود که بنا به تقاضای رهبران جبهه نظریات خود را نوشتم که در کنگره قرائت شد و ترتیب اثری به آن ندادند ۳۱۷/ انحلال احزاب کار خوبی نشده ۳۱۸/ جبهه ملی حزب نیست ۳۱۸/ چنانچه احزاب و اجتماعات در جبهه شرکت نکنند جبهه همان می‌شود که اکنون شده است ۳۱۸/ جبهه نباید در صلاحیت احزاب و اجتماعات بحث کند ۳۱۸/ پیشرفت این جانب روی این اصل بود که به مرام و مسلک احزاب هیچ نظری نداشتم و سلاح ما منحصر به جمع‌آوری افراد بود که همگی معتقد بیک اصل بودند و از استقلال ایران دفاع می‌کردند ۳۱۸/ جبهه را بصورتی در آوردند که قادر به هیچ عملی نیست ۳۱۸/ شغل رهبری موروثی نیست که کسی برای بعد از حیات خود رهبری تعیین کند ۳۱۸/ تعیین رهبر از حقوق بلاتردید ملت ایران است ۳۱۸/ در دوره هفدهم می‌خواستند در غیاب این جانب در هر محل که انتخابات می‌شد بلوا و غوغا برپا کنند و این کار سبب شود که حواس من از دیوان بین المللی لاهه متوجه انتخابات گردد ۳۲۰/ نداشتن نماینده در مجلس به از اینست که نماینده در مجلس باشد و بضرر مملکت رای بدهد ۳۲۰/ انتخابات رئیس مجلس که پیش آمد عده‌ئی منحرف شدند ۳۲۰/ خواستند دولت را استیضاح کنند و از کار بیندازند ۳۲۰/ دولت نمی‌توانست بعلت نبودن عواید نفت کارگران معادن نفت را گرسنه بگذارد ۳۲۱/ بنظر رسید

تکلیف دولت را ملت ایران به وسیلهٔ رفاندم معلوم کند ۳۲۱/ [اجانب] نظر باینکه راه دیگری برای عزل دولت نبود به دستخط شاهنشاه متوسل شدند ۳۲۱/ با اساسنامه فعلی جبهه ملی هدف ملت ایران روز بروز ضعیفتر می‌شود ۳۲۱/ مبارزه هر آن بصورتی در می‌آید و رهبری با توجه به شرایط باید در آن تجدید نظر کند ۳۲۱/ دانشجویان جزئی از افراد مملکتند و به تنهایی نمی‌توانند کار مفیدی انجام دهند ۳۲۱/ اساسنامه جبهه ملی باید طوری تنظیم شود که هر حزب و جمعیت و دسته‌ای که صاحب تشکیلاتند بتوانند با انتخاب یک یا چند نماینده وارد جبهه شوند و در تصمیمات جبهه ملی شرکت کنند ۳۲۲/ هر حزب و هر اجتماع برای خود مرامی دارد ۳۲۲/ صلاح جبهه ملی هم در این است که کاری به مرام دیگران نداشته باشد ۳۲۲/ تعریف جبهه ملی: جبهه ملی مرکز احزاب و اجتماعات و دستجاتی است که برای خود تشکیلاتی دارند و مرامی جز آزادی و استقلال ایران ندارند ۳۲۲/ مجری این مرام افراد قلیل هر چند صاحب فکر نیستند، بلکه ملت ایران هستند ۳۲۲/ گذاردن یک عده‌ای در خارج از جبهه ملی و عدم پذیرش آن بهر عنوان که باشد برخلاف مصالح مملکت است ۳۲۲/ نمایندگان احزاب و اجتماعات و دستجات، جبهه ملی را برای مدت یک سال تشکیل می‌دهند ۳۲۲/ چون به پیشنهاد اصلاحی جوابی لطف نفرمودید نظریات خود را کتباً عرض نموده و تقدیم می‌کنم ۳۲۳/ در بهای جبهه را باید بروی احزاب و اجتماعات و دستجات باز گذاشت ۳۲۴/ دانشجویان با آن همه فداکاری مورد توجه جبهه ملی واقع نشدند ۳۲۴/ اگر آقایان با انتخابات مجلس مخالفید چرا رویه و رسم دولت را از دست نداده و در انتخابات احزاب و دانشجویان دخالت فرموده‌اید ۳۲۴/ ۲۸ مرداد توطئه نبود و یک کودتائی بود که دول خواهان امتیاز نفت به دست عمال خود در ایران ترتیب دادند ۳۲۵/ برای پیشرفت امور هیچ راهی برای الحاق مخالفین بهتر از تجدید اساسنامه نیست ۳۲۶/ نظریاتم از این جهت که از جریان امور دورم مورد قبول واقع نشد ۳۲۷/ در نامه رعایت ادب و احترام نشده و باید این کار بشود ۳۲۷/ چون می‌بینم نفاق بین دستجات بضرر ایران تمام می‌شود می‌خواهم سعی کنم آن را از بین ببرم و قوای ملی همه با هم همکاری کنند ۳۲۸/ اساسنامه و آئین‌نامه جبهه ملی طوری تنظیم نشده که ملت ایران بتواند از آن استفاده نماید ۳۲۹/ هر قدر جمعیت جبهه کم باشد بضرر مملکت است ۳۲۹/ انتخابات اعضای شورای جبهه ملی به دست کنگره همان طریق انتخاباتی است که دولت از طرف مردم می‌کند ۳۲۹/ شورای مرکزی جبهه باید از تمام احزاب و دستجات و سازمانهای صنفی و محلی تشکیل شود تا جبهه تقویت گردد و مورد احترام ملت باشد ۳۳۰/ نظر اینجانب به حزب توده نیست بلکه مربوط به احزابی است که مستقلند و می‌توانند حافظ منافع جامعه باشند ۳۳۰/ این جانب با این قسمت اساسنامه که می‌گوید «مدارک مربوط به احزاب در دبیرخانه جبهه ملی محفوظ خواهد ماند» مخالفم ۳۳۰/ اعضای شورای جبهه ملی باید هر کدام موکلانی داشته باشند که خود را در مقابل موکلان حقیقی مسئول بدانند ۳۳۰/ اشخاص بی‌موکل را که کنگره یا شوری انتخاب کنند

آلت دست اشخاصی می‌شوند که آنها را توصیه می‌کنند ۳۳۰/ جبهه ملی احتیاج به افراد شجاع وطن‌پرست دارد که به نمایندگی از طرف احزاب و دستجات از حقوق ملت ایران دفاع کنند ۳۳۱/ آیا ممکن است در راه منافع ایران از چند ورق کاغذ بی‌مصرف صرف‌نظر کنند؟ ۳۳۱/ این آخرین نامه‌ای است که تقدیم می‌کنم ۳۳۱/ کناره‌جوئی جنابعالی [مرحوم اللهیار صالح] از کار جبهه ملی موجب یأس مردم است و اشخاصی مثل جنابعالی باید موجب امیدواری باشید نه اینکه عده بیشمار را مأیوس بفرمائید ۳۳۲/ یک رجل سیاسی هرگز از خدمت به جامعه نمی‌بایست خودداری کند ۳۳۲/ بیائید برای خیر جامعه یک اساسنامه‌ای که مورد قبول عموم باشد تنظیم بفرمائید ۳۳۲/ کارگران رنج‌دیده معادن نفت در خلع ید نقش بسزایی داشته‌اند ۳۳۲/ بطور صریح گفتم اگر از هموطنانم کاغذی برسد نمی‌توانم آن را بلاجواب گذارم ۳۳۳/ در جنگ اول در حزب اعتدال وارد شدم ۳۳۴/ به دعوت حزب دموکرات ضدتشکیلی در این حزب وارد شدم ۳۳۴/ با ورود اشخاص منفرد که شورای جبهه ملی و یا کنگره آنان را انتخاب کند موافق نیستم ۳۳۴/ جبهه ملی احتیاج دارد به جمعیت زیاد و اشخاص منفرد جمعیتی ندارند که وجودشان در جبهه مؤثر باشد ۳۳۵/ بنده هیچ وقت را در فداکاری‌های جنابعالی [مرحوم دکتر سید علی شایگان] را در شورای امنیت سازمان ملل و دیوان بین‌المللی لاهه فراموش نمی‌کنم ۳۳۶/ جبهه ملی چون نخواست با نظریات بنده راجع به تجدید نظر در اساسنامه و آئین نامه موافقت کند دست از کار کشید و جبهه منحل گردید ۳۳۶/ جبهه ملی غیر از آزادی و استقلال ایران پیرامون هیچ مرامی نگردد ۳۳۷/ متجاوز از ۱۱ سال است در زندان بسر می‌برم و قادر نیستم از منافع وطن خود دفاع نمایم ۳۳۷/ این جانب اول کسی بودم که در این مملکت زبان اعتراض به مصونیت‌های اتباع دول بیگانه گشودم ۳۳۷/ از کتاب سرگذشت فلسطین بسیار استفاده نمودم و حیفم آمد که این کتاب در گوشه‌ای بماند و مورد استفاده قرار نگیرد ۳۳۸/ جبهه ملی سوم مرکز تجمع احزاب و جمعیت‌های سیاسی و جامعه روحانیت و جامعه دانشجویان و... که هر یک از آنها مرام خاص برای خود داشته باشند و با جبهه ملی سوم فقط دارای یک مرام مشترک باشند که آزادی و استقلال ایران است ۳۳۹/ هیچ فردی که در یک اجتماع عضویت نداشته باشد نمی‌تواند وارد شورای جبهه ملی شود ۳۳۹/ از آنچه کرده‌ام و یکی از آنها عدم تسلیم بود برای اینکه هدف ملت ایران از بین نرود بسیار راضی و خوشوقتم ۳۴۰/ خواهانم راه صعب‌العبور آزادی و استقلال وطن عزیز را در سایه اتحاد و وحدت فکری بپیمائید ۳۴۲/ بعقیده من توجه به بیمارستان نجمیه بزرگترین کاری است که ما می‌توانیم در عمر خود انجام دهیم و به خدمت یک عده‌ای ناتوان توفیق حاصل کنیم ۳۴۲/ همسر عزیزم متجاوز از ۶۴ سال با من زندگی کرد و به همه چیزم ساخت ۳۴۴/ هیچ جمعیتی بدون یک رهبر مطلع و فداکار نمی‌تواند کاری انجام دهد و رهبر مورد اعتماد هم کسی است که هر چه اظهار کند اجتماع آن را بپذیرد و جامعه از آن پیروی کند ۳۴۶/ بهتر این است که سرگذشت اعمال سیاسی این جانب را

دیگران بنویسند و جامعه بخواند و قضاوت کند ۳۴۶/ موقعی که به مصر رفتم نحاس پاشا از ترس سیاست خارجی باستقبال من نیامد ۳۴۷/ امیدوارم از این یادگار ارزنده و مفید [کتاب آزادی هند تالیف مرحوم مهندس بازرگان] بسیار استفاده نمایم ۳۴۸/ سلام و ارادت خالصانه‌ام را خدمت پدر بزرگوار تقدیم فرمائید ۳۴۸/ الحق که در راه خدمت به وطن رنج بسیار کشیده‌اند و صدمات ناگواری را تحمل فرموده‌اند. توفیق و سعادت آن یگانه مرد وطن پرست و دوستان وفادارشان را از خداوند مسألت دارم ۳۴۸/ ای کاش سرنوشت شهید دکتر سیدحسین فاطمی نصیب من شده بود ۳۵۰/ تبریکاتی که برای عید مسعود حضرت ولی عصر عجل الله فرجه به این اقل هموطنان اهداء فرموده‌اید موجب نهایت امتنان گردید ۳۵۰/ در بدو مشروطیت دو سه جلسه در انجمن آدمیت حاضر شدم و چون مجمع انسانیت بریاست مستوفی الممالک بنده را به سمت نیابت رئیس انتخاب کردند دیگر نتوانستم در انجمن آدمیت حاضر شوم ۳۵۴/ هر طور شده حق الزحمه تجزیه را پردازید ۳۵۴/ از اینکه می‌بینم جنابعالی اوقات خود را صرف امور عامه می‌فرمائید بسی خوشوقتم ۳۵۸/ هر کار اندازه دارد، افراط در هر کار این نتیجه را می‌دهد ۳۶۵/ در زندگی همه چیز لازم است، کار، معاشرت، صحبت و هر چیز که موجب تنوع بشود ۳۶۵/ به واعظ احمدآباد هر سال یک هدیه‌ای می‌دهم ۳۶۷/ عکس اگر کم باشد موجب توجه مردم قرار می‌گیرد و چنانچه زیاد بشود مورد تنفر خواهد شد ۳۶۸/ ما هیچ وقت نمی‌خواهیم آب دیگران را ببریم و در بیمارستان مریض بستری کنیم ۳۶۹/ من آقای دکتر سحابی را کارشناس طرف خود تعیین می‌کنم والا روی یک نفر آدم متدین که دین و ایمان خود را به پول نفروشد طرفین معین کنیم ۳۷۰/ خوب است با نظر جناب آقای دکتر سحابی دو سه نفر را پیشنهاد کنید ۳۷۰/ همیشه پدر و مادری نیست که کفیل خرج اولاد بشوند ۳۷۰/ کتاب را به صاحبش برسانید که من زیر دین نمایم ۳۷۱/ از جناب آقای مهندس بازرگان نامه‌ای نرسید ۳۷۳/ برای دانش آموزان عباس‌آباد وجه بدهید که لباس خریداری شود ۳۷۴/ آرزوی من این است که ملکی خریداری کنم وقف بیمارستان کنم و منافع آن مادام‌العمر حق خدیجه باشد. این دختر که در زندگی نتوانست کاری بکند شاید طوری پیش آید که برای این کار موفق شود و اجر اخروی ببرد ۳۷۴/ من که در عمر برای خودم سوءاستفاده نکردم چه لزوم دارد که برای یک مؤسسه خیریه مرتکب چنین عملی بشوم ۳۷۵/ من نمی‌توانم کاری برخلاف وقف نامه بکنم ۳۷۵/ اوراق مرحمتی را به دقت خواندم... با وضعیت فعلی صلاح در انتشار نیست ۳۷۶/ شهید راه وطن دکتر حسین فاطمی رحمه الله علیه اول پیشنهاد ملی شدن صنعت نفت را داد ۳۷۶/ مرا در محلی که شهدای ۳۰ تیر مدفونند دفن نمایید ۳۷۶/ وجهی را برای نماز و روزه و حج این جانب بکار ببرید ۳۷۷/.

منابع و مآخذ

- ۱ - آرشیو مؤسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی، س ش ۲۵۱۶۴ - ق؛ س ش ۱۱۲۴-۲۴.
- ۲ - همانجا.
- ۳ - روزنامه ایران، ش ۱۶۳ مورخه ۸ ربیع الثانی ۳/۳۳۶ دلو ۱۲۹۶.
- ۴ - آرشیو مؤسسه پژوهش و... ش س ۴۸۲۱-۲۹۳.
- ۵ - مصدق و مسائل حقوق و سیاست؛ زیر نظر ایرج افشار، زمینه، ۱۳۵۸، ص ۱۳۶.
- ۶ - آرشیو مؤسسه پژوهش و... ش س م - یک پوشه ۴/۳۹.
- ۷ - همانجا.
- ۸ - خاطرات و تألمات مصدق؛ به کوشش ایرج افشار، انتشارات علمی، ص ۱۲۵.
- ۹ - تاریخ معاصر ایران؛ کتاب ششم؛ صص ۲۶۹ و ۲۷۰.
- ۱۰ - آرشیو مؤسسه پژوهش و... ش س م - یک پوشه ۵/۱۲۹۶.
- ۱۱ - همانجا.
- ۱۲ - خاطرات و تألمات مصدق،... ص ۱۲۶.
- ۱۳ - همانجا؛ ص ۱۲۹.
- ۱۴ - مجله آینده؛ ش ۷-۹ س ۱۳۵۸ صص ۶۶۴ و ۶۶۵.
- ۱۵ - آرشیو مؤسسه پژوهش و...؛ ش س م - یک پوشه ۶/۵۲۶.
- ۱۶ - مجله آینده؛ ش ۷-۹ س ۱۳۵۸ ص ۶۶۷.
- ۱۷ - مجله آینده.
- ۱۸ - آرشیو مجلس شورای ملی (ساختمان شماره ۲ فعلی مجلس شورای اسلامی).
- ۱۹ - آرشیو مؤسسه پژوهش و... ش س م - یک پوشه ۱۳۳۷.

- ۲۰ - همانجا؛ ش س ۳۸۰۶-۲۹۳
- ۲۱ - همانجا، ش س ۳۷۹۶-۲۹۳
- ۲۲ - آرشیو مجلس شورای ملی $\frac{۳۹}{۹۶}$
- ۲۳ - آرشیو مؤسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی. با تشکر از آقای دکتر ناصر تکمیل همایون که راهنمای ما در وصول به این سند بوده‌اند.
- ۲۴ - همانجا.
- ۲۵ - همانجا.
- ۲۶ - جهانبانی (سپهبد امان‌الله)؛ خاطراتی از دوران درخشان رضاشاه کبیر، ۱۳۴۶؛ ص ۱۹۰.
- ۲۷ - آرشیو مؤسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی
- ۲۸ - آرشیو سازمان اسناد ملی ایران، آلبوم ۱۸۳ ردیف ۳۴۷۳.
- ۲۹ - روزنامه ایران؛ ش ۱۳۶۴؛ ۲۲ اردیبهشت ۱۳۰۲.
- ۳۰ - آرشیو مؤسسه پژوهش و...
- ۳۱ - آرشیو سازمان اسناد ملی ایران؛ ۴/۱۴۷.
- ۳۲ - آرشیو سازمان اسناد ملی ایران.
- ۳۳ - آرشیو مجلس شورای ملی.
- | | | |
|--------------|--------------|------------------------------|
| ۳۴ - همانجا. | ۳۵ - همانجا. | ۳۶ - همانجا. |
| ۳۶ - همانجا. | ۳۷ - همانجا. | ۳۸ - همانجا. |
| ۳۹ - همانجا. | ۴۰ - همانجا. | ۴۱ - همانجا. |
| ۴۲ - همانجا. | ۴۳ - همانجا. | ۴۴ - همانجا؛ $\frac{۲۸}{۴۹}$ |
- ۴۵ - روزنامه قانون؛ ش ۱۲ مورخه ۲۱ بهمن ۱۳۲۹.
- ۴۶ - نجفی (موسی)؛ «شهید حاج آقا نورالله زعیم بزرگ حوزه تاریخی اصفهان»؛ ص. ۴۲۴.
- ۴۷ - آرشیو مجلس شورای ملی.
- ۴۸ - آرشیو نخست وزیری سابق واقع در کاخ سعدآباد
- ۴۹ - همانجا.
- ۵۰ - روزنامه اطلاعات؛ ش ۳۹۶؛ مورخه ۱۱ دی ۱۳۰۶.
- ۵۱ - کی استوان (حسین)؛ سیاست موازنه منفی در مجلس چهاردهم؛ ج اول، تجدید چاپ از جانب انتشارات مصدق، صص ۱۰۴ تا ۱۰۶.
- ۵۲ - روزنامه اطلاعات؛ ش ۵۶۱۵ مورخه ۲۳ آبان ۱۳۲۳.
- ۵۳ - مکی (حسین)؛ کتاب سیاه؛ ج دوم؛ صص ۵۱۲ و ۵۱۳ و روزنامه اطلاعات ۲۴ آبان ۱۳۲۴.
- ۵۴ - مجله رسانه؛ ش ۱ س ۴، بهار ۱۳۷۲، مقاله آقای مسعود کوهستانی‌نژاد، به نقل از روزنامه اقدام، ش ۶۸ مورخه ۱۲۲۳/۱۱/۱۰. با تشکر از آقای کوهستانی‌نژاد که راقم را از وجود این نامه

- مطلع ساختند.
- ۵۵ - کی استوان (حسین)؛ سیاست موازنه منفی...؛ ج اول؛ ... صص ۱۰۶ تا ۱۰۹.
- ۵۶ - روزنامه اطلاعات؛ ش ۵۶۸۱ مورخه ۱۶ بهمن ۱۳۲۳.
- ۵۷ - کی استوان (حسین)؛ سیاست موازنه منفی...؛ ج اول؛ ... صص ۲۴۵ تا ۲۴۹.
- ۵۸ - آرشیو سازمان اسناد ملی.
- ۵۹ - مکی (حسین) دکتر مصدق و نطقهای تاریخی او؛ جاویدان؛ ۱۳۵۸؛ ص ۳.
- ۶۰ - روزنامه اطلاعات؛ ش ۵۷۹۱؛ مورخه سیام خرداد ۱۳۲۴.
- ۶۱ - کی استوان (حسین)؛ سیاست موازنه منفی...؛ ج دوم؛ ص ۳۷.
- ۶۲ - همانجا؛ ص ۴۹.
- ۶۳ - همانجا؛ صص ۱۸۹ و ۱۹۰.
- ۶۴ - آرشیو سازمان اسناد ملی.
- ۶۵ - کی استوان (حسین)؛ سیاست موازنه منفی...؛ ج دوم؛ ص ۲۳۰.
- ۶۶ - همانجا؛ صص ۲۳۰ و ۲۳۱ و اطلاعات ۲۲/۱۰/۱۳۲۴.
- ۶۷ - روزنامه اطلاعات؛ ش ۵۹۵۷؛ مورخه ۲۳/۱۰/۱۳۲۴.
- ۶۸ - کی استوان (حسین)؛ سیاست موازنه منفی...؛ ج دوم؛ صص ۲۳۱ و ۲۳۲.
- ۶۹ - روزنامه اطلاعات؛ ش ، مورخه ۱۰/۱۳۲۴.
- ۷۰ - کی استوان (حسین)؛ سیاست موازنه منفی...؛ ج دوم؛ ص ۱۷۸.
- ۷۱ - و همچنین: کی استوان (حسین)؛ سیاست موازنه منفی...؛ ج دوم؛ صص ۱۹۸ تا ۲۰۱.
- ۷۲ - مجله آینده، سال نوزدهم / صص ۱۰۰۰ تا ۱۰۰۲.
- ۷۳ - گزارشهای محرمانه شهربانی (۱۳۲۴-۱۳۲۶ ش) جلد اول، به کوشش: مجید تفرشی - محمود طاهر احمدی؛ صص ۲۳۶ و ۲۳۷.
- ۷۴ - روزنامه اطلاعات؛ مورخه ۱۸ خرداد ۱۳۲۶.
- ۷۵ - روزنامه مظفر؛ ش ۱۳۷؛ مورخه ۶ دی ۱۳۲۶.
- ۷۶ - مجله خواندنیها؛ ش ۲۹، سال ۱۶، ص ۱۷ و اطلاعات ش ۶۵۹۵ مورخه ۲۹ اسفند ۱۳۲۶.
- ۷۷ - نجمی (ناصر)؛ با مصدق و دکتر فاطمی؛ خرداد ۱۳۶۸، انتشارات معاصر.
- ۷۸ - مکی (حسین)؛ نفت و نطق مکی، جریان مذكرات نفت در مجلس پانزدهم؛ امیرکبیر؛ ۱۳۵۷، صص ۱۰۹ تا ۱۱۱.
- ۷۹ - با تشکر از جناب آقای میرزائی که از روی لطف این نامه را از آقای محسن ملکی نوۀ مرحوم سلطان العلماء برای انتشار در این مجموعه دریافت و در اختیار راقم قرار دادند.
- ۸۰ - مکی (حسین)؛ نفت و نطق مکی...؛ صص ۵۳۳ و ۵۳۴.
- ۸۱ - همانجا؛ ص ۵۶۲.
- ۸۲ - همانجا؛ ص ۲۳۲.

- ۸۳- روزنامه شاهد؛ ش ۵؛ ۲۷ شهریور ۱۳۲۸.
- ۸۴- روزنامه باخترا امروز؛ ش ۶۸ سال اول، ۱۶ مهر ۱۳۲۸.
- ۸۵- روزنامه اطلاعات؛ ۱۶ مهر ۱۳۲۸ و باخترا امروز همان روز.
- ۸۶- امیرعلائی (دکتر شمس‌الدین)؛ مجاهدان و شهیدان راه آزادی؛ صص ۱۳۹ و ۱۴۰ و روزنامه اطلاعات ۱۳۲۸/۷/۲۳.
- ۸۷- روزنامه اطلاعات؛ ش ۷۰۵۶ مورخه ۲۴ مهر ۱۳۲۸.
- ۸۸- روزنامه اطلاعات؛ ۲۷ مهرماه ۱۳۲۸.
- ۸۹- روزنامه شاهد؛ ش ۲۹؛ ۲۸ مهر ۱۳۲۸.
- ۹۰- با تشکر از آقای دکتر محمود مصدق که عکس این نامه و تعدادی دیگر از نامه‌های دکتر مصدق به مشارالیه را در اختیار راقم قرار دادند.
- ۹۱- روزنامه شاهد؛ ش ۴۴ مورخه ۲۱ آذر ۱۳۲۸.
- ۹۲- از اسناد دکتر محمود مصدق.
- ۹۳- روزنامه شاهد؛ ش ۴۴ مورخه ۲۱ آذر ۱۳۲۸.
- ۹۴- روزنامه باخترا امروز؛ ۹ دی ۱۳۲۸.
- ۹۵- همانجا؛ ۱۹ دی ۱۳۲۸.
- ۹۶- همانجا؛ ۸ بهمن ۱۳۲۸.
- ۹۷- روزنامه صفیر؛ ش ۶۳؛ ۲۴ بهمن ۱۳۲۸.
- ۹۸- همانجا؛ ش ۶۵؛ ۲۶ بهمن ۱۳۲۸.
- ۹۹- همانجا؛ ش ۶۷؛ ۲۹ بهمن ۱۳۲۸.
- ۱۰۰- روزنامه باخترا امروز؛ ۲۸ بهمن ۱۳۲۸.
- ۱۰۱- همانجا؛ ۲ اسفند ۱۳۲۸.
- ۱۰۲- آرشیو سازمان اسناد ملی ایران و روزنامه باخترا امروز؛ ش ۱۸۵؛ ۲۰ اسفند ۱۳۲۸.
- ۱۰۳- روزنامه باخترا امروز؛ ش ۲۰۱، سال اول، مورخه ۱۴ فروردین ۱۳۲۹.
- ۱۰۴- یادداشت‌های دکتر قاسم غنی؛ ج ۷، چاپ ایران؛ ص ۴۹۶.
- ۱۰۵- روزنامه باخترا امروز؛ ش ۲۳۴؛ ۲۴/ اردیبهشت ۱۳۲۹.
- ۱۰۶- همانجا؛ ش ۲۵۳؛ ۱۷ خرداد ۱۳۲۹.
- ۱۰۷- از اسناد مرحمتی آقای دکتر علی مدرسی.
- ۱۰۸- همانجا.
- ۱۰۹- همانجا.
- ۱۱۰- روزنامه ستاره و باخترا امروز مهر ۱۳۲۹.
- ۱۱۱- با سپاس و تشکر از آقای دکتر علی مدرسی که قبول زحمت فرموده و بدرخواست این بنده عکس تعدادی از اسناد آقای مکی را در اختیار راقم قرار دادند.
- ۱۱۲- با تشکر از آقای دکتر سعید فاطمی که عکس این نامه و تعدادی دیگر از دست خطهای دکتر مصدق را برای انتشار در اختیار راقم قرار دادند.

- ۱۱۳ - با ذکر خیر و طلب مغفرت و آرزوی آرامش روان برای مرحوم مهندس کاظم حسینی که عکس این نامه و تعدادی دیگر از اسناد خود را در اختیار راقم قرار داد.
- ۱۱۴ - روزنامه ستاره، ش ۳۵۹۴؛ ۳ آبان ۱۳۲۹.
- ۱۱۵ - همانجا؛ مورخه ۵ آذر ۱۳۲۹ و باخترامروز، ش ۲۹۰، مورخه ۴ آذر ۱۳۲۹.
- ۱۱۶ - از اسناد مرحوم مهندس کاظم حسینی.
- ۱۱۷ - از اسناد مرحمتی آقای دکتر علی مدرسی.
- ۱۱۸ - مکی (حسین)؛ کتاب سیاه، ج دوم، ص ۱۴۵.
- ۱۱۹ - از اسناد مرحمتی آقای دکتر علی مدرسی.
- ۱۲۰ - همانجا.
- ۱۲۱ - خبیری (سیروس حسین)؛ هدف س، حزب جنبش ملی راهنمای ایران؛ ص ۴۴.
- ۱۲۲ - مکی (حسین)؛ کتاب سیاه؛ ج دوم، ص ۱۴۶.
- ۱۲۳ - از اسناد مرحمتی آقای دکتر علی مدرسی.
- ۱۲۴ - مکی (حسین)؛ کتاب سیاه، ج دوم، ص ۱۴۷.
- ۱۲۵ - همانجا؛ ص ۱۴۸.
- ۱۲۶ - از اسناد مرحمتی آقای دکتر علی مدرسی.
- ۱۲۷ - مکی (حسین)؛ کتاب سیاه، ... ص ۱۴۹.
- ۱۲۸ - مکی (حسین)؛ کتاب سیاه، ج دوم، ص ۸۴.
- ۱۲۹ - از اسناد مرحوم مهندس کاظم حسینی.
- ۱۳۰ - روزنامه باخترامروز، س دوم؛ ۱۹ دی ۱۳۲۹.
- ۱۳۱ - مکی (حسین)؛ کتاب سیاه، ج دوم، ص ۱۵۰.
- ۱۳۲ - همانجا ص ۱۵۱.
- ۱۳۳ - مکی (حسین)؛ کتاب سیاه، ج دوم، ص ۱۵۲.
- ۱۳۴ - همانجا ص ۱۵۳. ۱۳۵ - همانجا ص ۱۵۴. ۱۳۶ - همانجا ص ۱۵۵.
- ۱۳۷ - از اسناد مرحمتی آقای دکتر علی مدرسی.
- ۱۳۸ - روزنامه شاهد؛ مورخه ۱ بهمن ۱۳۲۹.
- ۱۳۹ - مکی (حسین)؛ کتاب سیاه، ... ص ۱۵۶.
- ۱۴۰ - همانجا؛ ص ۱۵۷.
- ۱۴۱ - از اسناد مرحمتی آقای دکتر علی مدرسی.
- ۱۴۲ - از اسناد آقای دکتر سعید فاطمی.
- ۱۴۳ - روزنامه ستاره، ش ۳۶۵۳، ۱۱ بهمن ۱۳۲۹.
- ۱۴۴ - روزنامه باخترامروز، ش ۴۴۵؛ ۱۴ بهمن ۱۳۲۹.

- ۱۴۵ - روزنامه ستاره، ۳۶۵۶؛ ۱۵ بهمن ۱۳۲۹.
- ۱۴۶ - یادداشت‌های دکتر غنی؛ جلد نهم؛ ص ۶۳۱.
- ۱۴۷ - روزنامه باختر امروز؛ ش ۴۶۱؛ ۳ اسفند ۱۳۲۹.
- ۱۴۸ - اعرابی (حسین)؛ یادنامه مهندس حسینی؛ ص ۱۲۸.
- ۱۴۹ - روزنامه اطلاعات و باختر امروز ۱۳ و ۱۴ اسفند ۱۳۲۹.
- ۱۵۰ - از اسناد مرحوم مهندس کاظم حسینی.
- ۱۵۱ - ترکمان (محمد)؛ تشنجات، درگیری‌های خیابانی و توطئه‌ها در دوران حکومت دکتر محمد مصدق، دفتر اول، رسا، ۱۳۵۹، ص ۳۲.
- ۱۵۲ - آرشیو مجلس شورای ملی.
- ۱۵۳ - با تشکر از آقای کاوه بیات که عکس این نامه را در اختیار راقم قرار دادند.
- ۱۵۴ - امیر علائی (دکتر شمس‌الدین)؛ خاطرات من در یادداشت‌های پراکنده؛ دهخدا؛ ص ۱۹۶.
- ۱۵۵ - روزنامه فکر جوان، ش ۵۳۰، سال بیست و پنجم، ۲۰ فروردین ۱۳۳۰.
- ۱۵۶ - با تشکر و سپاس بی‌پایان از محقق ارجمند حضرت آیه‌الله سید محمدعلی روضائی که تعداد قابل توجهی از اسناد ارزشمند متعلق به کتابخانه شخصی و اسناد خانوادگی خود را با بلندنظری در اختیار راقم قرار دادند.
- ۱۵۷ - ترکمان (محمد)، تشنجات، درگیری‌های خیابانی و...، دفتر اول، ص ۴۵.
- ۱۵۸ - مجله خواندنیها، سال ۱۱، ش ۷۰ مورخه ۳ / اردی‌بهشت ۱۳۳۰.
- ۱۵۹ - تکراری سند ۱۴۸ است.
- ۱۶۰ - مکی (حسین)؛ کتاب سیاه؛ ج دوم؛ ص ۶۳۹.
- ۱۶۱ - اسناد نفت؛ از انتشارات دولت مصدق، ۱۳۳۰، انتشارات پویان، صص ۷۰ و ۷۱.
- ۱۶۲ - ترکمان (محمد)؛ تشنجات، درگیری‌های خیابانی و توطئه‌ها...، دفتر اول، ص ۸۳.
- ۱۶۳ - اسناد نفت، از انتشارات دولت مصدق،... صص ۷۳ و ۷۴.
- ۱۶۴ - روزنامه قانون؛ ش ۱۴؛ ۱۴ اردی‌بهشت ۱۳۳۰.
- ۱۶۵ - از اسناد آقای دکتر سعید فاطمی.
- ۱۶۶ - اسناد نفت، از انتشارات دولت مصدق،... ص ۲۷.
- ۱۶۷ - امیر علائی (دکتر شمس‌الدین).
- ۱۶۸ - اسناد نفت،... صص ۱۱۶ تا ۱۱۹.
- ۱۶۹ - همانجا؛ ص ۱۳۲.
- ۱۷۰ - همانجا؛ ص ۱۳۱.
- ۱۷۱ - روزنامه شاهد، ش ۴۱۱؛ ۲۸ خرداد ۱۳۳۰.
- ۱۷۲ - روزنامه صدای خراسان؛ ش ۷۴، سال دوم؛ ۱ تیر ۱۳۳۰.
- ۱۷۳ - همانجا.

- ۱۷۴ - به نقل از کتاب «کارنامه مصدق».
- ۱۷۵ - روزنامه سیاه و سفید؛ ش ۸؛ ۳ تیر ۱۳۳۰.
- ۱۷۶ - آرشیو مؤسسه پژوهش و... ش س.
- ۱۷۷ - اسناد نفت، از انتشارات دولت مصدق، ... صص ۱۷۲ تا ۱۷۴۷
- ۱۷۸ - راثین (اسمعیل)؛ اسرار خانه سدان؛ امیرکبیر، ص ۴۵.
- ۱۷۹ - از اسناد آیت‌الله سید محمدعلی روضاتی.
- ۱۸۰ - راثین (اسمعیل)، اسرار خانه سدان؛ صص ۱۲۴ تا ۱۴۰.
- ۱۸۱ - ترکمان (محمد)؛ تشنجات و درگیری‌های خیابانی...؛ دفتر اول؛ ص ۱۱۸.
- ۱۸۲ - روزنامه دوست ملت؛ ش ۵۶ س دوم.
- ۱۸۳ - از اسناد مرحمتی آقای دکتر علی مدرسی.
- ۱۸۴ - روزنامه دوست ملت؛ ش ۵۶ س دوم.
- ۱۸۵ - روزنامه باختر امروز؛ مورخه ۳۰ تیر ۱۳۳۰.
- ۱۸۶ - اسناد نفت، از انتشارات دولت مصدق، ... ص ۳۷۴
- ۱۸۷ - از اسناد مرحمتی آقای دکتر علی مدرسی.
- ۱۸۸ - از اسناد آیت‌الله سید محمدعلی روضاتی.
- ۱۸۹ - آرشیو مجلس شورای ملی.
- ۱۹۰ - همانجا.
- ۱۹۱ - از اسناد مرحمتی آقای دکتر علی مدرسی.
- ۱۹۲ - روزنامه قانون؛ ۱۶ شهریور ۱۳۳۰.
- ۱۹۳ - روزنامه شاهد؛ ش ۴۸۴؛ ۲۷ شهریور ۱۳۳۰.
- ۱۹۴ - از اسناد آیت‌الله سید محمدعلی روضاتی.
- ۱۹۵ - روزنامه «فکر جوان»؛ سال بیست و پنجم؛ ۹ مهر ۱۳۳۰.
- ۱۹۶ - روزنامه «مهد آزادی» سال اول؛ ش ۴۲؛ ۲۷ شهریور ۱۳۳۰.
- ۱۹۷ - از اسناد آیت‌الله روضاتی.
- ۱۹۸ - با تشکر و سپاس از آقای احمد انواری که مأخذ این نامه را در اختیار راقم قرار دادند (پرخاش؛ ش ۱۹، ۲۸ مرداد ۱۳۵۸).
- ۱۹۹ - آرشیو مجلس شورای ملی.
- ۲۰۰ - همانجا.
- ۲۰۱ - از اسناد آیت‌الله روضاتی.
- ۲۰۲ - همانجا.
- ۲۰۳ - روزنامه باختر امروز؛ مهر ۱۳۳۰.

- ۲۰۴ - از اسناد مرحوم مهندس حسینی.
- ۲۰۵ - روزنامه «مهد آزادی» ش ۱ (۴۴) س دوم؛ مورخه ۱۳ مهر ۱۳۳۰.
- ۲۰۶ - روزنامه باختر امروز؛ چهاردهم مهر ۱۳۳۰.
- ۲۰۷ - همانجا. ۲۰۸ - همانجا.
- ۲۰۹ - روزنامه «عرفان»؛ سال بیست و هشتم؛ ۲۲ مهر ۱۳۳۰.
- ۲۱۰ - با سپاس و تشکر از آقای ادیب برومند که عکس این نامه و تعدادی دیگر از دست‌خطهای دکتر مصدق را در اختیار راقم قرار دادند.
- ۲۱۱ - روزنامه اطلاعات؛ ششم آبان ۱۳۳۰.
- ۲۱۲ - همانجا؛ ۷ آبان ۱۳۳۰. ۲۱۳ - همانجا؛ ۲۱۴ - همانجا؛ ۱۶ آبان ۱۳۳۰.
- ۲۱۵ - با تشکر از آقای نورالدین کیا که عکس این نامه را در اختیار راقم قرار دادند.
- ۲۱۶ - از اسناد آیت الله چهار سوقی.
- ۲۱۷ - روزنامه اطلاعات؛ ۲ آذر ۱۳۳۰.
- ۲۱۸ - از اسناد آیت الله چهار سوقی.
- ۲۱۹ - روزنامه «عرفان»؛ ش ۳۲۳۲ مورخه ۵ آذر ۱۳۳۰.
- ۲۲۰ - تفضلی (محمود)؛ مصدق، نفت، کودتا؛... ص ۱۷۰.
- ۲۲۱ - نامه منادی اسلام؛ سال اول، شماره اول، ۱۲ دی ۱۳۳۰.
- ۲۲۲ - روزنامه «مهد آزادی»؛ سال دوم، ش ۵ (۴۸)؛ ۱۰ آذر ۱۳۳۰.
- ۲۲۳ - روزنامه «عرفان»؛ ش ۳۲۳۴، ۱ آذر ۱۳۳۰.
- ۲۲۴ - همانجا.
- ۲۲۵ - با تشکر از آقای شمس‌الدین عالمی که عکس این نامه را در اختیار راقم قرار دادند.
- ۲۲۶ - روزنامه «شاهد»؛ ش ۵۴۴؛ سی دوم، ۱۴ آذر ۱۳۳۰.
- ۲۲۷ - روزنامه «عرفان»؛ ش ۳۲۳۶، ۱۸ آذر ۱۳۳۰.
- ۲۲۸ - شیفته (دکتر نصرالله)؛ زندگی نامه و مبارزات سیاسی دکتر حسین فاطمی؛ ص ۲۱۳.
- ۲۲۹ - روزنامه اطلاعات؛ ۳۰ آذر ۱۳۳۰.
- ۲۳۰ - با تشکر از آقای دکتر محمد کاظم مدرس تهرانی که قبول زحمت کرده و متن این نامه و یک نامه دیگر از دکتر محمد مصدق به مرحوم والد متقی و معزز خود را برای راقم تلفنی قرائت فرمودند.
- ۲۳۱ - روزنامه اطلاعات، ۱۹ آبان ۱۳۴۳.
- ۲۳۲ - روزنامه مهد آزادی؛ س دوم، ش ۵ (۴۸).
- ۲۳۳ - روزنامه «فکر جوان»؛ ش ۵۵۱، سال بیست و پنجم، اول بهمن ۱۳۲۰.
- ۲۳۴ - روزنامه مهد آزادی؛ س دوم، ش ۵ (۴۸)؛ ۱۰ آذر ۱۳۳۰.

- ۲۳۵ - همانجا.
- ۲۳۶ - روزنامه «عرفان»؛ ش ۳۲۵۱، ۴ بهمن ۱۳۳۰.
- ۲۳۷ - روزنامه «اطلاعات»؛ ش ۷۷۲۷؛ ۷ بهمن ۱۳۳۰.
- ۲۳۸ - روزنامه «فکر جوان»؛ ش ۵۵۲، سال بیست و پنجم، ۱۵ بهمن ۱۳۲۰.
- ۲۳۹ - آرشیو اسناد مجلس شورای ملی.
- ۲۴۰ - از اسناد آقای دکتر محمد کاظم مدرس تهرانی.
- ۲۴۱ - روزنامه «باختر امروز»؛ ۱۱ اسفند ۱۳۳۰.
- ۲۴۲ - روزنامه «شاهد»؛ س سوم؛ ش ۶۱۵؛ ۱۰ اسفند ۱۳۳۰.
- ۲۴۳ - از اسناد مرحوم مهندس حسینی.
- ۲۴۴ - همانجا.
- ۲۴۵ - روزنامه «عرفان»؛ ش ۳۲۶۴، ۱ فروردین ۱۳۳۱.
- ۲۴۶ - اسناد مجلس شورای ملی.
- ۲۴۷ - روزنامه «کمالی»؛ ش ۳۲۶؛ مورخه ۱۱/۲/۱۳۳۱.
- ۲۴۸ - از اسناد مرحوم مهندس حسینی.
- ۲۴۹ - روزنامه «عرفان»؛ ش ۴۲۷۷؛ ۵ خرداد ۱۳۳۱.
- ۲۵۰ - پندار، شماره ۳ تیرماه ۱۳۳۱.
- ۲۵۱ - منادی اسلام، سی اول ش ۲۱ مورخه ۱۲ تیر ۱۳۳۱.
- ۲۵۲ - از اسناد آیت الله روضاتی.
- ۲۵۳ - روزنامه «عرفان»، س ۳۲۸۶؛ ۱۲ تیر ۱۳۳۱.
- ۲۵۴ - آرشیو اسناد مجلس شورای ملی.
- ۲۵۵ - ترکمان (محمد)؛ نقدی بر مصدق و نبرد قدرت «به انضمام» اسنادی درباره رابطه علما با دکتر مصدق؛ رسا، ۱۳۷۱، ص ۵۱ و ۵۲.
- ۲۵۶ - از اسناد آیت الله روضاتی.
- ۲۵۷ - کمال «سپهبد»؛ گوشه‌ای از خاطرات؛ ص ۱۱۵.
- ۲۵۸ - روزنامه «اتحاد ملی»، ش ۲۸۲، سال نهم، ۱۷ شهریور ۱۳۳۲.
- ۲۵۹ - روزنامه «فکر جوان»، ش ۵۶۶؛ ۴ شهریور ۱۳۳۱.
- ۲۶۰ - روزنامه «اطلاعات»؛ ش ۷۸۶۴؛ ۴ مرداد ۱۳۳۱.
- ۲۶۱ - از اسناد آیت الله روضاتی.
- ۲۶۲ - روحانیت و نهضت ملی شدن صنعت نفت، بکوشش، گروهی از هواداران نهضت اسلامی ایران در اروپا، بی جا، بی تا، ص ۹۷. چاپ دیگری از این کتاب توسط انتشارات «دارالفکر» قم، تاریخ ۱۳۵۸ نیز در دست است.

- ۲۶۳ - از اسناد آیت الله روضاتی.
- ۲۶۴ - تحریف تاریخ؛ به کوشش گروهی از دانشجویان ایرانی مقیم آلمان؛ ص ۱۳۸.
- ۲۶۵ - روزنامه «عرفان»؛ ش ۳۲۹۸؛ ۲ شهریور ۱۳۳۱.
- ۲۶۶ - روزنامه «فکر جوان»؛ ش ۵۶۸، سال ۲۶؛ ۱۵ مهر ۱۳۳۱.
- ۲۶۷ - افراسیابی (بهرام)؛ مصدق و تاریخ، ص ۴۰۲.
- ۲۶۸ - روزنامه «کیهان»؛ ش ۲۸۵۴؛ ۲۸ آبان ۱۳۳۱.
- ۲۶۹ - با تشکر از آقای مسعود کوهستانی نژاد که متن استنساخ شده این نامه را از روزنامه باختار امروز ۲۰ آبان ۱۳۳۱ در اختیار راقم قرار دادند.
- ۲۷۰ - آرشیو سازمان اسناد ملی ایران؛ آلبوم ۱۸۲ ردیف ۳۴۵۹.
- ۲۷۱ - آرشیو سازمان اسناد ملی ایران؛ آلبوم ۱۸۲ ردیف ۳۴۵۹.
- ۲۷۲ - آرشیو سازمان اسناد ملی ایران.
- ۲۷۳ - امیرعلائی (دکتر شمس‌الدین)؛ مجاهدان و شهیدان راه آزادی؛ ۱۳۵۷؛ دهخدا، ص ۴۳۴.
- ۲۷۴ - روزنامه «اطلاعات»؛ ۱۵ دی ۱۳۳۱.
- ۲۷۵ - همانجا؛ ۱۶ دی ۱۳۳۱.
- ۲۷۶ - اطلاعات؛ ۳۰ دی ۱۳۳۱.
- ۲۷۷ - آرشیو مجلس شورای ملی.
- ۲۷۸ - روزنامه اطلاعات؛ ۱۹ بهمن ۱۳۳۱.
- ۲۷۹ - روزنامه «اطلاعات»؛ ش ۸۰۳۰؛ ۲۹ بهمن ۱۳۳۱.
- ۲۸۰ - همانجا. ۲۸۱ - همانجا.
- ۲۸۲ - روزنامه «ستاره»؛ ش ۳۹۳۰؛ ۲۰ شهریور ۱۳۳۲.
- ۲۸۳ - آرشیو مجلس شورای ملی.
- ۲۸۴ - همانجا.
- ۲۸۵ - روزنامه «سیاه و سفید»؛ ش ۵۱ س دوم، ۲۶ فروردین ۱۳۳۲.
- ۲۸۶ - آرشیو مجلس شورای ملی.
- ۲۸۷ - روزنامه «عرفان»؛ ش ۲۳۵۴؛ ۲۷ فروردین ۱۳۳۲.
- ۲۸۸ - آرشیو مجلس شورای ملی.
- ۲۸۹ - ترکمان (محمد)؛ اسنادی پیرامون توطئه ربودن و قتل سرلشکر افشارطوس رئیس شهربانی حکومت ملی؛ انتشارات رسا، ص ۲۰۳.
- ۲۹۰ - آرشیو اسناد مجلس شورای ملی.
- ۲۹۱ - روزنامه «کیهان»؛ ش ۲۹۹۵؛ ۲۷/اردی‌بهشت ۱۳۳۲.
- ۲۹۲ - آرشیو اسناد مجلس شورای ملی.

- ۲۹۳ - روزنامه «کیهان»؛ ش ۱۶؛ ۳۰؛ ۲۴ خرداد ۱۳۳۲.
- ۲۹۴ - همانجا؛ ۲۵ خرداد ۱۳۳۲. ۲۹۵ - همانجا؛ ۱ تیر ۱۳۳۲.
- ۲۹۶ - همانجا؛ ۳ تیر ۱۳۳۲. ۲۹۷ - همانجا؛ ۸ تیر ۱۳۳۲.
- ۲۹۸ - امیرعلائی (دکتر شمس‌الدین)؛
- ۲۹۹ - روزنامه «مهدآزادی»؛ ش ۳۳؛ ۱۶ تیر ۱۳۳۲.
- ۳۰۰ - روزنامه «کیهان»؛ ش ۳۸، ۳۰؛ ۲۰ تیر ۱۳۳۲.
- ۳۰۱ - آرشیو سازمان اسناد ملی ایران.
- ۳۰۲ - همانجا.
- ۳۰۳ - روزنامه «دوست ملت»؛ ش ۱۵۱؛ سی‌چهارم.
- ۳۰۴ - همانجا. ۳۰۵ - همانجا.
- ۳۰۶ - از اسناد مرحوم مهندس حسینی.
- ۳۰۷ - خاطرات سیف پورفاطمی.
- ۳۰۸ - همانجا.
- ۳۰۹ - ترکمان (محمد)؛ نقدی بر مصدق و... به انضمام اسنادی دربارهٔ رابطهٔ علما با دکتر مصدق،... صص ۶۳ و ۶۴.
- ۳۱۰ - آرشیو سازمان اسناد ملی ایران.
- ۳۱۱ - روزنامه ستاره؛ ش ۴۰۰۵؛ ۲۴ آذر ۱۳۳۲.
- ۳۱۲ - آرشیو سازمان اسناد ملی ایران.
- ۳۱۳ - روزنامه «آژنگ»؛ مرداد ۱۳۳۳.
- ۳۱۴ - به نقل از اسناد پرونده دکتر محمد مصدق و کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲.
- ۳۱۵ - ترکمان محمد (دهنوی)؛ چند سند منتشر نشده از دکتر مصدق؛ ۱۳۵۹؛ ص ۱۶.
- ۳۱۶ - آرشیو سازمان اسناد ملی.
- ۳۱۷ - با تشکر از آقای سهیلعلی مددی که عکس این تلگراف را در اختیار راقم قرار دادند.
- ۳۱۸ - ترکمان - محمد (دهنوی)؛ مجموعه‌ای از مکتوبات و پیامهای آیت‌الله کاشانی، ج سوم.
- ۳۱۹ - ترکمان (محمد)؛ چند سند منتشر نشده از دکتر مصدق؛ ص ۱۷.
- ۳۲۰ - همانجا؛ ص ۱۹.
- ۳۲۱ - به نقل از اسناد پرونده دکتر مصدق و کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲.
- ۳۲۲ - ترکمان - محمد (دهنوی)؛ چند سند منتشر نشده... ص ۲۱ و ۲۲.
- ۳۲۳ - به نقل از اسناد پرونده دکتر مصدق و کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲.
- ۳۲۴ - ترکمان - محمد...؛ چند سند منتشر نشده... صص ۲۵ تا ۲۷.
- ۳۲۵ - همانجا؛ ص ۳۰.

- ۳۲۶ - مکاتبات مصدق، جلد ۱۰ (پاریس، انتشارات مصدق، ۱۳۴۵)، ص ۹۵.
- ۳۲۷ - همانجا؛ ص ۹۶.
- ۳۲۸ - همانجا؛ ص ۹۷.
- ۳۲۹ - خاطرات و تألمات مصدق؛ به کوشش ایرج افشار، انتشارات علمی، صص ۲۹۹ و ۳۰۰.
- ۳۳۰ - همانجا؛ صص ۳۰۰ و ۳۰۱.
- ۳۳۱ - همانجا؛ صص ۳۰۲ و ۳۰۳.
- ۳۳۲ - همانجا؛ صص ۳۰۴ تا ۳۰۶.
- ۳۳۳ - همانجا؛ صص ۳۰۷ تا ۳۱۲.
- ۳۳۴ - همانجا؛ صص ۳۱۲ تا ۳۱۴.
- ۳۳۵ - همانجا؛ صص ۳۱۴ تا ۳۱۷.
- ۳۳۶ - همانجا؛ صص ۳۱۹ تا ۳۲۰.
- ۳۳۷ - همانجا؛ صص ۳۲۰ تا ۳۲۳.
- ۳۳۸ - همانجا؛ صص ۳۲۳.
- ۳۳۹ - همانجا؛ صص ۳۲۴.
- ۳۴۰ - همانجا؛ صص ۳۲۵.
- ۳۴۱ - همانجا؛ صص ۳۲۶ و ۳۲۷.
- ۳۴۲ - همانجا؛ صص ۳۲۳ و ۳۲۸.
- ۳۴۳ - همانجا؛ صص ۳۳۰ و ۳۳۲.
- ۳۴۴ - از اسناد مرحوم شیخ باقرنهادی.
- ۳۴۵ - با سپاس و تشکر از آقای مهندس نظام‌الدین‌موحّد که بدرخواست این بنده با آقای مهندس جانگیرحق‌شناس ملاقات و برای چاپ در این مجموعه از ۹ فقره‌نامه‌های دکتر مصدق به آقای مهندس حق‌شناس عکس تهیه و در اختیار راقم قرار دادند.
- ۳۴۶ - از اسناد آقای مهندس جهانگیر حق‌شناس.
- ۳۴۷ - با تشکر از آقای علی‌مراد فراشبندی که عکس این نامه را در اختیار راقم قرار دادند.
- ۳۴۸ - با تشکر از آقای سرهنگ کیومرث راستین که با روئی گشاده و سعه صدر اسناد خانوادگی خود را در اختیار راقم قرار دادند. از این پس از اسنادی که توسط ایشان در اختیار راقم قرار گرفته است بعنوان اسناد سرهنگ راستین نام خواهیم برد.
- ۳۴۹ - از اسناد سرهنگ راستین.
- ۳۵۰ - از اسناد آقای دکتر محمود مصدق.
- ۳۵۱ - آرشیو اسناد مؤسسه پژوهش و...، ش س ۶۰۸۰۳/۲-۴۱-۱۱۸.
- ۳۵۲ - از اسناد سرهنگ راستین.
- ۳۵۳ - همانجا.
- ۳۵۴ - با تشکر از آقای داریوش فروهر و خانم پروانه اسکندری که عکس تعدادی از نامه‌های دکتر مصدق به خود را در اختیار راقم قرار دادند.
- ۳۵۵ - از اسناد سرهنگ راستین.
- ۳۵۶ - همانجا.
- ۳۵۷ - همانجا.
- ۳۵۸ - همانجا.
- ۳۵۹ - همانجا.
- ۳۶۰ - همانجا.
- ۳۶۱ - از اسناد آقای مهندس حق‌شناس.
- ۳۶۲ - از اسناد سرهنگ راستین.

- ۳۶۳ - از اسناد دکتر محمود مصدق.
- ۳۶۴ - از اسناد سرهنگ راستین.
- ۳۶۵ - همانجا. ۳۶۶ - همانجا. ۳۶۷ - همانجا. ۳۶۸ - همانجا.
- ۳۶۹ - همانجا. ۳۷۰ - همانجا.
- ۳۷۱ - «مکتوبات مصدق»؛ ج ۱۰؛ انتشارات مصدق، ... ص ۹۸.
- ۳۷۲ - از اسناد سرهنگ راستین.
- ۳۷۳ - از اسناد آقای دکتر سعید فاطمی.
- ۳۷۴ - همانجا.
- ۳۷۵ - از اسناد مهندس جهانگیر حق‌شناس.
- ۳۷۶ - از اسناد دکتر سعید فاطمی.
- ۳۷۷ - همانجا.
- ۳۷۸ - با تشکر از آقای دکتر ابراهیم یزدی که عکس این نامه و چند مکتوب دیگر را در اختیار راقم قرار دادند.
- ۳۷۹ - از اسناد سرهنگ راستین.
- ۳۸۰ - اسناد نهضت آزادی ایران، ج اول قسمت دوم، از انتشارات نهضت آزادی ایران (خارج از کشور) ص ۱.
- ۳۸۱ - مکتوبات دکتر مصدق؛ ج ۱۰، انتشارات مصدق، ص ۹۸.
- ۳۸۲ - همانجا؛ ص ۹۹.
- ۳۸۳ - از اسناد دکتر سعید فاطمی.
- ۳۸۴ - کاتوزیان (دکتر محمدعلی)؛ خاطرات سیاسی خلیل ملکی؛ شرکت انتشار؛ ۱۳۶۸، ص ۴۳۰.
- ۳۸۵ - همانجا؛ ص ۴۵۸.
- ۳۸۶ - مکتوبات دکتر مصدق؛ ج ۱۰، ص.
- ۳۸۷ - با تشکر از آقای سیدهادی خسروشاهی که عکس این سند را در اختیار راقم قرار دادند.
- ۳۸۸ - روزنامه باخترا امروز (خارج از کشور)، ش ۲۴؛ ۱۵ اسفند ۱۳۴۰.
- ۳۸۹ - از اسناد سرهنگ راستین.
- ۳۹۰ - اولین کنگره حزب مردم ایران؛ فروردین ماه ۱۳۴۱؛ ص ۵.
- ۳۹۱ - با تشکر از آقای دکتر فرهاد عطائی که عکس این نامه را در اختیار گردآورنده قرار دادند.
- ۳۹۲ - از اسناد دکتر سعید فاطمی.
- ۳۹۳ - از اسناد دکتر ابراهیم یزدی.
- ۳۹۴ - از اسناد آقای داریوش فروهر.

- ۳۹۵ - همانجا.
- ۳۹۶ - مکتوبات دکتر مصدق، ج ۱۰؛ ... ص ۱۰۰.
- ۳۹۷ - از اسناد مهندس جهانگیر حق‌شناس.
- ۳۹۸ - مکتوبات دکتر مصدق، ج ۱۰؛ ... ص ۱۰۱.
- ۳۹۹ - با تشکر از آقای سیدهادی خسروشاهی که عکس این سند را در اختیار راقم قرار دادند.
- ۴۰۰ - اولین کنگره حزب مردم ایران؛ فروردین ماه ۱۳۴۱؛ ص ۲۴.
- ۴۰۱ - کاتوزیان (دکتر محمدعلی)؛ خاطرات سیاسی خلیل ملکی؛ ... ص ۴۶۰.
- ۴۰۲ - از اسناد سرهنگ راستین.
- ۴۰۳ - از اسناد مهندس حق‌شناس.
- ۴۰۴ - روزنامه باخترامروز (خارج از کشور).
- ۴۰۵ - با تشکر از آقای شیخ مصطفی رهنما که عکس این سند را در اختیار راقم قرار دادند.
- ۴۰۶ - مکتوبات دکتر مصدق، ج ۱۰؛ ... ص ۱۰۳.
- ۴۰۷ - همانجا؛ ص ۱۰۵. ۴۰۸ - همانجا؛ ص ۱۰۶.
- ۴۰۹ - تفضلی (محمود)؛ مصدق، نفت، کودتا، امیرکبیر، ۱۳۵۸؛ ص ۹.
- ۴۱۰ - روزنامه باخترامروز (خارج از کشور).
- ۴۱۱ - مکتوبات دکتر مصدق، ج دهم؛ ... ص ۱۰۵.
- ۴۱۲ - همانجا؛ ص ۱۰۷.
- ۴۱۳ - از اسناد آقای ادیب برومند.
- ۴۱۴ - از اسناد سرهنگ راستین.
- ۴۱۵ - مکتوبات دکتر مصدق، ج دهم؛ ... صص ۱-۳.
- ۴۱۶ - از اسناد دکتر سعید فاطمی.
- ۴۱۷ - همانجا.
- ۴۱۸ - از اسناد آقای داریوش فروهر.
- ۴۱۹ - از اسناد سرهنگ راستین.
- ۴۲۰ - از اسناد دکتر ابراهیم یزدی.
- ۴۲۱ - از اسناد آقای داریوش فروهر.
- ۴۲۲ - همانجا.
- ۴۲۳ - مکتوبات دکتر مصدق، ج دهم؛ ص ۴.
- ۴۲۴ - آرشیو اسناد موسسه پژوهش و ...
- ۴۲۵ - از اسناد سرهنگ راستین.
- ۴۲۶ - مکتوبات دکتر مصدق، ج دهم؛ ص ۱۸۹.

- ۴۲۷ - امیرعلائی (دکتر شمس‌الدین)؛ خلع ید از شرکت نفت انگلیس و ایران، دهخدا، ۱۳۵۸، صفحه پشت جلد.
- ۴۲۸ - مکتوبات دکتر مصدق، ج دهم؛ ص ۱۹۰.
- ۴۲۹ - همانجا؛ ص ۱۹۱.
- ۴۳۰ - همانجا؛ صص ۵ و ۶.
- ۴۳۱ - از اسناد دکتر محمود مصدق.
- ۴۳۲ - با تشکر از آقای ناصرکمیلیان که بدر خواست راقم عکس این نامه را از مرحوم حسین گلزار برای درج در این مجموعه دریافت داشتند.
- ۴۳۳ - از اسناد سرهنگ راستین.
- ۴۳۴ - مکتوبات دکتر مصدق، ج دهم؛ ص ۷.
- ۴۳۵ - همانجا؛ ص ۸.
- ۴۳۶ - از اسناد آقای داریوش فروهر.
- ۴۳۷ - مکتوبات دکتر مصدق، ج دهم؛ ص ۹.
- ۴۳۸ - همانجا؛ صص ۱۰ تا ۱۳.
- ۴۳۹ - از اسناد آقای ادیب برومند.
- ۴۴۰ - از اسناد آقای داریوش فروهر.
- ۴۴۱ - مکتوبات دکتر مصدق، جلد دهم؛ صص ۱۵ تا ۱۹.
- ۴۴۲ - از اسناد مرحمتی آقای سیدهادی خسروشاهی.
- ۴۴۳ - مکتوبات دکتر مصدق، جلد دهم؛ ص ۳۶.
- ۴۴۴ - همانجا؛ صص ۳۷ تا ۴۲.
- ۴۴۵ - با سپاس و تشکر از جناب آقای علی اردلان که عکس این سند را در اختیار نگارنده قرار دادند.
- ۴۴۶ - مکتوبات دکتر مصدق، جلد دهم؛ ص ۵۰.
- ۴۴۷ - همانجا؛ ص ۸۶.
- ۴۴۸ - همانجا؛ ص ۶۴.
- ۴۴۹ - همانجا؛ ص ۶۵.
- ۴۵۰ - از اسناد مرحمتی آقای سیدهادی خسروشاهی.
- ۴۵۱ - مکتوبات دکتر مصدق، جلد دهم؛ ص ۶۹ تا ۷۳.
- ۴۵۲ - همانجا؛ ص ۶۶.
- ۴۵۳ - همانجا؛ ص ۶۷.
- ۴۵۴ - با استفاده از سند مندرج در بیانیه حزب ملت ایران بمناسبت ۲۹ خرداد ۱۳۷۴.
- ۴۵۵ - از اسناد سرهنگ راستین.
- ۴۵۶ - همانجا.
- ۴۵۷ - مکتوبات دکتر مصدق، جلد دهم؛ صص ۷۴ تا ۷۶.
- ۴۵۸ - با تشکر از آقای عینکچی که عکس این نامه را در اختیار قرار دادند.
- ۴۵۹ - مکتوبات دکتر مصدق، جلد دهم؛ صص ۷۷ تا ۷۹.
- ۴۶۰ - همانجا؛ صص ۱۱۰ و ۱۱۱.

- ۴۶۱ - سند مرحمتی آقای شیخ مصطفی رهنما.
- ۴۶۲ - با تشکر از آقای کاوه بیات.
- ۴۶۳ - ... تصاویر دکتر مصدق.
- ۴۶۴ - مکتوبات دکتر مصدق، جلد دهم؛ ... صص ۸۹ تا ۹۱.
- ۴۶۵ - از اسناد مهندس جهانگیر حق شناس.
- ۴۶۶ - مکتوبات دکتر مصدق، جلد دهم؛ ... ص ۱۹۲.
- ۴۶۷ - از اسناد آقای داریوش فروهر.
- ۴۶۸ - مکتوبات دکتر مصدق، جلد دهم؛ ص ۸۲.
- ۴۶۹ - همانجا؛ ص ۱۹۳.
- ۴۷۰ - از اسناد سرهنگ راستین.
- ۴۷۱ - همانجا.
- ۴۷۲ - مکتوبات دکتر مصدق، جلد دهم؛ ص ۹۲.
- ۴۷۳ - از اسناد مهندس جهانگیر حق شناس.
- ۴۷۴ - تصاویر دکتر مصدق.
- ۴۷۵ - مکتوبات دکتر مصدق، ج دهم، ص ۱۷۸.
- ۴۷۶ - با تشکر از آقای احمد انواری که راقم را از مأخذ این سند مطلع فرمودند (روزنامه پرخاش، ش ۱۱؛ ۳۰ خرداد ۱۳۵۸)
- ۴۷۷ - از اسناد آقای ادیب برومند.
- ۴۷۸ - مکتوبات دکتر مصدق، ج دهم؛ صص ۱۱۳ و ۱۱۴.
- ۴۷۹ - همانجا؛ ص ۱۱۵.
- ۴۸۰ - فیروز (مریم)؛ چهره‌های درخشان. با تشکر از آقای دکتر باقر عاقلی که راقم را از وجود این سند مطلع و با سپاس از آقای کاوه بیات که بدرخواست راقم متن آن را تلفنی قرائت فرمودند.
- ۴۸۱ - مجله نگین؛ سی‌ام آبان ۱۳۵۷، ش ۱۶۲ سی چهاردهم.
- ۴۸۲ - با تشکر از آقای مهندس وحید میرزاده که متن کامل نامه را در اختیار راقم قرار دادند.
- ۴۸۳ - مکتوبات دکتر مصدق، ج دهم؛ صص ۱۲۰ و ۱۲۱.
- ۴۸۴ - از اسناد آقای ادیب برومند.
- ۴۸۵ - از اسناد دکتر سعید فاطمی.
- ۴۸۶ - از اسناد مرحمتی آقای شیخ مصطفی رهنما.
- ۴۸۷ - از اسناد سرهنگ راستین.
- ۴۸۸ - ترکمان (محمد)؛ آیا مصدق فراماسون بود؟؛ انتشارات ابوذر، ۱۳۵۸؛ ص ۴۹ به نقل از: مجله راهمای کتاب، ش ۸-۱۲ - آبان - اسفند ۱۳۵۷؛ سال بیست و یکم، ص ۵۸۰ مکرر.

- ۴۸۹ - از اسناد سرهنگ راستین.
- ۴۹۰ - از اسناد مهندس حق شناس.
- ۴۹۱ - از اسناد دکتر سعید فاطمی.
- ۴۹۲ - مکتوبات دکتر مصدق، ج دهم.
- ۴۹۳ - تصاویر دکتر مصدق.
- ۴۹۴ - از اسناد سرهنگ راستین.
- ۴۹۵ - همانجا. ۴۹۶ - همانجا.
- ۴۹۷ - از اسناد آقای داریوش فروهر.
- ۴۹۸ - از اسناد مرحوم مهندس حسینی.
- ۴۹۹ - مرحمتی آقای سیدهادی خسروشاهی.
- ۵۰۰ - از اسناد آقای داریوش فروهر.
- ۵۰۱ - همانجا.
- ۵۰۲ - از اسناد مرحمتی آقای احمد انواری.
- ۵۰۳ - از اسناد آقای داریوش فروهر.
- ۵۰۴ - از اسناد آقای ادیب برومند.
- ۵۰۵ - مکتوبات دکتر مصدق، ج دهم.
- ۵۰۶ - از اسناد مرحوم مهندس حسینی.
- ۵۰۷ - افشار (ایرج)؛ مصدق و مسائل حقوق و سیاست، انتشارات زمینه، ۱۳۵۸، ص ۱۳۸.
- ۵۰۸ - آرشیو اسناد مؤسسه پژوهش و نامه‌های بدون تاریخ... ش س ۸۳۰ - ۲۹۳.
- ۵۰۹ - روزنامه ایران؛ ش ۱۵۷.
- ۵۱۰ - یادداشتهای دکتر قاسم غنی؛ ج ، صص ۴۹۶ و ۴۹۷.
- ۵۱۱ - روزنامه ایران؛ ش ۱۵۷.
- ۵۱۲ - از اسناد مرحمتی آقای دکتر علی مدرسی.
- ۵۱۳ - همانجا.
- ۵۱۴ - همانجا. ۵۱۵ - همانجا.
- ۵۱۶ - از اسناد مرحوم مهندس حسینی.
- ۵۱۷ - همانجا.
- ۵۱۸ - آرشیو مجلس شورای ملی.
- ۵۱۹ - همانجا. ۵۲۰ - همانجا (این سند مربوط به دوره پنجم تقنینیه است).
- ۵۲۱ - از اسناد مرحمتی آقای دکتر علی مدرسی.
- ۵۲۲ - از اسناد سرهنگ راستین.

- | | | | |
|---------------|---------------|---------------|---------------|
| ۵۲۳ - همانجا. | ۵۲۴ - همانجا. | ۵۲۵ - همانجا. | ۵۲۶ - همانجا. |
| ۵۲۷ - همانجا. | ۵۲۸ - همانجا. | ۵۲۹ - همانجا. | ۵۳۰ - همانجا. |
| ۵۳۱ - همانجا. | ۵۳۲ - همانجا. | ۵۳۳ - همانجا. | ۵۳۴ - همانجا. |
| ۵۳۵ - همانجا. | ۵۳۶ - همانجا. | ۵۳۷ - همانجا. | ۵۳۸ - همانجا. |
| ۵۳۹ - همانجا. | ۵۴۰ - همانجا. | ۵۳۲ - همانجا. | ۵۴۱ - همانجا. |
| ۵۴۲ - همانجا. | ۵۴۳ - همانجا. | ۵۴۴ - همانجا. | ۵۴۴ - همانجا. |
| ۵۴۵ - همانجا. | ۵۴۶ - همانجا. | | |
- ۵۴۷ - روزنامه گیلان شرق، شماره ۹.
- ۵۴۸ - مکتوبات دکتر مصدق، ج دهم؛ ص ۱۰۸.
- ۵۴۹ - از اسناد آقای داریوش فروهر.
- ۵۵۰ - مجموعه مقالات دکتر سیدحسین فاطمی در باخترامروز؛ انتشارات مدرس؛ استقلال، ۱۳۵۷.
- ۵۵۱ - از اسناد سرهنگ راستین.

۲۵
شماره یک - دفتر
مرور راه ۱۳۳۲
شرط
ارتش به سر

دستخط دکتر مصدق پس از
دریافت دستخط شاه در شب
کودتای انگلیسی - امریکایی و
ارتجاعی ۲۵ مرداد ۳۲



نخست وزیر

تاریخ ۲۵/۵/۳۲

شماره ۱۷۲۰۵

پیوست

ستاد ارتش

مقتضی است با صوابین مربوط اکیدا به ستاد ارتش اعلام نماید
مرافقت را بعمل آورند که از فرار سرلشکر زاهدی جلوگیری
نموده و به تلافی تسامح در این باب بعمل آید و موجب
مسئولیت نشود و خواهشمند بود که نخست وزیر

دکتر مصدق

نامه دکتر مصدق به ستاد ارتش در جلوگیری از فرار زاهدی

اترک‌آباد ۲۵ اردیبهشت ۱۳۴۰

حضرت خانبه‌آمان فدیسی هندی از بزرگان

قوات شرف مرقد حضرت سید مرتضی
 حقیقی‌نایب «اصول آزادی ایران» غرض اول ذرا
 در بخت نجات آن رنجور قوی گریه تبرکات مهیا
 تقدیم بکفیم و برادر بدارم این جهت تحت رهبری
 مریض کدورت نرسد نیت بکفایت خواهد شد و در
 دهگانان تهران را در این راه از خداوند تعالی
 در کمالات را بجز

احکامار ۱۱ آراء ۱۳۴۲

غرضی شمر رفته نموده غرضی از راه
 نهاده آن گاه در یکباره که کار سازان
 بسیار می‌باشند و هر یک از آنها که خواهد بود
 نهاده و این است از آنکه خود می‌باشد
 بسیار است و غرضی از آنکه در گذشته
 نهاده و این است از آنکه در گذشته
 نهاده و این است از آنکه در گذشته

احزابار ۲ آبان ۱۳۴۴

جناب آقای عبدالحی بازرگان
کتاب «آزادی و نظم» به رسم یارگان را آنرا انضام نموده در برای نشر آریل فرستاده
شرف قبول دارد از کتب تألیف خواننده ام خلاصه
کتاب نموده به رسم آن را تمام کنم و بدان یارگان را به رسم
بسیار ستانده ایم الحسین بسیار خوب است به رسم
میرانند بدان بکری بسیار است آری از نظر دیگر
رسیده به نشر به رسم از آریل خلاصه به رسم
نمانده نشر به رسم به رسم به رسم به رسم
لکری که خواهم نمود و ارادت تصانیف را به رسم
تقدیم نشر الحسین به رسم به رسم به رسم
و حدت اگر لری را بکفر فرموده اند و در آن
مرد و طهرت و حسن و دارشان را به رسم
و در آن شکوات خود را تقدیم نکنم به رسم به رسم
و در آن

رضیت نامہ ہی دکتر محمد مصدق

۱۲۰۰

- (۱) حصت یکنم فقط فرزندان و غرض آن بزرگم از جاره‌ی من شش کنه در ادرم شد امی بر فرزند
(۲) بدون سنده سی یا رسته بجز درضا خود کج مدین نیم
(۳) نظر بیکه طبق نهاد رسمیت شد در دفترشاد شیر ۳۹ طران خان چال رخا به استغلا
خو بخشید ام پس از مرگ شکیان جانب دارد در طرح زیر

42159

1329-1329

FRIDAY

سنة ١٣٢٩

PRISA

1559 1559

۳۲۱۵۹

1249-244

52164

۱۳۲۹ - ۱۳۲۸

ان صورت سردار

لاریانہ

قوله في هذا

قطرہ رشی در ۱۶

اسماء صبریہ

١٠٠

۲۹

۱۳۰۰

۱۳۳۸

٥٢٥

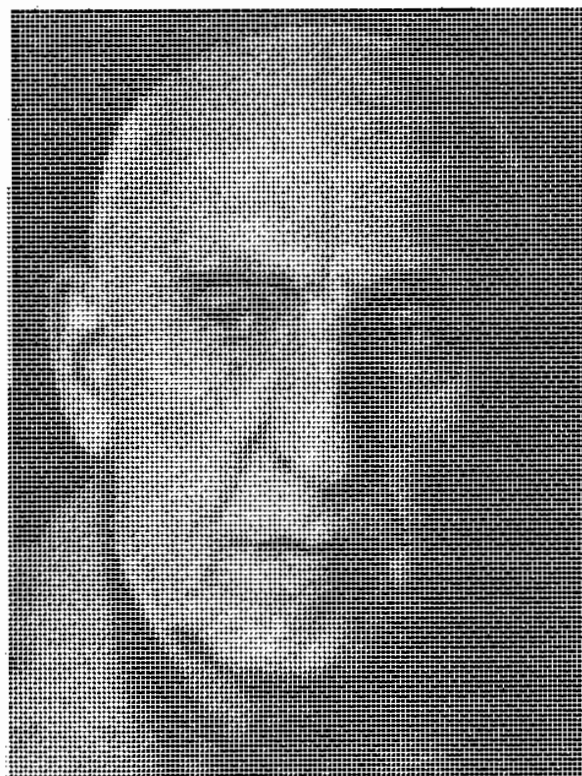
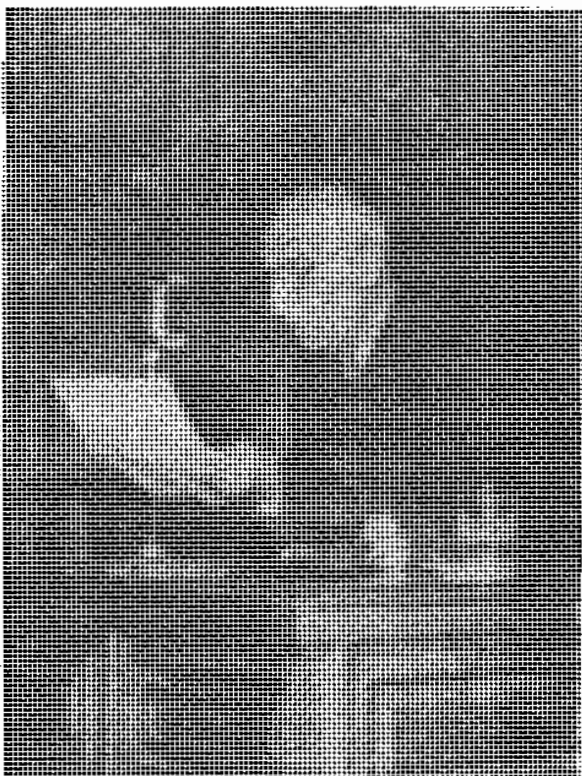
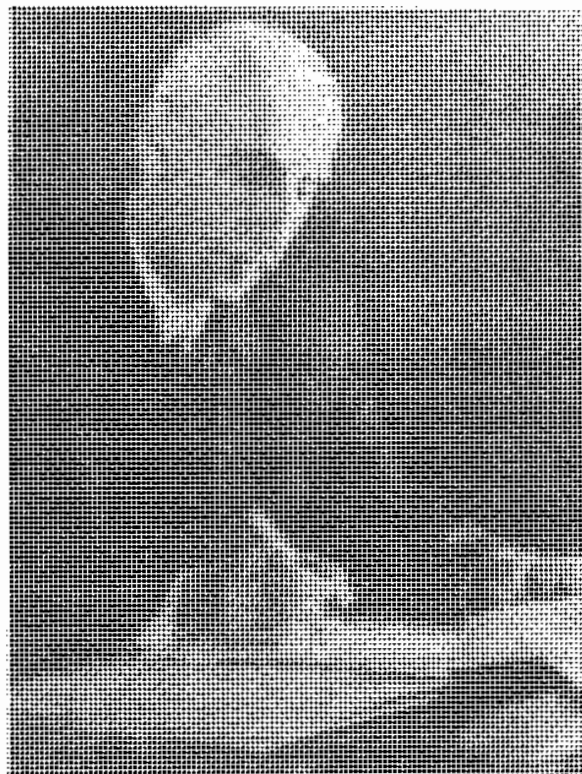
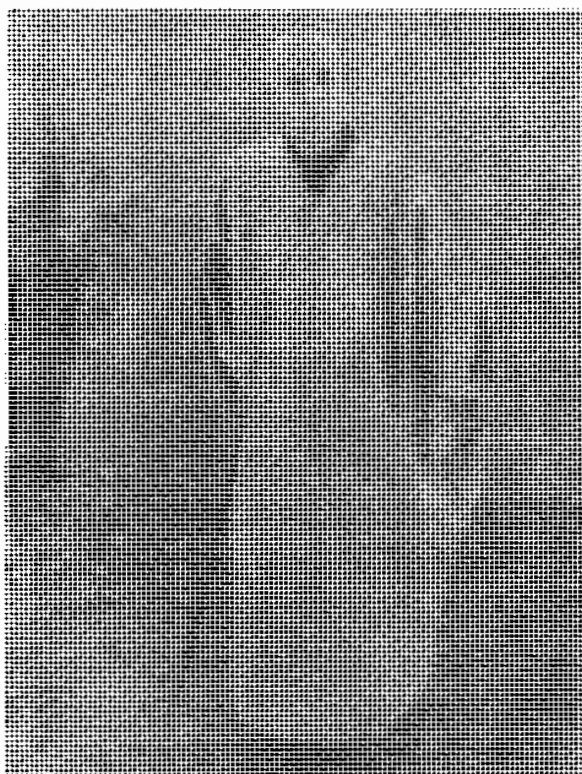
میں نے اس کے لئے ایک اور طریقہ بھی سوچا ہے۔

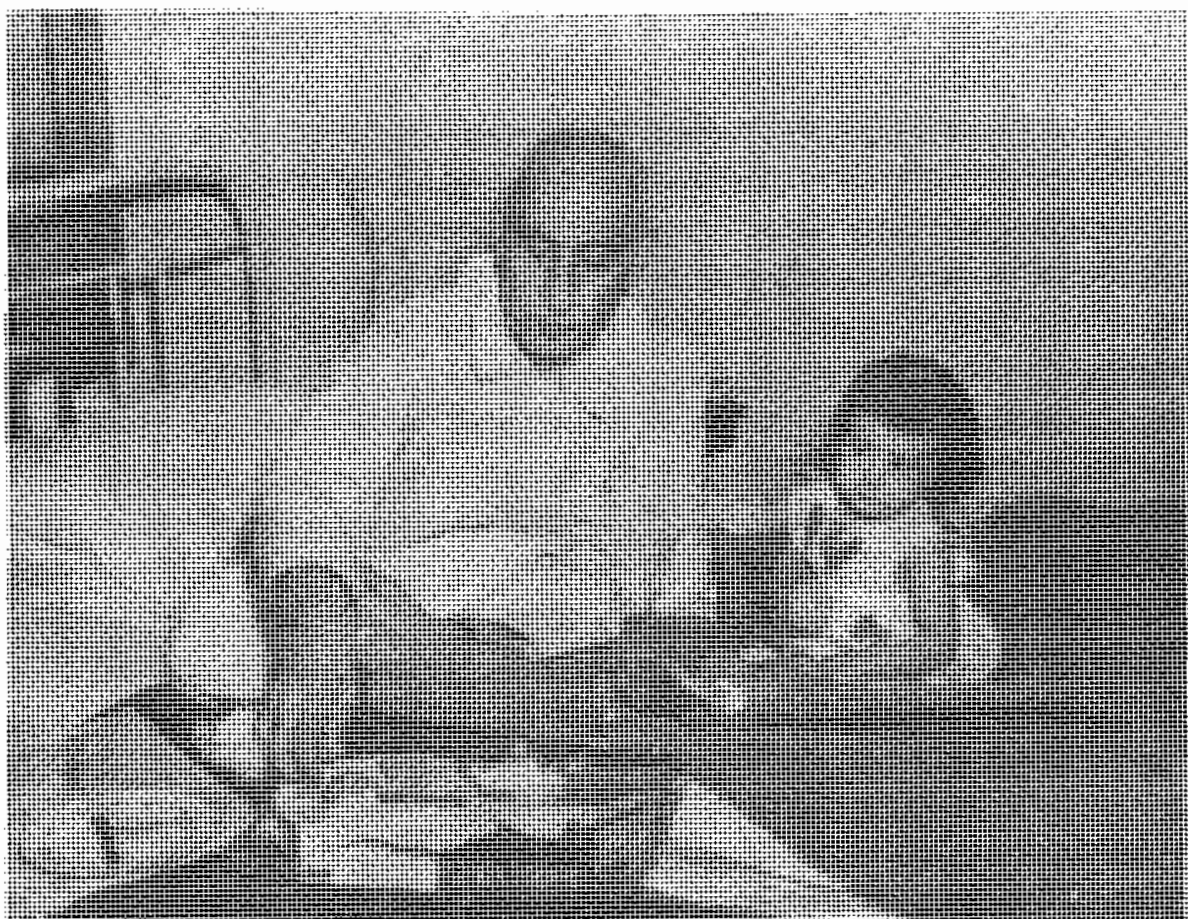
10/10/19

U4/4, n

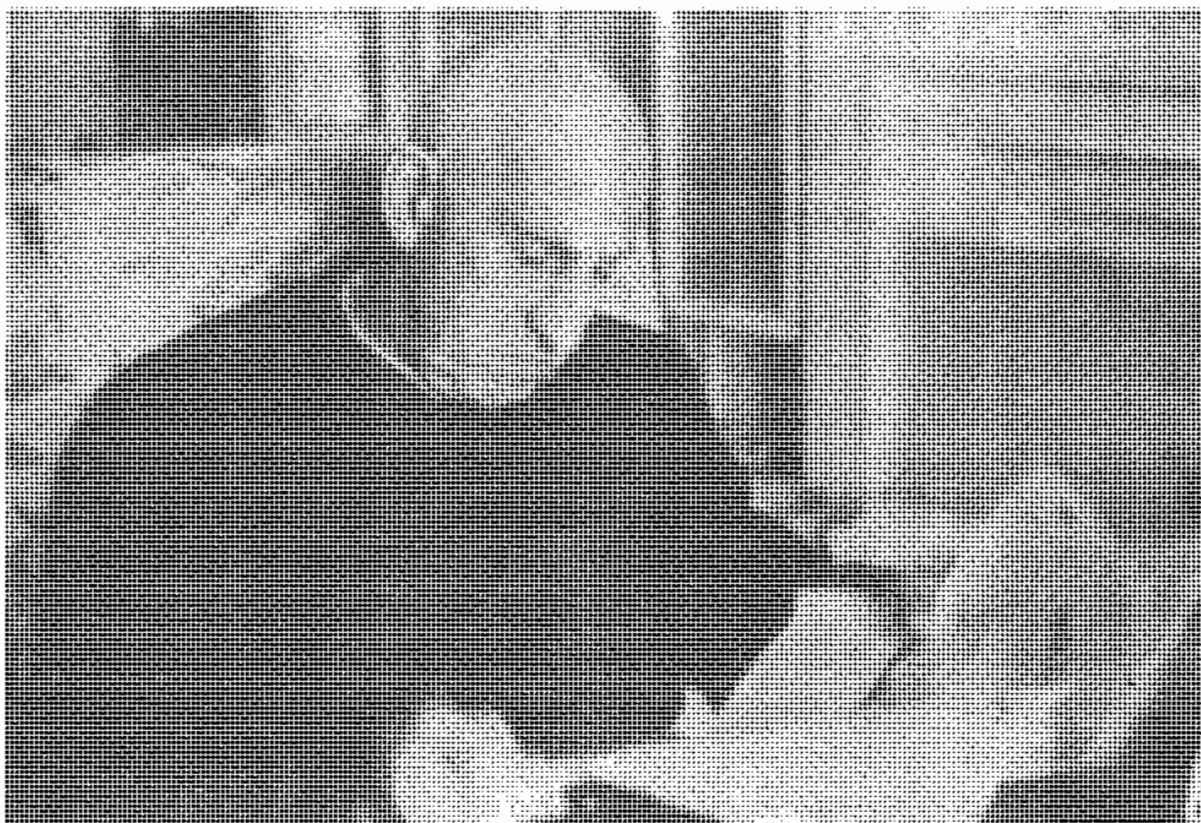
1973

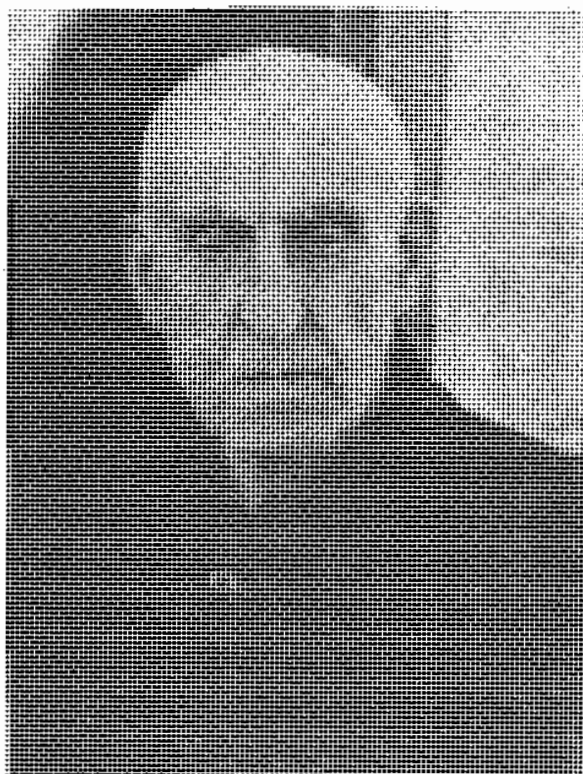












فهرست اعلام

آ - ۱	احمدی (سروان): ۱۱۵
آدمیت (میرزا عباسقلی): ۳۵۱	اخترالملوک: ۳۷
آزموده (سرتیپ): ۲۴۴ - ۲۴۵ - ۲۴۶ - ۲۷۰	اخوان (احمد): ۱۱۱
۲۷۲	اخوان (عباس): ۸۲
آشتیانی زاده (محمدرضا): ۱۴۴ - ۲۴۱	اخوی (دکتر): ۲۱۶ - ۲۶۵ - ۲۶۶ - ۲۶۷
آصف الملک: ۴۱ - ۴۲	اردلان (ناصر قلی): ۱۹۲
آرمیتاز (اسمیت): ۹۷ - ۹۸	ارفع الدوله: ۴۵
آرنولد مک نایر: ۲۵۵	ارفعی: ۸۴
آقا بیک (علی): ۹۵	استه تینیوس (مستر): ۷۹
آقا جان: ۳۸	استیفوس (مسیو): ۷۰ - ۷۱ - ۸۱
آقا رضا: ۵۴	اسدی (محمد حسین): ۲۷۴
آقا یف: ۴۷	اسکندر: ۴۸
آندره تالی: ۳۰۳	اسکندری: ۱۰۲ - ۱۰۳ - ۲۱۳
آیزنهاور (ژنرال): ۲۳۳	اسکندری (امیر نصرت): ۷۷
ابراهیمی (مهندس): ۲۷ - ۲۸۵	اشرف: ۲۷ - ۲۸ - ۳۷۰ - ۳۷۱
ابطحی (سید احمد): ۱۶۶	اصفهانى (حاج آقا نورالله): ۵۹ - ۶۰
ابهری: ۱۱۱	اعتبار: ۵۸
اتفاقیه: ۸۴	افشار (ایرج): ۳۵۱ - ۳۵۷
احتشامی: ۱۰۰	افشار طوس: ۲۲۸
احقری (محمد): ۱۴۳	افشار (محمود): ۳۶
احمد: ۳۷ - ۳۸	افندی (حبیب): ۲۳
احمد شاه: ۴۲ - ۴۴ - ۹۷	اقبالى (نعمت الله): ۲۱۸
احمدی: ۱۶۱ - ۲۰۹	اکباتانی: ۱۸۳

امام جمعه؛ ۳۶۰	بوداغيانس (مسيو)؛ ۷۰ - ۷۱
امامقلی؛ ۹۵	بوتهري؛ ۱۱۱
امامقلی ميرزا؛ ۷۱	بوکمان (دکتر)؛ ۲۲۹
امامی (جمال)؛ ۱۶۴ - ۱۷۸	بیات (افتخارالملوک)؛ ۱۶۱ - ۳۳۸
امير احمدی (سپهد)؛ ۳۰۹	بیات (ضياء اشرف)؛ ۲۸۴ - ۳۷۶ - ۳۷۷
امير اعظم (شاهزاده)؛ ۴۶	بیات (مجيد)؛ ۳۷۷
امير تیمور؛ ۵۸	بیات (مهندس محمد)؛ ۱۶۸
امير علائی (شمس الدين)؛ ۱۶۲ - ۱۶۷ - ۱۷۱ -	بهار (م)؛ ۵۸
۲۲۱ - ۲۳۲ - ۳۱۱	بهبھانی؛ ۱۵۰ - ۱۵۲
امين الحسيني؛ ۲۲۴	بهزادی (عیسی)؛ ۱۰۱
امینی؛ ۷۹ - ۸۰ - ۲۲۳ - ۳۵۴ - ۳۶۷ - ۳۷۲	بهمنیار کرمانی (احمد)؛ ۲۳۰
امين الدوله (ميرزا علی خان)؛ ۱۵۴	پ
امینی (ابوالقاسم)؛ ۱۹۳ - ۲۰۰	پازوکی (عبدالاحسين)؛ ۱۷۳
امینی (نصرت الله)؛ ۲۱۶ - ۳۰۸ - ۳۴۴ - ۳۷۲	پاکروان (امير حسين)؛ ۱۷۷
انصاری؛ ۲۶۳	پرودم؛ ۲۰۸
انگجی (سيد محمد علی)؛ ۲۰۱ - ۲۰۴	ت
انواری (احمد)؛ ۱۸۸	تاج (ميرزا محمد آقا)؛ ۵۶ - ۳۶۳
اویسی (علی)؛ ۱۱۱	تاراجند (دکتر)؛ ۳۰۱
اهری (محمد ابراهيمی)؛ ۵۸	تجدد (رضا)؛ ۲۶۹ - ۲۷۱ - ۲۷۲
ایدن؛ ۳۰۱	تدین؛ ۹۴ - ۹۵ - ۹۶ - ۹۷ - ۹۸ - ۹۹
ایلخانی؛ ۴۳	ترجمان الدوله؛ ۳۵۹
ب	ترومن؛ ۱۶۸ - ۱۷۴ - ۱۹۵
بازرگان (مهندس عبدالعلی)؛ ۳۴۸	تفضلی (محمود)؛ ۳۰۱
بازرگان (مهندس مهدی)؛ ۲۸۸ - ۳۱۸ - ۳۷۲	تقی زاده؛ ۵۸ - ۵۹ - ۷۹ - ۸۱ - ۱۰۳ - ۱۰۴ -
بختیار (تیمور)؛ ۲۴	۱۳۶ - ۳۶۴
بختیاری (امير اسعد)؛ ۵۸ - ۵۹	توللی (فریدون)؛ ۲۲۰
بدر؛ ۷۹ - ۸۵	تهرانچی (محمد رضا)؛ ۷۶ - ۷۷ - ۷۹
بروجردی (آیت الله)؛ ۲۲۲	تهرانی (اسمعیل)؛ ۳۴
برومند (ادیب)؛ ۱۹۳ - ۳۰۴ - ۳۱۹ - ۳۴۵ -	تیمورتاش؛ ۶۰ - ۶۱ - ۷۹
۳۴۶ - ۳۵۷	تیموری؛ ۷۹
بزرگمهر (مرهنگ)؛ ۲۴۳	ث
بقائی (دکتر)؛ ۱۱۷ - ۱۱۸ - ۱۷۹ - ۳۶۱	ثابتی (نیر اشرف)؛ ۳۷۱
بقائی (سرلشکر)؛ ۱۸۰ - ۱۸۲	
بلوکی؛ ۸۴	

- ثقة الاسلامی: ۵۸
- حکمت: ۱۸۸ - ۲۰۷
- حکمت (رضا): ۷۶ - ۷۷
- حکمت (سردار فاخر): ۳۸ - ۱۲۹
- حکیم الملک: ۲۰۷
- حکیمی: ۷۸ - ۷۹ - ۸۰ - ۸۱
- حمیدی: ۱۸۹ - ۲۲۷
- ج
- جعفری (احمد): ۲۲۱
- جلالی: ۸۴
- جم‌خو (علی اکبر): ۱۴۶
- جوادى (سرلشکر): ۲۴۴ - ۲۴۶ - ۲۴۷
- جواهر کلام (علی): ۱۷۷
- جهانبانی (سپهد امان‌الله): ۵۱
- چ
- چراغعلی: ۹۵
- چهار سوقی (آیت‌الله میرزا سید حسن): ۱۶۲ - ۱۶۳ - ۱۷۶ - ۱۸۳ - ۱۸۶ - ۱۸۷ - ۱۸۹
- ۱۹۰ - ۱۹۵ - ۱۹۹ - ۲۱۲ - ۲۱۴ - ۲۱۵
- ۲۱۶
- ح
- حاج محمدعلی: ۶۱
- حاجی غفار: ۲۰۴
- حائری‌زاده: ۵۸ - ۲۲۲
- حجت (آیت‌الله): ۲۲۲
- حجتی: ۲۳۶
- حداد: ۱۷۷ - ۱۷۸
- حریری طلوع: ۱۱۰
- حسابی (دکتر محمود): ۱۶۸ - ۱۷۹
- حیبی (مهندس): ۱۳۰ - ۱۴۱ - ۱۴۴ - ۱۵۱
- ۱۶۰ - ۱۹۱ - ۲۰۸ - ۲۱۱ - ۲۲۷ - ۳۲۷
- ۳۵۵ - ۳۵۷ - ۳۶۲ - ۳۶۳
- حسین آقا: ۳۵۴ - ۳۶۶ - ۳۷۲
- حسینعلی: ۳۳۳
- حشمت (حیدرقلی): ۵۸
- حضرتی (نقیب): ۲۱۱
- حق شناس (مهندس جهانگیر): ۲۷۴ - ۲۸۲
- ۲۸۷ - ۲۹۵ - ۲۹۸ - ۳۴۰ - ۳۴۴ - ۳۵۲
- خ
- خارقانی (حجت‌الاسلام سید اسدالله): ۵۲ - ۵۳
- خاضعی: ۲۷۸ - ۳۶۸ - ۳۶۹
- خبیری: (سیروس حسین): ۱۴۲
- خدیوی (سرهنک): ۳۳۳ - ۳۳۴
- خرازی (محمدرضا): ۸۲
- خسروانی (سرلشکر): ۱۱۴
- خطیبی: ۶۹
- خلعتبری (ارسلان): ۲۲۴ - ۲۳۹
- خواجه (سلیم خان): ۳۸
- خواجه نوری (سناتور): ۱۶۳
- خواجه نوری (صادق): ۵۸
- خوانساری (آیت‌الله سید محمد تقی): ۲۱۳
- د
- دادگر: ۱۷۹
- دادور: ۲۱۷
- دانشمند (محمد): ۸۴
- داور پناه: ۳۵۴
- دبیرالوزاره: ۳۵۹
- دری (حبیب‌الله): ۷۹
- دولت آبادی: ۱۱۰
- دولر: ۲۲۷
- دهخدا (علی اکبر): ۲۰۲ - ۲۰۶
- دیا (ابوالحسن): ۲۷۶ - ۳۴۲ - ۳۶۹
- دیوان بیگی: ۵۸ - ۱۷۶ - ۱۷۹

- ذ
- ذکاوت (سید محمد کاظم): ۱۴۷
- ذکایی: ۷۹
- ذوالریاستین زاده (محمد کاظم): ۲۳۶
- ر
- راستین (کیومرث): ۲۸۰
- راشد: ۲۷۹
- راضی (حسین): ۲۹۲ - ۲۹۶
- رحیمیان: ۷۹
- رحیمیان (غلامحسین): ۲۰۰
- رحیمی موقر (دکتر): ۲۸۴
- رزم آرا: ۱۴۹ - ۱۷۸
- رسا (سید اسدالله): ۳۴۵ - ۳۵۶
- رضوی: ۲۰۸ - ۲۲۵ - ۲۲۷
- رفسنجانی: ۸۵
- رفیع (رضا): ۱۸۷
- روح‌الله میرزا: ۹۵
- روحانی: ۲۰۱ - ۲۷۹
- روزرهینت: ۳۰۲
- رولن (پروفسور): ۲۲۱
- رهنما (شیخ مصطفی): ۲۹۹ - ۳۲۸ - ۳۵۰
- رئیی: ۲۱۱
- ز
- زاهدی (سرلشکر): ۱۱۵ - ۱۷۷ - ۲۲۵ - ۲۴۶
- زنجانی (سلطان العلماء): ۱۰۳
- زنگنه (مهندس): ۳۵۲
- س
- ساد چیکف: ۱۰۳
- ساعدا: ۱۰۳ - ۱۰۴
- ساعداالوزاره: ۳۸
- سالار السلطان: ۳۳
- سالار نصرت: ۴۱
- سالمی (حسن آقا): ۲۴۲
- سبز علی: ۹۵
- سپهدار اعظم (سردار منصور): ۳۹
- سجادی (دکتر): ۱۲۱
- سحابی (دکتر یدالله): ۳۱۸ - ۳۷۰
- سدان: ۱۷۶ - ۱۷۷ - ۱۷۸ - ۱۷۹ - ۱۸۰
- سرتیپ‌زاده: ۶۲
- سردار افخمی (مهندس): ۳۴۲
- سردار ناصر: ۴۷
- سرشار (میرحسین): ۳۴۲
- سعدالدوله: ۹۳
- سعد السلطنه: ۳۵۹
- سعدی: ۸۴
- سعدی (حاجی حنیا): ۸۴
- سلامت بخش (دکتر): ۱۴۳
- سهیلی: ۸۵ - ۱۶۵
- سید صادق: ۸۴
- ش
- شاخت (دکتر): ۳۶۵
- شادمان: ۸۶ - ۹۰
- شارب (مستر): ۲۳۵ - ۲۳۸
- شاکری (سرهنگ): ۲۴۷
- شانسی (علیجان): ۳۴۲
- شاه باغ: ۱۶۲
- شاهپوریان: ۲۲۴
- شایان (رضا): ۳۴۲
- شایگان (دکتر): ۲۲۰ - ۲۹۹ - ۳۳۵ - ۳۶۲
- شپرد: ۱۷۳
- شرافتیان: ۲۷۸ - ۳۶۸ - ۳۶۹ - ۳۷۱ - ۳۷۲ - ۳۷۴
- شریعتمداری (آیت‌الله سید کاظم): ۲۲۲
- شریعتمداری (دکتر علی): ۲۹۱ - ۳۲۹
- شریعتی (استاد محمد تقی): ۲۲۶
- شعاعی: ۱۴۹

- شکیبا؛ ۸۴
شمشیری (حسن)؛ ۲۷۶ - ۲۷۷ - ۲۶۸ - ۲۶۹ - ۲۷۳
شهید زاده (علی)؛ ۲۴۳ - ۲۴۷ - ۲۴۸ - ۲۵۸ - ۲۷۱
شیبانی (کاظم)؛ ۱۵۰
شیخ العراقین؛ ۳۳۸
شیخ رضایی؛ ۳۶۹
شیر نشان؛ ۷۵
- ص
صادقی؛ ۷۹
صالح؛ ۳۱۱
صالح (اللهیار)؛ ۲۰۸ - ۲۹۱ - ۲۹۸ - ۳۰۰ - ۳۳۱
صدر؛ ۷۶ - ۷۷
صدرايي اشكوري؛ ۱۶۲ - ۳۷۵
صدر (آیت‌الله)؛ ۲۲۲
صدر (حسن)؛ ۲۴۳ - ۲۴۷ - ۲۴۸ - ۲۵۸ - ۲۸۹ - ۲۹۵
صدر قاضی؛ ۷۹
صدیقی (دکتر غلامحسین)؛ ۲۸۴ - ۳۴۴ - ۳۵۳ - ۳۶۸ - ۳۷۲ - ۳۷۳ - ۳۷۵ - ۳۷۷
- ض
ضرابی (حسین)؛ ۲۱۷
ضرابی (سرتیب)؛ ۷۵
ضیاء احمدی (عباس)؛ ۱۲۸
- ط
طالقانی (آیت‌الله سید محمود)؛ ۳۱۸
طا (محمد تقی)؛ ۵۸
طاهری؛ ۱۱۰ - ۱۷۹
طباطبایی (سید ضیاء‌الدین)؛ ۳۸ - ۴۲ - ۴۳ - ۹۴ - ۱۱۱
- طباطبایی (سید محمد صادق)؛ ۱۰۹
طوسی (دبیر الممالک)؛ ۶۰ - ۷۶
طوسی (مرتضی)؛ ۱۱۱
- ظ
ظهیرالاسلام؛ ۴۶
- ع
عالمی؛ ۱۴۵
عالمی (شمس‌الدین)؛ ۲۰۱
عامری (تقی)؛ ۱۲۹
عدنان مندرس؛ ۲۲۳
عربانی (یوسف)؛ ۲۱۷
عضدالسلطان؛ ۳۶۱
عطایی (محمد رحیم)؛ ۲۹۳
عقیلی؛ ۲۵۰ - ۲۵۱
علاء (حسین)؛ ۱۹۰
علوی (شیخ محمدرضا)؛ ۱۴۵
علی آبادی (دکتر عبدالحسین)؛ ۱۶۸
علی کرم؛ ۹۵
عمیدالسلطنه؛ ۵۰
عنایت (حسن)؛ ۲۸۶ - ۳۴۸ - ۳۷۱
عنایت (محمود)؛ ۳۴۸
عینکچی (اسمعیل)؛ ۳۳۵
عینکچی (محمد تقی)؛ ۳۳۵
- غ
غروی (آیت‌الله)؛ ۱۱۱ - ۱۱۲
غضنفرالسلطنه؛ ۴۱
غضنفر علیخان؛ ۲۰۵
غنی زاده؛ ۱۹۱
غنی (قاسم)؛ ۱۲۵ - ۱۵۰
- ف
فاطمه خانم؛ ۲۸۱

- فاطمی (دکتر سید حسین): ۱۲۷ - ۲۰۲ - ۲۰۷ - ۲۹۰ - ۳۰۵ - ۳۵۰ - ۳۶۲ - ۳۷۶
 فاطمی (دکتر سعید): ۱۲۹ - ۱۴۸ - ۱۶۷ - ۲۸۶ - ۲۸۷ - ۲۹۰ - ۲۹۳ - ۳۰۶ - ۳۰۷ - ۳۵۰ - ۳۵۲
 فاطمی (دکتر سیف‌پور): ۲۳۷
 فاطمی (سلطنت): ۲۸۶
 فخرآبادی: ۱۶۳ - ۱۶۴
 فداکار: ۷۹
 فدکی (سید علی): ۳۰۸
 فراشبندی (علیمراد): ۲۷۵
 فرامرزی (عبدالرحمن): ۱۵۲
 فرخ (سید مهدی): ۳۴۹
 فردوسی (شهاب): ۷۹
 فرش: ۵۸ - ۵۹
 فرمند: ۷۹
 فروغی (محمد علی): ۶۸ - ۶۹ - ۷۰ - ۷۱
 فروهر (پروانه): ۲۹۴ - ۳۰۷ - ۳۰۸ - ۳۱۶ - ۳۴۱ - ۳۵۵ - ۳۵۷ - ۳۷۶
 فروهر (داریوش): ۲۸۰ - ۲۹۴ - ۳۰۹ - ۳۱۹ - ۳۵۶
 فروهر (غلامحسین): ۱۳۰ - ۱۳۱ - ۱۳۳ - ۱۳۵ - ۱۳۷
 فریدونی: ۸۴
 فریزر (سر ویلیام): ۱۳۴ - ۱۴۰
 فرمانفرما (عبدالحسین): ۳۶۰
 فرمانفرمایان: ۷۹ - ۲۹۲
 فریور: ۷۶ - ۷۷ - ۷۹
 فلسفی: ۷۹
 فرهمند: ۱۷۹
 فلاح: ۲۰۳
 فیروزآبادی: ۵۸
 فیروز (مریم): ۳۴۷
 فیروز (مظفر): ۲۹۶ - ۳۲۳
 فیروز (مهین): ۳۵۵
 فهیم‌الدوله: ۳۵۹
 فیلیپ استاکیل: ۱۷۷ - ۱۷۸ - ۱۷۹ - ۱۸۰
 ق
 قریشی: ۸۴
 قزل‌ایاغ: ۳۶۹
 قشقایی (خسرو): ۲۹۸
 قشقایی (صورت‌الدوله): ۴۳ - ۴۴ - ۴۵ - ۴۸ - ۲۹۸
 قطب (موسی): ۱۴۶
 قندهاریان (مهندس): ۳۴۲
 قوام: ۱۰۳
 قوام‌السلطنه: ۴۶ - ۴۹ - ۵۰ - ۵۱ - ۹۰ - ۹۳ - ۹۷ - ۱۰۰
 قوام‌الملک: ۴۱ - ۴۲ - ۴۴
 قهرمانی: ۱۸۱ - ۲۳۶
 قهرمانی (شعاع‌الدین میرزا): ۵۹
 ک
 کاشانی (آیت‌الله سید ابوالقاسم): ۱۲۸ - ۱۶۱ - ۱۹۴ - ۲۱۶ - ۲۴۲
 کاظمی (باقر): ۱۹۴
 کاکتارادزه: ۷۳
 کدخدا حسین: ۳۶۹
 کرم علی: ۴۸
 کریمی (نادعلی): ۱۴۶
 کژن (دکتر): ۲۳۵
 کسائی (جواد): ۱۴۶
 کلباسی (آیت‌الله): ۲۳۸
 کمال (سرتیپ): ۲۱۴
 کمره‌ای (آیت‌الله حاج میرزا خلیل): ۱۷۳
 کی استوان: ۵۹
 کیافر (دکتر): ۲۸۱ - ۲۸۲
 کیوان: ۲۱۲

- گ
- گاندی؛ ۳۰۱
- گرامی؛ ۲۱۶
- گرگانی؛ ۷۹
- گس؛ ۱۰۴
- گلزار (حسین)؛ ۳۱۴
- گلشائیان؛ ۲۶۶ - ۲۷۰ - ۲۷۲
- گله‌داری (احمد)؛ ۸۴
- گنابادی (پروین)؛ ۷۹
- ل
- لاری (علی اکبر)؛ ۸۴
- لاری (مهدی)؛ ۸۲
- لاواشری؛ ۱۵۳
- لطفی؛ ۳۷۳
- لیلی؛ ۳۷۲
- م
- ماکیموف؛ ۷۲
- متین الدوله؛ ۳۹ - ۴۰ - ۴۱ - ۴۸ - ۴۹
- متین دفتری (منصوره)؛ ۳۷۷
- مجدزاده (بیرام)؛ ۲۴۳ - ۲۴۸ - ۲۵۸
- محمد آقا؛ ۳۶۷
- محمود محمود؛ ۳۷۱
- محبی (عبدالحسین)؛ ۲۰۲
- مخبر همایون؛ ۳۵۹
- مختارخان؛ ۳۵۹
- مدرس؛ ۵۸ - ۹۶
- مدرس تهرانی (آیت‌الله حاج شیخ علی)؛ ۲۰۳ - ۲۰۷
- مستشارالدوله؛ ۳۶۰
- متوفی الممالک؛ ۶۸ - ۹۶ - ۹۷ - ۱۰۸ - ۳۵۱
- متوفی (میرزا حسن خان)؛ ۵۲ - ۵۸ - ۶۹
- مسعود (ژینت)؛ ۱۰۰ - ۱۰۱
- مسعود قمی (پوران)؛ ۱۰۰ - ۱۰۱
- مسعود (محمد)؛ ۱۰۰ - ۱۰۱
- مشهدی محمود؛ ۳۷۴
- مشیرالتجار؛ ۳۵۹
- مشیرالدوله؛ ۳۷ - ۳۹ - ۴۶ - ۴۸ - ۷۰ - ۹۸
- مشیر دیوانی؛ ۸۴
- مصدق (حمید)؛ ۲۸۴
- مصدق (خدیجه)؛ ۲۷۸ - ۲۶۷ - ۳۷۰ - ۳۷۴
- مصدق (دکتر محمد)؛ در اکثر صفحات
- مصدق (زهرا)؛ ۳۰۸
- مصدق (غلامحسین)؛ ۱۱۳ - ۲۸۴ - ۲۸۵ - ۳۷۲
- مصدق (محمود)؛ ۱۱۳ - ۱۱۴ - ۲۷۶ - ۲۸۲ - ۳۱۴
- مصدق (منصوره)؛ ۲۷۸ - ۲۸۴
- مصدق (مهندس احمد)؛ ۲۷۵ - ۲۷۶ - ۲۷۸ - ۲۸۰ - ۲۸۱ - ۲۸۳ - ۲۸۴ - ۲۸۵ - ۲۸۸
- ۳۲۳ - ۳۵۰ - ۳۵۱ - ۳۵۲ - ۳۵۴ - ۳۶۵
- ۳۶۶ - ۳۶۷ - ۳۶۸ - ۳۶۹ - ۳۷۰ - ۳۷۱
- ۳۷۲ - ۳۷۳ - ۳۷۴ - ۳۷۵ - ۳۷۷
- مظفرالدین شاه؛ ۱۵۴ - ۳۶۱
- مظفری (قدسی)؛ ۲۸۰ - ۲۸۱ - ۲۸۲ - ۲۸۳
- ۳۴۳ - ۳۶۵
- معمدالتولیه؛ ۵۸
- معظمی (محمد)؛ ۵۸
- معین (آیت‌الله)؛ ۱۲۸
- مقنی باشی؛ ۳۶۹
- مقبلی (تیمسار)؛ ۳۱۰
- مکی (حسین)؛ ۷۵ - ۱۰۲ - ۱۰۳ - ۱۰۴ - ۱۲۸
- ۱۲۹ - ۱۴۱ - ۱۴۲ - ۱۴۳ - ۱۴۴ - ۱۴۵
- ۱۴۶ - ۱۴۷ - ۱۴۸ - ۱۵۲ - ۱۶۴ - ۱۸۱
- ۱۸۲ - ۱۸۴ - ۱۹۲ - ۳۶۱ - ۳۶۲ - ۳۶۴
- ملک اسمعیلی (دکتر)؛ ۲۲۳
- ملک (حسن)؛ ۵۸
- ملکی (خلیل)؛ ۲۹۰ - ۳۴۲
- ممتاز همایون؛ ۳۵۹

- منتظری؛ ۱۶۳ - ۱۶۴
منصور (حسنعلی)؛ ۳۳۷
منصور (علی)؛ ۱۲۴
مؤتمن‌الملک (پیرنیا)؛ ۹۶ - ۱۰۸
موحدی؛ ۱۶۱
موریسون؛ ۱۶۵
مؤسس خان؛ ۵۱
موسوی (باقر)؛ ۲۲۰
مولوی (سرهنک)؛ ۳۳۳
مهدی؛ ۳۵۴ - ۳۶۶ - ۳۷۴
مهران (محمد)؛ ۱۹۴
مهرچی؛ ۸۵
میرزا ابراهیم؛ ۳۶۰
میرزاده (مهندس غلامحسین)؛ ۲۸۵
میرزا عبدالله خان؛ ۴۳
میر جلالی (سرلشکر)؛ ۱۸۴
میر رضی؛ ۸۴
میر سپاسی (دکتر)؛ ۱۶۲
میر ممتاز؛ ۵۸
میلیسپو؛ ۶۲ - ۶۸ - ۶۹ - ۷۱ - ۳۴۹
- ن
نبیل سمیعی (ابراهیم)؛ ۲۱۵
نجد سمیعی (احمد)؛ ۲۰۶
نجمی (ناصر)؛ ۱۰۱
نحاس پاشا؛ ۱۸۵ - ۲۰۷ - ۳۴۷
نریمان؛ ۳۴۲ - ۳۷۶
نصر؛ ۸۹
نصرالله خان (سرهنک)؛ ۴۸
نظام‌السلطنه؛ ۳۹ - ۳۶۰
نوابی؛ ۳۶۹
نورالدین کیا؛ ۱۹۵
نور علی؛ ۹۵
نور محمد خان؛ ۴۱
نوری السعید؛ ۲۱۵
- نیک پور (عبدالحسین)؛ ۸۲
- و
وارسته؛ ۱۲۵
وارن (ویلیام - ای)؛ ۲۰۴ - ۲۳۱
واصف؛ ۱۰۰ - ۱۰۱
واعظ نهاوندی (شیخ باقر)؛ ۲۷۴
وثوق‌الدوله (حسن وثوق)؛ ۳۴ - ۶۸ - ۸۱
وثوق (سرلشکر)؛ ۲۱۶
وثوق (معمد)؛ ۵۸
وثوقی (ناصر)؛ ۱۷۷ - ۱۷۸
وجدانی (جعفر)؛ ۲۴۹
ورهرام (سرتیپ)؛ ۲۴۶
وکیل‌الملک؛ ۳۸
- ه
هارد (مسیو)؛ ۳۸
هاشمی رفسنجانی (علی اکبر)؛ ۳۳۸
هدایت (خسرو)؛ ۱۱۱
هدایت (سرلشکر عبدالله)؛ ۲۴۵
هریمن؛ ۱۸۲ - ۱۹۶ - ۱۹۷
هژیر؛ ۸۲ - ۸۶ - ۹۰ - ۱۰۴ - ۱۱۲
هنسنس (مسیو)؛ ۳۴ - ۳۵
هیئت (علی)؛ ۲۵۱ - ۲۵۶ - ۲۶۱ - ۲۶۲ -
۲۶۷ - ۲۶۹ - ۲۷۱
- ی
یزدان پناه (سپهبد)؛ ۲۱۴
یزدی (دکتر ابراهیم)؛ ۲۸۸ - ۲۹۳ - ۳۰۸

